



دانشگاه شهید چمران اهواز
۱۳۹۸

جلد ۱

ویژه‌نامه تاریخ شفاهی دانشگاه

آثار نوشتاری دانشگاهیان به مناسبت آیین بزرگداشت
شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

۱۳۹۴

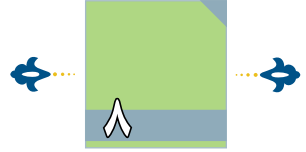
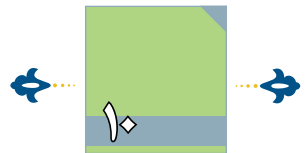





گردآوری و تدوین

دکتر حسن دادخواه
دکتر شهناز خادمی‌زاده
ندا شفیعی
مهندس سمیه طاهری فر
مریم سعیدی
سید مصطفی عالم‌زاده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

	دکتر غلامحسین خواجه رئیس دانشگاه	مقدمه
	دکتر شهناز خادمی زاده رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز	پیش گفتار
	دکتر حسن دادخواه رئیس کمیته اجرایی آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه	پیش گفتار
	پیام شخصیت‌های کشوری، استانی و دانشگاهی به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه	فصل یک
	آشنایی کوتاه با رؤسای دانشگاه شهید چمران اهواز	فصل دو
	دانشگاه شهید چمران اهواز در پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی	فصل سه
	آشنایی با تعدادی از اعضای هیئت علمی پیشگسوت	فصل چهار



یاد یاران



فصل
پنج



آشنایی کوتاه و نوشته‌هایی از مربیان، کارشناسان
و کارمندان دانشگاه



فصل
شش



یادها و خاطره‌ها (تاریخ شفاهی دانشگاه)



فصل
هفت



پیشینه و سابقه‌ی تاسیس واحدهایی از دانشگاه



فصل
هشت



نقد و نظر



فصل
نه



روزهای فراموش نشدنی



فصل
ده



مستندسازی و مدیریت دانش



فصل
یازده





پیوست های فرهنگی و چشم اندازهای نو در
آیین بزرگداشت

فصل دوازده



آسیب شناسی آیین بزرگداشت

فصل سیزده



گزارش های اجرایی - عملی

فصل چهارده



پیام دکتر غلامحسین خواجه رئیس دانشگاه

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

میهن عزیزمان ایران، همواره یکی از کانون‌های دانش‌دوستی و خردورزی بوده است. بی‌گمان بخشی از دستاوردهای فکری بشر، برآیند تأمل و اندیشه‌ورزی انسان ایرانی است. در جهان باستان، ایران، سرزمین روشنی و یکتاپرستی بوده است و منابع تاریخی همداستانند که خردورزی، دانش‌اندوزی و دادگری در فرهنگ و سنت ایرانیان، همواره ارجمند و ستودنی بوده‌اند. بر همین بنیاد، ایران، خاستگاه دانشگاه جندی‌شاپور، یکی از نخستین دانشگاه‌ها در دنیای کهن بوده است. آوازه‌ی این دانشگاه که عمری بیش از چهارصد سال داشته است، چنان در دنیای قدیم در پیچیده بود که بسیاری از دانشمندان تمدن‌های هند و یونان به شهر دانشگاهی جندی‌شاپور آمدند و به تدریس و پژوهش مشغول شدند.

بر پایه‌ی پژوهش‌ها، در این دانشگاه بزرگ، علوم مختلفی مانند پزشکی، فلسفه، الهیات، موسیقی، کشاورزی و کشاورزی تدریس می‌شده است. چنان‌که می‌دانیم، از آموزشگاه پزشکی جندی‌شاپور به عنوان کهن‌ترین مرکز پزشکی جهان یاد می‌شود که سده‌ها مشعل‌دار دانش پزشکی در ایران و جهان بوده است.

با تشرّف ایرانیان به دین مبین اسلام، به‌ویژه در دوره‌ی عباسی، بنا به ملاحظات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نیز، راه‌اندازی بیمارستان بغداد و «بیت‌الحکمه» که هر دو تقلید کاملی از بیمارستان و دانشگاه جندی‌شاپور بودند و فراخواندن و کوچ پزشکان و استادان آن‌جا به بغداد، چراغ فروزان جندی‌شاپور کم‌کم به خاموشی گرایید؛ اما سنت‌های آموزشی و پژوهشی آن تأثیراتی ارزشمند در شکوفایی تمدن اسلامی به جای گذاشت.

در دوره‌ی معاصر که راه‌اندازی دانشگاه‌های نوین در ایران رونقی تازه یافت، بنا به تصمیم

سیاست‌گذاران وقت و به یاد روزگاران باشکوه شهر دانشگاهی جندی‌شاپور، در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، دانشگاه جندی‌شاپور در اهواز بنیادگذاری شد. از آغاز راه‌اندازی این دانشگاه تا امروز که به نام تابناک شهید گرانقدر، دکتر چمران مزین است، تلاش‌ها و خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاهیان این مرکز علمی و فرهنگی را نمی‌توان در توسعه‌ی ایران و جنوب غرب کشور نادیده انگاشت. تربیت شمار چشمگیری استاد دانشگاه و هزاران معلم و کارشناس در رشته‌های گوناگون و اجرای پژوهش‌های متنوعی برای بهبود خدمات مهندسی و کاهش وابستگی به بیگانگان در صنایع مختلف، گوشه‌ای از نقش کارآمد این دانشگاه در توسعه و آبادانی کشور است. به‌ویژه، حضور اثرگذار استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه در مبارزات قهرمانانه‌ای که به انقلاب اسلامی انجامید؛ نیز، از خودگذشتگی کم‌نظیر آنان در سال‌های دفاع مقدس بر کسی پوشیده نیست. استقرار ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید والامقام، دکتر مصطفی چمران و میزبانی از چندین لشکر و یگان نظامی، از آغازین روزها جنگ تا سال‌ها پس از آن، طراحی و انجام خدمات فنی، مهندسی، آموزشی و فرهنگی مورد نیاز جبهه‌ها و اختصاص بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی دانشگاه برای خدمت‌رسانی به رزمندگان اسلام و تقدیم جمع بسیاری شهید، آزاده و ایثارگر، گوشه‌ای از همراهی و همدلی دانشگاهیان دانشگاه شهید چمران در راه سربلندی و سرفرازی میهن اسلامی است.

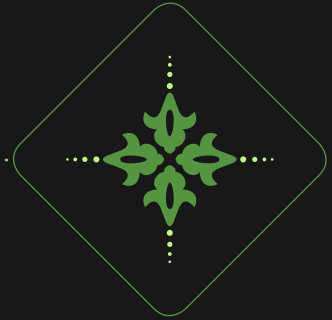
شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، بر پایه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب، فرصتی را فراهم آورد تا مدیران دانشگاه و برگزارکنندگان آیین بزرگ‌داشت این رخداد فرخنده، در محورهایی مانند مستندسازی، سپاسگزاری از دانشگاهیان، به‌ویژه نفرات برگزیده، جبران پاره‌ای کاستی‌های سازمانی و بالا بردن میزان مشارکت و همدلی میان دانشگاهیان و نوشتن یادداشت‌های تخصصی و نیمه‌تخصصی درباره‌ی مسائل آموزش عالی، اقداماتی را به سامان برسانند.

بر این پایه، روشن است که بخش پوشیده و تدریجی برنامه‌ها، بر آن دسته از برنامه‌های دیداری، جمعی و گردهمایی‌ها سنگینی می‌کند و از اهمیت بیشتری برخوردار است و دستاوردهای آن در گذر زمان آشکارتر خواهد شد. بر همین بنیاد، انتشار گزارش و تبیین نقش دانشگاه در دفاع مقدس، صدور پیام‌هایی وزین از سوی استادان دانشگاه و بازگویی خاطرات - که نوعی ثبت تاریخ شفاهی دانشگاه است - انتشار تصاویر ساختمان‌های دانشگاه، بازتاب تصویری کوشش‌های خاموش و ایثارگرانه‌ی کارکنان و چاپ کتاب شناسان دانشکده‌ها، تهیه‌ی تصاویر فردی و جمعی اعضای هیئت علمی و تولید تور مجازی از شکل کالبدی دانشگاه و تجلیل از رزمندگان و آزادگان سرفراز دانشگاه، بخشی از برنامه‌های فرهنگی و هنری سودمندی است که در دست پیگیری است.

بی‌گمان دستاوردهای این تلاش چه بسا در آینده آشکار خواهد شد و ثمرات و نتایج آن محسوس‌تر می‌شود. در ارزیابی نخست، می‌توان بالابردن میزان هم‌گرایی و مشارکت میان قشرهای گوناگون دانشگاه را بخش مهمی از اهداف پایه‌ای این آیین به شمار آورد. روشن است که این هم‌کاری و هم‌دلی، سرمایه‌ی گران‌قدری است که به آن می‌بالیم و حرکت‌های آینده‌ی دانشگاه را به پشتوانه آن پی می‌گیریم.

در پایان، ضمن احترام به تمام کسانی که در شش دهه‌ی گذشته، سهمی در اعتلای نام این دانشگاه داشته‌اند، یاد و خاطره‌ی استادان و کارکنان درگذشته‌ی دانشگاه را گرامی می‌دارم. هم‌چنین از تلاش‌های همه‌ی دست‌اندرکاران برپایی آیین‌ها و برنامه‌های گوناگون شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، به‌ویژه از برادر ارجمندم، دکتر محمد رعایایی اردکانی، سرپرست پیشین دانشگاه برای اهتمام به تشکیل ستاد بزرگ‌داشت و پیگیری امور مربوط سپاسگزاری می‌کنم.

از درگاه پروردگار مهربان، توفیق بیشتر و دوام خدمت‌گزاری مجموعه‌ی دانشگاهیان دانشگاه شهید چمران را در راه سربلندی میهن عزیزمان ایران خواستارم.



مقدمه ای بر تاریخ شفاهی دانشگاه شهید چمران اهواز

انبوهی از خاطرات و تجارب ثبت نشده و سنتهای فراموش شده به همراه غنای فرهنگی هر مرز و بوم، ضرورت توسعه، گسترش و ساماندهی تاریخ شفاهی را پدیدار می نماید. تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد. تاریخ شفاهی قدیمی ترین نوع تاریخ است که مربوط به پیش از دوره آغاز اختراع الفبا و ثبت تاریخ می باشد. از آنجا که اسناد شفاهی یکی از راههای اصلی انتقال «معرفت» گذشته جوامع بی سواد و کم سواد بوده است؛ فرصت ثبت و نگارش تجارب زنده را به کسانی که فاقد آموزش های لازم برای انجام پژوهش های تاریخی بودند، مهیا کرده است. بررسی نقش دانشگاهها در شناسایی و استفاده از تاریخ شفاهی در دنیا نشان می دهد شروع، گسترش و پیشرفت تاریخ شفاهی در دنیا با دانشگاهها عجین بوده است، ضمن آنکه مهمترین مراکز تاریخ شفاهی در دانشگاهها هستند و بیشترین آرشیوها و نگهدارندگان منابع شفاهی نیز در دانشگاهها می باشند.

تاریخ شفاهی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز

یکی از رسالت‌های بخش اسناد کتابخانه مرکزی، جمع‌آوری مستندات است که هویت، پیشینه و تاریخ دانشگاه را دربر می‌گیرد؛ از این رو جهت انجام این رسالت، همزمان با برپایی مراسم بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، ثبت و ضبط تاریخ شفاهی از دی ماه سال ۱۳۹۴ در بخش اسناد و مدارک کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز شد؛ و در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۴ همزمان با آغاز دهه مبارک فجر با تأسیس «دفتر گردآوری و حفظ پیشینه، و بزرگداشت دانشگاه» در بخش اسناد، با اهداف و وظایف زیر، رسیدگی به این مهم، گسترده‌تر شد.

اهداف بخش تاریخ شفاهی به شرح ذیل می باشد:

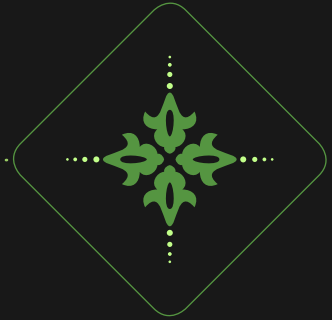
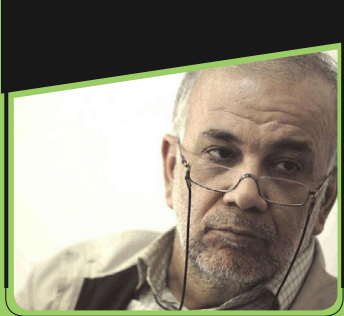
۱. یافتن راه‌هایی برای گردآوری پیشینه دانشگاه از طریق پیگیری تدوین تاریخچه جامع هر یک از دانشکده‌ها، حوزه ریاست دانشگاه و معاونت‌های دانشگاه.
۲. تلاش برای هویت‌بخشی به دانشگاه و بازگرداندن اعتبار آن از راه حفظ میراث گرانقدر علمی و فرهنگی دانشگاه.
۳. بزرگداشت زحمات کوشش‌های دانشگاهیان.
۴. شناساندن دانشگاه به جامعه و مردم.

در راستای اهداف مذکور، وظایف ذیل بر عهده بخش تاریخ شفاهی می باشد:

۱. گردآوری و حفظ مدارک و اسناد تاریخی دانشگاه از طریق:
 - جمع آوری و تهیه کتاب‌های مربوط به پیشینه دانشگاه.
 - گردآوری عکس‌های قدیمی و تاریخی اشخاص و ساختمان‌های دانشگاه.
 - کوشش برای نگه‌داری نسخه‌هایی از کتاب‌ها، پوسترها و اقلام فرهنگی با ارزش دانشگاه.
 - همکاری با روابط عمومی دانشگاه در زمینه‌های تدوین و تبدیل تاریخ شفاهی دانشگاه به تاریخ نوشتاری از طریق انجام مصاحبه با پیشکسوتان دانشگاه و تدوین خاطره‌ها و توصیفات آنان.
 - همکاری با روابط عمومی دانشگاه در زمینه مستندسازی وضع موجود از طریق تهیه تصویر و فیلم از اشخاص و محیط داخلی دانشگاه.
 - همکاری با امور اداری دانشگاه در ملزم کردن کلیه مستخدمان دانشگاه به ارائه تصویر با کیفیت اداری و تحویل به دانشگاه برای ضبط در پرونده پرسنلی.
 ۲. آرشیوسازی
 - کوشش برای راه‌اندازی بخش آرشیو اسناد، مدارک، تصاویر، نقشه‌های مهندسی و گزارشات مربوط به وضعیت دانشگاه در واحدهای دانشگاهی.
 - پیگیری امر تهیه گزارش کار در کلیه واحدهای دانشگاه ضبط و حفظ اسناد مربوط به آن.
 ۳. بزرگداشت:
 - قدردانی از تلاش‌ها و کوشش‌های کلیه مستخدمان دانشگاه و به ویژه پیشکسوتان و استادان بازنشسته از راه‌های گوناگون .
 - همکاری با کانون بازنشستگان دانشگاه و کانون دانش‌آموختگان دانشگاه در زمینه احقاق حقوق قانونی آنان و دفاع از منزلت ایشان.
 - نشر کتاب، نشریه و یا گاهنامه ادواری در این زمینه.
 - راه‌اندازی موزه دائمی اسناد و مدارک دانشگاه در محوطه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و یا در سطح پردیس دانشگاه.
- کتاب حاضر، که در بردارنده مجموعه نوشته‌های دانشگاهیان به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه است؛ از سویی نخستین کتابی است که از سوی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه منتشر می‌شود و از سوی دیگر، نخستین کتاب در حوزه تاریخ شفاهی دانشگاه شهید چمران اهواز به شمار می‌رود. از این رو، نباید انتظار داشت که این گام نخست، بی‌نقص و کاستی باشد. تدوین و انتشار آن نوشته‌ها، در واقع دریچه‌ای است که چشم انداز آن، می‌تواند مشتاقان را به برداشتن گام‌های دیگر و بر پایه اصول و پایه‌های علمی تاریخ شفاهی، امیدوار کند.

دکتر شهناز خادمی زاده

رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز



آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، بی گمان مهم ترین رویداد فرهنگی در شش دهه گذشته دانشگاه بوده است. این سرآمدی و برجستگی، از آن روست که برگزاری آیین یادشده با بهره گیری از تجربه و آسیب شناسی و کوشش برای جبران کاستی ها و بر پایه احساس مبتنی بر دانشی بود که به تدریج به کمک همکاران در گروه های آموزشی مربوطه، شاخ و برگ گرفت، امید می رود که در آینده نزدیک به بار بنشیند.

در فرآیند سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرای مراسم، با آسیب ها و کاستی هایی روبرو شدیم. شناخت این آسیب ها و کاستی ها، نه تنها برگزاری آیین بزرگداشت را با تهدید روبرو ساخت بلکه فرصتی را فراهم آورد تا برای جبران آن کاستی ها و آسیب ها، چاره اندیشی گردد.

در این راستا، داشته های بسیاری توشه راه قرار گرفت. وجود مفاخر دانشگاه، بازنشستگان، پیشکسوتان، کارشناسان و مدیران با انگیزه، سرمایه بزرگی است که به یاری فراخوانده شدند.

از رهگذر همکاری ایشان، پیشینه پرافتخار دانشگاه از حافظه ها بر صفحات و برگ ها نقش بست، تصاویر ارزشمند تاریخی گردآوری شد، خرده گیری و انتقاد های سازنده و دلسوزانه ابراز گشت، چهره های فراموش شده ولی پرکار شناسانده شدند، یاد و خاطره همکارانی که چهره در نقاب خاک کشیدند، گرمی داشته شد و هویت و اعتبار و پیشینه دانشگاه که در غباری از بدگمانی و رنجش ها پوشیده مانده بود، با شوق و جوشش حاصل از برگزاری آیین بزرگداشت در قالب مدارک و اسناد نوشتاری بازتولید شد.

آنچه در چهارده فصل از جلد یکم ویژهنامه حاضر خواهید خواند، به جز فصل یادیاران، که از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ فراهم کردن آن به درازا کشید، دیگر فصل ها حاصل روزها و ماه های منتهی به پایان سال ۱۳۹۴ است.

با پایان یافتن سال ۱۳۹۴، افزون بر ادامه کوشش‌ها برای تکمیل فصل یادیاران، کوشش و جستجو برای گردآوردن مطالبی مبنی بر آشنایی با مفاخر دانشگاه، اعضای هیئت علمی بازنشسته، اعضای هیئت علمی انتقال یافته، اعضای هیئت علمی با بیش از بیست سال سابقه خدمتی و ثبت و ضبط خاطرات ادامه یافت که به امید خدا با سامان بهتری در جلد دوم به چاپ خواهد رسید.

مطالب این ویژه‌نامه چه بسا در نگاه اول، رنگارنگ و متنوع در شکل و ساختار به نظر آید. این تنوع و رنگارنگی در ساخت، گرچه می‌تواند حاکی از غیر علمی بودن روش و شیوه فراهم شدن آنها باشد ولی گواهی بر نوپایی و تازگی این مقوله در دانشگاه شهید چمران اهواز است که به یاری همکاران متخصص در قالب مباحثی چون تاریخ شفاهی و مدیریت دانش، سامان داده خواهد شد و سرچشمه تحول و دگرگونی در زیرساخت‌های اداری دانشگاه می‌گردد.

در پایان، از کلیه افرادی که در تولید متون، تنظیم و آماده‌سازی این سند و ثروت بی‌پایان همت والایی از خویش نشان دادند سپاسگزاری می‌کنم.

دکتر حسن دادخواه

رئیس کمیته برگزار کننده آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه



فصل اول

پیام شخصیت‌های کشوری،
استانی و دانشگاهی به
مناسبت شصتمین سالگرد
تاسیس دانشگاه



پیام رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به اجلاس شصتمین سالگرد

بسم الله الرحمن الرحيم

برگزاری همایش شصتمین سال بنیانگذاری دانشگاه شهید چمران اهواز، یادآوری و تجلیل از حضور بیش از نیم قرن آموزش عالی، آن هم به سبک نوین در منطقه حساس جنوب غربی کشور است. منطقه‌ای که در طول تاریخ، همیشه یکی از قطب‌های اساسی ایران در علم، اقتصاد، فرهنگ و تمدن بوده و خدا را شکر که آن سابقه طولانی، با گذشت بیش از نیم قرن، امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی درآمیکته و دانشگاهیان آن خطه، در همه شرایط، حتی در ۸ سال دفاع مقدس، با بازننگری و ارزیابی راه گذشته و ترسیم برنامه‌های آینده، بر نقش و اهمیت این مرکز پژوهشی و آموزشی افزوده‌اند.

گرچه نام پرافتخار کنونی دانشگاه در تاریخ معاصر ایران، به خاطر نقش مردم خونگرم خوزستان و شهر اهواز، اذهان را به نقش برجسته آن در دوران جنگ تحمیلی معطوف می‌دارد، ولی نباید پیشینه‌ی بلند این دانشگاه و خدمات پژوهشی استادان و چهره‌های علمی و تأثیرگذارش را در روند توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خوزستان و سراسر کشور از یاد برد که امروزه بسیاری از دانشجویان این دانشگاه، فرهنگیان فرهیخته، مهندسی‌ن ماهر و مدیرانی ارزنده در سطوح مختلف هستند و اگر فهرستی از نقش دانش‌آموختگان این دانشگاه در سراسر کشور فراهم شود، مطمئناً دفتری سرشار از افتخارات خواهد بود.

البته باید توجه داشت که با وجود این نقش پررنگ و علی‌رغم کوشش‌ها و پشتیبانی‌های مدیران و مقامات ملی و استانی، در سالهای پس از پایان جنگ تحمیلی، هنوز دانشگاه شهید چمران اهواز به جایگاه شایسته خود در میان دانشگاه‌های برتر ایران نرسیده و حمایت‌های علمی وزارت علوم و پشتیبانی‌های معنوی روحانیون و شخصیت‌های سرشناس منطقه و همکاری دولت و ملت می‌تواند در فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای رشد و پیشرفت دانشگاه مؤثر واقع گردد. در این راستا، آیین بزرگداشت شصت سالگی، می‌تواند انگیزه و فرصت مناسبی برای جلب توجه مقامات کشوری در برآوردن نیازهای اساسی و جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته این دانشگاه باشد. برگزاری همایش شصتمین سال تأسیس دانشگاه شهید چمران را به ویژه در آستانه برگزاری دوره انتخابات مهم اسفندماه سال جاری، به فال نیک گرفته و یادآور می‌شوم که نقش حضور شاداب و گسترده فرهیختگان کشور از جمله استادان و دانشجویان در این انتخابات و آگاهی‌بخشی به آحاد جامعه، برای ترغیب همگان به حضور و انتخاب افراد دلسوز، عاقل و معتدل بسیار ارزشمند و سازنده است تا بتوانند در موقعیت‌های خطیر سیاسی و اقتصادی پیش روی کشور، به ویژه در دوران شکوفایی ارتباطات بین‌المللی و اقتصادی پسابرجام مؤثر و مفید باشند. با تشکر از دست‌اندرکاران برگزاری این همایش، امیدوارم دانش‌موختگان همه مراکز آموزش



عالی در استان خوزستان، در راستای ویژگی‌های کشاورزی و صنعتی آن خطه زرخیز که آب، خاک و هوای مناسب را برای رشد و بالندگی دارد، دانسته‌های علمی خویش را به شکل علمی و کاربردی در جامعه جاری نمایند و استان خوزستان و مردم باصفایش که نقش خود را به اسلام و ایران وفادارانه ایفا کرده‌اند، به جایگاه ارزنده خویش برسند، انشاءالله.

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیام دکتر محمد فرهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

افتخار دارم در جایگاه وزیر علوم تحقیقات و فناوری و به نمایندگی از جامعه علمی و دانشگاهی کشور، شصتمین سالروز تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را به استادان، پژوهشگران، دانشجویان، کارکنان و مردم خونگرم و شهیدپرور استان خوزستان تبریک بگویم.

شکی نیست که دانشگاه شهید چمران اهواز یکی از دانشگاه‌های کهن و قدیمی این مرز و بوم و از مراکز بزرگ علمی مشرق زمین بوده و در منطقه استراتژیک جنوب کشور و در مجاورت ذخایر نفتی و آب‌های جنوب، از دیرباز مسئولیت و رسالت سنگین تربیت نیروی انسانی متخصص را به عهده داشته، در دوران دفاع مقدس پایگاهی مستحکم برای دانشگاهیان و دانشجویان و مرکزی برای ساماندهی نیروهای رزمی، تخصصی، درمانی، پشتیبانی و آموزشی بوده است و اگرچه متحمل خسارات فراوانی شده است، لیکن در تمام مدت مقاوم و استوار انجام وظیفه کرده و در دوران سازندگی نیز در بازسازی مناطق جنوب مشارکت فعال داشته است.

این دانشگاه امروز نیز با درک هوشمندانه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود توانسته است گام‌های مناسبی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی برداشته و با تربیت هزاران دانش‌آموخته فرهیخته، در تأمین نیروهای متخصص و مورد نیاز کشور و منطقه نقش آفرینی کند. اینک در آستانه شصتمین سال تأسیس این دانشگاه پرتوان و با ظرفیت و با اگتنام فرصت از استادان، اندیشمندان و پژوهشگران و دانشجویان انتظار دارم با شناخت مسائل و مشکلات منطقه‌ای و ملی، با استفاده از روش‌های علمی جهت تحقق سیاست‌های علم و فناوری دولت، ترویج فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان، ترویج فرهنگ کارآفرینی، با محوریت تحقیقات کاربردی در توسعه فناوری و تکمیل چرخه تبدیل علم به ثروت ایفاء نقش نمایند و در بُعد بین‌المللی نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی هم‌جواری با کشورهای مسلمان عرب، نقش کلیدی را ایفاء نمایند.

به دانشگاهیان عزیز توصیه می‌کنم با استفاده از تمامی نیروها و اقوام و دیگر توانمندی‌های منطقه، در ایجاد فرهنگ مقاومت و اقتصاد دانش‌بنیان در جهت توسعه علمی کشور همت گمارند و زمینه احیای تمدن عظیم ایرانی - اسلامی و تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی را فراهم آورند. از دانشجویان و دانش‌پژوهان می‌خواهم با استفاده از فضای مناسب و امکانات و اساتید فرهیخته در تداوم توسعه علمی کشور و استقلال آن نقش آفرینی کنند.

امیدوارم با استعانت از الطاف الهی بتوانیم گام‌های موثری در ارتقای جایگاه علمی ایران اسلامی برداریم و در آینده‌ای نزدیک شاهد قرار گرفتن ایران عزیز در میان کشورهای برتر جهان از نظر علم و فناوری و مرجعیت علمی کشور در منطقه و جهان باشیم.

محمد فرهادی

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

پیام درباردار علی شمشانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی

با درود به روان پاک شهدا و جانبازان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه شهید چمران اهواز که بی‌شک گران‌قیمت‌ترین سرمایه‌های این نهاد علمی در مسیر بالندگی و رشد و اقتدار جمهوری اسلامی ایران هستند.

اکنون حاصل و نتیجه شش دهه کوشش و زحمات استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه شهید چمران اهواز در زمینه‌ی پرورش و آموزش، در هزاران دانش‌آموخته‌ی انقلابی و نیروی کارشناس و مدیران دستگاه‌های اجرایی دولتی و خصوصی متبلور شده است.

دانشگاه یکی از مهم‌ترین نهادهای قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران است. نگاه ویژه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و در حال حاضر مقام معظم رهبری مبنی بر توجه همه دستگاه‌ها به دانشگاه و هم‌چنین توصیه به حضور مسئولان در میان دانشجویان مطالبه‌گر، برآمده از عمق نگاه راهبردی و خاصیت تمدن‌سازی نهفته در دانشگاه است؛ لذا بازنگری و مرور تجارب شصت‌ساله که طی آن نسل‌های متعددی تربیت و به جامعه تقدیم شده‌اند، فرصتی فراهم خواهد آورد تا بر نقاط قوت بیش از گذشته تاکید شده و نقاط ضعف احتمالی نیز اصلاح شود.

دانشگاه شهید چمران اهواز در حوزه‌ی تربیت و رشد دانشجویان و نخبگان پیشرو انقلابی همواره در زمره‌ی دانشگاه‌های برتر قرار داشته است. مهم‌ترین نقاط قوت این دانشگاه، پیوند میان علم و فرهنگ است که برخاسته از روحیه‌ی مردم خوزستان و به‌ویژه فرهنگ حماسی و ایثارگری آنان است. اگر دانشگاه، یک دانشگاه علمی و خالی از دین باشد، نه‌تنها برای آینده‌کشور مفید نخواهد بود، بلکه در زمان مورد نیاز نیز اولویت‌ها را تشخیص نخواهد داد و از کاربری تخصصی خود بازخواهد ماند.

دانشگاه شهید چمران اهواز در طول هشت سال دفاع مقدس پایه‌پای مردم دلیر و آگاه به زمانه‌ی خود هم‌چون سربازان گمنام امام زمان (عج) در مقابل تمامی ابرقدرت‌ها از هویت اسلامی-ایرانی دفاع کرد و به‌عنوان پایگاهی مقتدر در امر ساماندهی، تدارکات و اعزام نیروها به جبهه‌های مقدس نقش‌آفرینی کرد.

همگام با بازسازی خوزستان پس از جنگ، دانشگاه نیز باید خود را بازسازی و بروز رسانی نموده و با عزمی جهادی، دستیابی به افق‌های ترسیم‌شده در علم، فناوری و پرورش نخبگان میهن‌دوست را به‌عنوان هدف و اولویت خود قرار دهد.

در عین حال باید دانست مسیر انقلاب اسلامی به ویژه در ابعاد پیشرفت علمی هرگز متوقف نخواهد شد و امید است مسئولان و دانشجویان این دانشگاه با سرلوحه قرار دادن آموزه‌های اسلامی مبنی بر قدرت‌سازی از علم، به‌عنوان پشتوانه‌ی نظام اسلامی بهره برده و حرکت در مسیر سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب را با عزمی جهادی به پیش برند. همان‌طور که به یاد داریم، معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بر اصلاح و بازتعریف مفاهیم و علوم پایه دانشگاهی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی تاکید داشتند و اصلاح جامعه اسلامی را منوط به اصلاح دانشگاه دانستند.

در همین راستا، لازم است گروه‌هایی جهادی با رویکردهای تخصصی در دانشگاه‌ها، حرکتی کلی به سمت این توصیه مهم را شتاب بخشند. امید است که فرزندان انقلابی رهبر گران‌قدر انقلاب در سراسر دانشگاه‌های کشور با حرکت در این مسیر به رشد و بالندگی روز افزون علمی کشور کمک کنند.

ضمن شادباش شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران، از درگاه پروردگار مهربان برای استادان، دانشجویان و کارکنان ارجمند این مرکز مهم علمی و آموزشی توفیق روزافزون خواهانم.

علی شمخانی

پیام دکتر عبدالحسین مقتدایی، استاندار خوزستان

باسمه‌تعالی

سال ۱۳۹۴، برابر با شصت‌سالگی نخستین دانشگاه در دوره جدید، در استان خوزستان و کلان‌شهر اهواز است. آموزش عالی در شش دهه‌ی گذشته، بی‌گمان سرچشمه‌ی بسیاری از دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی در این پهنه از میهن اسلامی ایران به شمار می‌آید. در این راستا، کوشش‌های دانشگاهیان، در انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی و آموزش نیروی انسانی متخصص و تربیت و رشد نسل‌ها و شخصیت‌های متعهد و ایران‌دوست، زمینه‌ساز این تحولات و دگرگونی‌ها بوده است.

گسترش آموزش عالی در شهرهای این استان، فرصتی را فراهم آورده است تا رنگارنگی‌های موجود در بافت اجتماعی مردم این دیار، در کنار یکدیگر قرار گیرد و بوستانی زیبا از شکوفه‌ها و گل‌های توسعه‌یافتگی، علم دوستی و خردورزی را به ثمر بنشاند.

از این‌رو، بر همه تربیت‌یافتگان مکتب انسان‌ساز اسلام لازم است تا در پاس‌داشت و نکوداشت شصت‌سالگی آموزش عالی در خوزستان از زحمات بی‌دریغ اهالی دانشگاه‌قردانی و منزلت و حریم این مکان مقدس را پاس بداریم.

اینجانب، به‌روزی و تندرستی استادان فرهیخته و کارکنان صدیق بخش آموزش عالی را که در واقع از سرمایه‌های اجتماعی ما محسوب می‌گردند؛ از خداوند یکتا خواهانم.

عبدالحسن مقتدایی
استاندار خوزستان



پیام دکتر منوچهر دوائی
نخستین رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

اینجانب به عنوان اولین سرپرست این دانشگاه، پس از انقلاب شکوهمند اسلامی با نهایت احترام و قدرشناسی نسبت به اساتید فرهیخته و معظم این مؤسسه و کارکنان صدیق و سخت کوش و دانشجویان سربلند روز ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۴ مصادف با شصتمین سالگرد این دانشگاه را تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که درخشش این دانشگاه در صحنه علم جهان روزبه‌روز فزون‌تر گردد.

با نهایت اخلاص
دکتر منوچهر دوائی

پیام دکتر خسرو نادران طحان از روسای پیشین دانشگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

شصتیمین سال تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را به جامعه دانشگاهیان و فرهنگ دوستان کشور به ویژه مردم شریف استان خوزستان تبریک عرض می‌کنم. یاد و خاطره شهدای دانشگاه و اعضاء هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان عزیزی را که به علل مختلف اکنون در میان ما نیستند و در جوار حق تعالی آرمیده‌اند گرامی می‌داریم. به روح پرفتوح بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب درود می‌فرستیم و قدردان همکاران عزیزی هستیم که بعد از سال‌ها خدمت صادقانه در سال‌های سختی و گشایش، به افتخار بازنشستگی نائل آمده‌اند. زنان و مردانی که با صبر و بردباری، سال‌های سخت جنگ و کمبودها را به سال‌های گشایش و فراوانی رساندند و خود را مشمول رحمت پروردگار یافته‌اند که فرمود «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ». امیدواریم خداوند متعال طول عمر با عزت، سلامتی و شادکامی به آن‌ها عطا فرماید.

شصت سال است که زنان و مردان با فرهنگ و دانشمند در این دانشگاه تعلیم و تربیت نسل‌های جوان و علاقمند کشور عزیزمان ایران را در سرزمین پرخیر و برکت خوزستان به عهده گرفته‌اند. سال‌های پرتلاش و فعالیت‌های روبه گسترش که حتی هشت سال حملات شبانه‌روزی دشمنان این ملت سرافراز نتوانست وقفه‌ای در آن به وجود آورد. نقش سازنده جمع کثیری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه جندی‌شاپور سابق و دانشگاه شهید چمران کنونی در ارتقاء سطح فرهنگ، دانش، اقتصاد و بهداشت عمومی و افزایش آگاهی‌ها و اعتماد به نفس جوانان کشور و استان خوزستان، غیر قابل انکار است. استانی علیرغم وجود نعمت‌های فراوان خدادادی، از محرومیتی رنج می‌برد که بخشی از آن به دلایل طبیعی و بخشی دیگر ناشی از بی‌مهری‌هاست. افتخار می‌کنیم که دانشگاه شهید چمران اهواز در شصت سال گذشته بخصوص در سی و پنج سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، با تلاش خستگی‌ناپذیر و تحسین برانگیز مدیران، اعضاء هیئت علمی و کارکنان خدوم، علیرغم وجود مشکلات طبیعی و یا ساختگی، با تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز، در پیشرفت کشور مشارکت فعال داشته است. این مجموعه ارزشمند فرهنگی و علمی با توسعه چشمگیر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود، توانسته است جایگاه خود را از لحاظ کمی و کیفی نه تنها بین دانشگاه‌های کشور بلکه در میان دانشگاه‌های معتبر دنیا ارتقاء دهد. اینجانب با توجه به تجاربی که در دوران بازگشایی دانشگاه به عنوان معاون آموزشی و در دوران سازندگی به عنوان رئیس دانشگاه و در مدت سی و پنج سال به عنوان یکی از خدمتگزاران نسل جوان، در این دانشگاه کسب کرده‌ام و بعضی مسائل دانشگاه و جامعه پیرامون خود را از نزدیک بررسی نموده‌ام پیشنهاد می‌کنیم برای حفظ تداوم این موفقیت‌ها، مسئولین

دانشگاه در هر دوره‌ای برای سؤال‌های مهمی که فهرستی از آن‌ها را به عرض می‌رسانم پاسخ‌های مناسبی داشته باشند:

۱- هم اکنون ما به شصت سال توسعه و پیشرفت دانشگاه شهید چمران افتخار می‌کنیم و برای تجلیل از دستاوردهای گذشته مراسم بزرگداشت می‌گیریم؛ آیا نسل‌های آینده ما هم باید به همین دستاوردها افتخار کنند یا لازم است که مدیران و مسئولین دانشگاه با استفاده از تجارب خود، چشم‌اندازی از توسعه را حداقل به صورت پیشنهاد در مقابل آن‌ها قرار دهند؟

۲- پیشرفت تکنولوژی و گسترش امکانات ارتباطی معاصر، توقعات نسل‌های فعلی و آینده را از توقعات نسل‌های گذشته، کاملاً متفاوت کرده است. برای دستیابی به معیارهای قابل قبول رضایتمندی نسل جدید اعضاء هیئت علمی، دانشجویان و کارکنان دانشگاه و تداوم مشارکت فعال دانشگاه در پیشرفت کشور، چه برنامه‌هایی باید تدوین کرد و چگونه باید آن‌ها را اجرا کرد؟

۳- در سالهای اخیر رعاوه بر مأموریت اصلی دانشگاه که همانا تربیت نیروی انسانی متخصص برای جامعه است، رویکردهای متفاوتی، مثل رویکردهای درآمدزایی، کارآفرینی، انجام پژوهش‌های تقاضا محور، ایجاد شرکت‌های دانشگاهی و دانش‌بنیان و تبدیل علم به ثروت در دستور کار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفته است. این رویکردها در دانشگاه شهیدچمران چه دستاوردها و یا احتمالاً چه آسیب‌هایی به بار آورده است و در آینده چگونه باید فرصت‌های مناسب را برای اجرای پایدار این رویکردها ایجاد نمود؟

۴- ناپایداری مدیریت‌ها در این دانشگاه باعث شده تا فرصت‌های گرانقدری از دست بروند. چه راهکاری برای کارآمد و پایدار کردن مدیریت دانشگاه می‌توان اجرا کرد تا امنیت روانی لازم در مدیران دانشگاه برای برنامه‌ریزی‌های دراز مدت تأمین شود؟

۵- اگر چه اعضاء هیئت علمی، وظایف آموزشی خود را برای ارتقاء سطح دانش و توانمندی علمی دانشجویان به نحو مطلوبی انجام داده‌اند که گواه آن قبولی هر ساله تعداد قابل ملاحظه‌ای از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در دوره‌های بالاتر دانشگاه‌های بزرگ کشور است، ولی نقش تربیتی آن‌ها برای آموزش مهارت‌های زندگی به دانشجویان مغفول مانده است. چگونه می‌توان اجرای این نقش مهم را در کنار آموزش علوم فنون به دانشجویان نهادینه کرد؟

۶- در سال‌های اخیر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به یک چالش بزرگ اجتماعی تبدیل شده است. دانشگاه شهیدچمران با چه رویکردی می‌تواند به حل این مشکل و ناهنجاری‌های دیگر اجتماعی که بر کیفیت تحصیل دانشجویان تاثیر می‌گذارد کمک کند؟

۷- بدون شک حمایت و پشتیبانی مردم و نهادهای استان خوزستان تأثیر غیرقابل انکاری بر پیشبرد اهداف و تداوم فعالیت‌های دانشگاه دارد. کم رنگ شدن این حمایت‌ها نه تنها آثار روانی نامطلوبی بر خدمتگزاران دانشگاه بر جای می‌گذارد بلکه از لحاظ فیزیکی نیز فضای دانشگاه را متأثر خواهد کرد که نمونه آن تجاوز به حریم دانشگاه و تخریب دیوار آن به بهانه‌های ظاهراً قانونی است. اگر علاقمندان با بصیرت دانشگاه برای رفع این معضل کمک نکنند دیری نخواهد گذشت که دیگر فضایی برای توسعه فعالیت‌ها در اختیار دانشگاه نخواهد ماند. سؤال این است که مسئولین دانشگاه چگونه می‌توانند حمایت‌های مردم و نهادهای استان و جوامع مدنی فعال را

به حفظ حریم فیزیکی و حریم معنوی دانشگاه جلب و در عین حال استقلال در تصمیم‌گیری‌های دانشگاه را همچنان حفظ کنند؟

۸- برای اجرای مطلوب هر برنامه توسعه پایدار، امروزه رعایت معیارهای زیست محیطی به ویژه برای جبران غفلت‌های گذشته، باید جدا مدنظر قرار گیرند. راهبرد مسئولین این دانشگاه برای مشارکت در حفظ ذخایر زیست محیطی استان خوزستان چیست؟

۹- استان خوزستان از دیرباز مجموعه غنی از اقوام و عشایر مختلف بوده که در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته‌اند. نقش دانشگاه شهیدچمران برای حفظ و ارتقاء ارزش‌های فرهنگی اقوام استان که در معرض تعامل با جوامع دیگر قرار گرفته‌اند چگونه تعریف می‌شود؟

۱۰- موفقیت مدیران و مسئولین دانشگاه مرهون اعتماد و مشارکت اقشار دانشگاهی و وابسته به اجرای درست تصمیم‌ها و برنامه‌های آن‌ها است. این امر در صورتی ممکن است که با رعایت مقررات و احترام به قوانین و آئین نامه‌های بالا دستی ناظر بر فعالیت‌های آن‌ها، مشروعیت اقدامات خود را تضمین نمایند. متأسفانه گاهی بعضی از افراد، با نادیده گرفتن مقررات و اعمال نظرات شخصی به بهانه مطرح نمودن دیدگاه‌های مدیریتی خود، موجبات نقض مقررات و ضایع شدن حقوق افراد را فراهم نموده و به تدریج این اعتماد و مشارکت را مخدوش می‌کنند. آثار این آفت، کم و بیش در همه دوره‌های مدیریتی گذشته وجود داشته و به آفتی مزمن تبدیل شده است. مسئولین محترم دانشگاه چه راه کارهایی را برای پاک نگه داشتن مجموعه مدیریتی دانشگاه از این آفت در دستور کار خود دارند؟

برگزاری مراسم بزرگداشت شصتمین سال تأسیس دانشگاه فرصتی فراهم آورده است تا مسئولین آن دستاوردهای خود و راهکارها و امکاناتی را که برای تداوم فعالیت‌های یک دانشگاه بالنده و در خور جمهوری اسلامی ایران لازم دارند، به آگاهی علاقمندان به این نهاد تأثیرگذار برسانند و همراهی و مساعدت آن‌ها را مطالبه نمایند. امیدواریم با تلاش‌های نسل جدید دانشگاهیان و مساعدت مسئولین استان این دانشگاه به جایگاهی برسد که مخاطبی شایسته برای این آیه شریفه شود که می‌فرماید «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعَاوًا وَلَا نَتَائِمًا إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا» «وَأَخْرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا أَنْ يَرْجِعُوا إِلَى الْعَالَمِينَ»

خسرو نادران طحان

استاد پایه ۴۲ مهندسی مکانیک

دانشگاه شهید چمران اهواز

پیام دکتر علی عنایت نماینده تام الاختیار وزیر علوم در دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحيم

شصتمین سالگرد ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز را به مردم شهید پرور خوزستان، اساتید، دانشجویان و کارکنان آن دانشگاه تبریک و تهنیت می‌گویم. توفیق و سلامتی همه‌ی آنان را از خدای متعال خواستارم.

دانشگاه با تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم تاکنون با ارائه‌ی خدمات ارزنده‌ی خود، کشور را از وابستگی به متخصصان خارجی که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی فراوان به چشم می‌خورد نجات داده است. اکنون جامعه نه تنها با کمبود نیروی متخصص روبرو نیست بلکه در اکثر رشته‌های تحصیلی با ازدحام فارغ‌التحصیلان نیز مواجه شده است. بر این اساس ضرورت دارد که ادامه فعالیت دانشگاه‌های کشور با رویکردی نو و متفاوت از حالت فعلی صورت گیرد. ادامه آموزش جوانان در رشته‌هایی که محیط کسب و کار کافی در کشور برای آنان وجود ندارد و یا زمینه‌ی فعالیت در آن‌ها کم شده است، موجب بالا رفتن تعداد بیکاران می‌گردد و معضلات و خطراتی را برای جامعه در برخواهد داشت. از طرفی دیگر، هر هزینه‌ای در این مسیر به هدر رفتن بودجه کشور و تضعیف اقتصاد مملکت می‌انجامد. از این رو، بمنظور جلوگیری از هرگونه اتفاق ناصحیح مرتبط به موضوع مطالب یاد شده، بایستی اقدامات مقتضی انجام پذیرد. به بیان دیگر توسعه‌ی دانشگاه‌ها و تربیت نیروی انسانی بصورت فعلی بایستی متوقف و با ایجاد اندیشه‌ها، هدایت و کنترل محورهای پژوهشی و تعلیم و تربیت متخصصان در زمینه‌های مختلف، و نیز با ترسیم نقشه‌ی راه دقیق و مناسب برای حل مشکلات مملکت و رفع بیکاری جوانان، مورد توجه قرار گیرد. تا کنون آمار بالای تعداد نیروهای متخصص آموزش دیده توسط دانشگاه افتخار بوده است، اما در آینده نه چندان دور، افتخار از آن دانشگاه‌هایی خواهد بود که بیشترین مشکلات را از جامعه حل کنند.

با احترام علی عنایت

پیام دکتر منصور سیاری از روسای پیشین دانشگاه

به نام خدا

شهید چمران، نام شهید بزرگوار، پر آوازه، دانشمند، مجاهد و عارف بر تارک درخشان یک نهاد علمی دیرپا با قدمت شصت ساله، شصت سال استقامت، شصت سال زایش و رویش، شصت سال تلاش و کوشش در تربیت نیروی انسانی فرهیخته، کارآمد و تأثیرگذار در ابعاد مختلف و عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور.

بزرگداشت شصتمین سال فعالیت دانشگاه فرصت ارزشمندی است برای معرفی دستاوردها، شناساندن اهداف مقدس دانشگاه، نگاه نو در جهت بروز قابلیت‌ها و توانایی مضاعف در رسیدن به استانداردهای ملی و جهانی، از طرفی تجلیل و ارج نهادن به خدمات ارزشمند دانشگاهیان دلسوزی است که در سالهای پرفراز و نشیب در سنگر علم و تهذیب علیرغم همه محرومیت‌ها و محدودیت‌ها با اتکاء به عنایات خداوندی کوشش و مجاهدت نمودند. اینجانب آرزوی موفقیت روزافزون و همه جانبه برای قاطبه دانشگاهیان عزیز، مدیریت دلسوز و متعهد دانشگاه جهت ایفای نقش مؤثر و سازنده در پیشرفت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی را از خداوند منان خواستارم.

دکتر منصور سیاری
۱۳۷۹ - ۱۳۷۴

پیام دکتر عبدالمهدی بخشنده از روسای پیشین دانشگاه

از افتخارات عظیم و باشکوه تمدن ایرانی- اسلامی وجود مراکز علمی و توجه به علم و دانش به مثابه جوهره اصلی جامعه بوده است که این مهم را در ریشه‌های تمدن ایرانی قبل از اسلام نیز می‌توان جستجو کرد.

دانشگاه جندی شاپور در سال ۲۴۱ میلادی در شرق شوش و جنوب شرقی دزفول و به دستور شاپور اول ساخته شد و با ورود اسلام به ایران، الگویی برای توسعه دانش پزشکی در جهان اسلام شد و پس از فراز و نشیب‌هایی که به تاریخ ایران پیوند خورده است در سال ۱۳۳۴ تولدی دیگر یافت و ابتدا دانشکده کشاورزی و در سال ۱۳۳۵، مقدمات تشکیل دانشکده پزشکی آن فراهم شد. دانشگاه جندی شاپور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از نقاط عطف تاریخ سیاسی ایران، با استقرار سردار رشید دکتر چمران در دانشگاه به پایگاه دفاع از تمامیت ارضی کشور تبدیل شد و این بستری گشت تا تربیت، تعلیم و تعلم و خدمت به ارزش‌های دینی و ملی بار دیگر در سرلوحه این دانشگاه قرار گیرد و در اوج روزهای تاریخی جنگ، دانشگاه نام دانشمندی فرهیخته که لباس رزم را بر تن کرده بود و با خون خود سرزمین خوزستان را آبیاری کرد برخوردار نهاد.

در فهرست تربیت یافتگان شایسته دانشگاه شهید چمران، بزرگان فراوانی را می‌توان یافت که در مرزهای علم و عمل اسوه‌های نسل‌های حال و آینده شدند و در راستای کمک به توسعه کشور خوش درخشیدند.

دانشگاه شهید چمران به عنوان قطب علمی در جنوب غرب کشور نقش دانشگاه مادر را ایفا کرد و با توسعه زیرساخت‌های علمی، نهادی گردید که علاوه بر رشد و بالندگی منشاء ایجاد دانشگاه‌های دیگری در رامین، هویزه، خرمشهر، بهبهان و دزفول شده است و این مهم متأثر از مدیریت کارآمد و جوهره علمی دانشگاه می‌باشد.

بزرگداشت شصتمین سالگرد تشکیل دانشگاه شهید چمران فرصت مغتنمی است تا ابتدا از تمامی دانش‌آموختگان شهید این دانشگاه یاد شود و برای تمامی فرهیختگان و دانشمندان بی‌نام دانشگاه که برای اعتلای کشور عزیزمان ایران ایثارگرانه مسیر رشد علم را در استان هموار ساخته و حرفه تعلیم و تعلم را پیش گرفته‌اند تقدیر شود.

شصتمین سالگرد این دانشگاه مادر را در جنوب غرب کشور نقطه عطف تحول عظیم در رویکردهای ملی بدانیم و سهم آن را در توسعه‌ای دانش بنیان در سطح ملی و منطقه‌ای، تربیت دانشجویان با انگیزه در دفاع از مرزهای دانش، انجام پژوهش‌های کاربردی در حل چالش‌های اساسی مردم برای خویش بزرگ و مهم فرض نموده و بر استمرار آن تأکید نمائیم.

شروع این نقطه عطف تاریخی را بر همه فرهیختگان دانشگاه تبریک عرض می‌نمایم.

اردیبهشت ۱۳۹۴
عبدالمهدی بخشنده

پیام دکتر مسعود صفایی مقدم از روسای پیشین دانشگاه

الهی

قطره دانش که بخشیدی ز پیش

متصل گردان به دریا‌های خویش

شکر و سپاس به درگاه ایزد منان و با طلب رستگاری از او. شصتمین سال تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را حضور جامعه دانشگاهی کشور و بخصوص، استان خوزستان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. وظیفه خود می‌دانم از تلاش‌های عزیزانی که در طول این مدت موجبات سربلندی و رشد و ارتقای این دانشگاه را، که دانشگاه مادر جنوب غرب کشور می‌باشد، فراهم نموده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. برخی از این عزیزان پس از سالها خدمت شایسته، به رحمت ایزدی پیوسته‌اند، برخی به کسوت بازنشستگی درآمده، و برخی نیز هنوز به خدمت‌رسانی مشغول هستند. در این میان ذکر نام و یاد شهیدان گرانقدر این دانشگاه ضروری است، شهیدانی که خاطره آنان همچون چراغی فروزان بر تارک این دانشگاه می‌درخشد. امیدوارم برگزاری مراسم شصتمین سال تأسیس این دانشگاه با بزرگداشت خاطره شهیدان عزیز دانشگاهی رنگ و بوی دیگری بگیرد.

دانشگاه شهید چمران اهواز، علاوه بر این که شهیدان گرانقدری را در دامان خود پرورانده است، شاهد حضور و فعالیت اساتید، کارکنان و مسئولان دلسوز و فداکاری بوده است که ذکر نام آنان در این مختصر امکان‌پذیر نیست. اما من باب نمونه، به نخستین رئیس دانشگاه پس از انقلاب، یعنی استاد فرهیخته جناب دکتر منوچهر دوایی، اشاره می‌کنم که در سایه لطف الهی سالهاست به خدمت مؤثر طبابت در بالاترین سطوح مشغول هستند و در این میان تعدادی از همکاران عزیز دانشگاهی ما را نیز با هنر معجزآسای خود مداوا نموده‌اند. سلامتی و توفیقات بیشتر این استاد ارجمند و همه عزیزان دیگر را از خدای منان آرزومندم.

دانشگاه شهید چمران در توسعه آموزش عالی استان‌های خوزستان و لرستان نقش محوری داشته است، دانشگاه‌هایی که در زیر و بال این دانشگاه مادر سر برآورده و نهال مستقلی شدند عبارتند از: دانشگاه لرستان، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، دانشگاه جندی شاپور دزفول، دانشگاه علوم دریایی خرم‌شهر، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء بهبهان. امیدوارم دانشگاه جامع هنر خوزستان ششمین دانشگاهی باشد که از دل دانشگاه مادر سر بر خواهد آورد.

به همین سیاق، بخش آموزش عالی کشور پس از انقلاب اسلامی ایران شاهد رشد خیره کننده‌ای بوده است. اما از آنجا که تداوم این رشد مستلزم رصد کردن مداوم و جبران کاستی‌های احتمالی است، در این فرصت به ذکر یک نگرانی کلی در حوزه آموزش عالی کشور می‌پردازم. نگرانی کلی عبارتست از «سلطه کمیت بر کیفیت» در حوزه آموزش عالی کشور. به عبارت دیگر، نگرانی از حاکم شدن نگاه کمی بر ارکان دانشگاه‌ها است، و این در حالی است که سنجش دانشگاه‌ها با نگاه کمی می‌تواند کیفیت و حتی معنویت را در محاق ببرد. رشد غیر قابل کتمان

کمی در کشور در حوزه علم و فناوری چنانچه با افزایش کیفیت همراه نباشد نه تنها دیرپا نخواهد بود که خود به معضلی تبدیل خواهد شد، که متأسفانه آثار آن از هم اکنون پیدا شده است. افزایش مقالات و دیگر آثار علمی باعث شده که ایران جایگاه رفیعی در میان کشورهای تولید کننده علم کسب نماید. این افتخار را باید پاس داشت. پاسداری از این توفیق، که ماهیت کمی دارد، مستلزم کیفی سازی آن است. این چیزی است که باید در اولویت نخست قرار گیرد و نگرانی از این است که از این امر مهم غفلت شود، کما این که شواهد تاکنون مؤید این غفلت است. برخی از شواهد نگران کننده، که حاکی از سلطه کمیت بر کیفیت است، از این قرار است:

۱- عدم تناسب در رشد تعداد مقالات پر استناد در مقایسه با مقالاتی که هیچ استنادی به آنها نمی‌شود. از دلایل چنین وضعیتی تأکید زیاد بر کمیت تولیدات علمی و بی‌توجهی به کیفیت آنهاست.

۲- رشد ناچیز تعداد مقالاتی که حقیقتاً کاربردی بوده و گره‌ای از مشکلات واقعی جامعه بگشایند، یا مبنای تئوریک موفقی برای رفع مشکلات جامعه شوند.

۳- کم توجهی رو به تزاید نسبت به مأموریت اصلی دانشگاهها، که همانا آموزش است. باید دانست که مأموریت دانشگاهها با مأموریت مؤسسات تحقیقاتی متفاوت است. دانشگاهها مأمّن معلمان و مؤسسات تحقیقاتی جایگاه محققان است. با این جابجایی نقش‌ها تعریف استاد خوب نیز عوض شده است.

۴- این تغییری که در تعریف استاد خوب، ایجاد شده انتظار از استادان دانشگاه را نیز دگرگون کرده و باعث شده نقش انسانی و کیفی سابق آنان به ضعف گراید.

۵- در فضای کمیت‌گرایی فعلی برخی کژرفتاری‌های اخلاقی در حوزه‌های دانشگاهی شکل گرفته و به گونه بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است که چنانچه فکر عاجلی برای آنها نشود دانشگاهها، این نهادهایی که انتظار می‌رفت کارخانه‌های انسان‌سازی باشند، به مهم‌ترین نهادهای خودزن یا خودنابودگر تبدیل خواهند شد. متأسفانه برخی از این کژرفتاری‌ها به شغل‌های ثابت تبدیل شده‌اند که به تبلیغ کار خود نیز پرداخته و با نصب آگهی به جلب مشتری می‌پردازند. در یک کلام، معنویت که جوهر اصلی دانش است، در چنبره مادیت اسیر شده است. علاوه بر جریان کمیت‌گرایی که ذکر آن گذشت، یک عامل دیگر برای پیدایش این وضعیت، سلطه یک رویکرد مادی و نادرست نسبت به ماهیت دانش است که بر اساس آن دانش به عنوان یک «کالای مادی» معرفی شده و دانشگاه نیز یک «بنگاه اقتصادی».

به نظر می‌رسد برای اصلاح این وضعیت راهی نداریم جز آن که تعادلی در جایگاه رویکردهای کمی نگر و کیفی‌نگر ایجاد کنیم و حتی کیفیت را در صدر بنشانیم. پذیرش کیفیت به یک معنا یعنی پذیرش ماهیت معنوی و جوهر اخلاقی دانش. مینا قرار دادن مفهوم «دانش فضیلت بنیان» به این معناست که دانش بسیار ارجمندتر از آن است که به مثابه کالایی مادی به حساب آید. و دانشگاه نیز بسیار والاتر از آن است که به مثابه بنگاه اقتصادی دیده شود. بر این اساس، همه فعالیت‌های دانشی نیز با نظر ماهیت معنوی خود همواره باید با رعایت معیارهای اخلاقی و معنوی همراه باشند. تبیین و تبلیغ این رویکرد به نظر می‌رسد تنها راه برون رفت از این شرایط ناخوشایند بوده و تنها ضامن تداوم و بلکه تعمیق رشد تولیدات علمی است.

نکته دیگری که در تأیید این پیشنهاد می‌توان ارائه داد آن است که جامعه ما از لحاظ فرهنگی مایه‌های لازم برای پذیرش ماهیت فضیلت بنیان دانش را در اختیار دارد. چنانچه دو عنصر اساسی هویت فرهنگی خود را ایرانیت و اسلامیت بدانیم و قرآن کریم را نماینده عنصر دینی، و فی‌المثل، شاهنامه فردوسی را بیانگر عنصر ایرانی بدانیم، می‌بینیم که در هر دوی این منابع فرهنگی دانش از ماهیت اخلاقی برخوردار است و از کسانی که در حوزه دانش کار می‌کنند (به تعبیر فردوسی، دانشی مردان) نیز انتظار می‌رود که کار علمی خود را با رعایت ضوابط اخلاقی همراه نمایند. به امید آن که نهادهای دانشی ما به جای «بیشترین»، «بهترین» را معیار کار خود قرار دهند، و حرکت به سوی اخلاق و معنویت، که سازندگان حقیقی تمدن هستند، جای مادیت‌گرایی‌های پنهان و آشکار را بگیرد. امید است قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی که بر این مبنا تدوین می‌شوند راهنمای عمل و شخصیت آکادمیک ما قرار بگیرند.

ارادتمند: مسعود صفایی مقدم

پیام دکتر محمد حسین نوری موگهی
از روسای پیشین دانشگاه

به نام خدا

با درود و سلام به امام شهیدان و شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی بویژه شهید چمران عزیز سخن آغاز می‌کنیم. اینجانب به‌عنوان یکی از دانشجویان ورودی سال ۱۳۵۱ دانشگاه شهید چمران فعلی و جندی شاپور آن زمان، خداوند را شکر می‌کنم که اکنون این دانشگاه که نماد آموزش عالی در استان زرخیز خوزستان است به سن ۶۰ سالگی یعنی سن بلوغ به تمام معنی کلمه رسیده است. دانشگاه شهید چمران در طول سال‌های جنگ تحمیلی مأمن و مأوایی برای رزمندگان حق بر علیه باطل بوده و به گمان حقیر به همین دلیل همواره مورد عنایات خاصه ولی عصر عجل الله تعالی بوده و خواهد بود. این دانشگاه در دل و ذهن خود خاطرات تلخ و شیرین فراوانی از ایام مبارزات انقلابی و روزهای سخت جنگ با طاغوت زمان را نیز دارد. جالب توجه این است که با همه فراز نشیب‌های مذکور این دانشگاه با همت همه پرسنل شریف، دانشجویان عزیز، استادان وارسته و مدیران اجرایی سخت‌کوش خود آموزش عالی در استان بوده و جزو دانشگاه‌های برتر کشور نیز محسوب می‌شود. بنده از این که بخشی از عمر خود را به عنوان دانشجو، کارشناس آموزشی، هیأت علمی و مدیر اجرایی در این دانشگاه گذرانده‌ام به خود افتخار می‌کنم. برقرار باد پرچم پر افتخار یکی از بزرگ‌ترین و بالنده‌ترین دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در استان شهید پرور و همیشه جاوید خوزستان عزیز.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

پیام دکتر مرتضی زرگر شوشتری از روسای پیشین دانشگاه

به نام خدا

دانشگاه شهید چمران اهواز از دیرباز بزرگ‌ترین مرکز علمی جنوب غرب کشور بوده است که خدمات بی‌نظیری را در حوزه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به خوزستان و کشور تا کنون انجام داده است. هر چند که در دوران جنگ تحمیلی این دانشگاه صدمات و زخم‌های بسیاری را متحمل شد و به واقع می‌توان آنرا دانشگاه جانباز نامید، اما توانست در زمینه‌های گوناگون به پیش‌برد دفاع مقدس کمک نماید و افتخارات زیادی را بر افتخارات گذشته‌ی گران‌سنگ خود افزون کند. علاوه بر این افتخارات، این دانشگاه به‌عنوان دانشگاه مادر در توسعه‌ی آموزش عالی و رفع نیازهای مختلف استان از جمله صنایع با انجام پروژه‌های پژوهشی و با تربیت نیروهای جوان متخصص و متعهد که در سراسر این مرز و بوم مشغول خدمت‌رسانی به جامعه می‌باشند و در رشد و تعالی کشور عزیزمان همت دارند، در اعتلای ایران اسلامی کمک نموده است.

اکنون که در ایام نکوداشت شصتمین سال تأسیس دوره جدید دانشگاه هستیم، اینجانب از همه‌ی عزیزان اعم از مسئولان کشوری و استانی، اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان که در دوره‌های مختلف در پیشبرد اهداف دانشگاه شهید چمران اهواز که همانا اعتلای آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استان خوزستان و کشور است تلاش و کوشش نموده‌اند، قدردانی می‌نمایم.

مرتضی زرگر شوشتری
۱۳۸۶-۱۳۸۹

پیام دکتر حسن مروتی از روسای پیشین دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه پرآوازه شهید چمران اهواز با پشتوانه‌ی افتخارآمیز تاریخی در خیزش دوباره خود از مرز شصت سالگی در حال عبور است و در این مدت دامن پر مهر خود را برای انتقال علم و دانش به جوانان برومند این مرز و بوم گسترانده و در صندوقچه حافظه آنان خاطره‌ای روشن بر جای نهاده است. این دانشگاه نه تنها سهم قابل قبولی از پیشرفت‌های علمی کشور را به عهده داشته و محور توسعه آموزش عالی در استان خوزستان می‌باشد بلکه زمینه ساز توسعه و ارتقای آموزش عالی در استان‌های همجوار را نیز فراهم نموده است.

اینجانب ضمن تبریک شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز به همه اساتید معظم، کارکنان شریف، دانش‌آموختگان و دانشجویان عزیز، به سهم خود از همه بزرگوارانی که از گذشته تا کنون با فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی خود باعث اعتلای نام این دانشگاه شده‌اند تشکر نموده برای برگزارکنندگان این رویداد بزرگ آرزوی توفیق دارم.

حسن مروتی
۱۳۸۹-۱۳۹۲

پیام دکتر محمد رعایایی اردکانی سرپرست پیشین دانشگاه

سال ۱۳۹۴، برابر با شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز و شصت سالگی آموزش عالی در استان خوزستان در دوره معاصر است. در این شش دهه، زنان و مردانی فرهیخته و متعهد با زحمات و تلاش‌های فراوان و به رغم وجود تنگناها و مشکلات، کوشیدند تا در این پهنه از میهن، فضیلت‌هایی چون دانش پژوهی، تربیت نیروی انسانی متخصص و پرورش نسل‌های کارآمد و شخصیت‌های تاثیرگذار، نهادینه شود. از دستاوردهای این کوشش‌ها، گسترش آموزش عالی در سراسر استان خوزستان و استان‌های همجوار و رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و تبدیل شدن این استان به یکی از مراکز مهم صنعتی، کشاورزی و فرهنگی در کشور بوده است. خدمات اجرایی، ایثارگری‌های دانشگاهیان در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب اسلامی مانند روزهای سخت جنگ تحمیلی و دوران سازندگی و نقش آنان در توسعه علمی و آموزشی منطقه، برگ زرین دیگری از عمر پرحاصل آموزش عالی در این استان به شمار می‌رود.

آیین و مراسم بزرگداشت شصت سالگی دانشگاه و شور و نشاط برآمده از آن، فرصتی را فراهم می‌آورد تا ضمن ارزیابی عملکردهای گذشته و نکوداشت زحمات و کوشش‌های همکاران، چشم اندازه‌های آینده دانشگاه مورد واکاوی قرار گیرد تا با چشمان باز و گام‌های استوار به سوی آینده روشن حرکت کنیم.

بی‌گمان حمایت و پشتیبانی‌های مادی و معنوی روحانیون معظم، مدیران ارشد و روسای محترم دستگاه‌های اجرایی، مراکز صنعتی خوزستان و اصحاب رسانه از آموزش عالی و دانشگاه‌ها، نقش شایسته و درخوری در این فرآیند داشته و خواهد داشت. از این رو، به مناسبت فرخنده‌ی شصت سالگی آموزش عالی و تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، کوشش‌های شما همکار گرامی شاغل و بازنشسته و کلیه حامیان آموزش عالی را پاس می‌دارم و یاد و خاطره درگذشتگان مغفور از خانواده بزرگ دانشگاهیان را ارج می‌گذارم.

پیام دکتر محمدجعفر پاک‌سرشت استاد بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

به نام پروردگار دانا و توانا

با سپاس به درگاه حضرت احدیت و با کمال خوشوقتی فرارسیدن شصتمین سالگرد بنیان‌گذاری دانشگاه شهید چمران اهواز (جندی شاپور پیشین) را به مدیریت محترم دانشگاه، اعضای هیأت علمی، کارکنان زحمت‌کش، دانشجویان و فارغ التحصیلان گرامی و مردم شریف خوزستان شادباش می‌گویم و آرزو می‌کنم که دانشگاه ما در راه اعتلای دین و دانش، فرهنگ و معنویت همواره کامیاب باشد. در این مقطع از زمان، جا دارد از زحمات و خدمات همه کسانی که در گذشته و حال در راه تعالی دانشگاه صادقانه تلاش کرده‌اند قدردانی به عمل آید؛ خصوصاً ضرورت دارد که یاد و خاطره شهدای عظیم‌الشان دانشگاه گرامی داشته باشد.

وقتی که دانشگاهی در منطقه‌ای که سابقه آموزش عالی به سبک جدید را نداشته، شصت ساله می‌شود، این امر نشان دهنده آن است که دانشگاه دوره تلاش‌ها و افت و خیزهای آغازین را در راه احراز هویت و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک نهاد آموزش عالی تمام عیار، با موفقیت طی کرده و به دوران کمال و بلوغ گام نهاده است. آن‌گاه که دانشگاهی به چنین درجه‌ای از رشد و کمال می‌رسد، انتظاراتی را موجب می‌شود که از دانشگاه نواخته تازه تأسیس قابل تصور نیست. معمولاً برای هر دانشگاه بالغی رسالت‌هایی را در سه حوزه آموزش، پژوهش و خدمات تعریف می‌کنند. رسالت کلی چنین دانشگاهی ارایه آموزش کارآمد برای تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور، انجام پژوهش‌های معتبر و نو آورانه در حیطه‌های گوناگون دانش بشری و عرضه خدمات تخصصی در پاسخ به نیازهای محلی و منطقه‌ای است. بحمداله به نظر می‌رسد که دانشگاه ما، به عنوان نهادی متکامل، دست آوردهایی بسیار ارزنده‌ای در این زمینه‌ها تحصیل کرده باشد، هر چند که توان بالقوه علمی و تخصصی کنونی دانشگاه شهید چمران می‌تواند نوید بخش آینده بس درخشان‌تری باشد. از این رو آیین‌های گرامی‌داشت شصتمین سال تأسیس دانشگاه باید فرصت‌هایی را برای برنامه‌ریزی‌های لازم جهت به فعلیت رساندن بیش از بیش این توانایی‌ها فراهم سازد.

دانشگاه شهید چمران در قلب استان خوزستان قرار دارد. خوزستان سرزمینی است بهره‌مند از تاریخی کهن، یادگارها و آثار باستانی و فرهنگی فراوان این خطه زیست‌گاه مردمانی است با سنت‌ها، پاره فرهنگ‌ها و زبان‌ها و گویش‌های غنی. خوزستان استانی است نفت‌خیز با قابلیت‌های فراوان برای کشاورزی و صنعت. این منابع عظیم و توانایی‌های بالقوه می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات و پژوهش‌های گوناگون دانشگاهی قرار گیرند. متأسفانه این در حالی است که استان بسیار مستعد ما، بر اثر علل و عوامل طبیعی درون مرزی و برون مرزی و البته پاره‌ای بی توجهی‌ها و ... اجاره بفرمایید عرض کنم. اشتباهات، دست‌خوش بحران زیست محیطی عمیقی شده است که اگر در

جهت توقف و کاهش آن گام‌های عالمانه سریع برداشته نشود، در آینده نه چندان دوری زندگی را برای ساکنان این استان دشوار خواهد ساخت.

دانشگاه شهید چمران اهواز با وجود کادرهای ورزیده‌ایی که در حوزه‌های مختلف علمی، فنی، انسانی و اجتماعی دارد؛ می‌تواند خدمات ارزنده‌ای به جهان علم و دانش و محیط پیرامون خود و در واقع کل کشور ارایه دهد. جای کار و کوشش در حیطه‌هایی که اجمالا به آن‌ها اشارت رفت فراوان است. البته موفقیت در بخش مهمی از این زمینه‌ها در گرو حمایت، همکاری و عزم راسخ اولیای محترم استان نیز هست. اما در هر حال دانشگاهیان باید رسالت و تعهدات معنوی، علمی و فرهنگی خود را همواره نصب العین قرار دهند؛ به ویژه انتظار آن است که دانشگاهیان با توجه به سنخیت تخصصی خود همکاری‌های لازم را در کشف و ارایه راه حل‌های مناسب برای مشکلات زیست محیطی استان با نهادهای بیرون از دانشگاه مبذول دارند. این نکته نیز قابل ذکر است که برگزاری این گونه مراسم تنها برای ابراز شرف و شادمانی نیست که البته این امر جای ویژه خود را دارد، بلکه در عین حال فرصتی است تا دانشگاه به کارنامه آموزشی، پژوهشی و حتی مدیریتی خود نگاه نقادانه‌ای بیافکند. به‌جا و شایسته است که دانشگاه هم درباره دست‌آوردها و موفقیت‌ها و نیز درباره محدودیت و نارسایی گذشته و حال خود به تامل بپردازد. بازنگری عملکرد گذشته برای برنامه‌ریزی آینده امری عقلایی و ضروری است.

بنده به عنوان یک خدمت‌گزار بازنشسته دانشگاه برگزاری مراسم شصتمین سالگرد دانشگاه را به فال نیک می‌گیرم و آن را رویداد فرخنده‌ای در تاریخ دانشگاه در نظر می‌گیرم و توفیق همه دست‌اندرکاران و برگزارکنندگان این مراسم را از خداوند بزرگ آرزو می‌کنم. امید است که شرایط دشوار کنونی، در شرایطی که آتش اختلافات فرقه‌ای و برادرکشی در فراسوی مرزهای ما شعله‌ور شده، دانشگاه ما بتواند گام‌های استواری نه تنها در راه پیش‌برد علم و دانش، بلکه در طریق تحکیم و تقویت روحیه همدلی و اخوت اسلامی و انسانی بردارد. ان شا الله.

پیام دکتر مهدی تدین عضو هیئت علمی بازنشسته گروه زبان و ادبیات فارسی

به نام خداوند بخشنده مهربان

یادواره شصتمین سال تاسیس دانشگاه اهواز را به دانشجویان و فرهیختگان اقلیم خوزستان تبریک می‌گویم. شصت سال پیش، دانش‌دوستان و فرهنگیان آن سامان بنیاد دانشگاهی را نهادند که احیا کننده نام و یاد شهر دانشگاهی جندی‌شاپور قدیم باشد که در اواسط قرن سوم میلادی توسط شاپور اول بنا نهاده شد و از همان ابتدا به‌عنوان مرکز علمی و محل تجمع دانشمندان ایرانی و یونانی و هندی شناخته گشت، چنان‌که عالمان و فیلسوفان کشورهای دیگر، شهر جندی‌شاپور را برای تحقیق و پژوهش در رشته‌های مختلف علمی، محلی مناسب یافتند و بدان‌جا روی می‌آوردند. از جمله در عصر انوشیروان، هفت تن از فلاسفه نوافلاطونی روم که از رفتار ژوستی نیانوس ناخرسند بودند؛ به ایران پناه آوردند و مورد استقبال دانشمندان جندی‌شاپور قرار گرفتند. شهرت شهر دانشگاهی جندی‌شاپور بیشتر به‌سبب وجود بیمارستانی بوده است که در آن علاوه بر تحقیقات علمی، به معالجه بیماران نیز می‌پرداخته‌اند.

شهر دانشگاهی جندی‌شاپور تا حدود قرن پنجم هجری نیز برقرار بوده و در قرن دوم هجری برای معالجه خلیفه عباسی منصور دوانیقی، رئیس بیمارستان جندی‌شاپور را به بغداد دعوت می‌کنند، در آن وقت جورجیس ریاست را به پسر خود بختیشوع واگذار کرد و به بغداد رفت و منصور، جورجیس را به‌عنوان طبیب مخصوص خویش در دربار خلافت نگاه داشت و برای او حرمت زیادی قائل بود.

مورخان و جغرافی‌دانان درباره جندی‌شاپور و بیمارستان آن، مطالب زیادی ثبت کرده‌اند. ابن ندیم نام اطبای مشهور و کتاب‌های ایشان را به تفصیل در (کتاب خود) الفهرست آورده است. ابن فقیه در کتاب البلدان خویش، که در اوائل قرن چهارم هجری نوشته است؛ درباره زیبایی و آبادانی جندی‌شاپور در مقایسه با دیگر شهرهای ایران گوید: زیباترین جاها در گذشته و حال، جندی‌شاپور است.

ابن‌حوقل که کتاب خود، صورالارض را در نیمه دوم قرن چهارم نوشته، گوید: جندی‌شاپور شهری فراخ‌نعمت و پربرکت است. در آن‌جا آب‌های فراوان و کشت‌زارها و درختستان‌های بسیار است. به همین سبب یعقوب لیث آن‌جا را اقامت‌گاه خویش قرار داد و در آن‌جا وفات یافت و مقبره او در آن‌جاست.

مقصود از ذکر مختصری از سابقه دانشگاهی جندی‌شاپور این است که دانشگاهیان جوان با استفاده از امکاناتی که برای پیشرفت علم و فناوری در دنیای امروز فراهم آمده است؛ در فکر ایجاد مرکز علمی جدیدی باشند که به‌طور حقیقی جانشین جندی‌شاپور قدیم باشد و دانشمندی از سراسر جهان بدان‌جا روی آورند و مسئولان امر نیز در صدد بازسازی و احیای شهر دانشگاهی جدیدی بر ویرانه‌های جندی‌شاپور گذشته باشند.

مهدی تدین

پیام دکتر حیدرعلی کشکولی، استاد بازنشسته دانشکده مهندسی علوم آب کوشش دانشگاه شصت ساله برای نجات کارون

امروز استان خوزستان در معرض جدی‌ترین تهدیدات مربوط به آب، خاک و محیط زیست قرار دارد. دانشگاه ما در این دوره شصت ساله برای احیا و حفاظت از این منابع استان خدمات گران‌بهایی ارائه داده و در مواردی برای مقابله با تهدیدات آن، اساتید پیش‌کسوت دانشگاه در شرایط سخت و دشوار رسالت خود را از یاد نبرده و با دست خالی صدای مخالفت خود را با طرح‌های مخرب محیط زیست و تشدید کننده بحران آبی استان دو دهه پیش در قالب سمینارها و مقالات بیان داشته‌اند. ده سال طول کشید تا هجوم ریزگردهای سرطان‌زا و شوری بالای رودخانه کارون به همه حتی مجریان آن طرح‌ها ثابت کند که اگر وضع به همین منوال پیش رود خاک حاصلخیز خوزستان و حیات مردم آن که به رودخانه کارون وابسته است به زودی در معرض نابودی قرار خواهد گرفت.

تمام تالاب‌های در حال خشک شدن استان مانند هورالعظیم و شادگان در ده سال آینده به عرصه‌های وسیعی برای تولید ریزگردهای شور بدل خواهند شد که گریزی از آن‌ها نخواهد بود. زندگی در آب و هوای شور، مرگ‌آور و وحشتناک است. شوری و نمک معلق در هوا از هر سمی مهلک‌تر است. کسانی که با صرف هزینه‌ها و سرمایه‌های گزاف مشغول طرح‌های انتقال آب از سرشاخه‌های کارون برای توسعه کشاورزی در جاهای دیگرند بدانند که در راه شور شدن و خشک شدن کارون و از بین رفتن حیات این استان قدم برمی‌دارند، در حالی که خاک حاصل‌خیز خوزستان بهترین جا برای توسعه کشاورزی در ایران است.

جا دارد دانشگاه ما، به پیروی از رسالتی که در قبال این مرز و بوم دارد با مخالفت با انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به هر نحو ممکن صدای خود را به گوش مسولان برساند تا در برگزاری دهه‌های بعدی حداقل در پیشگاه ملت شریف خوزستان که در خلال جنگ تحمیلی با گذشتن از جان خود از مرزهای کشور عزیز ایران پاس‌داری نمودند چون پیشینیان خود سرفراز باشد.

پیام رئیس دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

خوزستان و تمدن دیرپای آن همواره از پیشتازان عرصه‌های مختلف در طول تاریخ بوده است. مرکز علمی جندی‌شاپور به عنوان یکی از قدیمی‌ترین پایگاه‌های علمی بشر متمدن مورد توجه و استناد مراکز علمی جهان بوده است. نکوداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران (جندی‌شاپور) بهانه خوبی برای یادآوری و تقدیر از سال‌ها تلاش و کوشش در عرصه‌های دانش و فناوری است که در مقطعی با جهاد و پاسداری از مرزهای این آب و خاک در هشت سال دفاع مقدس توأم شد و دانشگاه جندی‌شاپور را بخشی از کتاب پرافتخار پرچم افتخار مردم خوزستان و ایران بدل کرد.

دانشگاه جندی‌شاپور اگرچه از ملاثاتی کوچک و محروم سربرآورد اما در طول سال‌ها بالندگی و پابندگی امروزه ریشه دوانده و یکی از بزرگ‌ترین و مجموعه‌های علمی استانی را به بار آورده است؛ که با نقش‌آفرینی در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی، انرژی و سایر بخش‌های اجرایی نقشی غیرقابل انکار در توسعه ملی و منطقه‌ای را عهده‌دار است.

آیین نکوداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه فرصتی است برای تقدیر و ارج نهادن بر سال‌ها تلاش خالصانه اعضای هیات علمی، کارمندان و کارکنان دانشگاه و البته واكوی فراز و فرودهای فعالیت‌های دانشگاه برای ترسیم آینده‌ای بهتر و روشن‌تر برای مجموعه دانشگاهی استان.

اینجانب به عنوان رییس دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان (ملاثاتی) که ریشه رستن نهال دانشگاه در سال‌های آغازین دهه ۱۳۳۰ شمسی در آن جوانه زد، ضمن تقدیر از تلاش تمامی دست‌اندرکاران برپایی این مراسم، برای تمامی نقش‌آفرینان گذشته، حال و آینده‌ی مجموعه دانشگاه شهید چمران (جندی‌شاپور) آرزوی توفیق الهی و بهروزی دارم.

سید عطاءاله سیادت

رئیس دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

پیام رئیس دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء بهبهان

به نام خدا

سال ۱۳۹۴ برابر با شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان محور توسعه آموزش عالی در استان خوزستان و منطقه جنوب‌غربی کشور است. از یاد نمی‌برم که دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء بهبهان در روزگاری نه چندان دور، یکی از دانشکده‌های این دانشگاه بود و نظر به نیاز و آمادگی، به دانشگاهی مستقل در این شهرستان تبدیل گردید.

از این‌رو جا دارد به این مناسبت فرخنده و شش‌دهه کوشش دانشگاهیان استان خوزستان در راستای گسترش آموزش عالی ارج گذاشته شود و مسئولان و روسای دانشگاه‌های استان برنامه‌های سودمندی را برای ادامه و بالندگی توسعه، با محوریت دانشگاه مادر، طراحی نمایند. تندرستی و بهروزی همه اقشار دانشگاهی را از پروردگار بزرگ خواهانم.

دکتر سید منصور سیدنژاد
رئیس دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء بهبهان

پیام رئیس دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

موجب افتخار و مباهات است به عنوان یکی از شاخ و برگ‌های استقلال یافته از درخت تنومند و پر بار دانشگاه شهید چمران اهواز، شصتمین سالگرد این قطب علمی استان و کشور را با خرسندی تمام به جامعه‌ی علمی کشور بالاخص استان خوزستان، عرض تبریک و تهنیت داشته باشم.

دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر که هم اکنون به عنوان قطب مهم دریایی کشور و منطقه از نظر آموزشی و پژوهشی می‌باشد؛ یکی از همین شاخ و برگ‌های مستقل شده از دانشگاه مذکور است که پیشینه سی و هشت ساله دارد و از سال ۱۳۸۲ با همت و تلاش روسای محترم وقت که جای تقدیر و تشکر فراوان دارد به امر استقلال توفیق یافته است.

دکتر مسعود صدری‌نسب

رئیس دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

پیام دکتر فیروز حریرچی، استاد دانشگاه تهران و چهره ماندگار کشور

شصتمین سال تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را حقا باید به تمام اهل فضل و دانش تبریک گفت. این دانشگاه در طول شصت سال خدمات گران‌بهایی انجام داده است. اینجانب بارها به دانشگاه شهید چمران اهواز آمده‌ام و از نزدیک فعالیت مثمر‌تر این دانشگاه را دیده‌ام و لمس کرده‌ام. این دانشگاه در تمام رشته‌های تحصیلی، سطح عالی داشته، به‌ویژه در دو رشته زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات فارسی خدمات درخشان علمی و تحقیقاتی انجام داده است و امید است این دانشگاه سال‌های متمادی این خدمات علمی را با این سطح عالی علمی ادامه دهد و از خداوند متعال برای این دانشگاه بقای دائمی امیدوارم.

دکتر فیروز حریرچی
 استاد دانشگاه تهران
 چهره ماندگار جمهوری اسلامی ایران
 عضو فرهنگستان بین‌المللی زبان عربی سوریه



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
ایم. پی. اچ. اچ.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
ایم. پی. اچ. اچ.

کتابخانه
۷۶۵۱

کتابخانه





فصل دوم

آشنایی کوتاه با روءسای
دانشگاه شهید چمران اهواز



آنانی که بر صندلی ریاست دانشگاه شهید چمران اهواز تکیه زدند: ۲۲ رئیس و سرپرست در ۶۰ سال فعالیت

دانشگاه شهید چمران اهواز، بزرگ‌ترین دانشگاه جنوب غرب کشور نقش مهمی در توسعه و آبادانی منطقه داشته و این مرکز علمی، آموزشی و پژوهشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به همین دلیل مدیریت این مجموعه عظیم نیز آسان نیست و مرد کهن می‌طلبد.

بزرگ‌ترین دانشگاه جنوب غرب کشور که پیش‌تر «جندی‌شاپور» نامیده می‌شد («گندی شاپور» نام دانشگاهی تاریخی است که در زمان شاپور اول و در دوره ساسانی در خوزستان و درستپاد جبریل وزیر بهداری دوره پادشاهی شاپور اول فرزند اردشیر بابکان، جورجیس بن بختیشوع و جبرئیل بن بختیشوع پسر جورجیس بن بختیشوع از روسای این دانشگاه تاریخی بودند) در شصت سال فعالیت، ۲۱ رئیس و سرپرست را به خود دیده و دکتر غلامحسین خواجه که ۲۵ آبان ۱۳۹۴ و با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان رئیس دانشگاه انتخاب شد، بیست و دومین فردی است که بر کرسی ریاست شهید چمران تکیه می‌زند و به این ترتیب می‌توان گفت که عمر ریاست در دانشگاه شهید چمران حدود ۳ سال است.

به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز و به بهانه انتصاب رئیس جدید دانشگاه، روسای این مرکز بزرگ علمی را مرور می‌کنیم.

* دکتر محمد کار، نخستین رئیس دانشگاه پس از تاسیس بود و از ابتدای فروردین ۱۳۳۵ تا ۲۹ خردادماه ۱۳۴۰ این مسئولیت را بر عهده داشت. وی متولد ۱۲۸۵ و دانش‌آموخته مدرسه‌ی طب تهران بود و تحصیلات‌اش را در برلین و پاریس تکمیل کرد. مدتی به تدریس بافت‌شناسی و آسیب‌شناسی در دانشگاه تهران پرداخت و پس از سفری چندساله به اروپا و بازگشت به ایران، مامور تاسیس دانشکده‌ی پزشکی جندی‌شاپور در اهواز شد.

* دکتر علی اصغر عمید، دومین رئیس دانشگاه بود که از ۳۰ خرداد ۱۳۴۰ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۵ ریاست دانشگاه را بر عهده داشت.

* دکتر تراب مهرا، سومین فردی بود که بر کرسی ریاست دانشگاه تکیه زد و از ۲۸ مرداد ۱۳۴۵ تا ۳۱ مرداد ۱۳۴۷ مدیریت دانشگاه را بر عهده داشت. وی با حکم مأموریت از وزارت فرهنگ به خوزستان آمد و همراه با دکتر محمد کار در مطالعات تاسیس دانشکده در اهواز به جای آبادان (که محل ابتدایی دانشگاه در نظر گرفته شده بود) نقش داشت.

* دکتر داوود کاظمی، نیز به عنوان چهارمین رئیس دانشگاه از اول شهریور ۱۳۴۷ تا ۳۱ شهریور ۱۳۴۹ مسئولیت اداره‌ی دانشگاه را بر عهده گرفت.

* دکتر عباس جامعی، پنجمین رئیس دانشگاه بود که اول مهر ۱۳۴۹ مسئولیت را بر عهده گرفت و دوره‌ی ریاست وی تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. وی دارای دکترای اقتصاد و نخستین رییس مرکز آمار ایران بود. بسیاری از اقدامات عمرانی انجام شده پیش از انقلاب در دانشگاه به زمان تصدی وی منسوب می‌شود. دکتر جامعی سال‌های آخر عمرش را در خارج از کشور سپری کرد و یک کتاب‌فروشی در پاریس داشت و در همان جا هم دار فانی را وداع گفت.

* دکتر منوچهر دوابی، ششمین رئیس دانشگاه و نخستین رئیس پس از پیروزی انقلاب، از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ ریاست دانشگاه را بر عهده داشت. دکتر دوابی متولد ۱۳۱۵ در تهران، فوق تخصص جراحی با گرایش جراحی اطفال، جراحی سرطان و جراحی دستگاه گوارش است. وی عضو تیم پزشکی امام خمینی (ره) و همچنین جراح شهید مصطفی چمران بود. دکتر دوابی عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران و از اساتید پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران است.

پس از دکتر دوابی، مهندس حبیب‌الله قطب دارای فوق لیسانس کشاورزی و سپس محمد معروف مشاط دارای دکترای فیزیک هسته‌ای هفتمین و هشتمین افرادی بودند که مدیریت دانشگاه را بر عهده گرفتند و برای مدتی سرپرست بودند.

* مهدی قائم مقامی، نهمین رئیس دانشگاه بود که از اول فروردین ۱۳۵۹ تا ۲۱ آبان ۱۳۶۰ ریاست دانشگاه را بر عهده داشت. وی دانش‌آموخته‌ی فیزیک بود و دوره ریاست او با آغاز جنگ تحمیلی همراه شد. آن روزها دانشگاه به محلی برای اعزام نیروها به جبهه تبدیل شده بود.

* مهندس محمداصداق نجفی، دهمین رئیس دانشگاه از ۱۵ مهر ۱۳۶۰ مسئولیت را بر عهده گرفت و تا ۲۲ آبان ۱۳۶۳ تصدی دانشگاه را بر عهده داشت. وی دارای فوق لیسانس مهندسی کشاورزی و عضو هیات علمی دانشگاه رامین خوزستان بود. در زمان مدیریت وی دانشگاه تعطیل بود.

* دکتر عبدالرسول کاظم پور، یازدهمین رئیس دانشگاه بود که از ۲۲ آبان ۱۳۶۳ تا ۶ تیر ۱۳۶۹ مسئولیت را بر عهده داشت. متولد ۱۳۲۹ در شهرضا و دارای مدرک دکترای شیمی فیزیک از انگلستان است. ریاست دانشگاه فردوسی مشهد، ریاست دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، مشاور معاون آموزشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تاسیس دانشگاه بین‌المللی شهرضا و ریاست شورای اسلامی شهرضا از جمله مسئولیت‌های وی پس از دوران ریاست در دانشگاه شهید چمران است. آغاز ریاست وی مدتی پس از بازگشایی دانشگاه‌ها و در دوران دفاع مقدس بود که تا یک سال پس از جنگ هم ادامه داشت.

* دکتر خسرو نادران طحان، دوازدهمین رئیس دانشگاه بود و از ۶ تیرماه ۱۳۶۹ تا ۲۹ آبان ۱۳۷۲ ریاست را بر عهده داشت. وی متولد ۱۳۲۹ در دزفول و دارای مدرک دکترای مهندسی

مکانیک از انگلستان است. نادران پیش از ریاست، سرپرستی شاخه شمالی دانشگاه در دزفول و همچنین معاونت آموزشی دانشگاه شهید چمران را بر عهده داشت. احياء شاخه جنوبی دانشگاه شهید چمران در خرمشهر و بهره‌برداری از دانشکده مهندسی از جمله اقدامات وی در دوران ریاست بود.

* دکتر علی عنایت، سیزدهمین رئیس دانشگاه از ۲۹ آبان ۱۳۷۲ تا ۱۳ آذر ۱۳۷۲ و در مدتی کوتاه مسئولیت را بر عهده داشت. وی متولد ۱۳۳۰ در خرم‌آباد و دارای مدرک دکتری برق گرایش الکترونیک است. عنایت نماینده‌ی مردم خرم‌آباد در مجلس سوم بود و علاوه بر دانشگاه شهید چمران اهواز، ریاست دانشگاه‌های نفت تهران، شهید بهشتی، لرستان و دانشگاه بین‌المللی چابهار را در کارنامه‌ی خود دارد.

* دکتر نصرت‌الله ضرغام، چهاردهمین رئیس دانشگاه بود و از ۱۳ آذر ۱۳۷۲ تا ۱۶ شهریور ۱۳۷۴ مسئولیت را بر عهده گرفت. او دارای دکترای جنگلداری از اتریش و عضو هیات علمی دانشگاه تهران است. ریاست دانشگاه پیام نور، دانشگاه شاهد و پردیس بین‌الملل دانشگاه تهران در منطقه آزاد کیش، ریاست هیات نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی و معاونت صندوق حمایت از پژوهشگران از جمله سوابق کاری ضرغام است.

* دکتر منصور سیاری، نیز به عنوان پانزدهمین رئیس دانشگاه از ۱۶ شهریور ۱۳۷۴ تا ۲۴ مرداد ۱۳۷۹ مسئولیت را بر عهده گرفت. سیاری دکترای تخصصی پاتولوژی دام‌پزشکی دارد و نخستین رئیس دانشکده‌ی دام‌پزشکی دانشگاه نیز بوده است. دکتر سیاری در حال حاضر در دانشگاه شیراز مشغول به فعالیت است.

* دکتر عبدالمهدی بخشنده، شانزدهمین رئیس دانشگاه، از ۲۴ مرداد ۱۳۷۹ تا دوم اردیبهشت ۱۳۸۰ بر کرسی ریاست دانشگاه نشست. وی دارای مدرک دکترای فیزیولوژی گیاهان زراعی و عضو هیات علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین است. معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی و معاون بنیاد مستضعفان از دیگر سوابق دکتر بخشنده است.

* دکتر مسعود صفایی‌مقدم، هفدهمین رئیس بزرگ‌ترین دانشگاه جنوب غرب کشور است که دوم اردیبهشت ۱۳۸۰ به این سمت منصوب شد و چهار سال بعد یعنی در تاریخ دوم آذر ۱۳۸۴ مسئولیت را تحویل داد. دارای مدرک دکترای فلسفه تعلیم و تربیت گرایش فلسفه تعلیم و تربیت اخلاقی از استرالیا است و از جمله روسای بومی دانشگاه محسوب می‌شود. صفایی‌مقدم هم‌اکنون عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران است.

* دکتر سید محمدحسین نوری موگهی، هجدهمین رئیس دانشگاه شهید چمران بود و دوم آذر ۱۳۸۴ ریاست را از صفایی‌مقدم تحویل گرفت و ۲۸ شهریور ۱۳۸۶ به دکتر زرگر تحویل داد.

وی متولد ۱۳۲۸ در اهواز، دارای دکترای تخصصی در رشته بافت‌شناسی و جنین‌شناسی پزشکی و عضو هیات علمی دانشگاه تهران است. دبیری هیأت‌ممتحنه و ارزشیابی رشته‌ی بافت‌شناسی در دبیرخانه شورای علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی وزارت بهداشت، عضویت در هیأت‌ممتحنه و ارزشیابی رشته بافت‌شناسی و مدیریت امور پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران در کارنامه‌ی او دیده می‌شود.

* دکتر مرتضی زرگر شوشتری، نوزدهمین رئیس دانشگاه ۲۸ شهریور ۱۳۸۶ ریاست را از نوری تحویل گرفت و ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ مسئولیت را تحویل داد. وی متولد بهمن ۱۳۲۹، دارای دکترای فیزیک گرایش ماده‌ی چگال از آمریکا است.

* دکتر حسن مروتی، بیستمین و جوان‌ترین رئیس دانشگاه بود که ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ ریاست دانشگاه را بر عهد گرفت و ۲۷ اسفند ۱۳۹۲ آن را تحویل داد. وی متولد ۱۳۴۵ و دارای دکترای تخصصی بافت‌شناسی است و سرپرستی موسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی در اهواز، ریاست شورای نظام دام‌پزشکی استان خوزستان و تصدی معاونت‌های پژوهشی و اداری مالی دانشگاه شهید چمران در کارنامه‌ی کاری وی دیده می‌شود.

* دکتر محمد رعایایی اردکانی، ۲۷ اسفند ۱۳۹۲ سرپرستی دانشگاه را بر عهده گرفت و ۲۰ ماه این مسئولیت را بر عهده داشت. وی بیست و یکمین فردی بود که سکان‌دار هدایت دانشگاه شد. دکتر رعایایی استاد گروه زیست‌شناسی دانشگاه شهید چمران و دارای دکترای تخصصی میکروبی‌شناسی است. وی سوابق اجرایی متعددی از جمله مدیریت گروه بیولوژی، ریاست دانشکده‌ی علوم و معاون آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز را در کارنامه‌ی خود دارد.

* دکتر غلامحسین خواجه، ۱۱ آبان ۱۳۹۴ مسئولیت را از دکتر رعایایی تحویل گرفت و بیست و پنجم همان ماه نیز با تایید شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان بیست و دومین رئیس دانشگاه انتخاب شد. خواجه عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در رشته‌ی دام‌پزشکی است و ریاست دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ریاست واحد پیام‌نور و دانشگاه آزاد اسلامی مرکز بوشهر و همچنین دانشکده‌ی دام‌پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز را در کارنامه دارد.







فصل سوم

خاطراتی از نقش دانشگاه
شهید چمران اهواز در
پیروزی انقلاب اسلامی و
جنگ تحمیلی



خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس: دکتر رحیم چینی‌پرداز، عضو هیأت علمی گروه آمار «اولین تظاهرات دانشجویان اهواز در سال ۵۶ بود»

دکتر رحیم چینی‌پرداز، عضو هیأت علمی گروه آمار درباره چگونگی آشنایی خود با فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و اصولاً زمینه‌های ورود به مبارزات می‌گوید:

دزفول از جمله شهرهایی بود که در جریان انقلاب فعالیت‌های نسبتاً خوب و مناسبی داشت. من هم به دلیل این که در محله‌ای بودم که در آن تعدادی از دوستان فرهنگی و دانشگاهی فعالیت می‌کردند با آن‌ها رابطه‌ای دوستانه و خانوادگی پیدا کردم. در دوران دبیرستان فعالیت‌های من بیشتر شد تا این که در سال ۱۳۵۵ به عنوان پذیرفته شده در رشته آمار وارد دانشگاه جندی شاپور شدم. دانشگاه در سال‌های ۵۰ تا ۵۳ فعالیت‌هایش بیشتر به صورت فعالیت‌های سیاسی مطرح بود تا جهت‌گیری به سوی یک ایده و اندیشه خاص. دلیل عمده‌اش این بود که به دلیل کمبود نیرو در میان گروه‌های مبارز و نیز قدرت ساواک گروه‌های مسلمان و چپ که آن زمان بیشتر کمونیست بودند به صورت مشترک فعالیت می‌کردند و پوشش فعالیت‌های آن‌ها بیشتر مسائل صنفی و خواست‌های دانشجویی بود. در آن زمان فردی که بیش‌ترین نقش را در زمینه مسائل مکتبی و ایدئولوژی برای گروه‌های مسلمان داشت دکتر شریعتی بود که کتاب‌های آن مرحوم و نوارهایش در میان جوانان دست به دست می‌گشت.

در سال ۵۶ حادثه‌ای پیش آمد که دانشگاه جندی شاپور به دلیل این که تصمیم گرفت جریان دو ترم در سال را به سه ترم در سال یا سیستم کوارتری تبدیل کند جریانات مذهبی و کمونیستی هر دو مخالفت کردند و دانشگاه را تعطیل کردند. این جریان مقارن شد با جریان شهادت تعدادی از طلاب در راهپیمایی ۱۹ دی ماه ۵۶ شهرستان قم و در همان موقع بعضی از جریان‌های مربوط به رژیم اعلام کردند که دانشگاه به خاطر آن جریان یعنی حوادث قم این اقدام را صورت داده است. بچه‌های مسلمان و مذهبی که بعضی از آن‌ها در همان جریان و حادثه قم شرکت داشتند حاضر نشدند در امتحانات شرکت کنند و از طرفی کمونیست‌ها نیز برای آن که می‌خواستند جریان شکل مذهبی پیدا نکند با آن مخالفت کردند. می‌شود گفت این اولین جریانی بود که ما و کمونیست‌ها را از هم جدا کرد و ارتباطات قطع شد. به دلیل همین عدم ارتباط در یک درگیری که پیش آمد به اتفاق پنج نفر دیگر دستگیر شدیم و وقتی وارد زندان شدیم حاضر نشدیم که با کمونیست‌ها دیگر کوچک‌ترین ارتباطی برقرار کنیم.

اما جریانی که به صورت مخفی بود معمولاً جریان تظاهرات و فعالیت‌های دیگر پشت پرده را انجام می‌داد. یکی از نمودهای این فعالیت‌ها کار موفقی بود که در عباسیه اهواز صورت گرفت. در رویکرد جدید قرار بر این شد که پس از پایان مراسمی که در عباسیه بود دانشجویان و دوستان به صورت منظم و همگی با شعارهایی یکسان بتوانند مخالفت خود را با حکومت پهلوی اعلام کنند. درست در خاطر من هست که برخی از شعارها عبارت بود از «الله اکبر»، «مرگ بر شاه»، «درد بر خمینی» و سایر شعارهایی که اینک در خاطر من نیست. این تظاهرات که در سال ۵۶ در

اهواز صورت گرفت یک تظاهرات خوب و عالی بود که در واقع اولین تظاهرات ما دانشجویان در شهر اهواز بود. شعارهای خوب و منظم داده شد شعارهایی کاملاً مذهبی در مخالفت با حکومت شاه به همین دلیل وقتی در این جریان نسبتاً موفق شدیم تصمیم به انجام تظاهرات بعدی در خیابان خشایار گرفتیم.

در رابطه با فعالیت اعضای هیأت علمی دانشگاه می‌دانید که دانشگاه‌ها تحت پوشش کامل و شدید ساواک بود بنابراین هیأت علمی برای فعالیت‌های سیاسی خیلی محدودیت داشتند و به شدت تحت کنترل رژیم طاغوتی بودند. در مهرماه ۵۷، در سطح کشور یک فعالیت خوب و یک اقدام اساسی به عنوان تحسن و روزه سیاسی در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها صورت گرفت که مرحوم استاد نجات‌اللهمی، از اساتید دانشگاه صنعتی شریف، در این جریان به شهادت رسید. مقارن با این جریان در دانشگاه جندی شاپور نیز اعضای هیأت علمی تحسن و روزه سیاسی برگزار کردند. این جریان که بسیار مثبت بود موجب شد که دانشجویان و دانشگاهیان نیز به اساتید بپیوستند.

منبع: «انقلاب اسلامی در اهواز (اهواز در فجر انقلاب اسلامی)»، تألیف دکتر محمدرضا علم، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، تهران، چاپ اول

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس دکتر احمدعلی معاضدی، عضو هیأت علمی گروه زیست‌شناسی «انسجام تشکیلاتی و خودسازی در گروه‌های مذهبی مشهود بود»

دکتر احمدعلی معاضدی، عضو هیأت علمی گروه زیست‌شناسی در خصوص فضای عمومی و جو سیاسی موجود دانشگاه در دوران پیش از انقلاب می‌گوید: بلافاصله پس از ورود به دانشگاه متوجه شدم برنامه‌ریزی‌هایی که کمونیست‌های آن موقع انجام داده بودند کمیته‌هایی را درست می‌کردند که عنوانش کمیته‌های استقبال بود. کمیته‌های استقبال به طور مخفیانه از جدیدالورودها استقبال می‌کردند به این معنی که آن‌ها را راهنمایی می‌کردند در نحوه انتخاب واحد و ثبت نام. البته گروه‌های مذکور در واقع با این شیوه در جلسه اول روی بعضی از افراد کار می‌کردند که بعداً بتوانند آن‌ها را جذب کنند اما بعدها با توجه به کارهایی که این‌ها انجام می‌دادند مثلاً در خصوص بعضی امور مانند مسائل اخلاقی و یا خوردن مشروبات الکلی که در میان گروه‌های چپ رایج بود. با توجه به زمینه‌های مذهبی که در من بود بلافاصله به گروه‌های مذهبی متمایل شدم و از سال ۵۳ تا ۵۷ جزو گروه‌های مبارز مسلمان به فعالیت پرداختم و در واقع در طبقه‌بندی گروه‌های موجود در دانشگاه ما جزو نیروهای مذهبی بودیم و فعالیت‌های مذهبی را در مسجد دانشگاه و در سال‌های متمادی که مبارزه با رژیم تداوم یافت از درون مسجد کار مبارزه را هدایت می‌کردیم.

وی در خصوص مقایسه تشکیلات گروه‌های چپ و مسلمان در دانشگاه جندی شاپور می‌گوید: در آن موقعی که من وارد شدم حداقل در سال‌های ۵۳ به بعد آن‌ها خیلی تشکیلاتی‌تر عمل می‌کردند و بعدها که گروه‌های مذهبی و بچه مسلمان‌ها نیز تشکیلاتی‌تر شدند، فرا گرفتند که به صورت مخفیانه رقابت شدیدی را برای جذب نیروهای جدید آغاز کنند. هر کس که موفق می‌شد با نیروی جدید زودتر ارتباط برقرار کند این نیرو جزو سمپات‌های گروه مذکور به شمار می‌رفت. تقریباً در اکثر مواقع چنین بود مگر این‌که کسی خودش مطالعه کند یا مواردی را پیگیری کند که به نتیجه دیگری که همانا بریدن از گروه مذکور باشد، برسد.

معاضدی به شیوه انسجام تشکیلاتی و نیز نوع مبارزات و خودسازی‌ها در گروه‌های مذهبی اشاره کرده و می‌گوید: توده‌ای‌ها در دانشگاه خصوصاً بسیار کتاب می‌خواندند و مرتب و حساب شده کار می‌کردند. در مقابل آن‌ها نیروهای مسلمان به خاطر حفظ دیانتشان شروع کردند به یک سری کارهای مطالعاتی و اولین برخوردهایی که بود، برخوردهای اعتقادی و ایدئولوژیک بود. در واقع از سال‌های ۵۳ تا ۵۴ بیشتر مبارزات در دانشگاه‌ها مبارزات ایدئولوژیک بود و به همین دلیل ما نیروهای مسلمان سیر مطالعاتی داشتیم. بنده به عنوان کسی که این سیر مطالعاتی را گذرانده بودم چیزی در حدود ۵۰ کتاب را خواندم. ماتریالیست‌ها که توده‌ای‌های دانشگاه بودند نیز برای خود سیر مطالعاتی داشتند و با توجه به این‌که رشته من زیست‌شناسی بود یک بحث گسترده در گروه زیست‌شناسی بود بین ماتریالیست‌ها و مسلمان‌ها، بحث داروین‌یسم و حیات و منشا حیات و تکامل و ژنتیک باعث شد که بچه‌های مسلمان به خاطر حفظ دیانتشان ناچار

شوند آن کتاب‌ها را بخوانند.

چیزی که موجب شد به نظر من بتوانیم در مقابل این هجمه فرهنگی شدید که واقعا سیستماتیک و تشکیلاتی بود و بسیار منظم عمل می‌کرد مقاومت کرده و بر آن‌ها فائق آییم، همین مبارزه ایدئولوژیک و خودسازی عقیدتی بود. آن‌ها هر روز و همیشه در حدود هفده تا هجده سوال در دانشکده و در میان دانشجویان مطرح می‌کردند که به نظر من منشاء آن خارجی بود و این سوالات ایدئولوژیک را می‌بایست ما به عنوان نیروهای مسلمان پاسخ‌گو باشیم و البته همین تلاش‌ها موجب می‌شد که نیروهای مذهبی رشد کرده و به دلیل اجبار در مطالعه از بعد عقیدتی تقویت شوند. بیشترین کتاب‌هایی که در آن دوره توانست ما را در مقابل این تهاجم حفظ کند آثار دکتر شریعتی بود که در واقع پاسخی بود به سوالات آن‌ها.

منبع: «انقلاب اسلامی در اهواز (اهواز در فجر انقلاب اسلامی)»، تالیف دکتر محمدرضا علم، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، تهران، چاپ اول

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس:
 دکتر مرتضی حقیری زاده، عضو هیأت علمی بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی
 «خانه‌های استیجاری؛ محل فعالیت جنبش دانشجویی بود»

دکتر مرتضی حقیری زاده عضو هیأت علمی بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی، از دانشجویان فعال سیاسی در سال‌های انقلاب بود و با توجه به مبارزات مختلفی که علیه رژیم پهلوی در دانشگاه کرده بود در واقع به عنوان یکی از راهبران جنبش دانشجویی به حساب می‌آید. وی به بخشی از جریان‌های مربوط به خانه‌های استیجاری که با پوشش خانه‌های دانشجویی در واقع به عنوان خانه تیمی و محل هدایت فعالیت‌های جنبش دانشجویی محسوب می‌شدند، در خاطرات خود اشاره کرده است

وی که سال ۵۶ توسط شهربانی دستگیر و تحویل ساواک شد، پس از یک ماه زندان انفرادی در جلسات دادگاه فرمایشی رژیم محکوم به یک سال زندان شد و پس از ده ماه زندان در دی ماه ۱۳۵۶ از زندان آزاد شد. او در خصوص خانه‌های مذکور چنین می‌گوید:

یکی از جریان‌هایی که در دانشگاه وجود داشت جریان‌های چپ بود. مشخصات این جریان‌ها انسجام یافتگی و تعدد این گروه‌ها بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از چریک‌های فدایی خلق، مائوئیست‌ها، رنجبران، توده‌ای‌ها. این گروه‌ها به نسبتی که ما به عنوان گروه‌های مذهبی عمل می‌کردیم فعال بودند و عمل می‌کردند. در نتیجه، آن‌ها نیز به موازات فعالیت‌های ما خانه‌هایی را اجاره می‌کردند و یارگیری شدیدی داشتند و در ابتدا چون شعارهای آن‌ها جذبه داشت می‌توانستند کسانی را جذب کنند و در پی سال‌های ۵۴ تا ۵۶ بچه مسلمان‌های دانشگاه به جریان‌های اسلامی و خانه‌های استیجاری آن‌ها گرایش بیشتری نشان دادند و در واقع کفه ترازو به نفع جریان‌های اسلامی روز به روز سنگین‌تر شد.

وی جریان یارگیری و به نوع جذب دانشجویان به خانه‌های اجاره‌ای گروه‌های مسلمان را در زندان هم مشاهده کرده و معتقد است زمینه‌های رقابت و یارگیری حتی در داخل زندان نیز وجود داشت و در آن‌جا هم گروه‌های اسلامی سعی می‌کردند کسانی که تازه وارد زندان می‌شوند قبل از این‌که گروه‌های چپ و مارکسیست اثری در آن‌ها داشته باشند به خود جذب کنند.

او در این خصوص می‌گوید: ما چهار نفر بودیم که وارد زندان شدیم. وقتی وارد بند چهار زندان شدیم متوجه شدیم که هر کدام از جریان‌های سیاسی در درون زندان فعال بودند. سازمان مجاهدین خلق به دنبال این بود که در زندان ما را به خود جذب کند اما با توجه به خط مشی آن‌ها سعی کردیم مستقل باشیم و لذا به آن‌ها نپیوستیم و همین امر موجب شد که بنده به عنوان نماینده بند ۴ با سرهنگ محمودی از مقامات زندان بحث کنم که چون کسانی که وارد زندان می‌شوند مسلمان هستند باید به بند ما بیایند و البته آن‌ها نپذیرفتند و ما ناچار بودیم تلاش بیشتری برای جذب آن‌ها به بند مسلمان‌ها انجام دهیم. به همین دلیل، در درون بند روزانه ۱۸ ساعت مطالعه می‌کردیم. کتاب‌های شریعتی، عبدالمفتاح عبدالمقصود (کتاب امام علی)، تاریخ یعقوبی، قرآن که دو سه بار ختم شد و ما به این ترتیب خط خود را از سازمان مجاهدین خلق جدا کردیم.

منبع: «انقلاب اسلامی در اهواز (اهواز در فجر انقلاب اسلامی)»، تالیف دکتر محمدرضا علم، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، تهران، چاپ اول

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس:
دکتر رضا ابن جلال، عضو هیأت علمی بازنشسته دانشکده علوم آب
«خاطرات ماه‌های اول انقلاب»

خاطرات ماه‌های اول انقلاب

قبل از انقلاب با استفاده از بورس برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شدم. ازدانشگاه سوتهمپتن پذیرش در انگلستان فقط انجام یک کار تحقیقی است و الزامی به گذراندن دروس مختلف ندارد و من معلم بودم ترجیح دادم ابتدا دوره فوق لیسانس را بگذرانم تا با گذراندن دروس مختلف ضمن افزودن به اطلاعات علمی‌ام با روش تدریس در انگلستان نیز آشنا شوم و بعد به دوره دکترا بپردازم. این کاری بود که چند نفری قبل از من کرده بودند. زمانی که انقلاب شد من آخرین ماه‌های دوره فوق لیسانس را می‌گذرانم و علی‌رغم آنکه بورسم ادامه داشت و می‌توانستم برای دوره دکترا بمانم، روزشماری می‌کردم که هر چه زودتر برگردم و از نزدیک تغییرات شگرفی را که رخ داده بود مشاهده کنم. بلافاصله پس از پایان دفاع از تز، بدون آنکه منتظر آماده شدن مدرک شوم، به ایران برگشتم (سال ۵۸). با دادن آدرس ایرانم به مدیر آموزش، از او خواستم که مدرک و ریزنمرات را برایم ارسال کند. این سرنوشت محتوم نیست که آینده ما را رغم می‌زند؛ تصمیم‌های ماست که تعیین کننده‌اند. شاید اگر عجله در برگشتن از انگلیس نمی‌کردم و درسم را تا اخذ دکترا ادامه می‌دادم نه تنها اثر مثبتی بر زندگی شخصی‌ام می‌گذاشت، برای مملکت هم می‌توانستم فرد مفیدتری باشم.

اولین روزی را که وارد دانشکده (کشاورزی) شدم با وضع متفاوتی نسبت به گذشته رو به رو گردیدم. در راهرو اصلی دانشکده، میزهایی به صورت پیشخوان قرار داده بودند و روی هر میز مقداری نشریه، کتاب و نوار قرار داشت. هر میز مربوط به یک گروه سیاسی بود. بعضی از گروه‌ها موسیقی و یا سخنرانی‌های مربوط به گروه‌شان را نیز پخش می‌کردند. جلوی اولین میز قرار گرفتم و مشغول نگاه کردن و ورق زدن نشریات آن گروه شدم. وقتی چیزی انتخاب ننمودم، دانشجویی که پشت میز قرار داشت گفت: نگران قیمت‌ها نباشید تخفیف خوبی می‌دهیم. گفتم: مسئله قیمت نیست؛ من با دیدن وضع این راهرو شگفت زده شده‌ام. آخرین باری که از این اینجا عبور کردم وضع طور دیگری بود. دانشجو که مرا نمی‌شناخت با تعجب نگاه پرسشگری کرد؛ کمی بعد خنده‌ای در چهره‌اش پدیدار گشت؛ احتمالاً این تصور را کرده بود که دارم با او شوخی می‌کنم. یکی از نشریات تاریخ گذشته را برداشت و به من داد و گفت این هم هدیه از طرف گروه ... به گروه آبیاری رفتم و پس از احوال‌پرسی با همکاران و گزارش کتبی به مدیر گروه و رئیس دانشکده، آنجا را ترک کردم. در راه بازگشت، در قسمتی از راهرو اصلی دانشکده، صفی از نمازگزاران را دیدم که در آن استاد و دانشجو و کارمند و کارگر ایستاده و آماده نماز بودند، تعداد دیگری هم با آستین‌های بالا زده و دست‌های وضو گرفته در حال پیوستن به آنها بودند. آخر ماه حقوقی به حسابم ریخته نشده بود. به حسابداری مراجعه کردم. حسابدار گفت: طبق معمول به شعبه اصلی بانک ملی فرستاده‌ایم و آنها تبدیل به پوند کرده و به حسابتان در انگلیس حواله کرده‌اند. گفتم:

من که ورودم را با ذکر تاریخ گزارش کرده‌ام. گفت: آقای مهندس، همه از خداهشون هست که پولشان به صورت ارز در خارج ذخیره شود؛ بگذارید تا کسی به کسی نیست! پولتان حواله شود. بعداً می‌توانید با قیمت گران‌تر بفروشید. گفتم اولاً می‌دانید من اهل خرید و فروش نیستم، ثانیاً در اینجا پول لازم دارم نه در انگلیس. گفت به هر حال من نظرم را گفتم اگر می‌خواهید این روند ادامه نیابد به معاون مالی دانشگاه مراجعه کنید تا حکم جدیدتان را صادر کنند. نزد معاون مالی رفتم و جریان را به او گفتم. قبل از رفتن به انگلیس مربی بودم و چون با مدرک دکترا برنگشته بودم و تغییر مرتبه‌ای در کار نبود، صدور حکم نیازی به تشریفات خاص ارتقا نداشت. معاون مالی گفت: چشم حکم جدیدتان را صادر می‌کنم. آخر ماه باز پولی به حسابم ریخته نشده بود و آن را به حسابم در انگلستان واریز کرده بودند. مجدداً به معاون مالی مراجعه کردم. او با نشان دادن انبوهی پرونده که در روی میزش بود گفت: فقط کار شما که نیست، من این‌ها را هم باید رسیدگی کنم؛ با این حال چشم، کار شما را جلو می‌اندازم. ماه بعد باز همان وضعیت تکرار شد. وقتی با عصبانیت به معاونت مالی مراجعه کردم با جواب غیرمنتظره‌ای مواجه شدم: آقای مهندس بچه‌های ما در جنگ مستقیم با آمریکا هستند شما در چنین شرایطی به فکر یک موضوع پیش پا افتاده شخصی هستید که آن هم بزودی انجام می‌شود! منظور من از جنگ مستقیم با آمریکا اشغال سفارت بود که دو سه روز پیش انجام شده بود. من خجالت زده از عدم درک موقعیت حساس مملکت و فقط به فکر خود بودن، از دفتر او خارج شده و به طرف دانشکده کشاورزی رفتم. هنوز به دانشکده نرسیده بودم که اینفکبر برایم پیش آمد که: خوب، دانشجویان در تهران مشغول مبارزه هستند، به این آقا چه ربطی دارد که وظایفش را انجام نمی‌دهد و پرونده‌ها را روی میزش تلنبار کرده. برگشتم که همین را به او بگویم، در دفترش نبود. سه روز بعد که از ملائانی به اهواز آمدم شنیدم که او عوض شده! چند روزی صبر کردم تا بعد به معاون جدید مراجعه کنم. مراجعه به او لازم نشد. چند روز بعد که از ملائانی به اهواز رفتم، او پرونده‌ها را به جریان انداخته بود و حکم جدید من را نیز صادر کرده بود.

پس از بازگشت، اولین درسی که گروه برای من در نظر گرفت، ژئوهیدرولوژی بود. ذکر یک خاطره از آن درس خالی از لطف نیست. یک روز پس از اثبات یک فرمول از دانشجویان پرسیدم کسی می‌تواند این فرمول را از راه دیگری ثابت کند. پس از پاک کردن تابلو برگشتم دیدم دانشجویی دستش را بلند کرده، از او خواستم پای تخته بیاید و برای همه توضیح دهد. او با اعتماد به نفس کامل در جلوی کلاس قرار گرفت و با توضیح روابطی که می‌نوشت، آن فرمول را از یک راه دیگر، راهی غیر از آنچه من به عنوان راه دوم در ذهن داشتم، اثبات کرد. من ضمن تشویق، از او خواستم که به صندلی خود بازگردد. او ضمن رفتن آهسته گفت: گروه در تمام عرصه‌ها پیش گام است. چند نفر برای او کف زدند. چند نفر اخم کردند و زیر لب حرف‌هایی زدند که من نشنیدم. بقیه عکس‌العملی از خود نشان ندادند. به هر حال جوّ ماه‌های اول انقلاب این گونه بود.

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس:
دکتر مهدی قمشی، عضو هیأت علمی دانشکده علوم آب
«خاطره‌ای از دانشکده کشاورزی دانشگاه در روزهای دفاع مقدس»

سیزدهم اسفند ماه مصادف است با سالروز عملیات بدر که در سال ۶۳ انجام شد و در آن نیروهای سپاه و بسیج از طریق هورالهیویزه جزایر مجنون عراق را به تصرف خود درآوردند. در این عملیات دو برادرم رحیم و عبدالکریم هر دو در عملیات شرکت داشتند. بعدازظهر روز عملیات مرحوم دست‌نشان (از رزمندگان قدیمی که در سال‌های اخیر به علت بیماری فوت نمودند) که خود در عملیات شرکت داشت از طریق برادرم حسن به ما خبر داد که برادرم عبدالکریم در عملیات شدیداً مجروح شده و به اهواز انتقال داده شده است. ظاهراً بر اثر شلیک مستقیم گلوله تانک دو رزمنده در کنار عبدالکریم شهید شده بودند و خود عبدالکریم از ناحیه دست و پای چپ شدیداً مجروح شده بود. مرحوم دست‌نشان به برادرم حسن اطمینان داده بود که عبدالکریم زنده خواهد ماند اما از وی خواسته بود که خودتان را سریعاً به بیمارستان برسانید تا مبادا بدون دلیل کافی دست و پای او را قطع کنند. این خبر به سرعت در بین خانواده پخش شد و همه از جمله پدر و مادرم شدیداً نگران سلامتی عبدالکریم بودند. از آنجایی که از محل بستری شدن وی اطلاعی نداشتیم من فوراً خودم را به مراکز نگهداری مجروحین رساندم. از جمله یادم هست که در آن زمان دانشکده کشاورزی که خودم فارغ التحصیل کارشناسی آن‌جا بودم نیز یکی از محل‌های نگهداری مجروحین بود. در آن دوران چند بار محل دانشکده به عنوان محل نگهداری مجروحین جنگ زیر نظر بیمارستان گلستان و کادر آن‌جا مورد استفاده قرار می‌گرفت. وقتی به آن‌جا رفتم تقریباً تمام راهروها و سرسرای دانشکده مملو از مجروحین بود. همه راهروها را واری کردم از جمله راهروی گروه خودم آبیاری را. راهرو بسیار شلوغ بود. دو طرف راهرو تخت‌های بیمارستانی چیده شده بود و مجروحین روی آن‌ها در حال مداوا و رسیدگی بودند. بعد از بررسی اثری از عبدالکریم نیافتم. دفتر ورود و خروج مجروحین را نیز چک کردم اما نامی از وی نبود. در آن‌جا یکی از بستگان که به صورت داوطلب در حال خدمت‌رسانی به مجروحین بود و به فرودگاه اهواز تردد داشت را دیدم. او گفت که عبدالکریم را در فرودگاه دیده است که به همراه دیگر مجروحین شدید در حال انتقال به مراکز استان‌های دیگر بوده‌اند. خود را به فرودگاه رساندم و بعد از بررسی لیست مجروحین خروجی از فرودگاه، نام برادرم عبدالکریم را دیدم که به بیمارستان دکتر چمران شیراز منتقل شده است. فوراً خبر را به خانواده‌ام دادم. همه خیال‌شان راحت شد به‌جز پدر و مادرم. آن‌ها هنوز خیالشان راحت نبود و خصوصاً مادرم تصور می‌کرد ما قصد مقدمه‌چینی داریم و چیزی را از آنان مخفی می‌کنیم. به همین جهت بسیار نگران و بهت‌زده بود. برای این‌که نگرانی‌اش برطرف شود قول دادم که صبح فردا وی را به شیراز برده تا از نزدیک عبدالکریم را ببیند. من و مادرم صبح روز بعد با ماشین رنویی که داشتیم به سمت شیراز حرکت کردیم و بعدازظهر به شیراز رسیدیم و پرسان پرسان بیمارستان را یافتیم. عبدالکریم را پیدا کرده و او را در آغوش گرفتیم. حال دیگر خیال مادرم راحت شده بود. عبدالکریم بر اثر اصابت گلوله

تانک دست و پای چپش شدیداً آسیب دیده بود و ترکش‌های زیادی در بدنش فرو رفته بود اما حال عمویش بحمدالله خوب بود. مسئولان رسیدگی به مجروحین می‌گفتند که بزودی بعد از اطمینان از معالجات، وی را به اهواز بخواهند گردانند. من و مادرم شب را نزد وی ماندیم و فردای آن روز بعد از اطمینان از حال عبدالکریم قصد بازگشت به اهواز را داشتیم تا سایر اعضای خانواده را نیز از نگرانی خارج کنیم. وقتی از عبدالکریم سوال کردیم به چیزی نیاز دارد یا خیر گفت چون شلوارش بر اثر ترکش و خونریزی کاملاً از بین رفته احتمالاً موقع برگشت به شلوار نیاز پیدا خواهد کرد. من چون زمستان بود زیر شلواری و شلوار را روی هم پوشیده بودم لذا شلوارم را در آوردم و به همراه مقداری پول که همراه داشتم در کنار تختش گذاشتم تا مشکلی نداشته باشد و خودم با زیر شلواری باقی ماندم. و از آن لحظه به بعد در بیمارستان، در شهر شیراز و پمپ بنزین های بین راه و تا رسیدن به اهواز با همان زیر شلواری نسبتاً فرسوده طی مسیر نموده و خود را به اهواز رساندیم.

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس: دکتر سید ابراهیم موسوی قهفرخی، مدیر کل اداره شاهد و ایثارگر دانشگاه «نقش دانشگاه در دفاع مقدس»

دانشگاه شهید چمران اهواز در هشت سال دفاع مقدس: تاریخچه دانشگاه شهید چمران اهواز را می‌توان به سه دوره باستان، سال‌های ۳۴ تا ۵۷ و دوران انقلاب، شروع جنگ تحمیلی و دوران پس از جنگ تقسیم کرد.

نخستین دوره، دوران باستان از ۳۰۰ سال قبل از اسلام تا قرن سوم هجری که در این دوره، این دانشگاه بزرگ‌ترین مرکز علمی مشرق زمین و جهان به شمار می‌رفت. در آن زمان علمی از قبیل پزشکی، فلسفه، نجوم، ریاضیات، الهیات و به خصوص طب تدریس می‌شد. عبدا... بن میمون اهوازی منجم، جورجیس، دعبل خزایی؛ شاعر شیعه عرب و حارث بن کلدی برزویه طبیب یوحنا بن ماسویه، عمر بن فرخان ابطری، نوبخت اهوازی، محمد بن فرازی، علی بن زیاد تمیمی در این دانشگاه تحصیل کرده بودند. اعضای خاندان جورجیس بن بختیشوع ریاست دانشگاه جندی شاپور را برعهده داشتند. دومین دوره این دانشگاه مربوط می‌شود به سال‌های ۱۳۳۴ تا مردادماه ۵۹ که به نوعی در این دوره حیات دانشگاه آغاز می‌شود. براساس طرح جامع و اولویت‌های تعیین شده دانشگاه شهید چمران اهواز، در سال ۵۶ دارای ۶ مرکز ۱۶ دانشکده و ۳ انستیتو بود که پیش‌بینی شده بود که در طرح جامع تعداد ۲۰ دانشکده و ۷ مراکز و ۲۶ انستیتو راه‌اندازی شود.

اما سومین دوره دانشگاه بر می‌گردد به زمان انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی و به نوعی دوره سوم حیات دانشگاه شهید چمران اهواز. در این دوره، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی این دانشگاه به دلیل مجاورت با جبهه‌های جنگ از روزهای اول نقش بسیار فعال و سازنده‌ای را به عهده گرفت. در سال ۵۹ با استقرار شورای عالی دفاع و ستاد جنگ‌های نامنظم با حضور مقام معظم رهبری و سردار شهید مصطفی چمران در دانشکده کشاورزی، امکانات مادی و معنوی دانشگاه در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت که دانشکده کشاورزی به محل استقرار شورای عالی دفاع، ستاد جنگ‌های نامنظم و ستاد بسیج عشایر با حضور مقام معظم رهبری و سردار شهید دکتر مصطفی چمران و سرداران دیگر دفاع مقدس، مجتمع ورزشی و دانشکده تربیت بدنی و زمین‌های ورزشی به محل استقرار لشکر ۸ نجف اشرف به فرماندهی سردار شهید حاج احمد کاظمی، سوله ورزشی و مدارس دانشگاه به محل استقرار قرارگاه کربلا، سالن تشریح دامپزشکی و کتابخانه مرکزی به محل استقرار لشکر فجر فارس و جهاد سازندگی فارس، دانشکده علوم و امور دانشجویی به سلف سرویس و آشپزخانه محل استقرار منطقه ۸ سپاه و ستاد مرکزی قرارگاه جنوب اختصاص داده شد و تعداد ۷۴ منزل دانشگاه در اختیار تیپ الغدیر یزد و تیپ ثارالله کرمان قرار گرفت. همچنین خوابگاه خاوران و سلف سرویس مرکزی در اختیار بسیج قرارگاه کربلا و سپاه پاسداران اهواز و استان خوزستان قرار داده شد و سپاه منطقه ۸ کشوری نیز از مهمان‌سرای دانشگاه جهت استقرار نیروهای فرماندهی و ستاد استفاده می‌کردند. من نیز افتخار این را داشتم که مدتی در قرارگاه لشکر نجف اشرف در این دانشگاه حضور داشته باشم و وقتی پس از سال‌ها از اتمام جنگ برای استخدام عضو هیأت علمی، به این دانشگاه مراجعه کردم، آثار استقرار بچه‌ها هنوز هم

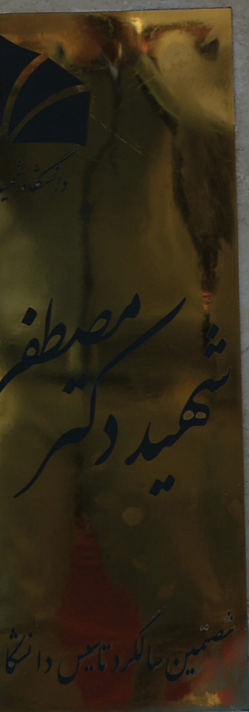
بر روی دیواره‌های کتابخانه مرکزی مشاهده می‌شد، به طوری که خاطره روزهای جنگ برایم تداعی گردید. علاوه بر مکان‌های نام برده شده، دانشگاه فعالیت‌ها و خدمات مستقیمی به رزمندگان اسلام ارایه می‌داد که از جمله این خدمات می‌توان به تشکیل گردان شهید چمران که نقش به‌سزایی در ساماندهی، آموزش و اعزام اساتید، کارکنان و دانشجویان داشت اشاره کرد. همین‌طور طرح شهید رجایی (دانشگاه در جبهه) طرح گذراندن ۱۲ واحد دانشجویان رزمنده، مجری طرح انفورماتیک در خدمت دفاع مقدس، طراحی و محاسبات لازم جهت ساخت طرح‌های راه و ساختمان و سنگرهای مقاوم در مقابل بمباران، ترجمه متون بیگانه مورد نیاز قرارگاه کربلا، اجرای طرح شیمی و الکترونیک در خدمت دفاع مقدس، ارسال ماهانه کمک‌های نقدی و اقلام مورد نیاز، انجام صدها طرح تحقیقاتی مورد نیاز جبهه و جنگ و ساخت طرح‌های فنی مهندسی با پیشنهاد و نظارت دکتر چمران از قبیل پل شناور و غیره بر عهده دانشگاه شهید چمران بود. پس از دستور وزیر فرهنگ و آموزش عالی و تشکیل ستاد امور جنگ دانشگاه‌ها با اهداف مشورت، تصمیم‌گیری و نظارت و هماهنگی در حسن اجرای همکاری دانشگاه در جنگ، اولین نشست معاونت جنگ وزارت در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۲۹ در دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار شد که از جمله مهم‌ترین مصوبات این نشست می‌توان به دادن تمامی امکانات دانشگاه به دفاع مقدس، بسیج، آموزش و اعزام نیروهای رزمی تخصصی به جبهه‌های نبرد اشاره کرد. در این نشست مقرر شد تمام مراکز تحقیقاتی با امکانات روز جهت انجام امور مورد نیاز و تحقیقات لازم در اختیار جبهه و جنگ قرار گیرد. هم‌چنین انجام چند طرح تحقیقاتی آبی-خاکی از سوی اعضای هیأت علمی که رابطه مستقیمی با جنگ داشت، تولید آثار ادبی مانند شعر و نثر و ترجمه اسناد و مدارک از عربی به فارسی و ترجمه اخبار به انگلیسی و همراهی با خبرنگاران خارجی از سوی دانشجویان و اعضای هیأت علمی، چاپ و انتشار اقلام تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی در رابطه با جنگ در اداره چاپ و انتشارات دانشگاه، حضور و استقرار رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران در دانشگاه، همکاری انجمن اسلامی دانشجویان با شهید سید حسین علم‌الهدی در راه‌اندازی بسیج سپاه پاسداران اهواز از طریق استقرار در مساجد اهواز و تاسیس پایگاه‌های مختلف بسیج در مساجد جزء وظایف دانشگاه قرار گرفت. از رهگذر نقش‌آفرینی دانشگاه شهید چمران اهواز در جنگ، تعداد زیادی از دانشجویان و دانش‌آموختگان این دانشگاه تارده‌های فرماندهی جنگ ارتقا یافتند که از جمله این افراد می‌توان به سردار علی شمخانی، سردار شهید مصدق طاهری، دکتر مهدی بخشنده، دکتر مسعود صفایی مقدم، دکتر مهدی قمشی، سردار شهید دکتر مجید بقایی، سردار شهید غلام عباس مکوندی و شهید حسین پژوهنده و دیگران اشاره کرد. در طول دوران دفاع مقدس حدود ۱۲۰۰ نفر دانشجو از دانشگاه شهید چمران اهواز به جبهه‌ها اعزام شدند که از این تعداد ۶۷ نفر شهید، ۲ نفر اسیر و ۲ نفر جاویدالآثر شدند. از حدود ۲۵۰ نفر کارمند دانشگاه نیز که به جبهه رفتند، ۲۵ نفر شهید، ۳ نفر اسیر و ۲ نفر جاویدالآثر شدند. همچنین ۹۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه در دفاع مقدس شرکت داشتند که از این تعداد ۳ نفر شهید و ۲ نفر اسیر شدند که این‌ها نشان‌دهنده بخشی از نقش دانشگاه شهید چمران اهواز در ۸ سال دفاع مقدس می‌باشد.

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس: به مناسبت سالروز شهادت عبدالمجید منصوری (از دانشجویان دانشگاه) دکتر عبدالرحیم هوشمند معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه

باتوجه به سالروز شهادت عبدالمجید منصوری در ۴ فروردین ۱۳۶۱ در عملیات فتح المبین خاطره کوتاهی از او ذکر می‌کنم. من و مجید در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی خوزستان کار می‌کردیم. در بسیاری اوقات که خبردار می‌شدیم عملیات رزمی قرار است صورت گیرد به آن منطقه برای عکاسی و فیلم‌برداری می‌رفتیم. فکر می‌کنم روزهای آخر اسفند ۶۱ به منطقه اعزام شدیم. حد فاصل شهر عبدالخان تا شاهر سمیت چپ جاده اهواز به اندیمشک طرف تپه‌ها و کوه‌ها روانه شدیم (احتمالا دشت رقابیه). یک ماشین لندروور به همراه داشتیم. سه نفر بودیم: مرحوم مجید منصوری، مهرزاد ارشدی (که از عکاسان شناخته شده دوران دفاع مقدس است) و من. یکی، دو روز در منطقه، منتظر شروع عملیات ماندیم. شهید منصوری فرد خوش‌مشرب، صاف و صادقی بود. با هم بودن روزهای به‌یاد ماندنی را برایم رقم می‌زد. قرار گذاشتیم او عکس بگیرد و من فیلم‌برداری کنم. بالاخره دستور شروع عملیات صادر شد. نیمه‌های شب عملیات شروع شد. ما سه نفر در سه مسیر مختلف، به همراه بقیه رزمندگان به خط مقدم رفتیم. تهیه عکس و فیلم وظیفه ما بود. پس از ساعت‌ها در محور بودن؛ غروب به قرارگاه برگشتیم. اما مجید نیامد. ساعت‌ها گذشت و خبری نشد و نگرانی ما بیشتر می‌شد. از ابتدای روز بعد به‌همراه یکی از دوستان جهادسازندگی در مسیری که مرحوم منصوری رفته بود، حرکت کردیم. زمین رملی، هوا انباشته از دود ناشی از انفجارهای مختلف، هر لحظه انفجاری در یک طرف ماشین اتفاق می‌افتاد. به‌دلیل نیمه تاریک بودن هوا و دود زیاد، دید کمی وجود داشت. بنابراین با سرعت کم حرکت می‌کردیم. به اطراف‌مان توجه داشتیم. در یک لحظه متوجه جنازه‌ای شدیم. پیاده که شدم جسد شهید منصوری را دیدم. در کنار جاده خاکی و در امتداد آن مجید به آرامی خوابیده بود. با توجه به رملی بودن منطقه بخشی از بدن توسط ماسه‌ها پوشیده شده بود. با تأثر جسد را درون ماشین گذاشته و به عقب برگشتیم. در حین برگشتن هواپیماهای دشمن ماشین را زیر رگبار گرفتند، که خوش‌بختانه کسی آسیب ندید. پس از تحویل جنازه به محل مربوطه، روی بازگشت به اهواز را نداشتیم. تا چند روز بعد به اهواز رفته و با پدر و مادر مهربان مجید روبرو شدم و شرح ماجرا را گفتم. و به این ترتیب رفیقی مهربان از میان ما به ابدیت پیوست و بر پیمان خود با خمینی کبیر استوار ماند. امید است یاد و نام شهدا تلنگری به ما باشد

خاطرات دانشگاهیان در دوران انقلاب و دفاع مقدس: دکتر حسن دادخواه، مدیر حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه - ۱۳۹۴

- نقش آفرینی و خدمت‌رسانی و شرکت دانشگاه شهید چمران اهواز و اقبال دانشجو، کارکنان و اعضای هیأت علمی آن در دفاع مقدس در زمینه‌های زیر بوده است:
- ۱- امور بیمارستانی و درمانی: در بیمارستان‌های دانشگاه و بیمارستان‌های صحرایی و آسایشگاه‌هایی که در زمان‌های حمله در دانشکده کشاورزی راه‌اندازی می‌شد؛ به امور درمانی و پزشکی مجروحان جنگی رسیدگی می‌شد. (لازم به یادآوری است که در دوران دفاع مقدس دانشگاه علوم پزشکی از دانشگاه شهید چمران هنوز جدا نشده بود).
 - ۲- استفاده رزمندگان و لشکرهای رزمی از دانشکده تربیت بدنی و کتابخانه مرکزی جهت استقرار نیروهای پشت جبهه.
 - ۳- استفاده سپاه پاسداران اهواز و استان خوزستان و سپاه منطقه ۸ کشوری از مهمان‌سرای دانشگاه جهت استقرار نیروهای فرماندهی و ستاد.
 - ۴- اعزام دانشجویان و کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه به جبهه و شرکت آنان در عملیات‌های گوناگون در قالب گردان رزمی دانشگاه.
 - ۵- حضور شمار زیادی از دانشجویان در دوران تعطیلی دانشگاه در ارگان‌هایی مانند جهاد سازندگی و سپاه پاسداران در رده‌های فرماندهی، مسئول قرارگاه، فرمانده گردان و رزمنده.
 - ۶- انجام چند طرح تحقیقاتی آبی- خاکی از سوی اعضای هیأت علمی که رابطه مستقیمی با جنگ داشت.
 - ۷- تولید آثار ادبی مانند شعر و نثر و ترجمه اسناد و مدارک از عربی به فارسی و ترجمه اخبار به انگلیسی و همراهی با خبرنگاران خارجی از سوی دانشجویان و اعضای هیأت علمی.
 - ۸- چاپ و انتشار اقلام تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی در رابطه با جنگ در اداره چاپ و انتشارات دانشگاه.
 - ۹- حضور و استقرار رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران در دانشگاه.
 - ۱۰- همکاری انجمن اسلامی دانشجویان با شهید سید حسین علم‌الهدی در راه‌اندازی بسیج سپاه پاسداران اهواز از طریق استقرار در مساجد اهواز و تاسیس پایگاه‌های مختلف بسیج در مساجد.
- از رهگذر نقش آفرینی دانشگاه شهید چمران اهواز در جنگ، تعداد زیادی از دانشجویان و دانش‌آموختگان این دانشگاه تا رده‌های فرماندهی جنگ ارتقا یافتند. مانند سردار علی شمشانی، سردار شهید مصدق طاهری، دکتر مهدی بخشنده، دکتر مسعود صفایی مقدم، دکتر مهدی قمشی، سردار شهید مجید بقایی، سردار شهید غلامعباس مکوندی و شهید حسین پژوهنده و دیگران. روح رفتگان شاد باد!







فصل چهارم

آشنایی با تعدادی از اعضای
هیئت علمی پیشکسوت





آشنایی کوتاه با پیشکسوتان دکتر محمدسعید مصدق

مشخصات فردی:

نام و نام خانوادگی: محمدسعید مصدق
 تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱۱/۲۴
 محل تولد: اهواز
 مرتبه دانشگاهی: استاد پایه ۴۰
 دانشگاه محل خدمت: شهیدچمران اهواز
 دانشکده: کشاورزی، گروه گیاه پزشکی.

سوابق تحصیلی:

دوره تحصیلی	رشته	دانشگاه محل تحصیل	کشور محل تحصیل	تاریخ فارغ التحصیلی
کارشناسی ارشد	کشاورزی (نباتات گرمسیری)	شهید چمران اهواز (دانشگاه جندی شاپور سابق)	ایران	۱۳۴۳/۱۱/۲۳
دکتر تخصصی	حشره‌شناسی	دانشگاه ردینگ	انگلستان	مردادماه ۱۳۵۵

عناوین پایان‌نامه‌ها

الف - کارشناسی ارشد:

حفاظت منابع طبیعی: بررسی آب‌های سطح الارضی (رودخانه‌های خوزستان

ب - دکتری:

The biology of *Plodia interpunctella* (Hubner) with particular reference to the role of the mandibular glands

رشته تخصصی: حشره‌شناسی (مبارزه بیولوژیک، حشرات مفید و گرده افشان‌ها، زنبورعسل و بیماری‌های آن).

پست الکترونیکی

Ms.mossadeg@scu.ac.ir و Mossadegh-ms@yahoo.com

۱- بانی و مؤسس اولین موزه جانورشناسی در سال‌های ۴۹-۱۳۴۶ در دانشکده کشاورزی رامین (ملاثنای)، و استان خوزستان.

۲- متخصص در مبارزه بیولوژیک.

۳- تعداد کتابهای تألیفی: چاپ شده ۴- در دست اقدام ۲

۴- تعداد نشریات آموزشی چاپ شده ۱۲

۵- تعداد مقالات منتشر شده

الف - فارسی:

۱- مجلات علمی معتبر ۷۳

۲- مجلات ترویجی (زیتون) ۱۳

۳- کنفرانس‌های داخلی: ۱۳۰

ب - سایر زبان‌ها

۱- مجلات علمی معتبر بین‌المللی ۴۴

۲- کنفرانسهای بین‌المللی ۳۴

۶- تعداد طرح‌های اجرایی و پژوهشی

الف - طرح‌هایی اجرایی: پایان یافته ۸ در دست اقدام: - - -

ب - طرح‌های پژوهشی: پایان یافته ۸۱ در دست اقدام ۱

۷- فعالیت‌های آموزشی

تعداد دروسی که در مقاطع کارشناسی ۴ (سم‌شناسی، زنبورعسل و حشرات گرده افشان، آفات انباری، تکنولوژی مبارزه شیمیایی)

کارشناسی ارشد ۳ (سم‌شناسی تکمیلی، مبارزه بیولوژیک و فیزیولوژی حشرات)، دکتری حشره‌شناسی ۴ (فیزیولوژی پیشرفته، حشرات صنعتی، حشرات اجتماعی، آفت‌کش‌ها و محیط زیست).

دکتری دامپزشکی ۱ (پرورش و بیماری‌های زنبورعسل)

دکتری تخصصی دامپزشکی ۱ (بیولوژی و فیزیولوژی بندپایان)

دکتری پزشکی ۱ (حشرات ناقل از نظر پزشکی)

تدریس شده است.

۸- تعداد پایان نامه‌ها (راهنمایی، مشاورت و داوری)

الف- کارشناسی ارشد:

۱. استاد راهنما: ۴۰ نفر

۲. استاد مشاور: ۴۸ نفر

۳- استاد ناظر و داور: ۴۹ نفر

ب- دکتری:

۱. استاد راهنما: ۲۲ نفر

۲. استاد مشاور: ۱۶ نفر

۳. داور: ۱۵ نفر

۹- جوایز و تقدیرنامه‌های دریافتی

- ۱- انتخاب طرح شماره ۲۱۹ به عنوان بهترین طرح پژوهشی دانشگاه در سال ۱۳۷۶
 - ۲- دریافت لوح تقدیر برای بیشترین تعداد طرح‌های پژوهشی خاتمه یافته در دانشگاه. ۱۳۷۷
 - ۳- استاد نمونه، اردیبهشت ماه ۱۳۸۰
 - ۴- استاد نمونه آموزشی دانشکده کشاورزی: ۱۳۸۳
 - ۵- استاد نمونه کشوری: ۱۳۸۳
 - ۶- پژوهشگر برتر ۱۳۸۴/۹/۱۹
 - ۷- پژوهشگر برتر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی استان خوزستان در محور کشاورزی و منابع طبیعی ۱۳۸۹/۱۰/۱۱
 - ۸- پژوهشگر برگزیده در محور پژوهشگر بازنشسته فعال دانشگاه چمران اهواز ۱۳۹۲/۹/۲۴.
 - ۹- پژوهشگر برگزیده در محور پژوهشگر بازنشسته فعال دانشگاه چمران اهواز ۱۳۹۳/۹/۲۳
 - ۱۰- پژوهشگر برگزیده در محور پژوهشگر بازنشسته فعال دانشگاه چمران اهواز ۹۴/۹/۲۳
- ۱۰- فعالیت‌های اجرائی در دانشگاه (کمیته‌ها، شوراها و ...)

- ۱- عضو هیأت تحریریه مجله علمی کشاورزی - مهرماه ۱۳۶۵ لغایت ۱۳۷۰/۹/۴ و ۱۳۸۴/۳/۱۸ لغایت ۱۳۸۷/۳/۱۸
- ۲- نماینده شورای پژوهشی دانشگاه در مجله علمی کشاورزی ۱۳۷۵/۱/۲۷ لغایت مهرماه ۱۳۷۷
- ۳- سردبیر مجله علمی کشاورزی - مهرماه ۱۳۷۷ لغایت خردادماه ۱۳۸۰ و خردادماه ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۸۷/۳/۱۸.
- ۴- نماینده دانشکده در شورای پژوهشی دانشگاه ۱۳۷۰/۹/۵ لغایت ۱۳۷۲/۱۰/۲۷ و ۱۳۷۵/۱/۲۷ لغایت مهرماه ۱۳۷۷.
- ۵- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده به مدت ۲ سال.

- ۶- دبیر کمیته تألیف و ترجمه دانشکده از ۱۳۷۰/۹/۵ لغایت ۱۳۷۲/۱۰/۲۷.
- ۷- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده کشاورزی از تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۰ لغایت بهمن ماه ۱۳۸۵.
- ۸- عضو هیأت ممیزه دانشگاه از ۱۳۷۰/۹/۶ لغایت تیرماه ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴/۲/۱۵ تا مهرماه ۱۳۸۸.
- ۹- عضو کمیته تخصصی گروه کشاورزی هیأت ممیزه دانشگاه از ۱۳۷۰/۹/۶ تا مهرماه ۱۳۸۸.
- ۱۰- دبیر کمیته تخصصی گروه کشاورزی از ۱۳۷۵/۱۲/۲ لغایت دی ماه ۱۳۸۳.
- ۱۱- عضو هیأت ممیزه مرکزی در وزارت علوم، تحقیقات و فن-آوری از آذرماه ۱۳۸۰ لغایت دی ماه ۱۳۸۲.
- ۱۲- عضو کمیته تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی صندوق حمایت از پژوهشگران کشور.

۱۱- فرصت‌های مطالعاتی

آمریکا - دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی از مهرماه ۱۳۶۳ لغایت مرداد ماه ۱۳۶۴.

۱۲- مرتبه دانشگاهی و تاریخ دریافت

- ۱- مربی دی ماه ۱۳۴۳ آبان ماه ۱۳۵۵
- ۲- استادیار آبان ماه ۱۳۵۵ خردادماه ۱۳۶۳
- ۳- دانشیار خردادماه ۱۳۶۳ خردادماه ۱۳۶۹
- ۴- استاد خردادماه ۱۳۶۹

۱۳- عضویت در مجامع علمی داخلی و خارجی

- ۱- عضو انجمن حشره‌شناسان ایران. ۱۳۵۵ تاکنون.
- ۲- عضو انجمن حشره‌شناسان انگلستان - ۱۳۵۴ تاکنون.
- ۳- عضو انجمن بین‌المللی تحقیقات زنبورداری (I.B.R.A) - ۱۳۵۵ تاکنون.

«متن مصاحبه با دکتر محمدحسین دینی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۶»

۱. لطفاً توضیحاتی درباره تاریخ، محل تولد و تحصیلات دانشگاهی خود بفرمائید.
۲. زمان و چگونگی ورود خود را به تشکیلات دانشگاه شهید چمران بفرمائید.
۳. با چه مدرکی و تحت عنوان چه پستی در دانشگاه شهید چمران شروع به کار گردید و چه سمت‌ها و پست‌های اجرایی داشتید.
۴. تحولات دانشگاه شهید چمران و واحد کاری که در آن اشتغال داشتید را از نظر تغییرات مدیریتی، نیروی انسانی، اعتبارات مالی ذکر و ارزیابی فرمائید.
۵. در مورد ارتباط خود با دانشگاه شهید چمران توضیح دهید.
۶. درباره وقایع انقلاب، جنگ و تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی و تأثیرات آن بر روی دانشگاه و جامعه دانشگاهی مطالبی را ذکر فرمائید.
۷. زیباترین خاطره از دانشگاه و حس شما هنگامی که به دانشگاه شهید چمران اهواز فکر می‌کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم. در مشهد تولد شدم، دوره‌ی ابتدایی را در مشهد گذراندم، هفت سال ترک تحصیل داشتم، در کارخانه نخ ریزی و نساجی خراسان شاغل بودم و در سال ۱۳۳۹ درس خواندن را شب‌ها به صورت کلاسهای شبانه شروع کردم. در آن زمان اگر معدل ۱۵ (پانزده) می‌شد می‌توانستی هر سال دو کلاس شبانه را بخوانی، من از این آئین‌نامه استفاده کردم و دوره دبیرستان را در کلاسهای شبانه سه سال و نیم تمام کردم. سربازی را در دوره پنجم سپاه دانش گذراندم. در دفترچه خاتمه خدمت من، هم برای فعالیتهای نظامی و هم برای فعالیتهای آموزشی امتیاز عالی ثبت شده است.

اعمال و رفتار نظامی‌گری شایسته، همراه با نمرات خوبی که از آزمونهای کتبی دوره آموزشی گرفته بودم، مرا در طبقه گروهان یکمی قرار داد، که دو امتیاز بزرگ داشت؛ حقوقی که دریافت می‌کردم ۳۶۰ تومان (در مقایسه با گروهان سوم که ۲۴۰ تومان) بود، امتیاز دوم اجازه انتخاب محل خدمت برای بقیه دوران سربازی به عنوان آموزگار سپاهی بود. برای آموزگاری مشهد را انتخاب کردم، در روستایی به نام گردآلود (حجت-آباد)، نزدیک سنگ بست در مسیر شهر فریمان کار آموزش را در اتاقی که برای کلاس آماده شده بود شروع کردم. بعد از اتمام دوره‌ی سربازی با عنوان آموزگار سپاهی، این امکان داده شد تا شهری را که مایلیم برای استخدام در آموزش و پرورش کار کنیم، انتخاب کنیم؛ می‌توانستیم سه شهر را انتخاب کنیم. با اینکه بچه مشهد بودم، هر سه محل را تهران انتخاب کردم تا با دور بودن از فامیل بتوانم بر مطالعه به منظور قبولی در آزمون ورود به دانشگاه تمرکز کنم. در روستایی به نام عباس‌آباد در بخش خرقان شهر ساوه به عنوان آموزگار روستایی شروع به کار کردم.

در تابستان ۱۳۴۴ وقتی دوره سربازی را با عنوان سپاه دانش می‌گذراندم در مشهد به دانشکده علوم واقع در خیابان اسرار رفتم. سرسرای این دانشکده با سنگ‌های مرمر و ستون‌های زیبا آراسته شده بود که در مقایسه با وضعیتی که در روستا داشتم خیلی متفاوت بود، در همان زمان تصمیم گرفتم که به مکانهایی مانند این ساختمان وارد شوم. آن سال قبول نشدم، در سال ۱۳۴۵ روزی در خیابان انقلاب از پشت میله‌های دانشگاه تهران رد می‌شدم. آنجا نیز با خود گفتم:

ای کاش یک روز بتوانم به آن طرف میله‌ها بروم. بالأخره در سومین آزمونی که برای ورود به دانشگاه دادم قبول شدم؛ دفعه اول می‌خواستم پزشک شوم که نشد، دفعه‌ی دوم برای رشته‌های علوم امتحان دادم که باز نشد و دفعه سوم می‌خواستم به رشته مدیریت بروم. در آن زمان شیوه انتخاب یک رشته اینگونه بود که داوطلبانی را که نمراتشان نزدیک به هم بود در یک اتاق جمع می‌کردند و رشته‌هایی را که ظرفیت آنها کامل نشده بود بر روی تخته سیاه می‌نوشتند. افراد با نمره بالاتر را فرا می‌خواندند. تمایل داشتم رشته مدیریت را انتخاب کنم، ولی آخرین نفر قبل از من رشته را مدیریت انتخاب کرد و ظرفیت آن رشته پر شد، من مجبور شدم علوم تربیتی را انتخاب کنم. در سال ۴۶ به دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران رفتم (البته یک نیمسال را در روستا معلم نیز بودم). شرایط بسیار سختی بود. فامیلی در تهران داشتم که از او کمک خواستم و گفتم: می‌توانی جوراب بفروشی؟ گفتم: بله می‌فروشم، چون در آن زمان هیچ کس از لحاظ مالی به من کمک نمی‌کرد.

بالأخره از آموزش و پرورش استعفا دادم، به تهران آمدم و درس خواندن را شروع کردم، اولین شغلی که پیدا کردم ماشین‌نویسی بود، روبروی دانشگاه تهران جایی بود که پایان‌نامه تایپ می‌کردند و من چون در کارخانه نخریسی و نساجی مشهد ماشین‌نویسی را آموخته بودم، آنجا مشغول به کار شدم و در ازای هر صفحه‌ای که تایپ می‌کردم ۳ ریال دریافت می‌کردم. مدتی زندگی به این صورت گذشت تا در دانشکده سی واحد درس کتابداری را به عنوان رشته فرعی گذراندم. در سال ۱۳۴۸ توسط خانم نوش آفرین انصاری مدرس درس-های کتابداری، به مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران برای کار معرفی شدم و در آن کتابخانه همه روزه از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ده شب کار می‌کردم.

در سال ۵۰ برای کارشناسی ارشد آزمون دادم و همزمان رشته علوم تربیتی و کتابداری را قبول شدم، کتابداری را انتخاب کردم، با این استدلال که در کتابداری جای پیشرفت بیشتری نسبت به علوم تربیتی وجود دارد. در دانشگاه تهران فوق لیسانس کتابداری می‌خواندم و همزمان در دانشکده حقوق مسئول بخش فهرست‌نویسی بودم. همکاری به نام خانم بدری (زهره) ارباب شیرانی داشتم که برادرش رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه جندی‌شاپور بود. سعید ارباب شیرانی یک روز برای دیدن خواهرش به کتابخانه آمد. بنا به گفته زهره ارباب شیرانی او به دنبال یک نفر آدم زرنگ بود تا برای کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه جندی‌شاپور استخدام کند. با معرفی ایشان، مصاحبه‌ای کوتاه روی پله‌های بیرونی دانشکده حقوق انجام شد. پیشنهاد کرد تا با عنوان عضو هیأت علمی به اهواز بروم تا بعد از دو سال با استفاده از بورس برای دوره دکتری به خارج بروم. دو روز بعد از مصاحبه حکم مربی گروه علوم انسانی دانشگاه جندی‌شاپور با هواپیما برایم فرستاده شد. بدین صورت من با خانواده‌ام که متشکل از همسر، مادر و اولین فرزندم آرش بود، در اهواز ساکن شدیم.

در اهواز خانم مهوش ابوضیاء رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات بود، پس از مدتی ایشان به دلیل انتقال شوهرشان که شرکت نفتی بود از اهواز رفتند و من رئیس کتابخانه شدم. در آن زمان درس‌های آشنایی با کتابخانه را برای گروه ادبیات تدریس می‌کردم. در کتابخانه دانشکده ادبیات ۵ کارمند کار می‌کردند، از بین آنها سه نفر به نام‌های زهلوله دغاغله، خانم کاشانی و آقای فیاضی لیسانس زبان انگلیسی بودند. طی مدت سه سالی که مسئولیت کتابخانه را برعهده داشتم تعداد

کارکنان کتابخانه به ۲۰ نفر رسید. آقای روزن‌سکی مربی زبان انگلیسی مسئول سفارشات لاتین بود، خانم کرل هنسن فوق لیسانس کتابداری که با اعلام در مجلات حرفه‌ای کتابداری آمریکا به استخدام کتابخانه در آمده بود، کار فهرست نویسی منابع انگلیسی را برعهده داشت و آقای آقاریبع مسئولیت بخش فهرست-نویسی منابع فارسی را برعهده داشت. امکانات مالی فراوانی برای مجموعه‌سازی در اختیار بود. هم کتابهای فارسی جاری، هم مجموعه کتابهای شخصی و هم کتابهای انگلیسی و فرانسه زبان را به مجموعه می‌افزودیم. هم آقای دکتر شیرانی و هم آقای دکتر جامعی رئیس دانشگاه به ساخت مجموعه‌ای غنی از کتابها علاقه نشان می‌دادند. آقای دکتر جامعی رئیس دانشگاه بسیار آدم بلند نظر، آینده‌نگر، دست و دلباز و معقول بود. نمی‌دانم به چه دلیل مرا مرد مؤمن صدا می‌زد. می‌گفت: مرد مؤمن! «هر چی برای کتابخانه لازم داری تهیه کن، کاری به پولش نداشته باش». یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان غلبه بر مشکلات با قبول دردسر برای خود بود. مثلاً، ساختمان مرکزی دانشگاه که در پردیس فعلی واقع است، مدت‌ها در حال ساخت بود و کارهای آن آنگونه که او می‌خواست پیش نمی‌رفت. دکتر جامعی یک روز دستور داد در ساختمان در دست ساخت، اتاقی برای دفترش آماده کنند. در هوای گرم و بدون برق به اتاق کار خود در ساختمان نیمه ساخته رفت و فشار آورد تا شرایط کاری اتاقش مناسب شد، آنگاه فشار آورد تا اتاق کار معاون آموزشی دانشگاه را بسازند و به همین ترتیب آهسته اما با سرعت بسیار بیشتر از قبل ساختمان مرکزی دانشگاه شکل گرفت. دکتر جامعی باور داشت که دانشگاه باید با امکانات اندک هم رشد کند، به عنوان مثال در جلسه‌ای که تشکیل داد در آن دکتر کلانتر متخصص اقتصاد، من به عنوان مسئول کتابخانه مرکزی دانشگاه، معاون آموزشی دانشگاه، معاون امور مالی و چند نفر دیگر از جمله آقای پورشعبان به عنوان کارمند دانشکده اقتصاد، حضور داشتیم. در آن جلسه با دادن مسئولیت به آقای دکتر کلانتر، افتتاح دانشکده اقتصاد را با یک عضو هیئت علمی اعلام کرد. این دانشکده اکنون یکی از دانشکده‌های پرقدرت دانشگاه شهید چمران است.

بنای کتابخانه مرکزی فعلی در آن زمان در دست ساخت بود، طرح این ساختمان که توسط آقای دکتر سعید ارباب شیرانی داده شده بود باری گنجایش ۳۰۰۰۰۰ (سیصد هزار) جلد کتاب در نظر گرفته شده بود. در حالی که مسئول کتابخانه ادبیات بودم، موظف بودم تا برای کتابخانه مرکزی نیز مجموعه‌سازی کنم. به همین دلیل در دانشکده ادبیات کتاب‌های زیادی از همه نوع، به ویژه منابع مرجع خریداری می‌کردم. در آن زمان هر چه می‌خواستم بخرم، می‌توانستم. برای مثال در ده اسفند ۱۳۵۴ رئیس دانشکده آقای دکتر شیرانی اعلام کرد چهار میلیون تومان پول موجود است، می‌توانی قبل از عید این مبلغ را برای خرید کتاب مصرف کنی؟ گفتم: بله، همه کارکنان را بسیج کردم و سفارشی مناسب به خارج فرستادم. سفارشات خارجی را به شرکت بلاک ولز در انگلستان و یا به شرکت بلاک ولز نورث آمریکا به هلند ارسال می‌کردیم. کتابها را همراه با برگه‌های فهرست شده برایمان می‌فرستادند. چون در دانشکده ادبیات تعداد زیادی از اعضاء هیأت علمی گروه زبان انگلیسی و فرانسه وجود داشت، کار انتخاب و سفارش منابع مناسب به سادگی انجام می‌شد. سفارشات ارسال می‌شد، کتاب‌ها به سرعت به ایران فرستاده می‌شد، کارهای اداری آنها انجام می‌شد و سپس وجه کتاب‌ها به خارج ارسال می‌شد. وقتی به دانشکده ادبیات آمدم

یک سالن کتابخانه با دو اتاق کار مرتبط با کتابخانه وجود داشت، سه سال بعد، سیزده اتاق کتاب در دانشکده ادبیات وجود داشت. در دو تا از اتاق‌ها کتاب‌هایی قرار داده بودند که قبل از سال ۱۳۲۰ منتشر شده بودند. اینها را کتاب‌های نایاب تلقی می‌کردیم و از دسترسی مستقیم خارج کرده بودیم. بیشتر این کتابها فارسی بودند، برخی از این کتابها به زبان فرانسه و برخی دیگر کتاب‌های انگلیسی قدیمی با عکس‌ها و نقاشی‌های بسیار جالب بودند؛ نمی‌دانم این کتابها اکنون در کجا نگهداری می‌شوند. اگر آن کتابها هنوز بخشی از مجموعه‌های دانشگاه باشد، برخی از آنها باید بیش از چند میلیون قیمت داشته باشد.

فعالیت‌های مرتبط با آموزش کارکنان کتابداران دانشگاه شهید چمران

در سال ۱۳۵۳ که به اهواز منتقل شدم، یک دوره کوتاه مدت ده روزه توسط کمیته آموزشی انجمن کتابداری ایران به راه انداختم که در آن ۶۱ نفر شرکت کردند. مدرسانی که از تهران برای این کلاسها آمدند، خانم نوشین آفرین انصاری، آقای عبدالحسین آژنگ، آقای کامران فانی و خانم فریده طاهری بودند. گرچه من در کلاسهای مشابه این کلاسها مثلا در کرمان تدریس کرده بودم، اما در این دوره برای خود درسی تعیین نکردم و فقط مدیریت کار را برعهده گرفتم. در افتتاحیه کلاسها که در سالن فردوسی دانشکده ادبیات انجام شد، آقای دکتر شیرانی و خانم انصاری سخن گفتند. به یقین بیشترین افرادی که در این کلاس شرکت کردند، در کتابخانه‌های دانشگاه جندی شاپور استخدام شدند. در سال ۱۳۶۱ کلاس بازآموزی ۴۵ ساعته کتابداری در کتابخانه مرکزی دانشگاه شهیدچمران تشکیل شد. تدریس این دوره بر عهده محمدحسین دیبانی بود. در سال ۱۳۶۴ نیز یک دوره کوتاه مدت کتابداری تشکیل شد که در آن دوره آقایان محمدحسین دیبانی، مرتضی کوکبی و عبدالحسین فرج پهلو تدریس کردند. در سال ۱۳۶۵ با موافقت سازمان امور اداری و استخدامی کشور تعداد ۲۶ نفر از کتابداران دانشگاه طی آزمونی برای مقطع کاردانی پذیرفته شدند. این عده پس از پنج نیمسال شرکت در کلاسها در سال ۱۳۶۹ دوره میان مدت کتابداری را به پایان رسانیدند. محتوای برنامه آموزشی این دوره با برنامه مصوب کاردانی تفاوتی نداشت؛ فقط چهار واحد زبان انگلیسی و دو واحد آشنایی با کاربرد کامپیوتر در کتابخانه‌ها به برنامه اضافه شده و از تعداد کارورزیها کاسته شده بود. مدیریت این دوره و تدریس برخی از درسهای این دوره بر عهده محمدحسین دیبانی بود.

وقتی به اهواز آمدم ۵ کارمند در کتابخانه ادبیات کار می‌کردند و کسی با تحصیلات کارشناسی ارشد برای استخدام در اهواز وجود نداشت. با موافقت دانشگاه برای استخدام فوق لیسانس کتابداری در مجلات آمریکایی اعلام نیاز کردیم. ۵۰ تا ۶۰ مورد شرح حال و فعالیت برایمان ارسال شد که از بین آنها خانمی را انتخاب کردیم. خانمی بسیار جوان و ریز نقش و بسیار با وقار بود. ابتدا که ایشان به دانشکده آمد، نگران شدیم، چون تعداد زیادی غیر ایرانی در این دانشکده کار می‌کردند، خرسندانه با درایتی که خانم هنسن بخرج دادند، هیچ موردی که مناسب حال دانشگاه و کتابخانه نباشد پیش نیامد و مدتی پس از رفتن من به بورس، ایشان هم به آمریکا آمدند و در آنجا ازدواج کردند و من را هم که آن موقع در آمریکا بودم به مراسم جشن عروسی خود دعوت کردند که البته نتوانستم در جشن شرکت کنم.

در دوره‌ای که در دانشکده ادبیات بودم، افزون بر سرپرستی کتابخانه درس شیوه‌های استفاده

از کتابخانه را به دانشجویان رشته ادبیات تدریس می‌کردم. کلاسهای بسیار پرشوری بود، آنقدر دانشجوی در کلاس حاضر می‌شد که علیرغم بزرگی کلاس جا برای نشستن باقی نمی‌ماند و از کلاسهای دیگر صندلی آورده می‌شد. برنامه رشته فرعی کتابداری را برای دانشجویان رشته‌های ادبیات و زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان فرانسه نوشتم، اما به دلیل فراهم شدن امکان ادامه تحصیل، فرصت نشد تا آنها را راه‌اندازی کنم.

طبق قرار این امکان وجود داشت پس از دو سال خدمت از بورس تحصیلی استفاده کنم، اما به دلیل ضرورت تقویت زبان مجبور شدم سال سوم استخدام برای ادامه تحصیل به آمریکا برویم. بعد از دریافت پذیرش از دانشگاه ایالتی رانگرز در نیوبرونزویک، ایالت نیوجرسی، برای کارهای اداری به وزارت علوم بخش بورسها معرفی شدم. در کمتر از یک هفته، به سفارت آمریکا برای گفتن ویزا معرفی شدم و در فاصله کوتاهی در شهریور ۱۳۵۶ رهسپار آمریکا شدم و در دانشکده کتابداری دانشگاه ایالتی رانگرز در شهر نیوبرونزویک نیوجرسی تحصیل خود را آغاز کردم.

قبل از اینکه به آمریکا بروم، رئیس کتابخانه دانشکده علوم همسر آقای دکتر سعید ارباب شیرانی (رئیس دانشکده ادبیات)، خانم فخری ناظمی فوق لیسانس کتابداری بود. همسر آقای دکتر مروج عضو هیئت علمی دانشکده علوم، رئیس کتابخانه دانشکده علوم تربیتی بود و خانم سودابه داروگر که مشهور به خانم دکتر ساجد بود و فوق لیسانس کتابداری داشت رئیس کتابخانه دانشکده پزشکی بود. احتمالاً آقای زاهد بیگدلی هم در آن زمان رئیس کتابخانه بیمارستان در خیابان ۲۴ متری بود و احتمالاً خانم فریده عصاره رئیس کتابخانه در دانشکده کشاورزی بودند، خانم ناظمی و خانم داروگر فوق لیسانس کتابداری بودند، بقیه لیسانس در رشته‌های دیگر، بیشتر لیسانس زبان انگلیسی بودند.

قبل از اینکه من به آمریکا بروم، رئیس دانشگاه (آقای دکتر جامعی) به آقای دکتر خرم زاده که دکتری علوم تربیتی (یا روانشناسی) بود و فوق لیسانس کتابداری نیز داشتند مأموریت داده بود که کتابخانه مرکزی دانشگاه را راه‌اندازی کنند. چون هنوز ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه تمام نشده بود، فعالیتها در طبقه دوم دانشکده را راه‌اندازی کنند. چون هنوز ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه تمام نشده بود، فعالیتها در طبقه دوم دانشکده علوم انجام می‌شد. نظامی که آقای دکتر خرم زاده برقرار کرد، به لحاظ اداری سیستمی کاملاً متمرکز بود، حتی حقوق کارکنان همه کتابخانه‌ها نیز توسط این کتابخانه پرداخت می‌شد. ایشان با کمک گرفتن از خانم ناظمی، و سودابه داروگر و استخدام دو دکتری کتابداری از آمریکا به نامهای آقای لری بار و همسرش جنت بار رشته کتابداری را در سطح فوق لیسانس دایر کردند. خانم فریده عصاره، آقای زاهد بیگدلی، آقای عبدالحسین فرج پهلوی و آقای مرتضی کوبی و آقای طلوع (؟) دوره فوق لیسانس کتابداری را از آنجا شروع کردند، ولی به دلیل پیروزی انقلاب و سپس تعطیلی گروه کتابداری، دوره را در دانشگاه تهران ادامه دادند.

بعد از یک سال از رفتنم به آمریکا، انقلاب اسلامی پیروز شد و مسائل مربوط به آمریکا، گروگان‌گیری و غیره پیش آمد. چون دوست داشتم سریع برگردم، تمام وقت کار کردم و در تیرماه ۱۳۵۹ فارغ‌التحصیل شدم و شبی که کودتای نوژه شکست خورد در راه ایران بودم که به دلیل بسته شدن فرودگاه‌های ایران یکی دو شب در رم (ایتالیا) ماندیم تا فرودگاه‌های ایران باز شد و به ایران برگشتم. هیجده مرداد خود را به دانشگاه معرفی کردم و اول مهر جنگ شروع شد. در

ابتدا شروع جنگ را جدی نمی‌گرفتیم و فکر می‌کردیم ده یا پانزده روزه تمام خواهد شد؛ اول مهر بود، من در لشکرآباد بودم و ساعت تعطیلی بچه‌های مدرسه بود هواپیماهای عراقی دیوار صوتی شهر را شکستند و همه درهای کرکره‌ای مغازه‌های خیابان سی متری و منتظری اهواز در هم فشرده شد، شهر به هم ریخت. پسر من را در مدرسه کوی دانشگاه گذاشته بودم، ساعت ۱۱ که برای آوردن پسر من به منزل از ابتدای لشکرآباد عبور می‌کردیم، دیوار صوتی شکسته شد، خانم‌های هموطن عرب زانم با پا و سر برهنه به کوچه‌ها و خیابان ریختند و به دنبال فرزندانمان می‌گشتند، به دبستان دانشگاه که رسیدم. پسر من گوشه‌ی دیوار کز کرده و ایستاده بود. همه مانده بودند که چه خواهد شد؟ کار تعطیل شده بود، آن موقع با خانواده‌ام در اتاقی موقت در باغ امانیه ساکن بودیم. شهر در هم ریخته بود و برخی مانند آنهایی که در باغ امانیه ساکن بودیم با خوش خیالی روی پشت‌بام‌ها سر در ورودی باغ کیسه شن گذاشتیم و کوکتل مولوتف درست کردیم، که البته بی‌فایده بود. از فردای آن روز حملات عراقیها با هواپیما و ... شروع شد، خیلی‌ها شهر را ترک می‌کردند دانشگاه به تعطیلی کشانده شد و آهسته‌آهسته چهره نظامی بخود گرفت. نظامیان در دانشگاه ساکن شدند. نظامیان ایران در دانشکده علوم، کتابخانه مرکزی، دانشکده تربیت بدنی مستقر شدند. چند روزی خانواده‌ام را به خانه یکی از آشنایان در هفتکل بردم. در اهواز بودم، حدود ساعت ۳ تا ۳/۵ از دیوار باغ امانیه به رودخانه نگاه می‌کردیم که متوجه شدیم در دور دست گاه به گاه دود به هوا بلند می‌شود. ساعت ۵ انفجارهای مهیبی آغاز شد. شهر کلاً به هم ریخت و تمام مدت انفجارهای شدید رخ می‌داد، شهر تاریک شده بود و از آسمان باروت می‌بارید. مانند همه مردم ما هم به طرف میدان شیرها فرار کردیم. با ماشین حمل لاشه گوسفند همراه دکتر محمدرضا راشد به ملاثانی رفتیم و شب را آنجا ماندیم. در همانجا مطلع شدیم که انبار مهمات را که پادگان بوده است، مورد حمله قرار داده‌اند. دیگر نمی‌شد در شهر یا در دانشگاه کاری انجام داد. خیلی از اعضای هیئت علمی و کارکنان شهر را ترک کرده بودند، برخی مانند من مدت‌ها سردرگم در شهر ماندیم. خانواده‌ام را از هفتکل به مشهد بردم و برای تعیین تکلیف به اهواز آمدم. پس از مدتی برای انجام مأموریتی به وزارت ارشاد اسلامی در تهران اعزام شدم و مأموریت یافتم تا کتاب‌های مصادره شده از خانه‌های طرفداران شاه را که در سالن‌های نمایشگاه بین‌المللی تهران روی هم انبار شده بود، به مکانی دیگری (باشگاه نخست وزیری واقع در خیابان فرشته تهران) انتقال دهم. مدتی با بیرون آوردن کتابها از کارتونها و تفکیک آنها خود را سرگرم کردم. گفته می‌شد که آقای معادیکخواه وزیر ارشاد اسلامی تمایل دارد کتابخانه‌ای با مجموعه‌ای از کتاب‌های اسلامی نوشته شده به ده زبان دنیا راه‌اندازی کند و فراخواندن من به تهران با این نیت بوده است. با تغییر ایشان برنامه‌ها تغییر کرد و هم اداره ارشاد تهران و هم من بی‌تکلیف بودیم. در سال ۱۳۶۱ که شهر اهواز قدری آرام گرفته بود. به اهواز فراخوانده شدم. به دیدن آقای دکتر نادران رئیس وقت دانشگاه رفتیم. ایشان با چهره‌ای شاد اعلام کردند که ما مدرس هستیم و با فراهم آمدن زمینه‌های فعالیت آموزشی باید به کار آموزشی خود باز گردیم. نیز اعلام کردند که تمایل دارند کتابخانه‌های دانشگاه را فعال کنند و از من خواستند که به عنوان دکتری این رشته هر آنچه که باید در این مورد انجام گیرد انجام دهم. تقریباً به من اختیار داده شد تا هر کاری به لحاظ حرفه‌ای باید انجام شود انجام دهم تا کتابخانه‌ها بویژه کتابخانه مرکزی دانشگاه باز فعال شود.

در طبقه‌ی دوم دانشکده علوم اتاقی وجود داشت که در زمان اقامت نیروهای شهید چمران در آنجا مورد حمله قرار گرفته بود، اتاق، با ترک این نیروها تعمیر شده و خالی باقی مانده بود. کتابخانه مرکزی را در آنجا مستقر کردیم. قبل از انقلاب نیز همین قسمت به کتابخانه مرکزی اختصاص داشت. کتابداران دانشگاه را که به دلیل جنگ به شهرها یا ادارات مختلف فرستاده شده بودند با نامه ریاست دانشگاه فرا خواندیم. آقای مرتضی کوکبی، آقای فرج پهلوی و خانم عصاره که دوره کارشناسی ارشد خود را تمام کرده بودند و نیز دیگر کارکنان همه گرد هم آمدیم. آقای مرتضی کوکبی و خانم عصاره بخش فهرست‌نویسی را به جریان انداختند و آقای عبدالحسین فرج پهلوی بخش سفارشات را اداره می‌کردند. موافقت رئیس دانشگاه را جلب کردیم تا رؤسای دانشکده‌ها بودجه‌های خرید کتاب و مجلات خود را زیر نظر رئیس کتابخانه مرکزی هزینه کنند، اقدام مناسبی که خیلی دوام نیاورد و با رفتن من از کتابخانه مرکزی شکل دیگری پیدا کرد. کارمان بجایی رسیده بود که حدود هزار عنوان مجله غیرفارسی را بطور متمرکز مشترک بودیم، آقای نائل مسئولیت این بخش را بر عهده داشت. با تغییرات در امکانات مالی، سفارش حدود سیصد عنوان مجله را مشترک بودیم و بعدها این تعداد شاید به ۳۰ عنوان رسید.

در همین کتابخانه مرکزی اقدامات اولیه کامپیوتری کردن برگه‌دان کتابهای فارسی و انگلیسی را آغاز کردیم. تابستانی که برای دیدن فامیل به مشهد رفته بود به دیدن آقای پورسرباز (خدا رحمتش کند) در کتابخانه بیمارستان امام رضا رفته. ایشان در حال تدریس نرم‌افزار **CDS/ISIS** بود. در کلاسهای مربوطه شرکت کردم و با نرم افزار آشنا شدم. یک کپی از نرم‌افزار گرفتم و به اهواز آوردم. متأسفانه در آن زمان تنها یک رایانه (پی. سی.) در دانشگاه، آن هم در سالن کامپیوتر دانشگاه موجود بود. سالن کامپیوتر دانشگاه قبل از انقلاب در اتاقی بزرگ و تمیز، راه‌اندازی شده بود و در آن یک مین فرم وجود داشت. بعد از انقلاب آمریکاییها پشتیبانی از این ابزار را قطع کرده بودند و دیگر نمی‌شد از آنها استفاده کرد. به هر حال بدلیل ناآگاهی از مباحث فنی، ورود به این مکان که تنها رایانه پی. سی. در آن قرار داشت بسیار دشوار بود. نمی‌شد بدون کسب نظر آقای عباسی رئیس این سالن وارد این سایت شد و با پی. سی. موجود کار کرد. راه حلی پیدا کردم. طرح تحقیقی برای کامپیوتری کردن اطلاعات کتابهای و مجلات لاتین کتابخانه مرکزی تهیه کردم و در آن آقای عباسی را به عنوان مجری دوم معرفی کردم. طرح پذیرفته شد و در سالن کامپیوتر بر روی من باز شد و استفاده از رایانه موجود که کسی جز من با آن کار نمی‌کرد، مقدور شد. اطلاعات (برگه‌های فهرست شده) موجودی کل مجلات لاتین کتابخانه‌های دانشگاه جندی شاپور را با آقای نائل کامپیوتری کردیم و خوشبختانه نسخه‌ای کاغذی از آن هم منتشر شد. با آقای زرگر برگه‌های کتابهای انگلیسی کتابخانه مرکزی را هم با نرم‌افزار **CDS/ISIS** کامپیوتری کردیم. برگه‌های کتابهای کتابخانه دانشکده علوم تربیتی را نیز با این نرم افزار الکترونیکی کردیم. نسخه‌ای از این نرم‌افزار را در اختیار کتابخانه دانشگاه علوم پزشکی که در آن زمان جدا شده بود قرار دادیم و آنها نیز کتاب‌هایشان را با این نرم‌افزار الکترونیکی کردند. همزمان با همکاری آقای نائل فهرستی از کلیه نسخه‌های موجود مجلات فارسی دانشگاه نیز تهیه کردیم که این اطلاعات نیز به صورت کتابچه‌ای تکثیر شد. تهیه این مجموعه‌ها موجب شد که بتوانم چند مقاله درباره روند انتشار و توقف مجلات فارسی بنویسم.

با تکمیل ساختمان کتابخانه دانشکده مهندسی، کلیه امکانات کتابخانه مرکزی از دانشکده

علوم به کتابخانه دانشکده مهندسی منتقل شد. چون تعدادی از کتابخانه‌های دانشکده‌های دانشگاه با کمبود جا روبرو بودند، در مقاله‌ای با عنوان تمرکز و عدم تمرکز کتابخانه‌های دانشگاهی، مزایای تمرکز و عدم تمرکز خدمات در کتابخانه‌های دانشگاه شهیدچمران را مورد بررسی قرار دادم. در این مقاله نشان دادم که اگر کتابخانه‌های دانشگاه به صورت غیر متمرکز و نیمه متمرکز اداره شوند، چند نفر مورد نیاز است. اگر چه مقاله تأثیرش را گذاشت. ولی تعصبات باعث ادغام کتابخانه‌ها نشد، بلکه مجموعه‌های چند کتابخانه که به ساختمان کتابخانه دانشکده مهندسی منتقل شده بودند پیوسته بودند، هر یک بصورت جداگانه بخشی از ساختمان را به خود اختصاص دادند، که بیشتر شبیه غرفه بود تا کتابخانه! در هر صورت خرید منابع فارسی و غیرفارسی مدتی به صورت متمرکز انجام می‌شد.

بسیاری از کتاب‌های مرجع کتابخانه مرکزی که در زمان کار در دانشکده ادبیات گردآورده شده بود در محوطه دایره مانند گردی که در وسط ساختمان کتابخانه دانشکده علوم ساخته بودند، نظم داده شدند و برای اولین بار بخش مرجع کاملاً مجزا و دلپذیری در دانشگاه شهید چمران در خدمت مراجعان قرار گرفت. در آن موقع آقای موسوی بخش امانت و مرجع را اداره می‌کردند. بخش عمده‌ای از مجلات صحافی شده را نیز من در همین ساختمان سازمان دادم.

همزمان با ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه، مدیریت گروه کتابداری دانشگاه شهید چمران را نیز بر عهده داشتم. در سال ۶۱ رشته کتابداری در مقطع کاردانی در وزارت علوم تصویب شد و اولین دوره این دانشجویان در سال ۱۳۶۲ در کلاسهای درسی که در بخشی از دانشکده دامپزشکی فضایی به طور موقت به دانشکده علوم تربیتی اختصاص یافته بود، حضور یافتند. از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ پنج دوره دانشجوی دوره کاردانی کتابداری مورد تدریس قرار گرفتند. برای این پنج دوره ۲۱۵ نفر اعلام ظرفیت شد، ۷۷ زن و ۶۰ مرد ثبت نام کردند و ۶۷ زن و ۴۴ مرد (مجموع ۱۱۱ نفر) فارغ‌التحصیل شدند. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ سه دوره دانشجوی دوره کارشناسی کتابداری گرفتیم. برای این سه دوره ۹۰ نفر اعلام ظرفیت شد، ۴۰ زن و ۳۹ مرد ثبت نام کردند و ۳۴ زن و ۳۰ مرد (۶۴ نفر) فارغ‌التحصیل شدند. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ برای دوره کارشناسی ناپیوسته کتابداری ۱۱۵ نفر اعلام ظرفیت شد، ۴۸ زن و ۲۴۲ مرد ثبت نام کردند و ۳۹ زن و ۳۷ مرد فارغ‌التحصیل شدند. فشرده مطلب اینکه از کل ظرفیت شده‌ها برای دوره کاردانی ۶۲٪ ثبت نام کردند و از این تعداد ۸۱٪ فارغ‌التحصیل شدند. از ۸۷٪ ثبت نام کنندگان دوره کارشناسی پیوسته، ۸۱٪ فارغ‌التحصیل شدند و از ۷۹/۱٪ ثبت نام کنندگان دوره کارشناسی ناپیوسته ۳/۵٪ فارغ‌التحصیل شدند. نتیجه اینکه گروه می‌توانسته است پذیرای ۴۲۰ نفر دانشجو باشد، اما در عمل، ۱۸۳ نفر کمتر از فارغ‌التحصیل کرده است. از این تعداد ۴۶ نفر انصراف دادند، ۲ نفر تغییر رشته دادند، ۲۸ نفر به گروه آموزشی دیگری منتقل شدند و ۶ نفر غیبت داشته‌اند. وضعیت بقیه روشن نشد.

از سال ۱۳۶۸ امکان اعزام مربیان گروه‌های علمی دانشگاه برای ادامه تحصیل در سطح دکتری فراهم آمد، در سال ۱۳۶۸ آقای عبدالحسین فرج پهلوی، در فروردین سال ۱۳۷۰ آقای مرتضی کوبکی؛ در بهمن ۱۳۷۰ آقای زاهد بیگدلی و در مرداد ۱۳۷۱ خانم دکتر فریده عصاره برای ادامه تحصیل به استرالیا رفتند. در غیاب این افراد کلیه درسهای گروه توسط محمدحسین دینانی و آقای عبدالحمید معرف‌زاده تدریس می‌شد. موافقت من به عنوان مدیر گروه برای اعزام ۴ عضو

هیئت علمی برای ادامه تحصیل اقدامی بود که بسیاری آن را ستودند و ثمرات آن بعدها افتخاری شد برای دانشگاه شهید چمران که گروه کتابداری آن در بالاترین سطح توانایی برای آموزش کتابداری در سطوح مختلف قرار گرفت. شاید یکی از پیامدهای آن اقدام، تشکیل قطب علمی مدیریت دانش در گروه کتابداری دانشگاه شهید چمران شد. مسئولیت خانم دکتر عصاره به عنوان عضو در هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی ایران و مسئولیت آقای دکتر عبدالحسین فرج پهلوی به عنوان رئیس کمیته برنامه‌ریزی کتابداری در وزارت علوم نیز می‌تواند ثمره‌ای با ارزش از توافق اینجانب با اعزام همزمان ۴ عضو گروه شد. خرسندانه همه این چهار نفر در اولین فرصت ممکن به درجات دانشیاری و استادی نیز نائل شدند.

درس‌هایی که در دوره کاردانی و کارشناسی ناپیوسته در اهواز تدریس کرده‌ام موارد زیر می‌باشند:

کاردانی: مقدمه کتابداری، مجموعه‌سازی، مواد مرجع ۱، ۲، مواد و خدمات کتابخانه برای نوسودان، ماشین‌نویسی فارسی و لاتین کارورزی ۱، ۲، کلیات منطقی.

کارشناسی: مجموعه‌سازی ۱ و ۲، گزارش‌نویسی، اداره کتابخانه، آمار و احتمالات برای کتابداران، کارورزی ۳، (روش تحقیق در علوم متربیتی، روش تحقیق در ادیان، آموزش بزرگسالان، آشنایی با کتابخانه و استفاده از آن، در سایر دانشکده‌ها)، آشنایی با کاربرد کامپیوتر در کتابخانه، اصول کار مرجع، پایگاه‌های اطلاعاتی، مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی، سازماندهی ۲، ۳، متون انگلیسی ۱ و ۲.

در غیاب چهار عضو گروه دوره‌های فوق دیپلم، کارشناسی ناپیوسته، کارشناسی پیوسته و کارشناسی ارشد کتابداری را راه‌اندازی کردم. در مرداد ۱۳۷۶ آقای دکتر عبدالحسین فرج پهلوی پس از فارغ‌التحصیلی به ایران بازگشتند و زمینه راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد کتابداری بیش از پیش فراهم شد. یادآوری می‌کنم که من یکی از داوران خارجی پایان‌نامه دکتری آقای دکتر فرج پهلوی که در استرالیا درس می‌خواند بودم.

روزی که آقای دکتر کوبی به ایران برگشتند و قرار بود دوره کارشناسی ارشد کتابداری افتتاح شود، دچار خونریزی مغزی شدم. مدت چند روز در بیمارستان جندی‌شاپور بستری شدم، بعد با هواپیما به تهران منتقل شدم و تحت عمل جراحی قرار گرفتم و پس از بهبودی به اهواز بازگشتم و به سختی پیگیر جلب نظر مقامات دانشگاه برای انتقال به دانشگاه مشهد و یا بازنشستگی زودتر از موعد شدم. با انتقال به دانشگاه فردوسی از دو سوی موافقت شد. به یقین در این انتقال در اهواز آقای دکتر مسعود صفایی مقدم که مورد مشورت رئیس دانشگاه آقای دکتر سیاری قرار گرفته بود و در مشهد دکتر اسدالله آزاد، مدیر گروه کتابداری، نقش اساسی داشتند روزی در تماس حضوری که با دکتر نجفی سرپرست قبلی دانشگاه داشتم، ایشان اظهار داشتند من و شما همه زحماتی را که باید برای دانشگاه شهید چمران بکشیم، کشیده‌ایم و حالا که وضعیتی نامشخصی داریم بهتر است به مکانی که به آن وابسته هستیم، بقیه زندگی را بگذرانیم. خرسندم که بسیاری از دانشجویانی که با من درس داشتند، توانستند مدارج بالای تحصیلی و شغلی را به دست آورند. از دوره اول سال ۱۳۶۲ خانم فریده سالمی‌پور، خانم رضایی و آقای اهوازیان در سطح فوق لیسانس درس خواندند و خانم سالمی پور اکنون در دانشگاه آزاد اهواز

تدریس می‌کند. آقای علی اصغر شیری دیگر دانشجوی دوره کاردانی اکنون با درجه دکتری در یکی از دانشگاه‌های کانادا تدریس می‌کند. آقایان مازیار امیرحسینی و عباس گیلوری دو دانشجوی دوره کارشناسی ناپیوسته بودند که در دانشگاه شیراز دکتری گرفتند.

یکی از سنت‌های خوبی که خیال می‌کنیم در تثبیت آن نقش داشته‌ام این است که همواره یک تحصیل کرده کتابداری در رأس کتابخانه مرکزی وجود داشته است، هر چند دوره‌های کوتاهی این گونه نبوده است ولی به هر حال یا من بودم یا آقای فرج پهلوی یا خانم عصاره و یا آقای عظیمی، و الان هم که یک متخصص در رأس کتابخانه هست که پیگیر تولید این متن بوده است. البته که در بسیاری از دانشگاه‌های دیگر چنین امکانی وجود داشته است، اما همواره اعضای هیئت علمی سایر رشته‌ها به خاطر کسب امتیاز تلاش دارند تا این پست را به خود اختصاص دهند. موردی که متأسفانه بیشتر در دانشگاه‌های پزشکی شاهد آن هستیم.

سنت دیگری که در این دانشگاه برقرار شد و برای دانشگاه افتخار است این است که من ۱۸ سال مدیر گروه و همزمان سال‌ها رئیس کتابخانه مرکزی بودم و ترکیب این دو پست زمینه‌های مناسب علمی را که بتوانم به درجه دانشیاری (۱۳۶۷) و سپس استادی (۱۳۷۳) نائل شوم، فراهم آورد. موضوعاتی که در کتابخانه مرکزی با آن روبرو بودم، ایده‌ها و انگیزه‌های خوبی برای تحقیق و انتشار گزارش تحقیق برایم فراهم می‌آورد. نکته مهم اینکه تقریباً همه مقالاتی که براساس آنها دانشیار و استاد شدم در مجلات علمی پژوهشی غیر کتابداری منتشر شده است. اولین فردی در ایران هستم که در رشته کتابداری دانشیار و استاد شدم. این موضوع هم برای من و هم برای دانشگاه شهیدچمران افتخارآور بوده است. به ویژه نشان می‌دهد که تصمیم من برای ترجیح ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد کتابداری و نه علوم تربیتی، تصمیم درستی بوده است. استاد شدن من در این رشته، انگیزه زیادی در دیگر همکاران کتابداری در سراسر ایران بوجود آورد و اعتماد به نفس بالایی را ایجاد کرد، دیگر مشخص شده بود که در رشته کتابداری نیز مانند سایر رشته‌ها می‌توان به درجات بالای دانشگاه دست یافت.

دیگر سنتی که دانشگاه‌های دیگر از آن پیروی کردند، پذیرش سر دبیری مجلات علمی پژوهشی بود. در سال ۱۳۶۶ سردبیری مجله تربیتی دانشکده علوم تربیتی را برعهده گرفتم، پس از من آقای دکتر فرج پهلوی به این مقام رسید. در دانشگاه تهران آقای دکتر عباس حری، در دانشگاه اصفهان آقای دکتر شعبانی و در دانشگاه فردوسی پس از من، دکتر محمد رضا داورپناه و سپس دکتر فتاحی این مسئولیت را برعهده گرفتند. نکته‌ای که اشاره به آن سودمند است این بود که در دوره کارشناسی علوم تربیتی و مشاوره و راهنمایی خوانده بودم و سردبیری من برای مجله علوم تربیتی بی‌دلیل نیز نبود. هفتاد شماره فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابخانه مرکزی استان قدس به سردبیری من منتشر شد. خوشبختانه هر سه مجله‌ای که سردبیر آن بودم به درجه علمی پژوهشی نائل شدند.

شواهدی که قابل رؤیت هستند گواهی می‌دهند که دانشگاه شهیدچمران از لحاظ کتابداری در وضعیت بهتری در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ایران قرار دارد و خدا را شکر می‌کنم که در این موفقیت سهیم هستم.

درست است که مشه‌دی هستیم، اما بیست و یکسال از عمر کاریم در دانشگاه اهواز گذشته

است. رشد علمی من از یک مربی ساده به استادی دانشگاه، سردبیری مجله و مقالات و کتاب‌هایی که نوشتم در شرایط و آرام و ناآرام (جنگ) در دانشگاه شهیدچمران اهواز بوده است. ویژگی خوزستان این است که افرادی با هم صمیمی هستند و اگر از هر یک از کتابدارهایی که قبلاً در کتابخانه مرکزی با من کار می‌کردند؛ مانند آقای آبدیده، خانم کاردی، آقای زرگر، آقای رونق و دیگران پرسیده شود، همه آنها به من حسن نیت و علاقه دارند و دوران کار با من را دوران خوشی اعلام می‌کنند. من هم متقابلاً همان احساس را به آنها دارم. البته من همه تلاش را می‌کردم تا به وظایف قانونی خود نسبت به آنها عمل کنم. به عنوان مثال یادآور می‌شوم که دلیل کناره‌گیری من از ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه درگیر لفظی شدید من با آقای دکتر سیاری معاون امورمالی دانشگاه به دلیل کاستن ساعات اضافه کاری کارکنان به شرحی که من گزارش کرده بودم، بود. کار به جایی رسید که قرار گذاشتیم در بیرون از دانشگاه به درگیری فیزیکی بپردازیم که شکر خدا چنین نشد.

موارد بالا فضای کلی مثبت از دوران کاری من در دانشگاه اهواز بود، عادت ندارم که موارد منفی را در ذهن خود نگهدارم ترجیح می‌دهم که چیزهای خوب را به یاد داشته باشم. از وقتی به مشهد آمدم ارتباط من با گروه کتابداری دانشگاه شهید چمران قطع نشده است و هر چند وقت یک بار برای دفاع پایان نامه یا برای سخنران یا برای شرکت در بزرگداشتی که برایم تدارک می‌بینند، به اهواز می‌آیم. چون نقشی در رشد جنبه‌های فرهنگی این شهر و این دانشگاه داشته‌ام، حس خوبی به اهواز دارم. همچنین باید بگویم اگر اهواز پایتخت کتاب ایران شده است؛ به هر حال زمینه‌ها و بسترهای مناسبی توسط من و دیگر همکارانم در اهواز فراهم شده است و این نکته‌ای بود که جشن بزرگداشت بازنشستگی آقای دکتر مرتضی کوبکی در اسفندماه ۱۳۹۴ در کتابخانه مرکزی عمومی اهواز بر آن تأکید داشت. روابط انسانی همیشه در اهواز خوب بوده است. بارها و بارها در خواب می‌بینم که علیرغم انتقال به مشهد به دلایلی نامعلوم به اهواز بازگشته‌ام. ذهنم همیشه در اهواز است. اهواز و دانشگاه شهیدچمران جزئی از وجود من شده است. خرسندانه همسر من نیز اهواز و اهوازیان را دوست دارد، او نیز سال‌ها به عنوان کتابدار در کتابخانه دانشکده پزشکی کار می‌کرد.

در سال ۱۳۷۰ درجوه‌ای ۵۰ صفحه‌ای، فشرده‌ای از فعالیت‌های آموزشی - پژوهشی گروه کتابداری را تشریح کردم. و در سال ۱۳۷۴ در گزارش شماره ۱۱، مدیریت برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی معاونت آموزشی دانشگاه شهید چمران، فعالیت‌ها و دست‌آوردهای آموزش کتابداری در دانشگاه شهید چمران اهواز را تشریح کرده‌ام. امید است این دو متن هنوز در اداره مربوطه و نیز در کتابخانه مرکزی یا گروه کتابداری دانشگاه شهید چمران موجود باشد تا برای نگارش تاریخچه‌ای کامل از این حوزه علمی مورد استفاده آیندگان قرار گیرد. نیز امیدوارم که اگر استفاده‌ای از آن دو متن و این نوشته می‌شود، به نویسنده یا گردآورنده آن که من باشم نیز اشاره شود. موردی که متأسفانه در صفحه ۱۹۷ به بعد کتابچه راهنمای دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز نادیده گرفته شده است. به این معنا که بخشهایی از متن تهیه شده توسط بدون ذکر منبع نقل شده است.

دکتر ابراهیم قیصری: عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر ابراهیم قیصری پژوهشگر و حافظ پژوه معاصر، در چهارم مهرماه (۱۳۱۵ هـ ش) در بندر ماهشهر دیده به جهان گشود. او تحصیلات شش ساله‌ی ابتدایی را در دبستان حافظ بندر ماهشهر سپری کرد. وی که امکان ادامه تحصیل در دبیرستان را نداشت با تلاش و کوششی ستودنی، دوره‌ی شش ساله‌ی دبیرستان را فقط در طول دو سال و به صورت شرکت در امتحانات متفرقه گذراند. پس از آن در رشته‌ی ادبیات فارسی دانشگاه مشهد به تحصیل مشغول شد و در سال ۱۳۴۶ دانشنامه‌ی کارشناسی را از آن دانشگاه اخذ نمود. دکتر قیصری در این سال‌ها در مشهد با شادروان دکتر احمدعلی رجائی در بنیاد فرهنگ‌نامه قرآنی آستان قدس رضوی همکاری داشت و از محضر استادان بزرگی مانند غلامحسین یوسفی کسب فیض کرد.

وی چند سال بعد برای ادامه‌ی تحصیلات خود در مقطع کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۴۹ به دریافت درجه کارشناسی ارشد نائل آمد. ایشان مقطع دکتری را نیز در همین دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. دکتر قیصری در تهران وقتی بنیاد شاهنامه فردوسی تأسیس شد از جمله پژوهشگرانی بود که زیر نظر مرحوم مجتبی مینوی به کار تصحیح و تدوین شاهنامه فردوسی پرداخت.

دکتر قیصری از همان آغاز شور و اشتیاق وافری به تدریس دروس ادبی داشت و زمانی که دیپلم ادبی داشت، در دبیرستان‌های ماهشهر به تدریس مشغول بود. وی پس از اخذ مدرک دکتری در سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدچمران اهواز گردید و تا سال ۱۳۷۶ مشغول به تدریس در این دانشگاه بود. دکتر قیصری در این سال‌ها، خدمات بسیاری انجام داد و دانشجویان بسیاری تربیت کرد که بسیاری از آنان هم اکنون به عنوان استاد دانشگاه به فعالیت مشغول هستند. وی پس از بازنشستگی از پای نایستاده و با توجه به پشتکار و علاقه‌ی بسیاری که به تعلیم و تربیت و انتقال تجارب و دانسته‌های خود به دیگران دارد؛ هم‌چنان به تدریس و تعلیم فرزندان ایران زمین در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول است. شوق و اشتیاق وصف ناشدنی دکتر قیصری برای خدمت به فرهنگ و ادب ایران باعث شده است که وی بارها اعلام کند که حاضر است تمامی کتابها و آثار پژوهشی خود را به زادگاهش شهر ماهشهر تقدیم کند تا در آن جا کتابخانه یا مرکزی پژوهشی دایر گردد و اهل ادب در آن مکان به کارهای پژوهشی بپردازند. دکتر قیصری تاکنون آثار فراوانی تألیف کرده است که این آثار خصوصاً در حوزه‌ی حافظ پژوهی و حافظ شناسی بسیار حائز اهمیت هستند. در اینجا فهرست فعالیت‌های علمی، اجرایی و پژوهشی ایشان آورده می‌شود:

سوابق علمی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۴۶)

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (۱۳۴۹)

دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (۱۳۵۸)

سوابق شغلی:

آموزگار و دبیری در آموزش و پرورش شهرهای ماهشهر، مشهد و تهران (۱۳۳۶-۱۳۵۳)
 عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه جندی شاپور (۱۳۵۳-۱۳۷۶)
 عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحدهای فیروزآباد، گچساران، اقلید و واحد علوم و تحقیقات
 فارس (۱۳۷۶-۱۳۹۰)

راهاندازی رشته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فیروزآباد و اقلید.
 مجموعاً ۵۴ سال سابقه تدریس.
 سوابق تحقیقاتی:

پژوهشگر در «بنیاد فرهنگنامه قرآنی» آستان قدس رضوی، برای تدوین فرهنگ نامه قرآنی
 (۱۳۴۴-۱۳۴۶)

پژوهشگر در بنیاد شاهنامه فردوسی، به سرپرستی شادروان مجتبی مینوی (۱۳۴۸-۱۳۵۱)
 سوابق اجرایی:

مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد
 مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران
 مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اقلید
 فهرست مقالات:

تاکنون ۸۹ مقاله در زمینه‌های قرآن پژوهی، ادبیات عرفانی، نقد ادبی، ادبیات معاصر از ایشان
 در مجلات سخن، یغما، آینده، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، کتاب پاز، میراث
 جاویدان، آینه پژوهش، مشکوه، ادبیات و فلسفه، ایران زمین، حافظ پژوهی، سعدی‌شناسی،
 شاهنامه پژوهی و ... چاپ شده است.
 کتاب‌ها:

۱. قند مکرر (تکرار مضمون در آثار سعدی) چاپ روزنه، تهران
۲. پرده گلریز (تکرار کلام در دیوان حافظ)، چاپ انتشارات توس، تهران
۳. دیوان فصیحی هروی، امیرکبیر، تهران
۴. از همیشه تا جاویدان (گزیده متون عرفانی)، چاپ توس، تهران
۵. فارسی عمومی (برای تدریس در رشته‌های غیرادبی) با همکاری دکتر محمد دهقانی، چاپ
 جامی، تهران
۶. ابیات بحث‌انگیز حافظ، چاپ توس، تهران
۷. دیوان حافظ (همراه بررسی اختلاف نسخ و تعلیقات واژه‌های کلیدی) انتشارات جوانه رشد،
 تهران
۸. از تصویر تا اسطوره، ایران در ادبیات و اندیشه فرانسوی قرن هجدهم، لیوبه بونرو، ترجمه
 با همکاری دکتر حسن فروغی
۹. خلیقات نیما، انتشارات مازیار، ۱۳۹۳، تهران
۱۰. یک نکته از این معنی (شرح قیصری بر غزلهای حافظ)، انتشارات جامی، ۱۳۹۳، تهران
۱۱. حافظ عاشق و رند و ... (شرح غزلیات حافظ به زبان ساده)، انتشارات مازیار، ۱۳۹۴، تهران

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان:

دکتر امیدعلی شهنی کرمزاده، عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

سفر به گذشته تجربه‌ی خوشایند و کم دغدغه‌ای است که انسان را بی‌واهمه از این که چه پیش خواهد آمد، به لحظه‌های آشنا و امن دیروز مهمان می‌کند. چه خوب است وقتی به عقب نگاه می‌کنیم لبخندی از سر رضایت بر گوشه‌ی لبانمان نقش ببندد، این که عبث نبوده‌ایم و بودنمان تاثیری هر چند کوچک در این هستی وسیع داشته است. نقشی مفید در سعادت خانواده، در آبادانی میهن و فراتر از آن نقشی کوچک در بهبود جهان هستی.

پروفسور کرمزاده چهره‌ی ماندگار ریاضی‌کشور از چهره‌های برجسته و نام‌آشنای عرصه‌ی علم ریاضی کشور و جهان است که به واسطه‌ی تلاش و همت‌شان توانستند از جمله افرادی باشند که با غرور و افتخار گذشته‌شان را با دیگران به اشتراک بگذارند، چهره‌ای که با دانش‌اندوزی و نیز حس وطن‌پرستی که دارند همواره برای آبادی دیار و سرزمینش تلاش می‌کنند. وی در اواخر شهریورماه ۱۳۵۳ به استخدام دانشگاه شهید چمران اهواز (جندی شاپور سابق) در آمد. ایشان به همراه دکتر موری و دکتر درفشه در زمان تحصیل‌شان در انگلستان تصمیم گرفتند پس از اتمام تحصیل خود به دانشگاه جندی شاپور که نزدیک‌ترین دانشگاه به شهرشان، مسجدسلیمان بود، مشغول خدمت شوند. به گفته‌ی پروفسور کرمزاده «یک ماه پیش از اتمام تحصیل در انگلستان، شخصی به نام فریدون افتخار شاهرودی که در آن زمان عضو مشترک گروه زیست و آمار دانشگاه جندی شاپور بود سراغ من آمدند، ایشان مأموریت داشتند دانشجویان ایرانی را در دانشگاه‌های اروپا و امریکا شناسایی و ترغیب به آمدن و جذب در این دانشگاه کنند، به این منظور در قبال فقط یک تعهد کتبی که از دانشجویان برای خدمت در دانشگاه دریافت می‌کرد مبلغ قابل توجهی حقوق ماهیانه به آن‌ها پرداخت می‌کرد که این مسأله نیز انگیزه‌ی فعالیت در دانشگاه جندی شاپور را در این افراد مضاعف می‌کرد (البته ایشان از قبل تصمیم آمدن به اهواز را داشت و پولی هم دریافت نکرده بود).

پروفسور کرمزاده پس از استخدام در دانشگاه بی آنکه تجربه‌ی مسئولیت اجرایی و اداره‌ی گروه را داشته باشد به دلیل آن که بعد از رئیس دانشکده تنها دکترای دانشکده بودند، با تکیه بر سابقه‌ی تحصیل، تدریس و تجارب خود مدیریت گروه ریاضی را در دانشکده به عهده گرفتند. یکی از خاطراتی که ایشان از این دوره بیان می‌کنند به شرح زیر است: «پس از آن که مدیریت گروه را پذیرفتم سعی کردم با چالش‌ها و مشکلات پیش رو مواجه و برای حل آن راهکارهایی بیابم، یکی از مشکلات عدم وجود آیین‌نامه‌ی آموزشی مدون و شیوه‌ی مناسب برای بایگانی سوابق و پرونده‌های آموزشی دانشجویان بود که باعث می‌شد برخی از دانشجویان در طول یک ترم تا ۳۵ واحد درسی اخذ کنند و همین امر موجب مشروطی و افت تحصیلی آن‌ها می‌شد که پس از هم‌فکری با مدیران گروه‌های دیگر تصمیم گرفتیم چارت واحدهای درسی، برنامه‌ی حضور اساتید و ساعت تشکیل کلاس‌ها را تدوین کنیم و در اختیار دانشجویان قرار دهیم تا با مشکل آموزشی روبه‌رو نشوند. در آن ایام از یک هفته قبل از شروع ثبت نام، مدیران گروه برای تهیه‌ی

این دفترچه‌ها (بروشورهای راهنمای تحصیل) به تعداد دانشجویان، تا نیمه شب در دانشگاه مشغول به کار بودند و شور و هیجان خاصی هم در میان اعضای هیأت علمی و هم دانشجویان ایجاد می‌شد که بسیار خاطره‌انگیز بود.»

پروفسور کرم‌زاده در بخش دیگری از صحبت‌های خود یادآور شدند: «یک روز نماینده‌ی یک ناشر معروف هلندی به اتاقم آمد و ادعا کرد می‌تواند بیشتر ژورنال‌های معتبر دنیا از بدو انتشار تا آن زمان را برای گروه ما ارسال کند، من هم از این موضوع به وجد آمدم و به حسابدار دانشکده (آقای مصطفی جزایری) گفتم برای تهیه‌ی تعداد زیادی از این ژورنال‌ها، سیصد هزار تومان هزینه کند. در آن زمان افزایش قیمت نفت در دنیا موجب شده بود دانشگاه از بودجه‌ی کافی برخوردار باشد، یک ماه پس از حضور ناشر هلندی ژورنال‌ها به دانشکده رسید. بعضی از پرسنل آن زمان دانشکده از این موضوع و صرف چنین هزینه‌ای برای تهیه‌ی ژورنال‌های علمی ناراضی بودند و گهگاه غرولند می‌کردند (البته بیشتر برای زحمت حمل کتابها به کتابخانه) اما با توضیحاتی که به آن‌ها دادم قانع شدند و این امر موجب شد تا ضمن بهره‌گیری هیأت علمی و دانشجویان از این منابع، امروز ژورنال‌هایی را در کتابخانه‌ی دانشکده علوم داشته باشیم که در هیچ یک از دانشگاه‌های کشور وجود ندارد.»

پروفسور کرم‌زاده در ادامه‌ی سخنان خود به آزادی عمل مدیران گروه‌ها و اعتمادی که ریاست دانشگاه و وزارت علوم آن زمان، به آن‌ها داشت اشاره می‌کند و می‌گوید: «آن زمان رئیس دانشگاه این مجوز را به مدیران گروه‌ها داده بود تا هردانشجوی ایرانی را که می‌شناسند و مورد تأییدشان است از سراسر دنیا، با مبلغ هنگفتی، دعوت به همکاری نمایند و در قبال آن صرفاً یک تعهد کتبی از آنان دریافت کند تا پس از اتمام تحصیل، در این دانشگاه مشغول خدمت شود. توجه داشته باشید با وجود این‌که من بورسیه شاگرد اولی وزارت را داشتم به من، همسرم و فرزندم حقوق ماهیانه معادل ۵۰۰ تومان که بعدها ۶۰۰ و ۷۰۰ تومان شد پرداخت می‌کردند در حال که دانشگاه جندی شاپور به افرادی که دعوت به همکاری می‌کرد ماهیانه ۲۵۰۰ تومان (قبل از شروع به کار در دانشگاه) پرداخت می‌کرد. بنابراین از این فرصت استفاده کردم و افرادی مثل (دکتر سلماسی، دکتر موری، دکتر درفشه، دکتر دانشمند، دکتر امیرخانیان و...) را برای همکاری دعوت کردم که اغلب پذیرفتند و به دانشگاه آمدند. با حضور این افراد در گروه خیلی زود توانستیم به عنوان یکی از قویترین گروه‌های ریاضی کشور مطرح شویم.

ایشان یکی از خاطرات جالب خود را نحوه‌ی شکل‌گیری گروه کامپیوتر عنوان می‌کنند: «یک روز یکی از مقامات کشوری به اتفاق رئیس دانشگاه، بدون اطلاع قبلی به اتاقم آمدند. بعد از گپ و گفت مختصر، ایشان از من سوال کردند: دانشجویان در این دانشکده چه می‌خوانند؟ من پاسخ دادم: ریاضی محض. باز سوال کردند: آیا دانشجویان به این رشته علاقمند هستند؟ من گفتم: اکثراً بعد از اتمام تحصیل مجبور به استخدام در آموزش و پرورش می‌شوند و یا اگر در ادارات دولتی مشغول به کار شوند، در مقایسه با مهندسان که رشته‌ی تحصیلی‌شان سخت‌تر و پر زحمت‌تر نیست، حقوق کمتری دارند و در واقع پرداخت حق کار فنی به مهندسان و عدم پرداخت این امتیاز به فارغ‌التحصیلان رشته‌های محض باعث شده اکثر دانشجویان با رغبت کافی به ادامه تحصیل نپردازند. ایشان بلافاصله گفتند: چرا این رشته را با رشته‌های امروزی مثل کامپیوتر ادغام

نمی‌کنند تا هم ماهیت ریاضی آن و هم وجه کاربردی آن باعث ایجاد انگیزش در دانشجویان شود. رئیس دانشگاه بلافاصله این پیشنهاد را یادداشت و یک هفته بعد در جلسه شورای دانشگاه طرح تصویب دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر را ارائه کرد. در دانشکده علوم ریاضی رشته‌های ریاضی، آمار و کامپیوتر وجود داشت. با ایجاد رشته کامپیوتر، وزارتخانه دستگاه‌های IBM و دستگاه‌های ماکرو را در اختیار دانشگاه قرار داد و سایت فعلی مرکز کامپیوتر را در آن زمان احداث نمودند. در واقع دانشگاه ما اولین دانشگاه در خاورمیانه بود که رشته کامپیوتر را در دانشکده علوم ریاضی ایجاد کرد. در آن زمان دانشگاه صنعتی شریف، کامپیوتر را به عنوان گرایشی از رشته ی ریاضی ارائه می‌کرد. می‌توان گفت فارغ‌التحصیلان رشته‌ی کامپیوتر دانشکده ما اولین کسانی بودند که به عنوان مهندسان کامپیوتر در کشور معرفی شدند و این رشته را گسترش دادند. شایان ذکر است برای ایجاد و راه‌اندازی این رشته از تجربیات دو تن از متخصصان خارجی استفاده کردیم. پروفسور کرم‌زاده با اشاره به موضوع حق‌التدریس اعضای هیأت علمی خاطرنشان می‌کنند: «در دانشکده‌ی علوم از لحاظ سرویس دهی، اکثر اساتید واحدهای زیادی را تدریس می‌کردند، خیلی بیشتر از میزان موظفی‌شان! اکثراً به‌طور متوسط بیش از ۱۶ واحد تدریس می‌کردند به خصوص اعضای گروه فیزیک و ریاضی. در دانشکده‌های کشاورزی و علوم تربیتی این میزان خیلی کمتر بود، اما همه این موضوع را روال طبیعی آکادمیک تلقی می‌کردند و چیزی به عنوان حق‌التدریس وجود نداشت اگر چه قوانینی وجود داشت که افراد در صورت تمایل می‌توانستند حق‌التدریس بگیرند.

آن‌چه که اهمیت داشت احساس تعهد و عشق بود. همه احساس وظیفه می‌کردند بنابراین دروسی را که در تخصص شان بود با عشق و علاقه تدریس می‌کردند و از این‌که همکار دیگری ساعت تدریس کمتری داشت و حقوق یکسانی دریافت می‌کرد ناراحت نبودند و اعتراضی نداشتند. ایشان در بیان خاطرات خود به موضوع دیگری پرداختند و گفتند: «در آن زمان، دانشگاه به همه‌ی مربیان بعد از گذراندن سه سال تحصیل، بورس تحصیلی می‌داد. شادروان دکتر منصور معتمدی و دکتر محمد رستمی هر دو فارغ‌التحصیل فوق لیسانس از دانشگاه شیراز و مربی دانشگاه جندی شاپور بودند که هم‌زمان به دانشگاه آمده بودند و یکی از آن‌ها می‌بایست برای بورس تحصیلی به خارج از کشور می‌رفت، با پیشنهاد من قرار شد دکتر رستمی که سنش بالاتر است برای بورس تحصیلی به خارج از کشور برود. هر دو پذیرفتند و هیچ بحثی میان آن‌ها پیش نیامد. سال بعد نیز دکتر معتمدی از بورس تحصیلی استفاده کردند، اما با وقوع انقلاب هر دو، کار خود را نیمه تمام گذاشتند و به وطن بازگشتند.

پروفسور کرم‌زاده خاطره‌ی بعدی خود را چنین بیان می‌کنند: «رئیس دانشکده‌ی علوم تربیتی شخصی با نام خسرو چهرزاد بود که یک مربی بود و تعداد قابل ملاحظه‌ای دکترای روان‌شناسی و علوم تربیتی مشغول به تحصیل در آن دانشکده بودند که همگی برای ایشان احترام خاصی قائل بودند، به یاد دارم رئیس دانشگاه بدون اجازه و مشورت با رئیس دانشکده و مدیر گروه، از شخصی دعوت به کار کرد، اما آقای چهرزاد (رئیس دانشکده) و مدیر گروه زیر بار استخدام ایشان نرفتند و رئیس دانشگاه مجبور شد از آن شخص در قسمت اداری امور دانشجویی استفاده کند. آن زمان اداره‌ی مدرسه‌ی دانشگاه زیر نظر دانشکده علوم تربیتی بود، یکی از بهترین مدارس آن

زمان اهواز بود که با توجه به جوان بودن دانشگاه فقط مقطع ابتدایی راه اندازی شده بود که در آن از بهترین امکانات و نیروی انسانی استفاده می‌شد، فضای مدرسه با نشاط و منطبق بر آخرین دستاوردهای تعلیم و تربیت بود و طوری برنامه‌ریزی شده بود که بچه‌ها با اشتیاق و علاقه به مدرسه می‌رفتند. از همان کلاس اول ابتدایی زبان انگلیسی به بچه‌ها آموزش داده می‌شد و خلاصه این‌که این مدرسه یکی از بهترین مدارس اهواز و حتی کشور بود که برای پذیرش فرزندان غیر دانشگاهی کنکور و آزمون ورودی داشت. در آن سال‌ها فرزند یکی از مقامات عالی رتبه شهر در آزمون ورودی قبول نشد و گویا از خارج دانشگاه سفارش می‌شد که او را ثبت نام کنند اما باز رئیس دانشکده علوم تربیتی نپذیرفت و او را ثبت نام نکرد.

ایشان یکی از خاطرات فراموش نشدنی خویش را چنین بیان کردند «در ایام جنگ و زمانی که شهر زیر بمباران شدید دشمن بود، اداره پست مرکزی نامه‌ها را در باجه‌های پستی دانشگاه توزیع نمی‌کرد. اما ما در مورد کارهای پژوهشی و ارسال مقالات، منتظر پاسخ داوران و سردبیران مجلات بودیم. به یاد دارم یک روز که منتظر نامه‌ای بودیم و با مرحوم دکتر معتمدی، به اداره پست اهواز رفتیم، مسئول اداره پست لطف کرد و ما را به اتاقی راهنمایی کرد که انباشته از کیسه‌های بزرگ نامه‌ها بود. ایشان به ما اجازه داد تمام کیسه‌ها را باز و کف اتاق پخش کردیم تا نامه مورد نظر خود را بیابیم. خوشبختانه دو سه مقاله و کار تحقیقاتی ارزشمند من در آن ایام و در آن وضعیت انتشار یافت.»

ایشان همچنین اشاره کردند «برگزاری ششمین کنفرانس ریاضی کشور بود که قبل از ورود من، همکاران گروه به سرپرستی آقای دکتر علی عمیدی فعالیت‌های مستمر و زیادی برای برگزاری آن انجام داده بود و این کنفرانس به حدی خوب برگزار شده بود که تعدادی از همکاران سراسر کشور، پس از برگزاری آن، تقاضای انتقال به گروه ما و دانشگاه اهواز را داشتند. برگزاری آن کنفرانس مدیون فعالیت‌های دکتر عمیدی و دیگر همکاران گروه ریاضی بود که تعدادی ریاضی‌دان برجسته‌ی دنیا نیز در آن کنفرانس شرکت کردند. ششمین کنفرانس تا حدی خوب برگزار شد که پس از آن چندین بار که نوبت برگزاری کنفرانس به ما می‌رسید هر بار فکر می‌کردیم نمی‌توانیم کنفرانسی به آن خوبی برگزار کنیم و شانه خالی می‌کردیم تا این‌که بالاخره در سال ۸۳ این مسئولیت را پذیرفتیم و با حمایت‌های سازمان آب و برق، شرکت نفت، شیلات بندر امام، صنایع فولاد و به ویژه حمایت‌های بی‌دریغ مهندس شمسایی توانستیم کنفرانسی با شکوه‌تر از کنفرانس ششم برگزار کنیم که به گفته‌ی همکاران دانشگاه‌های دیگر یکی از بی‌نظیرترین کنفرانس‌ها بود.

استاد محمد نوری چهره‌ی ماندگار موسیقی و آواز که تا آن روز در هیچ جایی خارج از تهران برنامه‌ی زنده اجرا نکرده بود در بخش جانبی، با برگزاری کنسرت خود به این کنفرانس شکوه خاصی بخشید. زمانی که برای دعوت از ایشان شخصاً به تهران رفتم ابتدا نپذیرفتند اما وقتی به ایشان گفتم مخاطبان کنسرت شما در تهران صرفاً تهرانی‌ها هستند اما اگر در این کنفرانس برنامه تان را اجرا کنید حداقل ۱۰۰۰ نفر چهره علمی از سراسر کشور تماشاگر کنسرت شما خواهند بود، ایشان با روی باز پذیرفتند.

وقتی از من خواسته شد چند کلمه‌ای در مورد استاد نوری صحبت کنم (بدون آمادگی قبلی)،

به این نکته اشاره کردم که اگر چه اغلب افراد شرکت کننده در این کنفرانس باید نتایج جدیدی به علم ریاضیات و فیزیک نظری بیفزایند و استاد نوری با وجود این که در این زمینه تخصصی ندارند اما ثابت کرده‌اند سرعت رسیدن صدای او (سرعت صوت) به قلب‌ها و گوش‌ها بیشتر از سرعت نور است اگر چه در علم فیزیک، این یک تناقض است و سرعت صوت بسیار کمتر از سرعت نور است اما در این جا چون منبع این صوت، نور است (اشاره به نام استاد نوری) بنابراین تناقضی ایجاد نمی‌کند. خاطرم هست پیانیست گروه ایشان که مهندس برق بودند از من خواست این مطلب را در کتابم (کتاب نتایج باورنکردنی) بنویسم و به یادگار به ایشان هدیه کنم، من هم مشتاقانه پذیرفتم.

برنامه‌ی کنسرت استاد نوری که طی دوشب اجرا شد (یک شب برای شرکت کنندگان و یک شب اعضای هیأت علمی و خانواده شان) با استقبال بسیار خوبی مواجه شد جا دارد از مدیران وقت اداره فرهنگ و ارشاد، اماکن و فرمانداری که با برگزاری آن مخالفتی نداشتند، تشکر کنم. همچنین از زحمات دبیر اجرایی کنفرانس، دکتر فریبرز آذرپناه، و نیز دکتر رضایی، دکتر سراج و دکتر مهرداد نامداری و سایر افرادی که از یک سال، پیش از برگزاری کنفرانس با علاقه و اشتیاق در هر چه بهتر برگزار کردن آن فعالیت کردند تشکر و قدردانی کنم. در ضمن دوستان این لطف را به اینجانب داشتند که قسمتی از برنامه‌ی کنفرانس را به تولد ۶۰ سالگی من اختصاص دادند. این جشن تولد برای اولین بار بود که در برگزاری کنفرانس‌های ریاضی اتفاق می‌افتاد، هرگز آن کیک صد کیلویی که شاید از معدود کیک‌های صد کیلویی کشور بود از یادم نخواهد رفت. کیک‌ی که دنیایی از لطف و محبت دوستان و همکاران را در خود داشت. برگزاری این کنفرانس به ما نشان داد که با همکاری و وحدت میان افراد یک گروه می‌توان هر برنامه‌ی را به نحو احسن انجام داد.

پرفسور کرمزاده با هوشمندی و زیرکی، خاطراتی را از دوران خدمتش در دانشگاه ۶۰ ساله شهید چمران (جندی شاپور) انتخاب کرد و با نسل جوان و جدید به اشتراک گذاشت که قطعاً مخاطبانش را به فکر وادار می‌دارد اگر چه شاید حسرت‌ها و افسوس‌هایی را نیز در پی داشته باشد.

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان: دکتر عباس ترسلی - عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم، گروه شیمی

با سلام و احترام: اینجانب عباس ترسلی متولد ۱۳۲۳/۹/۲۹ کاشان، خداوند قادر متعال را سپاس می‌گویم که توانسته‌ام بیش از ۴۶ سال از ۱۳۴۸/۷/۱ به عنوان عضو هیأت علمی در مراتب مختلف دانشگاهی (از ۱۳۶۷/۷/۱ در مرتبه استادی) در دانشگاه جندی شاپور سابق (شهید چمران فعلی) به خدمات علمی بپردازم. در این مدت علاوه بر تدریس در مقطع کارشناسی (۲۳ مورد) کارشناسی ارشد (۸ مورد) دکترای حرفه‌ای (۲ مورد) و دکترای تخصصی Ph.D (۵ مورد) پژوهش‌های علمی مختلفی نی زانجام دهم که نتایج آن در مجلات ISI از جمله American Chemical Society (ACS) (۱۲ مورد) Elsevier (۲۳ مورد) Springer (۷ مورد) Taylor & Francis (۵ مورد) چاپ و منتشر شده است. ضمناً دو کتاب (به صورت مشترک) با عناوین «طیف سنجی آلی» چاپ مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۸) و «فلزات و واکنش پذیری لیگاند» چاپ دانشگاه شهید چمران اهواز (۱۳۸۵) را ترجمه و یک فصل از کتاب «Organometallic Chemistry Research Perspective» به انگلیسی چاپ نیویوریک (۲۰۰۸) را تألیف نموده‌ام. علاوه بر راهنمایی، مشاورت و داوری تعداد قابل ملاحظه‌ای پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری در اهواز به عنوان داور پایان‌نامه دکتری به دانشگاه‌های شیراز، تهران، تبریز، کرمانشاه، اصفهان، و مشهد دعوت شده‌ام.

بدون تردید تحصیلات ابتدایی و متوسطه (دیپلم ریاضی سال ۱۳۴۲ در کاشان) و به خصوص تحصیلات دانشگاهی لیسانس شیمی (۱۳۴۵) و فوق لیسانس شیمی (۱۳۴۸) در دانشکده علوم دانشگاه تهران و اخذ درجه دکتری Ph.D از دانشگاه لندن در انگلستان (۱۳۵۳) در رشته «شیمی آلی فلزی و مطالعات اسپکتروسکوپی» و دوره فوق دکترا (Post-Doc) در دانشگاه بریتیش کلمبیا در ونکوور کانادا (۱۳۵۴) و سه سال در سه نوبت فرصت مطالعاتی در سالهای ۵۸-۱۳۵۷، ۶۶-۱۳۶۵ و ۷۹-۱۳۷۸ در بخش شیمی و بیوشیمی دانشگاه کلرادو آمریکا، در نحوه تدریس و تحقیق اینجانب مؤثر بوده است. ناگفته نماند که در خلال سالهای مختلف در تعداد قابل ملاحظه‌ای از همایش‌های علمی داخلی و خارجی شرکت نموده و مقاله‌ای ارائه داده‌ام که این مطلب هم می‌تواند در شناسایی استادان و امکانات دانشگاهها و نیز همکاریهای علمی فیما بین مؤثر باشد. در برخی مدیریتهای دانشگاه نیز بنا بر دعوت رؤسای وقت دانشگاه از جمله رئیس امور آموزشی دانشکده علوم (۵۷-۱۳۵۵)، مدیر گروه شیمی در دو نوبت (۶۹-۱۳۶۵)، مدیر کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه (۸۳-۱۳۷۹)، مدیر همکاریهای علمی و بین‌المللی دانشگاه (۸۷-۱۳۸۴) مشارکت داشته‌ام. ضمناً بدفعات در شورای دانشگاه، شورای آموزشی دانشگاه، شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه و کمیته‌های مختلف از جمله کمیته تخصصی هیأت ممیزه، کمیته پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه و غیره عضویت داشته‌ام.

مایلم به اطلاع برسانم که با حکم ریاست وقت دانشگاه مسئول پیگیری اخذ مجوز دوره دکتری شیمی شدم که با تلاش فراوان مجوز مربوطه در سال ۱۳۷۲ صادر گردید و دانشگاه در سال ۱۳۷۳ مبادرت به پذیرش دانشجو در این مقطع نمود و افتخار دارم که استاد راهنمای اولین

فارغ التحصیل دکترای شیمی در این دانشگاه هستیم. ضمناً از بنیان‌گذاران مجله علوم دانشگاه در سال ۱۳۵۴ و عضو هیأت تحریریه آن از ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۶ بوده و در حال حاضر هیأت تحریریه مجله *Inorganic chemistry research* هستم که به زبان انگلیسی چاپ می‌شود.

از آنجایی که اعتقاد دارم استادان دانشگاهها باید علاوه بر تدریس و تحقیق منشأ خدماتی در منطقه، کشور و جهان نیز داشته باشند، بنابراین مدیریت بازآموزی دبیران شیمی استان خوزستان، بازآموزی کارمندان فنی شرکت ملی نفت، بازآموزی تکنسین‌های فولاد اهواز را به عنوان اهداف منطقه‌ای و شرکت در ستادها، کمیته‌های علمی و اجرایی همایش‌های ملی و بین‌المللی و نیز همکاری‌های علمی با برخی استادان خارجی را به عنوان اهداف ملی و بین‌المللی همیشه مد نظر داشته‌ام. ضمناً افتخار دارم که در دو دوره متوالی (۷۶-۱۳۷۴) به عنوان رئیس انجمن شیمی و مهندسی شیمی ایران انتخاب شده‌ام و می‌توانم بگویم که در بیش از ۴۰ دانشگاه و یا مؤسسه پژوهشی سخنرانی داشته‌ام. اکنون هم به عنوان «رئیس شورای عالی انجمن شیمی» از سال ۱۳۷۸ مشغول همکاری با انجمن شیمی ایران هستیم.

به استحضار می‌رسانم که در طول سالهای خدمت دانشگاهی از طرف دانشگاه به عنوان استاد نمونه دانشگاه شهیدچمران اهواز در سالهای ۷۹، ۸۰ و ۱۳۸۱ به عنوان استاد پیشکسوت (۱۳۸۲)، استاد نمونه آموزشی (۱۳۸۴)، پژوهشگر برتر در چاپ مقالات خارجی در سال ۱۳۸۵ و از طرف انجمن شیمی به عنوان شیمیدان برجسته شیمی معدنی ایران (۱۳۸۸) انتخاب و مورد تجلیل قرار گرفته‌ام که بدینوسیله تشکر می‌نمایم.

دانشگاه فعلی شهیدچمران در تاریخ ۱۳۴۸/۷/۱ که اینجانب به اهواز آمدم علاوه بر ساختمان‌های مربوط به دانشکده کشاورزی درملاتانی، فقط ساختمان سه گوش (به نام مرکز آموزش دانشگاه) و یک ساختمان کوچک در محوطه فعلی دانشکده پزشکی را در اختیار داشت. دانشجویان علوم، پزشکی و کشاورزی دروس عمومی خود را در ساختمان سه گوش در کلاسهای ۲۰۰-۱۵۰ نفری می‌گذراندند و سپس دانشجویان علوم جهت تکمیل دروس خود به دانشسرای عالی تهران و دانشجویان پزشکی در سال سوم به دانشکده پزشکی تهران و دانشجویان کشاورزی به ملائانی اعزام می‌شدند. آن موقع تعداد اعضاء هیأت علمی دانشگاه مجموعاً حدود ۲۵ نفر بودند. خوشحالم اکنون که اینجانب با درجه استادی پایه ۴۶ در آستانه بازنشستگی هستم تعداد اعضاء هیأت علمی بالغ بر ۵۹۰ نفر است

. ضمن آرزوی پیشرفت روزافزون برای این دانشگاه بر خود لازم می‌دانم از کلیه افرادی که منشأ خدماتی برای این دانشگاه بوده‌اند به سهم خود تشکر و قدردانی نمایم. مسلماً همراهی و همدلی همسر (دکتر ناهید پوررضا استاد شیمی تجزیه) پیوسته مشوق من بوده است.

عباس ترسلی - دی ماه ۱۳۹۴

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان:

دکتر حیدرعلی کشکولی - عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده‌ی مهندسی و علوم آب

اینجانب حیدرعلی کشکولی در سال ۱۳۲۴ در هفتکل از مناطق نفت خیز جنوب متولد شدم. دوره ابتدایی را در دبستان فروردین بوم و به دلیل شاگرد اولی در بین تمام مناطق نفت‌خیز از طرف شرکت نفت بورسیه دبیرستان شبانه‌روزی البرز تهران شدم ولی به علت ابتلا به بیماری حصبه نتوانستم از این فرصت استثنایی استفاده کنم. اما مطمئنم که این ناکامی در موفقیت‌های بعدی زندگی‌ام موثر بود. دوره اول متوسطه را نیز در دبیرستان رودکی آن شهر گذراندم. برای دوره دوم متوسطه تا اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۴۳ به دبیرستان سعدی اصفهان رفتم. در تابستان همان سال، بعد از قبولی در امتحان ورودی دانشگاه آمریکایی بیروت که برای دیپلمه‌های ممتاز کشور برگزار شده بود؛ جزو ۸ نفر قبولی و بورسیه آن دانشگاه از سراسر ایران انتخاب شدم. پس از اخذ لیسانس مهندسی آبیاری در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشتم و پس از گذراندن دوره سربازی با کسب بورسیه تحصیلی از دانشگاه واگنینگن هلند برای دوره فوق لیسانس آبیاری و زهکشی به آن کشور رفتم. در سال ۱۳۵۲ با مدرک فوق لیسانس آبیاری و زهکشی در گروه آبیاری دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی شاپور که بتازگی به اهواز منتقل شده بود؛ پیوستم. در سال ۱۳۵۳ ازدواج و در سال ۱۳۵۵ با بورس وزارت علوم برای ادامه تحصیل دوره دکترا به آمریکا رفته و دکترای خود را در مهندسی آب در دانشکده عمران دانشگاه ایالتی کلرادو در سال ۱۳۶۰ به پایان رسانده و در شهریور همان سال به ایران مراجعت نمودم. در سال ۱۳۸۸ پس از ۳۶ سال خدمت دولتی به تقاضای خودم بازنشسته شدم و در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و در سمت مدیر گروه آبیاری مشغول کارشدم. با ادغام واحد علوم و تحقیقات با دانشگاه آزاد اهواز در سال ۱۳۹۳ از سمت مدیر گروهی کناره‌گیری نمودم و به عنوان عضو هیأت علمی در آن دانشگاه هم‌چنان مشغول تدریس هستم. در طول سال‌های خدمت در دانشگاه دو جلد کتاب ترجمه کردم که در سال ۱۳۸۱ به عنوان مترجم برتر کشوری از دست ریاست محترم دانشگاه تهران موفق به کسب جایزه نفیس لغت نامه کامل دهخدا گردیدم. مهمترین دست‌آورد این دوران تدریس و راهنمایی دانشجویانی بود که در سراسر ایران به کار و فعالیت و یا تدریس در دانشگاه‌ها مشغولند. مسئولیت‌هایی که در دانشگاه داشتم سردبیری مجله علمی کشاورزی، مدیر گروه آبیاری، معاونت آموزشی دانشکده کشاورزی، نماینده کمیته منتخب دانشکده بود. از کارهای ماندگار دوران خدمتم در دانشگاه یکی تهیه طرح لوله کشی آب خام فضای سبز دانشگاه و کوی استادان و نظارت بر اجرای آن بود که هنوز هم به خوبی پا برجاست و فضای سبز دانشگاه را از آن تاریخ متحول و مشکل آب دانشگاه را برای همیشه حل نمود و دیگری برگزاری اولین همایش ملی مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی در اردیبهشت ۸۵ بود که بعد از آن هر دو سال یک بار برگزار گردیده است. همسر مهندس شهلا اسلامی منوچهری عضو هیأت علمی بازنشسته گروه خاک‌شناسی است و دارای ۴ فرزند هستیم.

خلاصه فعالیت‌های علمی عناوین و عضویت‌ها:

- ۱- استاد پیشکوت آبیاری و زهکشی ایران ۱۳۸۷
- ۲- استاد پیشکوت انجمن هیدرولیک ایران ۱۳۹۳
- ۳- عضو نظام مهندسی عمران استان خوزستان
- ۴- عضو هیات مدیره انجمن آبیاری و زهکشی ایران - دوره اول
- ۵- عضو کمیته تحقیق و تفحص از طرح‌های نیشکر و صنایع جانبی
- ۶- مترجم برتر کشور ۱۳۸۱
- ۷- سخنران کلیدی کنگره‌های آبیاری و زهکشی مشهد ۱۳۹۴ مدیریت آب در مزرعه کرج ۱۳۹۳ و تعدادی همایش‌های منطقه‌ای.
- ۸- راهنمایی بیش از صد پایان‌نامه ارشد و دکترا
- ۹- دو کتاب و بیش از صد مقاله علمی داخلی و خارجی

خاطره تلخ و شیرین- به یاد مرحوم منصور اندام

در سال ۱۳۶۹ منصور اندام یکی از دانشجویان کارشناسی آبیاری و زهکشی را بیش‌تر از همه و پی‌گیرتر از همه تشنه و مشتاق فراگیری و علاقمند به خدمت صادقانه یافتم. در عین کنجکاو بودن از آرامش، بردباری و متانت زیادی برخوردار بود. پس از پایان دوره لیسانس در دوره ارشد دانشگاه شیراز پذیرفته و در سال ۱۳۷۳ فارغ‌التحصیل شد. به درخواست خودش پایان‌نامه‌اش را به انگلیسی نوشته بود. در آن مقطع زمانی، گروه آبیاری مقدار زیادی وسایل آزمایشگاهی سفارش قبل از انقلاب داشت که هنوز در جعبه بوده و راه اندازی نشده بودند. مسولیت باز کردن و راه‌اندازی آن‌ها را پذیرفتم و چون کارشناسی در گروه نداشتیم از ریاست دانشگاه آقای دکتر زرغام درخواست نمودم که با گذراندن دوران سربازی آقای منصور اندام در دانشگاه موافقت نمایند تا با کمک وی آزمایشگاه تحقیقاتی گروه را راه‌اندازی نمایم که سریعاً موافقت و دستور به انجام مکاتبات لازم را دادند. وی با سمت مربی ضمن خدمت سربازی، مشغول به همکاری شد و موفق شدیم همه وسایل را سریع‌تر از انتظار راه‌اندازی کنیم. چیزی نگذشت که خبر آن به همه جای دانشگاه رسید و هر جا کاری لنگ مانده بود متقاضی همکاری او بودند وی هم همیشه برای کار کردن بدون مزد تسلیم بود چون آن‌را وظیفه و ثواب می‌دانست. از آن به بعد در جاهای مختلف دانشگاه به عنوان مدیر مزارع تحقیقاتی، مسول فضای سبز دانشگاه، مدیر داخلی مجله علمی کشاورزی و معاونت مالی اداری دانشکده کشاورزی، صادقانه صمیمانه دلسوزانه و پرتلاش خدمت نمود. در سال ۱۳۷۷ در دوره دکترای آبیاری پذیرفته شد و تا مرحله تهیه پروپوزال به راهنمایی من هم پیش رفت ولی افسوس که در اردیبهشت ۷۸ همراه با همسر و تنها فرزند خردسال ودلبندهش «محمد» در حادثه‌ای دلخراش در جاده شوش به دیدار دوست شتافت. آزمایشگاه تحقیقاتی دانشکده علوم آب به یادبود وی آزمایشگاه «اندام» نام‌گذاری شده است.

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان: دکتر قربان نورمحمدی - عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده کشاورزی

در ۲۹ مرداد ۱۳۱۵ در شهر ملایر بدنیا آمده‌ام، دبستان و دبیرستان دوره اول متوسطه در ملایر و دوره دوم را در بروجرد در رشته طبیعی دیپلم گرفتم و در همان سال (۱۳۳۷) در دانشکده کشاورزی اهواز، دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران) دوره کارشناسی را گذرانده و در مهرماه ۱۳۴۰ در همان دانشگاه به عنوان «دستیار» استخدام شدم و به کارهای مزرعه تحقیقاتی و تولیدی دانشکده به سرپرستی استادم جناب آقای دکتر درویش شروع به کار نمودم و هم‌زمان نیز مسئول ایستگاه هواشناسی بودم و این درس را نیز تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۲ با گرفتن یک بورس ۴۵ روزه عازم آمریکا شدم و چون قبلاً از بعضی از دانشگاه‌های آن کشور تقاضای پذیرش نموده بودم پذیرش از دانشگاه **New Mexico State University** به دستم رسید و تصمیم گرفتم در آنجا بمانم ولی به دلایلی به ایران بازگشتم و به کار خود ادامه دادم. در سال ۱۳۴۴ تصمیم گرفتم با هزینه خود جهت ادامه تحصیل به کشور اتریش، «دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی وین» بروم و پس از مدت ۵ سال در بهمن ماه ۱۳۴۹ به ایران بازگشتم و با سمت استادیاری شروع به کار نمودم. در سال ۱۳۵۴ به مرتبه دانشیاری رسیدم و اگر ادامه می‌یافت، می‌بایستی در سال ۱۳۵۹ برای مرتبه استادی اقدام می‌کردم که البته به دلیل انقلاب فرهنگی این کار تا سال ۱۳۶۳ به تعویق افتاد و در این سال به عنوان دبیر منتخب هیأت ممیزه و سایر خدماتم در این دانشکده مدتی معاون دانشکده کشاورزی و زمان کوتاهی نیز سرپرست دانشکده بودم و علاوه بر مدیر گروهی، (تا زمان بازنشستگی) عضو خیلی از جلسات شوراهای دانشکده و دانشگاه و نیز در سال ۱۳۶۹ اولین مسئول تحصیلات تکمیلی گردیدم و در طول این مدت دوبار به فرصت مطالعاتی یکی در آمریکا در دانشگاه ایالتی آریزونا (توسان)، و کشور اتریش (وین)، رفته‌ام. ضمناً یکی از بنیان‌گذاران انجمن علوم زراعت و اصلاح نباتات و عضو موسس مجله‌ی علوم زراعی ایران و نیز پایه‌گذار مجله علمی کشاورزی بوده‌ام.

در سال ۱۳۷۵ پس از ۳۵ سال خدمات دولتی و با تقاضای خودم بازنشسته شدم ولی بنا به قولی که داده بودم حدود یک سال دیگر برای تدریس دوره‌ی دکترای زراعت که خود از پایه‌گذاران آن بودم به اهواز رفتم و آمد داشتیم. در این سال در دانشگاه آزاد اسلامی (علوم و تحقیقات) تمام وقت شدم (ضمن اینکه جزء اولین استادانی بودم که حدود دو یا سه ترم در دانشگاه تربیت مدرس (که تقریباً هم‌زمان تشکیل شده بود) تدریس نمودم. به دستور آقای دکتر جاسبی به عنوان اولین رئیس دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی منصوب شدم و به مدت بیش از ۶ سال و با معرفی جانشینم از سمت ریاست دانشکده کناره گرفتم و تا کنون همچنان مدیر گروه تخصصی زراعت هستم که دوره‌های دکترای و ارشد زراعت را اداره می‌کنم که از نظر زمانی حدود بیست سال است که در واحد علوم و تحقیقات تهران کار خود را به صورت تمام وقت ادامه می‌دهم که البته اگر زنده بمانم در تابستان ۱۳۹۵ خود را به معنی واقعی بازنشسته خواهم کرد. در طول این سال‌ها ۴ جلد کتاب در زمینه‌های کشاورزی و به ویژه زراعت با همکاران به عنوان نفر اول نوشته و یا ترجمه شده‌اند و نیز حدود ۲۰۰ مقاله به زبان‌های فارسی، انگلیسی و آلمانی با همکاران

به چاپ رسیده‌اند. در این مدت پنجاه ساله‌ی خدماتم، قریب بین هفت تا هشت هزار دانشجو داشته‌ام که هریک از آن‌ها برایم افتخار و کتاب‌های نانوشته‌ام هستند که در سراسر ایران و بعضاً در خارج از کشور در کارهای آموزشی و تحقیقاتی و یا آزاد اشتغال دارند.

قربان نور محمدی- آذر ماه ۱۳۹۴-تهران

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان: دکتر فرخ درویش کجوری - عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده کشاورزی

در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شدم پس از تحصیلات ابتدایی، متوسطه را در مدرسه‌ی فیروز بهرام تهران گذرانده‌ام و پس از اخذ دیپلم متوسطه در سال ۱۳۳۰ عازم کشور اتریش برای تحصیلات دانشگاهی شدم و در سال ۱۳۳۸ با اخذ درجه مهندسی و دکتری کشاورزی به تهران مراجعت کردم و پس از امتحان دانشیاری در دانشگاه تهران، به سمت دانشیار رشته‌ی زراعت و اصلاح نباتات در دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران) به کار تدریس و تحقیق پرداختم.

در سال ۱۳۴۳ برای فرصت مطالعاتی به دانشگاه ایالتی نیومکزیکو در آمریکا عزیمت کردم و روی نژادهای پنبه‌ی مقاوم به ورتیسلیوم ویلت کار کردم که حاصل آن در مجله‌ی علمی «امراض گیاهیم در آمریکا چاپ شد (۱۳۴۵).

پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران) شدم. در سال ۱۳۵۰ به وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شدم و در موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی به کار اشتغال داشتم. در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ رییس این موسسه شدم. در همین حال سرپرستی دانشگاه تازه تاسیس مازندران را نیز به عهده داشتم.

پس از بازنشستگی در وزارت علوم و آموزش عالی از سال ۱۳۷۰ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به کار تدریس و تحقیق اشتغال دارم. در این مدت علاوه بر تعداد نسبتاً زیادی مقالات علمی یک کتاب درسی به نام «مقدمه‌ای بر روش‌های آماری چند متغیره» تالیف کردم (۱۳۸۸).

فرخ درویش کجوری
آذرماه ۱۳۹۴-تهران

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان:

رضا ابن جلال - عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده‌ی مهندسی و علوم آب

واژه پیشکسوت در عین آنکه به سابقه و طول زمان فعالیت معطوف است. باری از ارزش تجارب و کیفیت کار صاحب این عنوان نیز دارد که موجب می‌گردد من خود را شایسته آن عنوان ندانم و فقط به عنوان یک عضو با سابقه و قدیمی دانشگاه که چهل سال در پایین‌ترین مرتبه‌ها (آسیستان، کارشناس، مربی و استادیار) به کار مشغول بوده‌ام، به اختصار فعالیت‌های خود را بنویسم.

مدارک دانشگاهی

۱- فوق لیسانس مهندسی کشاورزی؛ دانشگاه جندی‌شاپور ۱۳۴۶

۲- فوق لیسانس مهندسی خاک و آب، دانشگاه کرانفیلد انگلستان ۱۳۵۸

احکام استخدامی:

۱۳۴۶ - آسیستان:

در آخرین سال قرارداد بنیاد (آمریکایی) خاور نزدیک با دانشکده کشاورزی، به پیشنهاد مهندس حبیب قطب رئیس دیپارتمان مهندسی زراعی و با حکمی که زنده‌یادان دکتر اسماعیل رستمی و دکتر صحت نیکی به عنوان رؤسای مشترک دانشکده صادر کردند و دکتر برنز به عنوان رئیس بنیاد خاور نزدیک آن را تأیید نمود به صورت قراردادی و با حقوق سالانه ۱۰/۰۰۰ ریال استخدام شدم.

۱۳۴۷ - مدرس

از آنجا که تدریس مستقل سه درس نقشه‌برداری (۱)، نقشه‌برداری (۲) و ساختمان‌های روستایی به اینجانب واگذار شد، ماهانه ۵/۰۰۰ به عنوان مدرس بر حقوق اینجانب افزوده شد. این افزایش تا دریافت حکم کارشناسی ادامه یافت.

۱۳۴۸ - کارشناس

با پیاده شدن طرح جدید طبقه‌بندی مشاغل دانشگاهی، حکمی با عنوان کارشناس برای تمام آسیستان‌ها من جمله اینجانب، علی‌رغم آنکه سه درس را مستقلاً تدریس می‌کردم، صادر شد.

۱۳۵۰ - مربی

کارشناس عضو هیأت علمی محسوب نمی‌شد، در نتیجه احکام صادره مورد اعتراض عموم دستیاران قرار گرفت. در نهایت قرار شد متقاضیان مربی شدن در امتحانی که زیر نظر زنده‌یاد دکتر مهدوی معاون آموزشی دانشگاه به صورت کتبی و مصاحبه (هر دو به زبان انگلیسی) و توسط چند نفر از استادان دانشکده زبان و دانشکده‌های دیگر انجام می‌شد، شرکت کنند. ۷ نفر قبول و ۴ نفر مردود شدند. اینجانب نفر اول آن امتحان شدم.

۱۳۷۸ - استادیار

برای ادامه تحصیل و اخذ دکترا چند بار تقاضای بورس کردم و هر بار به بهانه سن پذیرفته نشدم (در حالیکه همزمان به متقاضیانی از دانشکده که همسن اینجانب و در یک مورد بزرگتر از من بودند، پاسخ مثبت داده شد). راستش را بخواهید دلیل آن برای خودم روشن بود: جزء

هیچ یک از دو جناح صاحب قدرت و نفوذ (اصلاح طلبان و محافظه کاران) نبودم؛ گرچه با همه آنها دوست بودم. سرم تو لاک خودم بود و هشت جلد کتاب در این مدت نوشتم. راه دیگر برای استادیار شدن، داشتن صد امتیاز از جدول ارتقاء و انجام یک کار تحقیقی معادل رساله دکتری بود. پس از طی مراحل بررسی در کمیته مربوط در دانشکده و بعد در هیأت ممیزه و دفاع از کار تحقیقی انجام شده که صرفاً یک کار تئوریک توأم با اثبات ریاضی فرمول‌های آن بود، هیأت ممیزه با ارتقاء اینجانب موافقت و حکم استادیاری صادر شد. (برای دفاع دو داور از دانشگاه اهواز و سه داور از دانشگاه‌های دیگر دعوت شده بودند) امتیازاتم از جدول ارتقاء ۱۴۲/۵ شده بود. فعالیت‌های آموزشی

تدریس بیش از ۱۵ عنوان مختلف درسی در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد. اگر دنبال یک نقطه مثبت در کارنامه خود بگردم مطمئناً یکی از مواردی که هیچ‌گونه کوتاهی در آن ننموده‌ام، امر تدریس است. معلمی را بسیار دوست داشتم و از آنچه در توان داشتم برای تدریس بهتر استفاده کردم.

کتاب‌ها:

تا قبل از بازنشستگی (۱۳۸۵)، رکورددار انتشار کتاب در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه اهواز بودم. احتمالاً با توجه به آنکه بعد از بازنشستگی نیز کتاب‌هایی منتشر کرده‌ام رکورد حفظ شده است. قبل از بازنشستگی ۷ تألیف و یک ترجمه (ردیف ۱ تا ۸ جدول زیر) و بعد از بازنشستگی یک تألیف و دو ترجمه (سه ردیف انتهایی در جدول زیر). حجم این کتابها مجموعاً بیش از ۵۰۰۰ صفحه است. تا کنون ردیف‌های ۲ تا ۹ بارها تجدید چاپ شده‌اند. با توجه به استقبال که دانشجویان، استادان و مهندسان بخش‌های اجرایی در سراسر کشور از کتاب‌هایم کرده‌اند این کارها نقطه مثبت دومی را در کارنامه‌ام رقم زده‌اند.

شماره ردیف	نام کتاب	تاریخ اولین چاپ	نام ناشر	ملاحظات
۱	تسطیح اراضی - نقشه برداری و محاسبات	۱۳۵۹	دانشگاه جندی شاپور	تألیفی؛ ۸۱ صفحه؛ با همکاری مهندس احمد باهری
۲	تسطیح اراضی - طراحی و محاسبات	۱۳۶۵	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۳۱۲ صفحه؛
۳	مکانیک خاک اصول نظری و عملی	۱۳۷۰	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۷۲۰ صفحه؛ به اتفاق دکتر محمود شفاعی
۴	نقشه برداری مهندسی جلد اول	۱۳۷۴	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۶۰۷ صفحه
۵	نقشه برداری مهندسی جلد دوم	۱۳۷۵	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۵۶۱ صفحه
۶	روش های نوین نقشه برداری	۱۳۸۲	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۴۲۱ صفحه؛
۷	نقشه برداری ماهواره های با GPS	۱۳۸۵	دانشگاه شهید چمران اهواز	ترجمه کتاب آلفرد لیک ۳۳+۶۹۸ صفحه
۸	روش های طراحی تسطیح اراضی از آغاز تا امروز	۱۳۸۵	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۱۳۹ صفحه
۹	سامانه های ماهواره های ناوبری جهانی GPS, GLONASS, Galileo & more	۱۳۸۸	سازمان نقشه برداری کشور	ترجمه کتاب هافمن و لنهف و ... ؛ ۳۸ + ۸۰۰ صفحه
۱۰	واژه نامه توصیفی نقشه برداری و ناوبری ماهواره های	۱۳۹۱	دانشگاه شهید چمران اهواز	تألیفی؛ ۴۱۷ صفحه
۱۱	اصول نانومغناطیس	۱۳۹۳	دانشگاه تهران	ترجمه کتاب آلبرتو، پی. گویمارائس ۲۵۸ صفحه به اتفاق دکتر سارا پرهیزگار

تأسیس و راه‌اندازی آزمایشگاه
 ۱- آزمایشگاه نقشه‌برداری و فتوگرامتری دانشکده کشاورزی (دانشکده مهندسی و علوم آب، بعد از جدا شدن) این آزمایشگاه در تمام سال‌های کاری اینجانب به مدرن‌ترین وسایل نقشه‌برداری روز مجهز بود؛ به طوری که نه تنها در بین دانشکده‌های کشاورزی بلکه در میان دانشکده‌های مهندسی کشور هم منحصر به فرد بود. به عنوان نمونه خرید اولین دستگاه الکترونیکی سنجش طول (EDM) و دستگاه تعیین مکانیکی شمال (Gyro-theodolite) در سال ۱۳۴۹.
 ۲- آزمایشگاه مکانیک خاک دانشکده کشاورزی (دانشکده مهندسی و علوم آب، بعد از جدا شدن). بعد از تأسیس و راه‌اندازی، یک بخش تحقیقاتی مجهز به وسایل دقیق الکترونیکی و به تقدیرنامه‌ها

- ۱- تقدیرنامه به عنوان پژوهشگر فعال در هفته پژوهش ۱۳۷۴،
 - ۲- تقدیرنامه به دلیل چاپ بیشترین کتاب در هفته پژوهش ۱۳۷۷،
 - ۳- تقدیرنامه به دلیل فعالیت مستمر در کمیته تألیف و ترجمه در هفته پژوهش ۱۳۷۹،
 - ۴- تقدیرنامه به عنوان عضو هیأت علمی پیشکسوت تحقیق ۱۳۸۰،
 - ۵- تقدیرنامه به عنوان استاد نمونه دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اهواز ۱۳۸۲،
 - ۶- تقدیرنامه در رابطه با تألیف کتاب در هفته پژوهش ۱۳۸۳.
- عضویت در هیأت تحریریه و کمیته‌ها
 عضو هیأت تحریریه مجله علمی کشاورزی (دو دوره دو ساله)،

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان:

دکتر محمدتقی رونق - عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

استادیار پایه ۲۸، گروه زیست‌شناسی دریا دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر
متولد ۱۳۲۹ - اهواز

سوابق تحصیلی:

مدرک تحصیلی	سال اخذ	رشته تحصیلی	دانشگاه محل تحصیل
کارشناسی	۱۳۵۶	زیست‌شناسی	دانشگاه اراک
کارشناسی ارشد	۱۳۷۶	زیست‌شناسی دریا - جانوران دریا	دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتری	۱۳۸۷	زیست‌شناسی دریا - جانوران دریا	دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

سوابق استخدامی

۱. استخدام در دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان کارشناس آزمایشگاه در آبان ۱۳۵۷
۲. ارتقا به مرتبه مربی - آموزشیار در شهریور ۱۳۶۹
۳. ارتقا به مرتبه مربی با اخذ مدرک کارشناسی ارشد در مرداد ۱۳۷۶
۴. ارتقا به مرتبه استادیاری با اخذ مدرک دکتری تخصصی در تیرماه ۱۳۸۷

سوابق اجرایی

۱. سرپرست کمیته بهداشت و درمان جهادسازندگی استان لرستان طی سالهای ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۲ - مأمور به خدمت از طرف دانشگاه شهیدچمران اهواز
۲. اولین معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان و خرمشهر از سال ۱۳۶۲ الی ۱۳۶۴ با حفظ سمت آموزشی در دانشگاه شهیدچمران اهواز
۳. سرپرست دانشکده علوم دریایی دانشگاه شهید چمران از سال ۱۳۶۶ الی ۱۳۶۷
۴. نماینده پژوهشی دانشکده علوم دریایی در شورای پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم دریایی از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۷۷ در شورای

۶. معاون آموزشی دانشکده علوم دریایی از سال ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۷۸
۷. نماینده دانشگاه شهید چمران در بازسازی دانشکده علوم دریایی خرمشهر از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۷۹
۸. معاون اداری و مالی و دانشجویی دانشکده علوم دریایی دانشگاه شهید چمران از سال ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۲
۹. نماینده تام‌الاختیار در برگزاری اولین کنکور سراسری در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر
۱۰. مدیر دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر از سال ۱۳۸۲ تاکنون
۱۱. معاون اداری و مالی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۴
۱۲. مشاور حوزه ریاست دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر از سال ۱۳۸۴ الی مهرماه ۱۳۹۲
۱۳. معاون اداری و مالی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر از آبان ماه ۱۳۹۲ تاکنون

سوابق پژوهشی

۱. همکاری علمی در طرح بررسی آبیان خلیج فارس - ۱۳۶۲
۲. همکاری علمی در طرح بررسی لیمنولوژیکی رودخانه زهره در استان خوزستان
۳. همکاری علمی در طرح بررسی لیمنولوژیکی رودخانه مند و حله در استان بوشهر
۴. همکاری علمی در طرح بررسی لیمنولوژیکی رودخانه بالا رود در استان خوزستان
۵. مشارکت علمی در طرح بین‌المللی IMO
۶. مشارکت علمی در طرح منطقه دریایی ROPME کشورهای حوزه خلیج فارس

تقدیرنامه‌ها

پژوهشگر نمونه علوم دریایی در سال ۱۳۸۶ از طرف اداره کل بنادر و کشتیرانی استان خوزستان
 پژوهشگر نمونه علوم دریایی در سال ۱۳۸۶ از سوی شورای پژوهشی دانشگاه علوم و فنون دریایی
 خرمشهر
 استاد برتر آموزشی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر
 استاد نمونه علوم دریایی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر از طرف اداره کل بندر و دریانوردی
 خرمشهر
 مدیر نمونه امور دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه در سال ۱۳۸۸ از طرف معاونت دانشجویی
 وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
 استاد مشاور نمونه دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه در سال ۱۳۸۸ از طرف مشاور وزیر و مدیر
 کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
 دریافت لوح سپاس از طرف مدیر کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر وزارت علوم، تحقیقات و
 فن‌آوری ۱۳۹۴

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان: دکتر عبدالرحمان برزگر، عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده کشاورزی

با ادای احترام به شهدای گران قدر ایران اسلامی، جانبازان و آزادگان- ولی نعمتان این ملت که بدون وجود و ایثار آنها امنیت و آرامش کنونی مملکت امکان پذیر نبود. اینجانب عبدالرحمن برزگر متولد سال ۱۳۳۹ در شهرستان خرمشهر گزیده‌ای از سوابق خود را به شرح زیر تقدیم می‌دارم:

(۱) سوابق تحصیلی:

الف- اخذ مدرک کارشناسی خاک‌شناسی در سال ۱۳۶۴ از دانشگاه شهید چمران اهواز -رتبه اول فارغ‌التحصیلان

ب- اخذ مدرک کارشناسی ارشد خاک‌شناسی در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران-رتبه اول فارغ‌التحصیلان

ج- اخذ مدرک دکتری فیزیک خاک در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه آدلاید استرالیا

در دوره دکتری شش مقاله -دو مقاله در **Soil Science Society of America**

دو مقاله در **Geoderma**

یک مقاله در **Soil and Tillage Research**

و یک مقاله در **Australian Journal of Soil Research**

به چاپ رساندم.

(۲) سوابق استخدامی:

از سال ۱۳۶۹ به عنوان مربی در دانشگاه شهید چمران اهواز، از سال ۱۳۷۴ به عنوان استادیار، از سال ۱۳۷۹ به عنوان دانشیار، از سال ۱۳۸۵ به عنوان استاد

(۳) فعالیت های آموزشی:

الف- تدریس بیش از ۸ عنوان درسی در مقاطع کارشناسی-کارشناسی ارشد- دکتری در دانشگاه شهید چمران اهواز

ب- تدریس عملیات دروس فیزیک خاک و حفاظت خاک در دانشگاه آدلاید استرالیا

ج- تدریس بیش از ۱۰ عنوان درسی در مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای اهواز- کرج- دزفول

(۴) فعالیت های پژوهشی:

الف- چاپ ۲۹ عنوان مقاله در ژورنال های معتبر بین المللی (آمریکا و اروپا) از جمله چاپ ۳ مقاله در معتبرترین ژورنال خاک‌شناسی جهان **Soil Science Society of America**

(رکورددار چاپ مقاله در این ژورنال در ایران تا قبل از بازنشستگی) و تعداد زیادی مقاله در ژورنال‌های فارسی زبان.

ب- اجرای ۲ طرح تحقیقاتی ملی و ۳ طرح دانشگاهی

ج- راهنمای حدود ۴۰ پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی

د- تالیف ۶ عنوان کتاب به عنوان ویرایش اول و سه عنوان کتاب به عنوان ویرایش دوم

عنوان	سال انتشار	انتشارات	ملاحظات
۱- خاک های شور وسدیمی: شناخت و بهره برداری (تالیف)	۱۳۷۹	دانشگاه شهید چمران اهواز	
۲- مبانی فیزیک خاک (تالیف)	۱۳۸۰	دانشگاه شهید چمران اهواز	
۳- فیزیک خاک پیشرفته (تالیف)	۱۳۸۰	دانشگاه شهید چمران اهواز	
۴- روش تحقیق (تالیف)	۱۳۹۰	دانشگاه شهید چمران اهواز	مؤلف دوم: دکتر نورا... معلمی
۵- مهندسی حفاظت خاک و آب (تالیف)	۱۳۸۷	دانشگاه شهید چمران اهواز	اینجانب مؤلف دوم بودم - مؤلف اول دکتر احمد لندی
۶- رابطه آب - خاک - گیاه (تالیف)	۱۳۹۴	دانشگاه شهید چمران اهواز	مؤلف دوم دکتر نورا... معلمی

ویرایش دوم کتاب‌های ردیف ۱ در سال ۱۳۸۷ و ردیف‌های ۲ و ۳ در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید. کتاب‌های ردیف‌های ۱ تا ۳ و همین‌طور ویرایش دوم این کتاب‌ها چندین مرتبه تجدید چاپ شده است (تقریباً هر ۳ تا ۴ سال یکبار). ویرایش دوم کتاب ردیف ۵ نیز در حال داوری است. هم‌اکنون نیز در حال تألیف ۲ کتاب تحت عناوین «اصول مهندسی آبیاری» و «سنجش از دور در کشاورزی» هستیم.

ه - نوآوری‌ها:

- ۱) ساخت دستگاه نفوذ سنج صفحه‌ای که ثبت اختراع گردید (سال ۱۳۸۰).
 - ۲) اجرای سیستم کشت بدون خاک‌ورزی و خاک‌ورزی حداقل در خوزستان. این طرح ۳ ساله با همکاری آقای مهندس علیرضا افتخاری و دکتر محمدامین آسودار در ملائانی اجرا گردید و نتایج حاصل از آن برای اولین بار نشان داد که در خوزستان نیز سیستم کم خاک‌ورزی جواب می‌دهد. هم‌اینک حدود ۱۸۰۰۰۰ هکتار از اراضی خوزستان از این سیستم کشت استفاده می‌کنند.
 - ۳) ساخت دستگاه نمونه‌برداری از لایه غیراشباع برای بررسی آلاینده‌ها قبل از رسیدن به آب زیرزمینی. از نتایج حاصل از کاربرد این دستگاه در معتبرترین نشریه خاک‌شناسی جهان (*American Journal of Soil Science Society*) در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است.
 - ۴) ساخت دستگاه تعیین پایداری ساختمان خاک با بودجه پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۷۶. این دستگاه از زمان ساخت تا کنون در گروه خاک‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است.
 - ۵) فعالیت‌های مدیریتی:
- الف- از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ مدیر گروه خاک‌شناسی در دانشگاه شهید چمران اهواز
- ب- از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی (اولین معاون پژوهشی دانشکده)
- ج- از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ مدیر گروه خاک‌شناسی در دانشگاه شهید چمران اهواز
- اینجانب افتخار راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد و دکتری گروه خاک‌شناسی در دانشگاه شهید چمران را دارم. علیرغم میل باطنی (البته به درخواست خود) در سال ۱۳۸۷ بازنشسته شدم. در پایان، سرفرازای تمامی دانشگاهیان محترم را در راه اعتلای علمی ایران عزیز از درگاه خداوند متعال خواستارم.

آشنایی کوتاه با پیشکسوتان: مهندس حبیب الله قطب - عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده مهندسی علوم آب

مهندس حبیب اله قطب، متولد سال ۱۳۰۹ در شهر دزفول، پس از گرفتن دیپلم برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و در دانشگاه کالیفرنیا دیویس (Davis) مشغول تحصیل گردید. در سال ۱۳۳۶. بی. اس خود را در رشته آبیاری و در سال ۱۳۳۸ ام. اس را در رشته آبیاری و زهکشی از این دانشگاه گرفت و به ایران بازگشت. در سال ۱۳۴۰ به استخدام دانشکده کشاورزی رامین در آمد و ضمن تدریس دروس آبیاری و زهکشی، مدیریت گروه مهندس زراعی (ماشین آلات و آبیاری) راعهده‌دار گردید.

پس از انتقال دانشکده کشاورزی از ملائانی به شهر اهواز، آقای مهندس قطب مدیریت گروه آبیاری را به عهده داشتند. پی از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان ریاست آقای دکتر دوایی (وزارت دکتر حبیبی)، مدتی معاونت مالی و اداری دانشگاه راعهده‌دار بودند. پس از استعفا آقای دکتر دوایی وعزیمت ایشان به تهران، سرپرستی دانشگاه را در زمان شروع جنگ تحمیلی به عهده گرفتند. جالب توجه است که در تمام این دوره‌ها، نه تنها یک ریال بابت مدیریت از دانشگاه دریافت نکردند بلکه از اتومبیل خود برای رفت و آمد به دانشگاه استفاده می‌نمودند. ایشان در سال ۱۳۷۷ از خدمت در دانشگاه شهید چمران اهواز بازنشسته شدند.

مهندس قطب، خود درباره برهه سرپرستی دانشگاه و جنگ می‌گوید:

- «در دهه ۱۳۶۰ شمسی آقای دکتر بلداجی از معاونت مالی و اداری دانشگاه بعلت کسالت مزاجی استعفا داد و آقای دکتر دوایی رئیس دانشگاه وقت، اینجانب را به سمت معاون مالی و اداری دانشگاه انتخاب نمود. در حالی که جنگ ایران و عراق شدت می‌گرفت آقای دکتر دوایی حداقل ۱۲ ساعت در روز مشغول رسیدگی به زخمی‌های جنگ بود. حتی یکی دو بار برای دیدن او مجبور شدم به اتاق جراحی بیمارستان مراجعه کنم.

- به هر صورت یک روز آقای دکتر دوایی به اینجانب گفت به علت مسایل فامیلی می‌خواهم استعفا دهم و به تهران بروم و از وزیر فرهنگ وقت آقای مرحوم دکتر حسن حبیبی تقاضا کرده‌ام که با استعفایم موافقت کند. وزیر وقت با تقاضای من (آقای دوایی) موافقت کرد مشروط بر اینکه شخصی را معرفی کنم. ایشان از من خواست که موافقت کنم و من هم موافقت کردم و آقای حسن حبیبی حکم مدیریت دانشگاه را به من ابلاغ کرد.

- جنگ شدت می‌گرفت و نیروهای عراقی تاچند کیلومتری شهراهواز پیشروی کرده بودند. من مجبور شدم دفترمدیریت دانشگاه را به محل زیرزمینی ساختمان دارایی در ساختمان سه گوش منتقل کنم.

- بخش‌نامه‌های متعددی از تهران برای ما فرستاده می‌شد که عملاً هیچ ارزشی برای ما نداشتند. (از جمله در پرداخت حقوق افراد که منوط به حضور و غیاب کارکنان در محل کار و ... بود. مثال: شهر خرمشهر که در اشغال نیروهای عراقی بود و اعضای دانشکده خرمشهر برای فرار و گرفتن حقوق به اهواز آمده بودند. در بحبویه جنگ تعدادی افراد انقلابی نما از من می‌خواستند تا در محل، حضور و غیاب صورت نگرفته است حقوق پرداخت نشود.

- مسأله‌ی دیگری که توجه مرا جلب کرده بود رابطه‌ی رییس دفتر فنی دانشگاه با مهندسین مشاور بود رییس دفتر فنی وقت دانشگاه مبلغ نسبتاً قابل توجهی را به شرکت مهندسی مشاور بلامانع اعلام کرده بود. موقعی که نماینده مهندسی مشاور برای اخذ وجه مراجعه کرده بود از او سؤال کردم که شرکت درمقابل این مقدار وجه، چه عملی انجام داده است؟

گفت: دفتر فنی دانشگاه در جریان است. از دفتر فنی دانشگاه سؤال کردم و جوابی دریافت نکردم. رییس دفتر فنی وقت را احضار کردم. ایشان گفتند: پرونده‌ها زیاد و پیدا کردن این اطلاعات مشکل است. به نماینده‌ی مهندسین مشاور گفتم: احتمالاً بایستی یک کپی از این اطلاعات داشته باشید. وی یک کپی از اطلاعات که شامل یک نقشه و یک دفترچه حاوی اطلاعاتی از شهر اهواز بود به من داد. که با مشاهده‌ی این کپی‌ها متوجه شدم این اطلاعات ارزش چندانی ندارند. مخلص کلام اینکه در این ماجرا مجبور شدم یک نفر صاحب نظر به اسم آقای مهندس میرعمادی را از تهران به اهواز دعوت کنم.

- در جلسه‌ای که مهندس میرعمادی و مهندسین مشاور حضور داشتند میرعمادی مهندسین مشاور را محکوم کرد که ایشان هیچ طلبی ندارند: زیرا نقشه‌ی مذکور نقشه‌ی هتلی در شمال ایران بود و ربطی به ساختن بیمارستان نداشت.

- صورت جلسه‌ای توسط آقای میرعمادی و مهندسین مشاور و اینجانب تهیه شد و کارهایی که باید انجام گیرد تا قسط اول پرداخت شود مکتوباً نوشته شد و مهندسین مشاور اقرار کردند که تا آن زمان کاری انجام ندادند و این صورت جلسه را امضا نمودند. این صورت جلسه را به رییس دفتر فنی وقت دانشگاه فرستادم و از او خواستم جوابگو باشد. ایشان از همان روز دانشگاه را ترک کرد و جوابگو هم نشد و از ایران خارج شد».

ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی مهندسی قطب از زبان مهندس منوچهری از خصوصیات اخلاقی ایشان، آرام بودن و کم حرف زدن است و در مورد هیچ موضوعی بدون دلیل سخن نگفته و هیچ حرفی را هم بدون دلیل نمی‌پذیرند. بسیار سخاوتمند و همیشه در حال کمک به زیردستان و مستمندان بود. علیرغم وضعیت منش خانوادگی‌اش، او بسیار بی‌آلایش و ساده زندگی می‌کند.

از خصوصیات بارز ایشان هنگام بحث و گفت و گو با دانشجویان و کارکنان و استادان، آنان را به تفکر وامی‌داشت و سخن خود را با پرسش و چرا، شروع می‌کرد.

ایشان به رغم آنکه در یک خانواده مرفه و از خوانین بزرگ دزفول پرورش یافته بود ولی مردم دار بود و بسیار ساده زندگی می‌کرد. نکته مثبت دیگر از شخصیت ایشان، داشتن صراحت در گفتار بود به شکلی که به راحتی نظر واقعی خود را بیان می‌داشت و اصلاً به سود خود مصلحت اندیشی نمی‌کرد. وی به دیدار با دوستان قدیمی بسیار علاقه‌مند است.

مهندس قطب به شکار پرندگان و شنا علاقه‌مند است، ولی به علت علاقه به حفاظت محیط زیست، در ۴۵ سال گذشته، شکار را کنار گذاشته ولی شنا کردن بخصوص در رودخانه را در تمام طول تابستان و اوایل پاییز تا شروع سرما ادامه می‌دهد.

به عنوان یک معلم و استاد، ایشان معلمی سخت گیر بود و کارهای دشواری را در راستای علم آموزی از دانشجویان طلب می‌کرد ولی دانشجویان می‌دانستند که انجام کارهای فشرده موجب

رشد آنان می-گردد. ایشان دارای اعتماد بنفس بالائی و در رشته مربوط به خودشان باسواد و تجربه کافی هستند، اهل حب و بغض نیستند و در مورد مسائل انسانها و اجتماع کاملاً آگاه هستند، در امور مربوط به شغل و کارشان کاملاً جدی و در محفل‌های دوستانه بسیار ساده و بی ریا بحث و گفتگو می‌کنند، اهل حرص و طمع ورزی نیستند از چاپلوسی و تملق بیزارند، از کمک به دیگران دریغی ندارند، نکته پرداز و نکته سنج هستند و در عین حال که ساده می‌نمایند، با حواس جمع باید با ایشان در گفتگو وارد شد. خلاصه کلام ایشان انسانی والا و قابل احترامی است.

پاره‌ای از فعالیت‌های علمی و فنی ایشان

- انجام کار زهکشی ۵۰۰ هکتاری دانشکده کشاورزی با کمک آقای مهندس مهدی نفیسی.
- انجام طرح زهکشی محوطه ۳۲۰ هکتاری دانشگاه را در سال ۱۳۴۸ شروع و تا سال ۱۳۵۱ کانال اصلی سر پوشیده زهکش را با لوله‌گذاری به قطر یک متر همراه با ۴۹ منهول از کوی استادان تا کنار رودخانه کارون به طول ۲/۷ کیلومتر به اتمام رسانیدند. در حال حاضر، این کانال زهکش به عنوان فاضلاب کوی استادان و دانشکده‌های مختلف و بیمارستان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- انجام نظارت و پیگیری کار ساختمان کنونی دانشکده علوم آب و گروه ماشین‌های کشاورزی، که به ساختمان هیدرولیک معروف است. این کار را ایشان با همکاری دکتر شیخ داوودی و به نمایندگی از مرحوم دکتر بینا، رییس وقت دانشکده انجام دادند. این ساختمان قبل از انقلاب توسط یک شرکت فرانسوی طراحی شده بود و کلیه وسایل و تجهیزات مکانیکی برقی و الکترونیکی آن در صندوق‌های در بسته چندین سال به حال خود رها شده بود و این شرکت به خاطر وقوع جنگ ادامه تعهد خود را برای راه‌اندازی انجام نداد. راه‌اندازی آن نیاز به تخصص‌های مختلف برق و مکانیک و سیالات داشت که از عهده پیمانکارهای داخلی بر نمی‌آمد. با شناختی که همه اعضاء گروه از توانایی‌های وی و دکتر شیخ داوودی داشتند راه‌اندازی ساختمان هیدرولیک را به آقای مهندس قطب پیشنهاد داده شد که پذیرفت و از فردای همان روز دفتر کار خود را به ساختمان یاد شده منتقل کرد و در آنجا مستقر شد. وی با رابطه بسیار خوبی که با تکنسین‌های باتجربه دانشگاه داشتند و به خاطر احترامی که برای وی قائل بودند، بدون مکاتبه اداری و بدون مزد باجان و دل در محل برای کمک حاضری شدند. توانست با همکاری دکتر شیخ داوودی آنجا را به خوبی راه‌اندازی و قابل استفاده کند. دکتر مهدی قمشی و آقای تاجی تکنسین دانشکده نیز کوشش‌های فراوانی برای آماده سازی آزمایشگاه هیدرولیک انجام دادند و جزوه درس آزمایشگاه را دکتر قمشی نوشت که تا امروز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- پایه گذاری تدریس و اجرای عملی و همزمان مهندسی نوپای زهکشی به سبک و شیوه امریکائی در ایران.

وی برای تدریس مهندسی زهکشی کتاب پروفیسور لوتین Lutin به انگلیسی را که در دانشگاه دیویس تدریس می‌شد افسست کرده بود و به دانشجویان می‌داد. کسانی که در آن سال‌ها مهندسی زهکشی را با وی گذراندند امروزه از پیشکسوتان این حرفه در ایران هستند و همواره قدردان و سپاسگزار وی می‌باشند.

- در سال ۱۳۴۰ که مهندس قطب به این دانشگاه آمد سیستم آموزش عالی کشور به سبک اروپائی بود و قریب به اتفاق استادان تحصیلکرده اروپا مثل آلمان، فرانسه و اطریش بودند و با آمدن مهندس قطب رقابت مثبتی میان سبک آموزش آمریکائی و اروپائی مشاهده می‌شد و روز به روز علاقمندان به سبک و شیوه تدریس به روش امریکائی در میان جوانان علاقمندان بیشتری پیدا شد.

- ایشان با همکاری مهندس ابن جلال کارنقشه برداری شهرک دانشگاه و طراحی سیستم فاضلاب و لوله کشی آن را هم به انجام رساندند.

- انتقال وسایل زیادی مرتبط با آزمایشگاه مکانیک خاک و ژئوتکنیک از ارتش به دانشکده مهندسی که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سکینه (هما) غنیمی فرد: عضوهیات علمی بازنشسته دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی (گروه حسابداری)

سکینه غنیمی فرد در ۱۴ بهمن ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمدند و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه ابتدایی گلشن تهران و دبیرستان را در مدرسه شیرین و شاهدخت تهران در رشته ریاضی به پایان رساندند. مدرک کارشناسی را از دانشکده حسابداری و امور مالی شرکت نفت تهران و مدرک کارشناسی ارشد را به سال ۱۳۴۸ از همین دانشکده دریافت نمودند. وی در دوران لیسانس در قسمتهای مختلف مالی شرکت نفت تهران دوره‌های کارآموزی را گذرانده و پس از پایان تحصیلات، به عنوان حسابرس (اولین زن حسابرس در ایران) در شرکت نفت تهران به استخدام درآمدند.

خانم غنیمی فرد، در مهر ۱۳۵۲ با (مرحوم) دکتر جواد میدانی، که در حال تحصیل در آمریکا بودند، ازدواج و برای دو سال به آنجا عزیمت می‌کنند. ایشان به مدت یکسال در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان حسابرس طرحهای عمرانی به کار اشتغال داشتند. وی در سال ۱۳۵۵ به عنوان اولین زن هیئت علمی در رشته حسابداری در ایران، در دانشگاه جندی شاپور (اهواز) استخدام می‌شوند. از سمت‌های اجرایی ایشان در این دوره می‌توان به دو سال معاون آموزشی دانشکده اقتصاد و چند دوره مدیر گروه حسابداری اشاره نمود.

تألیفات وی عبارت است از:

- حسابداری ۳، انتخاب به عنوان بهترین کتاب حسابداری از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰
- حل مسایل حسابداری ۳
- حسابداری شرکت‌ها
- حسابداری شعب
- نگارش کتاب آمادگی برای آزمون کارشناسی ارشد توسعه حسابداری همراه دکتر نوروش و شیرزادی.

خانم غنیمی فرد دارای یک پسر به نام مه رشک دارای دکتری عمران خاک و پی از دانشگاه شیراز و یک دکتر از دانشگاه ماساچوست امریکا و یک دختر به نام رویا دارای فوق لیسانس عمران از دانشگاه استکهلم سوئد است. ایشان در مهرماه ۱۳۸۴ بازنشسته شدند.

دکتر استاد سیدحسین سجادی از همکاران خانم غنیمی فرد درباره ایشان می‌گوید:

خانم غنیمی فرد استادی زبردست و توانمند در انتقال مفاهیم به دانشجو است، در حوزه ترجمه و تألیف پرکار و پرتلاش است بدون هیچ چشم داشت به ترفیع، او معلمی با انضباط و وقت شناس است و سراپا عاشق آموزش. خدایش سلامت بدارد.

دکتر محسن دستگیر یکی دیگر از همکاران خانم غنیمی فرد نیز درباره وی می‌گویند:

من از ۱۳۶۲ پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها با سرکار خانم غنیمی فرد همکار و هم گروه شدم. ایشان مدرسی بسیار پرکار و سخت کوش است و در یک برهه هم مدیر گروه حسابداری بودند. تا زمان بازنشستگی ایشان باهم همکار بودیم و تا لحظه بازنشستگی همچنان پرتلاش بودند. ایشان چند کتاب درسی به رشته تحریر درآوردند که اصول حسابداری ۳ یکی از کارهای خوب ایشان است. هر جا هستند خداوند ایشان را حفظ کند.

دکتر عطاالله قبادیان:

عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده کشاورزی - ۱۳۷۲

دکتر عطاالله قبادیان در سال ۱۳۱۳ در سوادکوه در استان مازندران به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را در مکتب خانه آموخت. طعم تلخ مرگ زود هنگام پدر سپس مادر را در نوجوانی چشید. افزون بر این، تحولات سیاسی و اشغال شمال کشور در ۱۳۲۰، دوران جوانی ایشان را با بحران و سختی زندگی و وقفه در تحصیل همراه نمود.

وی در ۱۳۲۹ دوران دبیرستان خود را در قائم شهر آغاز نمود. در کنار تحصیل، این جوان سختکوش با گروه های مقاومت محلی و احزاب و تشکل های سیاسی چه در منطقه شمال کشور چه در تهران در ارتباط بود.

دکتر قبادیان پس از دریافت دیپلم، برای ادامه تحصیلات در سال ۱۹۵۹ به دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی وین راه می یابد و در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ ش.) با درجه ممتاز موفق به دریافت مدرک دکتری در رشته مهندسی علوم کشاورزی می شود. وی در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ش.) موفق به گذراندن امتحانات عالی درجه پرفسوری علوم زمین با کسب دانشجویی رسمی با کرسی دانشگاه وین می گردد. وی از سال ۱۹۷۶ به عضویت نخبگان آلمان در می آید و تا سالیان بعد بطور ترددی و فصلی در این دانشگاه به تدریس می پردازد و عملاً نقطه پیوند میان دانشگاه های ایران با این دانشگاه می شود. ایشان پس از بازگشت به ایران، تدریس در دانشگاه تبریز را آغاز و در ۱۳۴۷ با مرتبه استادی پایه یک به استخدام دانشگاه جندی شاپور اهواز در می آید و در دانشکده علوم این دانشگاه به کار مشغول می شود. همکاری در راه اندازی گروه زمین شناسی و گروه زیست شناسی بخشی از کوشش های وی در این دانشکده است. افزون بر این، همکاری در راه اندازی دانشکده شاخه شمالی در دزفول، دانشکده شاخه جنوبی در خرمشهر در سال ۱۳۵۶، انستیتو آب و خاک های قلیایی ایران در همطرازی با دو انستیتوی مشابه در روسیه و امریکا از دیگر اقدامات ایشان در دانشگاه جندی شاپور به شمار می آید. چندین کتاب ارزشمند و پایه ای در موضوعات مسائل آبی - خاکی و شرایط ژئومورفولوژی و احیاء و ساماندهی اراضی خوزستان به نام های زیر حاصل حضور ایشان در دانشگاه جندی شاپور است که در همین دانشگاه به چاپ رسید:

- علل شور شدن زمین های خوزستان

- بررسی آب های تحت الارضی خوزستان

- بررسی پدولوژی خوزستان

- پدولوژی مناطق خشک و نیمه خشک

- روش های آزمایشی در پدولوژی

با توجه به اینکه از دهه ۵۰ ش. موضوع اقیانوس شناسی و کویر شناسی و راه اندازی انستیتوی خرما در دستور کار وزارت علوم قرار می گیرد، استاد قبادیان از ۱۳۵۹ مطالعات در فلات مرکزی ایران به مرکزیت استان یزد را شروع کرد و همزمان طراحی تاسیس دانشگاه یزد و تاسیس دانشکده منابع طبیعی و کویر شناسی و پژوهشکده بیابان زدایی را نیز بر عهده گرفت. حاصل مطالعات وی، کتاب

سیمای طبیعی استان یزد است. وی در ۱۳۶۲ تحقیقات در مسایل آب و آبیاری استان کرمان و تهران را دنبال می کند و کتاب سیمای طبیعی استان کرمان را در سال ۱۳۶۴ منتشر می سازد. سیمای طبیعی استان تهران و مسایل آبی و خاکی آن در سال ۱۳۷۶ حاصل مطالعات وی در این زمینه است. راه اندازی انستیتو خرما در کرمان و سپس همکاری در توسعه دانشگاه کرمان و چند مرکز تحقیقاتی حاصل حضور ایشان در این استان است. انتشار کتاب سیمای طبیعی فلات ایران در سال ۱۳۶۹ ش. از سوی دانشگاه شهید باهنر کرمان ثمره کارهای تحقیقاتی وی در این خطه است.

در سراسر هشت سال جنگ تحمیلی، استاد قبادیان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز و مشاور علمی نخست وزیری، حضور مستمر در مناطق عملیاتی داشت و ضمن تدریس در این دانشگاه، بر طرح های آبی و خاکی جبهه های جنگ نظارت می کرد.

ایشان در ۱۳۷۲ با مرتبه استادی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز بازنشسته شد ولی همچنان به ارائه خدمت علمی و مشاوره ای به دانشگاه ها و ارگان ها ادامه می دهد.

دکتر قبادیان از ۱۳۷۰ همزمان با انجام مطالعات زیست محیطی در استان و شهر تهران، تدریس در دانشگاه شهید بهشتی و همکاری با دانشگاه زنجان را نیز آغاز نمود. راه اندازی پژوهشکده علوم محیطی، گشایش اولین پارک علمی و پردیس شماره ۲ این دانشگاه در استان مازندران (به عنوان اولین پارک علمی - تحقیقاتی کشور در حوزه دریای مازندران) حاصل کوشش های وی در آخرین دانشگاه محل خدمت خویش است.

در مجموع، محورهای پایه ای و زمینه های اصلی مطالعات علمی و مسئولیت های اجرایی ایشان را می توان در امور زیر دسته بندی نمود:

- ۱- کویر شناسی و کمک در مقابله با عوامل کویری
- ۲- کمک در دستیابی به خود کفایی غذایی
- ۳- کمک در مهار رشد لجام گسیخته جمعیت
- ۴- جستجو در رابطه با ساماندهی چرخه آبی فلات ایران
- ۵- کمک علمی در مهار و ساماندهی مضعیت زیست محیطی شهر تهران
- ۶- جستجو علمی در حوزه دریای خزر

دکتر قبادیان مانند هر ایرانی دلسوز به مردم و میهن خویش عشق می ورزد و نشاط و سرزندگی ایشان در همه اقدامات، برآمده از این عشق پاک و بی شائبه است.

از آخرین کتابهای تحقیقاتی هشدار دهنده توام با یاس و دلشکسته گی از تلاشهای تحقیقاتی وی، می توان به کتاب ارزشمند «ایران در بحران زیست محیطی» که در ۱۳۹۳ منتشر گردید، اشاره نمود.

خاطراتی از ایشان پیرامون تاسیس و راه اندازی شاخه شمالی و شاخه جنوبی دانشگاه

با قدردانی از فرصتهائی که فراهم آمد تا به گوشه هائی از اهداف تحولات دانشگاه جندی شاپور در دست تجدید بنای قبل از انقلاب، به عنوان پایگاه اصلی مراحل شکل گیری خدمات دانشگاهی من در ایران آگاهی حاصل آید، نکته قابل ذکر اینکه در این میان چند تن از همکاران جوان آن روزها با من تماس گرفتند که بسیار هم خوشحال شدم از آن جمله آقای دکتر نبوی (محمد باقر) از همکاران جوان که در تاسیس دانشکده علوم دریائی خرمشهر در قبل از انقلاب با صداقت و کفایت هر چه

تمامتر (مهندس نبوی آروز) در کنار من بودند، در بعد پیروزی انقلاب هم در آن شرایط شدت بحرانی خرمشهر و آبادان در شاخه جنوبی دانشگاه از حمایت جوانمردانه ایشان از آن جمله دکتر نبوی (عبدالحسین) برخوردار بوده که جای قدردانی است.

اندیشه بلند و جستجوگرهای خردمندانه در هر شرایطی همینطور فرصتهائی را پیش می آورند و دریچه-هائی را برای بازگویی آرزوهائی در دل نهفته می گشاید نه هرگز بخاطر خود بلکه برای آگاهی نسل جوان، صاحبان سازندگان آینده این سرزمین مقدس و البته در پاسخگویی مسئولانه بر عملکردهای خویش.

در اینجا اشاره‌ای دارد به شرایط خلیج فارس دهه ۵۰ ش. و نگاه علمی بلند پروازانه دانشگاه جندی-شاپور به آن، در حالیکه صیانت امنیتی بسیار قدرتمندانه از طریق همسایه بزرگ یعنی ایران، ضمن احترام به حریم همسایه‌ها بر خلیج فارس حکمفرما بود؛ دانشگاه جندی‌شاپور به تبعیت از رسالت تاریخی خود در پی فراهم آوردن زمینه‌هایی برای صیانت علمی بر حوزه خلیج فارس و دریای عمان را در دستور کار خود قرار می-دهند. از آن جمله موفق می‌شود تشکیلات نوینی را تحت عنوان دانشکده علوم دریائی طراحی و بالاخره در اواخر سال ۵۶ ش. راهاندازی و آماده بهره‌برداری نماید. بعد از پیروزی انقلاب بلافاصله توسعه و تکمیل تجهیزات دانشکده با شدت و حدت پیگیری می‌شود. اگرچه جنگ تحمیلی دانشکده مستقر در جزیره فیلیه، چون شهری بندری و بسیار زیبای خرمشهر را، ویران و با خاک یکسان ساخت، البته که هرگز نتوانست در اراده هیئت علمی جوان آن خللی وارد کند. چنین شد که این مرکز علمی نوپا دوباره با شکوفائی گسترده‌تری ظاهر و فعالیت‌های علمی خود را در لابلای ویرانه‌های بر جای مانده خرمشهر را از سر می‌گیرد. با یادآوری بر اهمیت تاریخی، صیانت علمی کشور ما بر پهنه‌های آبی خلیج فارس و دریای عمان - تأکید می‌شود بر مسئولیت ملی ما در فراهم آوردن شرایط زیستی مناسب و امکانات لازم و کافی پژوهشی برای دانشگاه و دانشگاهیان عزیز علوم و فنون دریائی مستقر در خرمشهر. لذا با تقاضا و احترام توجه مسئولان بالای مملکتی را، در حمایت هر چه بیشتر از این تشکیلات دانشگاهی با در نظر گرفتن وظایف علمی ویژه و جایگاه آن در یکی از حساسترین منطقه از پیکره وطن ما را جلب می‌نماید.

یادآوری می‌شود که تأکید بر صیانت علمی بر حوزه‌ی خلیج فارس و دریای عمان همینطور پیام‌آور دوستی - برابری و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان حاشیه‌نشین این پهنه آبی است که خمیرمایه آن بر گرفته از ریشه فکری و فرهنگی تاریخ کهن میهن عزیز ما ایران است.

در اینجا سلام ویژه خدمت اعضاء هیئت علمی گرانقدر دانشگاه علوم و فنون دریائی خلیج‌فارس مستقر در خرمشهر و کارکنان عزیز آن، خدای بزرگ پشت و پناه شما. جای قدردانی از دانشگاه مستقر در گلستان اهواز که به عنوان دانشگاه مادر بویژه برای دو مرکز علمی شمال و جنوب خوزستان عمل می‌کند که باید آنها را از با اهمیت‌ترین مراکز دانشگاهی از نظر ملی - سیاسی -تاریخی برای کشور ما یاد کرد.

البته که پیگیری و توجه بر احساس دوستان از گذشته ۵۰ ساله اخیر دانشگاه جندی‌شاپور قابل تقدیر است بر این اساس من هم بر آن شدم چون دیگر همکاران دانشگاهی اطلاعاتی را که در دست دارم در این گزارش که مربوط به شاخه‌های شمالی و جنوبی دانشگاه است، در اختیار شما قرار دهم. بدون تردید همچنین همکاران جوان آن روز من اطلاعاتی را بشما ارائه داده‌اند این بار از دکتر نادران (مهندس نادران از همکاران جوان و بسیار شایسته آن روز من در شاخه شمالی) نام بردید و بسیار هم

خوشحال شدم تا اطلاعاتی مربوط به بعد از پیروزی انقلاب از راهاندازی و تجهیز و تکمیل دو شاخه شمالی و جنوبی دانشگاه که در آن وضعیت یکسال و چند ماه صورت گرفت به ضمیمه نسخه‌ای از ابلاغیه کمک مالی استانداری (اجرای طرح توسعه) ضمن یادآوری از حمایت استاندار، وقت بشرح زیر آورده شود.

قابل ذکر اینکه طرحهای اجرایی این دو مرکز دانشگاهی در فرصت کوتاه سال ۱۳۵۸ ش. بدون توجه به تنشهای سیاسی و درگیریهایی گروهی بویژه در خرمشهر، معذالک با شدت و حدت پیگیری می‌شد، در همه حال با برخورداری از حمایت قاطع استاندار وقت، بصراحت خواستار مقاومت و تلاش در توسعه شاخه‌های شمالی و جنوبی دانشگاه بوده‌اند، ایشان در مواردی حتی در دید و بازدیدها مرا با خود همراه می‌ساختند (دریادار دکتر احمد مدنی) لازم به یادآوری است که تلاش ایشان در تقویت نیروی دریائی کشور و نیروی زمینی و هوائی منطقه جنوب بالاخره سر و سامان دادن شرایط سیاسی بشدت بحرانی و آشفته استان خوزستان قابل تقدیر بود، آخرین دیدار در اواخر سال ۵۸ ش. در منزل ایشان مستقر در استانداری برای خداحافظی دوستانه و با یکی دیگر از عضو شورای مدیریت (سرپرست موقت دکتر دوائی) دانشگاه به صرف شام بسیار ساده صورت گرفت (یاد این ژنرال وطن پرست ایرانی را بسیار گرمای می‌دارم).

یادآور می‌شود در آخرین روزهای یازده روزه مانور بزرگ نیروی دریایی ایران، بپاس احترام، افسران نظامی دلاور نیروی دریائی ایران ضیافتی در عرشه ناو جنگی ترتیب داده بودند. مراسم تا پاسی از شب بطول انجامید و مصاحبه مطبوعاتی کوتاه ایشان در آن شب بازتاب گسترده‌ای داشت. من با همراهی یکی از همکاران شاخه جنوبی (مهندس مرعشی) تا آخرین لحظه در کنارشان بودیم ایشان در صحبت‌های خود بر حفظ قدرت ایران در پهنه آبی خلیج فارس و دریای عمان، احترام به تمامیت ارضی همسایگان - حراست از امنیت این عرصه آبی برای همه کشورهای منطقه و بالاخره برای تداوم پیشرفت و توانمندی آینده ایران تأکید داشتند، اما... با رفتن ایشان از آغاز سال ۱۳۵۹ ش. بحران، درگیری و سراشیبی بر سرتاسر استان خوزستان حکمفرما می‌شود. در شاخه جنوبی همینطور طرح تأسیس انیستیتوی خرما (در جزیره مینو) و صنایع دریائی در خرمشهر در دستور کار قرار می‌گیرد.

طرح راهاندازی و کارهای اجرایی تشکیلات صنایع تکنولوژی به شدت مورد خواست و حمایت استاندار وقت در شاخه شمالی شروع می‌گردد (تشکیلاتی که تحت عنوان مرکز رشد تکنولوژی مورد توجه وزارت علوم و آموزش عالی قرار می‌گیرد) (بعداً پیش درآمد پارک فناوری علمی و تحقیقاتی که اولین آن را دانشگاه شهید بهشتی پایه‌گذاری و در سوادکوه مازندران به مرحله بهره‌برداری می‌رساند) یادآوری می‌شود که در آن مدت کوتاه اکثر کارگاههای فنی شاخه شمالی با شایستگی و همت همکاران جوان (از جمله دکتر نادران (مهندس جوان آنروز)) آماده بهره‌برداری شده‌اند.

لازم بیادآوری است که طی مراحل در راهاندازی شاخه شمالی، همینطور مورد حمایت پایگاههای بزرگ نیروی هوائی و زرهی و آب منطقه‌ای استان قرار داشته‌ایم، البته که شاخه جنوبی هم مورد حمایت مسئولان، نیروی دریائی، بنادر و کشتیرانی قرار داشته است.

با آغاز تعطیلی سال ۱۳۵۹ دانشگاهها، همه این فعالیتها متوقف که با شروع حمله ناجوانمردانه ارتش عراق همه چیز درهم ریخته، در نهایت خوزستان به یک ویرانه تبدیل می‌گردد.

مصاحبه با دکتر مرتضی کوبکی: استاد بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی

استاد مثل همیشه با وقت‌شناسی مثال‌زدنی، در سر ساعت ملاقات، محکم و باوقار و با رویی گشاده و خندان وارد می‌شوند. با تشریف‌فرمایی ایشان فضا عوض شده و با شروع صحبت‌های‌شان دلگرم می‌شویم.

جناب آقای دکتر برای شروع بهتر است از محل و سال تولد شما شروع کنیم، گرچه شاید خیلی‌ها بدانند اما قطعاً ما برای آنانی که نمی‌دانند می‌پرسیم.
فروردین ۱۳۳۰ در تهران متولد شدم.

دوران ابتدایی و راهنمایی به کدام مدرسه می‌رفتید؟ نام آنجا را به یاد دارید؟
کلاس اول دبستان را در تهران شروع کردم، اواسط اول دبستان به بندر امام (بندر شاهپور قدیم) منتقل شدیم. کلاس دوم دبستان به اهواز آمدم. ۵ سال دبستان، ۶ سال دبیرستان و ۴ سال دوره کارشناسی را در اهواز گذراندم. از این رو، خودم را بیشتر اهواز می‌دانم تا تهرانی.
کلاس دوم در مدرسه حکمت، سوم، چهارم و پنجم را در مدرسه سرلشکر انصاری و ۶ سال دبیرستان را در مدرسه دکتر کریم فاطمی در منطقه امانیه سپری کردم.
لطفاً اگر امکان دارد در ابتدا بفرمایید، شما که لیسانس زبان انگلیسی خوانده بودید چه شد که آمدید مشغول تحصیل در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی شدید؟ فکر می‌کردید چه کاره شوید؟

من برای اولین بار، زمانی که ۸-۹ ساله بودم به همراه پدرم در مسجد گوهرشاد برگه‌دان را دیدم و به من گفتند که برگه‌دانها به ترتیب حروف الفبا مرتب می‌شوند. من اصلاً فکر نمی‌کردم که به این مسیر وارد شوم. (باخنده)

نمیدانم. بعضی وقتها دوست داشتم مهندس شوم، گاهی اوقات خلبان، مهندس کشاورزی- ولی اصلاً فکر نمی‌کردم روزی کتابدار شوم. پس از اخذ دیپلم در کنکور شرکت کردم. سال اول قبول نشدم. برای تقویت زبان خود و شرکت در کنکور سال بعد، در کلاسهای زبانی که در دانشگاه جندی شاپور برگزار می‌شد شرکت کردم. متوجه شدم که این کلاسهای زبان دوره کارشناسی است. به علت علاقه زیادی که به زبان انگلیسی داشتم، مدرک زبان و ادبیات انگلیسی را از دانشگاه جندی شاپور گرفتم. دو سال سربازی را پس از دوره کارشناسی گذراندم. پس از سربازی در دو آزمون فوق لیسانس که یکی کتابداری تهران و دیگری ارشد زبانشناسی (به این رشته بسیار علاقه مند بودم) بود شرکت کردم.

روز آزمون ارشد زبانشناسی متوجه شدم که در رشته ارشد کتابداری پذیرفته شده‌ام. توسط یکی از اقوام متوجه شدم که در آزمون ارشد زبانشناسی پذیرفته نشده‌ام (بعدها پس از شروع به کار در دانشگاه شهید چمران اهواز توسط یکی از همکلاسیهای دوره کارشناسی متوجه شدم که در آزمون ارشد زبانشناسی قبول و نفر اول شده بودم و سرنوشت من را در این مسیر قرار داد). پس از انجام

مصاحبه ارشد کتابداری که توسط پروفسور لوهر و خانمی که نام خانوادگی اشان را به خاطر ندارم، به من اطلاع دادند که نفر اول مصاحبه شدم. من به رشته کتابداری رفتم بدون اینکه شناختی از این رشته داشته باشم. البته حالا خیلی خوشحالم که در این رشته هستم. و فکر کنم رشته ای است که خیلی دوستش دارم و به نظرم رشته ای است که خیلی کار می شود در آن انجام داد.

بعد هم بفرمایید که اصلاً چه تیپ افرادی وارد این رشته می شدند؟ آیا دغدغه‌ها و یا هدف‌های مشترک داشتند؟ به هر حال این رشته در آن زمان بسیار تازه وارد بود و طبیعی هم بود که شناخت عمیقی درباره آن وجود نداشته باشد پس فکر میکنم آنهایی که وارد می شدند حتماً دلایلی داشتند. آیا مایلید درباره این دلایل صحبت کنید؟

بله رشته جدیدی بود. خیلی اوقات کسانی که در این رشته می آمدند شناختی از این رشته نداشتند و ترک تحصیل می کردند. چون رشته را دوست نداشتند. خصوصیت جالب این رشته این است که بعضی را به شدت جذب می کند و بعضی ها را به شدت دفع می کند. کسانی که اصولاً کتاب دوست بودند و اهل تحقیق و تتبع و ارزش کتاب و کتابخانه را درک می کردند و می دانستند که از این راه می شود به جامعه خدمت کرد وارد این رشته می شدند. کسانی که اهل این زمینه ها نبودند رها میکردند.

اساتید شما چه کسانی بودند؟ و همینطور هم کلاسی‌های شما.

دو استاد آمریکایی داشتم یکی پروفسور لوهر و دیگری پروفسور هیلز. گمان نمی کنم اکنون در قید حیات باشند. دکتر لوهر از آنجایی که دانشجوی زرنگی بودم من را تشویق می کردند و رابطه خوبی با من داشتند. از اساتید ایرانی هم خانم دکتر نوش آفرین انصاری، مرحوم خانم پوری سلطانی، لیلی ایمن و مرحوم دکتر سینایی. فکر می کنم نسخ خطی را هم با دکتر ایرج افشار گذراندم. کسانی که در حال حاضر به خاطر دارم، دکتر فتاحی و همسرشان خانم دکتر پریخ که حالا جزء مشاهیر رشته هستند یک ترم از من جلوتر بودند.

شما دوره دکتری را در استرالیا گذرانید از لحاظ کتابداری آن زمان استرالیا در چه وضعیتی قرار داشت؟

در آن زمان، استرالیا جزء ۴ کشور اول در حوزه کتابداری بود. آمریکا، کانادا، انگلیس و استرالیا. در آن زمان به خاطر نوع روابطی که با کشور آمریکا و انگلیس داشتیم نمی توانستیم به آنجا برویم. البته شرایط ادامه تحصیل دوره دکتری در فرانسه نیز برای من پیش آمد. نمره تافل من برای ادامه تحصیل در کشور کانادا نیز مناسب بود، اما به پیشنهاد وزارت علوم مبنی بر اینکه هر چه زودتر وارد دوره دکتری شوم بهتر است، استرالیا را انتخاب کردم. دکتر فرج پهلوی قبل از من به استرالیا رفته بودند در واقع به استقبال کسانی که برای دکتری کتابداری به استرالیا می رفتند می آمدند در واقع ایشان یک راهنمایی برای من بودند.

بهترین شاگردان شما در طی دوران تدریستان چه کسانی بوده اند اگر مایلید پاسخ دهید؟

دانشجویان زیادی داشتم. اگر معیاری را در نظر بگیریم طبیعتاً می توانیم کسانی را موفق بدانیم که به مقاطع بالای علمی دست یافته اند. دانشجویانی را داشتیم که از دوران کارشناسی با ما بوده اند تا مقطع دکتری. دکتر حیدری دوره ارشد و دکتری را با ما گذراندند و در حال حاضر از همکاران بسیار خوب ما در گروه هستند.

با تجربه و نگاهی که حالا دارید واژه استاد چه تصویری به ذهن شما می آورد و یا اینکه شخص جنابعالی چه کسانی را استاد خطاب می کنید؟

سوال سختی است (با خنده). واژه استاد به نظر من باید سطحی از کیفیت بالا را هم در علم و هم در اخلاق نشان دهد. یعنی من شخصیتی را استاد می دانم که هم از نظر علمی مدارجی را طی کرده باشد و هم از نظر اخلاقی منش استادی را داشته باشد. استاد نه فقط علم که اخلاق را هم به دانشجو منتقل می کند. اینجا اشکالی وجود دارد و آن استفاده نابه جا از واژه استاد است. بنده زمانیکه رئیس دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی شدم برای همه اساتید (استاد تمام) واژه پروفیسور را در نظر گرفتم. **از تجربه و تاثیرگذاری شما در طی دوران تدریس تان از زبان دانشجویان و همکاران تان شنیده ایم. نظر خود شما چیست؟ فکر می کنید چطور می شود تاثیرگذار بود؟**

امیدوارم اینطور باشد (باخنده). کسانی که در مورد من چنین قضاوتی را دارند در حق من لطف دارند. اگر هم تاثیری گذاشته باشم شاید تاثیر من کوبی نباشد بلکه تاثیر من معلم است. یک معلم به هر حال زنجیروار تاثیر میگذارد. یک معلم وقتی درس میدهد ناخودآگاه تاثیر خودش را می گذارد. **اگر تمایل دارید نام افرادی که شما را تحت تاثیر قرار داده اند و به هر حال شما آنها را استاد میدانید ذکر کنید.**

شخصیت‌های تاثیرگذار در زندگی من انواع شخصیت‌های مذهبی و علمی بوده‌اند. همسرم در زندگی من واقعاً اثرگذار بودند. ایشان در زندگی همواره همراه من بودند و من پیشرفت‌هایم در زندگی را مدیون ایشان هستم به این دلیل که خیلی وقتها من را برای انجام کارهایم تشویق می کردند. از شخصیت‌های علمی که من را تحت تاثیر قرار داده اند خانم دکتر پوری سلطانی بودند. جالب است که بدانید در دوره کارشناسی تنها نمره ج را از ایشان گرفتم در درس فهرستنویسی. بقیه نمره‌هایم همه بالا بودند. در نهایت هم فهرستنویس شدم. دانشمندانی هم بوده‌اند که خیلی وقتها به من الهام دادند. وقتی زندگی مرحوم پروفیسور حسابی را مطالعه می کردم به خودم می گفتم چقدر خوب است که انسان این مسیر را طی کند. من اصولاً به خواندن زندگی افراد نامدار علاقه دارم و خیلی وقتها آنها را الگوی خودم قرار می دهم و از آنها الهام می گیرم.

چرا هیچ وقت نخواستید رییس کتابخانه مرکزی شوید؟

یک باور در من است که احساس می کنم کار اجرایی برای عضو هیأت علمی آسیب رسان است. در مرحله اول باید معلم باشد و وقت خود را به کارهای آموزشی و پژوهشی اختصاص دهد بعد به کارهای دیگر. کارهای اجرایی که تا کنون به عهده گرفته‌ام در ارتباط با کارهای آموزشی و پژوهشی بوده است. سه دوره مدیر گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و یک دوره رئیس دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی و دوره کوتاهی نیز رئیس کتابخانه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی بودم. البته این باور گاهی اوقات می تواند درست نباشد چون بعضی از پست‌ها را فقط باید عضو هیأت علمی پر کند.

زندگی حرفه ای دکتر کوبی بعد از بازنشستگی چگونه خواهد بود؟

خیال داشتم استراحت کنم هر چند استراحت برای ما معنا و مفهوم واقعی ندارد. به خودم وعده داده بودم که بعد از بازنشستگی سراغ کتابهایی بروم که وقت نکرده بودم بخوانم مثل: تاریخ تمدن و بیل دورانت، شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، کلیات سعدی، دیوان حافظ. چون فکر می کنم غرق شدن در کار زیاد من را از این کتابها دور کرد. به عنوان معلم توقعات از ما بالاست. گاهی اوقات ایمیل از طرف کسانی که نمی‌شناسیم می‌آید و در زمینه کارهای پژوهشی، بررسی مقالات، داوری پروپوزال

و غیره راهنمایی می‌خواهند.
چنانچه خاطره ای از دوران تدریستان دارید (تلخ یا شیرین) در صورت تمایل شما خوشحال می‌شویم برایمان تعریف کنید؟

زمانی که دانشجوی دکتری بودم. در استرالیا به همراه خانواده برای گردش به بیرون رفته بودیم. گوشه‌ای دنج را پیدا کردم که نماز بخوانم. در حین نماز خواندن متوجه شدم که خانم مسنی از پسرم پرسید گویا پدرت نماز می‌خواند. پس از پایان نماز، خانم مسن که دست به عصا هم بود به من گفت که لبنانی هستم و مسیحی، نماز خواندت را دیدم و به تو اطمینان می‌دهم که به هدفت می‌رسی. صحبت‌های آن خانم خیلی روی من تأثیر گذاشت.

سخن آخر: اگر صحبتی در مورد شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه دارید و یا هر موضوع دیگری که مدنظر خود شماست می‌توانید بیان کنید.
 از من دعوت شده که به عنوان استاد بازنشسته در این مراسم شرکت کنم. امیدوارم که با این جشن بتوانیم شصت سال پیشرفت آموزشی و پژوهشی را شاهد باشیم.

دکتر فتح الله بلداجی: استاد انتقالی دانشکده کشاورزی ۱۳۶۸

اینجناب فتح الله بلداجی در سال ۱۳۱۲ در رامهرمز متولد شدم و دوره ابتدائی را در رامهرمز و دوره دبیرستان را در اهواز گذراندم. در سال ۱۳۳۷ با درجه مهندسی کشاورزی عمومی از دانشگاه اهواز (جندی شاپور) که به تازگی تأسیس شده بود، جزء اولین فارغ التحصیلان آن دانشگاه بودم. لازم به ذکر است که از اینجناب در مراسم پنجاهمین سال تأسیس آن دانشگاه به عنوان اولین فارغ التحصیل موفق آن دعوت شده و با اهدا لوح تقدیر و نشان یاد بود تقدیر و تجلیل گردیدم که از این بابت، خداوند متعال را شکر گزارم و از مسئولان و دست اندرکاران محترم دانشگاه نیز به لحاظ اجرای این مراسم باشکوه بسیار سپاسگزارم.

در سال ۳۹-۱۳۳۸ در دانشکده کشاورزی دانشگاه واقع در رامین (ملاثانی) استخدام و به عنوان کمک کارشناس دامپروری و مسئول خوابگاه شبانه روزی دانشجویان مشغول به کار شدم. در خرداد ماه سال ۱۳۴۲ با مخارج شخصی خود برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم و در دانشگاه آریزونا- توسکان (TUCSON) مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۴۴ و سال ۱۳۴۸ به ترتیب موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد (MS) در رشته تغذیه طیور و درجه دکتری (Ph.D) در رشته بیوشیمی کشاورزی و تغذیه شدم.

تا آنجا که اطلاع دارم بیشتر استادان دوران تحصیل بنده در قید حیات نمی باشند و چشم از این جهان پوشیده اند، بنابراین برخورد لازم میدانم در این شرح حال خود که تقدیم جنابعالی می شود ضمن سپاس فراوان از آن ها که آموخته های خود را مدیون آنها میدانم از خداوند متعال نیز طلب آمرزش و رحمت برای همه شان دارم.

بدون تردید، کانون گرم خانواده و آینده نگری والدین نقش اساسی در هدایت فرزندان و پیریزی آینده آن ها دارد. من هم بحمدالله از عنایت خداوند متعال و چراغ هدایت خانواده بسیار بهره برده ام و میل دارم که در این شرح حال خودم، به این نکته نیز اشاره کنم که بنده، متأسفانه در شش سالگی پدر خود را از دست دادم ولی در نبود او در دامن مادری مهربان و فداکار و برادری روشن فکر و مسئولیت مدار که علاوه بر برادری، حق پدری نیز بر من دارد، بزرگ شدم و تحصیلات خود را مدیون فکری او می دانم، روحشان شاد.

در مورد خانواده و فرزندان، خیلی خوشحالم که دارای همسری مهربان، و به لحاظ فکری و رفتاری کاملاً همسو و هم عقیده با بنده و ماحصل زندگی پنجاه ساله مان، دو فرزند به نام های مریم؛ کارشناس میکروبیولوژی و عبدالله؛ دندانپزشک می باشد.

بر این باورم که داشتن همسری مهربان و آشنا به اقتصاد و خانه داری و فرزندان با شاخصه های اجتماعی خوب یک نعمت الهی است.

گزارش فعالیت های امور اجرائی و پژوهشی اینجناب به قرار زیر است:

امور اجرائی:

الف: دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز (از بهمن ماه ۱۳۴۸ تا مهر ۱۳۶۸)

مدیر گروه علوم و صنایع غذایی، معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی، عضو کمیته تخصصی گروه کشاورزی، معاون مالی و اداری دانشگاه بعد از پیروزی انقلاب و عضو هیئت ممیزه دانشگاه. ب: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان از مهرماه ۱۳۶۸ تا بازنشستگی (۱۳۸۶/۶/۱۰). رئیس دانشکده منابع طبیعی به مدت پنج سال متوالی، عضو شورای تحصیلات تکمیلی، عضو کمیته منتخب ترفیعات اعضاء هیئت علمی دانشگاه، عضو هیئت ممیزه دانشگاه، عضو کمیته تخصصی، رئیس دانشکده‌های علوم دامی، علوم غذایی، شیلات، مرتع و محیط زیست، نماینده دانشگاه گرگان در هیئت ممیزه دانشگاه‌های مازندران، گیلان و شاهرود و عضو هیئت امنای دانشگاه گرگان.

امور پژوهشی :

الف: ترجمه و تالیف:

ترجمه کتاب تحت عنوان: مدیریت غذا در پرورش متراکم آبزیان (۱۳۸۳).

ترجمه کتاب تحت عنوان: زیست انرژی شناسی آبزیان (۱۳۹۰).

نگارش کتاب تحت عنوان: متابولیسم الکل و تغذیه (۱۳۹۱).

نگارش کتاب تحت عنوان: مدیریت تنش و رفاه در مرغ‌های تخم‌گذار (۱۳۹۳).

ترجمه کتاب تحت عنوان: انرژی‌شناسی و اکولوژی تغذیه‌ای پرندگان (۱۳۹۶- در دست چاپ)

ب: مقالات علمی:

دارای تعدادی مقالات علمی چاپ‌شده در مجلات معتبر خارجی (حدود ۳۰ عنوان) و داخلی (حدود ۴۰ عنوان) در زمینه‌های تغذیه و تعیین میزان انرژی قابل متابولیز و انرژی قابل متابولیز حقیقی عناصر غذایی مورد مصرف طیور.

افتخارات:

۱- در رابطه با واژه «افتخارات»، لازم است به این نکته اشاره کنم که با ورود دانشجویان دوره کارشناسی ارشد علوم دامی به دانشکده کشاورزی جندی شاپور واقع در (ملائانی) اهواز و ضرورت انجام پروژه‌های تحقیقاتی، اینجانب به‌عنوان استاد راهنمای دو دانشجو به‌نام‌های: آقایان هدایت الله روشنفکر (سال ۱۳۶۲) و موسی اسلامی (سال ۱۳۶۴) انتخاب شدم و برای تعیین انرژی محتوی جیره‌های غذایی مورد مصرف طیور در این پروژه تحقیقاتی از روش‌های: انرژی قابل متابولیز ظاهری (AME) و انرژی قابل متابولیز حقیقی (TME) استفاده گردید. بنابراین در استفاده و معرفی این دو روش، کلید آن برای اولین بار در ایران بوسیله اینجانب در سال ۱۳۶۳ در دانشکده کشاورزی رامین اهواز زده شد. ضمناً دو دانشجوی نامبرده در این رویداد تاریخی، در حال حاضر از اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان می‌باشند.

۲- این مورد در دانشکده شیلات و محیط زیست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در سال ۸۸-۱۳۸۶ برای اولین بوسیله اینجانب انجام شد. بنده به‌عنوان استاد راهنمای یک دانشجو کارشناسی ارشد شیلات به‌نام خانم آیناز خدائظری انتخاب شدم، عنوان پروژه، تحقیقاتی ایشان: تعیین قابلیت هضم ظاهری (AD) جیره غذایی ماهی قزل آلابی رنگین کمان با استفاده از نشانگر اکسیدکروم و خاکستر نامحلول در اسید و دو روش جمع‌آوری مدفوع: یکی جمع‌آوری مدفوع از طریق سیفون از کف تانک‌ها (روش بوردینگتون، ۱۹۸۰) و دیگری جمع‌آوری مدفوع از روده بود.

۳- بنده اولین استاد تمام کشور در رشته علوم دامی بودم که در سال ۱۳۶۵ به این افتخار نائل

آمدم.

۴- استاد راهنمای ۹ دانشجوی دکترا و حدود ۲۲ دانشجوی کارشناسی ارشد بوده‌ام. در این مورد به علت عدم حضور ثابت در دانشگاه اظهار نظر قطعی نمی‌توان کرد ولی با توجه به دیدار کوتاه بنده به مناسبت پنجاهمین سال تاسیس دانشگاه و همچنین با عنایت به دیدار همکاران و به‌خصوص فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی که در کل با دیده و نظرات مثبتی همراه بوده است، من هم بر این باورم که پس از گذشت شصت سال از عمر پربرکت آن، هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ علمی، دانشگاه اهواز، یکی از موسسات آموزشی عالی به‌نام ایران و جهان و شایسته برخورداری از نام و نشان جندی‌شاپور سربلند تاریخ ایران است.

به نظر اینجانب، پیش‌کسوتان دانشگاه اهواز، چه آنهاییکه در بین ما هستند و چه عزیزانیکه در قید حیات نیستند حق بزرگی به گردن مسئولان محترم دانشگاه دارند که باید توجه بیشتری به آنها شود. این انسان‌های محترم و بزرگوار به‌علت عدم حضورشان در دانشگاه نباید از یاد بروند و به قولی اصلاً فراموش شوند. به باور بنده این عزیزان، نیاز مادی ندارند بلکه توقعشان بیشتر جنبه‌های معنوی می‌باشد که مسئولین محترم دانشگاه باید نسبت به آنها معان‌نظر خوبی داشته باشند. به‌عنوان مثال، گهگاه با آنها در مورد موضوعات آموزشی-پژوهشی مشورت شود و در صورت امکان و صلاحدید از نظرات ساختاری آنها در بعضی تصمیم‌گیری‌ها کمک گرفته شود. در فرصت‌های مناسب و مراسم‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و دانشجویی به‌خصوص جشن‌های فارغ‌التحصیلی دانشجویان از این عزیزان و حتی از بستگان عزیزانیکه در قید حیات نمی‌باشد دعوت به شرکت در این رویدادها شود زیرا حضورشان در جمع همکاران اعضاء هیئت علمی و دانشجویان و گرامیداشت آنها، تجلیل و تقدیر از آنها موجب شادی و دل‌گرمی آنها خواهد شد.

انتظارم از جوانان عزیز این است که خود را به سلاح دانائی مجهز کنند که دانائی، توانائی می‌آورد و بهره‌گیری بهینه از توانائی، سربلندی این کشور عزیز و ملت فهیم و قابل احترام را در پی دارد. حدود ۵۹ سال (۱۳۹۶-۱۳۳۷) از فارغ‌التحصیلی اینجانب در مقطع مهندسی کشاورزی عمومی از دانشکده کشاورزی اهواز می‌گذرد. در این سال‌ها در دانشگاه‌های متعددی در ایران و خارج از ایران به تدریس یا تحصیل اشتغال داشته‌ام. در طول این سال‌ها هرگز خود را از آموختن آنچه نمیدانستم، بی‌نیاز ندیده‌ام و در عین حال با عشق از انتقال دانسته‌هایم به دانشجویان این مرز و بوم لذت می‌بردم و با این توصیه به آنها که «صداقت، کلید موفقیت است»، احساس آرامش می‌کردم.







فصل پنجم

یاد یاران



شهید سید مهرداد مجدزاده:
استاد دروس معارف اسلامی
شهادت: ۱۳۶۱

شهید سید مهرداد مجدزاده طباطبایی در دهم تیر ماه سال ۱۳۳۴ در شهر اصفهان متولد شد. پدرش از کارمندان راه آهن بود و به همین خاطر دائم از شهری به شهر دیگر مسافرت می کرد. این مسافرت ها آنچنان زیاد بودند که وی مجبور می شد هر چند وقت یکبار خانواده اش را نیز از شهری به شهر دیگر منتقل کند. مهرداد از همان کودکی با شهرهای مختلفی چون قم، دورود، اندیمشک، بندر ترکمن و ... آشنا شد. دیری نپایید که به علت تحصیل فرزندان، در اهواز ساکن شدند.

شهید مجدزاده از شش سالگی در دبیرستان حکمت اهواز مشغول به تحصیل شد. نیمی از دوران ابتدایی را در دورود و اندیمشک گذراند و برای تحصیلات متوسطه به اهواز آمد. در دبیرستان طالقانی (بزرگمهر سابق) دیپلم ریاضی گرفت و پس از شرکت در کنکور در دانشکده نفت آبادان و دانشکده حسابداری و حسابداری نفت تهران پذیرفته شد. با انتخاب تحصیل در تهران، لیسانس حسابداری را اخذ نمود. همزمان با تحصیل در دانشگاه، نزد استاد محمدحسین فاضل شبستانکی از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری و استاد محمدفاضل تونی، به فراگیری مباحث فلسفی و اصول عقاید پرداخت. به پیگیری مسائل سیاسی روز حساس بود و به خاطر مبارزات سیاسی-اش علیه رژیم سلطنتی، چندین بار توسط ساواک دستگیر شد. همین مطالعات سیاسی مذهبی شخصیتش را شکل داد و دستمایه ای غنی برای تشکیل کلاس های عقاید در اهواز توسط وی شد. مسجد طالبزاده، مرکز تربیت معلم، دبیرستان های اهواز، جهاد سازندگی، نهضت سواد آموزی، سپاه، شرکت نفت و حتی رادیوی استانی اهواز از جمله مجموعه هایی بودند که از تدریس اصول عقاید شهید مجدزاده بهره مند شدند.

درس هایی که وی با عنوان «سیره نبوی» در رادیو اهواز اجرا می کرد، و نیز کلاس های «تهج البلاغه» وی، تاثیر عمیق و به سزایی در مبارزه با مروجان مکاتب انحرافی از جمله مارکسیسم و ماتریالیسم داشت. هنگام نقد و بررسی و مناظره با طرفداران سایر مکاتب، گاهی بسیار تیزهوشانه برخورد می کرد و از منابع ایدئولوژی آنها مواردی را که دارای تناقضات آشکار بود؛ در بحث طرح می کرد و حریف را با سلاح خودش شکست می داد.

این موارد سرانجام آن قدر زیاد شد که نامش در لیست ترور منافقان قرار گرفت، تا آنجا که یکی از شاگردان شهید که به لحاظ فکری جذب گروهک منافقان شده بود؛ اقدام به سوزاندن خانه ایشان نمود. خوشبختانه اقدامات منافقان در این زمینه ناکام ماند.

با شروع جنگ تحمیلی علی رغم وقت بسیاری که برای آموزش و توجیه نیروهای اعزامی از سراسر کشور می گذاشت اما سعی می کرد حضور در خط مقدم را در زمان عملیات از دست ندهد. بسیار پیش می آمد مواقعی که دوستان و آشنایان او را از رفتن به خط، باز می داشتند و متذکر می شدند که به حضورش در پشت جبهه بیشتر نیاز است تا خط مقدم، اما شهید مجدزاده

در جواب آنها می‌گفت: «ممکن است جبهه به وجود من نیازی نداشته باشد، اما من به جبهه نیاز دارم!».

با اشعار حافظ مانوس بود و در درس‌هایش از اشعار مولوی و جلال‌الدین رومی استفاده می‌کرد. جذبه کلاس-هایش به حدی بود که دانشگاه شهید چمران اهواز سعی بسیاری در جذب وی بعنوان هیات علمی نمود، اما چون شرکت نفت نیاز زیادی به وی داشت با این امر موافقت نکرد، اما به صورت حق التدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول بودند.

از همسرشان درباره ایشان نقل شده است: «بسیار مهربان، دلسوز و بامحبت بود. به سایرین تا آنجا که از دستش برمی‌آمد کمک می‌کرد. صلح‌رحم را ترک نمی‌نمود و دیدار از خانواده شهید عادت همیشگی‌اش بود. بسیار یاد آخرت می‌کرد و در اعمالش تفکر می‌نمود.

فروتنی و تواضع، عشق به اهل‌بیت(ع) و ارادت به امام(ره) از جمله خصوصیات بارز او بود و به خواندن مداوم قرآن اهمیت بسیار می‌داد. مطالعاتش وسیع و گسترده بود.

مواقعی که به خانه می‌آمد علی‌رغم خستگی بسیار، به بازی با دختر کوچک‌مان فاطمه می‌پرداخت و مرتباً برای ما هدیه می‌آورد.

به سادگی در زندگی اهمیت خاصی می‌داد و همواره پس از خرید لوازم خانگی برای منزل به فکر فرو می‌رفت. می‌گفت: «می‌ترسم گناه کرده باشم، خیلی‌ها این وسیله را ندارند». برایش مهم بود در سطح عموم مردم زندگی کند.»

شهید مجدزاده در ۱۱ بهمن ۱۳۶۱ دعوت حق را لبیک گفت و در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به دیدار پروردگارش شتافت.

شهید علی جمالپور:
استاد دروس معارف اسلامی
شهادت: ۱۳۶۵

شهید علی قشقایی جمالپور، در نهم آبانماه ۱۳۳۸، در شهر کوچک و نفتخیز نفت سفید دیده بجهان گشود. پدرش کارگر شرکت نفت بود و تنها مسجد آن شهر را پایه گذاری نمود و همواره مورد اعتماد و امین مردم به شمار می رفت. دوره کودکی و تحصیلات ابتدایی شهید جمالپور، در شهرهای نفت سفید و گچساران سپری گردید. پس از بازنشستگی پدر، او به شهر اهواز نقل مکان نمودند.، پایان دوره تحصیلات ابتدایی ایشان، مصادف بود با حضور وی در کتابخانه شماره ۲ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان اهواز، که منشاء تحولات فکری و شخصیتی شهید بود. علی جمالپور، که بدلیل نبوغ ذاتی از قدرت فراگیری خارق العاده ای برخوردار بود؛ با آغاز دوره مطالعه و آشنایی با کتاب و بروز استعدادها، در مدت کوتاهی در میان همسن و سالان خود، به چهره ای خلاق، فعال و مبتکر، مبدل گردید. طراحی و تولید نشریات دیواری، نقد و بررسی کتاب، کتاب خوانی، کارگردانی و بازیگری تئاتر، نوشتن شعر و نمایشنامه، از فعالیتهایی است که در دوران نوجوانی و حضور او در کتابخانه شکل می گیرد. عشق به آموختن و فراگیری و کشف ناشناخته ها، او را به مطالعه شبانه روزی در موضوعات مختلف واداشت، بطوریکه در همان سنین نوجوانی و ابتدای جوانی در زمینه ادبیات داستانی و شعری ملل مختلف، مردم شناسی، تاریخ، پژوهش هنر، فلسفه غرب و شرق، فلسفه و معارف اسلامی، مطالعات وسیع و گسترده ایی را به انجام رساند، به طوریکه در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با چنین پشتوانه ای و بدلیل نبوغ و استعداد خدادادی و بخاطر قدرت سخنوری، علیرغم سن کم، یعنی در مرز ۱۸ سالگی؛ به معلمی موفق و سخنرانی چیره دست و تاثیرگذار مبدل شده بود. کلاس های او در زمینه فلسفه و معارف اسلامی و سخنرانیهای شهید در شهر اهواز و جلسات بحث و مناظره اش با تئوریسین های کمونیست و بعضی گروه های سیاسی، برای همیشه در ذهن و ضمیر جوانان این شهر، بیادگار خواهد ماند پس از پیروزی انقلاب، دامنه فعالیت های آموزشی شهید جمالپور، وسیعتر و گسترده تر گردید، از آن جمله می توان به تدریس و سخنرانی های ایشان در آموزش و پرورش، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، ادارات و سازمانهای دولتی، دانشسرای تربیت معلم، شرکت نفت، نهضت سوادآموزی، حوزه هنری، سازمان تبلیغات و حوزه های علمی در سال های ۵۸ تا ۶۴ اشاره نمود. بموازات این فعالیتها، در سال ۶۰، به دعوت دانشگاه شهید چمران اهواز، جهت تدریس فلسفه و معارف اسلامی، به عنوان جوان ترین استاد دروس معارف اسلامی دانشگاه (درس ۲۲ سالگی)، فعالیت های آموزشی ایشان شکل جدی تری به خود می گیرد. به نقل از همه دانشجویانش در آن دوره، کلاس های استاد جمالپور، بدلیل غنای محتوا و تسلط بی چون وچرای ایشان بر موضوعات مختلف و قدرت خارق العاده اش در انتقال مفاهیم پیچیده فلسفی بزبان ساده، همواره با استقبال گسترده دانشجویان مواجه بود بطوریکه این کلاس ها عموماً در محل آمفی تئاتر، برگزار می شد. استاد اما در کنار همه این



فعالیت‌ها، حضور در جبهه‌های نبرد و زندگی در کنار دوستان هم‌رزم را برای خود یک فریضه و فرصتی ذی‌قیمت جهت خودسازی می‌دانست، بطوری‌که در وصیتنامه خود، خطاب به استادان و دانشجویان می‌نویسد، مبادا با توجیه میز و کار و درس و نمره، این فرصت الهی را از دست دهید. علی‌رغم اینکه مسئولان از حضور وی در جبهه ممانعت بعمل می‌آوردند اما او رستگاری را در رهایی و شهادت جستجو می‌نمود. تا اینکه بالاخره جان ناآرامش در شامگاه ۲۵ دیماه ۱۳۶۵ در نخلستان شلمچه، قرار یافت و در سن ۲۷ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. کتاب چهارمقاله از ایشان، حاوی مطالبی در پیرامون مبانی التزام در ادبیات ماتریالیستی و یک مقاله علمی با موضوع بررسی اشکالات مربوط به اصالت وجود، و ده‌ها ساعت نوار صوتی از آن شهید به شکل سخنرانی بیانگر گوشه‌ای از دانش و اندیشه وی است.

دکتر مهدی تجلی‌پور عضو هیئت علمی دانشکده علوم در گذشت به سال ۱۳۶۱

دکتر مهدی تجلی‌پور در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در عربان صومعه سرا در خانواده‌ای متوسط دیده به جهان گشود. دبستان و دوره اول دبیرستان را در صومعه سرا گذرانید و در سال ۱۳۳۳ از دانشسرای مقدماتی رشت دیپلم گرفت و سال بعد موفق به اخذ دیپلم دبیرستان شد. او با عشق فراوان به حرفه انسان ساز معلمی به استخدام اداره فرهنگ شهر زادگاهش درآمد و کار معلمی را آغاز کرد.

ایشان علاوه بر تدریس، از اولین کسانی بود که در راه تقویت جنبه‌های هنری جوانان تلاش کرد. در سال ۱۳۳۵ اولین تئاتر شهرستان صومعه سرا توسط وی در راهروی مدرسه شمس به اجرا درآمد. اجرای نمایش «پشیمان» بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و باعث شد تا دکتر تجلی‌پور نمایش «خسیس» را به صحنه ببرد و نام خود را به عنوان بنیانگذار تئاتر شهرستان صومعه سرا به ثبت برساند.

دکتر تجلی‌پور در سال ۱۳۳۸ جهت ادامه تحصیل به تهران منتقل شد و در دوره شبانه دانشسرای عالی در رشته علوم طبیعی به تحصیل پرداخت. او در تهران مأمور به تحصیل بود و در طول مدت چهار سال تحصیل در دانشگاه، به تدریس در دبیرستان نیز اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۲ از دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم) فارغ‌التحصیل شد. وی پس از اخذ لیسانس جهت انجام تعهد خدمت در شهرستان‌ها، در شهرهای تاکستان و اراک مشغول به کار گردید. دکتر تجلی‌پور از استعداد سرشار و پشتکاری بی‌نظیر برخوردار بود. او کار ترجمه و تألیف را از دوره دانشجویی آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی دست از پژوهش و نگارش برنداشت. به زبان فرانسه آشنایی کامل داشت حتی قبل از ادامه تحصیل در کشور فرانسه، کتاب‌ها و مقالات علمی را از فرانسه به فارسی برمی‌گرداند. وی به سبب علاقه وافر به تحقیق و ادامه تحصیل، از سال ۱۳۴۷ کار شناسایی، رده‌بندی و بوم‌شناسی جانوران کف زی آبهای شور و شیرین ایران، به ویژه نرم تنان خلیج فارس را آغاز کرد. چندی بعد با استفاده از فرصت جهت اخذ درجه دکترا عازم کشور فرانسه شد. او در سال ۱۳۵۲ موفق شد دوره دکترای علوم طبیعی را در دانشگاه مون‌پلیه، به پایان برساند و به اخذ دکترای دولتی با امتیاز بسیار افتخارآمیز، همراه با تقدیر کتبی هیأت داوران موفق شود. عنوان پایان‌نامه‌اش «بررسی تکمیلی سیستماتیک و انتشار نرم‌تنان سواحل ایرانی خلیج‌فارس» بود. این کار پژوهشی با استقبال فراوان متخصصان روبرو شد و دانشگاه مون‌پلیه آن را در سیصد جلد چاپ و منتشر کرد. این کتاب به پیشنهاد مسئولان وقت سازمان تحقیقات شیلات ایران به وسیله گلبرگ تجلی‌پور به فارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۷۳ نسخه فارسی آن چاپ و انتشار یافت تا مورد استفاده پژوهشگران علاقمند قرار گیرد. دکتر تجلی‌پور ضمن گذراندن دوره دکتری در فرانسه، چگونگی کار با میکروسکوپ الکترونی را فرا گرفت و در این رشته موفق به اخذ دیپلم گردید. وی پس از اخذ درجه دکتری دولتی به ایران بازگشت و در گروه ماهی‌شناسی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران آغاز به کار کرد. او به عضویت انجمن علوم

و فنون دریایی ایران درآمد و ضمن تدریس در دانشگاه، همچنان به نمونه برداری و پژوهش درباره نرم تنان ایران ادامه داد. همچنین وی به عضویت واژه‌گزینی فرهنگستان علوم ایران در رشته زیست‌شناسی انتخاب شد. او علاقمند به بکارگیری واژه‌های فارسی سره در کتاب‌های علمی ایران بود و در این مورد پافشاری می‌کرد. دکتر تجلی‌پور عضو انجمن نرم‌تن شناسان اروپا بود و با بررسی نرم تنان آب شیرین ایران، و نرم تنان بنادر و جزایر ایرانی خلیج فارس و دریای عمان، و اجرای یک طرح پژوهشی چهارساله روی نرم تنان دریای خزر، در مجمع نرم تن شناسان اروپا صاحب‌نظر بود. در اجرای طرح پژوهشی دریای خزر، چندین بار از خط ساحلی تا ژرفای دویست متری را نمونه برداری کرد. برای شناسایی و ناگذاری نرم تنان دریای خزر که اغلب ریز هستند، روزانه بیش از ده ساعت با ریزبین (لوپ) کار می‌کرد. حاصل این کار مداوم و چهار ساله شناسایی و معرفی ۱۱ نمونه از نرم تنان برای اولین بار به نرم تن شناسان جهان است. دکتر تجلی‌پور به مردم رنج کشیده و محروم منطقه خلیج فارس و دریای عمان عشق می‌ورزید و احساس دین می‌کرد و آرزو داشت که بتواند با استفاده صحیح اقتصادی از نرم تنان خلیج فارس و دریای عمان، گرهی از مشکلات معیشتی آنان باز کند و امیدشان را به آینده افزایش دهد. دکتر تجلی‌پور در سال ۱۳۵۷ به منظور نزدیک شدن به خلیج فارس و تأسیس دانشکده علوم دریایی به خرمشهر و سپس به دانشگاه جندی شاپور اهواز منتقل گردید. وی تا آخرین روزهای زندگی با سمت دانشیاری در خدمت دانشکده علوم این دانشگاه بود. از اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ به سبب تعطیل شدن کلاسهای درس دانشگاه و در نیمه دو مهمان سال به علت وقوع جنگ، تمام وقت خود را صرف پژوهش و نگارش نمود. آخرین سفر تحقیقاتی او به سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس و دریای عمان از نیمه دوم خردادماه سال ۱۳۶۱، آغاز و در دهه اول تیرماه همان سال پایان یافت. این سفر که مسیر آن از بندر گواتر تا بندر بوشهر ادامه داشت، به منظور جستجوی مراکز انتشار نرم تنان مروراید ساز، توده‌های بزرگ صدف دیگر نرم تنان (برای تولید و استفاده از پودر صدف)، مراکز تجمع نرم‌تن مرکب (جهت استفاده صنعتی) و نرم تنان خوراکی (برای پرورش و صدور به خارج از کشور) صورت پذیرفت. لیکن از این سفر پژوهشی جز چند یادداشت پراکنده چیزی بجا نمانده است، زیرا که در تاریخ سیزدهم تیرماه ۶۱، یک هفته پس از بازگشت از آخرین سفر پژوهشی، در سکوت و تنهایی قلب تپنده او در اهواز از حرکت یاز ایستاد و کتاب زندگی معلمی متعهد و پژوهشگری پرنرزی و خستگی‌ناپذیر به ناگهان بسته شد. او در بهترین دوران باردهی، کارهایش را نیمه تمام گذاشت و چهره در نقاب خاک کشید. آرزوهایش به ثمر نرسید و ناکام شد و جسم بی‌جان‌ش را در قطعه ۹۱ بهشت زهرا به خاک سپردند. یادش گرامی... از آثار اوست:

بررسی تکمیلی سیستماتیک و انتشار نرم‌تنان سواحل ایرانی خلیج فارس (مترجم گلبرگ تجلی‌پور، تهران، ۱۳۷۳)

«دایرة المعارف دانش بشر»

- ترجمه کتاب زندگی در دریا، اثر رنه لژاندر.
- ترجمه کتاب اندازه‌گیری زمان، اثر پروفیسور زاولسکی
- ترجمه کتاب میمون برهنه، اثر دسموند موریس.

- تألیف کتاب «تلاش برای زندگی»
- تألیف کتاب «گیاهان گوشتخوار و عجیب عالم»
- تألیف کتاب «زندگی اجتماعی جانوران»
- چاپ سی و هفت مقاله علمی در شماره‌های مختلف مجله‌ی سخن.
- بررسی جانوران بستر دریای خزر (آستارا - انزلی)، که به وسیله‌ی انجمن علوم و فنون دریایی ایران به چاپ رسیده است.
- کتاب نرم تن‌شناسی (برای دوره‌ی دانشوری دانشکده علوم دریایی)
- کتاب نرم‌تنان مروارید ساز خلیج فارس
- کتاب نرم تنان رودخانه‌ای و آب شیرین ایران. (تصحیح گزارش هیأت علمی اتریشی درباره‌ی نامگذاری نرم تنان ایران)
- ترجمه کتاب «تشریح و کالبد گشایی جانوران، جلد اول بی‌مهرگان (بی‌مهره‌ها)»
- و همچنین مقالات بسیاری در نشریات معتبر فرانسه و ایران را شامل می‌شود.

دکتر جمال‌الدین صدر قدرقدر:
 عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر
 درگذشت به سال ۱۳۷۳

تاریخ تولد: ۱۳۱۷

نام پدر: محمد

تاریخ شروع همکاری با دانشگاه: ۱۳۴۹/۶/۱

مرتبه: استادیار

مدرک و رشته تحصیلی: دکتری علوم ریاضی از دانشگاه بیرمنگام انگلیس

مدت خدمت رسمی در دانشگاه: ۲۳ سال و ۱ ماه و ۳ روز

درباره مرحوم دکتر صدر قدرقدر

به قلم دکتر مهرداد نامداری (عضو هیأت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر)

می‌خواهم به عنوان یک دانشجو یادی کنم از مرحوم دکتر صدر قدرقدر استادی که از سال ۱۳۶۷ با ایشان آشنا شدم و افتخار شاگردیشان را داشتم. دانشجوی رشته مکانیک دانشکده مهندسی بودم که در ترم دوم، درس معادلات دیفرانسیل را که مدرسش دکتر صدر بود، انتخاب کردم. از همان اول دانشجویان قدیمی‌تر به ما هشدار داده بودند که قبول شدن در درس ایشان کار راحتی نیست و احتمال پاس کردن درس برای بار اول بسیار کم است، ولی من چون از همان دوران ابتدایی به دروس ریاضی علاقه داشتم زیاد این هشدارها را جدی نگرفتم. به هر حال ترم شروع شد و جلسه اول در کلاس معادلات آقای دکتر حاضر شدیم. یکی از خصوصیات بسیار خوب ایشان این بود که همان جلسه اول قبل از شروع درس سعی می‌کرد از پیش‌زمینه و توانایی دانشجویان اطلاعات نسبی داشته باشد و به همین دلیل از هر کدام از ما در مورد سنوات تحصیلیمان یا درس‌های ریاضی که گذرانده بودیم و نمره‌های آنها می‌پرسید.

در این میان نوبت به من رسید و از من پرسید که درس ریاضی ۲ را گذراندی؟ من هم گفتم: نه، همین ترم ریاضی ۲ هم دارم. با خنده گفت: خوبه، پس دو سه ترم در خدمتتان هستیم (یعنی این که این درس را نمیتوانی پاس کنی). اون موقع جوان ۱۹ ساله بودم و یک مقدار هم مغرور و بنابراین، این موضوع باعث شد که تحت تأثیر قرار بگیرم و به دکتر ثابت کنم که این اتفاق نمی‌افتد. خلاصه تصمیم گرفتم درس معادلات دکتر صدر را جدی‌تر بگیرم، ولی از شانس بد ما دقیق از همان ترم مصادف شد با کشیده شدن حملات عراق به تهران و تعطیل شدن دانشگاه‌های تهران و این موضوع باعث شد که خیلی از دانشجویهای دانشگاه‌های تهران که خوزستانی بودند به عنوان مهمان در دانشگاه ما ثبت نام کردند و اتفاقاً حدود ۱۰ نفر از این مهمانان در کلاس معادلات دیفرانسیل با ما هم کلاس شدند. خلاصه متوجه شدیم دکتر تصمیم گرفته که اون ترم بیشتر از قبل سخت‌گیری کند. در هر صورت زمان امتحانات میان‌ترم فرا رسید و آقای دکتر هم سخت‌ترین سؤالاتی که امکان داشت، برای امتحان ما طرح کرد. خوشبختانه من از آن امتحان

نمره ۲۰ گرفتم و متأسفانه به جز سه چهار نفر دیگر که نمره‌های بین ۱۰ تا ۱۳ گرفتند، بقیه هم‌کلاسی‌ها نمره کمتر از ۱۰ گرفتند. وقتی که نمره‌ها را اعلام کرده بودند و با چند نفر از دوستانم رفته بودیم دانشکده علوم نمره‌ها را ببینیم من نمره‌ام را دیدم و چون مشکلی نداشتم چیزی نگفتم ولی بقیه دوستانم از دکتر خواستند که برگه‌های امتحانیشان را ببینند. دکتر به من گفت تو چند گرفتی؟ من هم گفتم ۲۰ گرفتم. از پشت میز بلند شد و آمد با من دست داد و گفت آفرین تبریک می‌گویم، خیلی سعی کردم یک اشکال در برگه‌ی تو پیدا کنم ولی متأسفانه نتوانستم. خلاصه این نمره باعث شد که دکتر خیلی روی من حساب باز کند و حتی به من اصرار می‌کرد که تو بیا برو انتقالی بگیر برو دانشگاه تهران خودم هم سعی می‌کنم کمکت کنم. ولی من گفتم که خودم از اول دانشگاه اهواز را انتخاب کردم و دوست ندارم به تهران بروم و گرنه از اول امتیاز لازم برای دانشگاه تهران و شریف را داشتم. چیزی که خیلی دوست دارم اینجا یادآوری کنم وجدان کاری دکتر صدر بود. ایشان با شور و شوق درس می‌داد و هیچوقت از زیر کار در نمی‌رفت. وقتی که مثلاً ساعت ۱۰ تا ۱۲ با ایشان کلاس داشتیم. دقیقاً از ساعت ۱۰ درس را شروع می‌کرد و بیشتر اوقات ساعت دوازده و ده دقیقه درس تمام می‌شد و تازه در همان زمان ایشان بیماری شدید دیابت و خیلی مشکلات دیگر هم داشتند. واقعاً هنوز وقتی به تعهد کاری دکتر فکر می‌کنم می‌بینم که الان این تعهد به امرآموزش در بسیاری از ما بسیار کمرنگ شده و یا اصلاً از بین رفته و فقط دنبال کسب امتیازات غیر واقعی هستیم.

به هر حال دکتر صدر با اینکه به عنوان یکی از استاد‌های خیلی سخت‌گیر مغرور بود ولی سر کلاس بسیار خوش برخورد بود و کلی با بچه‌ها شوخی هم می‌کرد. امیدوارم روحشان شاد باشد.

دکتر ابراهیم آبدانان مهدی‌زاده:
 عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
 در گذشت به سال ۱۳۷۴

دکتر ابراهیم آبدانان مهدی‌زاده به سال ۱۳۲۵ در اهواز متولد شد. وی تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دکتر حسابی همین شهر به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۳ موفق به دریافت دیپلم طبیعی گردید. ایشان در دوره دبیرستان در رشته ورزشی کشتی آموزشی در سطح استان خوزستان دارای مقام اول تا سوم شد. وی در سال ۱۳۵۹ موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبایی (ابوریحان بیرونی سابق) شد و به تدریس در دبیرستان های مسجد سلیمان و اهواز مشغول گردید. وی در سال ۱۳۶۷ در مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز پذیرفته و در سال ۱۳۶۹ دانش آموخته گردید. ایشان در سال ۱۳۷۳ به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول به کار گردید. او در همین سال در مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز پذیرفته شد.

حاصل فعالیت علمی مرحوم دکتر آبدانان، یک کتاب تالیفی با عنوان گزیده حدیقه سنایی از انتشارات دانشگاه و مقالات متعددی می باشد که در مجلات علمی و سمینارها ارائه و به چاپ رسیده است.

ایشان دارای طبع شعر سرایی بود و از وی سروده های بسیاری در قالب های مختلف شعری در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

در مهر ماه ۱۳۷۴ تند باد پاییزی اجل، در زندگی این عارف فرزانه وزید و عاشقانه به دیار باقی شتافت.

دکتر نصرت‌اله صحت نیاکی:
عضو هیئت علمی دانشکده علوم
درگذشت به سال ۱۳۷۶

دکتر نصرت‌اله صحت نیاکی در سال ۱۳۰۱ در شهر آمل متولد و پس از اتمام دوره ابتدایی در دبیرستان کشاورزی کرج ادامه تحصیل داده، سپس با رتبه اول از دانشسرای عالی تهران مدرک لیسانس خود را کسب نمود. وی ابتدا در دبیرستان های اهواز به عنوان دبیر و سپس به عنوان سرپرست دانشسرای اهواز، مشغول به خدمت گردید. از بدو تأسیس دانشکده کشاورزی اهواز، همکاری خود را با آن واحد آغاز نمود و در سال ۱۳۴۳ به فرانسه اعزام و پس از اخذ دکترای بتانیک از دانشگاه علوم دانشگاه تولوز (۱۹۶۶) به عنوان دانشیار در دانشکده کشاورزی ملاثانی به خدمت مشغول گشت. وی با درجه استادی به دانشکده علوم اهواز منتقل و در سال ۱۳۶۰ با ۳۴ سال خدمت بازنشسته گردید. ولی همچنان به همکاری خویش با آن دانشگاه ادامه داده و در سال ۱۳۷۵ به عنوان استاد نمونه انتخاب گردید. از دستاوردهای ایشان در طول خدمت، می‌توان به ایجاد باغ بتانیک و ایجاد آزمایشگاه گیاه‌شناسی اشاره نمود. از تألیفات ایشان، می‌توان به گیاهان گوشتخوار، علفهای خودرو و هرزه مزارع و زمینهای خوزستان، پوشش گیاهی علوفه ایران در هر بار یوم کیولندن و گیاهان کشاورزی ایران اشاره نمود. البته قابل به ذکر است که، کتاب گیاهان دارویی ایران به علت فوت ایشان در سال ۱۳۷۶ نیمه کاره مانده که توسط همسر ایشان به کتابخانه دانشگاه اهواز تحویل داده شده است.

دکتر فروغ الزمان محمدی خالصی فر:
 عضو هیئت علمی گروه شیمی
 درگذشت به سال ۱۳۷۸

خانم دکتر فروغ الزمان محمدی خالصی فر در سال ۱۳۳۸ در شیراز متولد گردید. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در مدارس شیراز به اتمام رساند. ایشان در مهرماه ۱۳۶۱ در مقطع کارشناسی شیمی گرایش محض در دانشگاه شیراز پذیرفته و در تیرماه ۱۳۶۴ این مقطع را با موفقیت به پایان رساندند. با پذیرفته شدن در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز در مهرماه سال ۱۳۶۵، پروژه خود را تحت نظارت دکتر علی حیدر پاکبازی در زمینه شیمی کوانتوم شروع و در تیرماه سال ۱۳۶۸ به اتمام رسانید. ایشان در همان سال با پذیرفته شدن در مقطع دکتری در دانشگاه شیراز، پایان نامه خود را با راهنمایی دکتر علی حیدر پاکبازی در زمینه محاسبات آغازین با روش FSGO انجام داده و در شهریور ماه سال ۱۳۷۳ از پروژه خود با نمره عالی دفاع نمودند. خانم دکتر محمدی از نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۳-۱۳۷۴ همکاری خود را با دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز نمودند و طی ۵ سال بعنوان عضو هیأت علمی گرایش شیمی فیزیک به این همکاری ادامه دادند و در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۱۱ در اثر سانحه تلخ تصادف امکان همکاری بیشتر ایشان با گروه شیمی متوقف گردید.

دکتر سید کمال الدین نجفی:
عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
در گذشت به سال ۱۳۷۸

دکتر سید کمال الدین نجفی، استادیار گروه مشاوره، در سال ۱۳۰۵ در شیراز متولد شد. مدرک کارشناسی ارشد در رشته تعلیم و تربیت و مدرک دکترای خود را در رشته آموزش و پرورش از دانشگاه ایالتی می سی سی پی آمریکا دریافت نمود. ایشان از سال ۱۳۵۵ همکاری خود را به عنوان کارشناس معاونت دانشجویی در دانشگاه جندی شاپور شروع کرد. در سال ۱۳۵۸ به عضویت هیئت علمی دانشگاه در آمد. همکاری وی تا ۱۳۷۸ با این گروه ادامه داشت که ناگاه بر اثر ایست قلبی دار فانی را وداع گفتند.

مرحوم دکتر فریدون مهرجو:
عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی
درگذشت به سال ۱۳۷۹

مرحوم دکتر فریدون مهرجو در مرداد ۱۳۴۴ در کوهدشت لرستان به دنیا آمد، دکترای حرفه ای دامپزشکی و تخصصی جراحی خود را در دانشگاه تهران با درجه ممتاز به اتمام رساند و در سال ۱۳۷۵ به عنوان هیئت علمی تمام وقت گروه علوم درمانگاهی در بخش جراحی دانشکده دامپزشکی به تدریس مشغول به خدمت شد. آن مرحوم از اساتید بسیار پرتلاش و کوشا در زمینه آموزشی و پژوهشی بود که متأسفانه در سال ۱۳۷۹ در سانحه تصادف اتوموبیل به رحمت ایزدی پیوست و دانشگاه از وجود ارزشمند این استاد فقید محروم گردید.

دکتر امین تلوری: درگذشت به سال ۱۳۷۹

در سال ۱۳۳۷ در شهر آبادان، نخل‌های سر به فلک کشیده متولد شد. دوران کودکی را در زادگاهش سپری کرد. سال ۵۵ دیپلم گرفت و بهمن ماه همان سال دانشجوی رشته کشاورزی دانشگاه ملائانی شد. در این دوران به سازماندهی و شرکت در راهپیمایی مردمی اقدام نمود. چیزی نگذشت که زنجیر ساواک رژیم پهلوی را به جرم رهبری تظاهرات مردمی کوی انقلاب اهواز، بر دستان خود لمس کرد و با عشق به امام خمینی زندان را بر آزادی ترجیح داد. ایشان با عضویت در انجمن اسلامی دانشگاه نقش مؤثری در چاپ اعلامیه‌های امام داشت. سال ۵۸ بعد از پیروزی انقلاب، عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی شد. او امور پرورشی مسجد جامع و کارهای فرهنگی جوانان را انجام می‌داد. در همان سالها که معلم بود با تأسیس جهاد دانشگاهی شروع به فعالیت کرد. سال ۵۹، ایشان گام در مسیری بالاتر نهاد و با مبارزه ایدئولوژیکی با جریان‌های انحرافی و مارکسیستی در جهت تقویت خط فکری امام خمینی (ره) پرداخت و بعد از سالها انتظار در سال ۵۹ به دیدار امام خمینی رسید و خطبه‌ی عقده‌ش را امام خمینی خواندند. در شروع جنگ به جبهه رفت و مسئولیت تدارکات سپاه دشت آزادگان و بعد هم فرماندهی سپاه پاسداران به وی سپرده شد. طی سالهای گذشته در کنار تحصیل مسئولیت‌های مختلفی هم داشت. در سال ۷۳ معاونت اداری مالی دانشگاه رامین را داشت، بعد از مدتی که عملکرد بسیار مثبتی داشت. قائم مقام مدیر عامل شرکت آب و خاک وزارت کشاورزی شد. سال ۵۷ مشاور مالی شرکت توسعه نیشکر، شرکت توسعه عمران خوزستان - قائم مقام شرکت بذر استقلال - شرکت شیلات جهاد را بر عهده گرفت.

مرحوم تلوری گامی فراتر را نیز برداشت و در سال ۷۹ با حکم دکتر معین وزیر علوم به عضویت کمیته اجرایی فرهنگستان علوم کشورهای جهان سوم بعنوان قائم مقام کمیته انتخاب شدند. تا اینکه در روز یکشنبه ۷۹/۹/۲۰ در یک روز بارانی به عنوان ریاست دانشگاه رامین معرفی شدند. در یک صبحدم دیگر و بارانی همان روز یکشنبه که قرار بود جلسه معارفه باشد در ۶ کیلومتری روستای ملائانی بر اثر سانحه تصادف چشم از دنیا فروبست و دارفانی را شهادت گونه وداع گفت و شمع وجود این قهرمان خاموش شد.

با خاطرات دکتر

حضرت آیت‌الله موسوی جزایری: اینجانب آشنایی کاملی با خانواده دکتر تلوری داشتم. با این خانواده گرمی از اوایل انقلاب شناخت داشتم. مرحوم دکتر، فردی سلیم‌النفس و متدین بودند و احساس می‌کردم که جناح‌های مختلف با ایده‌های سیاسی متفاوت از ایشان راضی بودند و این به لحاظ اخلاص و صفای نفس ایشان بود. دکتر از نیروهایی بودند که برای پیروزی انقلاب خیلی زحمت کشیدند و زندان رفتند و بعد از انقلاب نیز در کارهای اجرایی بسیار زحمت کشید و نتایج آن عیناً مشاهده می‌شود. دکتر در رابطه با کارش عاشقانه مسئولیت‌پذیر بودند و به دانشجو ارج

و احترام می-گذاشت به طوری که در مسائل شخصی دانشجویانش یا کارمندانش راهنمای خوبی بود.

به گفته یکی از دوستانش یک شب دکتر به من زنگ زد و گفت بیا تا با هم به جایی برویم من چون موتور داشتم به من گفت خورجین هم بیاور به دنبال دکتر رفتم مقداری خرید کرده بود، گوشت و میوه و حبوبات، آنها را در خورجین گذاشته به محله قدیمی و دور از دانشکده به منزل شخصی رسیدیم که دانشجوی آنجا بود و به من گفت تا من صحبت می‌کنم تو بررسی کن ببین چی کم دارند. وقتی رسیدیم به اتاق دیدم دست دکتر در جیب دانشجوی بود فکر کنم مقداری پول در جیبش گذاشت، کمبودها را به دکتر گفتم از جمله بخاری، آبگرمکن و تعدادی پتو، فردای همان روز خریداری کردند و من برای آنها بردم. بله دکتر با توجه به حجم زیاد کاریش کاملاً متوجه مشکلات دانشجویانش بود.

در مورد مرگ کارگزارانش خودش مستقیم وارد مشکلات می‌شد به آنها رسیدگی می‌کردند به حدی خدمات رساندن دکتر به اهالی آنجا زیاد بود که عنوان کردن آن خیلی وقت می‌خواهد.

فرازی از وصیت‌نامه

خدایا!

نمی‌دانم زمان تسلیم شدن فرمان حق کی فرا می‌رسد. اما این را می‌دانم از وقتی که ترا شناختم تنها پناهگاهم تو بودی و با تو معنا پیدا کردیم و تلاشم بر این است که در راه رضای تو گام بردارم. خدایا! امیدم به فضل و کرم تو می‌باشد تو رحمان و کریم و غفوری و من بنده گناهکارم.

خدایا! مگر به ما یاد ندادند که تکلیف کسب رضای خداست؟ تکلیف انجام وظایف بر اساس موازین الهی می‌باشد؟ تکلیف گفتن حق است. اگر به قیمت از دست دادن جان مادی تمام شود؟ پس چرا اکثریت دنبال کسب رضای افراد خاکی هستیم؟ چرا قدرتهای انسانی جایگزین قدرت الهی شده.

خدایا!

بمانم یا بروم؟ بروم تا آسوده شوم؟ بروم تا شاهد مرگ ارزشها و اصول اخلاقی و شرعی نباشم؟ یا بروم تا در رفتن خود از رکود و جمود رهایی یابم؟

دکتر عبدالمحمد شبیانی: عضو هیئت علمی گروه مهندسی برق درگذشت به سال ۱۳۸۳

مرحوم دکتر عبدالمحمد شبیانی در سال ۱۳۲۸ در اهواز و در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در مدرسه ملی معرفت اهواز و دوره متوسطه را در دبیرستان های هدف اهواز و تهران به اتمام رساند و در سال ۱۳۵۰ همزمان در رشته فیزیک دانشگاه های صنعتی شریف تهران و شهید چمران اهواز پذیرفته شد ولی ترجیح داد که در اهواز مشغول تحصیل شود. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیلات در سال ۱۳۵۵ به دانشگاه نورث‌ووپ آمریکا رفت و مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته الکترونیک اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران، در سال ۱۳۶۱ علیرغم شرایط جنگی در خوزستان و اهواز، برای انجام وظیفه و خدمت به جوانان کشور به عنوان عضو هیئت علمی گروه مهندسی برق دانشکده مهندسی با مرتبه مربی مشغول به کار شد. اگر چه در آن سال ها دانشگاه ها تعطیل بودند ولی با تلاشی خستگی ناپذیر برای راه اندازی مجدد گروه مهندسی برق و دانشکده مهندسی با همراهی سایر همکارانش بی وقفه تلاش کرد. با بازگشایی دانشگاه ها و پذیرش دانشجویان قبلی و جدید، علاوه بر اداره گروه مهندسی برق در اداره سایر امور دانشگاه نیز مشارکت فعال داشت. در سال ۱۳۶۶ با اخذ بورس تحصیلی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای تکمیل تحصیلات عالی به دانشگاه منچستر (UMIST) رفت و رساله خود را در زمینه پردازش تصویر در دپارتمان الکترونیک و ابزار دقیق به اتمام رساند. مرحوم دکتر شبیانی در سال ۱۳۷۰ به میهن اسلامی بازگشت و در گروه مهندسی برق دانشگاه شهید چمران به تربیت و آموزش جوانان علاقمند مشغول شد. در کنار خدمات آموزشی و تربیت دانشجویان، همیشه با تلاشی خستگی ناپذیر یار و یاور مدیران دانشگاه بود و از هیچ کمکی دریغ نمی کرد.

مسئولیت پذیری در شرایط سخت و حسن اعتماد مدیران دانشگاه و وزارت متبوع به او، کارنامه درخشانی از خدمات مرحوم دکتر شبیانی به یادگار گذاشته که نمونه ای از آن به شرح زیر است:

- ۱- مدیر گروه مهندسی برق دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۲- مدیر کل امور اداری دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۳- مدیر کل خدمات آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۴- معاون آموزشی دانشکده مهندسی دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۵- سرپرست دانشکده مهندسی دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۶- عضو هیئت علمی انجمن مهندسين برق و الکترونیک - شاخه خوزستان
- ۷- ریاست دانشگاه پیام نور منطقه هفت کشور (خوزستان، لرستان، ایلام)
- ۸- ریاست دانشگاه کردستان

روحیه جهادی و تلاشگر مرحوم دکتر شبیانی همراه با تخصص و تعهد و مردم داری از او شخصیتی محبوب و مورد علاقه احترام تمامی دانشگاهیان، همکاران و دوستانش ساخته بود که بعد از گذشت سال ها از هجرتش الی الله، یاد و خاطره اش در دلها همچنان زنده است. مرحوم



دکتر شیبانی در زمان تصدی دانشگاه کردستان برای پیگیری و انجام امور دانشگاه به تهران سفر کرده بود که در تاریخ ۸۳/۱۰/۶ در راه بازگشت به سنندج اتوموبیلش دچار حادثه شد و جان به جان آفرین تسلیم و جامعه دانشگاهیان را داغدار کرد. مزار آن مرحوم در قطعه ۵ بهشت آباد اهواز واقع است.

دکتر جواد میدانی:
عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی
درگذشت به سال ۱۳۸۷

دکتر جواد میدانی به سال ۱۳۲۱ شمسی در کاشان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی گوهرمراد کاشان در سال ۱۳۳۳ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان محمودیه همین شهر به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۹ موفق به دریافت دیپلم در رشته طبیعی گردید. ایشان مقطع کارشناسی را در دانشکده علوم دانشگاه تهران در رشته شیمی در سال ۱۳۴۳ و مقطع کارشناسی ارشد را در همان دانشکده و دانشگاه در رشته شیمی در سال ۱۳۴۵ و مقطع دکتری را در دانشگاه ماساچوست در شهر امهرست آمریکا در رشته علوم غذایی و تغذیه در سال ۱۳۵۳ به پایان رسانید.

دکتر میدانی در فروردین ۱۳۵۵ از دانشگاه فردوسی مشهد به دانشگاه جندی شاپور اهواز منتقل و با مرتبه استادیاری به خدمت مشغول گردید. ایشان در سال ۱۳۵۸ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافت.

در زمینه علمی و پژوهشی، مؤلف ۳ جلد کتاب فارسی چاپ شده و مترجم ۵ جلد کتاب به شرح زیر و چندین مقاله و خلاصه مقاله چاپ شده به زبان های فارسی و انگلیسی است.

۱- اصول تبدیل و نگهداری محصولات کشاورزی. تالیف

۲- فرهنگ علوم غذایی و تغذیه (۴ جلد). تالیف

۳- فیزیولوژی بعد از برداشت. تالیف

۴- بهترین کلیدهای تغذیه برای کودک و نوجوان. ترجمه

۵- آمادگی برای زایمان و نگهداری از نوزاد. ترجمه

۶- اصول پراسسینگ مواد غذایی. ترجمه

۷- شیر مادر. ترجمه

۸- فرزند دوم و پیامدها. ترجمه

دکتر میدانی چند طرح پژوهشی نیز به انجام رسانید.

مسئولیت و سمت های اجرایی ایشان عبارت بودند از: عضو کمیته آموزشی دانشکده کشاورزی، مدیر گروه علوم غذایی، معاونت آموزشی دانشگاه شهید چمران، عضو هیئت تحریریه مجله علمی دانشکده کشاورزی، عضو هیئت ممیزه دانشگاه شهید چمران، عضو کمیته منتخب دانشکده کشاورزی، عضو کمیته تخصصی گروه کشاورزی. دکتر میدانی به سال ۸۳ به بازنشستگی نائل آمدند.

دکتر جمال حقیقی:
 عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
 درگذشت به سال ۱۳۸۷

دکتر جمال حقیقی در بهمن سال ۱۳۱۹ در شهرستان مبارکه (اصفهان) متولد شد. تحصیلات دوره ابتدائی را در دبستان برزگران شهرستان مبارکه (اصفهان) در سال ۱۳۳۲، تحصیلات دوره اول متوسطه را در دبیرستان فاضل مبارکه (اصفهان) در سال ۱۳۳۵ و تحصیلات دوره دوم متوسطه را در دبیرستان ادب شهرستان اصفهان در سال ۱۳۳۸ به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبی گردید. تحصیلات دوره کاردانی را در مرکز تربیت معلم اصفهان در سال ۱۳۳۹، تحصیلات دوره کارشناسی را در دانشگاه اصفهان در رشته فلسفه و علوم تربیتی در سال ۱۳۴۳، تحصیلات کارشناسی ارشد را در مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران در رشته روانشناسی در سال ۱۳۴۷ و تحصیلات دوره دکترا را در دانشگاه جورجیا واقع در شهر آتنز ایالت جورجیا کشور ایالات متحده آمریکا در رشته روانشناسی در سال ۱۳۵۵ به پایان رسانید. دکتر حقیقی در مهر ۱۳۵۵ با مرتبه استادیاری در دانشگاه جندی شاپور در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشغول به خدمت گردید و در مهر ۱۳۸۱ به مرتبه دانشیاری ارتقاء یافت.

همسر شادروان دکتر حقیقی خانم زهره پورغلامی و دارای یک فرزند دختر به نام انیس می باشند.

افتخارات

دانش آموز برگزیده دبیرستان در مسابقات علمی آموزش و پرورش اصفهان و دریافت جایزه در سال ۱۳۳۷، احراز رتبه اول در میان ۸۱ نفر دانشجویان مرکز تربیت معلم اصفهان و دریافت جایزه در سال ۱۳۳۹، احراز رتبه اول لیسانس فلسفه و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۳ در میان ۸۶ نفر دانشجویان دانشگاه اصفهان، دانشجوی ممتاز دوره کارشناسی ارشد مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دریافت تقدیرنامه از دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان پژوهشگر نمونه در سال ۱۳۸۳

جمله ماندگار

اگرما معلمان به راستی می خواهیم به فرزندان این مرز و بوم خدمت کنیم، باید از ترغیب آنان نسبت به شناخت و کاربرد فرآیند تفکر، کاوشگری و خلاقیت غفلت نورزیم.

دکتر احمدعلی پاپهن:
عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی
درگذشت به سال ۱۳۸۸

مرحوم دکتر احمدعلی پاپهن در فروردین ماه ۱۳۳۷ در شهرستان شوشتر به دنیا آمد. بعد از اخذ دیپلم تجربی در این شهرستان و قبولی در کنکور سراسری و ادامه تحصیل در مقطع دکترای حرفه ای دامپزشکی دانشگاه شیراز، در سال ۱۳۶۳ موفق به اخذ مدرک دکترای حرفه ای دامپزشکی از آن دانشگاه شد. ایشان با توجه به نیاز دانشگاه شهید چمران اهواز در آن مقطع و علاقه خود به خدمت در استان خوزستان به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول به خدمت شد و بسیاری از مسئولان دانشگاه و دانشکده در ادوار مختلف از شاگردان آن مرحوم بوده اند. ایشان در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ دکتری تخصصی خود در رشته فیزیولوژی از دانشگاه شیراز شد. زنده یاد مرحوم دکتر پاپهن از اساتید ارجمند و گرانقدر دانشکده دامپزشکی بود و بخش عمده ای از سالهای عمر پر بار خویش را به تربیت دانشجویان و دستیاران پرداخت و همیشه به عنوان الگویی برای همکاران و دانشجویان بود. ایشان در بهمن ماه ۱۳۸۸ بر اثر سکته قلبی به رحمت ایزدی پیوست. دکتر پاپهن بعنوان معاون آموزشی دانشکده و مدیر گروه علوم پایه دارای مسئولیت بوده‌اند.

دکتر عباس سلمی:
استاد گروه زبان و ادبیات فارسی
درگذشت به سال ۱۳۸۹

استاد زنده یاد دکتر عباس سلمی در سال ۱۳۱۹ شمسی در شهرستان بیرجند متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان فردوسی شهرستان فردوس در سال ۱۳۳۲ و تحصیلات سیکل اول متوسطه را در دبیرستان فردوسی همان شهر در سال ۱۳۳۵ و تحصیلات سیکل دوم متوسطه را در دانشسرای مقدماتی بیرجند به پایان برد و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ دیپلم متوسطه گردید. دکتر سلمی دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۴۲ از دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، دوره کارشناسی ارشد را در رشته زبان‌شناسی عمومی و زبان های باستانی در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران و دوره دکترای رشته فرهنگ و زبان های باستانی را در سال ۱۳۵۶ از همان دانشگاه اخذ نمود.

عنوان پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد ایشان بررسی خورشید نیایش و عنوان پایان نامه مقطع دکترای آن مرحوم بررسی تشریح اوستا است.

زنده یاد دکتر سلمی با مرتبه مربی در سال ۱۳۵۳ شمسی در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه جندی شاپور مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۵۶ به مرتبه استادیاری، در سال ۱۳۶۸ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۷۹ به مرتبه استادی نائل گردید.

شادروان دکتر سلمی پس از عمری تدریس و بر عهده داشتن سال ها مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی و عضویت در کمیته های علمی و پژوهشی مختلف، در سال ۱۳۸۰ به افتخار بازنشستگی نائل آمد. دکتر سلمی در سال ۱۳۸۹ در تهران درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از ایشان سه فرزند (یک دختر و دو پسر) به یادگار مانده است.

دکتر محمدتقی خلوصی:
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز
درگذشت به سال ۱۳۸۹

زنده یاد دکتر محمدتقی خلوصی به سال ۱۳۳۴ در شهرستان گناباد خراسان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را به سال ۱۳۴۶ به دبستان رضوی روستای بیمرغ این شهرستان به پایان رساند و تحصیلات متوسطه را به سال ۱۳۵۳ در دبیرستان ناصر خسرو گناباد به پایان برد. زنده یاد دکتر خلوصی در دو رشته ی تجربی و ادبی موفق به اخذ دیپلم شده بود. وی در سال ۱۳۵۶ در دانشگاه تربیت معلم تهران در رشته ی زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل شد که با وقوع انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه ها، این دوره تا سال ۱۳۶۴ ادامه پیدا کرد. زنده یاد دکتر خلوصی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران در سال ۱۳۷۱ به پایان برد که موضوع پایان نامه ی ایشان تصحیح و تحشیه ی زبده الاشعار قاسمی گنابادی از شاعران سده ی دهم هجری به راهنمایی زنده یاد استاد دکتر نورانی وصال بود. دکتر خلوصی با مرتبه ی مربی از مهر ۱۳۷۱ به استخدام دانشگاه شهید چمران اهواز درآمد و در گروه زبان و ادبیات فارسی مشغول به تدریس شد.

آن مرحوم دوره ی دکتری خود را در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه شهید چمران به پایان برد و موضوع پایان نامه ی ایشان تصحیح انتقادی دیوان ارزقی هروی بود.

دکتر سید هدایت الله رشیدی:
 عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی
 درگذشت به سال ۱۳۹۰

دکتر سید هدایت الله رشیدی در سال ۱۳۲۴ متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در ۱۳۳۵ سال در بهبهان و تحصیلات متوسطه را در اهواز به پایان رساند و در ۱۳۴۳ موفق به اخذ دیپلم گردید. وی دوره دکترای دامپزشکی را در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه تهران و دوره دکترای تخصصی آناتومی را در ۱۳۵۸ از دانشگاه کالیفرنیا در شهر دیویس ایالت کالیفرنیا آمریکا به پایان رسانید. دکتر رشیدی در ۱۳۵۳ با مرتبه مربی در دانشکده کشاورزی مشغول به خدمت گردید و در سال ۱۳۵۷ به مرتبه استادیاری و در ۱۳۷۳ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافت. ایشان برای چند دوره ریاست دانشکده دامپزشکی، ریاست مجتمع عالی آموزشی رامین و مدیر گروه علوم پایه دانشکده دامپزشکی را بر عهده داشته است. وی بنا به درخواست خود در سال ۱۳۸۳ به بازنشستگی نایل گردید و در ۱۳۸۷ بر اثر عارضه قلبی به رحمت ایزدی پیوست.

دکتر محمود بینا:

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی علوم آب
درگذشت به سال ۱۳۹۱

محمود بینا فرزند عبدالرحیم در سال ۱۳۲۱ در شهرستان دزفول به دنیا آمد و دوران کودکی را در دزفول و در محله لب خندق گذراند. وی دوره ابتدایی را در دبستان کاشف و کلاس‌های هفتم تا نهم متوسطه را در دبیرستان قطب این شهرستان به پایان رسانید. سپس با قبولی در آزمون ورودی دانشسرای کشاورزی اهواز، در سال ۱۳۴۰ این دوره را به اتمام رسانید. از آنجایی که او در میان دانش‌آموختگان، رتبه اول را به دست آورده بود موفق به دریافت دیپلم شد و با استفاده از بورسیه تحصیلی در مقطع کارشناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی شاپور به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۵ آن را به پایان رسانید. پس از اتمام دوره خدمت وظیفه، در سال ۱۳۵۱ برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت کرد و در سال ۱۳۵۴ پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد ناپیوسته از دانشگاه ایالتی ایووا به استخدام دانشگاه جندی شاپور درآمد. ایشان در سال ۱۳۷۰ برای ادامه تحصیل به استرالیا رفت و با دریافت مدرک دکتری در سازه‌های هیدرولیکی از دانشگاه ایالتی نیوسات ویلز در سال ۱۳۷۶ به ایران بازگشت. همسر ایشان خانم فاطمه فرخ‌فر از دبیران دبیرستان‌های دزفول و اهواز بوده است. آنان دارای دو فرزند دختر و یک فرزند پسر هستند. دکتر محمود بینا در سال ۱۳۸۸ به دلیل بیماری قلبی بازنشسته شد، و در یازدهم خردادماه سال ۱۳۹۱ دعوت حق را لبیک گفت.

* افتخارات و سمت‌های اداری و مدیریتی دکتر محمود بینا:

- اخذ عنوان استاد نمونه دانشگاه شهیدچمران اهواز در سال ۱۳۸۵
- اخذ عنوان پیشکسوت نمونه در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ از سوی انجمن هیدرولیک ایران
- ریاست دانشکده کشاورزی در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶
- کارشناسی آب در شرکت بین‌المللی هاووا در اهواز (مشاور شبکه‌آبیاری و زهکشی حوضه کارون و هارون)
- کارشناس فضای سبز در دفتر مهندسی استانداری ایلام
- رئیس دفتر مهندسی دانشگاه
- دستیار تحقیق در دانشگاه ایالتی آیووا (ISU) و UNSW
- رئیس دفتر مهندسی استانداری ایلام
- مدیر گروه آبیاری در سه دوره در دانشگاه
- معاون دانشکده کشاورزی به مدت دو دوره
- رئیس دانشکده کشاورزی به مدت یک دوره
- نماینده دانشگاه در کمیته برنامه‌ریزی استانداری
- عضو هیأت تحریریه مجله علمی و پژوهشی دانشکده کشاورزی بمدت ۷ سال
- داوری مجله علمی و پژوهشی بیش از ۱۰ مجله در سطح ایران
- ایفای نقش در تشکیل جهاد سازندگی استان خوزستان
- تدریس بیش از ۲۵ درس در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های آبیاری، عمران، سازه‌های آبی، مهندسی رودخانه و ...

دکتر مجید بهزاد:

عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی علوم آب
درگذشت به سال ۱۳۹۱

دکتر مجید بهزاد در سال ۱۳۲۶ در شهرستان بروجرد متولد شد. تحصیلات دوره ابتدائی را در دبستان ۱۵ بهمن بروجرد در سال ۱۳۴۱، تحصیلات مقطع‌های اول و دوم متوسطه را در دبیرستان محمدرضا شاه به ترتیب در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۷ به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته طبیعی گردید. تحصیلات دوره کارشناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی‌شاپور را در رشته مهندسی کشاورزی گرایش آب و خاک در سال ۱۳۵۱، تحصیلات دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته را در سال ۱۳۵۹ در بخش مهندسی زراعی و زیست در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی واقع در شهر رالی کشور ایالات متحده آمریکا و تحصیلات دوره دکترا را در رشته آبیاری و زهکشی در دانشگاه تربیت مدرس تهران در سال ۱۳۷۵ به پایان رسانید. عنوان پایان نامه دوره دکترای ایشان «مطالعه اثر محیط خیس شده بر نفوذ آب در جویچه‌ها» است.

دکتر بهزاد در سال ۱۳۵۳ با عنوان کارشناس در دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی‌شاپور مشغول به خدمت گردید و در آبان ۱۳۶۰ به مرتبه مربی، در بهمن ۱۳۷۵ به مرتبه استادیاری و در تیر ۱۳۸۱ به مرتبه دانشیاری ارتقاء یافتند.

او مدرس و محقق در زمینه سیستم‌های آبیاری تحت فشار و روابط آب و خاک بود. وی در طول زندگی خود، مقالات بسیاری در مجلات معتبر علمی داخلی و خارجی به چاپ رسانید و به عنوان استاد راهنما در رساله‌های دکترا و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد حضور داشت. همچنین طرح‌های تحقیقاتی نیز در منطقه ملاتانی اهواز به انجام رسانید. وی سوابق اجرایی ارزنده‌ای نیز داشته و در طول زندگی خویش خدمات بسیاری در زمینه پیشرفت روابط آب و خاک ارائه نموده است. از آخرین مقالات وی (با همکاری مهندس سیده فاطمه اشرفی) می‌توان به کاربرد آب مغناطیسی در کشاورزی، اولین همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی پایدار، بررسی اثرات میدان مغناطیسی بر حرکت کاتیون-ها در خاک و *The study of Improvement of Dispersive Soil Using Magnetic Field* اشاره نمود.

دکتر بهزاد در سال ۱۳۹۰ با درجه استادی از دانشکده مهندسی علوم آب دانشگاه شهید چمران اهواز به افتخار بازنشستگی نائل آمد. این استاد بزرگوار روز دوشنبه، ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۱ درگذشت و در زادگاهش در بروجرد به خاک سپرده شد. همسر دکتر بهزاد خانم معصومه منیری و دارای ۲ فرزند پسر (به نامهای محمد و مسعود) و یک فرزند دختر (به نام نرگس) است. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

دکتر لطفعلی شجاعی مقدم:
عضو هیئت علمی گروه زیست‌شناسی
درگذشت به سال ۱۳۹۱

مرحوم لطفعلی شجاعی مقدم در سال ۱۳۲۳ در شهرستان هندیجان (استان خوزستان) متولد شده است. تحصیلات ابتدایی را در دبستان شوکت هندیجان در سال ۱۳۳۰، تحصیلات دوره اول و دوم متوسطه را در دبیرستان هدف تهران در سال ۱۳۴۷، به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته طبیعی گردید. تحصیلات دوره کارشناسی رشته زیست‌شناسی را در دانشگاه میشیگان در شهر آن آربر کشور ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱م) و تحصیلات دوره کارشناسی ارشد را در رشته زیست‌شناسی سلولی - ملکولی در همین دانشگاه و کشور در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴م) به پایان رسانید.

عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد ایشان:

Cytological effects of eluphenazine on barley cells می باشد.

دکتر شجاعی مقدم در دی ۱۳۵۴ به عنوان مربی در دانشگاه جندی شاپور مشغول به خدمت گردید. ایشان مترجم ۲ کتاب چاپ شده به زبان فارسی و مولف ۳ مقاله کامل چاپ شده به زبان های فارسی و انگلیسی در مجلات و ۴ مقاله کامل چاپ شده به زبان های فارسی و انگلیسی در مجموعه مقالات همایش ها می باشد.

دکتر شجاعی مقدم نماینده بخش زیست‌شناسی در کمیته تعیین سرفصل های دروس زیست‌شناسی، عضو کمیته تخصصی ستاد انقلاب فرهنگی از طرف دانشگاه جندی شاپور از مهر ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۰ و عضو شورای مدیریت دانشکده علوم در سال ۱۳۵۸ بوده است. ایشان به خاطر برقراری آزمایشگاه های فیزیولوژی جانوری در بخش زیست‌شناسی از طرف مدیر گروه زیست‌شناسی در سال ۱۳۵۵ مورد تقدیر قرار گرفته است. همچنین به خاطر برگزاری کلاس بازآموزی زیست‌شناسی برای دبیران شهرستان اهواز از طرف اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان در سال ۱۳۷۶ مورد تقدیر واقع شده است. ایشان به دلیل پیشکسوت بودن در پژوهش و تحقیق در زمینه سلولی ملکولی در آذر ۱۳۸۰ توسط معاون آموزشی دانشگاه شهید چمران مورد تقدیر قرار گرفته است.

فعالیت های اجرایی:

- عضو شورای بزرگداشت پنجاهمین سالگرد دانشگاه
- ماموریت در ستاد انقلاب فرهنگی در تهران ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰
- راه اندازی آزمایشگاه های فیزیولوژی و زیست‌شناسی مولکولی
- همکاری با آموزش و پرورش استان در بازآموزی دبیران و ارائه سمینارهای آموزشی برای

دبیران

دکتر محمد صادق نجفی:
رئیس اسبق دانشگاه
درگذشت به سال ۱۳۹۳

شادروان دکتر محمدصادق نجفی متولد ۱۳۲۵ در شهرستان اهواز، عضو هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان بود. ایشان تحصیلات مقطع کارشناسی را در دانشگاه شیراز و تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده کشاورزی کرج با کسب رتبه اول به پایان رسانید. وی در سال ۱۳۵۵ به استخدام دانشگاه رامین در آمد. مدرک دکتری خود را در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در رشته ژنتیک گیاهی دریافت نمود. ایشان در سال ۱۳۸۷ به بازنشستگی نائل شدند و در سال ۱۳۹۳ چشم از دنیا بستند. مرحوم دکترنجفی به همراه مردم شریف ایران در مبارزات انقلابی بر علیه رژیم ستم‌شاهی مشارکت فعل داشت و همچنین به مدت چندین ماه از طرف ساواک تحت تعقیب قرار گرفت. با تأسیس کمیته انقلاب اسلامی، ایشان به مدت دو ماه در این کمیته عضویت داشت و همچنین به مدت ۱۶ ماه به عنوان دبیر هیئت واگذاری زمین‌های استان خوزستان فعالیت نمود. او با شروع جنگ تحمیلی به عنوان رزمنده، بارها و بارها به جبهه‌های جنگ شتافت و از خاک ایران اسلامی دفاع نمود؛ و مدال پرافتخار جانبازی را زینت‌بخش رشادت‌های خویش کرد. ایشان در طی این سال‌ها مسئولیت‌های اجرایی متعددی در حوزه‌های مختلف داشتند که از میان آن‌ها می‌توان به ریاست دانشگاه شهید چمران اهواز به مدت ۴ سال، مدیر کل کشاورزی استان خوزستان به مدت ۸ ماه و مدیر گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان به مدت ۲ سال اشاره نمود.

دکتر قدرت اله فتحی:
 عضو هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین (اهواز)
 درگذشت به سال ۱۳۹۳

دکتر قدرت اله فتحی در سال ۱۳۳۹ در شهرستان بهبهان متولد شد. تحصیلات دوره ابتدائی را در دبستان دهخدا بهبهان در سال ۱۳۵۱، تحصیلات دوره اول متوسطه را در مدرسه راهنمایی شاپور در سال ۱۳۵۳ و تحصیلات دوره دوم متوسطه را در دبیرستان مطهری بهبهان در سال ۱۳۵۸ به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته علوم تجربی گردید. در همان سال تحصیلات دوره کارشناسی را در رشته زراعت و اصلاح نباتات در دانشگاه جندی شاپور آغاز نمود و با احراز رتبه دوم این مقطع را به پایان رسانید. مقطع کارشناسی ارشد را نیز با احراز رتبه اول در دانشگا تربیت مدرس تهران در سال ۱۳۶۷ به پایان رسانید و از همان زمان بورسیه وزارت علوم به عنوان عضو هیأت علمی شد. سپس در دانشگاه شهید چمران اهواز واحد مجتمع عالی کشاورزی رامین به عنوان هیأت علمی مشغول به خدمت گردید. پس از یکسال برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری رشته فیزیولوژی گیاهان زراعی به صورت بورسیه به استرالیا، دانشگاه آدلاید رفت و در یک دوره ۴ ساله درس خود را در این مقاطع به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل به دانشگاه شهید چمران اهواز برگشت و از سال ۱۳۷۳ با مرتبه استادیاری مشغول فعالیت آموزشی پژوهشی در دانشگاه شهید چمران اهواز گردید. در سال ۱۳۸۰ به مرتبه استادیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی ارتقا یافت. در طول این مدت در مدیریت‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجرایی شرکت داشت، به نحوی که سه بار مدیر گروه زراعت، دوباره معاون مالی و اداری مجتمع کشاورزی رامین، یک بار مدیر پژوهشی دانشگاه، مسئول مزرعه تولیدی و عضویت کمیته‌های مختلف دانشگاه کشاورزی رامین و معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه کشاورزی رامین را به عهده داشت. دکتر فتحی در بخش پژوهشی دارای ۱۱۰ مقاله مقاله علمی و پژوهشی داخلی و خارجی، ۱۲ طرح پژوهشی خاتمه یافته (ملی، داخلی و مشترک)، تألیف ۸ کتاب، ۱۲۵ مقاله همایش داخلی و خارجی، راهنمایی و مشاوره ۵۰ دانشجوی ارشد و دکتری، برگزیده به عنوان پژوهشگر نمونه برای ۶ دوره، عضو انجمن‌های علمی زراعت، فیزیولوژی گیاهی و علف‌های هرز، داور مقالات متعدد مجلات علمی کشور، عضو هیأت تحریریه مجله الکترونیکی علوم زراعی و دانشگاه کشاورزی گرگان و علوم به زراعی دانشگاه شهید چمران اهواز و اخذ ۵ پایه تشویقی پژوهشی را در کارنامه خود دارا می‌باشد. در بخش آموزشی در سه مقطع کارشناسی، ارشد و دکتری زراعت دروس تخصصی را با سابقه ۲۴ ساله تدریس نمود. دکتر فتحی همچنین در سال ۱۳۸۸ از سوی هیأت ممیزه وزارت علوم بر مبنای امتیازات حاصله از ۲۴ مورد آموزشی، پژوهشی و اجرایی به عنوان استاد نمونه کشوری در گروه کشاورزی شناخته شد. از ایشان دو فرزند پسر به یادگار مانده است. دکتر فتحی در ۲۵ تیرماه ۱۳۹۳ در شب اول قدر ماه رمضان به علت بیماری جان به جان آفرین تسلیم نمودند. روحشان شاد و یادشان گرمی باد.

دکتر منصور معتمدی:

عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

درگذشت به سال ۱۳۹۴

دکتر منصور معتمدی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان آبادان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان جا به انجام رساند. دوره کارشناسی خود را در دانشگاه اصفهان شروع و موفق به دریافت لیسانس ریاضی گردید. کارشناسی ارشد را در دانشگاه شیراز به پایان رساند. در سال ۱۳۵۲ به عنوان عضو هیأت علمی در گروه ریاضی دانشگاه شهید چمران اهواز (جندی شاپور وقت) مشغول به خدمت گردید.

وی در سال ۱۳۵۶ به عنوان بورسیه به کشور انگلستان عزیمت و زیر نظر یکی از بزرگان ریاضی دنیا به نام «گلدی» در دانشگاه لیدز دوره دکتری خود را شروع کرد. در سال ۱۳۵۷ با شروع انقلاب اسلامی در ایران، تحصیلات خود را رها کرده و به خاطر همراهی با مردم به ایران بازگشت.

در سال ۱۳۶۹ دوباره دوره دکتری خود را در دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و در سال ۱۳۷۳ موفق به دریافت دکترای تخصصی ریاضی گردید. در سال ۱۳۸۸ با درجه استادی داوطلبانه به بازنشستگی مفتخر گردید ولی رابطه علمی و عاطفی خود را با دنیای ریاضی تا آخرین روز زندگی خود قطع ننمود.

درباره مرحوم دکتر منصور معتمدی
از زبان دکتر امیدعلی شهنی کرمزاده

قبل از هر چیز همانطور که مشاهده می‌فرمایید صحبت‌هایم از روی یک یادداشت از قبل تهیه شده نیست. سعی می‌کنم خاطراتی از منصور را به یاد آورم و آن‌ها را برای شما بازگو کنم. دوست داشتم در این مورد مفهوم «آن‌ها را با شما share کنم» را بکار می‌بردم. با این که من و همسرم پروین و حقانی و همسرش قدسیه، دیشب گریه‌هامون را کرده‌ایم ولی باز نمی‌توانم گریه‌ام را کنترل کنم. از احمد (آقای دکتر حقانی) خیلی تشکر می‌کنم، چون منصور (مرحوم دکتر معتمدی) هم همیشه ایشان را احمد صدا می‌کرد. حقیقتاً دیشب من به احمد گفتم یک جمله انگلیسی هست که در مورد من صادق هست، **I cannot help crying**. من در این موارد نمی‌توانم جلو گریه‌ام را بگیرم، زیرا واقعاً دست خودم نیست. احمد آن چه را که باید راجع به منصور بگوید گفت. خیلی هم خوب گفت. واقعاً تشکر می‌کنم، خیلی کار من را ساده کرد. دو ویژگی در مورد منصور کاملاً درست است. یکی این که خیلی انسان بود، و دیگر اینکه خیلی صادق بود. ولی واقعاً خیلی مظلوم رفت. دو موردی که هیچ شکی در آن نیست. احمد صحبت کیفی خیلی خوبی کرد. آنچه که احمد گفت که ۵۰ سال با هم دوست بودند، من تفاوت‌م با احمد

در این است که احمد و مرحوم دکتر معتمدی ۴ سال در دانشگاه اصفهان هم کلاس بودند، یک الی دو سال هم در دانشگاه شیراز با هم بودند. منهای این سال‌ها من و منصور هم حدود ۴۴ سال با هم دوست خیلی نزدیک بودیم. برای این‌که از صداقت ایشان برای شما مثال بزنم، ایشان در زمانی که در آبادان دیپلم گرفت، در دبیرستان رازی تحصیل می‌کرد. دبیرستان خیلی خوبی بود و خیلی هم به آن افتخار می‌کرد. دبیرستانی بود که قهرمان‌های ملی کشور در بسکتبال، شنا و فوتبال در آن‌جا تحصیل می‌کردند. خود منصور ورزشکار نبود ولی چیزهایی که باعث افتخار ملی و محلی می‌شدند برایش خیلی با ارزش بود. وقتی دبیرستان را تمام کرد، می‌دانید که در آن سال‌ها همه افراد داوطلب کنکور نبودند. کنکوری‌ها افرادی بودند که واقعا به دانشگاه علاقه‌مند بودند. همه اکثراً دانش‌آموزهای خیلی خوبی بودند. به خاطر ادامه تحصیل کنکور می‌دادند. در آن زمان هم دانشکده نفت آبادان که اسم اختصاری بین‌المللی اش **AIT (Abadan Institute of Technology)** بود، مانند دانشگاه شریف فعلی بود و به شرکت نفت وابسته بود. دانش‌آموزان خوب از سراسر کشور، همه دانشکده نفت آبادان را انتخاب می‌کردند. در آن زمان شرکت نفت هم امکانات خیلی خوبی داشت، منصور هم این دانشکده را انتخاب کرد و قبول شد و بعد به مصاحبه رفت. خودش برای من تعریف کرد زمانی که به مصاحبه رفتم، اولین چیزی که از من پرسیدند این بود که شما به چه رشته‌ای علاقه دارید؟ من هم گفتم به ریاضی علاقه دارم. گفتند خوب، می‌دانید که این دانشگاه تکنولوژی است، ما این‌جا مهندسی نفت، مهندسی مخازن، حسابداری و این قبیل رشته‌ها را تربیت می‌کنیم. شما که به ریاضی علاقه‌مند هستید برای چه به این‌جا آمده‌اید؟ گفتم من واقعا به ریاضی علاقه دارم اما یک سری رشته‌ها مانند مهندسی مخازن که به ریاضی ارتباط دارند هم می‌تواند برای من جالب باشد و در صورت پذیرفته شدن در این‌جا ممکن است به این رشته‌ها علاقه پیدا کنم. به هر حال بعد از مصاحبه خودش گفت که من را رد کردند و می‌گفت به حق من را رد کردند. مثل بعضی‌ها نمی‌گفت مثلاً من قبول شدم ولی در مصاحبه من را رد کردند. می‌گفت در مصاحبه مشخص بود آن‌ها دنبال کسانی بودند که به مهندسی و تکنولوژی علاقه داشته باشند و من هم آن‌جا صادقانه گفتم که من به ریاضی علاقه دارم. بنابراین قبول کرد که صادقانه او را قبول نکردند. خیلی صادق بود. من از خوش‌شانسی یا بد‌شانسی سالیان متمادی مسئول بودم، مدیر گروه، رئیس دانشکده، عضو هیئت‌مهمزه. دیشب داشتم می‌گفتم من ۳۸ سال است عضو هیئت‌مهمزه دانشگاه هستم. در تمامی این مدت همکاران و افراد زیادی راجع به کارهایشان و راجع به افراد دیگر با من حرف می‌زنند، راجع به این‌که بعضی مواقع آن فرد خوب یا آن فرد بد را از صحنه بیرون کنند. در تمام این مدت منصور هیچ وقت به سراغ من برای صحبت در این موارد نیامد. هیچ وقت به کسی «تو» نمی‌گفت. در تمام این مدت دو یا سه بار دیدم که عصبانی شد. عصبانیت‌هایش هم واقعا معنی‌دار بود. وقتی هم عصبانی می‌شد، خیلی عصبانی می‌شد. منصور شش ماه زودتر از من به دانشگاه جندی شاپور آن زمان رفته بود. من شهریور ۵۳ رفتم و منصور از ترم قبل آن‌جا بود. ایشان و آقای رستمی و آقای آقوب‌زاده، هر سه نفر در آن‌جا مربی بودند و واقعا گروه را سه نفری به خوبی اداره می‌کردند. زمانی که من به آن‌جا رفتم و با منصور آشنا شدم، متوجه شدم که از نظر تحصیلی هم دوره بوده‌ایم، من دانشگاه تهران بودم و او در دانشگاه اصفهان بود. هم‌کلاسی‌های من با منصور هم‌دوره سربازی بودند (در آن زمان من در انگلیس تحصیل می‌کردم و با احمد و قدسیه (خانم دکتر و کیلی) که هم‌کلاسی‌های منصور

بودند، آشنا شدم). پس زمینه مشترک و دوستان مشترک زیادی داشتیم. بنابراین در شروع آشنایی راجع به دوستانمان گرم صحبت بودیم، چون اکثر همکلاسی‌های من دانشجویهای خیلی برجسته‌ای بودند و منصور هم خیلی علاقه داشت که راجع به ریاضی و آن‌ها حرف بزند. بعضی وقت‌ها که به منزلش می‌رفتم همسرش شهین می‌گفت «بس کنید! مسائل کاری را به خانه نیاورید.» ولی آدم لذت می‌برد با منصور راجع به ریاضی حرف بزند. متأسفانه امروز با هر کدام از همکارها که صحبت می‌کنید بعد از پنج دقیقه صحبت‌ها به سمت مقاله و چاپ مقاله می‌رود و از خود ریاضی خبری نیست، ولی منصور اصلاً در این موارد صحبت نمی‌کرد. البته در آن زمان این جو آلوده‌ی مقاله‌نویسی هم رایج نشده بود و واقعاً فقط در مورد ریاضی، ماهیت خود ریاضی، علاقه به ریاضی و این موارد حرف می‌زدیم. منصور آنقدر غرق در ریاضی و کارش بود، که تعارف ندارم بگویم حتی بلد نبود یک خانه برای خودش خریداری کند، همسرش در اصفهان این آپارتمان را برای خانواده خرید. یعنی حتی معامله کردن بلد نبود. شخصیت چالشی نداشت. در موارد چالشی خودش را کنار می‌کشید و به شعر و نقاشی پناه می‌برد. من و ایشان در سنین ۳۰ سال به بالا رانندگی یاد گرفتیم. ایشان رانندگی شهر ما را که می‌دیدند، این برخورد انسان‌ها با هم را که می‌دیدند، ترجیح می‌داد هیچ وقت خارج از پردیس دانشگاه رانندگی نکند. به این خاطر که حتی حاضر به یک شیشه پایین آوردن اتومبیل و به دیگران «تو» گفتن و یا یک دست تکان دادن نبود. در محوطه دانشگاه رانندگی می‌کرد. در تمام مدتی که در گروه بود هیچ همکاری، هیچ فردی از ایشان آزوده نشد. درس‌هایش را به خوبی ارائه می‌داد، دنبال چیزی به عنوان حق‌التدریس و اضافه تدریس و این طرف و آن طرف رفتن اصلاً نبود و فقط به علاقه‌اش می‌پرداخت. من کمتر انسانی با این خصوصیات منصور را دیدم. وقتی که بازنشسته شده بود و قرار بود به اصفهان بیاید، با این‌که من مشکلات خانوادگی‌اش را می‌دانستم، خیلی متأسف شدم که ما را ترک می‌کند و به هر حال منصور به اصفهان آمد و در واقع، این خانه‌ی ریاضیات اصفهان، منصور را در این چند سال زنده نگه داشت، این خانه ریاضیات به او قوت می‌داد. علاقه‌مندی‌هایش را این‌جا با دانش‌آموزان پیاده می‌کرد. خانه ریاضیات واقعاً خانه امنش بود. من واقعاً از دکتر رجالی و بقیه دوستان و همکاران که این خانه ریاضیات را تأسیس کردند تشکر می‌کنم. در حقیقت تأسیس این خانه‌های ریاضی یک نوع افتخار ملی است. زپرا همانطور که احتمالاً اطلاع دارید خانه‌های ریاضی برای اولین بار در ایران بوجود آمدند و اصلاً در کشورهای دیگر چنین چیزی به اسم خانه ریاضی وجود ندارد. بنابراین منصور خانه خودش را یافت. وقتی با من تلفنی صحبت می‌کرد همش راجع به این‌جا صحبت می‌کرد که جای خوبی هست، کتابخانه خوبی دارد. از این کتابخانه برای من چیزهای زیادی زیراکس می‌کرد و می‌فرستاد. کتابخانه این‌جا از خیلی از کتابخانه‌های بعضی دانشگاه‌ها برایش بهتر بود. به هر حال همان‌طور که گفتم علاقه منصور فقط در ریاضی بود، انسان بود و واقعاً ریاضی خوشحالش می‌کرد. همان‌طور که دکتر حقانی هم گفت، همسر و خانواده‌اش هم در این موضوع خیلی به او کمک کردند که او بتواند به علاقه‌اش بپردازد و وقتش را صرف چیزهای دیگری که اکثر آقایان ممکن است صرف کنند، نکند و در این مورد شهین خیلی نقش داشت و من از شهین تشکر می‌کنم که بسیار موثر بود که این وقت و فرصت را برایش فراهم بکند که او به علاقه‌اش بپردازد. به هر حال همان‌طور که دکتر حقانی گفت منصور به انگلیس رفت، جالب است، زمانی که قرار بود ایشان به انگلیس بروند، دانشگاه، نوبت رفتن به خارج برای ادامه تحصیل

را به اختیار خود آقای رستمی و دکتر معتمدی گذاشته بود ولی این دو با هم تعارف می‌کردند که طرف مقابل زودتر برود. مثل امروزه نبود که متاسفانه افراد فقط خودشان را ببینند. با هم تعارف می‌کردند و بالاخره آقای رستمی قبل از منصور به آمریکا رفت و منصور هم یک سال بعد به انگلیس رفت. دو سال با پروفسور آلفرد گلدی (A. Goldie) کار کرد. انقلاب که شد، شاید اولین بار است که این موضوع را در جمع بیان می‌کنم، به خاطر انقلاب برگشت. به هر حال اول انقلاب همه به یک صورت فکر می‌کردند، همه فکر می‌کردند که این مملکت را ما باید درستش کنیم و آزادی و کرامت انسانی داشته باشیم و...

پس منصور به خاطر انقلاب برگشت، ولی هیچ وقت نمی‌رفت جایی صحبت کند که من به خاطر انقلاب برگشته‌ام و خدای نکرده بخواهد از این موضوع سوء استفاده بکند و به دنبال پست و مقامی باشد. بعضی از همکاران به شوخی به او می‌گفتند که این موضوع را عنوان بکن و اگر تو نمی‌خواهی بگذار ما بگوییم و او می‌گفت خواهش می‌کنم از این صحبت‌ها نکنید. او می‌گفت وقتی من در انگلیس بودم و این شلوغی‌ها را در ایران می‌دیدم، احساس تنهایی می‌کردم و می‌گفتم که چرا من آن‌جا نباشم؟ بنابراین با خانواده‌اش به اهواز برگشت. به اهواز آمد و باز شروع به کار کرد و من این سعادت را داشتم که ایشان دانشجوی دکتری من بشود. قبل از این که به انگلیس برود، با هم که صحبت می‌کردیم، به او گفتم که چون در دانشگاه لیدز، گلدی و شاگردانش در مورد مفهوم بعد کرول (که در زمینه جبر ناجابجایی کاربردهای خوبی داشت) مشغول کار هستند، تو هم می‌توانی مفهوم **perfect dimension** را که شبیه بعد کرول است با گلدی به عنوان موضوع رساله دکتری مطرح کنی. بعد از بازگشتش از انگلیس به من گفت وقتی موضوع را با گلدی مطرح کردم، او گفت اگر می‌خواهی روی این موضوع کار کنی بهتر است به آمریکا بروی و با **Hyman Bass** که متخصص حلقه‌های **perfect** است، کار کنی.

منصور می‌گفت آن‌جا متوجه شدم که این افراد در تخصص باریک خودشان فقط کار می‌کنند. با اینکه بعد **perfect** یک موضوع ناجابجایی بود ولی گلدی حاضر نبود کمی از تخصصش فاصله بگیرد و فقط در زمینه کاری خودشان کار می‌کردند. این اولین چیزی بود که بعد از بازگشتش ما با هم صحبت کردیم. سپس شروع به کار کردیم. بعد یک چیز دیگری هم گفت. او می‌گفت گلدی به ما درس هندسه جبری می‌داد و وقتی به قضیه پایه هیلبرت رسید، می‌گفت دیگر از این بهتر نمی‌شود قضیه‌ای گفت. به عبارت دیگر می‌گفت این **End** یک نتیجه ریاضی است. من گفتم منصور بگذار این **end** را یک کمی **end** ترش بکنیم. روی آن فکر کردیم و بعد با هم یک کار مشترک کردیم. در حقیقت آن‌هایی که قضیه هیلبرت را می‌دانند یعنی این که حلقه **R** نویتری است اگر و تنها اگر **R[x]** نویتری باشد و در هندسه جبری هم به عنوان یکی از قضایای اساسی است. ولی ما متوجه شدیم که اصلاً شرط نویتری در این جا لازم نیست، همیشه **R** و **R[x]** از نظر تعداد مولدهای ایده‌آل‌هایشان یک جور هستند. به عبارت دیگر مفهوم **a**-نویتری (که **a** یک کاردینال است) را تعریف کردیم و به‌طور بدیهی مشاهده کردیم که هر حلقه دلخواهی **a**-نویتری است، برای یک کاردینال **a**. مثلاً حلقه **R** نویتری است اگر و تنها اگر **a**، **R**-نویتری باشد که در آن **a** کوچکترین کاردینال نامتناهی است و این قضیه را ثابت کردیم که **R** و **R[x]** با هم **a**-نویتری هستند. به عبارت دیگر ثابت کردیم که قضیه هیلبرت برای تمام حلقه‌ها درست است، یعنی برخلاف عقیده گلدی، حتی قضیه پایه هیلبرت هم قابل بهتر شدن است.

من نمی‌خواهم خیلی وارد ریز کارهایمان بشوم. یکی دیگر از کارهای خوبی که با منصور انجام دادیم، زمانی که اینترنت نبود شیوه کارم برای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد به این شکل بود که به کتابخانه می‌رفتم، با دانشجوها ژورنال‌ها را ورق می‌زدیم، بعد هر کار خوبی که می‌دیدم می‌گفتم این را برای پایان‌نامه کارشناسی ارشدتان انتخاب کنید. یک بار کاری را دیدم با عنوان **DICC Module** که مقاله‌ای مستخرج از پایان‌نامه دکتری دانشجویی در دانشگاه میشیگان امریکا بود که زیر نظر ملوین هاکستر (**Melvin Hochster**) نوشته شده بود که تحت نظارت ریاضی‌دان بزرگ فرانسوی ژان پل دیودونه در مجله **Journal of Algebra** به چاپ رسیده بود و در حقیقت سه مقاله در این زمینه در آن مجله چاپ شده بود. نام این دو نفر و همچنین موضوع مقالات نظرم را جلب کرد. تا آن زمان به زنجیرها در حلقه‌ها و مدول‌ها به صورت یک طرفه نگاه می‌کردیم. یا از سمت راست بالا رونده و یا از سمت چپ پایین رونده بودند. دیدم در این مقاله زنجیرها به صورت دوطرفه مورد مطالعه قرار گرفته بودند. چون ملوین هاکستر از متخصصین برجسته در زمینه جبر جابجایی بود و دیودونه هم از اعضای معروف گروه بورباکی و در واقع یکی از ریاضی‌دانان نامدار معاصر بود، آن مقاله را جالب یافته‌م و مقاله را اول به یکی از دانشجویان فوق لیسانسم به نام آقای استاجی دادم. بعد از این که او فارغ‌التحصیل شد، به منصور گفتم این هم از آن چیزهایی است که باید شکل کلی آن را مشخص کنیم، چطور مشخص کردیم؟ سه تا مقاله در **Journal of Algebra** بود که ظاهراً هر سه از همان پایان‌نامه بودند و خواص متعددی برای حلقه و مدول‌هایی که دارای این خاصیت **DICC** بودند، بدست آورده بودند و تمام حلقه‌ها را هم جابجایی فرض کرده بودند، مثلاً نشان دادند که در این حلقه‌ها تعداد ابداه‌ال‌های اول مینیمال متناهی است و یا اینکه بعد گلدی این حلقه‌ها نیز متناهی است و... ولی نکته‌ای را که با توجه به تعریفشان می‌بایست بطور طبیعی چک می‌کردند و از آن غفلت کرده بودند این خاصیت بود که آیا این موجودات دارای بعد کرول هستند؟ خیلی زود در عرض یکی دو ماه فهمیدیم که اگر یک مدول به این صورت باشد بعد کرول دارد و در نتیجه به سادگی مشاهده می‌شد که اکثر نتایج اساسی آنها بیست سال پیش از آن برای مدول‌های با این خاصیت روی حلقه‌های ناجابجایی درست بود. ولی با توجه به عدم آگاهی آن‌ها و همچنین عدم آگاهی دیودونه که ریاضی‌دان کم نظیری بود این سه مقاله در **Journal of Algebra** به چاپ رسیده بودند. فوراً این جا یک چیز دیگر برای منصور و خود من مشخص شد که اولاً فریب اسم افراد بزرگ را نخوریم و همچنین معروفیت یک مجله بدان معنی نیست که مقالاتی که در آن چاپ می‌شوند حتماً اصیل هستند. الان اگر از دوستانی که متخصص جبر جابجایی هستند و در این سالن حضور دارند، پرسیده شود که مثلاً ده نفر از بهترین متخصصین جبر جابجایی را در دنیا نام ببرید، بدون شک ملوین هاکستر حتماً جزو این ده نفر خواهد بود. بنابراین باید توجه داشت که نام مجله و نام ویراستاری که مقاله‌ای را برای چاپ مدیریت می‌کند نباید در قضاوت و در اصالت یک مقاله نقش اساسی داشته باشد (از این نوع مثال‌ها زیاد وجود دارد ولی همانطور که اشاره کردم وارد جزئیات نمی‌شوم). آن چیزی که مهم است، این است که پس از چاپ مقاله در هر مجله‌ای، محتوای آن مورد توجه تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد خبره قرار می‌گیرد. بنابراین مواردی مانند **ISC**، **ISI** و **IF** خیلی مهم نیستند. منصور آدم پرکاری نبود، پرکاری هم لزوماً چیز خوبی نیست، چون واقعاً اگر شما بخواهید یک مقاله خوب بنویسید دو الی سه سال طول

می‌کشد. این که افرادی در مدت کوتاهی تعداد نسبتاً زیادی مقاله می‌نویسند، به این معنی نیست که همه مقالاتشان اصیل هستند. جامعه ما بایستی به سمت کیفیت برود. بایستی معنی مقاله و تحقیق را پیدا بکند و منصور معتمدی معنی این چیزها را به خوبی فهمیده بود. بعد با هم که بحث می‌کردیم، درمورد آقای آلفرد گلدی (که آقای دکتر حقانی هم به خوبی ایشان را می‌شناسند)، منصور با من که صحبت می‌کرد می‌گفت من نفهمیدم چرا به گلدی در انگلیس عنوان **FRS (Fellow of Royal Society)** را ندادند؟ بسیاری از ریاضی‌دان‌های انگلیس این لقب را گرفته‌اند اما گلدی نگرفته بود. **FRS** عنوانی است که در انگلیس به افراد برجسته‌ای که در تخصصشان کارهای بسیار مهم و ارزشمندی انجام داده‌اند، اعطا می‌شود. می‌دانیم که قضیه معروف گلدی در حقیقت یک **Break Through** در تحقیقات جبر ناجابجایی بود. این موضوع باعث شد که برویم مطالعه کنیم تا ببینیم چه عاملی باعث شده بود که گلدی این عنوان را نگیرد. گرچه در منابع نمی‌توان بطور مشخص دلایلی برای این موضوع یافت ولی با توجه به مقایسه کار گلدی با کسانی که دارای این عنوان بودند مشاهده می‌شد که کارهای آن افراد عمیق‌تر و وسیع‌تر بود. مثلاً بهترین مثال دونالدسون (**Donaldson**) شاگرد مایکل اتیه (**Michael Atiyah**) بود که در سال ۱۹۸۲ از دانشگاه آکسفورد دکتری گرفت و در سال ۱۹۸۳ مقاله معروف خود در زمینه فضاهای چهاربعدی دیفرانسیل‌پذیر را به چاپ رساند. در همان سال برنده جایزه معروف فیلدز شد و جمله معروف اتیه، این که «کار دونالدسون دنیای ریاضی را شگفت‌زده کرد»، معروفیت زیادی برای دونالدسون به دست آورد. دو سال بعد در آکسفورد پروفیسور شد و خیلی سریع لقب **FRS** گرفت. چند سال بعد مانند خود اتیه لقب **Sir** (شوالیه) را گرفت و جوایز با ارزشی نیز دریافت کرد. حتی نفیس‌ترین و با ارزش‌ترین جایزه عربستان (ملک فیصل) را گرفت. خود اتیه هم این جایزه را قبلاً گرفته بود (یادمان باشد که پدر مایکل اتیه عرب لبنانی بوده است). می‌دانید عربستان دانشمندان ریاضی انگلیس را دعوت می‌کند برونند آن‌جا مقاله به اسم عربستان بنویسند، که آمارش بالا برود. ما نباید اینطور رقابت کنیم. ما بایستی واقعیت‌های خودمان را بدانیم، بایستی جوانانمان را به سمت چیزهای واقعی سوق دهیم. این رقابت‌هایی که مثلاً می‌خواهیم در زمینه ریاضیات در جهان اسلام اول بشویم شاید هدف درستی نباشد. عربستان ممکن است به این شکل از ما جلو بزند، ترکیه ممکن است به یک شکل دیگر از ما جلو بزند ولی ما باید واقعیت‌های خودمان را بدانیم و به واقعیت‌های خودمان بچسبیم و انشالله با فکر درست، علاقه درست و جریان درست، با کمک آدم‌های با فکر برای پیشرفت تحقیقات ریاضی در مملکت برنامه‌ی هدفمند داشته باشیم نه این که جوان‌ها را بیش از حد وادار کنیم که برای استخدام و رسمی شدن در دانشگاه‌ها به سمت نوشتن تعداد مقالات زیاد و گاهی با کیفیت پایین بروند و فقط آمار کار پژوهشی را برای دانشگاه‌ها بالا ببرند. ما می‌توانیم با کار کیفی، تحقیقات کشور را بطور واقعی ارتقاء دهیم. ممکن است کمی زمان ببرد ولی ما می‌توانیم به هدف مورد نظرمان برسیم. نباید بخواهیم با معیارهایی که جایگاه واقعی ندارند پیش برویم. الان شما اگر روبروی دانشگاه تهران بروید، فریاد می‌زنند **ISI**، اگر **Data** داشته باشی، یک میلیون و هفتصد هزار تومان و اگر نداشته باشی با مقداری بیشتر، برایتان مقاله **ISI** چاپ می‌کنیم. پس ببینید، نباید فشار مقاله نویسی (جمله معروف غربی‌ها **Either Publish or Perish**) ما را به نوشتن این‌گونه مقالات سوق دهد. معتمدی خیلی وقت پیش این چیزها را فهمیده بود. بنابراین

جای او خیلی خالی است و همه ما دلتنگ او هستیم. آنهایی که با او درس داشتند، دوست بودند، رفیق بودند، همه می‌دانند که چه انسان بزرگوار و خوبی بود و خیلی هم مظلوم رفت (در رابطه با دریافت امکانات پزشکی). من راجع به مظلومیتش مطمئن هستم. دیشب با آقای دکتر حقانی و خانم دکتر وکیلی صحبت می‌کردم، گفتم تصمیم گرفتیم که راجع به مظلومیت منصور حرف بزنم ولی به من گفتند در این جلسه فرصت خوبی نیست و الان احساس می‌کنم که جای صحبت در این مورد نیست. ولی واقعا از بین ما مظلوم رفت و من راجع به این موضوع صحبت نمی‌کنم. ان شاء الله در موقعیت‌های دیگری صحبت می‌کنم. بیش از این وقت شما را نمی‌گیرم و از همه شما تشکر می‌کنم. همان‌طور که احمد تسلیت گفت، من و احمد و پروین و قدسیه و شهین و فرزندان منصور (علی، آیدا و آلاله) همه ما به هم تسلیت می‌گوییم و به جامعه ریاضی هم تسلیت می‌گوییم. امیدوارم که آدم‌های ارزشمند، اندیشمند و درست، زود از پیش ما نروند. همه ما می‌رویم ولی زود نروند. متشکرم، ببخشید.

دکتر سیدضیاء معینی:
 عضو هیئت علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی
 درگذشت به سال ۱۳۹۴

مرحوم دکتر سید ضیاء معینی در فروردین ماه ۱۳۲۳ در خانواده ای روحانی و اهل علم و اندیشه در شهر کوهدشت استان لرستان به دنیا آمد. وی در نوجوانی در شهر خرم آباد به ورزش کشتی روی آورد و در دهه ۱۳۴۰ به مدارج بالای قهرمانی کشوری و ملی دست یافت. ایشان در سال ۱۳۴۶ در کنکور ورودی دانشگاه‌ها در چند رشته‌ی مختلف درسی قبول شد، اما علاقه او به ورزش باعث شد در رشته تربیت بدنی دانش‌سرای عالی تهران مشغول به تحصیل شود. در سال ۱۳۵۰ لیسانس و در سال ۱۳۵۳ فوق لیسانس تربیت بدنی را از دانشگاه نیومکزیکو آمریکا به اتمام رساند و در همان سال به عنوان مربی در دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید چمران اهواز استخدام شد.

وی در سال ۱۳۷۶ مقطع دکترای تخصصی را در دانشگاه تربیت معلم به اتمام رساند، تا این که در بهمن ماه ۱۳۸۱ با مرتبه استادیاری به افتخار بازنشستگی نائل آمد.

مرحوم دکتر معینی با تسلط کامل به زبان انگلیسی چندین کتاب ورزشی را ترجمه و تالیف کرد، از جمله کتاب دوجلدی فیزیولوژی فعالیت‌های ورزشی که تاکنون چاپ شانزدهم آن وارد بازار شده است. کتاب دیگر ترجمه شده توسط ایشان به نام فیزیولوژی و تغذیه ورزشی می‌باشد. یکی از خدمات بارز مرحوم دکتر معینی حضور در دانشگاه در سال‌های جنگ تحمیلی بود. طی سالیان خدمت خود علاوه بر تربیت دانشجویان و ورزشکاران مسئولیت‌هایی نظیر مدیریت تربیت بدنی دانشگاه، مسئول کمیته تالیف و ترجمه، معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی را بر عهده داشتند. هم‌چنین از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ مسئولیت انستیتو بین‌المللی فدراسیون کشتی را به عهده داشتند.

وی در سال ۱۳۸۴ در پنجاهمین سالگرد تاسیس دانشگاه به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار علمی و اجرایی شناخته و مورد تجلیل قرار گرفت.

ایشان به مدت ۸ سال با بیماری سرطان دست و پنجه نرم کرد و سرانجام در چهارم فروردین ماه ۱۳۹۴ در تهران به دیار باقی شتافت. روحش شاد و یادش گرامی.

کریم بشکار: از کارکنان بازنشسته دانشگاه درگذشت به سال ۱۳۹۴

مرحوم حاج کریم بشکار از کارکنان دانشگاه و رزمنده هشت سال دفاع مقدس، در کنار شهید محمدعلی جهان آرا، از اولین مدافعان خرمشهر و از جانبازان جنگ بود. آن مرحوم از فعالان دوران انقلاب به شمار می‌رود و پس از پیروزی انقلاب به عنوان نیروی سپاه در جبهه‌های نبرد حضور داشت.

مرحوم بشکار هم چنین از فوتبالیست‌های دهه ۵۰ بود که سابقه حضور در تیم‌های مختلف و نامدار خرمشهر و استان خوزستان از جمله تیم ملی جوانان و تیم رستاخیز خرمشهر و ابوذر اهواز و شرکت در جام تخت جمشید را در کارنامه ورزشی خود دارد.

ایشان، انسانی نمونه، معلم قرآن و از دوستداران اهل بیت بود که همواره در صف اول عزاداران حسینی حضور داشت و بسیاری از روزها را به روزه‌داری می‌گذراند.

مرحوم بشکار در سال ۱۳۵۵ در دانشگاه علوم دریایی خرمشهر استخدام شد و از سال ۱۳۷۰ به دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید چمران اهواز منتقل و در سال ۱۳۸۳ به افتخار بازنشستگی نائل آمد.

او پس از سالها تحمل رنج بیماری و صبوری سرانجام در شامگاه شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۴ در سن ۶۲ سالگی و در شصت‌مین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز دعوت حق را لبیک گفت. پیکر آن زنده یاد در روز دوشنبه ۵ بهمن با حضور خانواده، دوستان، همکاران و ورزش دوستان بهشت آباد اهواز به خاک سپرده شد. روحش شاد.

دکتر ولی‌الله ظفری: استاد بازنشسته دانشکده ادبیات و علوم انسانی در گذشت به سال ۱۳۹۴

دکتر ولی‌الله ظفری در سال ۱۳۱۲ در شهرستان خرم‌آباد متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان سعدی نهبوند در سال ۱۳۲۸ و تحصیلات دوره اول متوسطه را در دبیرستان فیروزان همان شهرستان در سال ۱۳۳۱ به پایان رسانید. پس از پایان تحصیلات دوره اول متوسطه وارد دانشسرای شهرستان کرمانشاه شد و در سال ۱۳۳۳ دیپلم ادبی خود را اخذ نمود. دکتر ظفری دوره کارشناسی را در سال ۱۳۴۵، دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۳ و دوره دکتری را در سال ۱۳۵۸ در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به اتمام رسانید. دکتر ظفری با مرتبه مربی از سال ۱۳۵۷ در گروه ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه جندی شاپور مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۵۸ به مرتبه استادیاری و در سال ۱۳۷۰ به مرتبه دانشیاری نائل شد. دکتر ظفری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ معاون آموزشی دانشکده ادبیات و نیز از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ مدیریت گروه فارسی را به عهده داشت. ایشان در سال ۱۳۷۵ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به صورت استاد اعزامی جهت تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا کشور بنگلادش مأمور شدند و مدت یکسال و نیم علاوه بر تدریس، در نسخه‌های خطی فارسی آن دانشگاه به پژوهش پرداخت. دکتر ظفری در سال ۱۳۷۴ به عنوان پژوهشگر فعال مورد تشویق دانشگاه شهید چمران اهواز قرار گرفت و در سال ۱۳۷۶ از سوی وزارت ارشاد موفق به اخذ تقدیرنامه شد. یکی از آثاری که از این استاد ادبیات به جا مانده است. تصحیح کتابی به نام «مستخلص المعانی» می‌باشد. موضوع این اثر اشراف بر قرآن و معانی آن است. از دکتر ظفری کتاب ۲ جلدی «حبسیه در ادب فارسی» شامل از آغاز شعر تا پایان دوره زندیه و از دوره قاجاریه تا انقلاب اسلامی نیز منتشر شده بود. ولی‌الله ظفری در سال ۱۳۹۴ و در آستانه برگزاری شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز دارفانی را وداع گفت.

دکتر حسین چوبین: استاد بازنشسته گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی درگذشت به سال ۱۳۹۴

دکتر حسین چوبین در سال ۱۳۱۴ در شهر مقدس نجف اشرف و در یک خانواده دزفولی الاصل متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان علوی ویژه ایرانیان در نجف اشرف در سال ۱۳۲۶، تحصیلات دوره راهنمایی را در مدرسه منتدی النشر در نجف اشرف در سال ۱۳۳۵ و تحصیلات دوره دبیرستان را نیز در دبیرستان منتدی النشر در نجف اشرف در سال ۱۳۴۰ به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبیات و علوم انسانی گردید. دوره کارشناسی علوم اسلامی و زبان عربی را در دانشکده فقه و در نجف اشرف که قبل از حاکمیت بعثی ها زیر نظر علمای اعلام اداره می شد و وابسته به دانشگاه بغداد بود در سال ۱۳۴۷ به پایان رسانید. تحصیلات دوره کارشناسی ارشد را در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران با عنوان دانشجوی ممتاز و تحصیلات دوره دکتری را در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران به پایان رسانید و پایان نامه او «بررسی اشعار دعبل شاعر امام رضا (ع)» بود.

دکتر چوبین در سال ۱۳۵۷ با مرتبه مربی در دانشگاه شهید چمران مشغول به خدمت گردید و در سال ۱۳۷۳ به مرتبه استادیاری ارتقا یافت.

ایشان در مدرسه ایرانیان در نجف اشرف و دبیرستان های تهران و مرکز تربیت معلم در اهواز سابقه تدریس دارد و عضو رسمی هیئت علمی و استاد نمونه در دانشگاه شهید چمران اهواز و مدیر گروه زبان و ادبیات عربی آن دانشگاه به مدت ده سال و عضو رسمی نیمه وقت و استاد نمونه در دانشگاه آزاد اسلامی دزفول بود.

وی در هشت سال دفاع مقدس در جبهه بود و با رادیو اهواز و رادیو دزفول همکاری ممتدی داشته و خاطرات او از جبهه به دو زبان عربی و فارسی با اشعار او در مجله بیان جهاد دانشگاهی اهواز و تحقیقات سیاسی او با اشعار ملمح به دو زبان فارسی و عربی در نشریه دانشگاه آزاد دزفول به چاپ رسیده است.

وی در زمینه دعبل شناسی تحقیقات وسیعی انجام داده و قصایدی در ستایش دعبل سروده و در سال ۱۳۶۸ ریاست کنگره دعبل در اهواز را به عهده داشت. از این نویسنده خوزستان که در کارنامه خود فعالیت های متعدد فرهنگی و انقلابی را دارد مقالات و کتاب های فراوانی به چاپ رسیده که کتاب های دعبل شاعر امام رضا (ع)، پژوهشی درباره تواشیح، ألفیه الافراح، دیوان الامین (شعر عربی) و شاعران شهید از قرن اول تا قرن ششم هجری قمری از جمله آن است.

دکتر چوبین در سال ۱۳۸۴ با مرتبه دانشیاری بازنشسته شد و در روز سه شنبه (۱۱ اسفند ۹۴) در تهران دارفانی را وداع گفت. روحش شاد و یادش گرمی باد.

شرحی بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی دکتر حسین چوبین:
فعالیت های آموزشی: تدریس دروس علوم بلاغی، متون تفسیری، تاریخ ادبیات عربی، اعراب قرآن، مقامات حریری، صرف و نحو عربی، نامه نگاری، خلاصه نویسی (به زبان عربی) و ...
* فعالیت های پژوهشی:

- مقالات
- ۱- سلام در اسلام، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
 - ۲- واژه‌های فارسی در اشعار دعبل، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
 - ۳- الامام الحسین (ع) فی ادب الاندلس، مجله آفاق الحضارة الاسلامیة، شماره ۱۳، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
 - ۴- اللغة العربیة فی ایران، مجله آفاق الحضارة الاسلامیة، شماره ۱۴، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
 - ۵- صداقة الفرس و العرب قبل الاسلام، مجله آفاق الحضارة الاسلامیة، شماره ۱۱، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۱.
 - ۶- دیدگاه‌های دانشمندان مسیحی پیرامون نهج البلاغه، دانشگاه آزاد اسلامی دزفول، ۱۳۸۰.
 - ۷- بسیج در صدر اسلام، نشریه نبأ، نشریه استادان بسیجی در خوزستان، ۱۳۸۲.
- تألیف کتاب:
- ۱- دعبل شاعر امام رضا (ع)، ۱۳۷۷.
 - ۲- پژوهشی درباره تواسیح، ۱۳۷۹.
 - ۳- ألفیة الافراح، ۱۳۸۰.
 - ۴- دیوان الامین (شعر عربی)، ۱۳۷۹.
 - ۵- شاعران شهید از قرن اول تا قرن ششم هجری قمری، ۱۳۸۴.
- راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه: راهنمایی ۵ پایان‌نامه و مشاوره ۴ پایان‌نامه درمقطع کارشناسی ارشد

ویراستاری علمی:

- ۱- تعلیم محادثة العربیة، دکتر محمود شکیب انصاری، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۲.
 - ۲- علم النحو و الإعراب، دکتر محمود شکیب انصاری، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۹.
 - ۳- الاهداء الی کتابة الإنشاء، دکتر خلیل باستان، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۱.
- * فعالیت‌های اجرایی:

- ۱- سرپرست دانشکده علوم تربیتی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱
 - ۲- مدیر گروه زبان و ادبیات عربی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲
 - ۳- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲
 - ۴- عضو کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده الهیات
- * عناوین و افتخارات: استاد برجسته، ۱۳۷۷

دکتر غلامرضا فهیمی:
عضو هیئت علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی
درگذشت به سال ۱۳۹۵

مرحوم غلامرضا فهیمی در سال ۱۳۲۶ در بروجرد دیده به جهان گشود. او فارغ التحصیل سال ۱۳۵۵ دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی سابق) در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی بود و در سال ۱۳۵۶ در دوره کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی در دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی مشغول به تحصیل شد و همزمان به استخدام دانشگاه شهید چمران اهواز درآمد. با توجه به تعطیلی دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی سرانجام در سال ۱۳۶۴ موفق به اتمام دوره کارشناسی ارشد شد. در طی ۲۶ سال خدمت در دانشگاه شهید چمران علاوه بر امر آموزش و تدریس، از نظر اجرایی نیز چهار دوره مدیریت تربیت بدنی دانشگاه و یک دوره مدیر گروه مدیریت ورزشی را بر عهده داشتند.

مرحوم فهیمی مربی بازنشسته دانشکده علوم ورزشی و قهرمان سابق دو و میدانی ۴۰۰ متر آسیا از چهره‌های شاخص ورزشی کشور به ویژه در رشته دو و میدانی بود. نخستین نایب‌رئیس فدراسیون دو و میدانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیر تیم‌های ملی دو و میدانی، سرمربی تیم ملی جانبازان و معلولین، مدرس فدراسیون دو و میدانی از جمله مسئولیت‌های این پیشکسوت بروجردی بود. ایشان به دلیل فعالیت‌های گسترده در ورزش خوزستان شاگردان و علاقه‌مندان بسیاری در این استان داشت و مدت زیادی مربی بدن‌سازی تیم‌های فوتبال استقلال اهواز، صنعت نفت آبادان، فولاد نوین اهواز، نفت امیدیه و دیهیم اهواز بود. کسب ۱۸۰ مدال المپیک، جهانی و آسیایی توسط ۴۲ نفر از شاگردان این پیشکسوت و مربی بدن‌سازی از دیگر افتخارات وی می‌باشد. غلامرضا فهیمی به عنوان یکی از بزرگان ورزش ایران مدت ۶ سال سرمربی تیم ملی دو و میدانی معلولین امارات متحده عربی بود.

این معلم اخلاق و اسطوره‌ی ورزشی بیش از یک سال به دلیل ابتلا به سرطان تحت درمان بود و علی‌رغم بیماری در اجلاس‌یه شصت‌مین سالگرد دانشگاه شهید چمران حضور یافت و در مراسمی که در دانشکده به منظور تجلیل از اعضای هیأت علمی بازنشسته برگزار شد، در تعریف خاطرات و تجربیات خود برای نسل جوان به گونه‌ای زیبا و احساسی صحبت کرد که دقایقی چند مخاطبان با کف زدن‌های طولانی وی را مورد تشویق و احترام قرار دادند.

مهندس شهلا اسلامی منوچهری:
 عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی گروه خاک‌شناسی
 درگذشت به سال ۱۳۹۵

مهندس شهلا اسلامی منوچهری آبان‌ماه سال ۱۳۳۰ در شهر هفتگل واقع در استان خوزستان متولد شد. از دو سالگی به همراه خانواده‌اش به اهواز آمد. دوران تحصیلات ابتدایی را در دبستان عصمت شهر اهواز در سال ۱۳۴۲ و تحصیلات دوره اول و دوم متوسطه را در دبیرستان نظام وفای اهواز به ترتیب در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم دبیرستان در رشته طبیعی گردید، در سال ۱۳۴۸ در کنکور سراسری دانشگاه‌ها شرکت کرد و در رشته مهندسی آب و خاک در دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی‌شاپور واقع در ملائانی پذیرفته شد. پس از کسب درجه لیسانس در سال ۱۳۵۲ بلافاصله در گروه خاک‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی‌شاپور که به شهر اهواز منتقل شده بود با سمت کارشناس آموزشی استخدام شد. سپس در سال ۱۳۵۵ به همراه همسرش (دکتر کشکولی) جهت ادامه تحصیل به کشور آمریکا عزیمت نمود. تحصیلات کارشناسی ارشد را در رشته علوم خاک با درجه ممتاز در دانشکده کشاورزی دانشگاه ایالتی کلرادو آمریکا (CSU) در سال ۱۳۶۰ به پایان رسانید و با وجود داشتن پذیرش در دوره دکترا از همان دانشگاه با توجه به اتمام تحصیل همسرش به ایران مراجعت نمود، در سال ۱۳۶۱ در سازمان تحقیقات کشاورزی اداره خاک‌شناسی و حاصل‌خیزی خاک در اهواز با سمت پژوهش‌گر در بخش بررسی‌های خاک و آب استخدام شد و سپس از سال ۱۳۶۲ به مدت دو سال بنا بر نیاز دانشگاه به طور هم‌زمان به صورت هیأت علمی نیمه وقت در گروه خاک‌شناسی دانشکده کشاورزی مشغول به کار شد و در نهایت از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیأت علمی تمام وقت به استخدام رسمی دانشگاه شهید چمران اهواز درآمد و تدریس دروس تخصصی بیولوژی خاک، تغذیه گیاه و خاک‌های شور و سدیمی و دروس خاک‌شناسی عمومی و عملیات کشاورزی را در گروه خاک‌شناسی به عهده داشت و چندین طرح تحقیقاتی در زمینه بیولوژی خاک، تغذیه گیاه و اصلاح اراضی شور و سدیمی اجرا نمود.

در سال ۱۳۹۱ پس از ۳۰ سال خدمت در گروه خاک‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز بازنشسته گردید. از کارهای ماندگار ایشان راه‌اندازی آزمایشگاه‌های بیولوژی خاک و تغذیه گیاه در گروه خاک‌شناسی بود. همسرش آقای دکتر حیدرعلی کشکولی استاد بازنشسته دانشکده مهندسی علوم آب است و دارای ۴ فرزند (سه دختر و یک پسر) می‌باشند. مهندس اسلامی در آذرماه سال ۱۳۹۵ به رحمت خدا پیوستند. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

مهندس منصور کمری:
عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی
درگذشت به سال ۱۳۹۵

مرحوم منصور کمری در چهاردهم مهر ماه سال ۱۳۴۲ در اهواز و در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. وی سومین فرزند از میان شش فرزند خانواده بوده و دومین پسر خانواده اش به شمار می آمد. زنده یاد کمری در سال ۱۳۷۰ و با انتخاب همسری از یک خانواده مذهبی ازدواج نمود که حاصل آن یک فرزند دختر و یک فرزند پسر می باشد.

شادروان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را تا کسب مدرک دیپلم در اهواز سپری نمود. وی که از دانش آموزان با سطح تحصیلی ممتاز بود، هم در کنکور رشته پزشکی و هم در کنکور رشته ریاضی و فیزیک پذیرفته شد و بنابر علاقه شخصی اش دوره کارشناسی را در دانشگاه شهید چمران اهواز در رشته مهندسی برق - قدرت شروع نمود و برای تکمیل آن عازم دانشگاه امیر کبیر شده و در سال ۱۳۶۶ فارغ التحصیل شد. پس از کسب مدرک کارشناسی، جهت خدمت به مردم استانش، تهران را به مقصد اهواز ترک نمود و به استخدام شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب درآمد. وی پس از سه سال خدمت در این شرکت موفق به کسب بورس تحصیلی جهت دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه نیو سات ولز استرالیا گردید. ممتاز بودن وی در تحصیلات محدود به هیچ مقطع و مرزی نبود و توانست در مدت ۱۴ ماه تمامی واحدهای تئوری و پایان نامه خود را در مقطع کارشناسی ارشد در تیرماه سال ۱۳۷۲ به پایان رسانده و جهت دوره دکتری پذیرش دانشگاه منچستر انگلستان را به دست آورد. وضعیت حیاتی کشور و به خصوص استان خوزستان در دوره جنگ و پس از آن و لزوم خدمت رسانی متخصصان در زمینه های گوناگون به مردم باعث شد تا مجدداً به شهر خود، اهواز برگردد و این بار در کسوت عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز و در گروه برق دانشکده مهندسی این دانشگاه مشغول به تدریس شود.

مهندس منصور کمری از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۵ به مدت ۲۳ سال در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس و تحقیق و پژوهش پرداخت و به طور همزمان نیز در بسیاری از طرح های اجرایی و تحقیقاتی شرکت های مشاور و دستگاه های دولتی نیز مشارکت داشت و در تدوین برنامه تحقیقات راهبردی شرکت برق منطقه ای خوزستان نیز ایفای نقش نمود. برنامه ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت بسیاری از پروژه های دولتی، خصوصی و صنایع نیز در کارنامه پر بار کاری ایشان دیده می شود. ایشان علاوه بر تدریس به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، استاد مدعو دانشگاه های صنعت نفت و پیام نور اهواز نیز بودند. وی در حد فاصل سال های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ در فعالیت های گوناگون شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب به عنوان داور و مهندس طراح یا ناظر شرکت داشت.

شادروان منصور کمری را می توان بانی و پایه گذار سیستم جدید سرمایه گذاری دانشکده مهندسی

دانشگاه شهید چمران اهواز دانست. در حالی که سیستم تهویه و برودت دانشکده مهندسی که به صورت مرکزی در حال سرویس دهی بود به دلیل هزینه های بسیار زیاد نگهداری و همچنین عدم بازدهی کافی موجب نارضایتی همگانی شده بود، به پیشنهاد و درخواست رئیس وقت دانشکده، مهندس کمری به عنوان طراح سیستم جدید سرمایه‌گذاری دانشکده انتخاب شدند. دقت نظر و حساسیت ایشان در خصوص مسئولیت محوله موجب طراحی یک سیستم سرمایه‌گذاری جدید و اتاق به اتاق شد که به دلیل نامناسب بودن سیم کشی های موجود در دانشکده و عدم پاسخگویی آن به طراحی جدید، موجب شد تا ایشان به پیاده سازی سیستم جدید برق منطبق بر طراحی جدید خنک کننده ها اهتمام ورزند. هم اکنون خنک کننده های طراحی شده توسط ایشان در دانشکده نصب می باشند و به خوبی فضاهای مختلف را پشتیبانی می کنند. مرحوم کمری همواره زندگی شخصی و کاری خود را بر مبنای تعادل برنامه ریزی می نمود. ایشان به کرات و حتی در ویدئوهایی که پس از اتمام جنگ تحمیلی توسط گروه چهل شاهد تهیه شده بود، جوانان را به پیروی از مولای متقیان حضرت علی (ع) در زمینه تعادل و حفظ میانه روی در امورات زندگی دعوت و سفارش می نمودند.

در کنار تالیف مقالات علمی و مشاوره پایان نامه های دانشجویان، ایشان در سال ۱۳۸۹ کتابی تحت عنوان «تجهیزات تاسیسات الکتریکی» را تالیف نمود که توسط انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز به چاپ رسید. بسیاری از دانشجویان رشته برق این کتاب را جامع ترین منبع در حال حاضر این مبحث در کشور می دانند.

علاوه بر سایر علاقه مندی ها و فعالیت های شخصی در طول مبارزات انقلاب و علی رغم سن بسیار کم، با اندیشه ها و نظریات امام آشنا شد و همین موضوع آغازی بر علاقه و پیروی ایشان از خط مشی امام و انقلاب اسلامی ایران گردید. وی در طول مدت زندگی اش هیچگاه نسبت به علاقه اش به انقلاب اسلامی و اطمینان خویش به آن، تردیدی به دل راه نداد و همواره پاسداری از آن و ارزشهایش را جزو وظایف خویش می دانست.

با آغاز جنگ تحمیلی و تجاوز رژیم بعث به ایران و استان خوزستان، لباس مقدس بسیجی را به تن کرد و در جایگاه های مختلف به کشور خدمت کرد. در ابتدا در مساجد به آموزش های نظامی ویژه داوطلبان اعزام به جنگ پرداخت و مسئول آماده سازی نیروهای بسیج مردمی شد. پس از آن و در قالب گروه چهل شاهد به خط مقدم مناطق جنگی رفت و پا به پای رزمندگان اسلام در خطرناکترین و حساس ترین عملیات های هشت سال دفاع مقدس شرکت نمود. برادر کوچکتر وی «محمدعلی» نیز، هم‌رزم برادر در جبهه های حق علیه باطل بود تا اینکه در منطقه ای نزدیک پاسگاه طاووسیه در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۶۱ و بر اثر اصابت ترکش به فیض رفیع شهادت نائل آمد و در قطعه ۱ شهدای بهشت آباد به خاک سپرده شد. شادروان کمری که خود نیز در خط مقدم حضور داشت، پیکر مطهر برادر را در میان سایر شهدا شناسایی نمود و مقدمات انتقال وی به اهواز را فراهم کرد.



پس از شهادت برادر کوچکتر، زنده یاد کمبری نیز در خط مقدم مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و از ناحیه دست، صورت و پا به شدت مجروح گردید. با اینکه آن مرحوم صدمات زیادی در طول جنگ به لحاظ جسمی متحمل شده بود ولی این صدمات را افتخار برای خود دانسته و همواره با رضایت قلبی نزد خانواده و دوستان نزدیک از آن ایام و اتفاقات مختلفش سخن می گفت. اخلاق مداری و علاقه به وطن و حفظ انقلاب موجب شده بود که جانبازی اش در راه میهن را مانند یک راز بزرگ نزد خود و نزدیکان نگه دارد و هیچ گاه در محافل عمومی از آن یاد نمی نمود. ایشان همواره همجواری با محبوب و زیارت خانه خدا را بزرگترین آرزوی خود می دانست و برای انجام مناسک حج در قالب حج تمتع لحظه شماری می نمود.

در نهایت دست سرنوشت ایشان را در حالی که تنها ۵۳ سال سن داشت، در سحرگاه ۲۶ مرداد سال ۱۳۹۵ و در حوالی اذان صبح به معبود رساند.

دکتر محمدرضا طاهری:
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
درگذشت به سال ۱۳۹۵

دکتر محمدرضا طاهری در سال ۱۳۳۱ در شهر نفت سفید استان خوزستان در خانواده ای مذهبی و پدری حافظ قرآن کریم بدنیا آمد. دوره تحصیلات ابتدایی را در شهر هفتگل سپس دوره دبیرستان را در مدرسه کریم فاطمی (شهادی فعلی) با بالاترین نمرات به پایان رسانید. در اولین سال شرکت در آزمون سراسری ورود به دانشگاهها، در دانشگاه پلی تکنیک (صنعتی شریف فعلی) در رشته مهندسی برق شروع به تحصیل نمود ولی به علت شرایط بد اقتصادی درس را رها و به خدمت نظام وظیفه رفت. وی در دوره سربازی، شب هنگام با سختههای فراوان، به مطالعه می پرداخت که نتیجه آن قبولی مجدد در آزمون سراسری سال ۱۳۵۳ در رشته حسابداری دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران فعلی) بود. ایشان در حین تحصیل در نیروگاه زرگان به عنوان مسئول حسابداری مشغول به کار شد. او در سال ۱۳۵۳ در دانشگاه جندی شاپور قبول شد و در سال ۱۳۵۷ مدرک کارشناسی خود را دریافت نمود. مبارزات انقلابی ایشان با عضویت در گروه منصورون به همراه برادر شهیدش مهندس مصدق طاهری (فرمانده سپاه خرمشهر و معاون دفتر قضایی سپاه)، تا پیروزی انقلاب سپس در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان معاونت مالی منطقه ۸ سپاه ادامه یافت. ایشان تا سال ۱۳۶۲ همواره در خط اول جبهه ها و در عملیات مختلف حضور داشت. در سال ۱۳۶۲ با شرکت در آزمون کارشناسی ارشد به عنوان اولین گروه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حسابداری در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به تحصیل و در سال ۱۳۶۵ فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۶۶ به استخدام دانشگاه شهید چمران اهواز درآمد. با راه اندازی دوره دکتری رشته حسابداری در دانشگاه تهران، ایشان در این دانشگاه مشغول به تحصیل و به عنوان اولین فارغ التحصیل دکتری رشته حسابداری در سال ۱۳۷۱ با درجه عالی شناخته شد سپس دوره فوق دکتری حسابداری را در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ در دانشگاه ایالتی ایلینویز شیکاگو آمریکا به پایان رساند. از افتخارات علمی آن مرحوم می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کسب عنوان مرد سال حسابداری ایران در ۳ سال متوالی.
- انتخاب ایشان به عنوان یکی از ۲۰۰۰ محقق برجسته قرن ۲۱ توسط دانشگاه های آکسفورد انگلستان و استنفورد و نیآگارا آمریکا.
- چاپ ۱۸ مقاله علمی پژوهشی در داخل کشور و بیش از ۶۰ مقاله ISI در مجلات معتبر حسابداری دنیا.

- عضویت در هیات تحریریه: ۱- مجله علمی پژوهشی بررسی های حسابداری و حسابرسی دانشگاه تهران ۲- مجله علمی پژوهشی کمال مدیریت دانشگاه شهید بهشتی.
- مدیر گروه حسابداری و جذب هیات علمی و تغییر سر فصل دروس شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۷۸-۱۳۸۲.

- ثبت بیش از ۱۰ عنوان پایان نامه بصورت استاد راهنما در دوره دکتری و بیش از ۱۴۰ عنوان در دوره کارشناسی ارشد و تربیت هزاران دانشجو در دوره های کارشناسی رشته حسابداری در سراسر کشور اشاره کرد.

- از سوابق اجرایی ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد :
- ریاست دانشکده اقتصاد وعلوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز طی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۷۱.
 - معاونت آموزش و توسعه نیروی انسانی گروه ملی صنعتی فولاد ایران طی سالهای ۱۳۶۹-۱۳۷۲.
 - معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵.
 - معاونت برنامه ریزی و مالی- اداری استانداری خوزستان طی سالهای ۱۳۷۸-۱۳۷۹.
 - ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۵.
- ایشان تا ۱۳۸۳ به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با مرتبه علمی دانشیار پایه ۲۹ مشغول به کار بود که در این سال و در سن ۵۲ سالگی به افتخار بازنشستگی نائل شد. ایشان از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان به عنوان عضو هیات علمی مشغول به کار بود. سرانجام پس از عمری مجاهدت و کسب بالاترین مقامات علمی و تقوای الهی و پس از زیارت مرقد مقتدایش امام علی و مولایش حسین علیهم السلام و بازگشت از سفر معنوی اربعین حسینی، در تاریخ ۵ آذرماه ۱۳۹۵ قلبش از حرکت ایستاد و دعوت حق را لبیک گفت. بی شک ایران گوهر دردانه ای از دریای علم و تقوا را از دست داد که تا سالها جبران این خلاء طول خواهد کشید. از ایشان ۴ فرزند به نام های : ۱-دکتر ابودر طاهری ۲-مهندس سلمان طاهری ۳- مهندس میثم طاهری و ۴-مهندس کوثر طاهری به یادگار مانده است.

دکتر صادق رضایی:
عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر
در گذشت به سال ۱۳۹۶

شادروان دکتر صادق رضایی در دوم آبان ۱۳۳۴ در شهر بهبهان دیده به جهان گشود. او پس از سپری کردن دوره خردسالی، تحصیل دوره ابتدایی را از مهرماه ۱۳۴۱ در دبستان حجت در زادگاهش آغاز و در اردیبهشت ۱۳۴۷ به پایان رساند. از مهر ۱۳۴۷ برای گذراندن دوره اول متوسطه به دبیرستان ۲۵ شهریور بهبهان رفت و پس از اتمام آن، دوره دوم متوسطه را در دبیرستان محمدرضاشاه پهلوی بهبهان ادامه داد و در ۱۳۵۳ در رشته ریاضی دیپلم گرفت. او در بهمن ۱۳۵۳ در رشته آمار و کامپیوتر دانشگاه جندی شاپور اهواز پذیرفته شد و تحصیل خود را در این دانشگاه در بهمن ۱۳۵۸ با اتمام مقطع کارشناسی به پایان برد.

زنده یاد دکتر رضایی از همان اوان نوجوانی در کنار تحصیل، که همواره یکی از دانش آموزان ممتاز بهبهان بود، مرحوم پدر خود را در کسب روزی حلال با جدیت همراهی می کرد. از این رو اوقات خود را با کار و تحصیل پیوند زده بود. همین شرایط باعث شده بود که شخصیت منحصر به فردی پیدا کند و در میان دوستان خود شاخص باشد. از آغاز نهضت اسلامی مردم ایران، همواره در مبارزه و نیز فعالیت‌های گوناگون مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مشارکت فعال و حضور گسترده‌ای داشت. از زمانی که گروه اسلامی منصورون برای سازمان دهی فعالیت‌های نیروهای انقلاب در بهبهان شروع به کار نمود با این گروه همکاری داشت. پس از پیروزی انقلاب در کانون نشر فرهنگ اسلامی که نهادی مردمی و متشکل از دانشجویان و جوانان مسلمان انقلابی بود، به امور فرهنگی اشتغال داشت. از آغازین روزهای جنگ تحمیلی به همراه تعدادی از دوستان خود به جبهه‌های جنگ عزیمت نمود و به دیگر دوستان خود، از جمله سردران شهید اسماعیل دقایقی و دکتر مجید بقایی، پیوست. در آبان ۱۳۵۹ در جریان محاصره سوسنگرد، به همراه دیگر جان برکفان دفاع از سوسنگرد دو شبانه روز در محاصره کامل قرار گرفتند و در خلق حماسه مقاومت و دفاع از سوسنگرد مشارکت نمود.

زنده یاد دکتر رضایی از آغاز تأسیس و راه‌اندازی جهاد سازندگی، یکی از افراد کوشا و تأثیرگذار در این نهاد انقلابی در شهرستان بهبهان بود و به‌ویژه به روستاییان و مردم مناطق محروم حومه بهبهان خدماتی شایان کرد. در ۱۳۶۱ به جهاد سازندگی مرکز استان، شهرستان اهواز، عزیمت کرد و به عنوان نماینده امور شهرستان‌ها، ضمن تماس پیاپی با دفاتر جهاد شهرستان‌های استان و بازدیدهای مکرر، در جریان مسائل و مشکلات و نیز پیشنهادهای مناسب قرار می‌گرفت و با مشورت شورای مرکزی برای حل آنها اقدام می‌کرد.

او در مقطع کارشناسی ارشد گروه آمار دانشگاه تربیت مدرس، با اخذ رتبه ۳ در سهمیه رشته امتحانی خود، پذیرفته شد و در مهرماه ۱۳۶۲، برای ادامه تحصیل به تهران نقل مکان کرد. وی پس از گذراندن دوره مدرسی، این مقطع تحصیلی را در ۱۳۶۵ به پایان رساند.

آن عزیز سفر کرده همواره بر این باور بود که باید دین خود را به زادگاه خویش و استان محروم خوزستان ادا کند؛ بنابراین بدی آب‌وهوا و مشکلات دیگر نتوانست این باور را در او سست کند و به‌رغم اعلام نیاز به او از سوی دانشگاه تربیت مدرس و مراکز و مؤسسات دیگری در مرکز، مانند

دفتر نظارت و سنجش آموزش، و نیز درخواست دانشگاه‌های شهرهایی چون شیراز، یزد، کاشان، اراک و کرج برای عضویت به عنوان هیئت علمی آنها، به اهواز بازگشت و خدمت در دانشگاه شهید چمران را برگزید. او افزون بر تدریس، مسئولیت‌های گوناگونی مانند مدیریت گروه آمار، مدیریت امور اداری دانشگاه، قائم‌مقامی معاونت جنگ دانشگاه، عضویت در هسته تحقیق و نظردهی اولیه دانشگاه و عضویت در کمیته رسیدگی به شکایات ارزشیابی‌شوندگان را نیز بر عهده گرفت و پس از حدود پنج سال خدمت صادقانه، در اردیبهشت ۱۳۷۱ برای ادامه تحصیل رهسپار کشور استرالیا شد.

او در مدت نزدیک به چهارونیم سال اقامت در استرالیا موفق به گذراندن مقطع دکتری شد. عنوان رساله او «The mathematical analysis of crossover designs» (تحلیل ریاضی طرح‌های متقاطع) و استاد راهنمای او پروفسور ریچارد جرت بود. او در مهر ۱۳۷۵ به کشور خویش و شهر اهواز بازگشت و حدود پنج سال دیگر در دانشگاه شهید چمران و مراکز دیگر علمی و آموزشی، بویژه دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر و دانشگاه پیام‌نور تا اواخر دوره‌ی فعالیت به همکاری مستمر به تدریس و تربیت دانشجو اشتغال داشت.

او از سال ۱۳۸۰ تا پایان شهریور ۱۳۸۶ از دانشگاه شهید چمران برای خدمت در دانشگاه صنعتی امیرکبیر مأموریت گرفت و در آنجا به تدریس پرداخت. افزون بر آن، در سال آخر این مقطع (از شهریور ۱۳۸۵ تا شهریور ۱۳۸۶) در سازمان سنجش آموزش کشور در سمت مدیریت کل دفتر بررسی‌های فنی و آماری به همکاری و فعالیت پرداخت. پس از سپری‌شدن دوره مأموریت، از آغاز مهرماه ۱۳۸۶ به دانشگاه شهید چمران بازگشت و تا بهمن ۱۳۸۹ در آنجا به خدمت خود ادامه داد.

شادروان دکتر رضایی در بهمن ۱۳۸۹ بنا به ضرورت، به دانشگاه صنعتی امیرکبیر منتقل شد و تا واپسین لحظات حیات خویش، عضو هیئت علمی آن دانشگاه بود. او از هنگام انتقال به این دانشگاه تا هنگامی که بیماری مانع حضورش در دانشگاه شد، همواره به تدریس و تربیت دانشجو و دیگر فعالیت‌های علمی اشتغال داشت. او سرانجام پس از تحمل بیش از دو سال دوره بیماری و به‌رغم تلاش‌ها و رسیدگی‌های گوناگون پزشکی، در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ به دیار باقی شتافت و در بهشت زهراي تهران (قطعه ۳۰۰، ردیف ۸۴، شماره ۶۹) آرام گرفت.

درخور ذکر است که زنده‌یاد دکتر رضایی در سال ۱۳۶۰ با دختری از همشهریان خویش ازدواج کرد. حاصل این ازدواج سه فرزند به نام‌های احمدرضا (متولد ۱۳۶۲)، مصطفی (متولد ۱۳۶۵) و محمودرضا (متولد ۱۳۶۷) بود. همه فرزندان او به تحصیل علم روی آوردند و در ادامه راه پدر مدارج عالی علمی را طی نمودند. فرزند بزرگتر ایشان، احمد، پس از اخذ کارشناسی ارشد در رشته مهندسی پزشکی از دانشگاه امیرکبیر، دکتری خود را در همین رشته از کشور بلژیک اخذ نمودند. فرزند دوم ایشان، مصطفی، نیز هم‌اکنون در حال طی دوره دکتری خود در کشور کانادا هستند. محمود، سومین و آخرین فرزند دکتر رضایی، کارشناسی ارشد خود در رشته مهندسی برق از دانشگاه تهران کسب کردند.

دکتر علی عمیدی:
 عضو هیئت علمی انتقالی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر
 درگذشت به سال ۱۳۹۶

دکتر علی عمیدی، استاد برجسته گروه آمار و معاون اداری و مالی دانشگاه جندی شاپور در زمان ریاست دکتر عباس جامعی، در ۲۱ بهمن‌ماه سال ۱۳۱۲ در شهرستان گلپایگان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و سیکل اول دبیرستان را در گلپایگان سپری کردند و وارد دانشسرای مقدماتی آن شهرستان شدند. پس از گذراندن دوره‌ی دو ساله دانشسرا با کسب رتبه‌ی اول برای ادامه تحصیل به تهران آمدند و سال ششم ریاضی را در دبیرستان دارالفنون به پایان بردند و در ادامه از دانشکده‌ی علوم ریاضی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به اخذ درجه لیسانس در رشته ریاضی نائل آمدند.

بقیه‌ی ماجرای زندگی این استاد بزرگ از زبان همسر فداکار و بزرگوار ایشان نقل می‌شود، ایشان دربارہ‌ی سرگذشت علمی و زندگی دکتر عمیدی گفته‌اند:

«پس از اتمام تحصیل او در رشته ریاضی دانشکده‌ی علوم ریاضی دانشگاه تهران، زندگی مشترکمان آغاز شد. در آن زمان به دلیل امکانات رفاهی و مالی ویژه‌ای که در خوزستان برای فرهنگیان فراهم بود، اکثر فارغ‌التحصیلان ممتاز، این منطقه را برای کار انتخاب می‌کردند و همسر من نیز به دلیل اینکه از دبیران زبده و فارغ‌التحصیلان رده‌ی اول در آن خطه بودند، در آبادان به خدمت آموزش و پرورش در آمد. پس از گذشت زمان کوتاهی از شروع کار، پدرش را از دست داد. در این زمان، وی مادر و خواهری خردسال و چهار برادر دانشجو داشت که همگی در بهترین دانشگاه‌های کشور همزمان مشغول تحصیل بودند. ایشان فرزند ارشد خانواده بودند و آن حس عمیق احساس مسئولیت که همیشه در وجودش غالب و حاکم بود، باعث شد که وظیفه پدری خانواده نیز بر دوش ایشان بیفتد. سالهای سختی آغاز شد، روزها تدریس در کلاس درس و بعد تا پاسی از شب تدریس در کلاس‌های شبانه، تا اینکه اولین برادر که در کنکور پزشکی رتبه اول شده بود، تحصیلات خود را پایان داد و برای طی مدارج تخصصی به آمریکا رفت و برادران دیگر نیز یکی پس از دیگری در رشته‌های پزشکی و مهندسی فارغ‌التحصیل شدند. با تمام مشغله‌ای که داشت و در تمام آن سال‌هایی که سخت مشغول کار بود، عشق و علاقه خود را به تحصیل و آموختن و تحقیق در ریاضیات فراموش نکرد. در سال ۱۳۴۷ دانشگاه جندی شاپور اهواز با انتقال وی از آموزش و پرورش و استخدام او به عنوان مدرس در دانشکده علوم اهواز موافقت نمود. وی با پشتکاری فراوان موفق به اخذ پذیرش جهت ادامه تحصیل در خارج از کشور شد و در سال ۱۳۴۹ در سن ۳۷ سالگی این بار در کنار مسئولیت خانواده‌ای با چهار فرزند ادامه‌ی تحصیل تا مدارج علمی بالاتر را نوبت خود دانست. پس از اخذ دکترای احتمالات در فرانسه بارها از طرف دانشگاه نانسی در آن کشور و همچنین چند دانشگاه و موسسه دیگر در پاریس پیشنهاد اقامت و شروع همکاری داده شد، ولی در بازگشت به کشور و تدریس در ایران نه تنها تردید نداشت؛ بلکه تعجیل کرد». چهار فرزند وی نیز در تحصیل و تخصص‌های گوناگون هر یک سرآمد شدند.

استاد دکتر جواد بهبودیان دوست و همدرس دکتر عمیدی در دوران دانشگاه، دربارہ‌ی استاد عمیدی چنین می‌گوید:

«دکتر عمیدی در دانشگاه اهواز با دید و دانش و تجربه‌های ارزنده‌ی خود افتخار آفرید. بعد از مدتی کوتاه یک کتاب در زمینه احتمال منتشر کرد و بر اساس پژوهش‌های لازم و توانایی بالا در آموزش به درجه‌ی دانشیاری و معاونت دانشگاه اهواز نائل گردید. خدمات علمی و اداری سودمند دکتر عمیدی همواره زبانزد همکاران اوست و فراموش نمی‌شوند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر موقعیت اداری که در پیش از انقلاب داشت، مجبور شد از اهواز به تهران کوچ کند. خوشبختانه به جهت مقام علمی و شخصیت والايش، توانست در مرکز نشر دانشگاهی، دانشگاه تربیت مدرس و از سال ۱۳۷۰ در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس مشغول گردد. چندین دانشجو پایان‌نامه‌ی خود را با راهنمایی دکتر عمیدی نگاشته‌اند و چندین کتاب به همت او تالیف ترجمه یا ویراستاری شده‌اند. دکتر عمیدی در کنفرانس‌های آمار ریاست جلسه عمومی را با توانایی بی‌نظیر بر عهده داشته است.

استاد همواره برای معلم بودن بر عظوفت روحی معلم، داشتن قلبی پُر از مهر و علاقه به همه‌ی انسان‌ها برای ایجاد انگیزه و ایجاد شور و شوق زیستن و دور بودن از کینه‌توزی و خشم و ترویر و ربا تاکید می‌نهاد. ایشان می‌گفتند: شنیدن و دانستن آنچه بر دیگران گذشته است از نیازهای انسان‌هاست و تحقیق اندوختن تجربه‌ای است که راه دشوار کار و زندگی را آسان می‌کند و اعتقاد داشت که: امید در همه‌ی اوقات مصاحب عالمیان و ملازم آدمیان است. نومی‌ی را رواج دادن، اصلاح جامعه را ناممکن دانستن، تخم بی‌ایمانی به رشد آینده‌ی جامعه را کاشتن، کار معلم نیست».

سرانجام در حدود ۱۵ سال قبل و در غروب دلگیر و غم‌انگیز روز ۸۱/۸/۳۰ این استاد فرزانه برای شرکت در جلسه‌ی آمار در ایستگاه اتوبوس منتظر رسیدن وسیله بودند که موتورسواری نابخرد، در خط ویژه‌ی اتوبوس وی را زیر گرفته و بر زمین کوبید و صحنه تصادف را ترک کرد. بعد از چند ساعت پیکر خون آلود و متورم استاد از این بیمارستان به آن بیمارستان با عفریت مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد. بهترین پزشکان و متخصصین در بیمارستان پارس بر بالینش حاضر شدند و با تلاش بی‌وقفه توانستند او را از مرگ نجات دهند. ولی آن مغز بزرگ ضربه‌ای سخت خورده بود. پنج ماه در کما بود و پس از آن نیز یک زندگی سراسر سکوت را در بستر بیماری گذارید تا اینکه سرانجام در دوم شهریور ماه ۱۳۹۶ جان به جهان آفرین تسلیم کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

الف) افتخارات و سوابق کسب شده در طول خدمت:

- ۱- استاد نمونه‌ی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۷.
- ۲- کسب امتیاز و جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی سال ۱۳۷۹ (تالیف دو جلد کتاب نظریه‌ی نمونه‌گیری و کاربرد آن).
- ۳- برنده‌ی کتاب سال دانشگاه تهران سال ۱۳۷۹.
- ۴- دریافت ده‌ها لوح تقدیر از دانشگاه شهید بهشتی به مناسبت تألیف‌ها و ترجمه‌های کتب ریاضی و آمار در سطح دانشگاهی.
- ۵- دریافت تقدیر از انجمن ریاضی ایران به مناسبت خدمات علمی در بالا بردن سطح ریاضی کشور، ۱۳۸۰.

۶- دریافت تقدیر از سوی انجمن آمار ایران به مناسبت خدمات علمی در بالا بردن سطح علم آمار در ایران (۱۳۸۰).

۷- دریافت تقدیر و جایزه از سوی مرکز آمار ایران به عنوان استاد نمونه در زمینه علم آمار (سال ۱۳۷۹).

ب) فعالیت‌های آموزشی:
دروس مورد علاقه تدریس و مطالعاتی: نظریه‌ی نمونه‌گیری استنباط آماری پارامتری و ناپارامتری

- ج) فهرست کتاب‌های انتشار یافته
- ۱- احتمال، انتشارات دانشگاه اهواز.
 - ۲- مجموعه‌ای درباره برآورد، انتشارات دانشگاه اهواز.
 - ۳- احتمال و کاربردهای آن، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۴- نمونه‌گیری، جلد اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۵- نمونه‌گیری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۶- نظریه‌ی نمونه‌گیری و کاربردهای آن، جلد اول، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۷- نظریه‌ی نمونه‌گیری و کاربردهای آن جلد دوم انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۸- ریاضیات گسسته پیش‌دانشگاهی (با همکاران) - انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- د. ترجمه‌ها
- ۱- آنالیز مختلط و کاربردهای آن (چاپ ۱ و ۲ و ۳) انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۲- استنباط آماری ناپارامتری (با همکار) انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۳- مبانی نظریه تصمیم، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۴- ریاضیات انتخاب، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۵- دانستنی‌های اعداد بزرگ، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۶- آمار ریاضی (چاپ‌های اول تا پنجم با همکار) انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۷- آمار کاربردی، جلد اول، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۸- آمار کاربردی، جلد دوم، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۹- ریاضیات گسسته و ترکیباتی (جلد اول)، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۰- ریاضیات گسسته و ترکیباتی (جلد دوم)، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۱- اصول آمار زیستی (جلد اول)، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۲- اصول آمار زیستی (جلد دوم)، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۳- آمار برای مدیریت و اقتصاد (دو جلد با همکاران)، انتشارات دانشکده اقتصاد وزارت دارایی.
 - ۱۴- جلد اول فرهنگ دانشنامه‌ی آمار (با همکاران)، انتشارات پژوهشکده آمار ایران.
 - ۱۵- آمار در بازرگانی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۶- آمار ریاضی فروند (با همکار) انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ه. ویرایش‌های علمی
- ۱- نظریه نمونه‌گیری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

- ۲- نظریه مقدماتی احتمال و فرایندهای تصادفی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۳- مفاهیم و روش‌های آماری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۴- تحلیل واریانس و طرح آزمایش‌ها، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۵- آشنایی با فرایندهای تصادفی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۶- نظریه آمار دو جلد، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی (کتاب سال).
 - ۷- مسائل مسابقه‌های ریاضی آمریکا، جلد اول، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۸- گزیده‌هایی از نظریه اعداد، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۹- اصول آماری و طرح آزمایش‌ها (دو جلد)، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۰- علم و هنر شبیه‌سازی سیستم‌ها، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی (کتاب سال).
 - ۱۱- تحلیل چند متغیره، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۲- مبانی نظریه صف، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۳- آمار ناپارامتری کاربردی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی (کتاب سال).
 - ۱۴- جبر ماتریسها برای علوم زیستی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۵- مبانی آمار مهندسی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۶- استنباط آماری ناپارامتری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۷- فرایندهای تصادفی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۸- واژه‌نامه‌ی نامه ریاضی (با همکاران)، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۱۹- طرح و تحلیل آزمایش‌ها، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۲۰- نظریه‌ی گراف، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۲۱- تحلیل رگرسیون کاربردی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۲۲- ابتکارهایی در ریاضیات، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۲۳- آمار ریاضی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۲۴- آشنایی با نظریه صف‌بندی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۲۵- ریاضی برای آمار، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۲۶- مقدمه‌ای بر آمار و احتمال، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
 - ۲۷- فرایندهای تصادفی، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
 - ۲۸- طرح آزمایشها (دو جلد)، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - ۲۹- آشنایی با کنترل کیفیت، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
 - ۳۰- تحلیل بقا، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- (و) فهرست مقالات انتشار یافته:
- مقالات داخلی:

- ۱- آزمون گری برای نرمال بودن، مجله‌ی اندیشه‌ی آماری، شماره‌ی اول سال ۱۳۷۵
- ۲- توزیع‌های احتمال لاگرانژی، مجموعه مقالات سومین کنفرانس آمار کشور سال ۱۳۷۵
- ۳- مروری بر توزیع بورل-تائر مجله اندیشه‌ی آماری شماره‌ی دوم سال ۱۳۷۸
- ۴- مدل‌های توزیع و تابع خطر، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس آمار کشور سال ۱۳۷۹

دکتر یدالله دلاویز عضو هیئت علمی دانشکده علوم درگذشت به سال ۱۳۹۶

دکتر یدالله دلاویز در مهر سال ۱۳۲۸ در روستای گرس از توابع شهرستان باشت استان کهگیلویه و بویراحمد متولد شد. وی با حمایت و تشویق مرحوم حاج حیاتی اندرزی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اسدی باشت شروع و دوره راهنمایی را هم در زادگاه خود به اتمام رساند. دکتر دلاویز با توجه به ضریب هوشی بسیار بالای خود، دوران دبیرستان را در رشته علوم طبیعی مدرسه کوروش کبیر شهرستان گچساران با معدل بالا و به عنوان یکی از ممتازترین دانش آموزان تاریخ این مدرسه با موفقیت به پایان رساند. همچنین در سال ۱۳۴۵ همزمان در دو رشته پزشکی جندی شاپور اهواز و شیمی دانشگاه تهران قبول که نهایتاً به خاطر علاقه خود، رشته شیمی دانشگاه تهران را انتخاب کرد. دکتر دلاویز دوران کارشناسی ارشدش را در در دانشگاه پلی تکنیک امیرکبیر گذراند و از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با مرتبه مربی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه جندی شاپور اهواز (شهید چمران اهواز) مشغول به تدریس بود. این محقق فرهیخته برای ادامه تحصیل کشور آمریکا را انتخاب کرد و در دانشگاه سیراکیوس ایالت نیویورک (Syracuse University) که یکی از بهترین دانشگاههای این کشور می باشد، موفق به اخذ دکتری شد.

با توجه به طبقه بندی کارنگی موسسات آموزش عالی، دانشگاه سیراکیوس، یک دانشگاه تحقیقاتی با سطح بالایی از فعالیت های پژوهشی است به گونه ای که برخی از دانش آموختگان این دانشگاه در حال حاضر جزء مقامات بلند پایه و برجسته سیاسی، علمی و اقتصادی دنیا میباشند که عبارتند از:

رابرت جارویک وزیر بهداشت و خدمات درمانی سابق ایالات متحده
آیلین کالینز اولین فرمانده زن شاتل فضایی
رابرت جارویک مخترع اولین قلب مصنوعی
مرتضی قریب عضو هیئت علمی دانشگاه کلتک

دکتر دلاویز را با توجه به توانایی علمی که در حوزه شیمی (پلیمری) داشت یکی از بهترین و بزرگترین کمپانیهای آمریکا با سرمایه چند ده میلیارد دلاری خود که در حال حاضر در ۶۰ کشور دنیا فعالیت دارد دعوت به همکاری کرد و نهایتاً ایشان پذیرفت و تا آخر عمر پر ثمر خود در این کمپانی پروژههای تحقیقاتی بزرگی را که نه فقط در کشور آمریکا بلکه در دنیا منشاء اثر میباشند، مدیریت کرد. وی به همراه تیمهای تحقیقاتی خود در جهان شناخته شده و تا قبل از پایان حیاتش ۲۳ نوآوری و اختراع در حوزه پلیمری داشته و انحصار حقوق مالکیت معنوی این پتنتها که ۴۰ کاربرد صنعتی دارد به اسم ایشان و تیمهای تحقیقاتی در کشور آمریکا ثبت شده است به گونه ای که در سال ۲۰۱۴ به خاطر ثبت بیشترین پتنتها Patents مفتخر به کسب مدال برنز شد.

سرانجام این مخترع و شیمیدان برجسته بعد از سالها تحقیق و پژوهش (در زمینه پلیمری) در سحرگاه ۸ آذرماه سال ۱۳۹۶ بر اثر بیماری در سن ۶۸ سالگی در گذشت و در شهر کلمبوس ایالت اوهایو آمریکا به خاک سپرده شد.

دکتر تقی وحیدیان کامیار: استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی در گذشت به سال ۱۳۹۶

دکتر تقی وحیدیان کامیار، ادیب و زبان‌شناس برجسته‌ی کشور در روز چهارم بهمن ماه سال ۱۳۱۳ در محله‌ی پاچنار مشهد دیده به جهان گشود. وی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش مشهد به اتمام رساند. سپس حدود سه سال به تحصیل در هنرستان صنعتی مشغول شد ولی به دلیل عدم امکان ادامه تحصیل در هنرستان و علاقه‌اش به ادبیات، تغییر رشته داد و دیپلم ادبیات گرفت. دکتر تقی وحیدیان سپس در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد و مدت‌ها به شغل معلمی پرداخت، وی پس از چندسال اشتغال به کار معلمی در کنکور سراسری شرکت کرد و در سال ۱۳۳۶ در دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد. موضوع رساله کارشناسی دکتر وحیدیان کامیار در رابطه با بررسی هنر داستان نویسی از نوع فابل (داستان جانوران و پرندگان) بود. وی پس از اتمام دوره کارشناسی، در سال ۱۳۴۸ به دانشگاه تهران رفت و در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی به درجه‌ی کارشناسی ارشد نائل آمد. موضوع رساله‌ی کارشناسی ارشد ایشان، تکیه (آکسنت) در زبان فارسی بود. ایشان سپس در دوره‌ی دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدند و سرانجام نیز مدرک دکترا را در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی اخذ نمودند. موضوع رساله‌ی ایشان در دکترا نیز «نوی گفتار در فارسی» بود.

دکتر تقی وحیدیان کامیار در طول دوران تحصیل خود در محضر استادان و فرهیختگان بزرگی تلمذ کردند که بسیاری از آنان اساتید و زبان‌شناسان بزرگ روزگار معاصرند. استادان برجسته‌ای مانند: دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر علی اکبر فیاض و... . از جمله‌ی استادانی که تأثیر زیادی در زندگی دکتر وحیدیان داشت آقای سید احمد خراسانی بود. آقای دکتر میلانیان نیز از اساتید دکتر وحیدیان کامیار بود و ایشان اینگونه از دکتر میلانیان یاد می‌کنند: «زمانی که در فرهنگستان زبان کار می‌کردم آقای دکتر میلانیان نیز در آنجا کار می‌کردند و هر بار که وارد اتاق می‌شدند به احترامشان از جا بلند می‌شدم. یک روز اعتراض کردند که ما همکار هستیم؛ چرا هر دفعه بلند می‌شوی. گفتم دست خودم نیست، نمی‌توانم، اگر صد بار هم وارد اتاق شوید بی-اختیار از جایم بلند خواهم شد» این مسأله نشان می‌دهد که دکتر تقی وحیدیان چقدر برای استادان خود احترام ویژه‌ای قائل بودند.

دکتر تقی وحیدیان کامیار سپس در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه جندی شاپور اهواز و با درجه‌ی استادیاری، استخدام شد. ایشان با توجه به سوابق خدمتشان در فرهنگستان زبان و ادب فارسی خیلی سریع به درجه‌ی دانشیاری و بعد از آن طی گذشت ۵ سال به درجه استادی نائل شدند. این پژوهشگر و زبان‌شناس برجسته سرانجام پس از ۱۹ سال خدمت در دانشگاه شهید چمران اهواز بنا به درخواست خویش، به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شدند و تا پایان دوران بازنشستگی به فعالیت‌های پژوهشی و پرورش نسل جوان مشغول بودند. این استاد پیشکسوت همزمان با زادروز خویش یعنی چهارم بهمن ماه امسال (۱۳۹۶) در سن ۸۳ سالگی چشم از جهان فرو بست. روحش شادو یادش گرامی باد.

دکتر علی وحیدیان برادر مرحوم دکتر تقی وحیدیان می گوید: ایشان در هر مسافرتی و حتی هر مهمانی که می رفت همیشه در حال خواندن کتاب بود یا در حال نوشتن کتاب یا مقاله بودند حتی عکسی داریم که در بیمارستانی که بستری بودن در حال نوشتن مقاله یا کتاب هستند. دکتر تقی وحیدیان در طول سالیان بسیاری که به امور پژوهشی و تدریس مشغول بوده آثار ارزشمند بسیاری از خود به جای گذاشته است. از ایشان حدود ۹۰ مقاله در مجلات معتبر به چاپ رسیده و به صورت دو مجموعه مقاله به نام‌های «حرفهای تازه در زبان و ادبیات» و «در قلمرو زبان و ادبیات» مجدداً به چاپ رسیده است. همچنین از ایشان ۱۶ جلد کتاب منتشر شده است برخی از کتاب‌های ایشان بر مبنای روش‌های نوین و ابتکاری به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند و هم‌اکنون در اکثر دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شوند. کتاب‌های ایشان به قرار زیر است:

- ۱- دستور زبان عامیانه فارسی، انتشارات کتابفروشی باستان، ۱۳۴۳.
- ۲- دستور فارسی با روش نو، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۴.
- ۳- بررسی وزن شعر عامیانه فارسی، انتشارات آگاه، ۱۳۵۷.
- ۴- نوای گفتار در فارسی، دانشگاه شهید چمران دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۷، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۵- وزن و قافیه شعر فارسی (کتاب درسی)، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۶- وزن شعر و قافیه (قافیه و عروض، کتاب درسی)، چاپ دهم، وزارت آموزش و پرورش.
- ۷- فرهنگ نام آوایی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۵.
- ۸- دستور زبان فارسی دبیرستان (کتاب درسی، سال اول)، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶.
- ۹- بررسی منشأ وزن شعر فارسی، آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- ۱۰- دستور زبان فارسی دبیرستان (کتاب درسی، سال دوم)، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷.
- ۱۱- دستور زبان فارسی دبیرستان (کتاب درسی، سال سوم)، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸.
- ۱۲- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، انتشارات دوستان، ۱۳۷۹.
- ۱۳- دستور زبان فارسی ۱، کتاب دانشگاهی، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۱۴- فرهنگ قافیه در زبان فارسی (کتاب درسی)، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۱.
- ۱۵- تصحیح دیوان کاتبی نیشابوری (با همکاری آقای جوادی‌نیا و آقای خومحمدی). انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.
- ۱۶- دستور زبان فارسی گفتاری، مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی، سازمان ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۴.

دکتر سردار شهبابی:
عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی
درگذشت به سال ۱۳۹۶

دکتر سردار شهبابی در سال ۱۳۱۴ ش در شهرستان دیلم استان بوشهر متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرهنگ شهرستان آبادان در سال ۱۳۲۷، تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی همان شهرستان به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۴ موفق به دریافت دیپلم گردید. مقطع کارشناسی را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات عربی در سال ۱۳۴۳ به پایان رسانید. تمام دروس دوره دکترا را بجز رساله در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ به پایان رسانید و در ۱۳۷۲ موفق به گذراندن رساله دوره دکترا گردید. عنوان پایان نامه دوره دکترای ایشان «تحقیق و بررسی در باره قیام های عمده شیعی و تاثیر آن بر ادبیات عربی تا انقراض حکومت بنی امیه» می باشد.

دکتر شهبابی در ۱۳۵۶ از وزارت آموزش و پرورش به وزارت علوم منتقل گردیدند. وی در سال ۱۳۵۸ به مرتبه مربی و در سال ۱۳۷۲ به مرتبه استادیاری و در سال ۱۳۷۹ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافتند.

عناوین کتب ثبت شده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به قرار زیر است:

۱. قضایای قرآنی در دایره المعارف بریتانیا، نقد مطاعن و رد شبهات، سال ۱۳۷۷
۲. علوم قرآنی، سال ۱۳۸۴
۳. ره یافتی به علوم نهج البلاغه، سال ۱۳۸۸
۴. گفتاری درباره فرزند شهید پیامبر صلی الله علیه و آله، سال ۱۳۹۰
۵. ترجمه کتاب مبادی العربیه، دانشگاه شهید چمران اهواز
۶. تعلیم المحادثه العربیه ((آموزش مکالمه عربی))، دانشگاه شهید چمران اهواز
۷. مثنوی پارسانامه (ترجمه و شرح منظوم خطبه ها و نامه حضرت علی (ع) به امام حسین (ع))، دانشگاه شهید چمران اهواز

پاره ای از مسئولیت های اجرایی ایشان به قرار زیر است:

۱. ریاست دبیرستان خلیج فارس آبادان
۲. ریاست دبیرستان انصاری آبادان
۳. ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران به مدت ۱۶ سال
۴. ریاست اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

دکتر عباس جامعی: ریاست دانشگاه جندی شاپور (از یکم مهرماه ۱۳۴۹ تا پیروزی انقلاب اسلامی) درگذشت به سال ؟

دکتر عباس جامعی در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان وثوق تهران شروع کرد و در دبیرستان ایرانشهر ادامه دارد و در سال ۱۳۲۳ از دبیرستان مزبور فارغ التحصیل گردید. در همان سال، تحصیلات دوره عالی را دانشکده حقوق تهران شروع کرد و پس از طی دوره مربوطه موفق به دریافت درجه لیسانس علوم سیاسی شد. پس از آن دکترای حقوق بین الملل را از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس سپس دکترای اقتصاد را از دانشگاه تهران دریافت نمود. تحصیلات متفرقه ایشان در رشته‌های آمار، تحقیقات اقتصادی و اجتماعی در لبنان، فرانسه و ژاپن بود. مشاغل آقای دکتر جامعی از بدو خدمت به قرار زیر بود:

- ۱- رئیس گروه آمارهای اقتصادی آمار عمومی سابق
- ۲- رئیس اداره آمار وزارت کار
- ۳- رئیس کل آمار و بررسی وزارت بازرگانی سابق
- ۴- مدیر کل مطالعات نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی
- ۵- رئیس مرکز آمار ایران (از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۴۸)
- ۶- معاون آموزشی و پژوهشی وزارت علوم و آموزش عالی
- ۷- رئیس دانشگاه جندی شاپور

هنگامی که آقای دکتر جامعی در قسمت‌های مختلف مشغول به کار بود، بالغ بر ۵۰۰ جلد کتاب آماری، تحقیقات اجتماعی و اقتصادی منتشر کرد که از آن جمله نشریات سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۴۵، فرهنگ آبادی‌های کشور و دو جلد کتاب مربوط به آموزش ابتدائی و پیکار با بیسوادی را می‌توان نام برد.

تخصص وی بیشتر در روش تحقیق و مطالعه بود و طرح‌های موفقیت‌آمیزی را اجرا کرد از جمله طرح اندازه‌گیری مصرف خانوار در مناطق روستایی، اندازه‌گیری تولیدات کشاورزی، طرح سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ و به خصوص برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه جندی شاپور که با استفاده از تجارب فراوان انجام گرفت.

در زمان ریاست دکتر عباس جامعی در جهت توسعه دانشکده پزشکی، بیمارستان گلستان که سرآمد بیمارستان‌های استان خوزستان بود، تأسیس شد و پزشکان متخصص بسیاری جذب دانشگاه شدند. از دانشگاه‌های هر گوشه دنیا دانشجویان مقطع دکتری بورسیه شدند تا متعهد به تدریس در دانشگاه جندی شاپور شوند. عده بسیاری از دانش‌آموخته‌های ممتاز داخل کشور نیز بورسیه شدند و به خارج اعزام شدند تا کادر آموزشی دانشگاه تقویت شود. او برای تأمین رفاه پرسنل دانشگاه نیز تلاش می‌کرد. شهرک دانشگاه فعلی در منطقه گلستان اهواز، در واقع شرکت تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه جندی شاپور، با کمک او شکل گرفت و انصافاً یکی از بزرگترین پروژه‌های خانه‌سازی در استان بود که با استفاده از روش‌های نوین خانه‌سازی اجرا شد. بد نیست گفته شود که او برای اینکه کار احداث این شهرک مسکونی با جدیت بیشتری پیگیری شود؛ خود نیز عضو این تعاونی مسکن شد. بسیاری از اقدامات عمرانی انجام شده پیش از انقلاب در دانشگاه به زمان تصدی‌گری وی نسبت داده می‌شود. دکتر جامعی سال‌های آخر عمرش را در خارج از کشور سپری کرد و در همان جا دار فانی را وداع گفت.

دکتر فریدون افتخار شاهرودی درگذشت به سال ۱۳۸۷

دکتر فریدون افتخار شاهرودی، ۲۹ خرداد ۱۳۱۸ در محله‌ی باغ عنبر مشهد چشم به جهان گشود. وی دوران ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد. خانواده‌ی پدری او از جمله پدر و پدربزرگش در رشته‌های مرتبط با دندان پزشکی تحصیل کرده بودند؛ به همین خاطر با توجه به سابقه‌ی کاری پدر و پدربزرگ، ایشان نیز به ادامه‌ی تحصیل درشاخه‌های پزشکی تشویق شدند؛ اما وی به دلیل علاقه‌ی زیاد به رشته‌ی کشاورزی، سه سال دوم متوسطه را به دانش‌سرای کشاورزی رفتند. ایشان بعد از گذراندن این دوران به تدریس در مدارس پرداخت؛ اما از آنجا که با مدرک دانشسرا امکان ادامه‌ی تحصیل فراهم نبود، دیپلم طبیعی خود را دریافت کرد و در سال ۱۹۶۱م در رشته‌ی کشاورزی دانشگاه فردوسی پذیرفته شد.

پس از یک سال، دانشکده‌ی کشاورزی مشهد منحل شد و مسئولان دانشگاه، دانشجویان را بین دانشگاه‌های اهواز، شیراز و تبریز تقسیم کردند. دکتر افتخار شاهرودی به اهواز مهاجرت کرد و در آنجا با گذراندن سه سال باقی‌مانده‌ی تحصیلات، مدرک فوق لیسانس کشاورزی را از دانشگاه جندی شاپور دریافت کرد و حدود دو سال در همان دانشگاه به فعالیت مشغول شد. وی در مصاحبه‌ای درباره‌ی ماجرای انتقال خود به دانشگاه اهواز می‌گوید: «دوره‌ی من چهار سال به طول انجامید؛ ولی فوق لیسانس می‌دادند و من چهار سال را پشت سرهم گذراندم. یک سال اینجا بودم و سه سال هم در اهواز بودم. اساتید آنجا از طرف سازمان ملل بودند؛ ولی همه پروفیسور بودند و دانشگاه اهواز در رشته‌ی کشاورزی شاید در آن زمان جزء قوی و غنی‌ترین دانشکده‌های ایران بود. بعد از فارغ التحصیلی در همانجا (اهواز) استخدام شدم و در گروه زائولوژی و جانورشناسی و ژنتیک مشغول به کار شدم و حدود دو سال آنجا کار کردم».

سپس به پیشنهاد پروفیسور هندرسون در سال ۱۹۶۵، جهت ادامه تحصیل با هزینه‌ی شخصی به آمریکا سفر کرد. وی در حین تحصیل به کار و تدریس نیز مشغول بود و از آنجا که همیشه شاگرد اول بود از تخفیف‌های آن دانشگاه استفاده کرد. دکتر افتخار شاهرودی در این باره می‌گوید: «ایده‌هایی داشتم و یک ابتکارهایی انجام می‌دادم. خلاصه پروفیسور هندرسون که رئیس دانشکده بود گفت که شما باید بروی و ادامه تحصیل بدهی؛ چون شما استعداد داری. آن موقع بورس نبود و من نه از خانواده‌ام کمک تحصیلی گرفتم و نه از دولت، به آمریکا رفتم چون در تمام دروس A گرفتم و در بین آمریکاییها و ژاپنی‌ها و... شاگرد اول شدم». ایشان در سال ۱۹۷۲ پس از دفاع از رساله دکتری از دانشگاه ارگان در زمینه اصلاح گاو گوشتی در آمریکا با وجود مخالفت دانشگاه با بازگشت وی به ایران و نگره‌داشتن مدرکشان جهت اشتغال به کار در آمریکا، بدون دریافت مدرک به ایران بازگشتند تا ۳ سال بعد سفارت ایران در آمریکا مدرک دکترای ژنتیک ایشان را از دانشگاه دریافت کرد.

دکتر افتخار شاهرودی بعد از بازگشت از آمریکا، در دوره‌ای انتخاب بین تدریس در شاخه‌ی پزشکی و کشاورزی و همچنین انتخاب دانشگاه محل کار بین مشهد و اهواز بالاخره دانشگاه اهواز و رشته‌ی کشاورزی را برگزیده و بعد از چند سال تدریس در این دانشگاه در سال ۱۳۶۳ به دانشگاه مشهد منتقل شدند. ایشان در این زمینه می‌گوید: «استخاره کردم و دیدم که هر دویشان خوب آمد؛ ولی اهواز کمی بهتر آمد؛ بنابراین به اهواز رفتم و آنجا در دانشکده علوم بودم تا اینکه

جنگ شروع شد. من قلبم یک مقداری مسئله دارد و بعد از ۴ و یا ۵ سال بعد از شروع جنگ از اهواز آمدم که در حدود سال ۱۳۶۳ ه.ش بود، و از آن موقع تا الان در مشهد هستم. صحبت این بود که کشاورزی بروم یا علوم که خودم تصمیم گرفتم به کشاورزی بروم چون کار دکترایم روی حیوانات مزرعه بود. این بود که بهتر دیدم به این رشته بروم؛ البته دانشکده علوم درس می‌دادم، تهران درس می‌دادم و تربیت مدرس، دانشگاه تهران هم درس می‌دادم».

دکتر فریدون افتخار شاهرودی با توجه با پشتکار و استعداد بسیار بالای خود، توانستند فوق دکترای خود را در هم رشته بیومتریک (آمارحیاتی) کسب کنند. ایشان در آن زمان در کنار تحصیل در گروه آمار دانشگاه آمریکا نیز تدریس می‌کردند و مشاور آماری مرکز تحقیقات پزشکی ارگان نیز بودند؛ بنابراین بعد از بازگشت به ایران رشته‌ی آمار را در کشور پایه‌گذاری و تأسیس کردند. ایشان همچنین اولین گروه فوق لیسانس ایران در علوم دامی را در دانشکده کشاورزی راه اندازی نمودند. دکتر افتخاری شاهرودی درباره تأسیس رشته‌ی آمار در ایران که ابتدا در دانشگاه اهواز پا گرفت می‌گوید: «چون خودم (ریکورت) دانشگاه اهواز بودم؛ یعنی از طرف رئیس دانشگاه به من واگذار شده بود، می‌توانستم استخدام بکنم؛ بورس بفرستم. برای اینکه گروه آمار را، راه-اندازی کنیم به ۵ نفر نیاز داشتیم. آن وقت این ۵ نفر این طور بود که یکی (فریبرز خراسانی) بود ایشان در دانشگاه تگزاس و در گروه آمار تدریس می‌کردند، ایشان را از آنجا آوردیم، یکی دیگر (مطهر) بود که در چاپ‌های کینز، آکانومتری خوانده بود، این را از بانک مرکزی ایران برای آنجا خریده بودند، یکی دیگر (گمشادزهی) بود ایشان هم در ایوای سید یونیورسیتی امز آنجا تحصیل کرده بود که امز در آن موقع بالاترین گروه آماری را داشت. آن وقت یکی دکتر (مهدوی) بودند که ۱۲ سال رئیس دانشکده کرج بودند، ایشان در آن موقع معاون پژوهشی دانشگاه اهواز بودند که ایشان را هم عضو گرفتیم و بعد یکی هم (یدالله دوج) بود که ایشان هم پروفیسور هستند و در اروپا هستند (البته الان) و ایشان هم phd از آمریکا داشت در مادلینگ و نمونه‌برداری و اینها که چندین کتاب هم ایشان دارد و یک آمریکایی هم به نام پروفیسور (ویلیام یوانت) از خارج گرفتیم که توی این سیکل پدای آمریکا نانص صفحه نوشته که آدمی بسیار برجسته بود. با این افراد وبا مدیریت خودم گروه آمار را برای اولین بار در ایران تأسیس کردیم».

پروفیسور کرم‌زاده ریاضی‌دان برجسته‌ی کشور و استاد دانشگاه شهید چمران اهواز درباره‌ی تلاش‌های بی‌وقفه‌ی دکتر افتخاری شاهرودی، جهت جذب دانشجویان ایرانی خارج از کشور می‌گوید: «یک ماه پیش از اتمام تحصیل در انگلستان، شخصی به نام فریدون افتخار شاهرودی که در آن زمان عضو مشترک گروه زیست و آمار دانشگاه جندی شاپور بود سراغ من آمدند، ایشان مأموریت داشتند دانشجویان ایرانی را در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا شناسایی و ترغیب به آمدن و جذب در این دانشگاه کنند، به این منظور در قبال فقط یک تعهد کتبی که از دانشجویان برای خدمت در دانشگاه دریافت می‌کرد، مبلغ قابل توجهی حقوق ماهیانه به آن‌ها پرداخت می‌کرد که این مسأله نیز انگیزه‌ی فعالیت در دانشگاه جندی شاپور را در این افراد مضاعف می‌کرد» البته ایشان از قبل تصمیم آمدن به اهواز را داشت و پولی هم دریافت نکرده بود.

از جمله استادان و مربیان دکتر افتخار شاهرودی، می‌توان از آقای دکتر رستمی، استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز که به گفته‌ی ایشان یکی از اساتید برجسته‌ی آن دوران بود و مدارک تحصیلی لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را به ترتیب از مسکو، آمریکا و پاریس اخذ کرده بود و دکتر بوگار رئیس گروه ژنتیک آمریکا نام برد که دکتر افتخار شاهرودی از ایشان این‌گونه



یاد می‌کنند: «من وقتی به درجات بالاتری رسیدم و خودم تدریس می‌کردم به دکتر بوگار گفتم که اگر من جای شما بودم شاگردی را مثل خودم که در این حد مشکل ساز و مکافات ساز باشد نمی‌پذیرفتم. ایشان در جواب گفتند دانشجویی که مشکل نداشته باشد که نیاز به استاد ندارد و یک دفعه دیگر گفتم که من دوست دارم آنقدر فعالیت کنم که مثل شما باشم و دکتر بوگار دو دستی بر سر خود زدند و گفتند اگر تو مثل من شوی که تمام چرخ‌ها می‌ایستند، تو باید خیلی از من جلوتر باشی تا پیشروی داشته باشیم و گرنه در جا می‌زنیم».

دکتر افتخار شاهرودی دهم تیر ماه ۱۳۸۷ به جهان باقی شتافتند.







فصل ششم

آشنایی کوتاه و نوشته هایی
از مربیان، کارشناسان و
کارمندان دانشگاه



عبدالخالق قدوسی: عضو هیئت علمی بازنشسته و از مدیران ارشد دانشگاه

شصمین سال حضور مجدد دانشگاه شهید چمران اهواز در عرصه علم و دانش که در سوابق خود دعوت از امام علی (ع) جهت حضور در جندی شاپور را در کارنامه دارد، حس غرور و خوشحالی فراوانی در هر کسی در دانشگاه چه شاغل چه بازنشسته برمی‌انگیزد.

اینجانب در سال ۶۲ به دعوت قائم مقام بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام روح ا... دوره دکتری را نیمه کاره گذاشته و جهت تدریس در دانشگاه بعد از انقلاب فرهنگی به ایران مراجعت کردم و به دلایل برخی موانع قانونی، بعد از انجام تعهدات موفق به ادامه تحصیل نشدم. نزدیک به ۲۵ سال از خدمات اینجانب علاوه بر تدریس در گروه فیزیک به انجام امور اداری، آموزشی گذشت. همکاری و مسئولیت برگزاری آزمون‌های دانشگاه، معاون امور اداری، سرپرست آموزش علوم، معاون آموزشی دانشکده علوم (دو دوره)، معاون اداری و مالی علوم، مدیر امور اداری (دو دوره)، مدیر خدمات آموزشی (دو دوره)، مدیر آموزش‌های آزاد و مجازی (دو دوره)، مسئول امور حق‌التدریس دانشگاه و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز (با مجوز ریاست وقت دانشگاه) گوشه‌ای از خدمات اینجانب در دانشگاه بوده است.

به خاطر دارم ۳۲ سال قبل که آقای مهندس نادران (دکتر نادران) معاونت وقت آموزشی دانشگاه، در اولین روز حضورم در دانشگاه با وسیله شخصی خویش (دانشگاه فاقد سرویس ایاب و ذهاب بود) مرا به دانشکده مهندسی بردند و آقای مهندس رزاز (دکتر رزاز) ریاست وقت دانشکده مهندسی با رویی گشاده پذیرای من شدند و محل اقامت و کار و دروس ترم مرا هماهنگ کردند (زیبایی کار ایشان مرا وا داشت که تکریم ارباب رجوع را سر لوحه کار خویش قرار دهم). در آن سال‌ها دانشکده مهندسی در محل کارگاه و آزمایشگاه فعلی دانشکده دامپزشکی قرار داشت. در فاصله کوتاهی با اصرار ریاست وقت دانشکده علوم که جدیداً به ریاست دانشگاه انتخاب شده بودند؛ محل خدمتم به علوم جا به جا شد.

۳۲ سال، ۶۵ ترم تحصیلی و ۵ ترم تابستانی در آن محل به کار مشغول بودم. در اولین جلسه هسته گروه فیزیک (در آن موقع به جای شورا، هسته گروه با حضور اساتید و نماینده انجمن اسلامی وجود داشت) تعداد کم اعضای هیأت علمی کاملاً مشهود بود. همکاری محترم گفت: نه سال است در اهوازم برایم جای تعجب داشت. چگونه نه سال شرایط سخت را تحمل کرده‌اند، در فاصله کوتاه ۳۲ سال حضورم در دانشگاه می‌گذشت و به بازنشستگی نائل آمدم. اگر چه هنوز توان ادامه کار داشتم. ولی طبق مقررات اقدام گردید.

دوستی‌ها، روابط صمیمی، خونگرمی همکاران عزیز در گروه آموزشی فیزیک و دانشگاه، گذر زمان را آسان نمود.

اینجانب در زمان‌های طولانی در مدیریت گوناگون دانشگاه حضور داشته‌ام و شاید برای مدیران جوان تجربه خوبی باشد چگونه با روسای محترم متفاوت با دیدگاه‌های سیاسی گوناگون همکاری داشته‌ام.

پاسخ بسیار ساده است. افرادی مثل من در دانشگاه کم نیستند، ما ضمن حفظ عقاید سیاسی،

اجتماعی و شخصی خویش هرگز این موارد را در کار اجرایی مورد توجه نداشته‌ایم و در هیچ زمانی برای رضایت و خوشایند مدیران بالا دستی کار نکرده‌ایم. اگر از من خواسته شده گوشه‌ای از کار را بگیرم، اگر توانش را در خود سراغ داشته‌ام بدون توجه به نگاه‌های سیاسی حاکم، و رعایت هماهنگی کامل با روسای محترم هرگز در کارهایم، سیاسی بازی نکرده‌ام.

در سال ۶۳ اولین گروه از اساتید دانشگاه‌های کشور معروف به گروهان استادیاران، دوره خدمت مقدس سربازی را به انجام رسانیدیم، از دانشگاه ما عزیزانی چون دکتر سیاری، دکتر خواجه، دکتر میاحی، دکتر نوبخت، مهندس رضوی، مهندس سراجی و تعدادی از پزشکان دانشگاه شهید چمران که بعداً به وزارت بهداشت جابه جا شدند حضور داشتند که خاطرات فراوانی از آن دوران باقی است.

در سال‌های دفاع مقدس دانشگاه با وجود فعالیت‌های آموزشی به لحاظ پرسنلی، پشتیبانی و امکانات در خدمت رزمندگان عزیز بود. کتابخانه مرکزی و قسمتی از معاونت دانشجویی مستقیماً در اختیار عزیزان بسیجی بود.

در آن دوران، تنها بانک دانشگاه، بانک ملی بود و در معاونت دانشجویی مستقر بود واکثر مسیرهای تردد به آن مناسب نبود. روزی که باران شدید می‌بارید و اجباراً پیاده از بانک برمی‌گشتم با فرمان ایست روبرو شدم. من اشتباهاً به نزدیکی کتابخانه منحرف شده بودم، خلاصه کنم اگر پیگیری ریاست وقت دانشگاه نبود مدت اقامت من در کتابخانه مرکزی (مقر عزیزان جان بر کف بسیجی) طولانی‌تر می‌شد.

نزدیک به ۱۴ سال از مدیریت‌های اینجانب در عناوین مختلف زیرمجموعه ریاست محترم دانشگاه دوست و برادر عزیزم جناب آقای دکتر رعایایی گذشته است. از ایامی که ایشان در گروه، دانشکده و یا دانشگاه مسئولیت‌های متفاوتی داشتند من هم در گوشه‌ای هر چند کوچک با ایشان همکاری داشته‌ام.

مطلع هستید که حتی یک ماه بعد از بازنشستگی عملاً مسئولیت اداری خویش را نیز عهده‌دار بوده‌ام. این موارد را مرهون اعتماد، لطف، و نگاه مثبت روسای محترم دانشگاه می‌دانم. همیشه در کلاس به دانشجویان می‌گویم اگر شما از ما اساتید خود بهتر نباشید کشور به سوی تعالی و پیشرفت نخواهد رفت بسیار خوشحالم که حداقل سه نسل از دانشجویان سابق خوشبختانه به عنوان همکاران ما در گروه و دانشگاه حضور دارند.

به نظر من یکی از معضلات دانشگاه شهید چمران کوتاه بودن دوران مدیریت روسای محترم دانشگاه است. بعد از انقلاب فرهنگی تقریباً ۱۲ نفر از عزیزان عهده دار مسئولیت دانشگاه بوده‌اند که میانگین کمتر از سه سال خواهد بود. همه می‌دانیم به لحاظ اصول مدیریتی سال اول و سال آخر مدیریت معمولاً برنامه‌ریزی درازمدت به دست نمی‌آید. و حتی طبق قانون مدیریت حداقل مدت ۴ سال در احکام مدیران کلان قید می‌شود که متأسفانه دانشگاه شهید چمران غیر از دو دوره که از دوره‌های موفق دانشگاه نیز بود، از حضور درازمدت روسای دانشگاه بدون بهره بود.

با آرزوی سلامتی و موفقیت برای کلیه دانشگاهیان عزیز لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه پرسنل محترم امور اداری و آموزش دانشگاه و دانشکده که یاور و همکارم بودند تشکر نمایم. به امید برگزاری موفق شصتمین سال و برگزاری هفتادمین سال در سال‌های آتی.

خانم بتول کوچک شوشتری: شیوه‌های ارتقاء کارآمدی کارشناسان

بدون شک اداری موسسات دانشگاهی بدون وجود متخصصان امکان پذیر نیست. در حوزه دانشگاه که ماهیت وجودی آن برای دانشجو و تربیت نسل فرهیخته‌ی باسواد و با محوریت اساتید کارآموده می‌باشد، لزوم اجرای صحیح قوانین آموزشی و پژوهشی بر عهده کارشناسان حوزه مربوطه می‌باشد. بدین صورت که چنانچه ناآگاهی در این زمینه‌ها باشد عواقب ناخوشایندی برای دانشجو به وجود می‌آورد. همچنین در حوزه‌های مدیریتی که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشند حضور کارشناسان مجرب مانند گنجینه‌های باارزشی می‌باشند که با تخصص و آگاهی از مقررات و آیین‌نامه‌های دانشگاهی مسیری هموار را برای دانشجویان، اساتید و مدیران مربوطه فراهم می‌کنند. به نظر من اصولاً در هر جامعه‌ای، افرادی که شغلشان در ارتباط مستقیم با ارباب رجوع می‌باشند از نظر فرهنگی و معاشرتی باید دارای روابط عمومی قوی باشند. به همین خاطر جهت ارتقا و توسعه سطح علمی و ارتباطی کارکنان، لزوم فضای کافی جهت توسعه کارشناسان الزامی است تا بازتاب آن علاوه بر مراجعه کنندگان بر انگیزه شغلی کارشناسان نیز موثر است، بنابراین تلاش کارشناسان و داشتن ایده‌های نو و خلاق در جهت پیشرفت کاری خود و البته تدابیر مدیران و دست اندرکاران موسسه (از جمله برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی شیوه ارتباطی با مراجعه کنندگان و تشویق کارکنان برای بالا بردن سطح علمی و فرهنگی خود و همچنین تشویق کارشناسانی که علاوه بر تعهد اخلاقی و شغلی دارای پیشنهادات و راهکارهای موثر در زمینه‌های اداری هستند)، می‌تواند راهکاری موثر جهت پیشرفت سطح فرهنگی اداره و بالطبع سطح اجتماعی جامعه باشد.

بنابراین در چنین محیط‌های علمی و فرهنگی، تلاش برای ارتقای فرهنگی، علمی، اجتماعی و حتی سلامت روحی و روانی کارشناسان و کارکنان هر چند ممکن است برای موسسه هزینه‌بر باشد ولی بازده و نتیجه آن قطعاً به جامعه برمی‌گردد. گفتنی است نحوه‌ی ارتقا در سازمان‌ها و موسسات دولتی و خصوصی بسیار متفاوت است ولی آنچه که در این‌جا مورد نظر ماست ارتقای شغلی در دانشگاه می‌باشد، که این شیوه ارتقاء، طبق ضوابط اجرایی ارتقاء طبقه، رتبه شغلی و طبقه شغلی است که براساس اجرای بخشنامه‌ی ضوابط نحوه‌ی ارتقای شغلی کارمندان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد که برای دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. بنابراین اجرای بخشنامه‌ی ارتقای کارشناسان و نقش‌آفرینی کارکنان توسعه یافته و ارتقا یافته در موسسه علاوه بر این که رضایت‌مندی کارشناس را در پی دارد باعث انگیزه‌ی پیشرفت و توسعه در دیگر کارشناسان موسسه نیز می‌شود. خوشبختانه تلاش کارشناسان جهت ارتقاء با وجود مشغله شغلی قابل ستایش است ولی آنچه قابل تأمل است اجرای بخشنامه است که شاید صبر ایوب لازم باشد.

بتول کوچک شوشتری

کارشناس تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

تنی چند از کارشناسان

به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، به منظور بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان محترم دانشگاه پیرامون سه موضوع زیر و با هدف مشارکت دادن ایشان در آیین بزرگداشت این مناسبت فرخنده، بنا به پیشنهاد دبیرخانه شصتمین سالگرد، طی نامه‌ای از سوی دفتر بودجه، تشکیلات و تحول اداری از کلیه کارکنان دانشگاه خواسته شد که نظرات خویش را در قالب نوشتن یادداشت‌های نیمه تخصصی به دفتر یادشده بفرستند.

در اینجا چکیده دیدگاه‌های تعدادی از کارشناسان برای بهره‌گیری از آن به اطلاع عموم دانشگاهیان و مدیران اعلام می‌گردد:

چکیده نظرات کارشناسان در مورد:

(۱) شیوه‌های ارتقا کارآمدی کارشناسان

(۲) لزوم ثبت تجربیات شغلی کارشناسان و بهره‌گیری از آنان

(۳) راه‌های بهره‌گیری بهتر از توانایی کارشناسان

الف- آقای محمدعلی طهماسبی (دانشکده علوم):

• مستندسازی دانش‌ها و تجربه‌های کارشناسان

• مستندسازی و ارائه مهمترین مطالب آموخته شده در ماموریت‌های آموزشی

• تلاش در جهت ثبت تجربیات و مصاحبه با عوامل موثر در یک واقعه مهم دانشگاه و بیان شکست‌ها و درس‌هایی که از آن آموخته‌اند

• انجام تحقیق و پژوهش‌های کاربردی در حوزه‌های مختلف دانشگاه

• برگزاری جلسات هم‌اندیشی در مورد مشکلات دانشگاه و مستندسازی مهمترین یافته‌ها

• تعامل با سازمان‌های مشابه و ثبت تجربیات ایشان در خصوص فرآیندها و تجهیزات مشترک

• تحقیق و تفحص در مورد نحوه برخورد یک سازمان یا شرکت دیگر با مشکلات کنونی ما

ب- خانم مریم اکیدی (دانشکده کشاورزی):

• ایجاد حس رقابت در کارشناسان با آشنایی آنان با مراحل ارتقاء شغلی و شفاف و آشکار نمودن

آئین نامه ارتقاء شغلی کارشناسان

• ایجاد سامانه برای ثبت اطلاعات آموزشی و تجربیات شغلی کارشناسان

• انجام دوره‌های آموزشی متناسب با هر رسته شغلی

• ایجاد حس ارزشمندی شغلی در بین کارشناسان با بهبود خدمات رفاهی

ج- آقای عیسی جعفری (دانشکده اقتصاد):

• استفاده بهینه از نیروی فکری کارشناسان با ایجاد رقابت در بهتر انجام دادن کارها

• دادن آموزش‌های تخصصی و شغلی متناسب با شغل افراد

• ایجاد مدیریت دانش با دانش‌افزایی و گردآوری اطلاعات شغلی کارکنان

• ارزیابی فعالیت‌های کارشناسان و توجه خاص به آنها

د- خانم مریم کبیری نیا (دانشکده تربیت بدنی):



- شایسته‌سالی و انتصاب مدیران دلسوز و توانمند
- پیاده‌سازی سیستم تشویق و تنبیه کارآمد
- استفاده از نیروی فکر کارشناسان ارشد در تصمیم‌گیریهای کلان دانشگاه در حوزه‌های مختلف
- و- خانم نسرین دوستی (دانشکده کشاورزی):
- ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای
- داشتن نظام‌های انگیزشی و پرداخت پاداش‌های بهره‌ورانه در ازای بهبود کارکرد پرسنل
- ارتقا مهارت کارشناسان با ایجاد آموزش‌های مجازی (دوره‌های ضمن خدمت مرتبط با شغل)
- همراه با نیازسنجی و انتخاب سرفصل‌های مناسب
- اعزام کارشناسان به دانشگاه‌ها جهت کسب تجارب جدید
- خ- خانم نسرین احمدی (دانشکده تربیت بدنی):
- مورد توجه قراردادن آموزش کارکنان
- تشویق کارکنان به شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با شغل
- دادن مسئولیت‌های مهم سازمانی به کارشناسان
- دادن امتیازهایی از قبیل تشویقی و اضافه‌کاری و ... به کارشناسان با تجربه سازمان
- بکارگیری نظرات و ایده‌های کارشناسان در تصمیم‌گیری‌ها و همکاری آنها در بهبود امور سازمان
- ثبت و مستندسازی تجربیات کارشناسان و مدیران ارشد پیش از موعد بازنشستگی
- واگذاری پست‌های سازمانی مهم به کارشناسان با تجربه سازمان
- مشارکت کارشناسان با تجربه در تصمیم‌گیری‌های سازمان توسط مدیران رده‌های بالای سازمان
- بالابردن هوش و دانش سازمانی کارشناسان به منظور انتقال آن به کارکنان رده‌های پایین سازمان توسط کارشناسان
- شناسایی کارشناسان خبره و با استعداد و قرار دادن چند کارمند در کنار آنها جهت آموزش و انتقال تجربیات به آنها
- ایجاد فضای امن و مطمئن جهت انتشار ایده‌ها و تجربیات به کارشناسان
- ح- خانم پریسا احمدی (مدیریت تحصیلات تکمیلی):
- ارائه اختیارات به کارشناسان جهت نوآوری و بهینه‌سازی ساختار
- تشویق کارمندان و ایجاد انگیزه جهت ایجاد خلاقیت در بهبود کار
- ایجاد تسریع در امور کاری کارشناسان جدید با ثبت تجربیات بویژه توسط کارشناسان قدیمی
- تهیه و گردآوری و بدون نمودن تجربیات کارشناس
- ر- خانم مهناز مرادزاده (مدیریت تحصیلات تکمیلی):
- آموزش شغلی مستمر
- ارتقا انگیزش میان کارکنان برای کار بهتر و بیشتر با پرداخت مبتنی بر عملکرد
- برقراری نظام تنبیه و تشویق
- ثبت و مستندسازی آموخته‌ها و تجربیات کارشناسان

- استفاده از استراتژیهای پاداش و خدمات رفاهی
- ت- خانم فرخنده استکی (مدیریت تحصیلات تکمیلی):
- تشکیل کارگاههای آموزشی در ابتدای هر ترم برای کارشناسان و مسئولین رشته ها
- تشکیل دوره های آموزشی برای کارشناسان جدیدالاستخدام
- جمع بندی تجربیات آموزشی کارشناسان با تجربه و با سابقه بصورت کتابچه و نگهداری آنها
- تشکیل کمیته ای از کارشناسان باسابقه و باتجربه
- ایجاد پرتال آموزشی دانشگاه و انتقال اطلاعات کارشناسان به پرتال
- ث- خانم سمانه عباسیان (کتابخانه دانشکده تربیت بدنی):
- تجهیز مداوم کارشناسان و کارمندان به اطلاعات روز شغلی
- ارتقای انگیزش میان کارشناسان برای انجام کاربهتر
- ایجاد زمینه های مناسب برای ابتکار و خلاقیت
- پ- خانم بتول کوچک شوشتری (دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی):
- برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی شیوه ارتباطی بهتر با ارباب رجوعان
- تشویق کارمندان جهت افزایش سطح علمی و فرهنگی خود
- تشویق کارشناسان متعهد با اخلاق و وجدان کاری
- رضایتمندی و افزایش انگیزه پیشرفت با تسریع و اجرای آسان بخشنامه ارتقاء شغلی

ایرج عسکری: نمونه ای از کارمندان نمونه دانشگاه

یکی از اهداف آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، شناساندن نقش و اهمیت نیروی انسانی در پیشبرد و توسعه دانشگاه و لزوم بزرگداشت و قدردانی از آنان است. با توجه به این هدف مهم، چه نیکوست تا در برهه شغلی کارکنان و تا پیش از فرارسیدن زمان بازنشستگی آنان، به شکل سمبلیک و به نمایندگی از تمام کارمندان سخت کوش، از کارمندان نمونه قدردانی شود تا دیگر کارکنان بدانند که خدمات آنان مورد توجه مدیران است و چنانچه در انجام وظایف خویش خلاقیت و نوآوری و بهره‌وری نشان دهند، آنان نیز مورد تشویق و تجلیل قرار می‌گیرند. هدف نگارنده از این یادداشت تنها ابراز دوستی و سپاسگزاری از یک کارمند وظیفه‌شناس و نمونه نیست، چه در این صورت، نامه‌ای خصوصی برای او می‌نوشتیم. اهداف من افزون بر قدردانی و بزرگداشت و تشویق یکی از کارمندان نمونه، عبارتند از:

- ۱- تاکید بر رعایت اصل شایسته‌گزینی در استخدام کارمند برای دانشگاه.
- ۲- استفاده بهینه از توان کاری و تخصصی کارمندان و بکارگیری ایشان در پست و مسئولیت‌های متناسب با توان علمی و اجرایی آنان.
- ۳- بهره‌مند ساختن کارمندان و کارکنان از حقوق قانونی و کوشش مدیران برای بهبودی وضعیت معیشتی آنان.
- ۴- به حساب آوردن نقش کارمندان وظیفه‌شناس در اداره نیکوی سازمان.

ناگفته روشن است که وجود کارمندان وظیفه‌شناس در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها، می‌تواند در تربیت دانشجویان که مدیران آینده جامعه هستند، نقش موثری داشته باشد و شخصیت منظم و خدمت‌گذاری از آنان بسازد. دانشجویان به جهت گذراندن دست کم چهار سال در مراکز آموزش عالی، خواه ناخواه از محیط خویش، تاثیرات زیادی می‌گیرند. ایرج عسکری، از کارمندان دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۸ به استخدام دانشگاه درآمد و تا کنون در مسئولیت‌های اداری چون رییس دبیرخانه متمرکز، رییس هیات مدیره صندوق قرض‌الحسنه، رییس دبیرخانه نظارت بر تشکل‌ها، عضو هیأت موسس ستاد رفاهی کارکنان، مدیر داخلی و مسول دفتر معاون پژوهشی، مدیر داخلی و رییس دبیرخانه و مسول دفتر مدیر خدمات و بالاخره مسول دفتر ریاست دانشگاه به انجام وظیفه مشغول بوده و در این مدت، به‌عنوان یک کارمند نمونه همواره مورد احترام مدیران دانشگاه و ارباب رجوع بوده است. وی از اردیبهشت سال جاری وارد مرخصی‌های قبل از بازنشستگی شده و از اول تیرماه ۹۶ بازنشسته می‌شود.

آقای عسکری، فردی خوش ذوقی است و قلم و نگارشی زیبا دارد. خوش طبع است و اشعار قابل قبول و استواری سروده است. کتاب شعر او با نام پنجره انتظار، چاپ شده و دو مجموعه شعری نیز آماده چاپ دارد. افزون بر این، دو جزوه با عنوان اصول منشی‌گری و آیین نگارش گردآورده که مورد استفاده همکاران قرار گرفته است.

چند دوره کارمند نمونه و برگزیده شدن در دو جشن پنجاه و شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه را نیز در کارنامه دارد.

از ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی ایشان می‌توان به داشتن نظم کاری، رعایت احترام نسبت به ارباب رجوع به ویژه اعضای هیأت علمی و پیشکسوتان دانشگاه، پشتکار و داشتن حافظه قوی و علاقه‌مندی به محیط شغلی و خوش زبانی اشاره نمود.

او سال‌هاست که مسئول دفتر ریاست دانشگاه است و همکاری با چند رییس دانشگاه را تجربه کرده و با چند معاون دانشگاه در دوره‌های مختلف کار کرده است. اداره دفتر ریاست دانشگاه به عنوان مرکز فرماندهی کل دانشگاه، شب و روز نمی‌شناسد و تعطیل‌بردار نیست و ایشان به عنوان کارشناس مسئول پا به پای رییس دانشگاه تا پاسی از شب در محل کار خود حاضر است. در خانه و در وقت استراحت نیز بعضاً پاسخگوی تماس‌های تلفنی دانشگاهیان و راهنمایی کردن آنان است.

او به معنای واقعی یک مستخدم دستگاه است و بدون توجه به باورهای شخصی خود و دیگران، کوشش می‌کند تا برای دستگاه مفید باشد. وی در تمام ساعات کاری، به‌طور فشرده کار مفید انجام می‌دهد و لحظه‌ای از وقت اداری را به بیهودگی نمی‌گذراند. برای ایشان و خانواده گرامی او، روزها و لحظات خوش همراه با تندرستی آرزومندیم.

وجدان کاری رمز موفقیت ایرانی گذری بر زندگینامه شغلی محمد علی جمال زاده و بخش تاسیسات دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور

محمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۲۳ متولد و در سال ۱۳۴۴ به عنوان کارمند بخش تاسیسات دانشگاه جندی شاپور استخدام شد. وی در خصوص نحوه‌ی تاسیس بیمارستان جندی شاپور چنین توضیح می‌دهد: در سال‌های آغازین فعالیت من در دانشگاه، ساختمان سه گوش به عنوان مرکز آموزشی و تشریح اجساد برای دانشجویان پزشکی در نظر گرفته شده بود. دانشگاه، ساختمان نیمه کاره‌ی بیمارستان را به عنوان یک مرکز آموزشی برای دانشجویان در نظر گرفته بود اما تاسیس این بیمارستان آموزشی سال‌ها طول کشید و تا سال‌ها پس از استخدام من، پروژه در دست اجرا بود. سال ۱۳۴۹ ساختمان بیمارستان تمام شده بود و بحث افتتاح آن در میان بود اما با گذشت این همه سال، تجهیزات و لوله‌کشی‌های درون بیمارستان فرسوده و بعضاً از بین رفته بود. لذا در شهریور همان سال دکتر علی اصغر عمید رییس وقت دانشگاه ابلاغ کرد که برای بررسی وضعیت و تعمیر تجهیزات بیمارستان، گروهی به آنجا اعزام شود. لذا گروهی با مسئولیت بنده که در آن زمان مسئول تاسیسات دانشگاه بودم به بیمارستان اعزام شد. گروه تاسیسات با جدیت و کار و تلاش شبانه روزی حدود بیش از دو ماه وقت صرف کرد تا بتواند تجهیزات بیمارستان را آماده‌ی بهره‌برداری کند. پس از آن دکتر تراب مهرا و سپس دکتر داود کاظمی به ریاست دانشگاه گمارده شدند اما ساخت بیمارستان هم چنان ادامه داشت.

وی در ادامه می‌گوید: بالاخره در مهرماه ۱۳۴۹ بیمارستان افتتاح شد؛ حدود یک ماه پس از این که دکتر عباس جمعی به ریاست دانشگاه جندی شاپور گمارده شده بود. اما مشکل تامین کادر فنی و درمانی هم چنان وجود داشت. به همین دلیل بیمارستان شروع به استخدام کادر درمانی و فنی حرفه‌ای کرد. در همان سال بیمارستان شروع به ساخت شهرکی برای اسکان کادر درمانی خود کرد تا بتواند پرستارها و پزشکانی را که از شهرهای دیگر و بعضاً شیراز استخدام کرده بود، در نزدیکی بیمارستان اسکان دهد تا در صورت لزوم، در کمترین زمان به کادر درمانی خود دسترسی داشته باشد.

پس از ساخت بیمارستان، درمانگاه بزرگی ساخته شد و بنده برای انجام کارهای فنی بیمارستان تازه تاسیس، به علوم پزشکی منتقل شدم. پس از آن خوابگاه پزشکان و بعد آزمایشگاه در پشت ساختمان کشاورزی ساخته شد. پیش از ساخت آزمایشگاه، دانشگاه بر سر زمین‌های پشت دانشکده کشاورزی با یکی از شیوخ وقت وارد دعوی حقوقی دیگری شد که سرانجام در این دعوی هم برنده می‌شود.

در زمان جنگ، دانشگاه و بیمارستان همچنان به کار و فعالیت خود ادامه دادند. در این دوره بنده با همان سمت پیشین در خدمت بیمارستان و دانشگاه بودم.

پس از آن در بیمارستان علوم پزشکی دوره‌های آموزشی فنی برگزار کردیم و برای تربیت کادر فنی متخصص و مجرب، آموزش به آن‌ها را شروع کردم؛ کسانی که بعدها ادامه تحصیل دادند و بعضاً مهندسانی مجرب و متخصص شدند.

وی در ادامه می‌گوید: ما وظیفه‌ی خود می‌دانستیم که تعمیر دستگاه‌های تهویه، دستگاه‌های

معیوب و لوله‌های فرسوده را با کمترین امکانات و با حداقل هزینه و به بهترین نحو انجام دهیم؛ آن هم در زمان جنگ و دفاع مقدس چرا که در قبال کارمان و همین‌طور بیمارستان و بیماران احساس مسئولیت شدیدی وجود داشت. هم‌چنین از طرف دانشگاه در بیمارستان‌های صحرایی واقع در منطقه جنگی در شهرستان خرمشهر جهت انجام امور تاسیساتی مامور به خدمت شدیم. در سال‌های بعد هم که تاسیسات به پیمانکار واگذار شده و بنده به عنوان مسئول فنی به کار ادامه دادم، کارکنان تاسیسات را وادار می‌کردم تا کار را با احساس مسئولیت بسیار و به بهترین شکل تحویل دهند و بارها خودم دست به کار تعمیر دستگاه می‌شدم تا مبادا به صورت ناقص تعمیر و تحویل داده شود.

محمدعلی جمال‌زاده پس از ۴۲ سال کار صادقانه و خدمت به مردم این خطه در سال ۱۳۸۶ بازنشسته شد و اکنون دوران استراحت و آسایش خود را در کنار خانواده می‌گذراند. با آرزوی سلامتی هر چه بیشتر برای این پیشکسوت عرصه تاسیسات فنی دانشگاه.

در بیان ارزشمندی تصاویر و مستندات تاریخی نوشته معصومه سیاحی - کارمند کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه

توضیح:

(محل دبیرخانه آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، در سازمان مرکزی دانشگاه، در سال‌های پیش، دفتر روابط عمومی دانشگاه بود. در قفسه‌های این اتاق، تصاویری متعلق به هجده سال قبل، از موزه دانشگاه و کارمندان آن به دست آمد. هم‌زمان با آن خانم معصومه سیاحی کارمند کنونی کتابخانه مرکزی، که هجده سال پیش‌تر در موزه دانشگاه بوده است، از روابط عمومی دانشگاه سراغ تصاویر هجده سال قبل را می‌گیرد و این‌گونه او به عکس‌های آن دوران دست می‌یابد. نوشته زیر از ایشان است)

من معصومه سیاحی دختری ۱۹ ساله سرشار از شور و شوق جوانی پرتحرک و شاد با آرزوهای بزرگ در خانواده‌ای که همه به هنر علاقه داشتند. من نیز کارهای هنری انجام می‌دادم از گل‌آرایی و خیلی چیزهای دیگر. تنها دوستم دختر عمه‌ام ناهید بود او یک سال زودتر از من وارد دانشگاه شده بود. ناهید دختر بسیار بااستعداد و توانمندی بود و تمام خصلت‌های خوبی که در وجودم بود در او نیز وجود داشت. تلاش‌گر، مصمم، قدرتمند با استعدادهای بالقوه و همین امر بود که باعث می‌شد دوستی و روابط من و دختر عمه‌ام بیش‌تر و بیش‌تر شود. او هر بار برای تحصیل به دانشگاه می‌رفت من نیز با او همراه می‌شدم. ذوق و شوق رفتن به دانشگاه باعث می‌شد اشتیاق من به تحصیل علم، روز به روز افزایش یابد. در همان سال یعنی سال ۱۳۷۵ قرار شد که موزه‌ای راه‌اندازی شود از میان دانشجویان زیست‌شناسی دختر عمه من نیز جهت کار در موزه انتخاب شد. خیلی برای دختر عمه‌ام خوشحال شدم و او نیز بسیار شاد شد و موزه کارش را با ریاست خانم دکتر کسمتی و همکاری آقای جرجرزاده و آقای کیهان شروع کرد که من نیز به واسطه‌ی دختر عمه‌ام وارد گروه آن‌ها شدم خیلی ذوق داشتم علاقمند به موزه و هر چه مرتبط به آن می‌شد شدم. کار ما در موزه از گروه زیست‌شناسی دانشکده علوم پایه شروع شد و کم‌کم به کارگاه مرکزی که در سوله‌ی ادبیات واقع شده بود ادامه پیدا کرد. من هر روز صبح، با عشق برای کارم بیدار می‌شدم و صبحانه خورده و نخورده با ذوق و شوق به سمت کارگاه مرکزی می‌رفتم. خدایا چطور مسافت خانه تا محل کارم را طی می‌کردم نمی‌دانم. برای رسیدن به محیط کارم بی‌قراری می‌کردم خدا میداند و وقتی خودم را پشت در کارگاه میدیدم تازه آرامش درونم ریخته می‌شد. هم‌زمان با رسیدن من، همکارانم نیز از راه می‌رسیدند. کارگاه ما یک مکان دنج و نقلی متشکل از دو اتاق که رو به روی هم بود که فقط با یک راهرو به هم مرتبط می‌شدند. آن مکان کوچک همه دنیای من بود. همه‌ی عشق من بود. همه‌ی آرزوهای من بود. همه‌ی نمونه‌ها، فرزندان من بودند و من بر روی هر کدام از نمونه‌ها مانند مادری که فرزندش را نوازش می‌کند، دانه دانه دست نوازش می‌کشیدم و ذوق و علاقه‌ام به کار بیش‌تر می‌شد. انرژی من چندین برابر می‌شد. وجود بچه‌ها دلگرمی بزرگی بود. آن مکان کوچک، پر از عشق بود و مهربانی زیرا همه‌ی ما با علاقه کار می‌کردیم و هدفمند بودیم آقای جرجرزاده به عنوان مسئول کارگاه به بقیه همکاران تاکسی درمی‌یاد می‌داد.

من در اتاق رو به رو به گل آرایی و اتاله حشرات سرگرم بودم. دنیای من نمونه‌ها شده بود. پروانه‌های بسیار ظریف که با کوچک‌ترین حرکتی بال‌های رنگارنگش خراب می‌شد و زنبورهای کوچک و بزرگ. وقتی غرق در کار می‌شدم خدایم را درون نمونه‌هایی می‌یافتم ظرافت بال پروانه‌ها دست و پای کوچک سنجاقک‌ها، چشم‌های خارق‌العاده‌ی زنبورها و ملخ‌ها همه مرا به سمت خالق هستی فرا می‌خواند من خدایی را با نمونه‌هایی شناختم. من خدایم را درون اتاق کوچک کارگاه یافتم. برای همین هم هست که به کار به شدت علاقه‌مندم. راز خلقت حشرات را با کار کردن روی نمونه‌ها دنبال کردم خداوند چقدر تو بزرگ و توانایی!

ایمانا و ناهید و جرجرزاده هم‌چنان مشغول تاکسی درمی‌بودند و من جست‌وجو و گریخته یک چیزهایی از تاکسی درمی‌در ذهنم حک شد تا این‌که ایمانا تصمیم گرفت به من این کار را آموزش دهد. دختر عمه‌ام ناهید به ایمانا گفت اجازه بده آقای جرجرزاده نیز در جریان قرار بگیرد طولی نکشید که آقای جرجرزاده از راه رسید و نمونه پرنده‌ای را در اختیار من قرار داد و از من خواست که کار تاکسی درمی را انجام دهم و از بقیه خواست که کمک نکنند. من تا به آن روز کار روی پرنده را انجام نداده بودم و کار روی نمونه‌ها را کامل ندیده بودم. درصد خیلی کمی از مسائل، کار را می‌دانستم اما به خود نهیب می‌زدم معصومه تو می‌توانی، تو هنرمندی، تو می‌توانی از جسد این پرنده مرده یک پرنده زیبا و سالم که چشم بیننده را خیره کند بسازی. پس به خودت ایمان داشته باش و بر اندک توانایی‌ات تکیه کن و شکی به دلت راه مده. دست دراز کردم جسد بی‌جان ماهی خورک ابلق را از میان دستان جرجرزاده که به سمت من دراز شده بود گرفتم و شروع به کار کردم و اگر جایی به بن بست می‌خوردم به خود نهیب می‌زدم راهی برای ادامه پیدا کن. تو جسد را به دقت نگاه کن و راه و روش را پیدا کن پوست بکن و فلان و بهمان. یکسره روی آن پرنده کار می‌کردم و حتی سرم را بلند نکردم اطرافم را نگاه کنم. سنگینی نگاه بقیه را حس می‌کردم اما غرق کار روی پرنده شدم و بعد از اندکی زمانی آن جسد شل و ول به یک پرنده با نگاهی برفراشته و نگاهی پر غرور و بال‌هایی باز و محکم تبدیل شد. جرجرزاده با دیدن نمونه کارم نگاه تحسین‌برانگیزش را معطوف من کرد و با شادی رو به من گفت فکر نمی‌کردم بدون این‌که آموزشی دیده باشی این چنین نمونه‌ای بسازی و من خوشحال از این‌که توانستم به خودم مطمئن‌تر شوم در دلم به خودم آفرین گفتم. فعالیت‌های ما در موزه در بخش‌های مختلفی انجام می‌شد از جمله تاکسی درمی حشرات، گیاهان، پستانداران، پرندگان و غیره و همین باعث شد کار ما گسترده‌تر شود طوری که اساتید دانشگاه و دانشجویان و غیره جذب کار ما شدند و شرکت کردن در مناسبت‌های مختلف مثل همایش‌ها و نمایشگاه‌های هفته‌ی پژوهش باعث شد که ارگان‌های مختلفی مخصوصاً روابط عمومی دانشگاه برای تهیه گزارش، فیلم و عکس از همه‌ی کارهای ما دیدن کنند. تهیه این گزارش‌ها باعث شد که آنان به مناسبت‌های مختلف به کارگاه مرکزی ما می‌آمدند و از مراحل کار و پیشرفت کارها عکس و فیلم‌های بیشتری تهیه می‌کردند. این امر ادامه پیدا کرد تا این‌که در دوران ریاست دکتر صفایی مقدم، که یک دوران طلایی بود ایشان توجه خاصی به موزه داشتند. تا این‌که در سال ۱۳۸۲ موزه افتتاح شد و این خوشحالی مصادف شد با رفتن چند تن از همکاران متخصص از موزه، و این سختی‌های زیادی برای من به بار آورد. نبود همکاران و فشار کار زیاد. گزارشگرانی که برای تهیه گزارش از شصت‌مین سالگرد دانشگاه به موزه آمدند و از سالن طبیعت دیدن و با من مصاحبه کردند و گزارش تهیه کردند. ولی

من در فکر عکس‌های دوره‌های قبلی بودم که من و همکارانم سال‌ها بود به دنبال آن‌ها می‌گشتیم. عکس‌هایی که گویای همه چیز بودند. تلاش‌های ما در روند پیشرفت موزه و تاریخچه موزه در درون این عکس‌ها بود. تا این‌که در شصتمین سالگرد دانشگاه به روابط عمومی برای پیدا کردن این عکس‌ها مراجعه کردم ولی تنها یک مجله به من دادند که ۳ عکس سیاه و سفید در آن بود. یک روز آقای جرجرزاده در برنامه اجتماعی تلگرام یک سری عکس فرستاد که من وقتی عکس‌ها را دیدم خیلی متعجب شدم. این همان عکس‌هایی بود که سال‌ها دنبال آن‌ها می‌گشتم. اشک در چشمانم حلقه زد. این همان عکس‌هایی بود که قبلاً من از آقای جرجرزاده سراغ آن‌ها را گرفته بودم و ایشان اظهار بی‌اطلاعی کرده بود. ولی من جوابم را گرفتم چون ایشان از من پرسید که آیا شما این عکس‌ها را به روابط عمومی داده‌اید ولی من متعجب شدم چون من عکسی به آن‌ها نداده بودم. روز بعد من عکس‌های داخل گوشی را به آقای مریدی ارسال کردم ولی مورد پسند ایشان قرار نگرفت زیرا در موبایل بی‌کیفیت بودند. به آقای جرجرزاده زنگ زدم و سراغ عکس‌ها را از ایشان گرفتم او نیز مرا به دکتر دادخواه معرفی کرد و من جریان عکس‌ها را برای ایشان شرح دادم. او نیز با علاقه‌مندی از این جریان استقبال کرد و عکس‌هایی به من دادند و ایشان فرمودند چون این عکس‌ها حکم سند را دارند برای دانشگاه بسیار باارزش هستند. من وقتی عکس‌ها را دیدم در حضور دکتر به عکس‌ها نگاه کردم انگار به ۱۸ سال پیش بازگشته بودم. به آن دوران و خاطراتش. من با دیدن آن عکس‌ها ۱۸ سال جوان‌تر شده بودم ولی افسوس زمانی این عکس‌ها به دستم رسید که دیگر من در موزه نیستم و من ماندم با این آلبوم عکس و همه خاطرات تلخ و شیرینش. این عکس‌ها را مدیون زحمات آقای دکتر دادخواه هستیم. آقای دکتر امید دارم در تمام مراحل زندگی و کاری خود موفق و موید باشید.

آشنایی با عبدالحسین زرگر، پیشکسوت اداره تعمیرات دانشگاه

با شادباش فرارسیدن شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه به کلیه همکاران گرامی که هر یک در حد توان خود در سال‌های گذشته برای دانشگاه زحمت کشیده‌اند، اینجانب عبدالحسین زرگر هستم. در تاریخ ۱۳۵۶/۲/۸ به‌عنوان کمک نقشه‌بردار و بعدها، تکنسین پروژه‌های مختلف کتابخانه و موزه، جاده کمربندی، توسعه ساختمان‌های بیمارستان گلستان و اتاق عمل آناتومی، پایه پزشکی، استخر سرپوشیده، توسعه ساختمان‌های دانشکده کشاورزی شامل دامپزشکی، تغذیه، باغبانی، زراعت، علوم آب و آزمایشگاه‌های هیدرولیک و ماشین‌آلات و ۹۶ واحد منازل سازمانی کوی اساتید دانشگاه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (مهندسی فعلی) فعالیت خود را آغاز نمودم. در اواخر دی ماه سال ۵۷ با شروع اعتصابات و انقلاب، کارها تعطیل و در سال ۱۳۵۸ با فعالیت مجدد به دلیل نبود و انحلال مهندسين مشاور مدام، داض و موژدا پرکینزاندویل و نیاز دانشگاه به استخدام دفتر فنی که به صورت شورایی شامل دو مقام از دفتر طرح و برنامه آقایان دکتر صدر و بصیرزاده، دکتر دانیالی، شهریاری و مهندس رفیعی و قاضی‌دزفولی از دانشکده مهندسی به صورت امانی پروژه‌های نیمه تمام فعال شد و در شهریور سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی عراق، مجدداً تعطیل و هم‌زمان پناه‌گاه‌سازی در دانشگاه با مدیر وقت مهندس محمدعلی امجد و حمزه پورصدیقی سرپرست ناظرین و بنده، شروع و اولین سنگر در مقابل جهاد شیشه‌گری و درب قدیم حفاری ایجاد گردید و در جهت حراست از اموال دانشگاه و نبود حصار ایمنی ضلع غربی رودخانه کارون به پردیس دانشگاه از میلگردهای پایه کار نسبت به حفاظبندی پنجره‌های دانشکده‌های علوم و غیره اقدام گردید و پرسنل اجرائی را به صورت نوبت‌بندی در ساخت پناه‌گاه‌سازی در سطوح مختلف شهر اهواز و بیمارستان‌ها و اماکن مورد نیاز و سنگربندی پشت جبهه‌ها فعال نموده و هم‌زمان مسئول تیم بازسازی و تعمیرات سطوح مختلف را در زمان استقرار گروه مرحوم دکتر چمران و همراهانش در دانشکده‌های تربیت‌بدنی، کشاورزی، علوم و بیمارستان گلستان به عهده داشته است. با تغییر سیاست دولت به تغییر ادامه فعالیت کارها از امانی به پیمانی به‌عنوان ناظر پروژه‌های ساختمان‌های مجتمع آموزشی رامین، اقامت‌گاه، دانشکده هنرشوستر، فنی و مهندسی، مسجد امام خمینی، دانشکده کشاورزی و گلخانه‌ها، کتاب‌فروشی، ستاد آزمون، تکمیل ۹۶ واحد منازل سازمانی کوی اساتید، ۸ واحد منازل کوی قدیم و خیابان کسری از محل ستاد بازسازی استان، آزمایشگاه مرکزی، دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر، احداث دیوار شرقی دانشگاه، ناظر دانشکده بهبهان، نماینده پیگیر انشعابات آب، برق، گاز در زمان نبود پرسنل فنی مربوطه و همکاری با دفاتر مختلف دانشگاه و تهیه شناسنامه از کلیه ساختمان‌های پردیس دانشگاه با شهرداری و نقشه آب شرب، مجری برچیدن احداثات معارضین دو قطعه از فضای کوی اساتید و احیای فضای قبلی با همکاری دفتر حقوقی، فنی و اداره خدمات و در پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه به‌عنوان دبیر شورای فنی و از سال ۱۳۹۰ به‌عنوان کارشناس اداره تعمیرات و نگهداری ساختمان‌ها به مدیریت حاج آقا علی‌نژاد و همکارم مهندس مهریار تاکنون فعالیت تعمیرات واحدها را داشته‌ام.

ایرج عسکری کارشناس بازنشسته ۱۳۹۶

اینجناب ایرج عسکری در سال ۱۳۴۶ در شهرستان رامهرمز متولد شدم. تحصیلات خود را در سه مقطع دیپلم در رامهرمز، فوق دیپلم در اهواز و کارشناسی خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول اخذ نمودم. در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۱ به صورت نیروی پیمانی استخدام شدم و کارهای اداری و اجرایی زیر را عهده دار بوده ام:

مسئول دبیرخانه مدیریت خدمات عمومی / مسئول دفتر مدیر خدمات عمومی / عضو هیئت موسس تعاونی مسکن میلاد کارکنان دانشگاه / رئیس دبیرخانه متمرکز / مسئول دبیرخانه هیئت نظارت بر تشکل ها / مسئول دفتر معاون پژوهشی / مدیر داخلی حوزه معاونت پژوهشی / مسئول دفتر مدیر حوزه ریاست و روابط عمومی / عضو ستاد هفته پژوهش دانشگاه / عضو هیئت موسس شورای صنفی کارکنان / کارشناس رسیدگی و پاسخگویی به مشکلات در دانشگاه / رابط آماری حوزه مدیریت / نماینده دانشگاه در امور رسیدگی و پاسخگویی به شکایات در استانداری / سایر امور ارجاعی و متفرقه اداری / رئیس دفتر ریاست دانشگاه

از ابتداء استخدام در دانشگاه با مدیران زیادی کار کردم و جا دارد که به نیکی از همه آن عزیزان یاد کنم و برای دکتر محمد رضا طاهری (معاون پژوهشی دانشگاه) که به رحمت ایزدی پیوستند رحمت و علو درجات طلب نمایم. در ذیل نام مدیران مربوطه را ذکر می نمایم:

- مدیران خدمات عمومی (مهندس عبدالرحمان سلیمانی / مرتضی یزدانی / مهندس سعید رسولی / مهندس محمد کاظم فرزاد)

- معاونان پژوهشی (زنده یاد دکتر محمد رضا طاهری / دکتر محمود شفاعی بجمستان / دکتر بهمن نجاریان / دکتر رحیم چینی پرداز / دکتر حسن مروتی / دکتر بهرام علیزاده)

- روسای دانشگاه (دکتر محمد حسین نوری موگهی / دکتر مرتضی زرگر / دکتر حسن مروتی / دکتر محمد رعایایی اردکانی / دکتر غلامحسین خواجه)

با توجه به اینکه بنده در واحدهای مختلف دانشگاه انجام وظیفه نمودم، بدیهی است کارهای متفاوت و متنوعی به اینجناب محول می شد. عمده فعالیت هایم به عنوان مسئول دفتر، مسئول دبیرخانه، امور مالی، امور تدارکاتی و متصدی امور دفتری بوده است. بهترین تجربه ای که در طول سالیان خدمت داشتم این بوده است که حسن خلق و صداقت و شفافیت در کار و دلسوزی برای حسن انجام کار بهترین و موثرترین و کاربردی ترین گزینه ها برای موفقیت در کار است. من در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ به افتخار بازنشستگی نائل شدم.

بازنشستگی هم مقطعی دیگر از گذران زندگی کارمند است. مقطعی که به هر حال بعد از سالیان سال کار و تلاش اتفاق خواهد افتاد. زندگی جریان دارد و ما هم باید در این جریان قرار بگیریم. دورانی است که باید به کارهای مانده پرداخت و در کنار خانواده وقت بیشتری گذراند با توجه به اینکه در کنار کار، به نوشتن شعر علاقه داشتم و اشعار بسیاری سروده بودم که متأسفانه فرصت جمع بندی آنها را نداشتم. بعد از بازنشستگی فرصتی پیش آمد تا بتوانم به امور شعرسرای

و جمع آوری آنها بپردازم و در حال حاضر مشغول بازنویسی این اشعار هستم که بتوانم به مرحله چاپ برسانم.

تجربه به من آموخته است که کار یک کارمند عزت، شرف و آبروی اوست. می طلبد که آبرو را حفظ کرد. هیچ چیز برای یک کارمند بهتر و موثرتر از حسن خلق، انصاف، صداقت، سخت کوشی، پاکي و مهربانی نیست. به همه عزیزان این موارد را توصیه می کنم و پیشنهاد می نمایم که در محیط کار از بداخلاقی و هر گونه آلودگی جدا خودداری کنند و خویش را در مسیر پاکي ها و پسندیده ها قرار دهند. کوشا و با جدیت باشند و در هر نقشی که هستند آن را به خوبی ایفا نمایند.

در طول سالیان خدمت دهها اتفاق کوچک و بزرگ در دانشگاه رخ داده است. اهم آنها در نظرم، یکی آتش سوزی در محل حوزه معاونت پژوهشی و دیگری تخریب دیوار دانشگاه در قسمت ساحل رودخانه توسط شهرداری اهواز به بهانه جاده سازی در سال ۱۳۸۶ بود. در هر دو مورد دانشگاهیان با اتحاد و همدلی برای مهار آتش و جلوگیری از تخریب دیوار دانشگاه تلاش فراوان و ستودنی کردند که قابل تقدیر بود. البته قبل از سال ۱۳۸۶ نیز شهرداری اهواز اقدام به تخریب دیوار دانشگاه کرده بود که در آن زمان هم دانشگاهیان با تجمع و بست نشینی در استانداری جلو این اقدام را گرفته بودند.

آتش سوزی معاونت پژوهش در سال ۱۳۷۴ اتفاق افتاد. معاونت پژوهشی در طبقه دوم سازمان مرکزی دانشگاه بود. تمام اطاقها توسط پارتیشن چوبی بهم متصل بودند. دو تا از اطاقهای آن طبقه که یکی انباری بود و یکی دفتر کار. گویا زمانی که کسی نبوده بخاری برقی روشن بوده (زمستان بود) و واژگون می شود و باعث می شود که وسایلی که در انباری بود که عمدتا اشتعالزا بودند مثل چسب و پتو و پارچه و چوب و غیره مشتعل می شود و بلافاصله به دیواره ها که از نوع چوب اشتعالزا بودند سرایت می کند و در عرض دو ساعت تمام بخش پژوهشی می سوزد. البته آتش نشانی هم بعد از نیم ساعت آمده بود ولی کاری از پیش نبرده بود. در آن زمان چاپخانه در طبقه همکف و درست زیر معاونت پژوهشی بود و با توجه به بودن بنزین در چاپخانه تمام تلاش آتش نشانان این بود که از سرایت آتش به طبقه پائین جلوگیری شود. تمام کارکنان پژوهشی هم بسیج شدند و مشغول خارج کردن وسایل چاپخانه شدند. طبقه اول، سمت چپ که الان معاونت آموزشی است به دلیل پانل چوبی بجای دیوار بتنی، در آتش سوخت. بعد از آن بود که چاپخانه به سوله ای در بیرون از سازمان مرکزی منتقل شد. در این آتش سوزی البته سوابق پژوهشی از بین رفت ولی با درایتی که بعمل آمد و همکاری کارکنان و اعضا هیات علمی تقریبا تمام بایگانی بازیابی شد. اموال پژوهشی هم البته آتش گرفت.

نکته ای که لازم می دانم عرض نمایم توصیه ای است به مدیران محترم دانشگاه که توجه بیشتری به کارکنان دانشگاه داشته باشند و آنان را در مسیر زندگی و چرخه اقتصادی و مالی تا آنجا که امکان دارد حمایت نمایند. بسیاری از کارکنان با حقوق پایین روزگار سپری می نمایند و عیالوار هستند. کمکهای مستمر مالی و ارزاقی بهر حال موثر است. از بدنه کارشناسان و بازنشستگان و تجربه های گرانسنگ آنان برای مدیریت کلان دانشگاه استفاده بهینه کنند و مشورت بگیرند. به کارکنان انگیزه بدهند و در مورد آنان به عدالت رفتار کنند که عدالت موجب رشد و ارتقاء دانشگاه می شود. انشاء الله مجموعه دانشگاهی در کنار یکدیگر برای دانشگاه دل



بسوزانند و با یکدلی و همدلی و تلاش بی وقفه برای بالندگی این مجموعه افتخار آفرینی کنند.

در ادامه نوشته کوتاهی از آقای ایرج عسکری در وصف بازنشستگی کارمندان که ایشان در مراسم تجلیل از خدمات وی قرائت نمودند و دو نمونه از سروده های ایشان می آید:

به نام آن که جان را فکرت آموخت

دل سراپرده محبت اوست	دیده آئینه دار طلعت اوست
من که سر در نیاورم به دو کون	گردنم به زیر بار منت اوست
فقر ظاهر مبین که حافظ را	سینه گنجینه محبت اوست
ملک عاشقی و گنج طرب	هر چه دارم ز یمن همت اوست

زندگی با همه وسعت خویش، محفل ساکت غم خوردن نیست
 زندگی جنبش جاری شدن است، زندگی کوشش و راهی شدن است
 از تماشاگاه آغاز حیات تا به جایی که خدا می داند.
 زندگی چون گل سرخی است پر از خار و پر از برگ و پر از عطر لطیف،
 یادمان باشد اگر گل چیدیم، عطر و برگ و گل و خار همه همسایه دیوار به دیوار همند.

با سلام و درود به ارواح پاک شهیدان گلگون کفن میهن عزیزمان ایران سرافراز و قهرمان، پیشاپیش فرا رسیدن ایام فرخنده نوروز ۱۳۹۷ و بهار طبیعت را خدمت سروران ارجمند و گرمای تبریک و شادباش عرض می نمایم و انشاء الله در کنار خانواده های محترم سالی سرشار از سلامتی، خوبی و برکت را آغاز و در مسیر موفقیت و کامیابی سپری نمائید.

چرخ روزگار همچنان می چرخد و در چرخش این روزگار که سراسر تحول و دگرگونی است آدم ها می آیند و می روند و تنها چیزی که از خود باقی می گذارند یاد و خاطره ای بیش نیست. در روزشمار عمر هر کسی روزهای تلخ و شیرین بسیاری سپری خواهد شد که در این راستا موفقیت از آن کسانی است که در این گذر تجربه اندوزی کردند و خوب ها و خوبی ها را برگزیدند. تجربه اندوزی انسان را به اندیشه و تفکر وامی دارد و جایی که ریشه تفکر و اندیشه خوب باشد یقیناً نهال رشد و پیشرفت و تحول و شکوفائی سبز خواهد شد و خواهد روئید و چه چیزی بهتر و بالاتر از نو شدن و شکوفائی که در دعای تحویل سال هم آن را ذکر می کنیم «حول حالنا الی احسن الحال»

بازنشستگی برگی دیگر از آلبوم پر افتخار خدمت یک کارمند است و امروز که آلبوم کاری ام را ورق می زنم و به صفحات اول آلبوم خاطراتم برمی گردم تنها چیزی که مرا دلخوش می دارد یادها هستند و یادها که هرگز در گذر زمان گرد فراموشی بر چهره اش ننشست و همیشه و همواره به رویم لبخند می زند و امید را در درونم زنده می دارد زیرا کارم را دوست داشتم و با عشق گذراندم و «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق»

آنچه که بر صفحه دل و ذهنم نقش درخشان و جاودانه ای بسته است، خاطرات خوب با شما بودن بود که در طول خدمت با شما نه تنها همکار بودم بلکه زندگی کردم و درس ها آموختم و شک نکنید که یادتان روشنم می دارد.

بازنشسته آینه شاغل است، تکریم از بازنشسته تکریم از ارزش هاست، گرامیداشت تجربه هایی است که در طول سالیان سال اندوخته گردید و به همین سادگی به دست نیامد و به قولی «فلک مرا موی سپید به رایگان نداد / من این رشته به نقد جوانی خریده ام»

بازنشسته به لحاظ سنواتی و کارکرد اداری بازنشسته می شود اما تجربه هایش ارزشمند است و می تواند در کنار شاغلین مورد استفاده قرار گیرد و انتقال تجربه نماید. نگذاریم گرد فراموشی رخسار آینه بازنشسته را فرا گیرد که باور کنید فراموشی مرگ تدریجی است. آموختم و بر این باورم که می بایست خدمت را صادقانه و خالصانه انجام داد که اخلاص و صداقت لازمه کار است و به فرمایش مولای متقیان حضرت علی (ع) نجات در صداقت است. همکاران خوبم، قامت کاری خویش را به ردای والای درستی و راستی، نجابت، شفافیت، نظم، خوشرویی، جدیت، انگیزه و به دور از تنش و حاشیه پردازی مزین نمائید که آرامش روحی و روانی در بکار بستن این فضیلت هاست و یقیناً دور از رحمت و توجه پروردگار نیست.

همدلی و یکدلی و همراهی و مشورت در امور و استفاده بهینه از ظرفیت ها و پتانسیل موجود در دانشگاه رمز موفقیت و پیشرفت دانشگاه است و انشاء الله همه در کنار هم با توکل به خداوند متعال و امید به روزهای روشن تلاش کنیم و گام برداریم که تا رسیدن به اوج شکوفائی راهی نیست و اگر چه سخت است اما غیر ممکن نیست.

در پایان از لطف و محبت ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر خواجه، کارکنان محترم دفتر ریاست دانشگاه، مدیر محترم روابط عمومی و همکاران این واحد که زحمت تدارک این برنامه را دیدند و حقیر را مورد لطف قرار دادند قدردانی دارم. از همه عزیزان همکارم طلب حلالیت دارم و همه را به خداوند بزرگ می سپارم. بیائیم تا هستیم قدر یکدیگر را بدانیم، امروز هستیم و نفس می کشیم تا فردا خدا می داند

((اللهم اخرجنی من الظلمات الوهم و اکرمنی بنور الفهم. اللهم افتح علینا ابواب رحمتک و انشر علینا خزائن علومک برحمتک یا ارحم الرحمین.))

(سرود بیقراری)

برای زندگی دل را بهانه
تو که نامت بهار است و جوانه
درومن آتش و سوز و زبانه
نه پیر روزگار و این زمانه
غزل های سراسر عاشقانه
مگر داری تو از دلبر نشانه
چو بارانی و نم نم بیکرانه

بیا ای عشق ای نامت ترانه
بدون تو هوا خالی ز شادی
نشاندی آتشی از عشق در دل
شدم پیر تو ای عشق جگر سوز
شب و شعر و سرود بیقراری
مرا ببخود ز خود کردی تو ای عشق
دلَم را برده ای آرام آرام

سر شب تا سحر بیدار ماندم
 به شوق حرف های دلبرانه
 میان شعرها ایرج تو را دیدم
 تو را می خواهم ای تنها بهانه

(ای دوست)

ز داغ دوریت حیرانم ای دوست
 چرا در پرده ماندی دور از این دل
 بتاب ای ماه عالمتاب روشن
 تو خورشیدی و نورت عالم افروز
 طبیب درد من می نالم از درد
 گل رویت برابر با بهشت است
 تو دوری از برم چشمم به راهت
 خراب و خسته و ویرانم ای دوست
 سراپا غرق در هجرانم ای دوست
 به روی ماه تو تابانم ای دوست
 به خورشید رخت رخشانم ای دوست
 تویی آرامش و درمانم ای دوست
 تویی باغ و تویی بستانم ای دوست
 میان کلبه احزانم ای دوست
 چو یعقوبی فراق یوسفم من
 نشسته اشک در چشمانم ای دوست







فصل هفتم

یادها و خاطره‌ها



خاطرات دکتر زاهد بیگدلی استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی و از دانش‌آموختگان نخستین دوره‌ی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه

با سلام و تبریک شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه من در سال ۱۳۴۶ در کنکور سراسری آن زمان ذخیره رشته کشاورزی شدم. در همان سال دانشگاه یک‌باره تصمیم به توسعه گرفت و تعدادی دانشجو از افراد ذخیره تمام رشته‌ها و بعد هم در سایه آن عده‌ای از مردودین کنکور آن سال را پذیرفت و رشته‌های جدیدی راه‌اندازی شد که یکی از آن‌ها زبان و ادبیات انگلیسی بود که من در آن شروع به تحصیل کردم. در همان زمان، واحدی هم به نام دانش‌سرای عالی راه‌اندازی شد که در رشته‌های علوم پایه به تربیت دبیر می‌پرداخت. گروهی را هم به عنوان دانشجوی داروسازی گرفتند. تنها محل کلاس‌ها فقط ساختمان سه‌گوش بود که در عمل دانشکده پزشکی را شکل می‌داد. بعدها چند اطاق از اداره دخانیات جنب سه‌گوش و دارایی گرفتند و محلی هم روبروی دادگستری اجاره کردند.

دانشگاه متشکل بود از رشته کشاورزی که تماماً در ملائانی (رامین) بود، رشته پزشکی مستقر در سه‌گوش و کارهای بالینی در دو بیمارستان جندی‌شاپور (امام) و گلستان که بعداً ساخته شد ولی در حالت نیمه ساخته به عنوان محل برگزاری کلاس از آن استفاده می‌شد. در آن زمان حتی آب خوردن هم با تانکر به آن‌جا آورده می‌شد و در بشکه‌های چند هزار لیتری فلزی انبار می‌شد. تنها خوابگاه دانشگاه، خوابگاه بلوار گلستان بود که اینک در اختیار دانشگاه علوم پزشکی است. دانشگاه دو اتوبوس قدیمی برای اهواز داشت و یک دستگاه که بین اهواز و ملائانی در تردد بود و راننده پیرمرد بسیار خوش‌برخورد و خوبی داشت که حاجی صدایش می‌کردند.

کل بضاعت دانشگاه همین بود با حدود ۲۰۰۰ دانشجو. رییس بخش زبان انگلیسی جناب آقای دکتر هوشنگ مصلاهی بود که هم اکنون بازنشسته و مقیم شیراز و امریکاست، استادی بسیار جدی، دلسوز و پرکار و مدیری بسیار قوی. به جز وی آقای فرشید بنانی بود با همین ویژگی‌ها، اما جوان‌تر. دکتر مصلاهی با یک گروه بسیار قوی که بقیه افراد همه آمریکایی و از اعضای سپاه صلح آمریکا بودند دوره زبان و ادبیات انگلیسی را با همت بالا با سطحی بسیار خوب آغاز کرد. ما در دو ترم نخست هفته‌ای چهل ساعت (۵ روز هر روز ۸ ساعت) و ترم‌های بعد دروس پایه زیادی خواندیم از جمله اقتصاد، روانشناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، ریاضیات، تاریخ تمدن غرب، ماشین‌نویسی فارسی و انگلیسی، زبان فرانسه و تندنویسی (شورت هند). بی‌اغراق قوی‌ترین استادان را جذب کرده بودند. در آن سال‌ها دولت وقت هیأتی را مأمور کرده بود که دانشجویان ایرانی دوره‌ی دکترا در خارج از کشور را جذب کنند. تعداد قابل توجهی از افراد جذب شده به دانشگاه جندی‌شاپور آمدند، اما متأسفانه شرایط نه چندان خوب مملکت و نبودن جاذبه در منطقه همه را بعد از دو سه سال راهی دیار دیگر کرد. برای زبان فرانسه ابتدا آقای مهندس گودرزی از سازمان آب و برق خوزستان دعوت شد بعد با جذب مسیوتیس فرانسوی آموزش زبان فرانسه به دانشجویان انگلیسی وضعیت بهتری پیدا کرد.

دکتر مصلائی یک معلم به معنای واقعی بود. خاطره‌ای از ایشان بد نیست گفته شود. امتحان درس زبان‌شناسی داشتیم. من همه سوال‌ها را پاسخ داده بودم و با این که خیلی خوب خوانده بودم پاسخ یک سوال اصلاً به ذهنم خطور نمی‌کرد. خودکار را گذاشته بودم روی کاغذ و نگاه دانشجویان می‌کردم. دکتر آمد بالای سرم گفت چرا نمی‌نویسید؟ گفتم اصلاً یادم نمی‌آید. گفت: خوانده‌ای؟ گفتم بله. پرسید جزوه داری؟ گفتم بله توی کشوی نیمکت است. گفت در بیار نگاهش کن. نمی‌دانستم جدی می‌گوید یا شوخی می‌کند، چون ضمن جدی بودن خیلی با دانشجویان روابط دوستانه داشت. جزوه را دادم دست استاد. گفت: می‌گم باز کن و بخوان. اطاعت کردم. تا چشمم به شروع جمله اول افتاد کل پاسخ یادم آمد. من این را درس بزرگی برای خودم دانستم. تعداد دانشجویان دوه اول زبان حدود ۴۰ نفر بود اما به دلایل مختلف از جمله فشار زیاد درس‌ها کم‌کم کاهش یافت به طوری که در سال‌های سوم و چهارم فقط یازده نفر باقی ماند!! بعضی دانشگاه را ترک کردند، برخی دیگر به رشته‌های دیگر از جمله فیزیک و شیمی رفتند یا به دانشگاه‌های دیگر از جمله دانشگاه شیراز انتقال یافتند.

من اگر خودستایی نباشد، از وضعیت درسی بسیار خوبی برخوردار بودم و معدل دو ترم اولم بالای سه و نیم از چهار بود. اغلب درس‌هایم را نمره مثبت (+A) یا آ (A) می‌گرفتم. در ضمن، عضو تیم فوتبال دانشگاه بودم که در آن سالها جناب آقای دکتر حسین سپاسی استاد گروه علوم تربیتی سرپرست تربیت بدنی دانشگاه بود.

بچه‌های زبان انگلیسی بسیار فعال بودند؛ در راهرو زبان صحبت کردن به فارسی ممنوع و تا حدی (بی کلاس) بود. ما در سال‌های سوم و چهارم نشریه‌ای دانشجویی با عنوان TORCH به زبان انگلیسی منتشر می‌کردیم که دوستان عزیزم جناب آقایان دکتر عبدالجواد جعفرپور (بعدها استاد دانشگاه شیراز و فعلاً دانشگاه هاروارد)، دکتر شکرالله مسیح‌پور و اینجانب آن را اداره کرده و مطالب آن را می‌نوشتیم. آقای احمد عطار هم که شیرازی بود با ویژگی ژنتیکی شیرازی‌ها شعرهای زیبا می‌گفت که در نشریه چاپ می‌شد. عطار و حمیدی بعدها به دانشگاه شیراز منتقل شدند.

با توسعه دانشگاه، کمبود جا خیلی احساس می‌شد. ناچاراً، ساختمانی موسوم به ساختمان کمیلی در خیابان ۲۴ متری که الان پایانه مسافربری است نیز اجاره شد و کلاس‌ها در آنجا برگزار می‌شد. بیمارستان نیمه‌ساخته‌ی گلستان نیز محل برگزاری کلاس‌ها شد. خوابگاهی هم در امانیه، خیابان عارف گرفتند که قبلاً بیمارستان پارس بود و حالا درمانگاه است.

دانشگاه علی‌رغم بسیاری از کمبودها جو شاد و پرنشاط و پرجنب و جوشی داشت. دانشجویان زنده بودند. درس می‌خواندند، ورزش می‌کردند و حضور فعال‌شان جو و فضای سیاسی شهر را تحت تاثیر قرار می‌داد. کم‌کم برخی فعالیت‌های صنفی که شاید گاه رنگ و بوی سیاسی هم داشت شکل گرفت و تک و توک کلاس‌ها به بهانه‌های مختلف تعطیل می‌شد یا امتحانات به هم می‌خورد. دانشجویان دانش‌سرای عالی که طبق معمول دانشجویان ایرانی متاسفانه از دانش زبان انگلیسی برخوردار نیستند با توجه به عمومی بودن درس و کثرت افراد شرکت کننده در امتحان با یک اشاره بارها و بارها امتحان انگلیسی را بهم زدند.

خاطره جالبی از وضعیت زبان انگلیسی دانشجویان دارم. بعضی کلاس‌ها در بیمارستان در حال

ساخت گلستان برگزار می‌شد. اطراف بیمارستان بیابان بود و گاه گله‌هایی که برای چرا در زمین‌های اطراف آورده می‌شدند وارد محوطه بیمارستان که در و حصار نداشت می‌شدند و کنار کلاس‌ها به تماشای دانشجویان می‌ایستادند!!! یک روز قوچ بزرگی وارد یک کلاس انگلیسی شد که خانمی آمریکایی در آن تدریس می‌کرد. گوسفند پشت سر استاد آمریکایی ایستاده بود و به کلاس مات زده بود. دانشجویان هم سکوت محض و برخی پوزخند زده بودند و به سختی جلوی خودشان را می‌گرفتند. یکی از دانشجویان داروسازی می‌خواست استاد را از موضوع باخبر کند. جمله‌ای که گفت این بود:

تیچر! د بز ایز شاخینگ یو!! (The boz is shakhing you!). کلاس رفت رو هوا!!

آهسته آهسته حضور ماموران ساواک و انتساب ساواکی بودن قلبی از دانشجویان در دانشگاه زمزمه می‌شد. در خوابگاه گلستان هم دستگیری برخی از دانشجویان این شایعات را تقویت می‌کرد.

تمام دانشگاه با کادر اندکی اداره می‌شد. دکتر تراب مهرا رییس دانشگاه بود، دکتر احمد بهین استاد دانشجویان علوم پایه پزشکی (رادیو لوژی و علوم آزمایشگاهی) که مرد بسیار نازنینی بود معاون آموزشی بود. آقای مجاب همه امور دانشجویی و خوابگاهی و تغذیه و ... را بر عهده داشت و آقای تاجداری که کل آموزش را برعهده داشت و در عمل اداره کننده اصلی دانشگاه بود. بعداً دکتر داود کاظمی رییس شد، بعد از وی دکتر عباس جامعی. در دوران ریاست جامعی به دلیل ارتباط‌های خوبی که با اشرف پهلوی خواهر شاه و رییس هیأت امنای دانشگاه داشت، دانشگاه توسعه‌ی زیاد یافت و اقدام بسیار مهم و آینده‌نگرانه‌ای که به عمل آمد، دادن باغ فلاح آن زمان به دانشگاه است که محل فعلی پردیس دانشگاه می‌باشد.

در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ نارضایتی‌های دانشجویی اوج گرفت و نه تنها در خوابگاه و سه‌گوش با شکستن شیشه، تعطیلی کلاس‌ها و به هم زدن سلف سرویس نمود بیرونی پیدا کرد. در چند مورد به صورت راه‌پیمایی در خیابان‌های مرکزی شهر (۲۴ متری و ۳۰ متری) تظاهر پیدا کرد. گاه نیز در محل موسوم به کالج که بعدها مهمانسرای دانشگاه نامیده شد (خیابان ۲۴ متری). در محل کالج، دانشجویان به صورت نشسته و ساکت و یا با فریادهای اعتراض‌آمیز نارضایتی خود را ابراز می‌کردند. در برخی موارد تظاهرات کنندگان با استفاده از ماشین‌های آب‌پاش آتش‌نشانی و سپس ضربات باتوم نیروهای انتظامی مورد نوازش قرار می‌گرفتند و پراکنده می‌شدند.

بعد از این که دکتر مصلاهی به دانشگاه تهران منتقل شد، دکتر سعید ارباب شیرانی به ریاست بخش زبان انگلیسی و سپس ریاست دانشکده منصوب شد. استادان دیگری هم به این بخش پیوستند. از جمله خانم الهه شهریاری، آقای چیلان، آقای طباطبایی و ...

در این زمان آزمایشگاه زبان انگلیسی که از قبل برنامه‌ریزی شده بود دایر گردید و تمام دانشجویان تمام رشته‌ها (از پزشکی و پرستاری گرفته تا کشاورزی و ...) موظف به گذراندن واحد آزمایشگاه زبان انگلیسی بودند. اینجانب افتخار داشتم در سال‌های سوم و چهارم دانشجویی‌ام به اتفاق هم‌کلاسی‌هایم دکتر جعفرپور، دکتر مسیح‌پور و خانمی آمریکایی که بسیار جوان و همسر یکی از استادان دانشکده علوم (اگر اشتباه نکنم دکتر صمیمی) این آزمایشگاه را اداره کنیم.

حضور افراد بزرگی هم چون پروفسور دانا حائری استاد دانشکده پزشکی، دانشگاه را زنده نگه می‌داشت. به طوری که علی‌رغم همه کمبودها، خدمات دانشجویی و آموزش در سطح قابل قبولی بود. از ۱۱ نفر دانشجویان زبان انگلیسی اولین دوره زبان انگلیسی حداقل چهار نفر موفق به اخذ مدرک دکترا شدند؛ از جمله سرکار خانم دکتر پرخیده ملکی استاد زبان انگلیسی دانشگاه شهید چمران، جناب آقای دکتر عبدالجواد جعفرپور استاد سابق دانشگاه شیراز، جناب آقای دکتر شکرآ... مسیح پور دکترای مدیریت از آمریکا و اینجانب که در سال ۱۳۷۵ دکترای خود را در کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه نیوساوت‌ولز استرالیا اخذ کردم. سایر همکلاسی‌ها یا مدرک کارشناسی ارشد خود را گرفتند مانند سرکار خانم نسرین جوانمردی، یا در سایر حوزه‌ها صاحب‌نام شدند، از جمله سرکار خانم قدسی گلریز که نویسنده و مترجم کتاب‌های کودکان است.

استادان ما بی‌اغراق در سطح بسیار بالایی بودند و نه تنها به مسائل آموزشی توجه خاصی داشتند بلکه مسائل تربیتی و پرورشی محیط دانشگاه نیز مدنظر آنان بود. به عنوان نمونه، استاد درس اقتصاد ماف جناب آقای دکتر انصاری که از شرکت نفت می‌آمد، وقتی وارد کلاس شد از دانشجویان خواست که جزوه درسی را که از قسمت تکثیر تهیه کرده بودند باز کنند. بعد ضمن عذرخواهی از دانشجویان خواست در ص ... سطر ... در انتهای جمله علامت نقطه بگذارند!!! این دقت و مسئولیت‌پذیری هم چنان آویزه گوش اینجانب است. من آن روز درس بزرگی آموختم و شاید همه همکلاسی‌هایم. دانشگاه با همان دو سه اتوبوس فرسوده‌ای که داشت برای شب‌های جمعه سرویس سینما داشت که ساعت ۱۱ شب از میدان مجسمه (شهادی فعلی) دانشجویان را به خوابگاه می‌آورد.

من خرداد سال ۱۳۵۰ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شدم. بعد از یک سال کار در شرکت بین‌المللی هانیول که پیمانکار دستگاه‌های ابزار دقیق شرکت پتروشیمی شاپور (S.C.C) بود به عنوان مسئول امور دفتری کار کردم (از مهر ۵۰ تا مهر ۵۱). از مهر ۱۳۵۱ تا بهمن ۱۳۵۳ به عنوان دبیر در دبیرستان‌های بهبهان خدمت کردم، افتخارات من در سمت دبیری دانش‌آموزانی است که امروز از جمله فرهیختگان و خادمان مملکت هستند، از جمله جناب آقای دکتر مسعود صفایی‌مقدم، جناب آقای دکتر کوثریان، جناب آقای دکتر برزگر، جناب آقای دکتر بهمن رفیعی متخصص چشم پزشکی و ده‌ها دکتر و مهندس دیگر، یا شهدای گران‌قدری است که یادشان گرمی باد از جمله شهید بقایی، شهید صدرالله فنی، شهید آصفی، شهید تابان و ...

اینجانب، بعداً تا تیرماه ۱۳۵۵ به عنوان کارشناس نظارت بر خدمات جهانگردی در اداره کل جهانگردی خوزستان خدمت کردم. پس از استعفا به مدت چندماه در نیشکر دیمچه در شوشتر که پروژه راه‌اندازی کارخانه‌ها بود به عنوان مترجم کار کردم و در نهایت در آذر ۱۳۵۵ وارد کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آن زمان واقع در طبقه دوم سرسرای دانشکده علوم شدم.

حالا دانشگاه خیلی بزرگ شده و هم‌چنان در حال گسترش بود. در سال ۱۳۵۶ دانشگاه در ۲۱ رشته برای مقطع کارشناسی ارشد دانشجو گرفت از جمله کتابداری. من در امتحان ورودی آن سال رتبه اول شدم. کلاس‌ها در محل کتابخانه مرکزی با حضور زن و شوهری آمریکایی به نام‌های ژانت‌بار و مرحوم لاری‌بار برگزار می‌شد. مرحوم منصور پورشعبان و هم‌چنین جناب آقای

دکتر مرتضی کوکبی و خانم ذهلوله دغاغله (که خارج از کشور است) نیز با آنان همکاری می‌کردند. بعد از گذراندن دو ترم به دلیل وضعیت خاص کشور در دوران پیش از انقلاب استادان خارجی اهواز را ترک کردند و کلاس‌ها تعطیل شد و به دنبال آن دانشگاه نیز تحت تاثیر آن شرایط خاص قرار گرفت.

در نهایت انقلاب اسلامی پیروز شد و ابتدا به صورت شورایی اداره می‌شد. بعدها، نام دانشگاه نیز به دانشگاه شهید چمران تغییر یافت.

وقوع انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه‌ها ادامه تحصیل دانشجویان را غیرممکن ساخته بود. در نهایت بعد از چند ترم برای ادامه تحصیل و گذراندن دروس باقی‌مانده به دانشگاه تهران رفتیم. پس از گذراندن واحدها و تعیین موضوع پایان‌نامه در خردادماه سال ۱۳۵۹ انقلاب فرهنگی آغاز شد که این نیز منجر به تعطیلی دانشگاه‌ها پس از انجام امتحانات زودرس گردید.

وقتی در اواخر شهریور ۱۳۵۹ بعد از یک سال ماموریت تحصیلی در روز نخست خود را به واحد مربوط (من رییس کتابخانه بیمارستان جندی‌شاپور بودم) معرفی کردم فردای آن روز جنگ عراق با ایران شروع شد. همه چیز به هم ریخت. دانشگاه عملاً تعطیل و سپس مقرر رزمندگان جنگ شد. در بهمن ۱۳۶۰ مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تهران اخذ کردم. در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا زمانی که به عضویت هیأت علمی درآمدم، سال ۱۳۶۶، به دلیل سابقه دانشجویی و پس از انجام مصاحبه توسط استادان محترم گروه زبان انگلیسی، با تایید گروه زبان انگلیسی در تمام دانشکده‌های دانشگاه درس زبان عمومی می‌دادم.

در سال ۱۳۷۰ برای ادامه تحصیل با اخذ سهمیه بورسیه دانشگاه به استرالیا رفتم و پس از بازگشت مجدداً به گروه پیوستم. گروهی که خود را به واقع مرهون تلاش‌های فراوان، همت، و دوستی و گذشت جناب آقای دکتر محمدحسین دینانی می‌داند. همکار دیگرم جناب آقای دکتر عبدالحمید معرفزاده نیز با ایشان همکاری می‌کردند. دکتر دینانی به‌راستی بار گران گروه را بر دوش داشت. هم‌زمان، چهار نفر از یک گروه ۶ نفره در خارج از کشور بودند. خوشبختانه افراد بورسیه به همان ترتیب اعزام به خارج با موفقیت و دست پر به کشور بازگشتند. اینک این گروه بی‌تردید قوی‌ترین گروه کتابداری ایران است و آثار و انتشارات افراد گروه مورد استفاده استادان و دانشجویان این رشته و کتابداران است.

هر چهار نفر اعزامی در حداقل زمان ممکن به درجه استادی مفتخر شدند. حاصل کار آنان ده‌ها کتاب، صدها مقاله و تربیت تعداد قابل توجهی کادر آموزشی و کتابدار است که در سراسر کشور به خدمت مشغول هستند. جای تأمل و تأسف دارد که در سال‌های اخیر سیاست‌های نادرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با افزایش غیرمعقول تعداد دانشجویان در تمام مقاطع و عدم رسیدگی کافی به نیازهای گروه ضربه محکمی به این روند وارد ساخته است.

سخن آخر این‌که گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری) دوران کهولت خود را می‌گذراند. آقای دکتر کوکبی از اول مهرماه جاری بازنشسته شده است و سه استاد با سابقه دیگر نیز در دو سه سال آینده به سن بازنشستگی خواهند رسید. لازم است با جذب نیروهای با دانش بومی به روش‌های مختلف از جمله استفاده از دانشجویان استعدادهای درخشان و بورسیه کردن اجازه داده نشود این درخت تناور فرتوت و تضعیف شود.



جا دارد ضمن تبریک دوباره‌ی شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران از مقامات مسئول وزارتی و استانی و صنایع درخواست شود عنایت بیشتری به این دانشگاه شود. وضعیت امکانات رفاهی و خدماتی بسیار تاسف‌انگیز است. درآمدزایی، اهداف مقدس و عالی‌ه نظام آموزشی را زیر سؤال برده است. بدون تردید روند چند سال اخیر آثار بسیار سویی به همراه داشته است که تنها از طریق مطالعه دقیق و طولی میزان و عمق آن آشکار خواهد شد. با امید روزهای بهتر برای دانشگاه شهید چمران و تمام دانشجویان.

با احترام و سپاس
زاهد بیگدلی

دکتر نصرالله امامی استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

هنگامی که نزدیک به سی و نه سال پیش در مهرماه ۱۳۵۵، از تهران به دعوت دکتر حسین نخعی رییس وقت دانشکده ادبیات دانشگاه جندی شاپور برای تدریس به اهواز آمدم، می‌پنداشتم که ماندنم چندان به درازا نمی‌انجامد؛ بویژه آن که دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران هم بودم و باید کار ناتمام تحصیل را به انجام می‌رساندم. کاری که اتمامش به سبب همین آمدن، سه سالی به طول انجامید.

گروه نوپای زبان و ادبیات فارسی در آن روزها دو سالی بود که کارش را شروع کرده بود؛ افرادی با سلیقه‌هایی متفاوت و گاه متعارض و من در آن میان غریبه‌ای بودم که حضورم شاید هیچ کس را خوشحال نمی‌کرد؛ جوانی در آغاز راه با تجربه‌ای اندک که تازه خدمت نظام را تمام کرده و پای در دوره دکتری ادبیات گذاشته و حالا داعیه استادی می‌داشت. نصیب چنین تازه‌واردی جز دروس عمومی نبود؛ بعدها درس روش تحقیق را هم که طالبی نداشت بر عهده من گذاشتند. روشن‌ترین خاطره‌های آن ایام، اختلاف سلیقه‌ها و کشمکش‌ها و رقابت‌ها و اگر نگویم عداوت‌هایی بود که گاه در پشت نقاب دوستی پنهان می‌شد و هرگز حاصلی به دنبال نداشت. بعد از مدتی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و هنوز مدتی نگذشته، جنگ تحمیلی شروع شد و به قول شاعر، غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد. اکنون پنداری جنگ، همه ما را با یکدیگر هم‌درد کرده بود و این آغاز همدلی‌ها بود.

گروه من یعنی گروه ادبیات فارسی بعد از شروع مجدد درس و کلاس در دانشگاه‌ها، جان دیگری گرفت. اعضای جدیدی به گروه پیوستند. کارها به‌سامان‌تر شد و رقابت‌ها کم‌رنگ‌تر. حالا دیگر همگی تجربه‌ی مشترکی را پشت سر گذاشته بودیم و شاید پخته‌تر و بردبارتر شده بودیم. حالا دیگر به قول یکی از دانش‌آموخته‌های قدیم ما، ساختمان سه‌گوش (محل قدیم دانشکده ادبیات)، شلوغ‌ترین جای دنیا بود. ساختمانی که اولین لانه و کاشانه دانشگاه ما بود و من سی و چند سال را در زیر سقفش سپری کرده بودم؛ جایی که هر خشتش برایم خاطره‌ای داشت؛ خاطره‌هایی از جوانی و میان‌سالگی؛ خاطره‌هایی از همکاری که اکنون در گذشته‌اند و جز معدودی از آن‌ها در کنارمان نیستند و دانشجویانی که بعدها برای خود استادی شدند و کارمندانی و کارکنانی که یادشان حکایتی از وفاداری و صداقت را در ذهنم زنده می‌کند.

کار عجیبی است این استادی دانشگاه، و چه زیبا و پر بار است اگر با نخوت‌ها و رعونت‌های استادی همراه نباشد. در جاهای دیگر که کار می‌کنی، یک سال کار می‌کنی و سی سال، آن کار را تکرار می‌کنی؛ این‌جا هر روز و هر ماه و هر سالش شروع دوباره‌ای است. هر مهرماهی شوق شروعی دوباره را در دلت زنده می‌کنی و اگر درد دانستن و پژوهیدن هم‌چنان در دلت باشد، دیگر گذشت زمان را هم احساس نمی‌کنی.

در میانه این سال‌هایی که چهار دهه را در برمی‌گیرد، بارها وسوسه رفتن بر من غالب شد و چه بسیار در میانه‌ی تردیدهای رفتن و نرفتن، عذاب کشیدم؛ ولی ماندم و از ماندنم پشیمان نیستم. دل‌آزرده شدم ولی کوشیدم تا دلی را نیازارم.



این خصلت آدمی است که روزهای ناخوشی را بیشتر به یاد می‌آورد تا روزهای خوشی را؛ ولی روزهای خوش من در این دانشگاه کم نبود؛ مقالات و کتاب‌های بسیاری که نوشتم، دانشجویانی که پروراندم، استادانی که تربیت کردم و سال‌هایی که در مدیریت این دانشگاه نقشی و اثری داشتم، همه روزهای خوش من است. اکنون تاریخ دانشگاه شهید چمران، تنها تاریخ زندگی من نیست، سهمی بزرگ از حیثیت من است که باید آن را پاس بدارم و تا هستم، پاس می‌دارم.

پنج‌م آذرماه ۱۳۹۴

دکتر سید حسین نصر

از آنجا که ده‌ها سال از دوران تکوین و تأسیس دانشگاه شهید چمران می‌گذرد، برخی از جزئیات مراحل تأسیس آن که این بنده نیز به عنوان عضو شورای عالی فرهنگ و دیگر نهادهای مربوط در بحث و تصمیم‌گیری درباره آن سهمی ناچیز داشت؛ به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است. لکن نکات مهمی هست که هنوز در خاطر م باقیست. پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۴ که اولین دانشگاه به معنای جدید آن در ایران بود و دانشگاه مادر محسوب می‌شد؛ برای چند سالی دیگر دانشگاهی در ایران تأسیس نشد تا جنگ بین‌المللی دوم که بعد از آن دانشگاه تبریز به عنوان دومین دانشگاه در ایران بنا شد. سپس در بر روی تأسیس دانشگاه در شهرستان‌ها باز شد و یکی بعد از دیگری دانشگاه‌های شیراز و اصفهان و مشهد به وجود آمد. به دنبال همین جریان بود که اولیای امور به فکر ایجاد دانشگاهی در خوزستان افتادند.

در شوراهای مربوطه، این موضوع مفصلاً مطرح شد. نظر بنده و چند تن دیگر از اعضای شوراهای مربوطه این بود که نام این دانشگاه جندی‌شاپور گذاشته شود، اگر چه قرار بود در اهواز باشد. دلیل ما هم این بود که دانشگاه جندی‌شاپور که در عصر ساسانی بنا شد؛ از لحاظ تاریخی اهمیت فوق‌العاده داشت و سهم آن در انتقال علوم اوائل، چه یونانی و چه هندی و چه ایرانی، به تمدن اسلامی اساسی بود و نه تنها در تمدن اسلامی، بلکه از طریق انتقال علوم اسلامی به غرب اهمیت زیادی در تاریخ علوم در مغرب زمین نیز داشت. در یکی از جلسات درباره تأسیس این دانشگاه عرض کردم که بعضی چیزها جدیدش خوب است و بعضی قدیمیش مانند دوستی و مراکز علمی و افزودم که حتی تاریخ دانشگاه تهران باید با تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر آغاز می‌شد و نه با ساختن پردیس فعلی دانشگاه تهران در خیابان شاه رضای آن زمان در سال ۱۳۱۴. به هر حال نظریه بنده و دیگر هم‌فکران توسط شوراهای مربوطه و اولیای امور پذیرفته شد و دانشگاه جندی‌شاپور با همین نام بوجود آمد.

شخصی که بیش از هرکس برای تأسیس این دانشگاه و رشد اولیه آن زحمت کشید دکتر جامعی بود که با ایشان دوستی نزدیک داشتم. از این موقعیت استفاده کرده به ایشان عرض کردم که علاوه بر دانشکده‌های پزشکی و کشاورزی و امثال آن‌ها باید توجه خاص به دانشکده ادبیات و زبان فارسی و نیز عربی شود. اهمیت زبان فارسی بر همگان آشکار بود، ولی خیلی‌ها در تهران به علت یک نوع ناسیونالیسم فرهنگی کاذب، توجه به اهمیت زبان عربی، نه تنها برای آن استان که دانشگاه در آن قرار داشت بلکه برای محیط کلی علمی و فرهنگی کشور نداشتند. به هر حال تدریس کامل و جدی زبان و ادبیات عرب تا بعد از انقلاب عملی نشد به رغم اهمیت علمی و عملی آن.

به این نکته نیز باید اشاره کنم که به علت علاقه‌ای که همواره به حفظ و احیای معماری اصیل و سنتی ایران داشته و دارم، بارها اصرار کردم که تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور فرصت خوبیست برای ساختن یک دانشگاه بزرگ به سبک اصیل ایرانی. خوشبختانه آقای دکتر جامعی نیز در این امر با بنده هم‌فکر بودند. یکی از مهندسان بسیار با ذوق آن زمان به نام مهندس مقتدر که اخیراً



به رحمت الهی پیوست، برای این کار انتخاب شد و الحق که طرح بسیار زیبا و اصیلی بوجود آورد. به خاطر دارم که هنگام مراسم افتتاح دانشگاه بسیاری از حضار اذعان داشتند که این دانشگاه از لحاظ معماری زیباترین و اصیل ترین دانشگاه در ایران است. خواندم که به هنگام جنگ مصیبت‌بار عراق صدمه زیادی به ابنیه دانشگاه وارد آمد. امیدوارم تمام این خرابی‌ها مرمت شده و اصالت معماری دانشگاه حفظ شود.

در پایان از درگاه احدیت مسألت دارم و دعا می‌کنم که این دانشگاه مهم هر روز از لحاظ علمی و فرهنگی اعتلا یابد و مرکز مهمی برای اشاعه دانش بین فرزندان عزیز کشورمان باشد.

والله اعلم بالصواب

سید حسین نصر

دکتر محمد محمودیان شوشتری استاد بازنشسته دانشگاه

شصتمین سالگرد آغاز به کار دانشگاه شهید چمران اهواز (جندی‌شاپور سابق) را به مردم شریف خوزستان، خانواده‌ی معظم شهدای دانشگاه، دانش‌آموختگان و دانشجویان گرامی، اعضای محترم هیأت علمی، کارکنان خدوم و زحمت‌کش و مدیریت محترم دانشگاه تبریک می‌گویم. باشد که دانشگاه روز به روز مسیر پیشرفت و ترقی را در انجام رسالت خود در زمینه‌های علمی-فرهنگی و معنوی طی نماید و همانند دوره‌ی باستان معروفیت جهانی یابد.

دانشگاه شهید چمران اهواز یادگار دانشگاه جندی‌شاپور ساسانی است. دانشگاه جندی‌شاپور در شهر جندی‌شاپور که در ۱۸ کیلومتری جنوب غرب دزفول قرار داشت، تاسیس گردید. در آن دانشگاه علوم مختلفی از جمله پزشکی تدریس می‌شد. گفته می‌شود، دانشگاه جندی‌شاپور به ویژه در بخش پزشکی و مداوای بیماران در بیمارستان آن، در عصر خود شهرت جهانی داشته است. پس از انقراض حکومت ساسانی و مهاجرت استادان آن، دانشگاه جندی‌شاپور تضعیف و سرانجام پس از حدود ۴۰۰ سال فعالیت درخشان از بین رفت. بنای اولیه‌ی دانشگاه شهید چمران اهواز کنونی در سال ۱۳۳۴ شمسی با ایجاد دانشکده کشاورزی در محل دانشسرای کشاورزی گذارده شد و از آن تاریخ به بعد دانشکده‌های دیگر یکی پس از دیگر تاسیس و روند پیشرفت تدریجی تا به امروز ادامه داشته و دارد. در آغاز، پیشرفت علمی دانشگاه چنان بود که در سال‌های نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۴۰ شمسی، دانشکده‌ی کشاورزی آن، بهترین دانشکده کشاورزی خاورمیانه شناخته شد. به یاد دارم در آن سال‌ها، تعداد جذب فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی اهواز در دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی به علت توان علمی بالا، نسبت به جذب فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های کشاورزی دیگر در کشور، بسیار بالا و چشم‌گیر بود. خوشبختانه در شرایط کنونی در بعضی از گروه‌های آموزشی دانشگاه، کیفیت فعالیت‌های علمی خوب و دانش‌آموختگان پربراری از نظر علمی فارغ‌التحصیل می‌شوند. در حال حاضر تمام اعضای هیأت علمی دانشکده مهندسی علوم آب دوره یا دوره‌هایی از تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه شهید چمران اهواز به اتمام رسانیده‌اند.

شایان توجه است در سال‌های اول بازگشایی مجدد دانشگاه بعد از انقلاب فرهنگی، به علت کمبود شدید هیأت علمی، دانشکده مهندسی ناچاراً دانشجویان را دسته جمعی برای گذراندن بعضی دوره‌های درسی به دانشگاه امیرکبیر در تهران می‌فرستاد و برای تشکیل کلاس‌ها در داخل دانشکده از مدرسین مدعو و اکثراً با مدرک کارشناسی ارشد و بعضاً کارشناسی استفاده می‌نمود. در آن زمان تعداد اعضای هیأت علمی دانشکده مهندسی کم، در حدود تعداد انگشتان دست و در میان آن‌ها فقط یک نفر با مدارک دکترا بود. در زمان حاضر دانشکده‌ی مهندسی دارای ۸۲ نفر عضو هیأت علمی است که ۷۱ نفر آنان با مدارک دکترا و ۱۱ نفر با مدارک کارشناسی ارشد هستند. هم‌اکنون دانشکده مهندسی بیش‌ترین جمعیت دانشجویی (۲۰۷۹ نفر) را در بین دانشکده‌های دانشگاه دارد و در همه مقاطع تحصیلی دانشجویان می‌پذیرد. روند پیشرفت علمی در دانشکده‌های دیگر همانند دانشکده مهندسی خوب و چشم‌گیر می‌باشد. بدون شک پیشرفت‌های

علمی، دینی و فرهنگی دانشگاه شهید چمران اهواز از بدو تأسیس تاکنون مدیون تلاش و خدمات دانشجویان، کارکنان اعضای هیأت علمی و کلیه‌ی افرادی است که در گذشته و حال خالصانه به دانشگاه خدمت کرده و می‌کنند. زینبند است از این عزیزان به نحو احسن تشکر و قدردانی گردد. اعتقاد بر این است علیرغم پیشرفت‌های خوب و چشمگیر کنونی دانشگاه در زمینه‌های مختلف، در مقایسه با دانشگاه‌های هم‌ردیف خود در کشور، دانشگاه شهید چمران اهواز دارای کمبودها و عقب ماندگی‌هایی است زیرا در سال‌های نخستین انقلاب به دلایل انقلاب فرهنگی و شروع جنگ تحمیلی، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی متوقف شده بود و تمام تلاش مسئولین دانشگاه به حفظ دانشگاه، انجام امور جاری و کمک به امور جنگ زدگان و رزمندگان صرف می‌شد. در اوایل جنگ دانشگاه شهید چمران اهواز مرکز آموزش‌های رزمی و جنگ‌های نامنظم سردار اسلام شهید مصطفی چمران و محل حضور مقام معظم رهبری نماینده حضرت امام راحل در شورای عالی دفاع بود. محل استقرار این بزرگواران در ساختمان کنونی دانشکده کشاورزی بود. همچنین به علت وسعت زیاد دانشگاه و امکانات موجود در آن و شرایط حاکم در منطقه، برای اسکان نیروهای رزمنده‌ی مردمی از دانشگاه شهید چمران اهواز استفاده شد و عملاً دانشگاه به صورت یک پایگاه نظامی درآمد. بعضی از ساختمان‌های دانشگاه مانند ساختمان‌های دانشکده تربیت‌بدنی و کتابخانه‌ی مرکزی در اختیار نیروهای رزمنده‌ی جبهه‌های جنگ بود و حتی این ساختمان‌ها تا مدتی پس از اتمام جنگ در تصرف آن‌ها بود. خلاصه آن که پس از بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی ۶۰-۵۹ شمسی، در دانشگاه شهید چمران اهواز علاوه بر فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های نظامی در ارتباط با جنگ و اعزام نیرو به جبهه‌ها انجام می‌شد. در این رابطه بود که برای بسیج اقشار دانشگاهی به جبهه‌های جنگ و ساماندهی آن‌ها، حوزه‌ی معاونت جنگ در دانشگاه به وجود آمد. در دوران جنگ و در کنار امور نظامی، کارهای تحقیقاتی و فرهنگی زیادی در دانشگاه شهید چمران اهواز صورت گرفت. از آن جمله می‌توان به برگزاری اولین جشنواره شعر دفاع مقدس، برگزاری دوره‌های فشرده تحصیلی برای جبران عقب‌ماندگی درسی دانشجویان رزمنده که از سراسر کشور در مناطق عملیاتی جنوب کشور حضور داشتند، اشاره نمود. ملاحظه می‌شود بنا به آن چه که اشاره شد، در دوره‌ی پس از شروع جنگ تحمیلی و بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها حتی تا مدتی پس از پایان جنگ، دانشگاه شهید چمران به اقتضای موقعیت و شرایط جنگی، مشغول خدمات و فعالیت‌های جنگی بود و این خدمات و فعالیت‌های جنگی در حالی انجام می‌شد که دانشگاه‌های دیگر در کشور به فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و توسعه‌ی دانشگاه خود به شدت مشغول بودند. امید می‌رفت که پس از پایان جنگ به دلیل کندی و حتی رکود پیشرفت‌های علمی و توسعه‌ی دانشگاه در دوره‌ی دفاع مقدس و به پاس خدمات و فعالیت‌های جنگی، توجه ویژه‌ای از طرف دولت‌ها و مسئولین به دانشگاه شهید چمران مبذول گردد که تاکنون چنین نبوده است. انتظار دارد که دانشگاهیان، مدیریت محترم دانشگاه و مسئولین موثر استان درباره‌ی عقب‌افتادگی‌های گذشته و محدودیت‌ها و کمبودهای گذشته و حال دانشگاه به تلاش و چاره‌جویی بپردازند و در راه تعالی و پیشرفت دانشگاه در زمینه‌های علمی، فرهنگی و دینی از هیچ تلاشی دریغ نفرمایند

و بیش از گذشته کوشا باشند تا دانشگاه شهید چمران جایگاه واقعی خود را چون دوران ایران باستان بیابد.

اینجانب به عنوان معلم بازنشسته‌ی دانشگاه به خدمات و فعالیت‌های دانشگاه شهید چمران اهواز در دوران دفاع مقدس (جنگ) افتخار می‌کنم و به دستاوردهای ارزنده‌ی دانشگاه در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، معنوی و توسعه (دانشکده‌های اقماری دانشگاه در شهرهای بهبهان، خرمشهر، دزفول و رامین به چهار دانشگاه مستقل تبدیل شده‌اند) پس از پایان جنگ تا به امروز ارج می‌نهم. بدون شک دانشگاهی می‌تواند رسالت خود را در زمینه‌های علمی، فرهنگی و معنوی به نحو شایسته ایفا نماید و پاسخگوی مشکلات و نیازهای کشور و منطقه باشد که در آن جوی آرام، با نشاط و امید به آینده‌ی بهتر حاکم باشد. اعتماد، همدلی، هم‌اندیشی و تعامل سازنده در بین اقشار مختلف آن برقرار باشد. اصول شایسته‌سالاری در مسئولیت‌سپاری و استفاده از نظرات و پیشنهادات سازنده‌ی دانشگاهیان سوای از دسته‌بندی‌ها کاملاً رعایت گردد. و بالاخره فعالیت‌های پژوهشی و سوژه پایان‌نامه‌ها براساس مشکلات و نیازهای مملکت به ویژه منطقه تعریف، تنظیم و اجرا گردد.

از برگزارکنندگان و دست‌اندرکاران مراسم شصتمین سالگرد دانشگاه تشکر و قدردانی می‌نمایم و موفقیت آن‌ها را از خدای بزرگ مسئلت دارم.

دکتر حیدرعلی کشکولی استاد بازنشسته دانشکده علوم آب

در سال ۱۳۷۳ در زمان ریاست دکتر زرغام، معاون آموزشی دانشکده کشاورزی بودم که مسولیت برگزاری عملیات کشاورزی در محوطه پشت گلخانه‌ها را هم به عهده داشتم. سال‌ها دانشگاه برای اب مورد نیاز فضای سبز و عملیات کشاورزی از کانال اب مرکز تحقیقات که از میان کشاورزی و علوم رد می‌شد استفاده می‌کرد و یک هفته قبل از شروع عملیات آن سال، نامه‌ای از سازمان تحقیقات کشاورزی به دانشگاه رسید که نوشته بود به علت بالا رفتن نیاز آبی مزارع تحقیقاتی‌شان دانشگاه نباید از کانال آبی برداشت کند. تنها تلمبه برداشت آب از کارون برای دانشگاه هم به علت سیل و آب گرفتگی از بین رفته بود. در همان سال دانشجوی ارشدی داشتم که مسول آب و فاضلاب دزفول بود و سال‌ها به خاطر خدمات ارزنده‌اش در آب‌رسانی به جبهه‌ها و شهرهای پشت جبهه خوش‌نام بود و رتبه برترین را در سطح کشور داشت. در حالی که فرصتی نداشتیم، به یک‌باره طرحی به ذهنم رسید که برای همیشه مشکل آب خام دانشگاه را حل می‌کرد و آن استفاده از لوله‌های آب‌رسانی زیرزمینی برای همه دانشگاه بود. به سرعت نقشه کلی را از ایستگاه پمپاژ کنار رودخانه تا انشعابات لوله برای دانشکده‌های دامپزشکی، کشاورزی، علوم و زیرگذر از جاده تا میدان فوتبال و از آن‌جا دو انشعاب اصلی یکی برای سازمان مرکزی و یکی برای تربیت بدنی، مهندسی، اقتصاد و علوم تربیتی تا کوی استادان بود تهیه کردم و با آقای مهندس کرمی‌نژاد در میان گذاشتم که بلافاصله تامین کلیه اقلام مورد نیاز از ساخت اطاقک تلمبه‌خانه سیستم برق‌رسانی و لوازم پمپ و اتصالات و در حدود ۵ کیلومتر لوله و اتصالات اسبست را در قالب هدیه به دانشگاه تقبل نمود و دو شب بعد از آن کامیون‌ها برای خالی کردن لوله‌ها وارد دانشگاه شدند. با توجه به این‌که یک هفته برای شروع آبیاری اول در عملیات کشاورزی وقت داشتیم آقای کرمی‌نژاد گروه اجرایی و ضربتی خود را یک‌هفته ماموریت داد تا قسمت اول کار را به اتمام برسانند و دانشگاه تنها هزینه‌ای که کرد تامین غذا و جای استراحت برای آن‌ها بود و درست به موقع کار انجام شد. روزی که خط لوله به سازمان مرکزی رسید آقایان دکتر زرغام، دکتر بخشنده و دکتر سامانی معاونان مالی و عمرانی برای شروع به کار آن حضور داشتند. در این‌جا لازم است از نقش ارزنده آقای مهندس سعید رسولی یادی کنم که در آن زمان عضو هیأت علمی گروه آبیاری و مسول خدمات دانشگاه بود که نهایت کمک و همکاری و هماهنگی را با گروه اجرایی به عمل آورد، حتی از کلیه عملیات اجرایی و محل استقرار لوله و شیرآلات فیلم و عکس برای خدمات دانشگاه تهیه نمود. اگر امروز فضای سبز دانشگاه و کوی را شاداب و سرزنده می‌بینید به خاطر همین سیستم آب خام زیرزمینی است که آن روزها به این ترتیب اجرا گردید و مدیون زحمات و الطاف بسیار صمیمانه و مخلصانه آقای مهندس کرمی‌نژاد است که امروز به عنوان شهردار دزفول هم‌چنان مشغول انجام وظیفه صادقانه است.

دکتر محمود شفاعی بجنستان استاد دانشکده علوم آب

۱- نحوه استخدام

اوایل تیرماه ۱۳۵۷ روزی بود که بنا به دعوت مدیر گروه وقت مهندسی آبیاری و آبادانی دانشگاه جندی شاپور جناب آقای دکتر فرزدقی به اهواز آمدم تا تقاضای کتبی خودم را مبنی بر این که بتوانم دوره سربازی را در دانشگاه جندی شاپور بگذرانم به ایشان تحویل دهم. تنها کپی غیررسمی ریزنمرات خودم از دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر) را به همراه داشتم. صبح ساعت ۹ رسیدم دفتر ایشان و هم‌زمان شورای گروه داشت تشکیل می‌شد و موضوع بحث هم فقط بررسی درخواست من بود. تقریباً ساعت نه و نیم با موافقت شورای گروه، من به رییس دانشکده کشاورزی آقای دکتر قادری معرفی شدم. ایشان صحبت مختصری با من کردند و بیشتر از سوابق تحصیلی من پرسیدند. هم‌زمان که داشتیم صحبت می‌کردیم نامه موافقت دانشکده را داده بودند تایپ کنند و حدود ساعت ۱۱ بود که با موافقت دانشکده به معاون آموزشی دانشگاه معرفی شدم. نزد آقای دکتر مهدوی، معاون آموزشی دانشگاه رفتم. ایشان هم مصاحبه مختصری با اینجانب داشتند و از سوابق تحصیلی من و چرا دانشگاه جندی شاپور را انتخاب کرده‌ام پرسیدند، بعد من را به کارگزینی معرفی کردند. مدیر کارگزینی وقت جناب آقای دکتر کمالی بودند که ساعت حدود ۱۲ به دفترشان مراجعه کردم. با روی گشاده پذیرا شدند و دستورات لازم صادر کردند. ساعت حدود یک و نیم بود که نامه موافقت دانشگاه با امضای معاون محترم آموزشی دانشگاه به وزارت علوم آن موقع مبنی بر موافقت دانشگاه با طرح سربازی اینجانب را به من دادند. من ساعت ۴ عصر با قطار از اهواز به تهران برگشتم. با چنین شرایطی توانسته بودند در مدت کوتاهی تعداد زیادی هیأت علمی در اهواز جذب کنند. من امروز به‌عنوان یکی از مدیران گروه این دانشگاه شرمنده متقاضیانی هستم که پس از مصاحبه در گروه و کسب امتیازات لازم باید سال‌ها منتظر موافقت مسئولان دانشگاه و وزارت باشند.

۲- راه‌اندازی و نوسازی اداره انتشارات و چاپ دانشگاه

در اواخر شهریور ۱۳۶۸ بود که دعوت جناب آقای دکتر کاظم‌پور (ریاست محترم وقت دانشگاه) را برای پست معاونت پژوهشی دانشگاه پذیرفتم. مدت کمی از پایان جنگ گذشته بود ولی هنوز دانشگاه حال و هوای دوران دفاع مقدس را داشت. هرچند قبل از من دوست و همکارم آقای دکتر علیزاده تلاش زیادی کرده بودند تا معاونت پژوهشی را شکل بدهند، چون تقریباً پس از جنگ تحمیلی این معاونت عملاً مسئولیتی نداشت و کارکنان آن به واحدهای دیگر منتقل شده بودند، ولی هنوز واحدهای زیرمجموعه معاونت تکمیل نشده بود. از جمله چاپخانه دانشگاه بود که با کمبودهای شدیدی مواجه بود. چرا که این واحد در دوران دفاع مقدس به‌عنوان تنها چاپخانه دولتی در اهواز خدمات زیادی را برای چاپ پوستر و بروشور و غیره داشت و تقریباً تمام وسایل آن نیاز شدیدی به نوسازی داشتند. از این رو تلاش زیادی شد تا بالاخره موافقت جناب آقای دکتر معین (وزیر محترم وقت علوم) را مبنی

بر گنجاندن چاپخانه دانشگاه در لیست چهار دانشگاهی که قرار بود نوسازی بشوند قرار گیرد. پس از کسب موافقت کتبی ایشان به دفتر نمایندگی هایدلبرگ رفتیم و لیست وسایل مورد نیاز را که قبلا با آقای قلمی (معاون فنی وقت چاپخانه) هماهنگی شده بود به آن‌ها دادم. تقریباً سه روز بعد نماینده آن شرکت به اهواز آمدند تا هماهنگی نهایی برای خرید انجام شود و ضمناً درخواست کردند که شما از اداره ارشاد خوزستان نامه‌ای بگیرید که این وسایل را نیاز دارید تا پس از ورود، ترخیص کالاها از گمرک مشکلی نداشته باشد. بلافاصله نامه‌ای با امضای ریاست دانشگاه خطاب به مدیر وقت ارشاد اهواز را شخصا بردم. در عین نابوری پاسخ ایشان منفی بود. ایشان معتقد بود که در شرایط فعلی نباید ارزش مملکت صرف این وسایل غیرضرور شود. متأسفانه استدلال‌های من هم که طی سه چهار جلسه نیز ادامه داشت مبنی بر تنها چاپخانه دولتی اهواز و اینکه ما دانشگاه بزرگی هستیم و از همه مهم‌تر هم ارزش و هم ریال آن را وزارت می‌دهد موثر واقع نشد. دو ماه پس از آن نام دانشگاه ما را حذف و یکی از دانشگاه‌های تهران را اضافه کردند. حدود ۹ ماه بعد در یکی از جلسات معاونان وقت پژوهشی دانشگاه‌ها که به آن دانشگاه رفته بودیم اولین مکانی را که به ما نشان دادند چاپخانه‌ای با وسایل مجهز و مدرنی بود که قاعدتاً باید در دانشگاه ما نصب می‌شدند.

البته تلاش‌های دانشگاه برای تامین وسایل جدید در سال‌های بعد هم ادامه داشت و هر چند از نظر بودجه کم‌کم سخت‌گیری هم می‌شد ولی بالاخره موافقت خرید تعدادی وسایل را از اداره ارشاد (در مدیریت جدید) کسب گردید و اولین دستگاه چاپ مدرن چاپ رنگی خریداری شد. با همکاری صمیمانه‌ای هم که هیأت رییس‌ه محترم دانشگاه داشت سوله انبار را به معاونت پژوهشی دادند و کلاً چاپخانه با تجهیزات جدید به آنجا منتقل شد. ابزار بیش‌تری هم در زمان معاونت محترم پژوهشی همکارم جناب آقای دکتر نجاریان اضافه شد، ولی پس از آن تا آن‌جا که من از دور و نزدیک مطلع هستم اقدام خاصی برای ارتقا چاپخانه دانشگاه به عمل نیامد و حتی متأسفانه برای مدتی هم تقریباً تعطیل شده بود. که با درایت هیأت رییس‌ه جدید دانشگاه و با انتصاب مدیریت جدید (آقای علی شفیعی) خبرهای خوبی در زمینه گسترش فعالیت چاپخانه بگوش می‌رسد.

دکتر عبدالکریم بهنیا استاد بازنشسته دانشکده علوم آب

در کشور ایران تا سال ۱۳۳۴ تنها یک دانشگاه وجود داشت. دانشگاه تهران. این دانشگاه در سال ۱۳۱۳ به امر پهلوی اول تاسیس شده بود. البته قبل از سال ۱۳۱۳ مدرسه عالی فلاح در کاخ فتحعلی شاه قاجار در کرج و دارالفنون که در محل فعلی شمس‌العماره بود تاسیس گردیده بود، ولی مجموعه‌ای به سبک و سیاق مدرن کشورهای اروپایی و آمریکا هنوز تشکیل نگردیده بود. در سال ۱۳۳۴ لایحه‌ای در مجلس شورای ملی آن زمان به نام لایحه تاسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها به تصویب رسید که همزمان در ۵ شهرستان دانشگاه‌هایی هر کدام با تعدادی دانشکده تاسیس شود. در شهرستان‌های مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز هر کدام به نام شهر محل آن دانشگاه، دانشگاهی تاسیس شد. تنها دانشگاهی که اسم محل شهرستان تاسیس آن دانشگاه را نداشت، دانشگاه تاسیس شده در شهر اهواز بود. دلیل آن هم این بود که در سده‌های قبل ۴ دانشگاه در دنیا وجود داشت که یونسکو - سازمان فرهنگی و تربیتی ملل متحد - آن دانشگاه‌ها را به عنوان میراث فرهنگی بشری نام می‌برد؛ دانشگاه الازهر در مصر، دانشگاه کمبریج در انگلستان، دانشگاه جندی‌شاپور در ایران و دانشگاهی در هند که متاسفانه نامش از خاطر رفته است. سال تاسیس بعضی از این دانشگاه‌ها به سال‌های قبل از اسلام برمی‌گردد. مثلاً دانشگاه جندی‌شاپور که محل اولیه آن در ۱۱ کیلومتری شرق شهرستان دزفول قرار دارد در ۳۰۰ سال قبل از اسلام تاسیس شد و تا ۲۰۰ سال بعد از اسلام نیز وجود داشت. من با همه احترام و ارادتی که از سال‌های قبل از انقلاب در آمریکا و سال‌های بعد از انقلاب در ایران با آقای شهید دکتر مصطفی چمران داشته‌ام و سال‌ها خدمت ایشان رسیده بودم. مطمئنم که اگر ایشان در زمان تغییر نام دانشگاه جندی‌شاپور زنده بود با اطمینان قاطع عرض می‌کنم که اجازه نمی‌داد که اسم دانشگاه افتخارآفرین در سطح جهانی جندی‌شاپور با نام خودش جایگزین گردد. ای کاش نه یک دانشگاه بلکه دهها دانشگاه با نام شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران تاسیس و ایجاد می‌شد و نام دانشگاه جندی‌شاپور عوض نمی‌شد.

در مهرماه ۱۳۳۴ دانشگاه جندی‌شاپور با ۲ دانشکده کشاورزی، دو قطعه زمین ۵۰۰ هکتاری که از شرکت نفت خریداری شده بود و پزشکی در محل ساختمان سه‌گوش تاسیس شد. اینجانب جزو افراد قبول شده در هشتمین دوره کنکور ورودی این دانشگاه (ورودی ۱۳۴۱) در دانشکده کشاورزی بوده‌ام. در آن سال‌ها کنکور متمرکز وجود نداشت و هر دانشکده‌ای مستقلاً کنکور برگزار می‌کرد. به خاطر دارم هر دو دانشکده کشاورزی و پزشکی به اندازه‌ی کافی افرادی که بتوانند به عنوان مدرس یا استاد در دانشگاه به کار مشغول شوند وجود نداشت به همین دلیل دولت وقت با یکی از دانشگاه‌های آلمان برای تربیت دانشجویان پزشکی وارد مذاکره گردید و برای دانشجویان دانشکده کشاورزی با تشکیلاتی به نام بنیاد خاور نزدیک **Near East Foundation** قراردادی منعقد نمود که تامین استادان رشته کشاورزی را به عهده بگیرند. از جمله اساتیدی که به دانشجویان ورودی ۱۳۴۱ درس می‌دادند می‌توان از دکتر کلپنتون (برادر رئیس جمهور اسبق آمریکا) که سبزی‌کاری به ما درس می‌داد و خانم شلیلا که بعداً دکتر شلیلا

گردید و سال‌ها رییس دانشگاه ایالتی فلوریدا گردید و به ما درس زبان انگلیسی می‌داد نام برد. در آن سال‌ها با ۴ سال تحصیل درجه کارشناسی ارشد به فارغ‌التحصیلان اعطا می‌شد. در آن سال‌ها چون در ایران دوره فوق لیسانس ناپیوسته وجود نداشت افرادی که می‌خواستند تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه دهند، مجبور بودند به یکی از کشورهای پیشرفته دنیا مسافرت نمایند و دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته و دکترا را بگذرانند. البته به دانشجویان شاگرد اول هر رشته دولت وقت بورس ادامه تحصیل در کشورهای دیگر را اعطا می‌نمود.

بد نیست اضافه کنم که از دانشجویان دوره هشتم ورودی به دانشکده کشاورزی (سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵) ۶ نفر با رفتن به کشورهای آمریکا، انگلیس، استرالیا و ژاپن توانستند به اخذ درجه دکترا از گرایش‌های مختلف مربوط به صنعت آب، ماشین‌آلات کشاورزی و آمار نایل گردند که ۵ نفر از آن‌ها بعد از اتمام دوره دکترا، اتمام دوره خدمت دانشگاهی خود را در ایران و یک نفر از آن‌ها در سوئیس ادامه دادند.

از نکات جالب در دوره‌ای که ما در دانشگاه شهید چمران تحصیل و تدریس می‌کردیم ساخت کتابخانه مرکزی دانشگاه جندی شاپور بود. پهلوی دوم در یکی از سفرهایی که به آمریکا داشت دیدار از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا جزو برنامه سفر ایشان بود. لازم به ذکر است که مسئولین دانشگاه‌ها در غالب کشورهای دنیا معمولاً برای جذب استادان و دانشجویان و مهمانان مدعو به دو فاکتور خیلی اهمیت می‌دهند و این دو فاکتور یکی به - بازدیدکنندگان از دانشگاه‌ها از هر طبقه‌ای که باشند به ویژه وقتی که مهمانان از مقامات سیاسی باشند- دیدار از کتابخانه مرکزی آن دانشگاه است و دیگری دیدار از فضای سبز آن دانشگاه. در حقیقت این دو فاکتور را به عنوان ویتترین اصلی دانشگاه به حساب می‌آورند. شاه پس از بازدید از کتابخانه مرکزی به تعریف و تمجید از آن می‌پردازد، رئیس دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا پیشنهاد می‌کند که نقشه کامل کتابخانه مرکزی را در اختیارشان قرار می‌دهد تا اگر مایل باشند عین این کتابخانه مرکزی را در ایران بسازد. شاه پس از آمدن به ایران آن نقشه را به خواهرش اشرف که در آن زمان رئیس هیأت امنای دانشگاه جندی شاپور اهواز بوده است می‌سپارد و سفارش می‌کند که عین این کتابخانه را در دانشگاه جندی شاپور بسازد. کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید چمران فعلی کپی گاهی از کتابخانه مرکزی دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا است، که یکی از جاذبه‌های دانشگاه شهید چمران است.

در مراسمی که به مناسبت پنجاهمین سال تاسیس دانشگاه جندی شاپور در اهواز برگزار شده بود یکی از تصمیماتی که قرار شد پیگیری و انجام گردد مکاتبه و تشویق سازمان میراث فرهنگی کل کشور و بالتبع اداره کل میراث فرهنگی استان خوزستان بود که دانشگاه باستانی جندی شاپور در ۱۱ کیلومتری دزفول -بازسازی گردد.

لازم به ذکر است که دانشکده‌های دانشگاه جندی شاپور باستانی به صورت تپه‌های خاکی هستند که هنوز بعد از گذشت سال‌ها وجود دارند. متأسفانه تاکنون این مصوبه به دست فراموشی سپرده شده است. دعا می‌کنم و امیدوارم که مصوبات این اجلاس و مصوبات سایر مراسم که طی سال‌ها در ایران تشکیل شده است، نظیر مصوبات قطعنامه‌های ۹ گانه مهندسی رودخانه به تمام و کمال در سال‌های آینده اگر اجرا نشده‌اند، اجرایی گردند. اینجانب هر وقت که به خاطر می‌آورم که دانشکده کشاورزی ملائانی در سال ۱۳۴۱ یعنی ۸ سال بعد از تاسیس دانشگاه جندی شاپور تنها ۱۷۱ نفر دانشجوی پسر و ۱۰ نفر دانشجوی دختر داشته و امروز ۱۰۵۱ دانشجوی پسر و ۲۶۹ دانشجوی دختر که جمعا شامل ۱۶۲۵ دانشجوی کارشناسی، ۵۹۵ ارشد و ۱۰۰ نفر دانشجوی دکترا و ۸۶ عضو هیئت علمی دارد، بسیار خوشحال می‌شوم.

دکتر نجفعلی رضایی آباده عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده ادبیات و علوم انسانی

۱- خاطره‌یی از شهید حسین علم‌الهدا

در مهرماه سال ۱۳۵۷ که فعالیت آموزشی در دانشگاه شروع شد، چون به تازگی همسر اولم بعد از قضیه سینما رکس به شهادت رسیده بود، و خانه‌ی ما در منازل سیلو در پیچ استادبوم نزدیک دانشکده سه‌گوش بود، دوستان دانشجویی برای استراحت به خانه‌ی ما می‌آمدند. از جمله‌ی این دوستان شهید حسین علم‌الهدا بود، که هر از گاهی می‌آمد. حسین با مرحوم جعفر فخارزاده (دبیر و دانشجوی ادبیات اهل آبادان) خیلی با هم شوخی می‌کردند؛ با هم کشتی می‌گرفتند و خانه را به هم می‌ریختند. خانه‌ی ما در منزل‌های سازمانی گمرک (در کنار سیلو) و کنار ریل آهن و در طبقه‌ی دوم قرار داشت. حمام در حیاط پایین بود و هیچ پنجره و روزنه‌یی نداشت. یک روز که شهید علم‌الهدا به خانه‌ی ما آمده بود، به حمام رفت. بعد از مدتی به واسطه‌ی سر و صدای حسین، رفته پایین، دیدم بر روی چفت در حمام قفل آویز زده‌اند! متوجه شدم که مرحوم جعفر بی‌اطلاع ما، در حمام را از بیرون بر روی او قفل کرده است. در آن موقع موسا احمدیان (اهل دامغان) دانشجوی زبان انگلیسی (عضو هیأت علمی کنونی دانشگاه اراک) هم حضور داشت. بنده و موسا هر چه تلاش کردیم که جعفر را راضی کنیم تا در حمام را باز کند، موفق نمی‌شدیم و او حاضر نمی‌شد کلید را بدهد. بالاخره مجبور شدیم دو نفری به او حمله‌ی گاز انبری نموده و پس از خواباندنش بر زمین او را آن قدر قلفلی نماییم تا محل اختفای کلید (در باغچه‌ی خانه) را نشان دهد. سرانجام پس از حدود یک ساعت توانستیم حسین را از گرمای شدید حمام نجات دهیم. وقتی حسین از حمام درآمد، گفت چون حمام هیچ روزنه‌یی نداشت و هوا هم خیلی گرم بود، حالت خفگی به من دست داد. البته حسین هم حسابی از زیر بار خجالت جعفر درآمد.

۲- اعلامیه‌های امام در کیهان ورزشی

مهرماه ۱۳۵۷ دانشگاه را -به خاطر اوج‌گیری انقلاب- با شور و شوق بیش‌تری شروع کردیم. چندروزی از واقعه‌ی سینما رکس آبادان - که در حدود هفتصد شهید بر جای گذاشت - می‌گذشت. در عین یاس و ناامیدی اما پیام‌ها و اعلامیه‌های امام پی‌درپی می‌آمد و دوست‌داران انقلاب را گرم و امیدوار می‌کرد. در دانشکده‌ی ادبیات - که آن موقع در ساختمان سه‌گوش قرار داشت - دوستان اعلامیه‌های امام را در لای کیهان ورزشی قرار میدادند و دانشجویان که از این موضوع خبر داشتند، برای خواندن اعلامیه - خیلی با احتیاط و طوری که کارمندان کتابخانه و افراد گارد دانشگاه متوجه نشوند - به نوبت اعلامیه را در لای کیهان ورزشی می‌خواندند و به نفر بعدی می‌دادند. گاهی تا سی چهل نفر در نوبت قرار داشتند. خیلی احتیاط می‌کردیم تا افراد گارد دانشگاه متوجه این موضوع نشوند؛ من چون کارمند اداره‌ی گمرک بودم، بیش‌تر بعدازظهرها به دانشکده می‌رفتم. تا این‌که بالاخره یک روز بعدازظهر در اول آبان ماه که به دانشکده رفتم، دیدم یکی از دوستان سرش را باندپیچی کرده و چند نفر دیگر هم می‌نالند. علت را جویا شدم، گفتند در حدود ده نفر از افراد گارد امروز صبح به کتابخانه حمله کرده، و هر کس دم دستشان آمده از کتک بی‌نصیب نمانده است.

آقای غلامرضا قدرتی عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

اینجانب غلامرضا قدرتی متولد ۱۳۲۸ مری آموزشیار و عضو هیأت علمی که در سال ۱۳۵۵ در مرکز تربیت بدنی دانشگاه شهید چمران اهواز به استخدام درآمد. مدرک کارشناسی تربیت بدنی را از دانشگاه تربیت معلم دریافت و دوره کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی را در دانشگاه تهران ۱۳۸۰ به پایان رساندم.

افتخارات و مسئولیت های من در دوره خدمت عبارت‌اند از:

- عضو سابق مربیان بسکتبال خوزستان و ایران
- عضو و رئیس کمیته سابق مربیان بسکتبال خوزستان
- عضو انجمن تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران
- گذراندن اولین کلاس بین المللی بسکتبال زیر نظر مربی ایتالیایی
- سالها داور بسکتبال
- سالها مربی بسکتبال در دزفول، خوزستان، دانشگاه
- مقام های مختلف ورزشی در سطح استان کشور در بسکتبال
- سالها عضو بسکتبال خوزستان و باشگاه های تهران و دانشگاه
- دروسی را که من تدریس می‌کردم عبارت‌اند از: بسکتبال تخصصی رشته تربیت بدنی تئوری و عملی، تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲، تئوری تربیت بدنی ۱ و ۲، مدیریت تربیت بدنی فوق برنامه تخصصی

- انجام کلاس مختلف آموزش بسکتبال در شهرهای مختلف خوزستان
- مقالات ارائه شده از سوی اینجانب عبارت‌اند از:
- چگونگی گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران، در کره جنوبی
- کتاب‌هایی که توسط اینجانب ترجمه و تالیف شده‌اند:
- تکنیک و تاکتیک در بسکتبال
- روش تعلیم در بسکتبال
- اصول مربیگری در بسکتبال
- تاریخچه ورزش بسکتبال در دزفول

در زمان استخدام من، آقای دکتر سیاسی رئیس مرکز، آقای حکمت‌پور فوق لیسانس مربی تمام وقت و مرحوم ضیاء معینی مربی فوق لیسانس حضور داشتند، این مرکز به دانشکده تربیت بدنی تبدیل گردید و دانشجوی دختر و پسر در همین رشته جذب گردید.

محمود آسوده

عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه شهیدچمرن اهواز دانشکده مهندسی

اینجانب در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۷ به عنوان طرح خدمت سربازی وارد دانشگاه شده و از طرف دانشگاه ساخت بیمارستان دکتر گنجویان دزفول به من واگذار گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی، شاخه شمالی دانشگاه شهید چمران اهواز پایه‌گذاری شد که برای شروع، ساختمان قدیمی سازمان آب و برق دزفول را تحویل گرفتیم و ضمن تعمیر و مرمت آن، اقدام به ساخت چند سوله کارگاهی همزمان با ساخت بیمارستان دکتر گنجویان نموده و دانشکده مهندسی شهید چمران شاخه شمالی را راه‌اندازی نمودیم، که در سال ۱۳۵۸ اولین نماز جمعه دزفول در محوطه دانشگاه شاخه شمالی به امامت آیت الله قاضی اقامه گردید.

با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس؛ با احساس انجام وظیفه بصورت داوطلب به خدمت جبهه درآمد و در همان ابتدا در پادگان منتظران شهادت (گلف سابق) طراحی و اجرای آسایشگاه‌ها، انبار و زاغه‌های مهمات را عهده‌دار گردیدم. همچنین سنگرهای بتنی پیش ساخته و قابل حمل را جهت استفاده در جبهه‌ها طراحی و اجرا نمودم.

در سال ۱۳۶۱ دانشگاه جهت اجرای ساختمان‌های جدید و تکمیل ساختمان‌های نیمه تمام، اینجانب را از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فراخواند که در بدو، سرپرستی دانشکده فنی و مهندسی فعلی را عهده‌دار گردیدم. دانشکده مهندسی قبل از انقلاب به عنوان دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه توسط شرکت پرس (یکی از شرکت‌های وابسته به خاندان پهلوی) طراحی و با پیشرفت فیزیکی حدود ۴۰ درصد نیمه کاره رها شده بود. دانشگاه با توجه به ضرورت نیاز ایجاد دانشکده مهندسی، ساختمان مذکور را که در طراحی اولیه صرفاً کلاس درس و اتاق اساتید دیده شده بود؛ در نظر گرفت که با مشورت اعضای گروه‌های عمران، مکانیک و برق و انجام نیازسنجی‌های لازم کارگاهی و آزمایشگاهی، تغییراتی در شیت‌های طراحی لحاظ گردید و بطور مثال آزمایشگاه‌های سبک در طبقه سوم در نظر گرفته شد.

در راستای تکمیل طراحی و با نیاز به ساخت هجده کارگاه، تعداد شش سالن سوله که هر کدام مشتمل بر سه کارگاه و هر کارگاه شامل یک کلاس درس به همراه دفتر سرپرست کارگاه و یک انبار دیده شده بود، در کنار دانشکده مهندسی طراحی و اجرا گردید. کارگاه‌های سنگین گروه‌های عمران، برق و مکانیک شامل کارگاه‌های تراشکاری، ریخته‌گری، قالب‌سازی، برق فشار قوی، بتن، مصالح ساختمانی از آن جمله می‌باشند.

در طراحی نمای ساختمان دانشکده مهندسی، قطعات بتنی پیش ساخته به شکل بتن سفید در نظر گرفته شده بود که جهت ساخت آنها اینجانب با الهام از شیوه ساخت موزاییک، ضمن ساخت قالب‌های ویژه قطعات مذکور را بصورت دو لایه (۳ سانت بتن سفید در نما و ۷ سانت بتن سیاه در پشت نما) ساخته و در نما اجرا نمودم که با بکارگیری این شیوه جمعاً دو هزار قطعه در نمای ساختمان اجرا شده و نصب گردید. ازدیدگاه مهندسی، ارزش در آن زمان بابت ساخت هر

قطعه مبلغ بیست هزار تومان صرفه‌جویی شد که با این احتساب مبلغ چهل میلیون تومان در مقوله‌ی نمای ساختمان دانشکده صرفه‌جویی گردید. این شیوه در شرایط خاص آن مقطع زمانی و تا اتمام پروژه و راه‌اندازی و تجهیز توسط اینجانب مدیریت و پیگیری شد.

بطور همزمان و موازی در اجرای ساختمان سازمان مرکزی دانشگاه نیز عهده‌دار مسئولیت بوده و در بحبویه جنگ و دفاع مقدس، با اعلام نیاز بیمارستان گلستان به انبار جهت دارو و لوازم پزشکی موردنیاز، بلافاصله ساخت و اجرای آن را عهده‌دار شده و در کوتاهترین زمان ممکن به اتمام و به برداری رسید که پس از پایان جنگ تحمیلی ساختمان مذکور با تغییرات داخلی بعنوان اورژانس بیمارستان گلستان در حال بهره‌برداری می‌باشد.

با شروع مجدد فعالیت دانشگاه شهید چمران اهواز، از آنجا که سلف سرویس دانشجویی قدیم در اختیار سپاه پاسداران انقلاب قرار داشت، با توجه به نیاز مبرم، سالن سلف سرویس دانشجویی بین دانشکده علوم و دانشکده کشاورزی در مدت کمتر از یک ماه اجرا نمودم که به بهره‌برداری رسید.

لازم به تذکر است در اجرای تمامی پروژه‌های ذکر شده مربوط به دانشگاه هیچگونه دریافتی جداگانه بجز حقوق هیئت علمی نداشتم.

صرف نظر از فعالیت‌های عمرانی بسیار در سطح استان و خارج از حوزه دانشگاه، آخرین فعالیت اینجانب در حوزه عمرانی در سطح دانشگاه مربوط به پروژه تعاونی مسکن اساتید دانشگاه شهید چمران واقع در خیابان هجده شرقی کیانپارس بود که اینجانب طراحی، مدیریت پروژه و اجرای آن را برعهده داشتم.

عملیات اجرایی این پروژه در چهار بلوک ۳۶ واحدی و یک بلوک ۷۰ واحدی و در مجموع مشتمل بر ۲۱۴ واحد در سال ۱۳۸۰ جهت اساتید هیئت علمی آغاز گردید و با وجود مشکلات عدیده به اتمام رسیده و تحویل اعضاء محترم هیئت علمی دانشگاه گردید که در توضیح می‌بایست اضافه نمایم که پروژه تعاونی مسکن اساتید دانشگاه همزمان با پروژه تعاونی مسکن وزارت علوم آغاز گردید که در زمان خاتمه آن، پروژه وزارت علوم در مرحله اجرای فنداسیون همچنان متوقف باقی مانده بود.

در خاتمه می‌بایست معروض دارم که حضور و خدمت در بین جمعی فرهیخته و در محیط آموزشی و پژوهشی دانشگاه همواره برایم باعث مباهات بود و عشق من را به تلاش و خدمت، بدون چشمداشتی، دو چندان می‌نمود و تلاشم همواره بر آن معطوف بود که بر وظیفه اصلی خود بعنوان یک مدرس تمرکز نمایم و آنچه در توان داشتم را جهت آموزش مطلوب دانشجویان بکار بندم و در کنار آن وظایف شغلی و حرفه‌ای خود را در زمینه‌های مختلف عمرانی در سطح شهرستان و استان که در حوصله این مقاله نیست را نیز به انجام رسانم.

باعرض شادباش به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، امید آن دارم که توانسته باشم در راه رشد و تعالی قدمی هر چند کوچک برداشته و سهمی هر چند اندک داشته باشم.

سبز باشید و زنده و پویا

دکتر حسین سپاسی عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

از شصت سالگی دانشگاه که در جریان برگزاری سالگرد آن هستیم، اینجانب طی پنجاه سالی که با دانشگاه همکاری داشتم خاطرات زیادی دارم که به اختصار به سه مورد آن به شرح زیر اشاره می‌کنم:

الف- از پنج رئیس دانشگاه قبل از انقلاب و تقریباً بیست رئیس دانشگاه بعد از انقلاب، باستثنای آقای دکتر کار که اولین رئیس دانشگاه گندی‌شاپور آن موقع بودند، اینجانب از زمان آقای دکتر عمید که بعد از آقای دکتر کار ریاست دانشگاه به عهده داشتند و تا قبل از بازنشستگی، حدود پنجاه سال افتخار همکاری با همه آنها را داشته‌ام.

ب- این افتخار نصیبم شد که با تاسیس اولین دانشکده تربیت بدنی ایران در دانشگاه شهید چمران اهواز دین خود را به علاقه‌مندان این رشته ادا کنم. در زمان تاسیس اولین دانشکده تربیت بدنی ایران در دانشگاه شهید چمران، فقط مدرسه عالی ورزش در تهران برای گرفتن دانشجوی فعالیت داشت که هنوز به صورت دانشکده از وزارت علوم وقت مجوز دریافت نکرده بود.

ج- دومین مسابقات دانشگاه‌های کشور با میزبانی دانشگاه جندی‌شاپور آن زمان در اهواز برگزار گردید. در این مسابقات تیم بسکتبال دانشگاه بعد از دانشگاه تهران مقام دوم را کسب کرد. اولین دوره این مسابقات به میزبانی دانشگاه شیراز برگزار گردید.

دکتر یوسف‌علی عطاری عضو هیئت علمی بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

اینجانب یوسف‌علی عطاری متولد ۱۳۱۶ دزفول و متاهل و دارای سه فرزند (دختر و پسر)، دارای درجه دکترای تخصصی مشاوره از دانشگاه ایندیانا آمریکا، فعالیت دانشگاهی خود را از سال ۱۳۵۵ هجری شمسی بنا به دعوت رسمی دانشگاه‌های تهران و اهواز به عنوان عضو هیأت علمی گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی در دانشگاه جندی شاپور اهواز (شهید چمران) شروع و در سال ۱۳۸۶ به افتخار بازنشستگی نائل گردیدم. در اولین سال فعالیت آموزشی خود ضمن قبول مسئولیت مدیریت گروه مشاوره، همزمان سرپرست مراکز آموزش‌های پیش دانشگاهی را که در دهه پنجاه مستقیماً زیر نظر مدیریت دانشگاه و دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی بود، بر عهده داشتم.

شاید بتوان گفت ماندگارترین دو خاطره خوبی که در بدو ورودم به دانشگاه اهواز داشته‌ام، یکی مدیریت کارآمد و قابلیت مداری ریاست وقت دانشکده - خسرو چهزاد و یکی هم وجود بیش از ۳۰۰ مجله و نشریه علمی خارجی در کتابخانه دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی بود. وجود این دو نکته کافی بود که انتخاب اول و آخر بنده دانشگاه اهواز باشد. اما تلخ‌ترین خاطره بنده و یحتمل برای همکاران دیگر در سطح دانشگاه، بین سالهای ۱۳۶۲-۱۳۵۹ دریافت فقط یک سوم حقوق ماهیانه علی‌رغم اینکه دانشگاه اهواز در آن برهه زمانی (زمان جنگ تحمیلی) در منطقه جنگی قرار داشت!!!

یکی از ماندگارترین وظیفه‌ای که در زمان تصدی اینجانب در گروه مشاوره انجام گرفت علی‌رغم کمبود هیأت علمی در این رشته، و صد البته به حول و قوه الهی توانستم در سال ۱۳۷۶ به کمک مدیریت محترم دانشگاه در دو شاخه مشاوره خانواده و مشاوره شغلی و حرفه‌ای مجوز کارشناسی ارشد برای دانشگاه گرفته شود و در سال ۱۳۸۴ مجوز نوگشایی دوره‌ی دکتری مشاوره به منظور آموزش و تکمیل ظرفیت هیأت علمی گروه مشاوره در آینده را از وزارت علوم و آموزش عالی کسب نمایم. در طول دوران خدمتم در گروه، راهنمایی ده‌ها پایان‌نامه ارشد و دکتری، علاوه بر تدریس در گروه مشاوره و گروه‌های وابسته به رشته را برعهده داشته‌ام. در طول مدت خدمت خود قریب به ۸۰ مقاله علمی- پژوهشی و ۷ کتاب تخصصی به صورت تالیف و ترجمه از جمله آثاری است که باقی مانده است. یکی از کارهای ماندگاری که در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی از دهه ۵۰ شروع و تاکنون نیز ادامه دارد، راه‌اندازی مجله‌ای تخصصی در رشته علوم رفتاری بود که به همت و کوشش همه همکاران در دانشکده و دانشگاه صورت پذیرفت و این افتخار بزرگی برای بنده بوده است که بیش از ۱۹ سال علاوه بر عضویت در هیأت تحریریه مجله فوق‌الذکر، مدیریت داخلی آن را نیز بر عهده داشته باشم.

سید محمد محقق کارشناس بازنشسته دانشگاه

با گرامیداشت یاد و خاطره رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های شهید دکتر مصطفی چمران که نام این دانشگاه به آن مزین گردیده است، در ابتدای سخن، به عنوان مقدمه و سرآغاز، مطالبم را با شعری از دکتر قیصر امین پور شاعر فقید آغاز می‌نمایم:

اگر عشق نبود،
از غم خبری نبود، اگر عشق نبود
دل بود ولی چه سود، اگر عشق نبود؟
بی‌رنگ‌تر از نقطه موهومی بود
این دایره کبود، اگر عشق نبود
از آینه‌ها غبار خاموشی را
عکس چه کسی زدود، اگر عشق نبود؟
در سینه هر سنگ دلی در تپش است
از این همه دل چه سود، اگر عشق نبود؟
بی‌عشق دلم جز گرهی کور چه بود؟
دل چشم نمی‌گشود، اگر عشق نبود
از دست تو در این همه سرگردانی
تکلیف دلم چه بود، اگر عشق نبود؟

بنده بسیار مسرور و خرسندم که به عنوان عضو کوچکی از خانواده دانشگاه (کانون بازنشستگان)، شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را به جامعه دانشگاهی و علمی کشور، به ویژه رییس و مسئولان محترم، اساتید، کارکنان و دانشجویان عزیز تهنیت و تبریک عرض نمایم. بی‌شک این موسسه آموزشی از بدو تأسیس تا کنون نقش بسیار مهمی در منطقه و کشور ایفا نموده و نسبت به تأمین نیروهای تخصصی مورد نیاز، انتشار کتب و مقالات و انجام طرح‌های پژوهشی و کاربردی در رابطه با حل مسائل و مشکلات مبتلا به کشور و توسعه و گسترش آموزش عالی استان اهتمام ورزیده و در حقیقت به عنوان یکی از دانشگاه‌های مادر و بزرگ کشور محسوب می‌گردد.

مسئله موفقیت‌ها و رشد کمی و کیفی این موسسه آموزشی مرهون و نتیجه زحمات و خدمات طاق فرسای رؤساء، مدیران، مسئولین، اساتید و کارکنان قبلی و فعلی آن است که جا دارد از همه آنان تشکر و تقدیر نمود و یاد آنان گرامی داشته شود.

از شاخص‌ترین رؤسای قبلی دانشگاه می‌توان به دو تن از آنان که در مقاطع بسیار حساس و سرنوشت‌سازی، مسئولیت داشته‌اند را نام برد:

- جناب آقای دکتر داوئی

- جناب آقای دکتر عبدالرسول کاظم‌پور

که اولی در دوران پرتنش و متلاطم اول انقلاب اسلامی و دومی در زمان جنگ تحمیلی و در

منطقه جنگی مسئولیت سنگین اداره امور این مؤسسه علمی را بر دوش داشته‌اند. در ادامه چند خاطره از خاطرات مربوط به مدت خدمتم را که به یاد داشتم تقدیم می‌نمایم. امیدوارم که مورد توجه واقع شده و حمل بر خودستایی نشود.

۱- در زمان تصدی بنده در اداره آموزش کارکنان اداره کل کارگزینی، اولین دوره آموزشی بلندمدت (معادل فوق دیپلم) در رشته حسابداری دولتی در سال ۱۳۶۳ با مجوز سازمان امور اداری و استخدامی سابق جهت کارکنان امور مالی دانشگاه و متعاقب آن دوره‌های کتابداری و امور آموزشی برگزار گردید.

۲- در شهریورماه سال ۱۳۶۲ بنده به عنوان معاون اداره کارگزینی به اتفاق، آقای ماشاله بصیرزاده مدیر وقت دفتر بودجه و تشکیلات جهت بررسی تشکیلات جدید دانشگاه به تهران عزیمت نمودیم و پس از انجام مأموریت محوله در مسیر مراجعت به اهواز با یک دستگاه اتومبیلی که جدیداً تحویل دانشگاه شده بود و قرار بود توسط آقای محسن مرعشی شوشتری عضو هیأت علمی دانشکده علوم دریایی خرمشهر و معاون امور دانشجویی وقت دانشگاه به اهواز برده شود، با وی همراه شدیم که در نزدیکی قم، دچار سانحه تصادف شدیم که متأسفانه آقای مرعشی شوشتری در دم کشته شدند و بنده و آقای بصیرزاده نیز دچار جراحاتی شدیم، که جا دارد یاد و خاطره آن مرحوم را گرامی بداریم.

۳- در اوایل سال ۱۳۶۲ و بازگشایی دانشگاهها، قطعیت و رسمیت احکام استخدامی و کارگزینی ارتقاء مرتبه، ترفیع و تبدیل وضعیت کادر آموزشی منوط به تأیید احکام مذکور توسط سازمان بازنشستگی کشوری بود. لذا احکام فوق‌الذکر و پرونده اعضای هیأت علمی ذینفع و صورت حساب و مدارک مربوطه می‌بایستی به دفتر سازمان مذکور در تهران ارائه و ارسال می‌گردید. در چند مورد، به انجام رساندن این مهم به بنده محول گردید و در مواردی نیز نماینده سازمان بازنشستگی کشوری به اهواز می‌آمد که نهایتاً با اصلاح مقررات مربوطه و فعال شدن هیأت ممیزه دانشگاه این روال ملغی گردید و وظیفه مذکور به هیأت ممیزه محول شد.

- تأسیس دبیرخانه هیأت ممیزه: در تاریخ ۷۶/۳/۱۰ توسط آقای دکتر عبدالمهدی بخشنده دبیرخانه هیأت ممیزه دانشگاه، جهت تمرکز و تسریع امور اداری، ارتقاء و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی تأسیس گردید و بنده به عنوان رئیس آن منصوب و تا تاریخ ۸۹/۷/۱ عهده‌دار انجام امور آن بودم. لازم به توضیح است تا قبل از تأسیس دبیرخانه مذکور، امور اداری ارتقاء و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی ابتدا توسط اداره کارگزینی دانشگاه انجام می‌گرفت و سپس پرونده اعضاء جهت بررسی و تأیید به دفتر هیأت ممیزه مرکزی وزارت علوم ارسال می‌گردید. این امر مدت مدیدی به طول انجامید و در مواردی که نیاز به تکمیل پرونده ارسالی بود و یا می‌بایست پاسخ مکاتبه‌ای از دفتر مذکور داده می‌شد، این مدت به بیش از یک سال بالغ می‌گردید. از این رو، با توجه به افزایش تعداد اعضای هیأت علمی و نیز بالا رفتن سنوات خدمتی آنان، راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی و ایجاد زمینه انجام کارهای پژوهشی و انتشار مقالات و کتاب و با افزایش متقاضیان ارتقاء مرتبه علمی، ضرورت ایجاد دبیرخانه هیأت ممیزه در دانشگاه هم‌چون دانشگاه های بزرگ احساس گردید که این مهم توسط آقای دکتر بخشنده به تحقق پیوست. در پایان امیدوارم خاطرات نقل شده که قسمتی از تاریخ دانشگاه در آن مستتر است برای شما

تاریخ شفاهی

جالب و قابل استفاده بوده باشد. انشاءاله در آینده صدمین سالگرد تأسیس دانشگاه نیز برگزار شود
گرچه در آن زمان شاید ما شاهد این رویداد مهم نباشیم.

رمضانعلی خرمایی پیشکسوت امور ساختمانی و تأسیساتی دانشگاه

اینجناب رمضانعلی خرمایی متولد سال ۱۳۲۸ در شهر مسجدسلیمان، پس از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۴۸ به مدت ۶ ماه در شرکت ساختمانی آرما تور که در آن زمان مجری طرح‌های ساختمانی دانشگاه بود مشغول به کار شدم. سپس از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ خدمت مقدس سربازی را با عنوان سپاه دانش سپری نمودم و از سال ۱۳۵۱ تا تیرماه سال ۱۳۵۴ بعنوان ناظر ساختمانی مجدداً در شرکت یاد شده مشغول به کار شدم. در طول این مدت نظارت بر ساخت قسمت‌های مختلف دانشگاه را عهده‌دار بودم. از جمله: خوابگاه پرستاری سابق، مرکز کبالت تراپی بیمارستان گلستان، توسعه دانشکده علوم، آمفی تئاتر و کتابخانه دانشکده علوم و از ابتدا تا پایان ساخت دانشکده کشاورزی.

بعد از آن در سال ۱۳۵۴ به استخدام دانشگاه درآمدم، ابتدا به عنوان مسئول تعمیرات ساختمانی، سپس معاون اداره و بعد از آن رئیس اداره و از سال ۱۳۷۷ تا پایان خدمتم در سال ۱۳۸۷ علاوه بر ریاست اداره تأسیسات، به عنوان معاون مدیر کل خدمات عمومی دانشگاه مشغول انجام وظیفه بودم. در این مدت ۳۳ سال بیش از ۳۵ تقدیرنامه دریافت نمودم و یک بار به عنوان کارمند نمونه و یک بار به عنوان مدیر نمونه و در پنجاهمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهیدچمران، مجدداً به عنوان کارمند نمونه انتخاب شدم.

در طول مدت خدمتم در دانشگاه از راهنمایی‌های اساتید محترمی چون آقایان: مهندس مهرداد امیری، دکتر احمد جراحباشی، دکتر حسین حمیدی، مهندس فرهادی، مهندس بونیک، مهندس امجد، مهندس دهدشتی، مهندس قبییتی، دکتر دانشور، دکتر هاشم پور، مهندس سلیمانی، مهندس فرزند، مهندس یزدانی، مهندس رسولی، مهندس افتخاری و مرحوم مهندس آصفی نژاد به عنوان مدیران اداره کل خدمات عمومی استفاده نمودم. در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات و همکاری کلیه پرسنل اداره کل خدمات به ویژه کارکنان صدیق و زحمتکش اداره تعمیرات و نگهداری ساختمان‌ها (تأسیسات) که صمیمانه با بنده همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. ذیلاً بخشی از خدمات و فعالیت‌های خود را به استحضار می‌رساند.

۱. نظارت و اجرای اتوبان ورودی دانشگاه از میدان قلم سابق، مقابل دانشکده تربیت بدنی پیش از انقلاب در زمان تصدی آقای مهندس مهرداد امیری
۲. نظارت بر اجرای خط اصلی فاضلاب دانشگاه از درب ورودی تا دانشکده مهندسی در زمان تصدی آقای دکتر دانشور

۳. نظارت بر اجرای روکش آسفالت خیابان‌های دانشگاه در زمان تصدی آقای دکتر دانشور
۴. نظارت بر اجرای خط اصلی فاضلاب کوی استادان تا رودخانه کارون در زمان تصدی آقای مهندس سلیمانی، لازم به یادآوری است در طول هشت سال دفاع مقدس در فعالیت‌ها و خدمات مختلفی از جمله همکاری در ساخت سنگر با معاونت جنگ دانشگاه در مناطق مختلف و همچنین حمل مجروحان بیمارستان-های گلستان و امام خمینی (ره) مشارکت داشته و در اولین ستاد تدارکات جبهه و جنگ دانشگاه عضویت داشته‌ام. در سال‌های ابتدایی جنگ که اکثر ادارات به

حالت تعطیل درآمده بود، شاید به جرأت بتوان گفت از جمله اداراتی که تعطیل نشده بودند، یکی اداره تأسیسات و دیگری چاپخانه دانشگاه بود. از خاطرات مهم و فراموش نشدنی آن دوران حضور ارزشمند شهید والامقام دکتر مصطفی چمران و حضرت آیت الله خامنه‌ای نماینده وقت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع (آبانماه ۱۳۵۹) جهت تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم در دانشگاه بود که بنده از همان ابتدا در دانشکده کشاورزی توفیق همکاری و خدمت در آماده سازی کلاس‌ها و دفاتر محل سکونت این بزرگواران را داشته‌ام.

با آرزوی توفیق روزافزون
 رمضانعلی خرمایی
 پاییز ۱۳۹۴

اسماعیل صالحی کارمند بازنشسته دبیرخانه کل

اینجناب اسماعیل صالحی در سال ۱۳۵۵ به صورت پیمانی استخدام دانشگاه جندی شاپور شده و در دبیرخانه کل مشغول به کار شدم. در آن زمان آقای دکتر جامعی ریاست دانشگاه جندی شاپور را برعهده داشتند و آقای دکتر حمیدی معاون اداری و مالی بوده و آقای مهدوی معاون آموزشی و خانم اهدایی هم منشی ریاست دانشگاه و هم رییس دبیرخانه کل و آقای امیر نیک‌منش به‌عنوان معاون دبیرخانه بودند.

در سال‌های قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی، دانشگاه همیشه محل تجمع و اعتراض دانشجویان انقلابی بود که گارد حفاظت دانشگاه در این مواقع دانشجویان معترض را سرکوب می‌کردند.

بعد از انقلاب، آقای دکتر جامعی و خانم اهدایی از دانشگاه رفتند. بعد از پیروزی شکوهمند ملت ایران، دولت موقت روی کار آمد و آقای دکتر دوائی ریاست دانشگاه انتخاب شدند و آقای نیک‌منش را به‌عنوان سرپرست دبیرخانه معرفی کردند. بعد از برکناری دولت موقت، جنگ شروع شد و اکثر مردم از اهواز مهاجرت کردند و بعد از مدت کوتاهی اعلام کردند که تمامی ادارات و سازمان‌ها باید کارکنان‌شان سرکار حضور یابند. در آن زمان آقای قائم مقامی، سرپرست دانشگاه شد. آقای قائم مقامی، آقای سید معالی صادقی از کارشناسان شاخه خلیج فارس خرمشهر را برای سرپرست دبیرخانه معرفی کردند.

در اوایل جنگ به‌دلیل اینکه نیروهای عراقی تا نزدیکی شهر اهواز رسیده بودند شهر ناامن بود و مرتب شهر خمپاره باران می‌شد و دانشگاه خطرش بیش‌تر از مرکز شهر بود، به همین خاطر دفتر حضور و غیاب در یکی از دبیرستان‌های مرکز شهر واقع در باغ معین قرار داشت و هر روز صبح و بعد ظهر کارکنان باید در آن محل حضور خود را اعلام می‌کردند.

بعد از مدتی که رزمندگان اسلام توانستند نیروهای بعثی را از نزدیکی اهواز به عقب برانند دانشگاه اطلاعیه‌ای صادر و اعلام داشت که تمامی کارکنان باید در اسرع وقت جهت انجام وظیفه، خود را معرفی و مشغول به کار شوند.

در آن زمان از طرف وزارت‌خانه، جناب آقای دکتر کاظم‌پور به‌عنوان ریاست دانشگاه معرفی گردید و آقای دکتر کاظم‌پور نیز آقای قبله‌شناس را به‌عنوان رئیس دبیرخانه کل معرفی کردند. در زمان جنگ آقای دکتر صفایی‌مقدم از طرف معاونت جنگ وزارت، به‌عنوان معاونت جنگ دانشگاه انتخاب شدند تا کمک‌رسانی به جبهه و جنگ سرعت بیشتری صورت بگیرد. اینجناب هم در حد توان با دفتر معاونت جنگ همکاری می‌نمودم، در زمان جنگ هر موقع که رزمندگان اسلام بر علیه نیروهای عراقی حمله می‌کردند بنده با کسب اجازه از رئیس دبیرخانه برای کمک‌رسانی و جابجایی مجروحان با ستاد کمک‌رسانی به مجروحان تا پایان جنگ همکاری کامل داشتم. در سال ۱۳۶۷ در قالب نیروهای بسیج دانشجویی و کارکنان به صورت داوطلبانه از طریق سپاه پاسداران به جبهه جنگ در منطقه هویزه و گردان شهید چمران عازم شدم و تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه از طرف ایران در آن منطقه حضور داشتم.

بعد از آقای دکتر کاظم‌پور، آقای دکتر نادران به ریاست دانشگاه معرفی شدند و در این زمان امور آموزشی دانشگاه‌ها شروع شده بود و دفتری به نام تحصیلات تکمیلی دایر شد که آقای دکتر زرگرشوشتری به‌عنوان معاون تحصیلات تکمیلی انتخاب شدند و چون در ابتدای کار نیروی کارمند نداشتند اینجانب به‌صورت پاره‌وقت با آن دفتر همکاری می‌کردم و هم‌چنین دفتری به نام دفتر استعدادهای درخشان تشکیل شد که مسئول آن آقای دکتر رازنهران بودند که با این دفتر نیز همکاری می‌کردم. پس از دکتر نادران، آقای دکتر ضرغام به‌عنوان ریاست دانشگاه معرفی شدند و بعد از مدتی که جو سیاسی آرام شد آقای دکتر ضرغام استعفا دادند و رفتند. بعد از دکتر ضرغام، آقای دکتر سیاری به‌عنوان ریاست دانشگاه معرفی گردیدند و آقای دکتر بخشنده به‌عنوان معاونت اداری و مالی انتخاب شدند، بنده در سال ۱۳۷۹ در زمان مدیریت آقای دکتر بخشنده به‌عنوان کارمند نمونه انتخاب گردیدم. پس از آقای دکتر بخشنده، آقای دکتر صفایی مقدم به‌عنوان رئیس دانشگاه معرفی شدند.

پست سازمانی اینجانب مسئول ارسال و مراسلات بود. چندین سال در این سمت انجام وظیفه نمودم تا آن زمان پست سازمانی مسئول دبیرخانه کل در اختیار آقای عرب‌زاده بود، زمانی که آقای عرب‌زاده را به دانشکده ادبیات انتقال دادند پست مسئول دبیرخانه کل را به بنده پیشنهاد دادند و تا پایان خدمت سی‌ساله‌ام در آن پست بودم، ولی اینجانب تمام کارهایی که مربوط به دبیرخانه کل بود را انجام می‌دادم از قبیل نامه‌رسانی، تفکیک نامه‌های اجرایی، ثبت نامه‌های ورودی و خروجی، پیگیری نامه‌های اجرایی به واحدها و همکاری با معاونت اداری و مالی در زمان معاونت دکتر ممویی و هم‌چنین همکاری با استاد آزمون‌های کنکور در زمان مسئولیت چندین ساله آقای مهندس والا را داشتم.

بعد از دولت اصلاحات، آقای دکتر نوری به‌عنوان ریاست دانشگاه شهید چمران معرفی شدند و در این حین آقای قبله‌شناس بازنشسته شدند و خانم کاشف به‌عنوان رئیس دبیرخانه کل معرفی شدند و اینجانب در سال ۱۳۸۶ بعد از ۳۰ سال خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی بازنشسته شدم.

به قلم صفی‌الله محرابی

من در تاریخ ۱۳۵۱/۷/۱ در دانشگاه مشغول به کار شدم. خاطره جالبی که در آن روزهای اول استخدام به یاد دارم اعتصاب دانشجویان در دانشکده علوم بود. تعداد زیادی از دانشجویان دختر و پسر کنار دانشکده علوم نشسته بودند و شعار می‌دادند. من که از جو محیط دانشگاه خبری نداشتم، بی‌خیال ایستاده بودم و تماشا می‌کردم. ماشین‌های آتش‌نشانی در آن محل حضور داشتند و من نمی‌دانستم برای چه؟! تعدادی از نیروهای گارد دانشگاه اطراف دانشجویان باطوم به دست ایستاده بودند. فرمانده آنان، از دانشجویان می‌خواست محوطه را ترک کنند ولی دانشجویان، همچنان شعار می‌دادند تا این که مسئولان آتش‌نشانی دست به کار شدند و با ریختن آب داغ به روی دانشجویان سعی در متفرق کردن آن‌ها کردند ولی دانشجویان همچنان شعار می‌دادند. در حالی که حساسی خیس شده بودند نیروهای گارد شروع به زدن آن‌ها کردند و در این زمان بود که همه شروع به فرار کردند. من ناگهان خودم را میان تجمع دانشجویان دیدم و شروع به دویدن کردم و چند ضربه باطوم هم میل فرمودم تا این که یکی از کارکنان دانشگاه مرا به داخل اداره آموزش کشید و جان مرا نجات داد.

در اواخر حکومت پهلوی و شروع فعالیت‌های انقلابی دانشجویان در دانشگاه بود. من مسئول آمفی تئاتر دانشکده علوم بودم که مرکز فعالیت‌های دانشجویان بود. فیلم‌های سینمایی انقلابی توسط دانشجویان تهیه می‌شد و به نام فیلم‌های معمولی آگهی می‌شد و به نمایش در می‌آمد. تا این که یک روز به انتظامات دانشگاه که توسط اداره ساواک اداره می‌شد؛ احضار شدم. توسط جناب سرهنگ که اسمش به خاطر من نیست بازجویی شدم. در مورد موضوع فیلم‌هایی که نمایش می‌دادم سوال شد من با کمال سادگی گفتم فیلم‌ها بیشتر بزن بزن و جنگی هستن و من چون داخل اطاق آپارات هستم خوب نمی‌بینم. سرهنگ گفت: رئیس دانشگاه گفته من از نمایش فیلم‌ها خبر ندارم و محرابی سرخود اقدام به نمایش می‌کند (البته ایشان یادداشتی برای انجام کار به من نمی‌دادند و شفاهی می‌گفتند با دانشجویان هماهنگ کنم و همکاری بنمایم). طی بازجویی یکی از خبرنگارهای دانشگاه وارد اطاق شد، جناب سرهنگ یکی از مامورین را صدا کرد و مرا به دست او سپرد و گفت: ایشان را ببرید و از او پذیرایی کنید تا صدایش کنم. آن مامور به شدت دست مرا کشید و مرا به یکی از اطاق‌ها برد و رفت. اینجانب اشهد خود را خواندم و منتظر ماندم. پس از مدتی برگشت گفت: خطر از بیخ گوش تو گذشت و یک چایی جلو من گذاشت پرسیدم موضوع چه بود؟ خندید و گفت: من فکر کردم از آن پذیرایی‌ها باید انجام می‌دادم و چون شک کرده بودم دوباره از جناب سرهنگ پرسیدم گفت: یک چایی بدهید و ره‌ایش کنید و من خوشحال چای را نوشیدم.

خانم معمار نژاد کارشناس آزمایشگاه زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی

یکی از اساتید گرانقدر و دوستان و همکلاسی‌های قدیمی من از من خواسته در مورد خاطرات گذشتهام یعنی دوران دانشجویییم براتون بگم. متأسفانه قلم توانایی ندارم، کاش می‌شد براتون شفاهی بگم که چه دوران خوبی داشتیم یادش بخیر، دورانی که گرچه لباس‌هامون مندرس و بعضاً پاره بود اما با همون لباس‌های مندرس تمام وقت توی کتابخونه‌ی دانشکده بودیم و بیش از نیمی از اون‌ها رو طی دوران تحصیلمون اگر نخونده بودیم حداقل ورق می‌زدیم تا ببینیم توشون چیه. گاهی از بین صدها کتاب تماماً خونده و یا ورق خورده فقط می‌تونستیم یه مقاله بنویسیم و نمره‌ی ناچیزی ازش بگیریم. یادم میاد بعضی از اساتید به‌نام اون زمان وقتی می‌خواستند بیاین کلاسمون استرس می‌گرفتن، یه روز یکی شون علتش رو اعتراف کرد و گفت «علی‌رغم همه‌ی دانشی که به‌نظر خودم دارم و همه‌ی مطالعه‌ای که شب قبل از اومدن به کلاس می‌کنم، باز چون می‌دونم دانشجویانی تو این کلاس که ازم پیشی می‌گیرن دچار استرس می‌شم.» این از درس و مشق‌مون بود. اخلاق و نوع‌دوستی‌مون از اینم بهتر بود. بذارین یه خاطره قشنگ و واقعی براتون تعریف کنم. اون موقع هم مثل الان گاهی بعضی از دانشجویان بهم علاقه‌مند میشدن و تصمیم به ازدواج می‌گرفتند، یه روز یکی از بچه‌ها اومد و خبر داد که نسرین و حسن دارن ازدواج میکنن ولی دستشون خیلی تنگه، نه جایی برای زندگی کردن دارن و نه وسیله‌ای برای اون. بچه‌ها بیابن فکر‌امونو رو هم بریزیم بنیم چکار باید بکنیم. اون شب توی حیاط دانشکده‌ی سه‌گوش که خیلی هم باصفا بود جلسه گرفتیم. یکی از دانشجویای گردن‌کلفت اون زمان که باباش شرکت نفتی بود گفت: «ما کنار خونمون یه سوویت کوچولو داریم که در واقع محل اقامت سربازها، اما فعلاً خالیه و بچه‌ها میتونن تا مدتی توش بمونن.» همه هورا کشیدیم و گفتیم که پس سه چهارم قضیه حله، مونده لوازم منزل، اون که خبر عروسی رو آورده بود گفت: «بچه‌ها من یه پیشنهاد دارم بیاید با هماهنگی هر کسی هر چیز اضافه‌ای که تو خونه داره و فکر میکنه بدرد بچه‌ها میخوره براشون بپاره.» همه از این پیشنهاد استقبال کردیم فردا و پس فردای اون روز کنار آبدارخونه دانشکده شد انبار جهیزیه نسرین و حسن، هر کسی یه چیزی آورده بود. دست دوم اما بدرد بخور. یکی از بچه‌ها هم یه آفتابه مسی آورده بود که خیلی مایه‌ی خنده و شادی شد. البته نو بود و بقول خودش پاک و استفاده نشده. اواخر اون هفته حسن و نسرین جشن خیلی مختصری توی سوویت بچه‌های‌دار شرکت نفتی گرفتند و همه‌ی ماهم دعوت بودیم و آفتابه مسی و همه‌ی وسایل دیگرو به‌عنوان کادوی عروس و دوماد براشون بردیم.

مطمئنم می‌تونید حدس بزنید که اون شب چقدر به همه‌مون خوش گذشت و چقدر حسن و نسرین رو شاد دیدیم. حالا که فکرشو میکنم می‌بینم عروسی‌های حالا کجا و اون موقع کجا، دوستی‌های حالا کجا و اون موقع کجا، درس خوندا، دانشجو بودنای حالا کجا و اون موقع کجا؟ راستی چی شد؟ کجا رفت اون همه اشتیاق و انگیزه برای یاد گرفتن و یاد دادن، اون همه حرمت استاد و دانشجو، اون همه نوع‌دوستی و غیرت و عاطفه، اون سلامت روحی که درون لباس‌های مندرس و کهنه مثل خورشید می‌درخشید. و اون خنده‌هایی که از شکم‌های گرسنه

برمیومدن اما صداشون تمام فضا رو پر می‌کرد اون همه صداقت، اعتماد، اطمینان، امنیت چی شدن؟ چرا جاشونو به افسردگی و سرطان و آلزایمر دادن؟ عجیبه حالا که لباس‌هامون خیلی قشنگ‌تر و گرون‌ترن، لوازم آرایشمون خیلی کامل‌تر و به روزترند، همه‌مون کامپیوتر و لپ‌تاپ و موبایل داریم. پس چرا عروسی‌هایی مثل عروسی نسرين و حسن نداریم؟ کسی جوابشو میدونه؟ اگر میدونه تو رو خدا به منم بگه، بگه بلکه این همه دلتنگ اون روزها نشم و وقتی یادم میاد مثل الان بغض نکنم. بگه بلکه بتونم برگردم به اون روزا و با همون لباس‌ها اون همه احساس غرور داشته باشم. بیاین با هم بشینیم و فکر کنیم ببینیم چکار می‌تونیم بکنیم که دوباره به دانش بیشترمون بنازیم نه به لباس گرون‌ترمون.

چکار کنیم تا دوباره بتونیم از دانشجو، استاد و اصلاً دانشگاهی بودنمون بخودمون بنازیم و بگییم علم بهتر از ثروته. چکار کنیم تا دوباره از ته دل بخندیم و به هم آفتابه‌ی مسی کادو بدیم. واقعاً بیاین فکر کنیم. فکر کنیم ببینیم چیو گم کردیم چیا رو از دست دادیم و بجاش چی بدست آوردیم؟ آخ دلم گرفت خیلی دلم گرفت برم پیش مامانم کمی گریه کنم! تو رو خدا ببخشید.



دانشگاه شهید چمران اهواز
روابط عمومی

2
3
4
5



دانشگاه کشاورزی
A. A. C.







فصل هشتم

پیشینه دانشگاه شهید
چمران اهواز



گذری بر تاریخچه دانشگاه شهید چمران اهواز

افتخارات عظیم و باشکوه تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین، بیانگر وجود مراکز دانش در انواع علوم بوده است. مراکز برجسته علمی هم‌چون دانشگاه جندی شاپور در استان خوزستان که در پانصد و سی میلادی تأسیس یافت، دلیلی بر این مدعا است. پس از پیروزی ایرانیان بر امپراطور روم، یکی از شاهان ساسانی (شاپور اول) دستور بنای شهر جندی شاپور را در ۱۸ کیلومتری جنوب غرب دزفول صادر کرد. وی بر این شهر نام بهاندیو یعنی بهتر از انطاکیه (پایتخت روم شرقی) را نهاد. سپس در این شهر، دانشگاهی به همین نام تأسیس شد. در آن ایام علوم مختلفی از جمله پزشکی، فلسفه، الهیات، ریاضیات، موسیقی، کشاورزی و کشورداری در این دانشگاه تدریس می‌شد. بر این اساس گفته می‌شود که دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های پزشکی جهان مطرح بوده است و دانشمندان زیادی از ملیت‌های ایرانی و هندی در آن تدریس می‌کرده‌اند و توسط آنان چندین کتاب پزشکی به زبان پهلوی ترجمه شده است.

پس از آن دوره‌ی چشمگیر، حیات دوباره دانشگاه از سال ۱۳۳۴ هجری شمسی با ایجاد دانشکده کشاورزی و پذیرش ۴۰ دانشجو در دوره جدید آغاز شد. سپس در سال ۱۳۳۵ مقدمات ایجاد دانشکده پزشکی فراهم آمد و به تدریج سایر دانشکده‌ها از آن پی فعال شدند. تا قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در این دانشگاه نزدیک به ۴ هزار دانشجو مشغول به تحصیل در ۴۰ رشته تحصیلی در مقطع لیسانس و ۱۷ رشته تحصیلی در مقطع فوق لیسانس داشته است. پس از انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی این دانشگاه یکی از پایگاه‌های اصلی رزمندگان در دفاع مقدس به شمار می‌رفت و مقر اصلی شهید دکتر چمران بود. پس از به شهادت رسیدن این سردار بزرگ و به پاس بزرگداشت نام و خاطره این مرد، نام دانشگاه جندی شاپور به دانشگاه شهید چمران اهواز تغییر یافت و در سال‌های پس از آن، بخش دانشکده‌های وابسته به رشته پزشکی با عنوان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز مستقل گردید.

در سال ۱۳۳۶ وزارت گمرک اقدام به تأسیس بیمارستانی برای خدمات رسانی به کادر شاغل خود در منطقه خوزستان کرد. اما با گذشت چند سال از آغاز اجرای پروژه، به دلیل زیاد نبودن تعداد شاغلین این نهاد در استان، وزارت گمرک طرح را متوقف کرد و صلاح را در بستن قرار داد با یک بیمارستان دیگر دید. پس از آن، دانشگاه جندی شاپور اهواز به این دلیل که ساختمان مذکور در زمین‌های منتسب به این دانشگاه پی ریزی شده بود؛ از اداره ی گمرک شکایت کرد و در این جدال حقوقی پیروز و به این ترتیب مالک آن شد.

در حال حاضر دانشگاه شهید چمران، دارای ۱۳ دانشکده با ۵۳ گروه آموزشی شامل ۲۲ گروه انسانی، ۷ گروه علوم پایه، ۷ گروه فنی و مهندسی، ۱۳ گروه علوم کشاورزی و دامپزشکی و دو گروه هنر است. این گروه‌ها مجموعاً شامل ۳ رشته کاردانی، ۵۶ رشته در مقطع کارشناسی، ۱۰۷ رشته در مقطع کارشناسی ارشد، ۵۹ رشته در مقطع دکتری و یک رشته در مقطع دکتری حرفه‌ای هستند. بیش از ۵۰۰ نفر عضو هیات علمی در دانشگاه مشغول آموزش و پژوهش هستند

که حدود ۸۰ درصد از آن‌ها دارای رتبه استادیاری و بالاتر می‌باشند. هم‌چنین بیش از ۱۶ هزار دانشجو از مقطع کاردانی تا دکتری تخصصی در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد ۴ هزار دانشجوی تحصیلات تکمیلی هستند. در حال حاضر دانشگاه شهید چمران اهواز با در اختیار داشتن فضای آموزشی بسیار وسیع و مناسب یکی از چهار دانشگاه بزرگ کشور و بزرگ‌ترین دانشگاه در جنوب غرب کشورمان به شمار آمده و در زمره‌ی دانشگاه‌های جامع کشور محسوب می‌شود.

خاطرات دکتر علی اقبال

در مورد تاریخچه تأسیس دانشکده کشاورزی ملائانی (دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین)
(۱۳۳۵)

اینچه که به مدت دو سال در گسترش دانشکده کشاورزی اهواز انجام دادم به طور فشرده و خلاصه برای استحضار و آگاهی آیندگان می‌نگارم. از نظر جامعه ما آنچه آسان بدست می‌آید کم ارزش می‌نماید، دانشکده منحصری که در باقیمانده زندان خرابه شیخ خزعل مستقر شده بود، عبارت بود از ساختمانی که در دو اتاق آن تعدادی صندلی با یک میز چیده شده و دانشجویان روی هم رفته دو کلاس دوم و سوم را تشکیل می‌دادند و کلاس‌های با تعداد هفتاد دانشجوی سال اول آماده تشکیل نبودند. شخصی به نام مهندس شفیع جوادی که از سوی شادروان مهندس ابراهیم مهدوی استاندار وقت خوزستان کفیل دانشکده بود، ضمناً مسئولیت حسابداری و تنظیم بودجه دانشکده را نیز به عهده داشتند. ایشان در بخشی از ساختمان دانشکده با همسرشان زندگی می‌کردند. آقای مهندس جوادی گزارشی از امور به اینجانب نمی‌دادند و می‌توانم بی‌طرفانه بگویم که ایشان را هرگز نشناختم، تدریس هم می‌کردند و به خودشان حق التدریس می‌پرداختند.

تعدادی از مهندسين دبیرستان کشاورزی وابسته به وزارت معارف در تدریس پاره‌ای از واحدها همکاری می‌کردند. ضمناً یک کارشناس علوم به نام آقای صحت نیاکي که دبیر جوان و شایسته و صحیح‌العملی بودند ضمن تدریس، در امور اجرایی هم همکاری داشتند. دانشجویان روی هم رفته آماده آموزش‌های علمی و عملی بودند ولی میدان فعالیت نداشتند. در سرزمین وسیع و خالی از سکنه خوزستان، دانشکده هیچ‌گونه وسایل کشاورزی حتی یک وجب زمین هم در اختیار نداشت و از کمک‌های مردمی اهالی خوش برخورد و دست و دلباز خوزستان برای یاری استفاده نمی‌شد. این بود خلاصه‌ای از جو ظاهر و باطن موجود در دانشکده کشاورزی اهواز که در شهریور ماه ۱۳۳۵ به ریاست آن منصوب شدم. برای تجهیز و به کار انداختن آن دیگر درنگی در کار نبود.

مسائل مهمی که حل آنها در اولویت قرار داشت:

الف- مسئله عمده دانشکده تأمین هیئت علمی شایسته بود.

۱. در ادارات کل کشاورزی و منابع طبیعی و جنگلداری اهواز و موسسات خصوصی نظیر سازمان سد کرخه، افراد متخصص و تحصیل کرده‌های خارج بودند که از وجودشان استفاده نمی‌شد.

۲. دانشکده علوم تهران و دانشکده کشاورزی کرج منابع بزرگ استادان ورزیده و فرهیخته بودند که از هم‌دوره‌های تحصیلی خود اینجانب در اروپا بودند و در عین حال از هوای گرم این سرزمین باکی نداشتند، دعوت همکاری اینجانب را پذیرفتند.

ب- تهیه فضای آموزشی و تجهیزات:

بودجه دانشکده کشاورزی اهواز مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان بود برای دریافت آن هم دچار پیچ و خم تشریفات اداری محلی بودیم.

قسمت عمده بودجه در اختیار مرحوم دکتر کار رئیس طرح ایجاد دانشکده پزشکی اهواز بود. بنابر این دست‌یابی به بودجه دانشکده کشاورزی بسیار دشوار بود. سرشناسان محلی و ادارات

کل اهواز این جریان را می‌دانستند و نگارنده با توجه به وضع موجود، شخصاً اقدام به تهیه وسائل نموده و افراد محلی با توجه به اعتبار شخصی یاری کردند.

کتاب فروشی‌های تهران و اهواز با تخفیف قابل توجه و ناشرین کتب علمی هدایایی بیش از هزار جلد در اختیار یکی از استادان اعزامی از مرکز، برای تدریس با همکاری شادروان دکتر عباس فاروقی، استاد شیمی و کارشناس کتابداری گذاشتند. ایشان در ظرف کمتر از یک هفته شالوده یک کتابخانه عظیم را به دانشجویان آموزش دادند که چگونه کتابخانه ساخته و از آن بهره بگیرند. در همان زمان شرکت نفت دلتا یکی از پایگاه‌های استقرار مزارع کشت و دامپروری مزرعه ملاثانی و دار خزینه در شمال آن را برای فروش به مزایده گذارده بودند.

مرحوم دکتر اقبال نخست وزیر وقت نسبت به این دانشکده و خوزستان توجه خاص داشتند و همزمان شادروان دکتر رضا فلاح هم قائم مقام رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران بودند. در ملاقات با مرحوم دکتر رضا فلاح در تهران تقاضا شد که ملاثانی را به دانشکده کشاورزی اهداء فرمایند که در پاسخ فرمودند دو میلیون تومان به حساب شرکت ملی نفت ایران بریزید و ملاثانی مال شما باشد. در پاسخ گفتم من یک دانشگاهی هستم و این محل را برای ارتقاء دانش و کشاورزی مملکت می‌خواهم نه تنها دو میلیون ندارم بلکه از پرداخت دو تومان هم ناتوانم لطفاً مقرر فرمائید این محل را به دانشکده کشاورزی اهواز اهداء نمایند زیرا که اکنون در آنجا مستقر و مشغول عملیات کشاورزی می‌باشند در خانه‌های کارگری آن زندگی می‌کنند، لذا با توجه به محبت و بزرگواری و شخصیت علمی و فنی شما مصلحت نیست که این دانشجویان از این محل بیرون روند.

با این گفتار قاطع، شادروان دکتر رضا فلاح آرام فرمودند که این پشتکار و ایستادگی برای مملکت را باید ستود و فرمودند بروید تا فکری بنمایم. این محبت و توجه غیر منتظره نمود بسیار داشت، مسئله را به دکتر منوچهر اقبال عرض نموده و به ایشان همان مطالب را منعکس کردم. سه روز بعد شرکت ملی نفت ایران به دانشکده نوشت که برای تحویل مزرعه ملاثانی به دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران مراجعه نمایم. اراضی هزار و پانصد هکتاری ملاثانی در محل معارضی هم داشت به نام شیخ سلطان از نواده‌های ملاثانی که با مذاکره متقاعد شدند. ایشان شخصیتی آماده به خدمت و همکاری صمیمانه برای دانشکده کشاورزی اهواز در ملاثانی شدند.

پ- تأمین محل سکونت دانشجویان در ملاثانی:

دانشجویان دانشکده می‌بایستی نزدیک محل تحصیل سکونت می‌کردند از یک ساختمان نیمه تعطیل کارگران شرکت ملی نفت در ملاثانی بهره‌برداری شد و بوسیله مهندس وانیک نعلبندیان کارشناس ساختمان و کمک عده‌ای از دانشجویان در مدتی کمتر از بیست روز تعمیر و مجهز شد و دانشجویان آماده به سکونت در آن شدند. از میان داوطلبان مهندسی کشاورزی دو دختر خانم در آزمون موفق شدند. داوطلبان مهندسی کشاورزی شرکت ملی نفت ایران و دو دانشجوی دختر که یکی از آنها به نام خانم پروین بود با امتیاز بالا موفق شدند. برای سکونت جداگانه آنها نزد چند خانواده شناخته شده اطاق اجاره نمودیم. این دو دختر خانم در دوره‌های تحصیلی از کارشناسان برجسته و آموزش ترویج کشاورزی شناخته شدند. دانشجویان پسر در ساختمان تازه تعمیر شده شرکت ملی نفت که مجهز شده بود اسکان کردند. دانشجویان همانند سربازان جبهه

بسیار مرتب و با هم صمیمی بودند. در آن زمان موج مسائل سیاسی دانشجویی همه جا رواج می‌یافت با اینحال به دور از این مسائل به آموزش خود ادامه و اداره بسیاری از تاسیسات تولیدی خوزستان را به عهده گرفتند.

ج- سفرهای علمی و بازدیدهای آموزشی:

بدین ترتیب برای دانشجویان سفرهای علمی و آموزشی ترتیب داده شد در این راستا دانشجویان دانشکده برای آموزش و آشنایی با کشت و زرع به موسسات تولیدی خارج از خوزستان و به‌طور مثال مدتی در مزارع شادروان حسن شعبانی استاد دانشکده کشاورزی و همچنین بازدید و آموزش در دانشکده کشاورزی کرج را گذراندند، بدین ترتیب تنوع کار موجب پیشرفت مهارت فنی کشاورزی گردید. در خاتمه باعث افتخار نگارنده است که نتیجه آن تلاش‌ها منتج به ایجاد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، دانشگاه قطب حرکت و سازندگی گردید. امید است همه تلاشگران این راه موفق و پیروز باشند.

با سپاس از روابط عمومی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان



تاریخچه تأسیس و تحولات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه دکتر عبدالحسین فرج پهلوی استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی - گروه کتابداری و اطلاع رسانی

تاریخ تأسیس رسمی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز به سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بر می‌گردد. در ادامه سعی خواهد شد این تاریخچه در دو مقطع پیش و پس از انقلاب اسلامی ارائه شود.

پیش از انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۴ با رأی ... دانشگاه جندیشاپور، تأسیس این کتابخانه با نام «کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و کتب» به تصویب می‌رسد. بر اساس شواهد موجود، این کتابخانه با هدف ایفای نقش یک کتابخانه پژوهشی و پشتیبان مطالعاتی دانشگاه جندیشاپور شکل می‌گیرد و لذا قرار بر این بوده است که از هر عنوان کتب موجود در کتابخانه‌های دانشکده‌ای، به منظور پشتیبانی پژوهشی یک نسخه در این کتابخانه نگه داری شود. از این رو، اولاً تا ساخت و افتتاح ساختمان اصلی کتابخانه، محل این مرکز به طور موقت در طبقه دوم کتابخانه دانشکده علوم تعیین می‌شود. ثانیاً، برای ایجاد مجموعه، از یک سو از تمام کتب موجود در کتابخانه‌های دانشکده‌ای، در صورت وجود نسخ تکراری، یک نسخه به کتابخانه مرکزی منتقل می‌شود. از سوی دیگر، از یک طرف با به کارگیری کتابداران صاحب تجربه و نیز عقد قرارداد با ناشران و کتابفروشان توانمند آن زمان در تهران، نسبت به سفارش و خرید کتب چاپ داخل اقدام می‌شود، و از طرف دیگر، از طریق دو کارگزار اروپایی و آمریکایی، نسبت به سفارش مجموعه‌ها و کتابهای جدید چاپ شده در کشورهای اروپایی و آمریکایی عمل می‌شود. هم‌زمان با این اقدامات، ضمن دعوت از انجمن کتابداری ایران در آن زمان، دوره‌ها و کارگاههای آموزشی کتابداری در دانشگاه برگزار شده و تمام افرادی که به عنوان کتابدار استخدام شده بودند به این کارگاهها معرفی شده و از دوره‌های آموزشی آن زمان برخوردار می‌شوند. در واقع از این طریق تمام کتابداران دانشگاه به علم روز کتابداری آن روزگار مجهز می‌شوند.

از جانب دیگر، با مجوز هیأت رئیسه وقت دانشگاه، نسبت به تأسیس رشته فوق‌لیسانس علوم کتابداری در مرکز اسناد و کتب اقدام می‌شود و در بهمن ماه ۱۳۵۶ با مدیریت اساتید آمریکایی و با همکاری تعدادی از اعضای هیأت علمی وقت ایرانی در این گروه آموزشی، در چارچوب یک برنامه روزآمد به زبان انگلیسی، اولین گروه از دانشجویان این رشته از طریق آزمون و مصاحبه پذیرفته و تحصیل خود را آغاز کردند. هدف از راه‌اندازی این دوره تربیت مدیران کتابخانه‌ها و اعضای هیأت علمی برای تدریس در برنامه آموزشی کتابداری بود. هم‌زمان، کار طراحی و ساخت ساختمان اصلی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و کتب توسط یک شرکت ساختمانی ایتالیایی در محل فعلی کتابخانه مرکزی آغاز شد. ناگفته نماند که در آن زمان، با توجه به هدف و ساختار متمرکزی که برای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و کتب پیش‌بینی شده بود، مدیریت وقت کتابخانه نیز که به عهده یکی از اساتید دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی آن

زمان بود، با رویکرد کاملاً متمرکز صورت میدر پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم. گرفت به این معنی که تمام کتابداران شاغل در کتابخانه‌ها در پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم. های دانشکده در پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم. آنان جزء نیروهای انسانی کتابخانه مرکزی محسوب شده و تمام امور اداری و مالی مربوط به آنها زیر نظر مدیریت این کتابخانه انجام می‌گرفت. در پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم. شد؛ با این تصور و برنامه که پس از افتتاح ساختمان اصلی کتابخانه، تمام نیروهای انسانی به این ساختمان منتقل شده و این کتابخانه عملاً به تمام دانشگاه خدمت خواهد کرد.

این شرایط تا نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۵۶-۵۷ ادامه داشت تا اینکه با شروع نهضت و سپس انقلاب اسلامی و خروج اتباع امریکایی از کشور، در عمل برنامه های جاری آن زمان از یک سو تحت تأثیر اعتصابات و تظاهرات و راهپیمایی های آن زمان به حالت تعطیل درآمد، و از سوی دیگر، خروج امریکائی ها نیز بر این تعطیلی دامن زد. به عنوان مثال، رشته فوق لیسانس کتابداری که در بالا به آن اشاره شد، علیرغم پذیرش گروه دوم دانشجویان در مهرماه ۱۳۵۶، عملاً متوقف شد. همچنین، کار ساختمان کتابخانه نیز تحت تأثیر اعتصابات متوقف شده بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشایی دانشگاه در پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم. ها در سال ۱۳۵۸ و انتصاب مدیریت جدید در دانشگاه جندیشاپور، شرایط کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و کتب نیز تحت تأثیر شرایط جدید کشور و نظرات و برنامه‌های مدیریت جدید دانشگاه قرار گرفت. این دوران خود به دو دوره تقسیم می‌شود: دوران پیش از جنگ تحمیلی، و دوران پس از جنگ.

الف. دوران پیش از جنگ تحمیلی

در فاصله دوران نسبتاً کوتاه میان پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی در آخر شهریور ۱۳۵۹، ساخت و ساز در ساختمان کتابخانه مرکزی مجدداً برای مدتی از سر گرفته شد. در آن زمان بخش عمده سفت کاریهای ساختمان انجام شده بود و حتی بعضی از تجهیزات کتابخانه مانند آسانسور نیز سفارش شده و از ایتالیا وارد شده بود. همچنین، تأسیسات برودتی و هواسازها نیز نصب شده بود.

در سوی آموزش کتابداری، اما، این رشته منحل اعلام شد لیکن سه نفر از دانشجویان به نامهای اینجانب (عبدالحسین فرج پهلوی)، زاهد بیگدلی و فریده عصاره که در آن زمان جزء

کتابداران شاغل در دانشگاه نیز بودند، به درخواست خود و با تصویب هیأت رئیسه جدید دانشگاه برای ادامه تحصیل در دانشگاه تهران واجد شرایط شناخته شده و با استفاده از مأموریت تحصیلی به آن دانشگاه اعزام شدند. این افراد مابقی برنامه فوق لیسانس کتابداری را در دانشگاه تهران گذراندند و از آن دانشگاه فارغ التحصیل شدند.

ب. دوران پس از جنگ تحمیلی

با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، دانشگاه جندیشاپور هم مانند هر سازمان دیگری در منطقه اهواز تحت تأثیر رخدادهای سیاستهای جنگی قرار گرفت. تغییر مدیریت حاذق و دانشمند اولیه و اتخاذ سیاستهای جدید و در اختیار قراردادن کالبد دانشگاه در خدمت جنگ و ارگانهای نظامی، ضمن اینکه افتخاری بود، لاجرم فعالیتهای بخشهای مختلف از جمله کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و کتب را نیز تحت تأثیر قرار داد و تقریباً به تعطیلی کشاند. تا اینکه با فرمان حضرت امام و شروع انقلاب فرهنگی، رسماً دانشگاه‌ها تعطیل شد و اعضای هیأت علمی در اختیار مرکز نشر دانشگاهی قرار گرفتند تا به امور علمی و انتشاراتی بپردازند. آقای دکتر محمدحسین دیانی هم که در این زمان ریاست کتابخانه مرکزی را به عهده داشتند شامل همین طرح شدند و به تهران عزیمت کردند. کتابخانه مرکزی عملاً نیمه تعطیل بود. در مجموع ۴ نفر از کل نفقات در کتابخانه نگه داشته شده بودند و دیگران به سایر دستگاهها و نهادها و بخشهای دیگر دانشگاه معرفی شده بودند تا خدمات خود را در آنجا ادامه دهند. این ۴ نفر تمام هم و غم خود را حفظ مجموعه و تجهیزات کتابخانه قرار داده بودند. گاهیگاه نیز افرادی با معرفی نامه از طرف سایر ارگانها و نهادهای نظامی و غیرنظامی مراجعه می کردند و از منابع مورد نیاز خود استفاده میدیدر پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم. کردند. تا اینکه دوران سه ساله انقلاب فرهنگی پایان یافت و در سال ۱۳۶۱ دانشگاه‌ها بازگشایی شد. در این مقطع سرپرستی کتابخانه مرکزی به عهده یک شورای سه نفره مرکب از آقایان دکتر محمد حسین دیانی استادیار گروه کتابداری و اطلاع رسانی، حجت الاسلام سید خلیل باستان، عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و آقای بشلیده دانشجوی گروه فیزیک گذاشته شد که در این میان آقای دکتر دیانی رئیس کتابخانه و دو نفر دیگر اعضای شورا بودند.

دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی

در دوران ریاست دکتر دیانی که چهار سال به طول انجامید ساختار سازمانی کتابخانه و بخشها و خدمات آن شکل گرفتند و فعالیتهای چشمگیری در راستای بازآموزی کوتاهمدت و بلند مدت کارکنان کتابخانه های دانشگاه و نیز تأمین منابع مورد نیاز اعم از فارسی و غیر فارسی صورت گرفت. از نظر ساختاری .. بخش با عناوین سفارشات، فهرستنویسی، نشریات، امانت، مرجع و اسناد و مدارک در کتابخانه مرکزی شکل گرفتند و هریک توسط کتابداران آموزش دیده اداره می شدند. بدیهی است در این دوران که مصادف بود با تداوم جنگ تحمیلی، علیرغم تلاشهای فراوانی که از نظر مدیریتی به عمل می آمد، شرایط ویژه اقتصادی و مالی مملکت اجازه نمی داد که منابع مورد نیاز به طور دلخواه فراهم شود و به ویژه تهیه منابع خارجی علمی اعم از کتاب و

مجلات علمی همواره با مشکلات فراوان مواجه بود. با هر زحمت و کمبودهای مالی و ارزی خاص آن ایام، مقدار قابل توجهی از منابع مورد نیاز غیر فارسی به تقاضای دانشکده‌ها از طریق تعدادی کارگزاران ایرانی سفارش و تهیه می‌شد. در این دوران خریدهای داخلی به عهده دانشکده بود ولی خریدهای خارجی به لحاظ پیچیدگی و تخصص ویژه‌ای که برای سفارشات آنها لازم بود، توسط کتابخانه مرکزی انجام می‌شد.

همچنین، ناگفته نماند که در این زمان کتابخانه مرکزی کماکان در طبقه دوم کتابخانه دانشکده علوم مستقر بود و روز به روز نیز گسترش می‌یافت و بر حجم مواد و تجهیزات آن افزوده می‌شد و همین امر نیز خود علت مشکلاتی شده بود. از نقطه نظر محاسبات فنی ساختمانی، افزایش بار بر کف کتابخانه که در واقع سقف طبقه اول بود، چالشهایی را برای مدیریت کتابخانه و مسئولین دفتر فنی دانشگاه به وجود آورده بود که تنها راه حل آنها یا توقف رشد کتابخانه و یا جابجایی آن بود. لیکن از آنجا که ساختمان اصلی در دست ساخت کتابخانه در دوران جنگ در اختیار جبهه جنگ و نیروهای لشکر نجف اشرف اصفهان بود، عملاً کار دیگری نمی‌شد انجام داد. در سال ۱۳۶۵ آقای دکتر دیانی از ریاست کتابخانه مرکزی استعفا داد و از طرف مدیریت دانشگاه اینجانب (عبدالحسین فرج پهلوی) که در آن زمان با سمت مربی عضو هیأت علمی گروه کتابداری بود به جای ایشان منصوب شد. در این دوره سعی بر این بود که ساختار و مبانی محکمی که توسط مدیریت قبلی بنا نهاده شده بود حفظ شود و کتابخانه کماکان علیرغم مشکلات فراوانی که وجود داشت در تأمین منابع مورد نیاز دانشگاه بکوشد. لیکن در همان روزهای نخست مدیریت جدید، روسای تعدادی از واحدهای دانشگاه که از وضعیت تأمین منابع خارجی گله مند بودند تقاضا داشتند که اختیار خریدهای خارجی نیز به دانشکده‌ها داده شود. در نشستی که با حضور معاونت وقت پژوهشی دانشگاه و رؤسای دانشکده‌ها و رئیس کتابخانه مرکزی برگزار شد، رأی گیری به عمل آمد و اکثریت افراد به نفع واگذاری اختیار خرید منابع خارجی به دانشکده‌ها رأی دادند و لذا در آن سال کتابخانه مرکزی رسماً وظیفه‌ای در این قبال نداشت، هرچند که در آن سال، عملاً هیچیک از دانشکده‌ها به علت ناآشنایی با روال انجام سفارشات خارجی و مقررات و سازوکارهای مربوطه موفق به خرید خارجی نشدند و از سال بعد انجام این وظیفه مجدداً به عهده کتابخانه مرکزی گذاشته شد. انجام خدمات فنی فهرستنویسی و برخی خدمات مربوط به سفارشات برای دانشگاه کماکان به عهده کتابخانه مرکزی بود.

دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی

در سال ۱۳۶۹ اینجانب از ریاست کتابخانه مرکزی استعفا دادم و آقای دکتر عبدالرحمن راسخ عضو هیأت علمی گروه آمار دانشکده علوم به این سمت منصوب شد. پس از وی نیز آقای دکتر عبدالرضا نواح عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی به ریاست کتابخانه مرکزی منصوب شد. در این دوران، با تکمیل ساختمان دانشکده مهندسی، بخش کتابخانه آن که از فضای نسبتاً خوبی برخوردار بود و در طبقه همکف ساختمان واقع بود، در اختیار کتابخانه مرکزی قرار گرفت و در سال ۱۳۷۰ این جابجایی صورت گرفت. پایان دوره آقای دکتر نواح مصادف بود با بازگشت اینجانب از ادامه تحصیل در دوره دکتری در سال ۱۳۷۳

و لذا در آبانماه این سال برای بار دوم به مسئولیت کتابخانه مرکزی گمارده شدم. در این دوره از مسئولیت که این بار ۷ سال به طور انجامید یکی از اتفاقات مهم پایان یافتن دوران جنگ ۸ ساله و به دنبال آن تخلیه دانشگاه از نیروهای نظامی و به تبع آن تحویل ساختمان کتابخانه مرکزی بود. نقل مکان به ساختمان اصلی کتابخانه مرکزی که در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۳ توسط آقای دکتر معین وزیر وقت علوم، تحقیقات و فناوری افتتاح شد، فرصتهای جدیدی را پیش رو قرار داد. گسترش خدمات مراجعین از جمله دایر کردن بخش خوزستان شناسی، ایجاد مجموعه متمرکز پایان نامه های دانشگاه، خدمات مرجع مستقل، خدمات تحویل مدرک و خدمات مبتنی بر پایگاههای اطلاعاتی از آن جمله بود.

از نظر ساختار مدیریتی نیز حرکتهایی در جهت انسجام هرچه بیشتر جامعه کتابداری دانشگاه انجام شد که مشخصا به دو مورد اشاره می شود: ۱. تشکیل شورای مدیران کتابخانه های دانشگاه، ۲. مطالعه و هدفگذاری برای وحدت بخشیدن به مدیریت کتابخانه های دانشگاه.

شورای مدیران کتابخانه های دانشگاه که حدودا ماهی یک بار جلسه داشت، محملی بود برای طرح نقطه نظرات و مسائل و نیز پیشنهادات اعضا در راستای بهبود شرایط و اداره کتابخانه های دانشکده ها و نیز ایجاد وحدت رویه در سیاستگذاری و مدیریت مجموعه کتابخانه ها. این جمع به ویژه در رخدادهای جمعی سالانه مانند هفته پژوهش که همه ساله در آذرماه برگزار می شد، و نیز اعزام به نمایندگی بین المللی کتاب که همه ساله در اردیبهشت ماه صورت می گرفت اثربخشی مثبت خود را نشان می داد. در این دو رخداد تمام کتابخانه ها با میان داری کتابخانه مرکزی مشارکت فعال داشتند و ضمن هماهنگی های مثمر ثمر، هریک سهم و مسئولیت خود را به عهده داشت.

فکر ایجاد یکنوع وحدت رویه در مدیریت کتابخانه ها و تمایل به تمرکز مدیریت در این مجموعه از آنجا ناشی شد که مشاهدات و آمار و ارقام نشان می داد که در مجموعه کتابخانه ها همه ساله از جنبه های مختلف اتلاف منابع مالی و نیروهای انسانی صورت می گیرد. به این معنا که از یک سو خریدهای تکراری فراوانی صورت می گرفت که می توانست کنترل شده و با اتخاذ سیاست اشتراک منابع از صرف هزینه های اضافی جلوگیری کرد. این امر در مورد منابع خارجی که تهیه آنها مستلزم هزینه های زیاد ارزی و ریالی بود نمود بیشتری پیدا می کرد. از سوی دیگر، توزیع نیروی انسانی متخصص در کتابخانه ها عادلانه و معتدل نبود. در بعضی از کتابخانه ها فقط یک نفر کتابدار حضور داشت، در حالی که در بعضی دیگر از کتابخانه ها از حضور چندین کتابدار کارشناس بهره مند بودند. سازوکار و مقررات استخدامی موجود دانشگاه ایجاب می کرد که حق جابجایی و یا جایگزینی نیروهای انسانی هر دانشکده در اختیار وزیر نظر رئیس آن واحد باشد. در حالی که اگر مدیریت واحدی بر کتابخانه ها حاکم می بود، تبعاً این اختیار به آن مدیریت واگذار می شد و لذا این امکان فراهم می شد که با نظارت آن مدیریت نیروهای متخصص به گونه ای توزیع و به کار گرفته شوند که فاصله های موجود بین کتابخانه ها از بین برود، یا اینکه با تجمع نیروهای متخصص در کتابخانه مرکزی، خدمات این نیروها بجای اینکه به یک مجموعه کوچک اختصاص داده شود، به کل دانشگاه تسری یابد. موضوع سوم این بود که مشاهده می شد که در فراهم آوری و نصب و بهره گیری از منابع الکترونیکی و شبکه ها وحدت رویه و هماهنگی وجود

ندارد و هر دانشکده بنا بر سلیقه و دیدگاه خودش این فناوری های تازه پا را که تهیه و بهره برداری از آنها نیز معمولاً بسیار گران و هزینه بر بود در اختیار می گرفت و مورد بهره برداری قرار می داد. این امر موجب شده بود که هم از نظر نرم افزاری و هم از نظری سخت افزاری و هم از نظر ویژگی های فنی شبکه ها ناهمخوانی هایی به وجود آید و لذا علیرغم اینکه همه کتابخانه ها مایل بودند به عنوان یک شبکه به یکدیگر پیوسته و خدمات مفید و هماهنگ و هم سنگی را در سطح دانشگاه به جامعه اساتید و دانشجویان عرضه نمایند، عملاً به خاطر ناهمخوانی های ذکر شده، این امر از نظر فنی امکان پذیر نباشد. در حالی که وحدت مدیریت می توانست هماهنگی و یکدستی لازم را بین سیستم های کتابخانه ای و شبکه ها و امکانات رایانه ای دیگر به وجود آورده و با رفع تشتت و ناهماهنگیها، زمینه بهره وری هرچه بیشتر از امکانات موجود در کتابخانه های دانشگاه را فراهم آورد. برای تقویت و پشتیبانی علمی هرچه بیشتر از این ایده، مطالعاتی در کتابخانه های دانشگاهی جهان و نیز دانشگاه های ایران انجام شد که نتیجه آن در نشست ویژه ای در اختیار هیأت رئیسه دانشگاه و صاحب نظران طراز اول کتابداری وقت ایران که برای همین منظور دعوت شده بودند قرار گرفت. نتیجه ای که از این نشست حاصل شد این بود که مناسبترین شیوه مدیریت مجموعه کتابخانه های دانشگاه شهید چمران عبارت است از «مدیریت متمرکز و خدمات غیرمتمرکز». با نظر مثبتی که ریاست وقت دانشگاه آقای دکتر مهدی بخشنده و معاونت پژوهشی وقت آقای دکتر بهمن نجاریان نسبت به این طرح و نتیجه نشست پیدا کرده بودند، قرار بر این شد که این طرح عملیاتی شود. برای این منظور با تصمیم و پیشنهاد معاونت پژوهشی، آقای دکتر زاهد بیگدلی از اعضای هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع رسانی به عنوان مدیر کتابخانه ها منصوب شد و مدتی نیز انجام وظیفه نمود لیکن با تغییر مدیریت دانشگاه و انتقال رئیس وقت کتابخانه مرکزی (اینجانب) به مدیریت همکاریهای علمی بین المللی دانشگاه، که پس از مدت نسبتاً کوتاهی رخ داد، این طرح نیز به تدریج به فراموشی سپرده و رها شد.

دهه ۱۳۸۰ هجری شمسی

پس از پایان دوره ریاست اینجانب، آقای دکتر زاهد بیگدلی به ریاست کتابخانه مرکزی منصوب شد و هدایت کتابخانه مرکزی را به دست گرفت لیکن مدت مدیریت ایشان کمتر از یک سال طول کشید و می توان گفت آنچه که در این دوره صورت گرفت، ادامه برنامه های جاری کتابخانه و تلاشی بود که در راستای بهره وری هرچه بیشتر و بهتر از نیروی انسانی و امکانات موجود کتابخانه صورت می گرفت. پس از آقای دکتر بیگدلی، خانم دکتر فریده عصاره، یکی دیگر از اعضای هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع رسانی به ریاست کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه منصوب شد. مدت مدیریت ایشان در این کتابخانه حدود چهارسال به طول انجامید. در این مدت، علاوه بر تداوم فعالیتهای و وظایف معمول، دایر کردن دفتری در رابطه با فعالیتهای علم سنجی از جمله خدمات شاخصی بود که صورت گرفت.

در مهرماه سال ۱۳۸۶، پس از پایان دوره مدیریت خانم دکتر عصاره و عزیمت ایشان به فرصت مطالعاتی، یکبار دیگر اینجانب که به تازگی از یک فرصت مطالعاتی برگشته بودم، برای سومین بار به ریاست کتابخانه مرکزی منصوب شدم. در این دوره که مصادف بود با ریاست آقای دکتر زرگر



و معاونت پژوهشی آقای دکتر مروتی، فرصت دوباره ای پیش آمد که ایده قبلی تمرکز در مدیریت کتابخانه ها یکبار دیگر مطرح شود که با استقبال ریاست دانشگاه و معاونت پژوهشی، این بار به عنوان یک طرح در شورای دانشگاه مطرح شد و به تصویب رسید. هرچند این مصوبه در عمل هیچگاه آنطور که در متن پیشنهاد مطرح شده بود اجرا نشد و با سوء تفاهمی که به وجود آمده بود، با درخواست ریاست وقت دانشکده مهندسی و موافقت هیأت رئیسه وقت دانشگاه، کتابخانه مرکزی مکلف گردید مجموعه کتابخانه دانشکده مهندسی را جابجا کرده و در مجموعه خود جای دهد تا از این طریق با خالی شدن کتابخانه فضای بیشتر در اختیار بخشهای آموزشی و اساتید دانشکده مهندسی قرار گیرد. استدلالها و احتجاجهای مدیریت کتابخانه مرکزی برای تجدید نظر در این موافقتنامه به جایی نرسید و علیرغم همه دشواریهای اجرایی و فنی که وجود داشت، لاجرم در تابستان سال ۱۳۸۷ این ادغام با استفاده از فرصت تعطیلات تابستانی صورت گرفت. از رخدادهای دیگری که در این دوره صورت گرفت، دایر کردن نمایشگاه بین المللی کتاب در دانشگاه شهید چمران اهواز در ایام هفته پژوهش بود که با استقبال ناشران داخلی و خارجی روبرو شد و برگزاری آن جنب و جوش و شوق خاصی را در دانشگاه و به ویژه جامعه علمی و دانشجویان به وجود آورد. هدف از برپایی این نمایشگاه این بود که اولاً، همانطور که در مذاکرات و قراردادهای منعقد شده با طرف برگزار کننده که انجمن فرهنگی ناشران بین المللی ایرانیان قید شده بود، کتبی که در نمایشگاه عرضه می شد با اطلاع و انتخاب قبلی دانشگاه شهید چمران اهواز معین می شد، ثانیاً، از هزینه های گزافی که همه ساله برای اعزام کتابداران و اساتید به نمایشگاه بین المللی تهران هزینه می شد، جلوگیری می شد، و ثالثاً، فضای فرهنگی حاصل از نمایشگاه موجب نشاط و رشد فرهنگی و علمی بیشتر دانشگاهیان می شد. همچنین، قصد اولیه این بود که این نمایشگاه به عنوان یک نمایشگاه شماره دار و تاریخ دار، همه ساله در ایام هفته پژوهش در محل کتابخانه مرکزی برگزار شود که خوشبختانه تا کنون این روال ادامه داشته است.

دهه ۱۳۹۰ هجری شمسی

پس از حدود سه سال، سومین دوره مدیریت اینجانب به پایان رسید و آقای محمد حسن عظیمی از دیگر اعضای هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع رسانی منصوب شد. مدت مدیریت آقای عظیمی نیز حدود یکسال به طول انجامید و در این مدت کتابخانه شاهد تغییرات و جابجایی هایی در فضاهای کاری و نیز افزودن فضایی برای برگزاری کارگاهها بود.

پس از آقای عظیمی آقای دکتر غلامرضا حیدری به ریاست کتابخانه مرکزی منصوب شد. ایشان در طول دوره خدمت خود سعی بر حفظ شرایط موجود کتابخانه داشتند که این امر تا پایان دوره مدیریت ایشان ادامه داشت.

پس از آقای دکتر حیدری، خانم دکتر شهناز خادمی زاده از همکاران نسبتاً جدید گروه کتابداری و اطلاع رسانی برای ریاست کتابخانه انتخاب و منصوب شدند که مدیریت ایشان در این تاریخ کماکان ادامه دارد. در این دوره کتابخانه شاهد فعالیتهای چشمگیر جدید و وارد شدن خدمات به روز و جدید در عرصه خدمات کتابداری و اطلاع رسانی بوده است. ایجاد کانال تلگرامی، برگزاری کارگاههای متعدد و موثر برای اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات

تکمیلی، در زمینه های مختلف مورد نیاز آنان، توسعه خدمات الکترونیکی و خریداری و نصب پورتال تحت وب کتابخانه از شرکت پارس آذرخش، توسعه بخشها و مجموعه های امانت، مدیریت سامانه های نشریات علمی دانشگاه و اقدام برای عضویت این نشریات در سیستمهای بین المللی و دوج (DOAJ)، و راه اندازی گروههایی در راستای فعالیتهای و مسائل علم سنجی و مدیریت دانش از جمله فعالیتهای و ابتکاراتی است که در این دوره صورت گرفته و ادامه دارد.

کارکنان کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

واضح است که تعداد و چینش نیروهای انسانی کتابخانه مرکزی در دورانهای مختلف متفاوت بوده و تابع شرایط و سیاستهای کاری و اداری وقت بوده است. در این قسمت جا دارد از تمام افرادی که از ابتدای تأسیس کتابخانه مرکزی تا کنون در این مجموعه شاغل بوده و خدماتی ارائه کرده اند یاد شود.

کارکنان کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد در سالهای پیش از انقلاب اسلامی

در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، از آنجا که تأسیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و کتب از یک الگوی متمرکز شبه غربی الهام گرفته بود، لذا تمامی کتابدارانی که در کتابخانه های مختلف دانشگاه شاغل بودند، با این ایده که در نهایت پس از اتمام ساختمان کتابخانه مرکزی به طور متمرکز در این فضا به کار مشغول خواهند شد، همگی به عنوان نیروهای انسانی کتابخانه مرکزی استخدام شده بودند و لذا مدیریت و مسئولیت همه آنها نیز با مسئول وقت کتابخانه مرکزی بود که در آن زمانها یکی از اساتید دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی بود به نام دکتر حشمت‌الله خرم زاده.

در پایان جا دارد از کلیه کارکنان، کتابداران و کارشناسان کتابخانه مرکزی اعم از شاغلان و بازنشستگان تشکر و قدردانی شود و برای روح درگذشتگان از خداوند متعال آرزوی مغفرت نماییم.



تاریخچه دانشکده علوم دکتر حاجی شالباف، عضو هیئت علمی بازنشسته گروه شیمی

دانشکده علوم، سومین دانشکده دانشگاه جندی شاپور (دانشگاه شهید چمران اهواز) بعد از دانشکده‌های پزشکی و کشاورزی در سال ۱۳۴۵ با عنوان دانش‌سرای عالی با همکاری دانش‌سرای عالی تهران در رشته‌های شیمی، ریاضی و فیزیک پذیرش دانشجو نمود. محل کلاس‌ها، ساختمان سه‌گوش و قسمتی از اداره دارایی کنونی در کنار ساختمان سه‌گوش تشکیل می‌شد. آزمایشگاه‌ها در طبقه سوم ساختمان سه‌گوش ایجاد شده بود. در سال ۱۳۴۷ عنوان دانش‌سرای عالی به دانشکده علوم تغییر نام داد و در همان سال، کلنگ ساختمان دانشکده علوم در محل فعلی به زمین زده شد که از سال ۱۳۵۰ رسماً افتتاح گردید. در همان سال، آزمایشگاه‌ها از ساختمان سه‌گوش به محل جدید انتقال یافت. در شروع فعالیت دانش‌سرای عالی کلیه اساتید به صورت پروازی از دانش‌سرای عالی تهران تامین می‌شدند. اولین دوره فارغ‌التحصیلان کارشناسی دانشکده علوم در سال ۱۳۴۹ صورت گرفت. لازم به یادآوری است، آقای دکتر محمود کوتی و بنده (اعضای هیأت علمی گروه شیمی) از اولین دوره فارغ‌التحصیلان کارشناسی شیمی دانشکده علوم هستیم.

تکمله‌ای بر تاریخچه دانشکده علوم مهندس رضا ابن جلال، عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه

بی تردید کسب اطلاعات دست اول از اعضای قدیمی دانشگاه نظیر تاریخچه‌ی درست و دقیقی که آقای دکتر شالباف در مورد دانشکده‌ی علوم نوشته‌اند می‌تواند کمک مؤثری در تدوین تاریخ دانشگاه باشد. آن‌چه اینجانب در مورد کمک‌های دانشکده‌ی کشاورزی در راه‌اندازی و توسعه‌ی دانشکده‌ی علوم به خصوص بخش‌های زمین‌شناسی و زیست‌شناسی نوشتم مربوط به زمانی است که دانشکده در ساختمان جدیدش در شهر دانشگاهی دایر گردید و تعدادی از استادان دانشکده کشاورزی همکاری مؤثری نمودند به طوری که پس از مدتی بعضی از آن‌ها به دانشکده‌ی علوم منتقل شدند (زنده یادان دکتر رستمی و دکتر صحت و آقایان دکتر قبادیان، دکتر متین و دکتر عزیزیان) و بقیه به صورت عضو وابسته به همکاری خود ادامه دادند (نگارنده جزو گروه اخیر بود).

تقریباً در همان دوره تشکیل دانشکده‌ی علوم، دانشکده‌ی دیگری به نام دانشکده‌ی علم و هنر با پذیرش شمار زیادی دانشجو برای رشته‌های مختلف راه‌اندازی شد. بخشی از کلاس‌های آن در ساختمان سه گوش و بخشی در ساختمان‌های اجاره‌ای تشکیل می‌شد. به دلیل وضع نابه‌سامانی که داشت به شوخی به آن دانشکده‌ی فیلم و فنر می‌گفتند! گفته می‌شد با تعداد زیاد دانشجو دانشگاه حرفی برای گفتن و کسب بودجه خواهد داشت. به هر حال با توجه به عدم امکانات و اعتراض دانشجویان تعدادی از آن‌ها را به دانشگاه اصفهان فرستادند.

اولین کامپیوتر دانشگاه، کامپیوتری از شرکت آی.بی.ام بود که در ساختمان سه گوش نصب گردید. طبق قرارداد دانشگاه آن را از شرکت آی.بی.ام ماهی ۱۸۰۰۰ تومان اجاره کرده بود و شرکت تعهد داشت آموزش لازم را به اعضای هیأت علمی بدهد. اینجانب و دو نفر دیگر از اعضای هیأت علمی ملاثانی در کلاسی که یکی از مهندسان شرکت آی.بی.ام برای هیأت علمی در اطاق یکی از استادان در ساختمان سه گوش تشکیل داده بود و مبنای کامپیوتر، زبان فورترن ۴ و نحوه‌ی پانچ کارت‌ها را تدریس می‌کرد شرکت کردیم.



تکمله‌ای بر تاریخچه دانشگاه مهندس رضا ابن جلال، عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه

تاریخ شروع دانشگاه (با نام جندی شاپور) را می‌توان به دو بخش مجزا که قرن‌ها بین آنها فاصله زمانی وجود دارد مورد بررسی قرار داد:

۱- دوره ساسانی

۲- دوره جدید که اواسط دهه ۱۳۳۰ شمسی آغاز آن است. در سطرهای زیر فقط به دوره جدید می‌پردازیم.

تاریخچه دانشگاه در دوره جدید

دانشکده کشاورزی اولین دانشکده دانشگاه جندی شاپور سابق و شهید چمران امروز است که در سال ۱۳۳۴ در اهواز و در محل دانشسرای کشاورزی تأسیس شد. مدتی نیز در محلی که گفته می‌شد زندان شیخ خزعل بوده و بعد در اختیار ژاندارمری قرار گرفته بوده، کلاس‌های آن برگزار شد. در سال ۱۳۳۶ اراضی و ساختمان‌ها و تأسیسات پمپاژ شرکت نفت در قریه ملاثانی به دانشکده واگذار گردید و در سال ۱۳۳۷ دانشکده به طور کامل به ملاثانی انتقال یافت. از همان سال طبق قراردادی که بین بنیاد خاور نزدیک با اداره کل تعلیمات عالی وزارت فرهنگ بسته شد، اداره دانشکده به آن بنیاد امریکایی واگذار گردید. از آن پس احداث ساختمان‌های جدید برای کلاس‌ها، آزمایشگاه‌ها، خوابگاه‌ها، کتابخانه، منازل استادان، رستوران و غیره شروع شد. نیمی از استادان دانشکده امریکایی بودند. از اواخر دهه ۴۰ و اوائل دهه پنجاه این دانشکده به شهردانشگاهی اهواز منتقل شد ضمن آنکه دانشکده ملاثانی به عنوان پردیسی از دانشگاه جندی شاپور سال‌ها با نام‌های مرکز آموزشی پژوهشی رامین، مرکز تولیدی پژوهشی رامین و دانشکده کشاورزی رامین به فعالیت خود ادامه داد تا نهایتاً چند سال بعد از انقلاب اسلامی به دانشگاه مستقلی تبدیل شد.

دانشکده پزشکی به عنوان دانشکده یک سال بعد سال ۱۳۳۵ شروع به کار کرد. در چند سال اول دانشجویان آن به دلیل نبود امکانات کافی فقط سه سال از دوره خود را در اهواز تحصیل می‌کردند؛ برای سال‌های بعد، که دروس اختصاصی و کار در بیمارستان شروع می‌شد، به دانشگاه‌های دیگر منتقل می‌شدند. محل دانشکده ساختمان قدیمی‌ای بود که تا سال‌های اخیر دانشکده ادبیات در آن قرار داشت. این ساختمان که توسط آندره کدار آرشیتکت معروف فرانسوی طراحی شده، زمانی استانداری و زمانی اداره کل مالیه خوزستان بوده است. به دلیل پلان مثلی‌ای که دارد، به ساختمان سه گوش معروف است. در دوران رضاشاه ساختمان‌های اداری شامل استانداری، فرمانداری، شهرداری، دادگستری، پستخانه، اداره مالیه، اداره فرهنگ، ایستگاه راه آهن و اولین پل ماشین روی کارون (پل سفید یا پل قوسی) و ... به صورت متمرکز در یک منطقه که امروزه امانیه نامیده می‌شود ساخته شدند. بیشتر این ساختمان‌ها هنوز (حداقل تا نگارنده در اهواز بود) مورد استفاده قرار می‌گیرند. کاربری بعضی از آنها تغییر کرده است. در کنار بعضی از آنها ساختمان‌هایی جهت توسعه اضافه شده است. با کمال تأسف پس از احداث

ساختمان جدید مخابرات در مجاورت پستخانه قدیم، ساختمان زیبا و تاریخی پستخانه قدیمی را تخریب کردند.

توسعه دانشگاه و استقرار در محل فعلی (شهر دانشگاهی در بلوار گلستان) در سال پایانی اداره دانشکده کشاورزی توسط امریکایی‌ها، پهلوی دوم برای بازدید از پروژه‌های عمرانی و نظامی خوزستان به اهواز آمد. دانشگاه جندی شاپور، که در آن زمان فقط دو دانشکده داشت و تعداد دانشجویان آن کمتر از ۲۰۰ نفر بود، نیز در فهرست مؤسسات مورد بازدید او از خوزستان قرار گرفت. دانشجویان سال چهارم دانشکده کشاورزی (نگارنده جزء آنها بود) را با اتوبوسی به اهواز بردند تا به اتفاق دانشجویان پزشکی در مراسم بازدید که در سالن آمفی تئاتر دانشکده پزشکی برگزار می‌شد، شرکت کنند. دکتر مهرا، رئیس دانشگاه، سخنرانی مفصلش را به سه بخش تقسیم کرد. در بخش اول، که از دیگر بخش‌ها طولانی‌تر بود، به شرح تاریخ افتخارآمیز دانشگاه جندی‌شاپور در دوره ساسانیان پرداخت. در بخش دوم، وضع زمان حال دانشگاه را با تکیه بر وضع محقر دانشکده پزشکی، همان‌طور که واقعا بود، تشریح کرد. در شروع به ترسیم آینده پرداخت. برای آینده آن عظمتی بالاتر از گذشته افتخارآمیزش پیش‌بینی نمود. از تبدیل آن به یک قطب علمی بزرگ در منطقه که دانشجویان و دانش‌پژوهانی از کشورهای منطقه به آن خواهند آمد صحبت کرد. پس از او شاه مطالبی را در مورد برنامه‌های توسعه آموزش عالی بیان کرد. ارزیابی‌های رئیس دانشگاه را در مورد گذشته، حال و آینده دانشگاه جندی‌شاپور مورد تأیید قرار داد و گفت که دستور خواهد داد دولت و برنامه‌ریزان آن در اسرع وقت برنامه توسعه این دانشگاه را در دستور کار خود قرار دهند.

مدت کوتاهی بعد از بازدید شاه، فعالیت‌ها برای توسعه دانشگاه آغاز شد. ابتدا زمین‌های وسیعی را در منطقه گستان اهواز در کنار باغ کشاورزی (باغ فلاحت) خریداری کردند. نگارنده که در آن زمان مدرس نقشه‌برداری در دانشکده کشاورزی بود نقشه مقدماتی محل را که البته بعدها در چند مرحله بر حدود آن افزوده شد تهیه کرد. زمانی که دکتر عباس جامعی ریس دانشگاه شد. باغ وسیع کشاورزی را (که در آن مرکبات و گیاهان گرمسیری اعم از مثمر و زینتی در آن کشت شده بود) نیز از وزارت کشاورزی به دانشگاه ملحق کرد. آن باغ زیبا یک کلکسیون غنی از نباتات گرمسیری بود. احداث نخلستان آن و شناسایی علمی نخل‌ها (بالغ بر ۸۰ واریته مختلف) به کمک یک امریکایی گیاه‌شناس متخصص کشاورزی به نام داوُسَن انجام شده بود. داوُسَن تمام عمر خود را در منطقه خاورمیانه و مطالعه روی درختان خرما گذارنده و ۱۲۰ واریته متفاوت نخل را شناسایی کرده بود. در یکی از سفرهایش به اهواز، زمانی که دکتر میرعمادی استاد گروه باغبانی او را به دانشکده دعوت کرده بود، او پیرمردی ۸۵-۸۴ ساله بود.

با الحاق باغ کشاورزی مجموع اراضی دانشگاه به بیش از ۴۰۰ هکتار رسید. گرچه دکتر مهرا و بعد از او دکتر کاظمی، که هر دو جراح قلب بودند در مدت تصدی خود به عنوان رئیس دانشگاه کم و بیش کارهایی را شروع کرده بودند، اما اقدامات اساسی توسعه دانشگاه جندی شاپور قبل از انقلاب در زمان ریاست دکتر عباس جامعی انجام شد. در دوره ریاست او نقشه جامع دانشگاه تهیه گردید و دانشکده‌های مختلف، سازمان‌های اداری، کوی دانشجویان، منازل استادان، کتابخانه مرکزی، (توسعه) بیمارستان، استادیوم و سالن ورزشی و غیره ساخته شد. بعد از انقلاب، در جشن پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور، که در سال ۱۳۸۴ برگزار گردید، برای



ارج نهادن به خدمات فراوان و صادقانه او، او را، که در پاریس بود، به عنوان بهترین رئیس دانشگاه قبل از انقلاب معرفی نمودند.

بعد از انقلاب در سال ۶۵-۶۶ دانشگاه که از جندی شاپور به شهید چمران تغییر نام یافته بود به دو دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور و دانشگاه شهید چمران اهواز تجزیه شد.

اطلاعاتی در مورد دانشکده کشاورزی (AAC) پس از استقرار در ملاثانی

پس از انتقال دانشکده به ملاثانی و عقد قرار داد با بنیاد خاور نزدیک، فعالیت‌های عمرانی را در هر گوشه می‌شد دید: احداث ساختمان‌های جدید، پروژه‌های زهکشی و آبیاری، توسعه مزارع و باغات و ... کنترت-چی‌ای در کار نبود. تمام کارها با استفاده از پرسنل فنی و کارگری دانشکده و کارگران روزمزد از ملاثانی و روستاهای اطراف تحت نظارت مهندسان و رئیس دانشکده انجام می‌شد. کارگاه‌های نجاری، مکانیکی، برق و بتن (برای ساخت بلوک‌های موردنیاز ساختمان‌ها و لوله برای زهکشی) همه فعالان مشغول به کار بودند. در اغلب پروژه‌ها به خصوص پروژه زهکشی از دانشجویان خواهان کار نیز با دستمزدی مناسب استفاده می‌شد.

دانشکده در زمینی به وسعت ۵۰۰ هکتار در ساحل شرقی رود کارون قرار داشت. جاده اهواز - مسجد سلیمان آن را به دو بخش تقسیم کرده بود. در بخش غربی جاده، کلاس‌ها، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه، درمانگاه، تاسیسات پمپاژ، تصفیه‌خانه و منبع آب، یک کارگاه بزرگ نجاری، خوابگاه‌های دانشجویان، زمین‌های ورزشی، باغ گیاه‌شناسی، رستوران، نانوايي، باغ نخل، مزرعه آزمایشی و یک باغ در حال تأسیس قرار داشت.

در قسمت شرقی جاده، دپارتمان مهندسی زراعی، کارگاه مکانیکی، کارگاه برق، دپارتمان دامپروری، اصطبل‌ها و مزرعه ۴۰۰ هکتاری‌ای که به دلیل وسعت زیاد، مزرعه بزرگ نامیده می‌شد قرار گرفته بود.

دانشکده کشاورزی جندی شاپور اولین دانشکده‌ای در ایران بود که در آن سیستم سمستری به جای سیستم سالانه ای پیاده شد. دلیل آن اداره دانشکده توسط امریکایی‌ها بود که دقیقاً از سیستم آموزشی دانشگاه‌های امریکا الگوبرداری کرده بودند. چند سال بعد به تدریج در تمام دانشگاه‌های کشور این سیستم پیاده شد و واژه‌های ترم و نیمسال جایگزین واژه سمستر گردید. کتابخانه دانشکده، که کتابخانه‌ای غنی و به روز در زمینه کشاورزی بود، روزها توسط دو کتابدار امریکایی اداره می‌شد، شب‌ها هم باز بود. استادان به نوبت وظیفه کتابدار را در شب به عهده می‌گرفتند. بیشتر کتاب‌ها به زبان انگلیسی بود. تقریباً تمام ژورنال‌های معتبر علمی رشته‌های مختلف کشاورزی و علوم مرتبط با آن که در امریکا منتشر می‌شد به موقع به کتابخانه می‌رسید و آخر هر سال شماره‌های آن سال هر ژورنال به صورت کتاب صحافی می‌شد.

رستوران دانشکده با مناسب‌ترین قیمت غذاهای خوبی برای دانشجویان تهیه می‌کرد، رستوران توسط نمایندگان دانشجویان، که در شروع سمستر اول هر سال انتخاب می‌شدند، اداره می‌شد. هر دانشجو ۵۰ تومان به عنوان سرمایه اولیه می‌پرداخت که البته در آخر هر سال، پس از احتساب سود یا زیان، به آنها مسترد می‌گردید. دانشجویان هر شب پس از صرف شام، ژتون غذای روز بعد خود را خریداری می‌کردند. صبحانه ۱۰ ریال، ناهار ۲۵ ریال و شام ۱۵ ریال، مواد غذایی توسط

دو نفر از نماینده‌های دانشجویان با استفاده از وانت دانشکده خریداری و در اختیار آقای سبزی‌پور سرآشپز دانشکده قرار می‌گرفت. کمک‌های دولتی عبارت بود از: پرداخت حقوق پرسنل، هزینه‌ی گاز و مواد شوینده، شیر و گاهی محصولات جالیزی و باغی دانشکده و در اختیار قرار دادن یک وانت با راننده برای خرید مواد. صبحانه معمولاً یکی از موارد زیر بود: کره مربا، کره و عسل، پنیر و گردو، دو عدد تخم مرغ به صورت نیمرو یا آب پز، سرشیر و مربا. اغلب اوقات یک لیوان شیر هم به صبحانه اضافه می‌شد. ناهار در اغلب موارد یکی از غذاهای زیر بود: چلوخورش سبزی، چلو خورش قیمه، چلوکباب کوبیده، چلوکباب برگ، عدس پلو با گوشت، ته چین گوشت. چلو مرغ. در زمستان‌ها پلوماهی نیز به این فهرست اضافه می‌شد شام‌ها عبارت بودند از: کتلت، کباب کوبیده، ششلیک، پتیو چیپس، خوراک راگو، کوه‌های مختلف، ماکارونی، در کنار هر یک از این غذاها همیشه یک پیاله ماست، مقداری لوبیا، مقداری سبزی پخته (هویج، کلم گل، لوبیاسبز یا لبو) وجود داشت. بعضی مواقع با شام یا ناهار یک بطری پپسی یا مقداری میوه نیز داده می‌شد. در هر سه نوبت غذایی، چای بدون هیچ محدودیتی سرو می‌شد. سرآشپز دانشکده مانند یک متخصص تغذیه برنامه غذایی را تنظیم می‌کرد. در هر سمستر سه چهار بار برنامه‌های تفریحی و موسیقی زنده توسط دانشجویان اجرا می‌شد. دعوت از متخصصین برجسته کشاورزی و اجرای سخنرانی توسط آنها نیز دو سه بار در هر سمستر از دیگر برنامه‌ها بود. انجمن‌های ادبی و اسلامی نیز هر از گاهی فردی را برای سخنرانی دعوت می‌کردند. آیت‌الله مطهری نیز یک بار به دعوت انجمن اسلامی در دانشکده سخنرانی کرد.



تکمله‌ای بر تاریخچه دانشکده کشاورزی مهندس رضا ابن جلال، عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه

دانشکده کشاورزی به عنوان اولین دانشکده دانشگاه شهید چمران و به دلیل تنوع رشته‌های آن، در راه‌اندازی و توسعه بخش‌های دیگر دانشگاه نقش یک دانشکده مادر را داشت. تنوع رشته‌های مختلف در این دانشکده اجرای این نقش را میسر ساخته بود. در زمانی که در کشور تعداد افراد متخصص در سطح دکترا محدود و جذب آنها برای کار در خوزستان بسیار مشکل بود، راه‌اندازی بخش‌هایی از دانشگاه به کمک دانشکده کشاورزی که هیأت علمی آن را طیف گسترده‌ای از متخصصان مختلف تشکیل می‌داد، امکان‌پذیر شد؛ نکته‌ای که دکتر جامعی متوجه آن شده بود و شاید به این دلیل دانشکده کشاورزی را از ملائانی به شهر منتقل کرد. به عنوان مثال در دانشکده علوم بخش زمین‌شناسی به کمک دکتر قبادیان، دکتر متین، دکتر صدقی و نگارنده که به ترتیب دروس مختلف زمین‌شناسی، هیدروژئولوژی و نقشه‌برداری و فتوگرامتری را عهده‌دار شدند راه‌اندازی شد. گروه زیست‌شناسی به کمک زنده یادان دکتر اسماعیل رستمی (بیولوژیست) و دکتر صحت نیاکی (گیاه‌شناس) و گروه شیمی به کمک دکتر عزیزبان (شیمیست) راه‌اندازی گردید. در راه‌اندازی دانشکده‌های مهندسی و دامپزشکی نیز به ترتیب از اعضای گروه‌های ماشین‌آلات و آبیاری و گروه دامپروری استفاده شد.

شاید بی‌مناسبت نباشد در اینجا از کسانی که در توسعه دانشکده کشاورزی ملائانی نقش ارزنده‌ای داشتند یاد کنیم. این بزرگواران در کنار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی بدون هیچ چشم داشت مالی از فعالیت‌های عمرانی غفلت نکردند:

۱- دکتر فرخ درویش (اولین رئیس ایرانی پس از تمام شدن قرار داد امریکائی‌ها): در مدت نسبتاً کوتاه ریاست ایشان ساختمان‌های آموزشی و خوابگاه‌های دانشجویی توسعه زیادی یافت. استخر بزرگی برای دانشجویان ساخته شد. باشگاه استادان و استخر کنار آن احداث گردید. ایجاد زمین چمن فوتبال و پیست دو و میدانی و دو زمین تنیس و جدول‌بندی و اسفالت خیابان‌های دانشکده و توجه به گلکاری و زیباسازی محوطه‌های دانشکده از دیگر خدمات ایشان است.

۲- زنده یاد دکتر اسماعیل رستمی: احداث موزه جانورشناسی که جانوران بومی خوزستان به صورت تاکسودرمی شده در آن نگهداری می‌شود. دکتر محمد سعید مصدق و مرحوم آقای ضیایی نیز در این راه به او کمک شایان توجهی کردند. دکتر رستمی اولین استادی بود که درس حفاظت از منابع طبیعی را در زمانی که هنوز در ایران مسائل محیط زیستی مطرح نبود تدریس می‌کرد و یک کتاب دو جلدی تحت همین عنوان تألیف نمود. او به زبان‌های ترکی، روسی، انگلیسی و فرانسه تسلط کامل داشت و از دانشگاه‌های مسکو، تهران، واشنگتن و پاریس به ترتیب مدارک مهندسی شیلات، لیسانس علوم طبیعی، فوق لیسانس زیست‌شناسی و دکترای دولتی زیست‌شناسی گرفته بود.

۳- زنده یاد دکتر صحت نیاکی: باغ گیاه‌شناسی و هرباریوم دانشکده کشاورزی ملائانی از کارهای آن مرحوم است. شناسایی گیاهان ایرانی باغ کیو انگلستان که از معروف‌ترین باغ‌های گیاه

شناسی اروپا است از دیگر کارهای ماندگار اوست که در کتابی آن را منتشر کرد.

۴- مهندس حبیب قطب (رئیس دپارتمان مهندسی زراعی و مدیر گروه آبیاری در دوره‌های مختلف و معاون مالی اداری دانشگاه بعد از انقلاب): خدمات مختلف نظیر: احداث و توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی دانشکده ملاثانی، دادن مشاوره فنی به دکتر میرعمادی در شرکت تعاونی مسکن، احداث فاضلاب شرکت تعاونی مسکن و پروژه زهکشی شهر دانشگاهی (پس از نقشه‌برداری و انجام آزمایشات خاکشناسی تمام زمین، طراحی پروژه صورت گرفت و لوله اصلی زیرزمینی آن به طول دو کیلومتر کار گذاشته شد. متأسفانه به دلیل تغییر مدیریت‌ها کار ادامه نیافت). از این لوله بعدها به عنوان لوله اصلی فاضلاب کوی استادان و بعضی تأسیسات دیگر در مسیر استفاده شد. دکتر محمد سعید مصدق، دکتر الماسی، نگارنده و چهار دانشجو در این طرح با مهندس قطب همکاری کردند

۵- زنده یاد دکتر عبدالحسین میرعمادی: احداث یک باغ جدید و گلخانه‌ها در دانشکده ملاثانی او با تأسیس شرکت تعاونی مسکن دانشگاه با شرکت ۱۵۰۰ عضو شامل حدود ۷۰۰ کارگر (کارگر ساده، باغبان، نگهبان آشپز و غیره). ۵۰۰ کارمند (کارشناس، تکنیسین، کارمند اداری، پرستار، بهیار و ...) و ۳۰۰ عضو هیأت علمی و پزشک توانست موجب خانه‌دار شدن صدها کارگر و کارمندی شود که امکان خانه‌دار شدن آنها اگر نگوئیم صفر بسیار ضعیف بود نگارنده نقشه دقیق توپوگرافی ۷۰ هکتار زمینی را که به این منظور خریداری کرده بودند و مقاطعه کار ایتالیایی درخواست کرده بود به منظور کمک به شرکت تهیه کرد.

۶- دکتر علی کاشانی: پس از انتقال دانشکده کشاورزی به شهر، دانشکده ملاثانی تحت عناوین مؤسسه پژوهشی تولیدی رامین، مرکز آموزشی پژوهشی رامین و دانشکده کشاورزی رامین به حیات افتخارآمیز خود ادامه داد. تقریباً در تمام آن دوره‌ها دکتر کاشانی ریاست آن را به عهده داشت. او که خود از دانش آموختگان اولین دوره‌های آن دانشکده بود با عشق و کوشش فراوان در نگهداشت و توسعه آن همت گماشت. زهکشی بخش بزرگی از اراضی زراعی دانشکده را که هنوز اجرا نشده بود کامل کرد. بخش دامپروری را توسعه داد. مزارع دانشکده در هیچ دوره‌ای به اندازه دوران مدیریت او از آبادانی و بهره‌وری بالا برخوردار نبود. او بیش از هر استاد دیگری علم و عمل را در کشاورزی به هم آمیخته بود.

۷- دکتر حسین حجت و دکتر سیاوش تیرگری: احداث و پایه‌گذاری کلکسیون حشره‌شناسی دانشکده کشاورزی

واگویی تجربه‌های آموزشی و گذری بر پیشینه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر حسن فروغی استاد بازنشسته گروه زبان و ادبیات فرانسه

فرا رسیدن شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران را حضور همه همکاران گرامی، دانشجویان و بخصوص مدیریت محترم دانشگاه تبریک می-گویم و ضمن سپاس از خدمات پیشینیان، برای دست‌اندرکاران حال و آینده این دانشگاه آرزوی توفیق بیشتر در خدمت صادقانه به ایران عزیز را دارم.

بسیار خوشحالم که با بخش عمده‌ای از دوره فعالیت این دانشگاه همراه بوده‌ام. در روزهای اوج انقلاب و همزمان با حضور رهبر فقید انقلاب در پاریس بود که از رساله دکترای خود در دانشگاه سوربن دفاع کردم و به ایران بازگشتم. چون به‌عنوان دبیر آموزش و پرورش شهرستان کرج و با استفاده از مرخصی بدون حقوق در پاریس ادامه تحصیل می‌دادم، بازگشت به کار موقوف به بازگشایی نظام آموزشی کشور شد که در جریان انقلاب به تعطیلی کشیده شده بود. در آذرماه ۵۷ به تقاضای یکی از دوستان به اهواز آمدم و با توجه به شرایط خوب جذب در دانشگاه، فضای علمی و فیزیکی جذاب و شور انقلابی خود برای خدمت در مناطق محروم‌تر، در دیماه ۵۷ در این دانشگاه استخدام و پس از پیروزی انقلاب و بازگشایی دانشگاه‌ها مشغول به کار شدم. در سال تحصیلی ۵۸-۵۷، سال انقلاب، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه جندی شاپور مستقر در ساختمان با شکوه و بسیار زیبای سه گوش (که وصف آن در کار پژوهشی ارزنده همکار فرزانه‌ام آقای دکتر عباس امام آمده) دارای دو گروه آموزشی فرانسه و انگلیسی فعال و یک گروه آلمانی در حال تاسیس بود. گروه فرانسه دارای ۱۲ عضو هیأت علمی (سه نفر ایرانی و بقیه خارجی) و گروه انگلیسی بیش از ۴۰ عضو هیأت علمی داشت که اکثراً آمریکایی بودند ولی اعضای ایرانی فرهیخته‌ای چون زنده‌یاد دکتر سعید ارباب شیرانی نیز در این گروه تدریس می‌کردند که روحش شاد و یادش گرامی باد. مدیریت هر دو گروه آموزشی با اساتید فرانسوی و آمریکایی بود و ریاست دانشکده نیز بر عهده آقای دکتر شارل جنسز، از اعضای هیأت علمی خارجی گروه فرانسه بود که البته در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب این مسئولیت‌ها به همکاران ایرانی سپرده شد. هر دو گروه دارای دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه نیز با چهار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عربی، تاریخ و جغرافیا در همین ساختمان سه گوش مستقر بود. در گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشکده نیز اساتید فاضل و بزرگواری چون دکتر محمد تقی راشد محصل، دکتر ابراهیم قصیری، دکتر مهدی تدین، دکتر تقی وحیدیان کامیار، دکتر سعید حمیدیان، زنده یاد دکتر عباس سلمی و بزرگان دیگری حضور داشتند که یاد همه را گرامی می‌دارم. از اساتید فرهیخته سالیان اول انقلاب در این گروه در حال حاضر فقط دوست و همکار گرامی آقای دکتر نصر... امامی حضور دارند. در رشته‌های پزشکی و غیرپزشکی سایر دانشکده‌های دانشگاه جندی شاپور نیز شخصیت‌های صاحب‌نامی به امر آموزش و پژوهش اشتغال داشتند. خاطرات دوره نزدیک به ۴۰ سال خدمت اینجانب در این دانشگاه مفصل است که وصف آن در این محدوده نمی‌گنجد. از نکات مثبت و منفی وضعیت دانشگاه، چه در سال آخر رژیم سابق و

چه در دوره‌های پس از انقلاب اسلامی، گفتنی‌ها فراوان و بازگویی برخی از آنها مایه مباهات و برخی دیگر ملال آور است. دانشگاه در اول انقلاب به دلیل ماهیت تحولات انقلابی، نیروهای با سابقه و با تجربه فراوانی را از دست داد، گرچه پس از انقلاب بتدریج نیروهای جوان و پرشور قابل توجهی را نیز جذب و جایگزین کرد که در حال حاضر ارکان اصلی و عمده دانشگاه را تشکیل می‌دهند. در دوره جنگ هشت ساله، دانشگاه در خدمت جنگ قرار گرفت و دانشگاهیان پشتیبانی و حمایت شایان توجهی به رزمندگان کردند ولی در این دوره دانشگاه از نظر فیزیکی و علمی نیز دچار رکودی گردید که هنوز هم با عواقب آن دست به گریبانست. دو دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی در هم آمیختند ولی امروز دوباره صحبت از تفکیک آن‌هاست؛ در حالی که رشته‌های پزشکی و غیرپزشکی از هم تفکیک و دو دانشگاه شدند و بعید نیست که مجدداً از ادغام این دو صحبت به میان آید؛ چرا که اصولاً کل نظام تعلیم و تربیت باید یکپارچه و با مدیریت واحد، از سیاست و برنامه‌ریزی واحدی پیروی کند. گاهی آنچنان بر طبل توسعه آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها کوبیده شد که معالاً جز رشد ارقام و آمار حاصل قابل توجه دیگری به بار نیاورد. بدون توجه به نیاز جامعه و کارایی این توسعه، رشته‌ها و دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری متعدد تاسیس گردید، دانشجویان بسیاری پذیرش شدند، نشریات گوناگون مجوز چاپ گرفت، بدون آنکه نه نیروهای متخصص آموزش دیده و نه مقالات این نشریات، به نسبت کثرت آن‌ها، منشاء خدمات ارزنده‌ای برای ملت و مملکت گردیده باشد. سپس خوشبختانه متوجه این رشد نامتوازن کمی شده و رشد کیفی بر اساس نیاز جامعه و کارایی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی محور توسعه قرار گرفت.

فراز و فرودهای این تحولات را کم و بیش همه همکاران من در این دانشگاه و بخصوص با سابقه‌ترها شاهد بوده‌اند و خوشبختانه همکاران عزیز دیگری هم به مناسبت این شصتمین سالگرد مطالب ارزنده‌ای ارائه نموده‌اند. امیدوارم بازگویی این تجربیات و خاطرات ارزشمند به‌عنوان چراغی فراراه آینده استمرار یابد تا مانع آزمون و خطاهای مکرر شود. در پایان، بعنوان عضوی از این مملکت و این دانشگاه که حدود ۵۰ سال با عشق و علاقه فراوان در خدمت نظام آموزشی و پژوهشی ملت و کشور عزیزم ایران بوده‌ام، و همزمان با شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه محل خدمتم، دانشگاه شهید چمران اهواز، با پایه ۴۶ استادی به افتخار باننشستگی نایل می‌گردم، آرزومندم پس از این تجربیات و فراز و نشیب‌های فراوان و در سایه خردورزی، تدبیر و امیدی که مسئولان فعلی کشور و دانشگاه شعار خود قرار داده‌اند و با همدلی و همیاری ملت و مسئولان، بخصوص قشر فرهیخته دانشگاهی، توسعه و پیشرفت کشور بر اساس شایسته سالاری و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی کیفی و کاربردی دانشگاه‌ها و منطبق با نیازهای واقعی جامعه صورت گیرد تا ملت شایسته ایران جایگاه حقیقی خود را بدست آورد و دانشگاه شهید چمران اهواز (جندی شاپور) عظمت علمی و تاریخی دوران کهن خویش را باز یابد. انشا...!



رشته دامپزشکی در دانشگاه شهید چمران اهواز از: دکتر ناصر حقوقی راد، استاد بازنشسته دانشکده دامپزشکی

هنگامی که به عنوان بورسیه وزارت علوم و آموزش عالی به آمریکا وارد شدم هیچگاه تصور نمی کردم که رشته دامپزشکی در میان رشته های علوم پزشکی دارای همان ارزش و اعتباری باشد که رشته های ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست شناسی در علوم دارند. به من به عنوان یک دکتر دامپزشک احترام بسیار می گذاشتند. دامپزشکان در آمریکا و سایر کشور های صنعتی پیشرفته در امر مبارزه با بیماری های واگیردار و مشترک، در تشخیص بیماری ها، کنترل و بهداشت مواد غذایی، درمان حیوانات و بسیاری از موارد دیگر همراه با گروه پزشکی به موفقیت های فراوانی دست یافتند. در آمریکا رشته دامپزشکی را پایه ای برای آشنائی با مشکلات جسمی و روانی انسان ها در نظر می گیرند. شاهد عینی این ادعا را می توان در بیمارستان جانز هاپکینز آمریکا یافت. این بیمارستان ۸ طبقه در دنیا به دلیل اقدامات خارق العاده در پزشکی مشهور است. در زیر طبقه همکف آن در چند طبقه زیر زمین انواع گوشتخواران، علفخواران و پرندگان را نگهداری می کنند. پزشکان از طبقات بالا به طبقات زیر همکف آمده به اعمال مختلف نظیر جراحی و درمان و فیزیوپاتولوژی روی حیوانات می پردازند و سپس از آنچه که تجربه کرده اند برای بیماران انسانی خود به کار می برند. این وضعیت مرا به یاد تاریخ گذشته مان می انداخت که در دوره مادها و هخامنشیان پزشکی و دامپزشکی یکی بود و پزشک یا دامپزشک هم انسان و هم حیوانات را درمان می کرد. اما متأسفانه وضعیت رشته دامپزشکی در ایران که قبلاً جزو گروه پزشکی بود به گونه ای دیگر رقم خورده است.

تا سال ۱۳۵۳ تنها دانشکده های دامپزشکی تهران و شیراز به آموزش دوره های کاردانی دامپزشکی و دکترای حرفه ای یا عمومی دامپزشکی اشتغال داشتند. از آنجا که تعداد دانش آموخته های دامپزشکی کم و نیاز مملکت به این رشته زیاد بود به همین دلیل شورای گسترش وزارت علوم و آموزش عالی قبل از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۵۷ به زیاد شدن مراکز آموزش دامپزشکی در دانشگاه ها از جمله اهواز و ارومیه نیز رأی داد. متأسفانه در دانشگاه شهید چمران اهواز (دانشگاه جندی شاپور سابق) بر اساس تفسیر غلط از رشته دامپزشکی دو اشتباه صورت گرفت: یکی آنکه گروه دامپزشکی را در دانشکده کشاورزی ساماندهی کردند که قرار دادن رشته دامپزشکی در دانشکده کشاورزی ناشی از این فکر بوده که چون دامپزشکان باید همراه با دانش آموخته های کشاورزی در سطح مزرعه کار کنند بنا بر این باید آموزش آنها نیز در دانشکده های کشاورزی باشد. برای همه روشن است که دانشگاه وظیفه دارد آموزش بدهد ولی خدمت رسانی از وظایف آن نیست. خدمت رسانی از وظایف دانش آموخته هایی است که پس از پایان تحصیلات باید انجام دهند. مبنای چنین اشتباهی در اصل مربوط به توجیه غلط آموزش دامپزشکی در گروه کشاورزی است، زیرا نظام برنامه ریزی آنها متفاوت است. واحد های درسی و نظام آموزشی دوره دکترای عمومی دامپزشکی و سایر رشته های وابسته به آن شباهت چندانی با واحد های درسی دانشکده کشاورزی ندارند. در حالی که واحد های درسی سه سال اول دوره آموزش دکترای حرفه ای دامپزشکی بجز واحد های آناتومی و فیزیوپاتولوژی کم و بیش شبیه واحد های سه سال اول

رشته دکترای عمومی پزشکی است. اشتباه دوم آن بود که در گروه دامپزشکی مستقر در دانشکده کشاورزی قرار شد لیسانس (کارشناسی) دامپزشکی تدریس شود. گروه دامپزشکی موظف شد رشته دامپزشکی را به جوانان علاقمند و بومی نواحی جنوبی ایران تا حد کارشناسی دامپزشکی آموزش دهد. ارائه مدرک کارشناسی دامپزشکی به علت آنکه در سازمان امور اداری و استخدامی کشور تعریف شده نبود از یکطرف و قرار دادن گروه دامپزشکی در دانشکده کشاورزی از طرف دیگر باعث اعتراض شدید اساتید دانشکده های دامپزشکی تهران و شیراز و خصوصاً دانشجویان گروه دامپزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز گردید.

اواخر سال ۱۳۵۵ از آمریکا به ایران مراجعت کردم و با اصرار خود از دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان به دانشگاه جندی شاپور اهواز منتقل شدم. در خرداد ماه ۱۳۵۶ به مدیریت گروه دامپزشکی و در آذر ماه همان سال به سرپرستی دانشکده جدیدالتأسیس دامپزشکی منصوب شدم. مسئولین وقت دانشگاه از من قویاً خواستند که قبل از هر چیز به تبدیل برنامه واحد های دوره کارشناسی دامپزشکی به دوره دکترای دامپزشکی اقدام نمایم. برای تهیه برنامه دوره عمومی دکترای دامپزشکی از من خواسته شد که با تشکیل شورایی مرکب از اساتید دانشکده های کشاورزی، علوم و یکی از اساتید دانشکده پزشکی به تدوین برنامه و تغییر واحد های دوره کارشناسی به دوره دکترای دامپزشکی اقدام نمایم. مدیریت این شورا به علت عدم آشنائی بسیاری از اعضای شورا به آموزش دامپزشکی برای اینجانب بسیار سخت و توان فرسا بود. سرانجام با استفاده از برنامه های دانشگاه های تهران، شیراز، دانشگاه های آمریکا و انگلیس برنامه برای دوره شش ساله دکترای عمومی دامپزشکی تدوین شد که به تأیید شورای دانشگاه و وزارت علوم و آموزش عالی رسید.

پس از افتتاح رسمی دانشکده در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ قرار شد داوطلبان در گروه پزشکی از طریق کنکور سراسری از اول مهرماه همان سال انتخاب شوند. تکمیل کادر آموزشی دانشکده از دیگر خواسته های مدیریت وقت دانشگاه جندی شاپور اهواز بود که با بازگشت تعدادی از بورسیه ها تا حدودی تأمین شد. در همین احوال ساخت بنای مجهز دانشکده و بیمارستان دام های بزرگ و بیمارستان دام های کوچک و طیور در دست بررسی بود که با شروع انقلاب اسلامی به سال های بعد موکول شد.

در سال ۱۳۶۵ بود که با تصویب مجلس شورای اسلامی، دانشکده های گروه پزشکی دانشگاه از جمله دانشکده های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و پیراپزشکی به وزارتخانه جدیدالتأسیس بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل شدند. بر این اساس رشته دامپزشکی مجزا شد و در اختیار وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت قرار گرفت. اگر چه ظاهر قضیه حاکی از سقوط مقام و منزلت آموزش دامپزشکی کشور بود، ولی ناگفته نماند که این اتفاق تاریخی منجر به رشد و تعالی بی سابقه برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی گروه دامپزشکی گردید که تحت مدیریت آقای دکتر محمد علی راد به مرحله عمل در آمد. در وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت با حمایت بی دریغ وزرای وقت فرهنگ و آموزش عالی (آقایان دکتر فرهادی و دکتر معین) و تلاش شبانه روزی ۷۶ نفر از استادان و دانشیاران دانشکده های دامپزشکی و حمایت علمی برخی از استادان و پیشکسوتان دانشکده های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی دانشگاهها (هم از

حیث برنامه ریزی و هم از لحاظ تدریس و تحقیق علوم پایه و بالینی پزشکی (از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۶ به جای شورای آموزش پزشکی و تخصصی که عهده دار سیاستهای آموزشی در مقاطع تحصیلی مختلف گروه های پزشکی در وزارت علوم بود ، «شورای آموزش دامپزشکی و تخصصی» تأسیس و اساسنامه آن تنظیم گردید. این موضوع نقطه آغازی شد، در برنامه ریزی آموزش تخصصی دامپزشکی بعد از دوره دکترای حرفه ای دامپزشکی، که طی ۱۴ سال برای اولین بار در ایران بیش از ۱۴ برنامه دکتری تخصصی تدوین و در دانشکده های دامپزشکی تهران و شیراز اجرا گردید. از سال ۱۳۷۶ به بعد نیز این شورا که مرکب از روسای دانشکده های دامپزشکی، رئیس سازمان دامپزشکی کشور و رئیس موسسه تحقیقاتی رازی و ۱۴ نفر از استادان و دانشیاران پیشکسوت دانشکده های دامپزشکی کشور بودند، تبدیل به «گروه برنامه ریزی دامپزشکی» مستقر در وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری شد که هنوز هم با حکم معاون آموزشی این وزارتخانه اعضای آن فعال هستند و در برنامه ریزی و بازنگری واحدهای درسی و اظهار نظر پیرامون تأسیس و یا انحلال مراکز آموزشی دامپزشکی فعالیت می نمایند. شایان ذکر است که در حال حاضر علاوه بر گسترش آموزش دامپزشکی در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای عمومی دامپزشکی، نظارت بر اجرای آموزش مقطع دکتری تخصصی دامپزشکی کشور در ۳۰ رشته تخصصی از وظایف گروه برنامه ریزی مستقل دامپزشکی است که وارث همان شورای آموزش دامپزشکی و تخصصی در وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری می باشد.

اگرچه جداسازی رشته دامپزشکی از گروه پزشکی در ایران یک تحول تاریخی بود، اما هیچگاه نمی توان عملاً این دو رشته را به لحاظ قرابت بسیار نزدیکی که در جهت ارتقای تندرستی انسان و دام و اعتلای بهداشت عمومی جامعه دارند، جدا نمود و هم اکنون نیز در جامعه ی در حال پیشرفت ایران زمینه ی همکاری دانشمندان علوم پایه و بالینی دامپزشکی و پزشکی در ابعاد گوناگون بویژه تحقیقات علوم پزشکی وجود دارد. چندی بعد تصمیم گرفته شد که مجدداً رشته دامپزشکی از نظر آموزشی در دانشگاه ها جزو رشته های علوم پزشکی درآید. حتی لایحه ای تنظیم و به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد تا با ادغام مجدد از اشتباهی که از نظر علمی و آموزشی پیش آمده بود جلوگیری شود. اما، متأسفانه هنگام طرح این موضوع در مجلس شنیده شد که یکی از نمایندگان مجلس بانگ برآورد که با ادغام رشته دامپزشکی در علوم پزشکی کرامت پزشکی ایران خدشه دار می شود! نتیجه آنکه با ادغام مجدد رشته دامپزشکی در گروه پزشکی مخالفت شد. باید قبول کرد که کرامت علم و حرفه پزشکی به علت بیسوادی و نا آگاهی ما از علم و دانش روز خدشه دار می شود نه از ادغام با رشته دامپزشکی که اساس و پایه علوم پزشکی است. چگونه است که کشورهای پیشرفته و صنعتی دنیا از گروه دامپزشکی به عنوان علوم پایه پزشکی نتایج ثمربخشی بدست می آورند و آن را از پیکره علوم پزشکی قطع نمی کنند.

تاریخچه گروه فیزیک دانشگاه دکتر منصور فرید عضو هیئت علمی گروه فیزیک

پیش از تأسیس دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز، یک مرکز آموزشی تدریس علوم پایه این دانشگاه را به عهده داشت. این مرکز علمی به منظور گسترش هرچه بیشتر و ایجاد رشته‌های جدید در اواسط سال ۱۳۴۹ با تعداد ۷ نفر عضو هیأت علمی شامل ۵ نفر با درجه‌ی فوق لیسانس و ۲ نفر با درجه‌ی دکترا که از تهران به این مرکز کمک می‌کردند به گروه فیزیک تبدیل گردید و دانشجوی کارشناسی فیزیک گرفته شد. در سال ۱۳۵۱ ساختمان مناسبی در شهر دانشگاهی برای گروه فیزیک در ساختمان دانشکده علوم کنونی در نظر گرفته شد. گروه فیزیک در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۶ نفر عضو هیأت علمی شامل ۱۰ نفر با درجه‌ی دکترا و ۶ نفر با درجه‌ی فوق لیسانس داشته است. گروه فیزیک تا سال ۱۳۵۷ فقط مجری دوری کارشناسی فیزیک بوده است.

به علت حوادث مربوط به انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از تعداد اعضای هیأت علمی کاسته شد. تا سال ۱۳۶۹ گروه فقط در مقطع کارشناسی در دو رشته دبیری و آزاد فیزیک دانشجوی پذیرش و فارغ‌التحصیل می‌نمود. اولین دوره‌ی کارشناسی ارشد فیزیک در گرایش‌های فیزیک حالت جامد تجربی و فیزیک بنیادی در مهرماه سال ۱۳۷۰ با ۴ نفر دانشجو آغاز به کار کرد و هر سال به طور میانگین ۶ نفر پذیرش دانشجوی کارشناسی ارشد داشته است. در سال ۱۳۷۸ با ابلاغ وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری مقدمات اولیه‌ی ایجاد دوره‌ی دکتری در گروه فیزیک شکل گرفت. اولین دانشجویان دوره‌ی دکتری از نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ یعنی بهمن ماه سال ۱۳۸۱ شروع به تحصیل نمودند.

در حال حاضر گروه دارای ۱۹ نفر عضو هیأت علمی که شامل ۱۶ نفر با درجه‌ی دکتری و ۳ نفر مربی می‌باشد و در مقطع کارشناسی دارای یک رشته تحت عنوان فیزیک، ۵ گرایش در مقطع کارشناسی ارشد (حالت جامد تجربی، حالت جامد نظری، فیزیک بنیادی، اتمی مولکولی و نجوم) و ۴ گرایش در مقطع دکتری (حالت جامد تجربی، حالت جامد نظری، فیزیک بنیادی و اتمی مولکولی) می‌باشد.

گروه آموزشی فیزیک در حال حاضر دارای ۳۴۰ نفر دانشجو بوده که ۲۱۶ نفر (۶۳ درصد) در مقطع کارشناسی و ۸۱ نفر (۲۴ درصد) در مقطع ارشد و ۴۳ نفر (۱۳ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند.

زمینه‌های تحقیقاتی تجربی در گروه فیزیک عبارت‌اند از: ابررساناهای گرم، نانوتکنولوژی، سلول‌های خورشیدی، مواد مغناطیسی، الکترویسندگی، لیزر و طیف‌سنجی لیزری، در زمینه‌های نظری اصول بنیادی کوانتومی و اطلاعات کوانتومی، محاسبه خواص و ساختار الکترونی مواد، اپتیک نانوفلزات (پلاسمونیک)، سیستم‌های دوبعدی، اپتیک غیرخطی، نجوم رادیویی و مطالعات خورشیدی.



پیشینه چاپخانه دانشگاه ابراهیم قلمی و مهندس عباس والا

آقای ابراهیم قلمی:

در سال ۱۳۴۸، مرحوم دکتر عباس جامعی به سمت رییس دانشگاه جندی شاپور منصوب گردیدند. وی در سال ۱۳۴۹ در بازدیدی که از دانشگاه داشتند، در اداره تاسیسات یک دستگاه ماشین چاپ و یک دستگاه زیراکس نظر او را جلب کرد و دستور دادند که این ماشین‌ها به اتاق‌هایی در باشگاه دانشگاه منتقل شوند. در شروع کار احتیاج به دستگاه برش احساس می‌شد که با خرید یک دستگاه ماشین برش و یک دستگاه ماشین منگنه و مقداری حروف کار چاپخانه با دو، سه نفر شروع به کار نمود. در آن زمان، چون امکانات حروف‌چینی کتب فراهم نبود، ناچار برای چاپ کتاب از ماشین تحریر استفاده کرده و شروع به کار نمودیم و با همان دستگاه زیراکس مستر گرفته می‌شد و توسط ماشین چاپ کوچکی در اندازه کاغذ A۳ چاپ می‌کرد (یعنی دو صفحه کتاب در قطع وزیری) کار چاپخانه شروع شد. در ضمن کارهای چاپی دانشگاه نیز تا همان اندازه را در چاپخانه انجام می‌دادیم. و بعد از یکی، دو سال چاپخانه به محل زیرزمین سازمان مرکزی معروف به ساختمان سه گوش منتقل شد، آنجا وسعت بیشتر داشت و چاپخانه نیز با امکانات و ماشین‌های بیش‌تر و تجهیز تاریک‌خانه برای تهیه فیلم ادامه داد و بعد از آن چاپخانه به دانشکده کشاورزی انتقال یافت و آنجا وسعت بیشتر داشت و ماشین‌های چاپ پیشرفته‌تری از جمله ماشین چاپ G.T.O. و یک دستگاه برش جدید، تاکن برای صحافی کتب و دوربین عکاسی و ماشین حروف‌چینی سربی خریداری شد. با خرید این ماشین‌ها مشکل چاپ رنگی در چاپخانه حل شد و تمامی کارهای رنگی در چاپخانه انجام می‌شد و چاپخانه قادر بود کارهای دانشگاه پزشکی را هم انجام دهد. هم‌زمان چند دستگاه ماشین تحریر کارت مغناطیسی و کامپوزر آی.بی.ام نیز خریداری شد و کارکنان از آموزش لازم به‌رمند شدند. از این پس تمام کتب با این روش حروف‌چینی می‌شد. بعد از چند سال، باز هم چاپخانه به محل جدید خود در طبقه همکف سازمان مرکزی که ساختمانی جدید بود و فضای بیشتر داشت انتقال یافت. در آنجا هم ماشین چاپ یک و نیم و دو ورقی و یک دستگاه ماشین چاپ ملخی و هم‌چنین یک دستگاه دوربین عکاسی پیشرفته خریداری شد. با خرید این ماشین‌آلات چاپخانه کامل و آماده انجام تمامی کارهای

چاپی هر دو دانشگاه شد. در این زمان سیستم حروف چینی پیشرفته شد، یعنی بوسیله نرم افزار کامپیوتری گردید و این از امکانات جدید بود. سالیانه چندین کتاب علاوه بر کارهای چاپی دو دانشگاه توسط چاپخانه به چاپ می رسید. علاوه بر کارهای روزانه، تمامی آزمون های داخلی دانشگاه در چاپخانه دانشگاه انجام می شد و هم چنین در برگزاری کنکور سراسری چاپخانه نقش ارزشمندی ایفا می نمود. اما زمانی که جنگ تحمیلی شروع شد و اکثر چاپخانه های شهر تعطیل شده بودند، چاپخانه دانشگاه تماما در اختیار جبهه ها و نیروهای مسلح از جمله ارتش، سپاه، بسیج و جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی قرار گرفت. چاپخانه جوابگوی تمامی کارهای چاپی بود از جمله سخنان رهبر کبیر انقلاب که توسط اساتید دانشگاه به عربی ترجمه می شد و پس از حروف چینی و چاپ برای انتشار در جبهه های جنگ و شهرهای عراق به پایگاه وحدتی دزفول فرستاده می شد.

ضمنا دو نفر از افراد چاپخانه در طول جنگ تحمیلی به خیل شهدا پیوستند. روحشان شاد و قرین رحمت الهی باد.

مهندس عباس والا، از نخستین کارکنان چاپخانه دانشگاه در این باره می نویسد:
 آقای دکتر جامعی، رئیس وقت دانشگاه همیشه می گفت که راه اندازی مرکزی به نام انتشارات و چاپ برای به چاپ رساندن تحقیقات دانشگاهی ضروری است.
 شروع کار مرکز چاپ با یک دستگاه تکثیر پلی کپی آن هم در تیراژ محدود به نام استنسل شروع شد. مکان اولیه مرکز چاپ در مهمان سراي کنونی بود. لازم به ذکر است که کار بازبینی و کنترل تایپ و تنظیم متون برابر با استاندارد بر عهده آقای ابراهیم قلمی بود و در واقع ایشان پایه گذار چاپخانه و تبدیل آن به شکل کنونی به شمار می آیند.
 مرکز چاپ بعدا به ساختمان سه گوش در زیرزمین آن و سپس به دانشکده کشاورزی و پس از آن به سازمان مرکزی منتقل شد و هم اکنون محل آن در سوله ای مستقل واقع در پردیس دانشگاه می باشد.



پیشینه ساختمان گارد دانشگاه (مکان اسبق انجمن اسلامی دانشجویان)

دکتر رحیم چینی پرداز

عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

در قسمت جدا شده از دانشگاه شهید چمران اهواز، که به دلیل احداث پل پنجم از دانشگاه جدا شد چند ساختمان کوچک وجود دارد که به صورت مجموعه‌های جداگانه در کنار هم قرار دارند. اکنون این ساختمان‌ها اهمیت قدیم را ندارند. تغییر کاربری و جدا شدن دانشگاه از آن، نه تنها خود مجموعه، بلکه خاطرات آن دوران را بسیار کمرنگ کرده است. بسیاری افراد دلیلی برای یادآوری خاطرات آن دوران نمی‌بینند و یادآوری آن را نسبت به تغییرات شدید روزمره بیهوده می‌انگارند. جدای از این که این اندیشه چقدر صحت دارد حداقل برای آنانی که علاقمند به عمیق شدن سابقه شصت ساله دانشگاه دارند و یا آنانی که علاقمند هستند از گذشته عبرت بگیرند مطلب قابل تأملی است.

اکنون کسی نمی‌داند که در قبل از انقلاب درنگ یک دقیقه‌ای در آن مجموعه چقدر دردناک بود در یک دوره‌ای دانشجویان مسلمان شاید یک ماه شب و روز در این ساختمان‌ها فعالیت می‌کردند و گاهی چند روز بود آفتاب خارج از ساختمان را نمی‌دیدند. در قبل از انقلاب گذر کردن کنار این ساختمان که متأسفانه تنها درب ورودی دانشگاه بود، همچون گذشتن از پل صراط می‌نمود. هر گاه اعتصاب و یا تظاهراتی می‌شد جنب و جوش در کنار این ساختمان‌ها زیاد بود. به همراه هر اعتصاب در دانشگاه ردیفی از دانشجویان در آن جا صف می‌کشیدند تا تکلیف خود را بدانند، بعضی آزاد و بعضی نیز بازداشت و به کلاتری و سپس دادگاه و زندان می‌شدند. بعضی از این افراد زندانی نیز وقتی به دانشگاه بر می‌گشتند چنان سن و سال پیدا کرده بودند که دیگر هیچ دانشجویی آنان را نمی‌شناخت. هر روز مأموران گارد دانشگاه از این ساختمان، که نام آن را ساختمان شماره یک می‌گذارم به دانشکده‌ها تقسیم می‌شدند. رئیس گارد که سرهنگ عیوقی خوانده می‌شد نیز در طول روز با یک جیب سبز رنگ در دانشگاه مانور می‌داد. او برای این که حساسیتی ایجاد نشود، سعی می‌کرد تا حد ممکن وارد دانشکده‌ها نشود.

هر روز که با دوستان درباره آن ساختمان که برایمان مخوف با انسان‌های مخوف‌تر می‌نمود، صحبت می‌کردیم. دو سه نوبت این شانس نصیب می‌شد که این ساختمان را از نزدیک ببینم. یکبار که در سال ۵۵ گرفتار شدم، بعد از قرار گرفتن در صف کنار گارد دانشگاه، بعد از مختصری اذیت شدن، توسط گروهبانی که گویا موسوی نام داشت، آزاد شدم. در سال ۵۶ دوباره گرفتار و در این نوبت داخل ساختمان گارد نیز شدم.

قرار بود بعد از اعتصاب و شکستن شیشه‌ها در دانشکده علوم به کتابخانه رفته و با گرفتن کتاب‌های قطور ۶۰۰-۵۰۰ صفحه‌ای به همراه دانشجویان درس‌خوان واقعی، خارج شویم. با تجربه دریافته بودیم گارد دانشگاه با دانشجویان درون کتابخانه علوم که درس‌خوان محسوب می‌شوند غیر از چند سوال و جواب کار خاصی انجام نمی‌دهد و این افراد بازداشت نمی‌شوند. در این نوبت یکی از دانشجویان که ابتدایی‌تر از ما در این فعالیت‌ها شرکت می‌کرد با ورود به کتابخانه شیشه درب کتابخانه را شکست و مأمورین گارد متوجه شدند که افراد دست‌اندرکار باید در بین دانشجویان کتابخانه باشند.

در عصر آن روز که سرهنگ عیوقی می‌دانست حادثه ای در حال وقوع است بین سالن فیزیک و ریاضی اوضاع را بررسی می‌کرد. مرحوم محمد باقر جالوی از ورود عیوقی به داخل دانشکده

بسیار ناراحت شده و آن را توهین به دانشجویان می‌دانست، سنگی را که من به ایشان داده بودم، به طرف عیوقی پرتاب کرد هر دو نفر شناسایی شده بودیم با این وجود در برنامه آن شب شرکت کردیم و ما جز شش نفر گرفتار آن شب بودیم که بعد از چند نوبت فیلتر کردن به گارد دانشگاه برده شدیم. بعد از دو سه روز گرفتار در کنار ساختمان گارد دانشگاه و مختصری اذیت کردن، ما شش نفر را به کلانتری، دادگاه، زندان کارون بردند. بعد از دو سه هفته به صورت موقت آزاد شدیم که قرار شد بعداً خود را معرفی کنیم. این مقدمه نوبت سوم من به ساختمان شد که در دفعه سوم که سال ۵۷ رخ داد. در یک روز در گذر از آن ساختمان صدایم کردند و در داخل ساختمان بدون هیچ اذیتی گفتند شما باید خود را به دادگاه معرفی کنی و بنابراین، حق ورود به دانشگاه را نداری. مجموعه‌ی کوچک گارد دانشگاه را بسیاری تنها از اتوبوس دانشگاه می‌دیدند و کمتر مواردی مشابه من، رفتن به آن ساختمان را تجربه کرده بودند. از اینجا بود که متوجه شدم بر خلاف تصور قبلی ساختمان بسیار بزرگی وجود ندارد و به جز دو سه اطاق معمولی تنها یک سالن نسبتاً بزرگ که در انتهای ساختمان وجود دارد، چیز مخوف‌تری وجود ندارد.

معمولاً ما مورین گارد، صبح و قبل از ورود دانشجویان به ورودی دانشکده‌های بزرگ که معمولاً فعالیت‌ها در آنجا تمرکز بیشتری داشت و نیز درب سلف سرویس، مواظبت می‌کردند. آن‌ها احتیاط می‌کردند تا حد ممکن و تا قبل از یک حادثه وارد ساختمان دانشکده و یا سلف سرویس نشوند. آن‌ها فعالیت دانشجویان را به وسیله رابطین گارد و ساواک رصد می‌کردند. رابطین آنها هیأت علمی، کارمند و یا دانشجویانی بودند که با شماره‌هایی رمزی فعالیت داشتند. گزارشی که این افراد می‌دادند متفاوت بود. بعدها که این پرونده‌ها را مشاهده کردم متوجه این قضیه شدم که بسیاری از دانشجویان گزارشی کاملاً معلوم و بدیهی را می‌دادند. این‌ها افرادی بودند که قبلاً فعال دانشجویی بودند و بعد از گرفتاری و زیر شکنجه و یا تخفیف مدت زندانی تعهد همکاری می‌دادند. فعالیت‌های گزارش شده، شامل نمایش فیلم در آمفی تئاتر علوم، فعالیت نمایشگاه‌های کتاب، معرفی افراد فعال و مرتبط با دیگر دانشجویان خصوصاً ورودی‌های جدید، کلاس‌های غیردرسی که بعضی دانشجویان در کلاس‌ها برقرار می‌کردند، فعالیت‌های کوهنوردی و حوادث پیرامون آن، می‌شد. فیلم‌های ابتدایی را در آمفی تئاتر علوم نمایش می‌دادند. اغلب فیلم‌ها ساخته کشور روسیه و یا کشورهای شرقی مانند یوگسلاوی و یا حتی هالیوودی ضد سرمایه‌داری بود. بنابراین صحنه‌هایی از فیلم مورد تشویق دانشجویان واقع می‌شد. دانشجویان مسلمان فعالیت هنری بسیار کمی داشتند. اکثر فعالیت آن‌ها به سخنرانی‌های مدعوین، نمایشگاه‌های کتاب، برنامه‌های کوهنوردی دانشجویی، پخش کتاب و نوار در مسجد و دانشکده‌ها علاوه بر تظاهرات و اعتصاب‌های دانشجویی بود. تا قبل از سال ۵۶ بسیاری از اعتصاب‌های دانشجویان گروه‌های مذهبی و غیرمذهبی با هم بودند. باید گفت گزارش‌هایی هم در شناسایی دانشجویان فعال وجود داشت. به یاد می‌آورم در زمانی که این گزارش را بعد از انقلاب دیدم بسیاری از گزارش‌ها توسط دو دانشجوی پزشکی در بار فعالیت شهید عبدالرضا موسوی بود. ایشان سال ۵۶ وارد دانشگاه شد ولی قبل از آن نیز فعالیت داشت. بعد از شهادت جهان‌آرا آقای موسوی فرمانده سپاه خرمشهر شد و چند ماه بعد در عملیات آزادی خرمشهر نیز به شهید جهان‌آرا پیوست شهید و مصدق طاهری جانشین ایشان شد.

متأسفانه فعالیت‌های درون مسجد دانشگاه نیز به وسیله یکی از دست‌اندرکاران مسجد دانشگاه گزارش می‌شد. مطالبی که بین نماز ظهر و عصر خوانده می‌شد کتاب‌هایی که در کتابخانه مسجد در لابلای کتاب‌ها جایگذاری می‌شد، کتاب‌هایی که خارج از سیستم اداری مسجد به وسیله دانشجویان خریداری می‌شد و کتاب‌هایی که در معرض فروش گذاشته می‌شد از موارد گزارش شده بود. البته در بسیاری از موارد در گزارش‌ها اسامی دانشجویان به صورت دقیق گفته نمی‌شد.

اینجا ذکر یک نکته بسیاری ضروری و عدم ذکر آن بی‌انصافی است. بر خلاف تصور قبلی ما در مراجعه با گزارش‌های ارسال شده با ساواک، متوجه عدم همکاری مسئولین وقت دانشگاه با ساواک و گارد دانشگاه شدیم گزارشات نیز از اعتراض رئیس دانشگاه و خصوصاً معاون آموزشی ایشان مرحوم دکتر مهدوی اردبیلی وجود داشت که حکایت از مخالفت آنان با دستگیری دانشجویان داشت. در سال ۵۷ از این گزارشات به دلیل حضور مردم در صحنه انقلاب، بسیار کم رنگ بود. این فعالیت‌ها تا پیروزی انقلاب، منجر به شهادت چهار دانشجو شد. از گروه‌های غیرمذهبی کسی کشته نشد اما تعداد دانشجویان زندانی غیرمذهبی که معمولاً تفکر کمونیستی داشتند، بیشتر بود. استقبال مردم نیز در شهر تنها از سال ۵۷ به بعد که تظاهرات دانشجویان ماهیت کاملاً مذهبی پیدا کرد، خوب شد. در قبل از آن، هم فضای ترس و رعب رژیم پهلوی و هم فضای بی‌اعتمادی مجالی برای هماهنگی نمی‌داد.

بعد از انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب، ساختمان گارد دانشگاه در اختیار دانشجویان مسلمان قرار گرفت. بدلیل آشفتگی اوضاع و خصوصاً سرقت‌هایی که در بدو پیروزی انقلاب در دانشگاه رخ داده بود، کار دانشجویان مسلمان آموزش اسلحه به دیگران و حفاظت شبانه از دانشگاه بود. به دلیل موارد مشابه در شهر و ارتباط با جوانان انقلابی شهر در مواردی برای محافظت به محل‌های دیگری مانند کارخانه‌ها و تاسیسات اداری دانشجویان فعالیت‌های مناسبی داشتند. این کار در زمان خودش بسیار ضروری می‌نمود. البته در کنار آموزش اسلحه که معمولاً آموزش ژ-س و سه راهی و یا کوکتل بود کلاس‌های فرهنگی برای دانشجویان و پی‌گیری بیانات امام نیز وجود داشت. تمام فعالیت‌ها ابتدا در ساختمان شماره یک انجام می‌شد. به جای نیروهای گارد که هر روز صبح به دانشکده‌ها می‌رفتند، دانشجویان شب‌ها از همین ساختمان به دانشکده‌ها و ادارات می‌رفتند. دانشجویان مسلمان چنان فعال شده بودند که بعضاً به خانه نمی‌رفتند و به همین دلیل، ساختمان متروکه پشت گارد دانشگاه را تخلیه، شبها بعد از نگرهبانی در آن محل استراحت می‌کردند. ضمن اینکه ساختمان نسبتاً مناسبی در همان محل که بسیار تمیزتر از گارد دانشگاه بود و گویا متعلق به دانشکده تکنولوژی پزشکی بود به عنوان ساختمان شماره دو در اختیار دانشجویان قرار گرفت.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد در این دوران آثاری از مخالفت با بعضی از فرمایشات امام توسط یک گروه سیاسی مطرح شد. گروه‌های غیرمذهبی و گروه‌های مذهبی که با نظرات امام زاویه‌هایی داشتند ظاهر شد. دولت مرحوم بازرگان نیز قادر به کنترل اوضاع نبود. آشفتگی در کل کشور، دانشگاه‌ها و دانشگاه شهید چمران به خصوص، به دلیل درگیری با مسائل قومی زیاد و زیاده‌تر می‌شد. در این میان انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها طی بیانیه‌ای و با یک اساسنامه

که تحت تأثیر، اساسنامه انجمن دانشجویان مسلمان خارج کشور بود، تأسیس شد. جلسه در آمفی‌تئاتر دانشکده دامپزشکی (در آن زمان) تشکیل شد. مخالفت با اساسنامه توسط عده ای نشان از انشعاب دانشجویان مسلمان می‌داد. این گروه راه خود را جدا کردند، و به عنوان هواداران مجاهدین خلق، گروه جنبش را به وجود آوردند. بعد از آن نیز گروه‌های دیگری از انجمن اسلامی جدا شدند. که بزرگ‌ترین آنها جنبش مسلمانان مبارز بود. اما کم‌کم گروه‌های دیگری نیز جدا می‌شدند. ضمن اینکه در بین همین گروه‌های جدیداً انشعاب به وجود می‌آمد. یادآوری این نکته ضروری است که بعضی از رهبران این گروه‌ها از قبل با این گروه‌ها مرتبط بودند ولی در بین هواداران این مسأله روشن نبود. گروه‌های غیرمذهبی نیز هر روز دچار تغییر و تحول می‌شدند. سرعت حوادث آنقدر زیاد بود که هیچ ایدئولوژی قدرت تبیین آن را در مدت بیش از چند ماه نداشت و بنابراین به ضرورت دچار تغییر می‌شد.

ساختمان گارد دانشگاه و ساختمان شماره دو به همان صورت در اختیار انجمن اسلامی بود. هواداران مجاهدین خلق توانستند با ترفندهایی که مجال ذکر آن نیست، مسجد دانشگاه را در اختیار خود قرار دهند. به همین دلیل مسجد دانشگاه که کانون مهم دانشجویان مسلمان بود کم‌کم از دست رفت و دیگر پایگاهی برای فعالیت و تشریک مساعی نبود. تا خرداد سال ۵۹ مسجد، به ویژه کتابخانه آن که کتابخانه بسیار غنی بود در اختیار آنان قرار داشت. در این دوره ساختمان گارد دانشگاه که به نام انجمن اسلامی دانشجویان تغییر نام داده بود محل فعالیت دانشجویان طرفداران انقلاب با نام انجمن اسلامی شد. انجمن اسلامی علاوه بر فعالیت در دانشگاه، در مسائل فرهنگی و اجرایی شهر نیز شرکت می‌کرد. اغلب نهادهای تازه تأسیس مانند سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، نهضت سوادآوری با کمک انجمن اسلامی پا گرفت. علاوه بر آن، بسیاری از دانشجویان که علاقه به خدمت به مردم بودند از همین ساختمان به روستاها می‌رفتند. در این میان کلاس‌های مذهبی، فلسفی سیاسی و غیره توسط دانشجویان برگزار می‌شد. در این میان اما تلاطم در دانشگاه بسیار شدید بود. تمام فعالیت‌های علمی و آموزشی تحت تأثیر گروه‌های سیاسی می‌شد. همه روزه بسیاری از دانش‌آموزان به دعوت یک گروه سیاسی و شرکت در سخنرانی افرادی که تنها کار آنها تحریک جوانان و نوجوانان بود، به دانشگاه سرازیر می‌شدند. هر گروه سیاسی سعی در انقلابی نشان دادن خود داشت. این کار تنها به کمک پخش یک شایعه و تهمت به یکی و یا گروهی از مسئولین انجام می‌شد. هر روز صبح دانشجویان مواجه با پوستره‌های جدیدی می‌شدند که چند روز بعد نادرست بودن آن معلوم می‌شد. گویی دانشجویان به این اطلاعیه‌ها معتاد شده بودند. چه بسا دانشجویان انجمن اسلامی در موضعی انفعالی تحت تأثیر این فضا علاقه به خبرهای دست اول داشتند. این مسأله بیشتر از دوران تشکیل دانشجویان خط امام شکل گرفت. از جمله ترتیب دادن چند تظاهرات که با دیدگاه آن‌ها سنخیتی نداشت. این دوره پر آشوب تا خرداد سال ۵۹ و آغاز انقلاب فرهنگی ادامه داشت. در این مدت در دو سه مورد انجمن اسلامی مورد حمله قرار گرفت. در یک نوبت که در روزهای اوج انقلاب فرهنگی رخ داد در حالی که چند دانشجوی خانم در ساختمان شماره دو فعالیت می‌کردند مورد حمله گروهی از هواداران مجاهدین خلق و خلق عرب قرار گرفت و تا مرز آتش گرفتن ساختمان پیش رفت.

دوره بعد از انقلاب فرهنگی

مطابق با نظر شورای انقلاب، تمام گروه‌های سیاسی باید مکان‌های مورد استفاده را در

در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌دادند. به همین دلیل هر دو ساختمان انجمن اسلامی نیز تعطیل شد و دانشجویان انجمن اسلامی قسمتی از مرکز الثقافی در روبروی دانشکده ادبیات را که در اختیار جهاد سازندگی بود (دانشگاه امام علی کنونی) برای مدت کوتاهی مورد استفاده قرار دادند. با توجه به تعطیل شدن دانشگاه و برگشتن دانشجویان به شهرهای خود، فعالیت دانشجویان تنها تشکیل کلاس‌های مذهبی و سیاسی در آن محل بود اما هنوز در فعالیت‌های شهر شرکت داشتند. از آنجا که در اوج انقلاب فرهنگی گروه‌های سیاسی علیه آن و انقلاب شایعاتی را منتشر می‌کردند دانشجویان مسلمان به نوبه خود از مواضع خود در راستای انقلاب فرهنگی و خصوصا دیدگاه‌های امام دفاع می‌کردند. ساختمان‌های یک و دو قدیمی نیز تا آن زمان خالی مانده بود و در ادامه در اختیار کمیته انقلاب اسلامی قرار گرفت. بعد از دو ماه فعالیت در این ساختمان دانشجویان انجمن اسلامی مجبور به ترک آن شدند و در امانیه منزلی دو طبقه را برای ادامه کارهای خود انتخاب کردند. در این ساختمان فعالیت‌های انجمن اسلامی بیشتر از قبل و به صورت فرهنگی، تشکیل کلاس‌های فرهنگی و مذهبی، امانت دادن و فروش کتاب بود.

در این مدت در یک اردوی فرهنگی حدود ۵۰ نفر از دانشجویان در یک اردوی فرهنگی در لویزان تهران شرکت کردند. این اردو حدوداً دو ماهه، در تقویت بنیادهای فرهنگی دانشجویان بسیار مثبت بود. در زمان برگشت این دانشجویان و همزمان با برنامه‌ریزی فعالیت این دانشجویان در مدارس، جنگ تحمیلی به وقوع پیوست و بنابراین در این شرایط به صورت یک نهاد بسیجی در آمد و تمامی دانشجویان نیز برای دفاع از کشور به بسیج مساجد رفتند. در این دوره فعالیت انجمن در رابطه با جنگ تحمیلی، فعالیت در نهادها، کارهای فرهنگی در سطح شهر و فعالیت‌های دانشگاهی بود. فعالیت‌های آموزشی وجود نداشت و تنها یک سری طرح‌های تحقیقاتی و تألیف و ترجمه در دانشگاه فعال بودند. بعضی از دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه فعالیت خود را آغاز کردند. با آغاز فعالیت کمیته‌های جهاد دانشگاهی، کمیته‌های علمی در دانشگاه‌ها به کمک دانشجویان و اعضای هیأت علمی به وجود آمد. اما مقر دانشجویان هنوز خارج از دانشگاه بود در سال ۶۳ اکثریت رشته‌های دانشگاهی بازگشایی شده بود. و مطابق با قانون مصوب، دانشگاه می‌توانست و می‌بایست محلی را برای فعالیت انجمن قرار می‌داد. به دلیل آن که ساختمان قبلی در اختیار کمیته انقلاب بود دانشگاه تنها یک محل نیمه مخروبه که مالکیت آن مورد اختلاف وزارت کشاورزی و دانشگاه بود، در اختیار انجمن قرار داد. این ساختمان در نزدیکی ساختمان قبلی انجمن ولی در بیرون دانشگاه (میدان قبلی دانشگاه و روبروی استادیوم ورزشی تختی و کوی قدیم استادان) بود. با این وجود انجمن اسلامی مدتی را در آنجا فعالیت کرد. در این میان در تمام کمیته‌های دانشگاه و مدیریت دانشگاه نیز این دانشجویان فعال بودند، بعد از مدتی این ساختمان به جهاد دانشگاهی و سپس به اداره کشاورزی تحویل داده شد و دانشجویان به همان ساختمان یک و دو قبلی خود باز گشتند. باید توجه کرد که بعد از احداث پل پنجم، قسمتی از دانشگاه از پیکره آن جدا شد. که شامل این ساختمان نیز می‌شد و به دلیل جدایی این ساختمان از مجموعه اصلی دانشگاه اهمیت این ساختمان (گارد انجمن، کمیته انقلاب و جهاد دانشگاهی) نیز از بین رفت و اکنون به صورت متروکه باقی مانده است.

شاید اگر در زمان ساختن پل پنجم مساله به گونه‌ای مدیریت

می‌شد که یکپارچگی دانشگاه باقی می‌ماند، شرایط بهتر از امروز بود. این ساختمان برای من، بیش از دیگران خاطراًمیزتر است. روزی در این ساختمان اذیت شدم، روزی به صف ایستادم تا به دادگاه بروم و از آنجا به زندان کارون بروم، بعد از انقلاب در آن نگهبانی دادم. در شب‌هایی که امکان حمله و آتش زدن آن بود؛ در آن می‌خوابیدم، سپس فعالیت فرهنگی کردم، در بیرون رفتن از آن جا و سال‌های بعد برای ورود به آن بسیار با مسئولین درگیر شده بودم. با برادران کمیته انقلاب که مسئول آن‌ها در آن زمان آقای بلونه بود، برای برگشت به این ساختمان اختلاف پیدا کردم.

اکنون که از آن جا می‌گذرم بسیار ساده و بدون توجه به سابقه خود و سابقه فعالیت چند ساله خود و دیگران، احساس خاص نسبت به آن ندارم. متأسفانه در این چند سال یاد ندارم روزی از پنجره ماشین نگاهی به آن بیاندازم و یا سرعت ماشین را کم کنم تا خاطرات آن دوران و بسیاری از برادرانی که شب و روز آنجا بودند و سپس شهید شدند را زنده کنم. اما نوشتن چند کلمه، من را به آن واداشت که دعا کنم خداوند کمک کند ارزش‌هایی که برای آن این همه هزینه شده است مانند این ساختمان به فراموشی سپرده نشوند.



پیشینه چاپخانه

قنبرعلی نصراصفهانی از کارکنان بازنشسته اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

اینجانب قنبرعلی نصراصفهانی، از کارکنان بازنشسته اداره چاپ و انتشارات دانشگاه که در سال ۱۳۵۱ به استخدام دانشگاه درآمدم. در آن سال، محل اداره انتشارات، در ساختمان سه گوش در یک زیر زمین بود که با دو دستگاه چاپ کوچک گستدر و هامادا و یک تیغه برش ۹۰ فعالیت خود را رسماً شروع کرد. ریاست اداره بر عهده دکتر اردشیر قادری و معاونت آقای ابراهیم قلمی و مدیر داخلی آقای عبدالمجید مصدق بود. مهندس عباس والا، مصطفی نامی سماواتی، مرحوم یوسف بیات، محمود آزاد کرده، هوشنگ حاتمی و خانم‌ها ادیب، صبوری، سیاسی از دیگر کارکنان بودند.

محل اداره در سال ۱۳۵۲ به دانشکده کشاورزی که هنوز ساختمان نیمه کاره بود؛ منتقل شد. در این زمان افراد دیگری مانند علی ضامن کریمی بیرگانی، شهید حسن رضایی آبادچی، صفی خون صیفی پور، یاسین جاسم پور، حسن نرگسی، جمشید غفارزاده، عبدالرضا بیت سیاح و خانم زغیبی به پرسنل اداره اضافه شدند. ریاست اداره در این دوره بر عهده مهرداد امیری بود.





فصل نهم

نقد و نظر



نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:
 دکتر فریبرز آذرپناه، عضو هیأت علمی گروه ریاضی و اولین فارغ‌التحصیل دکترای
 ریاضی دانشگاه
 «از پنجاهمین تا شصتمین سال تاسیس دانشگاه»

مردادماه ۱۳۵۶ نخستین باری بود که به دانشگاه جندی شاپور اهواز می‌آمدم. قرار بود شهریورماه همان سال از پایان نامه‌ی فوق لیسانس خود دفاع کنم. به قصد استخدام آمده بودم و برای اولین بار با دکتر کرمزاده، مدیر گروه ریاضی، دیدار کردم. هرچند همشهری بودیم و در یک دبیرستان هم درس خوانده‌ایم، ولی به خاطر اختلاف سنی، هرگز ایشان را در مسجدسلیمان ندیده بودم. در پله‌های سراسری دانشکده علوم بود که او را دیدم و گفتم که شهریورماه فارغ‌التحصیل خواهم شد. وقتی شنید که در دانشگاه‌های پهلوی (شیراز) و صنعتی آریامهر (شریف) درس خوانده‌ام، پذیرفت مرا استخدام کند. آن زمان، گروه تصمیم گیرنده بود و توانایی علمی تنها معیار سنجش بود. آمده بودم تا پس از سه سال، همان گونه که رسم آن زمان بود، بورس تحصیلی برای خارج از کشور بگیرم تا بعد از اخذ دکترای دوباره برای خدمت در دانشگاه به ایران و اهواز برگردم. باری سرانجام در گروه ریاضی مشغول به تدریس شدم و خوشحال بودم که در گروهی زندگی می‌کنم که بسیاری از افراد توانا و مطرح آن زمان را به خدمت گرفته بود. بعد از انقلاب فرهنگی و جنگ ناخواسته، گروه قدرتمند ریاضی فرو ریخت. عده‌ای به خارج از کشور کوچیدند، بعضی به دانشگاه‌های تهران رفتند و پارهای دیگر هم قراردادشان لغو شد. سپس به تدریح افراد دیگری در گروه استخدام شدند ولی هرگز گروه قدرتمندی همچون گذشته شکل نگرفت. به خاطر می‌آورم که آن زمان وقتی در دانشگاه تدریس می‌کردم از لحظات آموختن لذا می‌بردم، یاد می‌آید که برای جشن ازدواج برادرم هم کلاس را تعطیل نکردم و وقتی دیرتر از دیگران به مجلس عروسی رسیدم مورد سرزنش قرار گرفتم. به هر حال، در آن زمان دانشجویان پتانسیل و زمینه‌ی خوبی داشتند. زمانی که خودم دانشجو بودم هرکسی به خود جرأت نمی‌داد که مدرس دانشگاه شود. آنانیکه مدرک دکترای داشتند ولی از آگاهی و دانش کافی برخوردار نبودند، خودشان می‌دانستند که جایشان در دانشگاه نیست، حداقل در آن دانشگاه‌هایی که من درس خوانده بودم این طور بود و به یاد دارم که دو تن از اساتید به دلیل کم سواد بودن توسط دانشجویان اخراج شدند.

در اوایل انقلاب، ریاضیات را با شور و شوق تدریس می‌کردم و البته دانشجویان هم مستمعانی بودند که صاحب سخن را بر سر ذوق می‌آوردند. اغلب اوقات، فراتر از مطالب درسی با دانشجویان علاقه‌مند کار می‌کردم. مسائل ریاضی طرح می‌کردم و آنان را به مسابقه می‌گذاشتم و به کسانی که هر کدام از مسائل را حل می‌کردند جایزه می‌دادم. جایزه‌های شامل نوارهای کاست شجریان بود که بعدها همین هدیه‌ی آوازهای شجریان بی‌جهت به پرونده‌ی خلاف‌های ناکرده‌ی من افزوده شدند. دریافتم که هر کاری را در زمان خودش باید انجام داد، ولی مشکل این است که تشخیص آن زمان کار ساده‌ای نیست. شاید جمله‌ای را به زبان بیاوریم که ده سال بعد وقتش باشد و ما زودتر از موعد به زبان آورده باشیم که دیگر کار از کار گذشته است. درست مانند نوارهای شجریان که چند سال بعد از آن مجاز شدند ولی آنزمان که وقتش نبود آسپیش را به من رساند و زمانی

که موعدهش رسیده بود دیگر انگیزه‌ام را کشته بود و برایم سودی نداشت. ۱۴ سال گذشت، در این مدت به تعداد بورس تحصیلی تعلق گرفت که استحقاق آن را داشتند و بعد از اتمام تحصیلات خود به خدمت در دانشگاه ادامه داده و باعث اعتبار و اعتلای علمی دانشگاه شدند. در مقابل به تعدادی هم که صلاحیت علمی کافی برای ادامه تحصیل نداشتند، بورس تحصیلی تعلق گرفت که جز حیف و میل سرمایه ملی بهره‌ای در برنداشت. دسته‌ی سومی هم بودند که به استعداد آنها توجه نکردیم و این روند کم و بیش هنوز هم ادامه دارد. بسیاری از جوان‌های با استعداد و تیزهوش به کار گرفته نمی‌شوند و به کسانی که جایگاهشان در دانشگاه نیست به جهاتی بها می‌دهیم و بدین‌سان استعدادهایمان را می‌سوزانیم. گواه مدعایم جوان‌های خوش ذوق و با دانشی هستند که روبروی دانشگاه تهران برای دانشجویان ضعیف و اساتید ناتوان مقاله و پایان نامه می‌نویسند تا اینگونه امرار معاش کنند.

باری در سال ۱۳۷۰ سرانجام بعد از ۱۴ سال از ورود من به دانشگاه، خوشبختانه نخستین دوره‌ی دکتری، آن هم در رشته‌ی ریاضی، در دانشگاه ما به راه افتاد و من در نخستین کنکور دکتری دانشگاه با بیشترین نمره قبول شدم و بعد از سه سال و چهار ماه در بهمن ماه ۱۳۷۳ به عنوان اولین فارغ‌التحصیل دکترای دانشگاه شهید چمران اهواز تحصیلات خود را به پایان رساندم. این هم از همان مواردی است که بایستی در موعدهش رخ می‌داد، یعنی، بیش از یک دهه، دهه‌ای که می‌تواند بهترین سال‌های عمر یک پژوهشگر باشد. جالب است که در آن زمان یکی از مسئولین با پذیرش من در دوره‌ی دکتری، به رغم کسب بیشترین نمره، مخالفت می‌کرد. به یاد دارم که یک بار ایشان از من خواسته بود تا پیراهن آستین کوتاه نیوشم ولی من توجه نکرده بودم. این را گفتم تا یادمان بماند که زمانی به خاطر بیست سانت آستین چگونه با سرنوشت یک جوان بازی می‌شد. نمی‌دانم این بیست سانت هنوز پابرجاست یا تغییر کرده است، اگر پابرجا باشد، نشان می‌دهد که من هنوز توجیه نشده‌ام. در این یادداشت قصد داشتم تا در قالب خاطراتم، سستی‌ها و کاستی‌های دانشگاه را بازگو کرده باشم، هر چند ممکن است بسیاری از افراد این موارد را ضعف ندانند و در مقاطع مختلف آن‌ها را حتی ضروری و از ویژگی‌های هر دورانی بدانند. من هم گله‌ای ندارم، شاید فرق من با آن عده که مخالف من هستند در تشخیص زمان است. من فکر می‌کنم زمان آن رسیده است تا از تجربیات خود استفاده کنیم و کاستی‌ها و نابسامانی‌ها را شناسایی کنیم، اگر دوباره در تشخیص زمان اشتباه نکرده باشم. من دیدگاهم را در مورد دانشگاهی می‌نویسم که سالها در آن زیسته‌ام و به آن مدیونم، از همین روست که اعتقاد دارم با تعریف و تمجید از خود به جایی نخواهیم رسید. زمانی پیشرفت خواهیم کرد و زمانی دانشگاه ما در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد که کاستی‌هایمان را ببینیم و به نقد بکشیم. ده سال پیش جشن پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه را گرفتیم. در آن زمان نسبت به امروز احساس بدی نداشتیم، زیرا در پژوهش عملکرد سالم‌تری داشتیم، در دوره‌های دکتری رشد معقولی کرده بودیم و در زمینه‌های آموزش هم چندان ناخشنود نبودیم و از این رو جشن و شادی برای پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه شاید موجه به نظر می‌رسید. اگر چه در آن زمان هم دستاوردهایمان چندان چشمگیر نبود، ولی به هر جهت قدمت پنجاه ساله ارزش شادی را داشت. اکنون اگر قرار است برای شصتمین سال تأسیس دانشگاه نیز شادی کنیم و جشن بگیریم، بی‌شک برای ده ساله‌ی ششم، یعنی همین ده سال اخیر است، چرا که برای پنج دهه‌اش یک بار جشن گرفته‌ایم. پس

قاعدتاً باید ببینیم در این یک دهه چه دستاوردهایی داشته‌ایم که می‌خواهیم به واسطه‌ی آن شادی کنیم؟

من به دانشگاه‌های دیگر کم و بیش رفت و آمد دارم، در جلسات فرهنگستان، مراکز تحقیقاتی و انجمن‌های علمی شرکت می‌کنم و برای کنفرانس‌های داخلی و خارجی سفرهای متعدد داشته‌ام. آنچه می‌خواهم بگویم حاصل تجربه‌هایی است که درمورای ۴۵ ساله‌ی خودم، یعنی دانشگاه‌های کشور داشته‌ام، از زمان دانشجویی تا به امروز. وقتی دانشگاه‌های امروز و به ویژه وقتی دانشگاه خودمان را به سی سال و یا حتی با بیست سال گذشته مقایسه می‌کنم، به سختی می‌توانم آن را مکانی آکادمیک تصور کنم. آن زمان‌های دور، هیأت علمی به درستی واژه‌ی «علمی» را یدک می‌کشید ولی اکنون چنین نیستند، عده‌ای سیاسی‌اند، بعضی‌ها تاجرانند و برخی دیگر حتی دست به سرقت علمی هم می‌زنند. دو واژه‌ی «استاد» و «متخلف» کاملاً متضاد یکدیگرند و قاعدتاً نباید در کنار هم قرار بگیرند. شاید تا بیست سال پیش کمتر به عبارت «استاد متخلف» برمی‌خوردیم، اما بعد از آن و به ویژه در ده سال اخیر بارها و بارها اساتید مختلفی داشته‌ایم که نه تنها اجازه دارند به کار خود در دانشگاه ادامه دهند بلکه حتی گاهی سرزنش هم نمی‌شوند. به واسطه تجربه‌هایی که دارم، به تشخیص من، دانشگاه ما پیشتر از هر دانشگاه بزرگ دیگر تن به آیین‌نامه‌های مخرب وزارتی داده که برخی از آن‌ها بعضاً عامل بی‌اخلاقی‌های علمی شده است. از این که وزارت علوم ظرفیت پذیرش دانشجو به ویژه در مقطع تحصیلات تکمیلی را افزایش داد استقبال کردیم و غافل از آن بودیم که خسران آن، یعنی ورود دانشجویان ضعیف‌تر به دانشگاه، بیش از هر دانشگاه دیگری گریبان ما را خواهد گرفت. بیا بیا رتبه‌های قبولی دانشجویان دانشگاه خودمان را با ده سال پیش مقایسه کنیم و ببینیم کدام یک از دانشگاه‌های بزرگ کشور چنین افتی داشته‌اند؟ در پی آن افت شدید آموزش را بنگرید که آن هم اتفاقاً در این ده سال گذشته سرعت بسیاری گرفته است. اینکه بابت این‌ها باید شادی کنیم یا سزاوار است که غمگین باشیم؟ به واسطه‌ی آیین‌نامه‌های نادرست، خودمان را سرگرم مقاله‌های بی‌کیفیت و کم‌مایه کرده‌ایم و آموزش را که رکن اصلی پژوهش واقعی است ویران کرده‌ایم. ما در حالی هر ساله هفته‌ی پژوهش را جشن می‌گیریم و هزینه‌های بی‌موردی را متحمل می‌شویم که باید بیشتر به عزای آموزش از دست رفته بنشینیم. این همه مقاله و طرح‌های تحقیقاتی در دانشگاه چه دردی از جامعه را دوا کرده است؟ ما پژوهش را فقط بزک کرده و به ظاهرش دل خوش کرده‌ایم. کسی که پژوهش واقعی انجام می‌دهد و مثلاً دو سال زحمت می‌کشد تا یک مقاله‌ی ۵۰ صفحه‌ای وزین بنویسد، با آیین‌نامه‌هایی که دانشگاه ما زیر بارشان رفته، زیان می‌بیند. اگر همین مقاله را به ۱۰ مقاله ۵ یا ۶ صفحه‌ای تبدیل کنیم، ده برابر امتیاز و حق التالیف می‌گیریم. وقتی به کیفیت توجه نمی‌شود، بنا به آیین‌نامه‌ها، رسماً و به شکلی قانونی می‌توانیم تخلف کنیم و اخلاق علمی را زیر پا بگذاریم. اگر ادعا کنیم در این ده سال گذشته تعداد زیادی ارتقاء به دانشیاری و استادی داشته‌ایم و بخواهیم آن را به حساب پیشرفت بگذاریم، قطعاً خودمان را فریب داده‌ایم، این حجم ارتقاها، ساخته و پرداخته‌ی دست خودمان است، مشک آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید. در ده سال گذشته در این زمینه رشد سرطانی داشته‌ایم، اگر روزی به آنجا برسیم، و شاید هم رسیده باشیم، که نیمی از اعضای هیأت علمی ما دانشیار و یا استاد باشند، ساده لوحانه است که به آن ببالیم، کدام دانشگاه معتبر دنیا چنین وضعیتی دارد؟ آن قدر به مقاله دل بسته‌ایم که دیگر معلم واقعی



و عاشق پیدا نمی‌شود، می‌توانم ثابت کنم که درصد قابل توجهی از اعضای هیأت علمی دانشگاهها به وظیفه‌ی راستین خود عمل نمی‌کنند. دانش و سواد دانشجوی امروزی تأسفار است و افزون بر آن هیچ انگیزه‌ای در دانشجو دیده نمی‌شود و همچنین تعداد دانشجویانی که به رشته‌ی تحصیلی خود علاقه ندارند نگران کننده است، این‌هاست که باید در سوگ‌شان گریست و من همچنان در شگفتم که برای چه می‌خواهیم شادی کنیم؟

نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:

دکتر مجتبی جعفرپور

استاد بازنشسته گروه فیزیک

«مقاله پژوهشی؛ بایدها و نبایدها»

راه افتادن شورای صنفی و به تبع آن دو تالار گفتگوی کانون صنفی و زنگ تفریح که از دست آوردهای آن بودند، این فرصت میمون را فراهم آورد تا برای اولین بار اعضای هیأت علمی در محیطی غیررسمی و فاخر از بعضی از محذورات اجتماعی، پیرامون مسائل صنفی به گفتگو بپردازند. این فرصت به ویژه بیشتر مورد استقبال همکاران محترم جوان قرار گرفت، چون اجازه می داد تا بعضی از مشکلات و خواسته های خود را که زمینه طرح د رجلسات رسمی را نداشتند و یا شنوده های کمتری را یافته بودند، مطرح سازند. بعضی از دوستان نیز باور داشتند که این فرصت تقریباً غیرمنتظره، می تواند با اظهارنظرهای احساسی، تقابلی و صفر و یک، همراه گردد و بنابراین در مورد ورود پیشکسوتان به این میدان هشدار می دادند. اینجانب علیرغم هشدار دوستان خیرخواه، احساس وظیفه کردم و با آمیختن اظهارنظرهای جدی و طنز وارد این گود شدم، با این باور که در چنین فضائی تقابلها میرا می شوند و منطق در نهایت بر احساس غالب خواهد شد. سیاستگزارم از دوستان متعددی که در هموارسازی این مسیر همراه و کوشا بودند، و موجب شدند تا تقابلها به میرائی کامل خود نزدیک شوند و امکان همفکری و همراهی صمیمانه فراهم آید. یکی از مسائلی که بیش از همه در این مدت مورد بحث قرار گرفت و بعضاً دچار برخوردهای احساسی و صفر و یکی، نیز شد، موضوع کیفیت و کمیت مقاله و ارزیابی آن به منظور دریافت امتیازات وابسته به آن بود. بنابراین با استفاده از این شرایط نسبتاً مطلوب، یک جمع بندی را در ارتباط با مقاله های پژوهشی و ارزشیابی آنها ارائه می دهم. بدون شک این پایان کلام نیست و بازخوردی که از سوی همکارن محترم دریافت می کنم، می تواند در تهیه روایت های بهتری از این نوشتار مفید واقع شود.

الف) مقاله و ارائه پژوهش لازمه ی هر کار علمی و یک ارزش جهانی است.

ب) شیوه پژوهش در رشته های مختلف متفاوت است؛ بنابراین اگر شیوه پژوهش در یک رشته با شیوه پژوهش در رشته دیگر یکسان نیست، دلیل برتری یکی بر دیگری نخواهد بود و زیر پرسش بردن آن از منطق به دور است.

ج) با عنایت به بند (ب) شیوه نگارش مقالات و مخصوصاً تعداد آنها (جدا از عوامل دیگر) به سرشت رشته و گرایشهای هر رشته بستگی دارد.

د) اگر به طور میانگینی مینا بر این باشد که اعضاء هیأت علمی رشته های گوناگون از استعداد یکسان بهره می برند، و تلاش مشابه دارند (جدا از عوامل دیگر)؛ تولید بیشتر مقالات در یک رشته دلیل برتری و یا عقب افتادگی پژوهشگران آن رشته نسبت به پژوهشگران دیگر رشته ها نخواهد بود.

ه) برای بررسی کیفیت مقالات ناچاریم از استانداردهای جهانی استفاده کنیم. کیفیت مقالات در یک رشته را فقط متخصصین آن رشته باید ارزیابی کنند. اصطلاح Peer Review که در

سرلوحه کار همه مجلات جهانی و همچنین مجلات داخلی قرار دارد، گویای این حقیقت است. بررسی همکاران یک رشته است که اعتبار و جایگاه یک مقاله را تعیین می‌کند. بنابراین بعد از طی این فرآیند، این جایگاه باید مورد قبول همه قرار گیرد، مگر اینکه سند و مدرک محکمی عکس آن را ثابت کند.

و) آیا همه ما به اعتبار تحصیل کرده بودن سالم کار می‌کنیم؟ صرف داشتن تحصیلات عالی به معنی اخلاقی بودن نیست. ما تافته جدا بافته جامعه نیستیم؛ در همه اقشار جامعه افراد با درجات اخلاقی متفاوت وجود دارند، ما هم همینطوریم. بنابراین در کار پژوهشی ممکن است روش‌هایی غیر اخلاقی نیز اعمال گردد؛ اما به این معنی نیست که اساس یک ارزش جهانی را به خاطر خطای چند نفر زیر پرسش قرار دهیم. سالهاست که در کمیته اخلاقیات انجمن فیزیک ایران همکاری می‌کنیم؛ براساس تجربه دریافته‌ایم که با این که زنگ خطر به صدا در آمده است، اما شیادی علمی در حدی که گاهی تبلیغ می‌شود گسترده نیست. علاوه بر این، این زنگ خطر به گوش همه رسیده است و بسیاری از انجمن‌های علمی، دانشگاهها، وزارت علوم و حتی نمایندگان محترم مجلس برای مهار آن تلاش می‌کنند. منصفانه نیست که ما خود مشکلی را که ابعاد محدود دارد، بیش از اندازه بزرگ جلوه دهیم.

ز) آیا می‌شود یک نفر چند برابر تعداد میانگین مقالات تولیدی یک رشته، مقاله تولید کند؟ البته می‌شود؛ این موضوع هزاران نمونه در سطح جهانی دارد. در بالا و پائین هر توزیعی همیشه نمونه‌ها وجود دارند. درصد کمی که بیشترین تعداد مقاله را تولید می‌کنند و آنهاییکه تولیدشان اندک است، البته عوامل متعددی دست به دست هم می‌دهند تا پژوهشگری در بالا و یا پائین توزیع قرار گیرد؛ اما در هر حال، اگر مقالات پژوهشگری مسیر درست **Peer Review** را طی کرده باشد، دلیلی بر استیضاح او به دلیل تعداد مقالاتش وجود ندارد. البته نمونه‌هایی داریم که بعضی از پژوهشگران شیاد، بعد از اثبات قطعی تقلب از جایگاه و اعتبار خویش فرو افتاده‌اند؛ اما صدور یک حکم کلی، مبنی بر محکومیت پژوهشگران پرمقاله نادرست است.

ح) آیا با شیوه ارزشیابی مقالات علمی که اینک در سطح ملی و دانشگاهها اعمال می‌شود، حقی از اساتید گروهها و یا گرایش‌هایی که به طور میانگین در سطح ملی، بنا بر سرشت رشته‌شان تولید کمتری دارند، حقی تزییع نمی‌شود؟

حتماً تزییع می‌شود. برای رفع این تبعیض (تا وقتی که آئین نامه‌هایی با در نظر گرفتن دیگر عوامل تأثیرگذار تدوین شود)، می‌توان پس از ارزشیابی به شیوه موجود، به روش زیر از این تزییع جلوگیری کرد: فرض کنید نمره ارزشیابی مقالات سه نفر در سه گروه آموزشی بر اساس روش ارزشیابی فعلی K و میانگین مقالاتی که رشته آنها در سطح ملی تولید می‌کند n ، m و p باشد؛ در این صورت امتیاز بهنجار شده و مورد قبول آنها به شکل زیر است:

$$(k/m)S, (k/n)S, (k/p)S$$

در این رابطه S یک ثابت است که برای همه رشته‌ها در سطح دانشگاه یکسان است. پیاده کردن این الگو ساده است؛ کفایت تعداد هیأت علمی در هر رشته و تعداد مقالات تولیدی یک سال آنها در کل کشور را جمع‌آوری کنیم.

ط) بر عدم برتری یک رشته بر رشته دیگر تأکید گردید؛ آیا نسلی که من هم به آن تعلق

دارم، در مورد اساتید گذشته-مان که به تعلیم و تربیت ما پرداختند و دانشجویانمان که ما به آموزش آنها همت گماردیم، چگونه می‌اندیشیم؟ بعضی از ما چند ده برابر اساتیدمان تولید علمی داشته‌ایم و بعضی از دانشجویانمان در نهایت می‌توانند چند ده برابر ما تولید علمی داشته باشند؛ کدام‌یک از این سه نسل تلاش بیشتری داشتند و یا از توانائی علمی بالاتری برخوردار بودند؟ قضاوت و پاسخ را به عهده خواننده محترم واگذار می‌کنم و این نوشته را با نقل قولی از خودم که سالها پیش در مصاحبه با مجله گاما داشته‌ام به پایان می‌برم.

• نظر شما در مورد فیزیک پیشه‌های نسل‌های پیش و پس از شما چیست؟

من شکاف بین نسلها را ناشی از این می‌بینم که هر نسلی به راحتی نمی‌تواند نسل دیگر را در مختصات مکانی، تاریخی و اجتماعی خودش ارزیابی کند. نسل جدید امکانات و شرایط نسل قبلی را شبیه دوران خودش می‌بیند و آنها را به کم کاری، انحصار طلبی، و شاید تاجر متهم می‌کند، و نسل قبلی به راحتی نمی‌تواند خودش را با تحولات مدرن هماهنگ سازد و نسل جدید را به تندروی، ناسپاسی و سنت شکنی متهم می‌سازد.

شاید با کمی سعه صدر، این فرض را بپذیریم که فیزیکدانان نسل قبل از من، نسل من و نسل بعد از من که ویراستاران محترم مجله گاما و اکثر مصاحبه شده‌گان در این مجله را نیز شامل می‌شود، به طور میانگین، از استعدادهای مشابهی برخوردار بوده‌اند، به یک اندازه وظیفه شناس و مسئولیت‌پذیر بوده‌اند و تلاش مشابهی را برای اعتلای دانش فیزیک به کار برده‌اند. اما این تلاش و کوشش کم و بیش مشابه، وقتی در مختصات زمانی، مکانی، تاریخی و اجتماعی خودش قرار می‌گیرد، به نتایج متفاوتی می‌انجامد که اینک انجامیده است. البته من استثناها را معیار قضاوت قرار نمی‌دهم و مجدداً بر استدلال میانگینی تأکید می‌کنم. بنابراین مقایسه مطلق و کیفیت و کمیت دست آورد نسلها به خودی خود نمی‌تواند مبنای انتقاد و احتمالاً خود بزرگی‌بینی یک نسل قرار گیرد. اگر هر یک از ما بتوانیم خود را در مختصات نسل قبلی و یا بعدی قرار دهیم، در آن صورت از برج عاجمان پائین خواهیم آمد، دچار خود خود بزرگ‌بینی، و حتی خود کوچک بینی غیرمنطقی نمی‌شویم و نسل‌های دیگر را همانطوری که هستند، احترام خواهیم کرد. بنابراین جواب پرسش روشن است: من نکته منفی خاصی بر علیه هیچ یک از دو نسل قبل و بعد از خودم ندارم و باز در یک نگاه میانگینی عمیقاً باور دارم که اگر در مختصات آنها می‌بودم، کم و بیش مانند آنها عمل می‌کردم.

با احترام

مجتبی جعفرپور



نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:

دکتر یداله مهرعلیزاده

استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

«آموزش عالی ایران و دانشگاه شهید چمران اهواز در چنبره گفت‌وگوهای کشور»

آموزش عالی هر کشور نماد و سمبل توسعه و پیشرفت است. آموزش عالی و دانشگاه‌ها در سه حوزه اصلی تربیت و آماده‌سازی نیروی انسانی، پژوهش و تولید دانش و فناوری و ارائه خدمات مشاوره‌ای به جامعه در همه دوره‌ها محرک و پیشران اصلی توسعه بوده‌اند.

آموزش عالی و دانشگاه ایرانی به طور عام و دانشگاه شهید چمران اهواز به طور خاص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با فراز و فرودهای فراوانی روبرو بوده است. به بیانی سیاست‌گذاری‌ها کلان و خرد این نظام در سطح ملی متأثر از فضای حاکم بر تصمیم‌سازی کشور بوده است. لذا برای تشریح وضعیت آموزش عالی بهتر آن است تا آن را در گستره گفت‌وگوهای مسلط بر آن تحلیل نماییم. بررسی تحولات کشور نشان می‌دهد کشور ما بعد از انقلاب اسلامی تاکنون چند دوره اصلی یا گفت‌وگو مسلط را طی کرده است:

۱- دوره تأکید بر ارزش‌ها و ارزش‌گرایی و دولتی شدن همه امور کشور

۲- دوره گفت‌وگو توسعه‌گرایی و سازندگی

۳- دوره گفت‌وگو اصلاحات سیاسی

۴- دوره گفت‌وگو عدالت ورزی

۵- گفت‌وگو تدبیر و اعتدال که به مدت دو سال از آن سپری شده است.

تحلیل این پنج گفت‌وگو حاوی درس‌های مهمی برای کشور و دانشگاه شهید چمران اهواز است. در هر دوره سیاست‌گذاری کلان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه شهید چمران اهواز نیز متأثر شده. این رفتار ناشی از وابستگی مدیران ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه شهید چمران باعث شده تا اصولاً مدیریت دانشگاه‌ها در نزد نخبگان دانشگاهی کشور جایگاه معنوی و علمی خود را از دست بدهد.

۱- دوره تأکید بر ارزش‌ها و ارزش‌گرایی و دولتی شدن و متمرکز شدن همه امور کشور

در این دوره با شکل‌گیری انقلاب فرهنگی دانشگاه‌های کشور به مدت سه سال تعطیل شدند. به دنبال آن به دلیل نیاز مبرم کشور به نیروی انسانی مجدداً دانشگاه‌های بازگشایی شدند و از سال ۱۳۶۲ به پذیرش دانشجو اقدام کردند. مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره تمرکزگرایی شدید بر سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت و هدایت آموزش عالی و دانشگاه‌ها، سهمیه‌بندی آموزش عالی و بازگشایی دانشگاه‌های و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های کشور بوده است. البته سه رسالت اصلی دانشگاه‌های یعنی استقلال سازمانی، هیأت‌علمی و دانشجو و هیأت امنای دانشگاه‌ها به صورت متمرکز درآمدند.

۲- دوره گفت‌وگو توسعه‌گرایی و سازندگی و موج‌گرایی تدریجی به تمرکززدایی در برنامه‌های

اول و دوم توسعه آموزش عالی

در این دوره دو برنامه اول توسعه (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸) و برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴)

طراحی و تدوین و به اجرا درآمدند. تمرکز بر جهت دهی به دانشگاه به سمت برنامه‌ریزی بخش‌های آموزش عالی در برنامه دوم عبارت بودند از: تعمیق معرفت دینی نظام ارزش اسلامی و رشد آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگ، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و استقلال‌طلبی در دانشگاه‌ها.

سیاست‌های اصلی این دوره عبارت بودند از: بازشناسی و بازآفرینی و تدوین منابع فکری و موارث فرهنگی اسلامی، ملی و انقلابی، ارتقاء کمی و کیفی آثار فرهنگی و هنری و علمی متناسب با نیازهای روز دانشجویان، هدایت نهادهای دانشجویی و تشکیل و توسعه کانون‌های علمی، ادبی، فرهنگی و هنری، تقویت فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها با جلب مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی، مسائل مالی و تشکیلاتی و توسعه وظایف و افزایش اختیارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی، افزایش اختیارات برای تأمین کادر علمی با استفاده از روش‌های مختلف از جمله انعقاد قرارداد با مراکز معتبر علمی جهان در سطح دکتری تخصصی و فوق تخصصی، اعطای بورس تحصیلی و همچنین استخدام اعضای هیأت علمی بر اساس ضوابط مصوب، افزایش اختیارات دانشگاه‌ها در انتخاب دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در چارچوب ضوابط تعیین‌شده بر اساس آزمون‌های سراسری، افزایش سهم تحقیقات از درآمد ناخالص ملی، فراهم آوردن امکان سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و افراد خیر در ایجاد و بهره‌برداری از خوابگاه‌های دانشجویی برای استفاده کلیه دانشجویان اصلاح و بهبود نظام ارزیابی کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی تأکید و تسریع در اتمام عملیات بازسازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی واقع در مناطق جنگ‌زده و توجه به جبران عقب‌افتادگی روند رشد و توسعه کالبدی آن‌ها، توزیع عدالت اجتماعی و فرصت‌های آموزش عالی برای مناطق محروم و توسعه همکاری‌های علمی منطقه‌ای و بین‌المللی بود.

۳- دوره گفتمان اصلاحات سیاسی موج تمرکززدایی و توجه به استقلال دانشگاه‌های کشور در این دوره برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) به اجرا گذاشته شد. مواد قانونی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سه بخش (حوزه‌های فرا بخشی، امور بخشی و اجرا و نظارت)، قانونی شدن سنت حسنه وقف در آموزش عالی، پاسخگویی به تقاضا برای ورود به آموزش عالی، پذیرش دانشجو توسط دستگاه‌های اجرایی دارای واحد آموزش عالی، برگزاری دوره‌های شبانه، خاص، کمک به دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی، پیام نور، اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه‌ی ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی (ماده ۱۵۲) کمک دولت به صندوق‌های رفاه دانشجویان برای اعطای تسهیلات رفاهی به دانشجویان (ماده ۱۵۳) اجازه تشکیل شرکت‌های دولتی خدمات علمی، تحقیقاتی و فنی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به‌منظور استفاده از تخصص و توان فنی کادر علمی دانشگاه‌ها (ماده ۱۵۴) و نگاه به مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی

۴- دوره گفتمان عدالت ورزی موج شدید تمرکزگرایی مجدد و بازگشت به سیاست‌های سال‌های اولیه انقلاب از سال‌های ۸۴ تا ۹۲

در دوره‌ای که اصطلاحاً دوره گفتمان عدالت‌ورزی مهرورزی نامیده می‌شود دو برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸ - ۱۳۸۴) و پنجم توسعه (۱۳۹۳-۱۳۸۹) به اجرا درآمد. مهم‌ترین ویژگی برنامه چهارم که در دوره گفتمان مهرورزی طراحی گردید عبارت بود از:

قانون تحت عنوان «توسعه مبتنی بر دانایی» مصوب گردید.

مهم‌ترین ماده قانونی بخش آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه ماده ۴۹ است. در ماده مزبور برای اولین بار موضوع استقلال دانشگاه‌ها و تفویض اختیارات به آن‌ها مورد تصویب قرار گرفت. در ماده یادشده تصریح شده است که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی دولتی و ... تنها بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی و استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیأت‌های امنای مربوط که به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد. همچنین اعتبارات هزینه‌ای از محل بودجه عمومی دولت بر اساس قیمت تمام‌شده به دستگاه‌های اجرایی اختصاص می‌یابد. سهم دولت در هزینه‌های آموزش عالی دولتی بر مبنای هزینه سرانه تعیین و نسبت آن به بودجه عمومی دولت بر اساس رشد پوشش جمعیت دانشجویی در مقایسه با عدد مشابه در برنامه سوم توسعه افزایش می‌یابد.

ارزیابی مستمر از دانشگاه‌ها، ایجاد قطب‌های علمی بر اساس مزیت‌های نسبی، بازنگری در رشته‌های دانشگاهی و تشکیل باشگاه غیردولتی برای صیانت از استعدادهای درخشان کشور از جمله موارد دیگری بوده که ضمن این ماده قانونی به تصویب رسیده است. پاسخگویی به تقاضای ورود به آموزش عالی از طریق تنوع‌بخشی به شیوه‌های ارائه آموزش عالی (دوره‌های شبانه، نوبت دوم، از راه دور، آموزش‌های مجازی، دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های معتبر خارجی و دوره‌های خاص) به‌منظور دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و ارتقای پوشش جمعیت دانشجو به ۳۰ درصد، تأمین اعتبار لازم برای حمایت از دانشجویان دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی، دانشجویانی که امکان پرداخت شهریه را ندارند، ارائه تسهیلات بانکی یا ... برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه‌ی ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی از مواردی است که همانند محتوای مواد قانونی برنامه‌های توسعه قبلی، ضمن ماده ۵۰ آمده است اما تهیه برنامه ویژه برای ارتقای توانمندی دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی کشور در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی و انجام مطالعه و بررسی برای جلوگیری از خروج بی‌رویه سرمایه‌های انسانی، فکری، علمی و فنی کشور از جمله موارد جدیدی بوده که در آن وزارت‌خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دولت موظف به ارائه آن در سال اول برنامه چهارم شده‌اند. مفاد ماده سوم این برنامه شامل مفاد تنفیذ شده از بند «الف» ماده ۱۵۴ (تشکیل شرکت‌های دولتی خدمات علمی، تحقیقاتی و فنی توسط دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور) و بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۴۴ (قابل قبول بودن هزینه‌های انجام‌شده برای توسعه فضاهای آموزشی و پژوهشی به‌عنوان هزینه‌های مالیاتی و معافیت عوارض و مالیات نقل و انتقال اشخاص حقیقی و حقوقی که اموال خود را مانند ساختمان، به دانشگاه‌ها و ... انتقال دهند) است. نکته قابل توجه در مواد قانونی این برنامه مصوب کردن هدف کمی توسعه آموزش عالی در

دوره پنج‌ساله ضمن مواد قانونی است. همان‌طوری که ذکر شد، بر اساس مفاد ماده ۵۰ این برنامه، مقرر است پوشش جمعیت دانشجویی کشور نسبت به جمعیت ۲۴-۱۸ ساله تا پایان برنامه چهارم توسعه به ۳۰ درصد افزایش یابد. برنامه پنجم توسعه ۸۹-۹۳

در حوزه‌ی علم و فناوری بر تحول بنیادین در آموزش عالی به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی، تحقق جنبش نرم‌افزاری و تعمیق مبانی اعتقادی، ارزش‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای و با هدف ارتقای کیفی در حوزه دانش و تربیت اسلامی، وزارت‌خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأکید گردید. در این دوره قرار شد مواد زیر پیگیری گردد: بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی، گسترش کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی، انجام مطالعات میان‌رشته‌ای، توسعه قطب‌های علمی و تولید علم بومی با تأکید بر علوم انسانی با همکاری شورای عالی حوزه علمیه و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، بازنگری آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت‌علمی، ایجاد ظرفیت لازم برای افزایش درصد پذیرفته‌شدگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی، با ارتقاء کیفیت، نسبت به ایجاد راه‌اندازی و تجهیز آزمایشگاه کاربردی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، شهرک‌های دانشگاهی، علمی، تحقیقاتی، شهرک‌های فناوری، مانک‌های علم و فناوری و مراکز رشد از طریق دستگاه‌های اجرائی و شرکت‌های تابعه و وابسته آن‌ها، به‌منظور افزایش سهم تحقیق و پژوهش از تولید ناخالص داخلی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی، سالانه به میزان نیم درصد (۰/۵٪) افزایش یافته و تا پایان برنامه به سه درصد (۳٪) برسد. ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادهای برتر در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور، ایجاد سازوکار لازم برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها، اجلاس‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان و بهره‌گیری از توانمندی‌های دانشمندان و نخبگان ایرانی در جهان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی مناسب در داخل و خارج کشور، تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی (patent) در سطح ملی و بین‌المللی و ایجاد تمهیدات و تسهیلات لازم برای انتشار آثار مفید علمی آنان.

۵- گفت‌مان تدبیر و اعتدال‌گرایی به تمرکززدایی تدریجی و واگذاری امور و استقلال به دانشگاه‌های کشور

که به مدت دو سال از عمر آن سپری شده است که در آن گرایش به تمرکززدایی تدریجی و واگذاری امور و استقلال به دانشگاه‌های کشور در حال ظهور است.

جمع‌بندی:

در تحلیل عملکرد آموزش عالی و دانشگاه‌های بعد از انقلاب اسلامی می‌توان به چهار موج تصمیم‌سازی در کشور و آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور اشاره شد:

- موج تأکید بر ارزش‌ها با رویکرد تمرکزگرایی شدید در همه حوزه‌ها و به‌ویژه سلب اختیار از بسیاری از اختیارات دانشگاه و ایجاد یک‌نهاد متمرکز در وزارت آموزش عالی
- موج گرایش تدریجی به تمرکززدایی در برنامه‌های اول و دوم توسعه آموزش عالی

- موج تمرکززدایی و توجه به استقلال دانشگاه‌های کشور
 - موج شدید تمرکزگرایی از سال‌های ۸۴ تا ۹۱
 - موج گرایش به تمرکززدایی تدریجی و واگذاری امور و استقلال به دانشگاه‌های کشور
- در حال حاضر علیرغم پیشرفت‌هایی در بخش‌هایی از دانشگاه‌های اما نظام آموزش عالی ایران با چند چالش اساسی روبروست:
- ناهماهنگی و ناهم‌سویی بین رویکردهای بازیگران توسعه آموزش عالی ایران در شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت، گروه آموزش عالی مجلس و وزارتخانه‌های آموزش عالی موجب آشفتگی هماهنگی، توازن و تعادل میان مراکز آموزشی و پژوهشی، هماهنگی در طراحی اهداف سیاست‌ها و برنامه‌های کلان بخش آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی کشور شده است.
 - ناهماهنگی در مراجع تصمیم‌گیری به‌منظور ایجاد هماهنگی در مراجع تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر فعالیت آموزش و پژوهشی موجب توسعه ناموزون کمی و کیفی آموزش عالی و دانشگاه‌ها شده است.
 - تغییر رویکردهای متعدد از تمرکزگرایی به عدم تمرکز و بالعکس موجب نابسامانی در آینده‌نگری نسبت به این نهاد مهم علمی و عدم تخصیص منابع کافی و سرمایه‌گذاری جاری و عمرانی آموزشی و پژوهشی و افزایش سهم اعتبارات بخشی از تولید ناخالص ملی و بودجه عمومی دولت.
 - سردرگمی حدود و اختیارات میان تصمیمات هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و عدم تمرکز در اجرا موجب عدم تعادل در مدیریت هدفمند دانشگاه‌های و ظهور مسائل و مشکلات ساختاری مزمن شده که از سال‌های قبل به تدریج وسیع‌تر و عمیق‌تر شده‌اند.
 - جهت‌گیری‌های متعدد در استراتژی‌های کلان آموزش عالی موجب تضعیف قوانین مرتبط با ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها و اساتید کشور شده است. جهت‌گیری وزارت علوم و دانشگاه‌ها به سمت بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها اهمیت زیادی برای هویت بخشی به مراکز علمی دارد. زیرا در سایه این تعامل با دنیا پیشرفته است که ما می‌توانیم شاهد توسعه علم و فناوری، کیفیت رساله‌ها، مقالات و تولیدات علمی باشیم.
 - مشکلات مزمن فوق موجب کاهش توجه به قوانین حمایت‌کننده از پژوهش‌های بنیادین علوم پایه و علوم انسانی شده است. علیرغم سندها و فعالیت‌های خوبی که تاکنون شده است اما هنوز رتبه پایینی در تبدیل ایده به فناوری و تجاری‌سازی علم در منطقه و دنیا داریم. در کاربردی کردن علوم پایه و انسانی چندی مشکل وجود دارد: جهت‌گیری سندها و آیین‌نامه‌ای وزارت به سمت رشته‌های خاصی از مهندسی است درحالی‌که حوزه وسیع علوم پایه و پژوهش‌های بنیادین علوم پایه و انسانی مغفول مانده است. تاریخچه قوانین در حوزه علمی و آموزش عالی کشور در سال ۱۳۴۶ قانون تأسیس وزارت علوم به تصویب مجلس وقت رسید اما در این قانون به‌طور صریح درباره ترویج علوم بنیادی و پایه حرفی به میان نیامد. با توجه به قریب ۱۰۰ سال قانون‌گذاری در کشور تازه نفقه علمی ظاهر شده است که آن‌هم مشکلات خاص خود را دارد زیرا

با استراتژی‌های توسعه صنعتی کشور هماهنگ تدوین نشده است و در یک فضای منزوی شده این سند تدوین شده است.

- مشکلات ساختاری گذشته و فقدان یک پارادایم قابل قبول در سطح ملی و توافق بازیگران سیاست‌گذاری کشور باعث شده با تصویب قوانین و مقررات مختلف آموزش عالی و دانشگاه را از ماهیت خود تهی کردند. در حقوق اصلی وجود دارد به نام رابطه بین مسئولیت و پاسخگویی - بین این دو باید رابطه مستقیمی وجود داشته باشد در حالی که در حال حاضر افراد و یا نهادهایی در آموزش عالی و دانشگاه‌ها حضور دارند که مسئولیت دارند اما خود را پاسخگو نمی‌دانند. باید تلاش شود جایگاه گروه آموزشی، هیئت ممیزه، شورای دانشگاه و هیأت‌امنا دانشگاه را به جایگاه مطلوب خود برسانیم. در حوزه جذب هیأت‌علمی، گزینش، جذب دانشجو، برنامه درسی، امور فرهنگی، خوابگاه‌ها و امور رفاهی دانشجویان، کارکنان و اساتید مورد بازنگری قرار گیرد و اهتمام ویژه برای رفع مشکلاتی صورت گیرد که به دلیل فقدان مدیریت واحد در دانشگاه‌ها به وجود آمده است.

دانشگاه شهید چمران نیز به عنوان یکی از دانشگاه‌های قدیمی ایران زمین و با قدمت شصت سال در دوران معاصر متأثر از جریان‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. لذا در ایام برگزاری مراسم شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه مجدداً تاریخ کهن‌سال این دانشگاه مورد واکاوی اهل علم و دوست‌داران دانایی قرار گرفته شود.

نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:
 دکتر سید مرتضی افقه
 عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
 «آیا تولید و پیشرفت کشور به علم و دانش متکی است؟»

پیشرفت و رفاه جوامع در ادوار گذشته عمدتاً متکی به وجود منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی بود اما بعد از قرون وسطی و تحولات فکری فرهنگی ناشی از آن، به تدریج منابع طبیعی و عوامل غیرانسانی نقش ثانوی یافتند و در مقابل نقش انسان و قوه‌ی فکری او پررنگ‌تر شد. هر چه به امروز نزدیک‌تر شده‌ایم نقش انسان و عقل و خرد خلاقیت او در فرایند رشد و رفاه جوامع پیشتاز و پیشرفته‌ی امروزی بیش‌تر و پررنگ‌تر شد به طوری که امروزه انسان نقش اصلی و محوری را در فرایند رشد و رفاه این جوامع ایفا می‌کند. حال اگر براساس ادبیات علمی امروز، توسعه را این‌گونه تعریف کنیم که: «فرایندی است که از طریق تسلط انسان بر طبیعت و محیط پیرامون دامنه انتخاب انسان را افزایش می‌دهد (آزادی انتخاب او گسترده می‌شود) و با افزایش دامنه‌ی انتخاب، برخورداری و رفاه در جامعه افزایش می‌یابد»، در این صورت تنها ابزار این تسلط، عقل و خرد انسان است که از طریق افزایش علم و دانش به شناخت و تسلط بر طبیعت نائل می‌آید.

در واقع، تحولات نوین در جوامع از زمانی رخ داد که بشر به توانائی قوه‌ی عقل بر فائق آمدن بر مشکلات و رفع نیازهای مادی و غیرمادی خود پی برد و از آن زمان تا کنون، فکر و اندیشه‌ی انسان موتور رشد و رفاه اقتصادی قرار گرفت. در سده‌های گذشته اما رشد و پیشرفت جوامع توسعه یافته به ظهور انسان‌های خاص و برجسته متکی شد تا از طریق ابداع و اختراع، زمینه‌های رشد و پیشرفت بیشتر را فراهم کنند. در واقع، رشد اقتصادی همان‌گونه که برخی متفکرین بیان داشته‌اند حرکتی یکنواخت نداشته و تحولات همیشه منوط بود به ظهور انسان‌های خاص از جمله مخترعین، مکشفین و یا به قول شومپیتر آنتروپورها (که به غلط کارآفرین ترجمه شده). با این وصف، دانشمندان علوم انسانی، بیش از متفکرین سایر حوزه‌های علمی در تحولات کنونی نقش داشته‌اند. به عبارت دیگر، تحولاتی که در حوزه‌های فلسفه و به تبع آن در سایر حوزه‌های علوم انسانی رخ داد موجب تغییر نگرش نسبت به انسان، به جهان مادی و به جایگاه انسان در این جهان گردید. این تجدید نظر نسبت به انسان و حیات مادی، زمینه را نه تنها برای رشد گسترش مطالعات در حوزه‌های علوم طبیعی را فراهم نمود بلکه بستری فراهم نمود تا از یافته‌های پیشین این علوم در زندگی مادی و افزایش رفاه فراهم استفاده نمایند.

با این وصف، پیشرفت‌های علمی در قرون گذشته در مقایسه با چند دهه‌ی پیش به کندی انجام می‌شد چون این پیشرفت‌ها نظام‌مند نشده بود و وابسته به حاصل کار و اندیشه‌ی تک انسان‌هایی با ویژگی و استعداد‌های خاص بود که هر از گاهی ظهور می‌کردند و بشر را از حاصل کار و اندیشه‌ی خود منتفع می‌کردند. اما هر چه به امروز نزدیک‌تر شده‌ایم نظام فکر و اندیشه با تأسیس و گسترش دانشگاه‌ها منسجم‌تر و هدف‌دارتر شده است. گسترش دانشگاه‌ها باعث شد تا اندیشمندان حوزه‌های علمی هدف‌دارتر و منسجم‌تر به فعالیت‌های علمی بپردازند. به علاوه، و البته مهم‌تر، به جای نشستن به انتظار ظهور انسان‌های خاص و ویژه تا تصادفاً اختراع

و ابداعی صورت گیرد، خرده فکر و اندیشه‌های افراد عادی‌تر نیز به کار گرفته شدند تا از همه‌ی ظرفیت‌های فکری و استعدادی انسان‌ها برای پیشرفت علم بهره ببرند. به همین دلیل دهه‌های اخیر دیگر نامی از افراد خاص و برجسته‌ای همچون ادیسون و نیوتن و لاوزیه و ... آن گونه که در تاریخ علم وجود دارد، شنیده نمی‌شود. آن چه امروز به شتاب خیره‌کننده‌ی علم و دانش و به تبع آن رفاه و برخورداری جوامع منجر شده حاصل عملکرد دانشگاه‌های عمدتاً کشورهای پیشرفته است که از همه‌ی خرده فکرها و اندیشه‌ها تحت هدایت و رهنمائی افراد برجسته در جهت رشد و رفاه استفاده می‌نمایند. حاصل آن که، رشد و رفاه امروزین جوامع حاصل یک و تنها یک محرک به نام انسان است که هیچ بدیلی برای آن در فرایند رشد و پیشرفت جوامع وجود ندارد. در واقع منابع طبیعی به خودی خود نه ثروت‌اند و نه امتیاز برای یک جامعه. منابع طبیعی وقتی می‌توانند ثروت تلقی شوند که انسان‌ها با عقل و اندیشه‌ی خود در آن‌ها دخل و تصرف کنند. بی‌جهت نیست که کشورهای پیشرفته‌ی کنونی، پیش از آنکه به دنبال تسلط بر منابع جوامع دیگر باشند به فکر شکار و جذب انسان‌ها و افراد با استعدادهای خاص هستند. در واقع، جوامع پیشرفته که سال‌هاست به نقش عقل و اندیشه در افزایش رشد و رفاه خود پی برده‌اند به انحاء مختلف در پی جذب انسان‌های با استعداد از سراسر جهان از جمله از کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه هستند تا از طریق به کارگیری هوش و استعداد و تجربه‌ی آن‌ها به رشد تولید و رفاه خود شتاب بیشتری بدهند. در نقطه‌ی مقابل اما کشورهای در حال توسعه با کج فکری و کوتاه‌بینی، زمینه‌ی دفع انسان‌های مستعد و باهوش و متخصص خود را فراهم نموده به روند مهاجرت نخبگان به کشورهای پیشرفته را فراهم می‌نمایند. به عبارت دیگر، کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه، خواسته یا ناخواسته، زمینه دفع و رانش ثروت‌های واقعی خود (انسان‌ها) به کشورهای پیشرفته را فراهم نموده و از این طریق به رشد و رفاه این کشورها و تعمیق عقب‌ماندگی خود کمک می‌کنند تا به تداوم تسلط این جوامع بر خود کمک نمایند.

در این سوی عالم اما در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، سیستم نوین آموزشی از کشورهای پیشرفته وارد شد و هم‌چون بسیاری از محصولات وارداتی این جوامع به دلیل ناسازگاری ساختاری معمولاً از همه‌ی قابلیت‌های آن‌ها استفاده نمی‌شود، سیستم آموزشی هم در بسیاری موارد متناسب با نیاز واقعی این جوامع نیست و در نتیجه استفاده از آن با مشکل و اتلاف منابع و سرمایه‌های کشور همراه شده است. در ایران که خود پیشینه‌ای بسیار کهن‌تر از کشورهای پیشرفته در بهره‌مندی از دانشگاه‌ها را داشته، به دلیل وجود منابع طبیعی، وضعیت متفاوتی نسبت به بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ی وجود دارد. کشف منابع عظیم نفت و گاز در حدود ۱۰۸ سال پیش باعث شد تا درآمدهای آن در همه اجزاء و ساختارهای جامعه رسوخ کند و هر چه به امروز نزدیک‌تر شده‌ایم سهم نفت در زندگی مردم به طور مستقیم و غیرمستقیم بیشتر و بیشتر گردیده است. در اوائل دهه پنجاه شمسی با افزایش شش برابری قیمت و درآمدهای نفتی، این منبع طبیعی نقش خود را در اقتصاد و سایر اجزاء جامعه گسترش داد و تثبیت کرد به طوری که نفت و درآمدهای آن منشأ و محرک رشد و رفاه اقتصادی-اجتماعی در کشور گردید. در واقع برخلاف کشورهای توسعه یافته که انسان و فکر و اندیشه‌ی او منشأ و محرک پیشرفت کشور گردد، نفت این وظیفه را به عهده گرفت. با وجود نفت، دیگر نیازی به

نقش آفرینی دانشگاه‌ها برای پرورش انسان‌های مولد و محرک رشد و رفاه نبود و تا زمانی که درآمدهای نفتی وجود داشتند کالاها که حاصل فکر و اندیشه‌ی کشورهای پیشرفته بود خریداری و وارد می‌شد. متأسفانه برخلاف شعارها و منویات دوره‌ی انقلاب، بعد از انقلاب این وضعیت بهبود نیافت و بعضاً تشدید گردید. علیرغم درک مشکلات و زبان‌های ناشی از وابستگی به درآمدهای نفتی تلاشی جدی و فراتر از تکرار شعارها برای کاهش این وابستگی صورت نگرفت و یا با کج فهمی مسئله برای رفع این وابستگی مسیر به خطا پیموده شد و می‌شود. این وابستگی باعث شده که فراموش کنیم و یا از همان ابتدا متوجه نشویم که نفت به خودی خود ثروت نیست بلکه انسان و عقل و اندیشه‌ی او ثروت است. سال‌هاست که ایران و چند کشور نفت‌خیز دیگر را کشورهای ثروتمند نفتی خطاب می‌کنند و همین لقب اغواکننده باعث خطای ما شده است به طوری که از ثروت اصلی و بی‌بدیل خود یعنی بر خورداری از جمعیتی جوان و مملو از عشق و علاقه و انگیزه غفلت کردیم. نیروی انسانی مستعد خود را با بی‌تدبیری به انزوا راندیم و یا زمینه‌ی مهاجرت‌شان را فراهم کردیم. تصور غلط ما از ثروت، باعث شده که شبانه‌روز و حریصانه به دنبال کشف یا گسترش منابع جدید نفت و گاز باشیم و چشم به روی انزوا یا مهاجرت انبوه نیروهای مستعد خود به کشورهای پیشرفته ببندیم. و طبیعی است که تا زمانی که با کج‌فهمی به جای نیروهای انسانی نفت و سایر منابع طبیعی ثروت تلقی شوند همین وضعیت تداوم خواهد یافت. غفلت از نقش نیروی انسانی در فرایند رشد و پیشرفت و در مقابل حساسیت در مقابل منابع طبیعی به حدی است که امروز اگر یک چاه نفت دچار آتش‌سوزی گردد تمام امکانات لجستیک و انسانی خود را بسیج می‌کنیم تا آن را مهار کنیم اما در مقابل آمار رسمی و متواتر مبنی بر مهاجرت سالانه‌ی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفری نخبگان کشور که با هزینه‌های گزاف پرورش یافته و نخبه شده‌اند، آب از آب تکان نمی‌خورد.

در چنین فضایی که نیروی انسانی موتور رشد و پیشرفت کشور تلقی نمی‌شود و نقش چندانی در افزایش تولید ملی ندارد، دانشگاه به کالائی لوکس و زینتی تبدیل می‌شود و مدرک دانشگاهی به ابزاری برای کسب پرستیژ اجتماعی می‌شود یا پیش‌نیاز کسب مدیریت‌ها و رانت‌های سیاسی و غیرسیاسی می‌شود، یا وسیله‌ای برای تفاخر و چشم و هم‌چشمی‌های سخیفانه می‌شود. لازم به توضیح است که وجود و گسترش دانشگاه‌ها در کشور منشأ تحولات مثبت فراوانی بوده‌اند اما به دلایل پیش‌گفته این نقش به حداقل خود تقلیل یافته یا به دلیل جذب جوانان مستعد و افراد نخبه، در غیاب بازیگری در نقش اصلی که کمک به افزایش تولید و رفاه جامعه است، به ایفای نقش فرعی که حضور در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است می‌پردازد. به همین دلیل شاید بتوان ادعا نمود که امروز وجود انبوه دانشگاه‌ها در کشور، بیش از آن‌که به تولید ملی کشور کمک کنند به مصرف‌کننده‌ی تولید ملی متکی به فروش نفت تبدیل شده‌اند. نتیجه آن‌که، سال‌هاست کسب مدارج و مدارک دانشگاهی در بسیاری موارد جایگزین کسب علم و دانش مولد شده است. امروز بیماری «تیتتر» به شدت در جامعه شایع شده به گونه‌ای که حتی کسانی که مدارک دانشگاهی (نه علم دانشگاه) هیچ تأثیری در درآمد و جایگاه اجتماعی آن‌ها ندارد (مثلاً خود صاحب کسب و کاری موفق است) به هر وسیله و از هر راهی در پی کسب مدرکی است تا با عنوان مهندس و دکتر و اخیراً پروفسور خطاب شوند و این‌گونه بیماری «تیتترشان» شفا یابد.

همین وضعیت باعث شده خرید و فروش مدارک علمی از سطوح متوسطه تا دانشگاه به کسب و کاری سودآور و پر رونق تبدیل شود. کافی است از خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران عبور کنید و انبوه اطلاعیه‌های خرید و فروش مدارک دانشگاهی آن هم در جلوی چشمان همه‌ی مسئولان ذیربط را به طور عریان و فارغ از هر ترس و واژه‌های ملاحظه کنید. و مضحک‌تر آن که در این خیابان‌ها کسانی مشغول جازدن برای فروش مدارک و مقاله‌های علمی و آی‌اس‌آی هستند که عمدتاً تحصیلاتی به سختی در حد ابتدائی دارند. و گریه‌آورتر اما، عادی شدن این وضعیت است. یعنی سرعت علمی و این دزدی حاصل فکر و اندیشه‌ی دیگران نه تنها امری عادی شده بلکه به یک کسب و کار پرسود نیز تبدیل شده است. و وای بر احوال جامعه‌ای که غیرعادی‌ها در آن عادی شده باشند.

در مقیاس استانی اما، دانشگاه شهید چمران یا جندی‌شاپور در حال برگزاری جشن شصت سالگی خود است. این دانشگاه که شصت سال پیش در منطقه‌ای تأسیس شد که خود افتخار داشت قدیمی‌ترین دانشگاه در بین کشورهای اطراف را داشته و به کشورهای اطراف نیز خدمات علمی ارائه کرده است. این دانشگاه که با حمایت و توجه خاص مسئولین وقت تأسیس شد خیلی زود به یکی از قطب‌های علمی کشور تبدیل شد. با توجه به شرایط آب و هوایی و فقدان جاذبه‌های رقابتی، مسئولین ذیربط امتیازات انحصاری برای جذب اساتید ارائه می‌کردند. همین امر باعث شد که بهترین اساتید از مناطق مختلف کشور جذب این دانشگاه شوند و خدمات علمی خود را به منطقه به خصوص در بخش کشاورزی و آب ارائه نمایند. این وضعیت تا زمان جنگ ادامه داشت اما شروع و تداوم طولانی مدت جنگ باعث شد که به این دانشگاه خسارات و لطمه‌های جدی وارد شود. اکنون ۲۶ سال پس از اتمام جنگ به دلایل مختلف این دانشگاه هنوز نتوانسته است به جایگاه پیشین خود باز گردد. عوامل متعددی باعث شد تا زبان‌های کمی و به خصوص کیفی وارد شده به دانشگاه هرگز ترمیم نشود: اولین مورد عاملی عمومی است که باعث شده کل استان به وضعیت پیش از جنگ باز نگردد و آن وجود مدیران عمدتاً ضعیف و فاقد قابلیت‌های لازم در همه‌ی سطوح، تغییر نگرش مرکز به استان، و شاید از همه مهمتر نگرش محدود، بسته و در بسیاری موارد تنگ‌نظرانه‌ی اکثریت نخبگان استان، از جمله‌ی عواملی هستند که مانع بازگشت استان خوزستان به دوره رونق خود شدند و دانشگاه شهید چمران نیز از این عوامل مصون نماند. از طرف دیگر، سال‌هاست که دانشگاه شهید چمران با بی‌تدبیری تمام مورد بی‌مهری‌های متعدد و شدید قرار گرفته است. از آنجا که خوزستان در بین چند استان محروم قرار دارد، بیشتر پذیرش‌ها به دلیل وجود سهمیه مناطق محروم که به دلیل بی‌مهری عمومی پایه‌ی علمی ضعیفی دارند، از این مناطق صورت می‌گیرد. این امر باعث شده تا سطح علمی دانشگاه در مقایسه با دوره‌های پیش به شدت افت کند. این وضعیت دانشگاه را در یک دور باطل گرفتار کرده: ضعف دانشجویان جذب شده باعث کاهش کیفیت دانشگاه شده و پائین آمدن کیفیت باعث شده تا دانشجویان مستعدتر و آماده‌تر این دانشگاه را در اولویت انتخاب‌های اولیه‌ی خود قرار ندهند و به ناچار عمدتاً دانشجویان ضعیف و با رتبه‌های پائین جذب دانشگاه چمران شوند. این وضعیت در رشته‌های علوم انسانی به مراتب بارزتر و مشهودتر است. کیفیت پائین دانشگاه به وزارت علوم بهانه می‌دهد که در مقایسه با دانشگاه‌ها به اصطلاح معتبرتر بودجه و امکانات کمتری بدهند. این نکته قابل ذکر

است که علیرغم خروج و مهاجرت بسیاری از اساتید صاحب دانش پس از انقلاب و جنگ، تعداد قابل توجهی از اساتید بومی و غیربومی صاحب‌نام و شناخته شده در کشور در دانشگاه ماندند و با عشق و علاقه‌ای که به پیشرفت استان داشتند و علیرغم بی‌مهری‌های گاه و بیگاه، به پرورش دانشجویان این دانشگاه همت گماردند. با این وصف و به همان دلایل پیش گفته، تعدادی از فارغ التحصیلان که فاقد توانائی‌های لازم و در حد دانشگاه قدیمی و صاحب رتبه‌ی شهید چمران (یا جندی شاپور) نبودند طی یکی دو دهه‌ی گذشته جذب دانشگاه شده و البته به کاهش کیفیت آن کمک کرده‌اند.

عامل مهم دیگری که به کاهش کیفیت این دانشگاه کمک کرده بی‌اعتنائی واحدهای بزرگ و ملی مستقر در استان‌اند. این واحدهای اقتصادی که عمدتاً سهم قابل توجهی در تولید ملی کشور دارند نه تنها نسبت به دانشگاه شهید چمران بی‌اعتنا هستند بلکه نسبت به سایر دستگاه‌های دولتی و خصوصی استان نیز بی‌توجه‌اند و خود را فراتر از توان دستگاه‌های بومی استان برای برقراری ارتباط می‌پندارند و در نتیجه بسان جزایری مجزا در استان فعالیت می‌کنند. این در حالی است که زبان‌های ناشی از فعالیت این واحدها در استان رسوب کرده و به ساکنین آسیب می‌رساند ولی منافع آن‌ها عمدتاً به خارج از استان و به مرکز منتقل شده‌اند. این واحدهای بزرگ و ملی که می‌توانستند از طریق ارتباط متقابل با قطب علمی استان یعنی دانشگاه شهید چمران هم به تقویت کمی و کیفی این دانشگاه کمک کنند و هم نیازهای علمی-تحقیقی خود را به کمک دانشگاه مرتفع کنند به دلیل برخورداری‌های انبوه مالی و سرمایه‌ای، خود را مستغنی از این دانشگاه دانسته و نیازهای علمی و فنی خود را با اتکاء به درآمدهای نفتی یا از خارج وارد کرده‌اند و یا از طریق واحدهای دانشگاهی و تحقیقی خود تأمین کنند و مابقی نیازهای خود را نیز از دانشگاه‌های به اصطلاح معتبر پایتخت تأمین کرده‌اند. این دهن کجی و بی‌اعتنائی آشکار باعث شده که دانشگاه اهواز هم‌چون سایر واحدهای مستقر در استان از مزایای این فعالیت‌ها هیچ یا کمترین بهره را ببرد در حالی که از زبان‌های ناشی از فعالیت‌شان (آلودگی‌های زیست محیطی در بخش‌های آب، هوا، خاک و ...، ازدحام و ترافیک ناشی از گستردگی فعالیت‌ها، تورم ناشی از ورود انبوه سرمایه به بازارهای محدود استان، و ...) آسیب ببینند.

در مجموع می‌توان گفت که مجموعه‌ی آموزش عالی در کشور، علیرغم وجود انبوه نیروهای انسانی فوق‌العاده و برجسته در داخل و خارج کشور، نقش قابل توجهی در رشد و پیشرفت اقتصادی کشور ایفاء نمی‌کنند. لذا، به جای اینکه از طریق پرورش انسان‌های متفکر، دانشمند و متخصص و خلاق، مولد ثروت و تولید در کشور باشند خود مصرف‌کننده درآمدهای ناشی از فروش نفت شده‌اند. دلیل آن است که سیستم مدیریت کشور به گونه‌ای بوده که رشد و پیشرفت در همه‌ی ابعاد را به درآمدهای نفتی گره زده، درست برخلاف کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که منشأ و عامل پیشرفت‌ها و تحولاتشان در همه‌ی ابعاد به انسان و عقل و خرد و دانش او وابسته و متکی است.

نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:

دکتر بهروز زرگر

عضو هیئت علمی دانشکده علوم

سال ۱۳۷۲ از دانشگاه صنعتی اصفهان وارد دانشگاه اهواز شدم. با سابقه‌ای که از روابط بین استاد و دانشجو در دانشگاه صنعتی داشتم و پس از دیدن برخوردهای دوستانه و خالی از غرور و کبر اساتید دانشگاه شهید چمران، شوکه شده بودم. هضم این رفتارهای دوستانه برایم کمی سخت بود و مدت زمانی طول کشید تا به آن عادت کردم.

شکرگزار پروردگار هستم که اساتید من، به من آموختند تلاش و همت و احترام به دانشجو و رعایت حرمت پیش‌کسوت را. به من آموختند که زیاده‌خواه نباشم، اما همیشه برای بهتر بودن تلاش کنم. آموختند که هر تحقیق و پژوهشی جایگاه خاص خود را دارد. اینکه براساس زحماتی که می‌کشیم، تحقیقات و پژوهش‌هایی که انجام می‌دهیم، مقاله می‌نویسیم. آموختند که مقالات برای چاپ داوری می‌شوند، توسط افرادی متخصص در این زمینه. آموختند که هر مقاله‌ای را در هر نشریه‌ای نمی‌توان چاپ کرد و باید کار انجام شده و مقاله در قد و قواره نشریه باشد تا امکان چاپ پیدا کند. گفتند که ضریب تاثیری برای نشریات وجود دارد که مهم است و به‌عنوان شاخصی برای خوب بودن نشریه و به طبع آن، مقالاتی که در آن نشریه چاپ می‌شوند به‌کار می‌رود. یاد دادند که با امکانات اندک نیز می‌توان تحقیق و پژوهش کرد.

در تعجبم از همکاری که ارزش تحقیقات، تلاش‌ها و مقاله‌های دوستان خود را زیر سوال می‌برند. به برخی، فقط برخی از کارها (در زمینه شیمی تجزیه) اشاره می‌کنم: کوپل کردن دستگاه‌های ولتامتری و کولومتری، انجام استخراج نقطه ابری، استفاده از نانوذرات آهن اکسید جهت اندازه‌گیری و حذف گونه‌های شیمیایی و تصفیه آب، استفاده از نانوذرات برای حذف آنتی‌بیوتیک‌ها، اندازه‌گیری ویتامین ب۳، ارائه روش‌های استفاده از نانوذرات برای تهیه شناساگرهای کاغذی، استفاده از رزونانس پلاسمون نانوذرات طلا، مس و نقره برای اندازه‌گیری سموم و داروها و ... کار کم اثر به چه معنی است؟ چه کسی میزان اثر را مشخص می‌کند؟ اگر کاری بدیع و تاثیرگذار نباشد در نشریات معتبر چاپ نخواهد شد. هر کدام از تحقیقاتی که در بالا اشاره شد منشاء ده‌ها کار و تحقیق داخلی و خارجی قرار گرفته است. سپاسگزار پروردگار هستم جهت قرار گرفتن در جمعی از اساتید نیک کردار. افتخار باید کرد به بودن در جمع چنین پژوهشگرانی. همکاری که به دلیل کمبودها و رعایت کیفیت با وجود خالی بودن ظرفیت استاد، در سال تنها یک دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گیرند و یک سال در میان دانشجوی دکترا. اگر کسی تقلب می‌کند، به فکر یافتن و جلوگیری از خطای او باشیم و نه در پی خراب کردن دست‌مایه و حاصل زحمت محققین درست‌کار.

مواد، دستگاه، هزینه تعمیر و سرویس، تعمیر اتاق و هزینه‌های شرکت دانشجویان در کنفرانس‌ها و پایان‌نامه دانشجویان و هزینه‌های انجام آزمون‌های تعیین ساختار مانند انجام میکروسکوپ الکترونی، تعیین اندازه ذرات، سطح موثر و ... هر جا اسم هزینه کردن می‌شود، می‌گویند «از گرت». دستگاه اسپکتروفلوریمتر حداقل ۱۱۰ میلیون تومان بیش از ۲۰ سال است که من خبر دارم نیاز داریم. لامپ ماوراء بنفش دستگاه اسپکتروفلوریمتر بیش از سه میلیون

تومان، هر بار آمدن تعمیرکار حداقل یک و نیم میلیون تومان. کسی جرات ندارد به فکر خرید GCMass و یا LCMAss و ... باشد. اتاق‌های اساتید انبار مواد شده است. کسی به فکر است؟ ساختمان‌ها فرسوده و خراب هستند. هر زمستان از یک جای سقف آب چکه می‌کند. تابستان‌ها را کاملاً تعطیل می‌کنیم و بعد باید جبران خرابی‌های ناشی از گرما، موش، موربانه و آتش‌سوزی را انجام دهیم، به غیر از زمانی که برای تحقیق از دست می‌دهیم. تا چه تاریخی قرار است در راهروهای گروه‌های آموزشی امتحانات را برگزار کنیم؟ برای کسی فرق می‌کند؟ استاد دانشگاه بعد از چهل و چند سال، بعد از سی سال باز نشسته می‌شود و هنوز یک آزمایشگاه تحقیقاتی اختصاصی ندارد. برای کسی مهم است؟ درد اینجاست نه تعداد مقاله‌هایی که هر چه هستند کم یا زیاد به نیکی نوشته شده‌اند. درد، بی‌حرمتی تعداد قلیلی از همکاران به پیشکسوتان خود است. درد، زیاده خواهی است. بعد از گذشت شصت سال از تاسیس دانشگاه هنوز روند مشخصی برای نگهداری، طریقه استفاده مناسب و بهینه و تعمیرات دستگاه‌ها نداریم یا من بی‌اطلاع هستم. لیست تمامی تجهیزات دانشگاه که با زحمت فراوان در حال آماده سازی بود (سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) نیمه کاره رها شد (بدلیل عدم همکاری برخی دانشکده‌ها و گروه‌ها). ایمنی کار و تحقیق به فراموشی سپرده شده. استاد دانشگاه درگیر روندهای وقت‌گیر نامناسب می‌شود و باید «صرفاً سه روز در هفته، چرا؟» برای تحویل مدارک به بیمه تکمیلی «به شکلی نامناسب» به سازمان مرکزی مراجعه کند و این روند چند بار تکرار شود خدا می‌داند و بس (نمیشود یک بار مدارک مورد نیاز را به همه اطلاع داد که ده بار باعث رفت و آمد نشود؟). مراحل سفارش تهیه پیش فاکتور و فاکتور، پیگیری ارسال و دریافت مواد و لوازم و تجهیزات جمع‌آوری و تهیه فرم‌های گزنت و... همگی با استاد است. چقدر زمان از اعضای هیأت علمی به این منظور صرف می‌شود؟ برای انجام پژوهش‌های عمیق‌تر نیاز به امکانات، زمان و تغییر در شرایطی را داریم که محدود کننده انجام پروژه‌های بزرگ، احتمالاً زمان‌بر و با ریسک اجرای بالا هستند.

با تمام مشکلاتی که بیان شد، می‌شود و یا حتی گفته نمی‌شود، بودن در این دانشگاه (شهید چمران اهواز) و در جمع اساتید بزرگوار آن برای بنده افتخاری بزرگ است.

نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:

دکتر حمید ماجانی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

سالگرد فرصتی است برای دیدن گذشته و امروز، تامل در آن و مجالی است برای اندیشیدن به آینده‌ای روشن‌تر و بهتر. اساسا رشد خود به خودی امری لابد و کیهانی است که موجبات خرسندی ندارد. رشد و حرکت دانشگاه باید تحت برنامه و هدف‌گذاری شده باشد. امروز باید به مجموعه دانشگاه شهید چمران اهواز نگاه کنیم و تامل کنیم و دست‌آوردها و آسیب‌ها را توامان ملاحظه نموده و در مقایسه با سایر دانشگاه‌های کشور، منطقه و جهان ارزیابی بنماییم.

دانشگاه در دنیای مدرن امروز به صورتی مستقل اداره و راهبری می‌گردد اما ساختار بومی دانشگاهی را باید در نظر گرفت و از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری نمود. استقبال از نقد، نیازمند صبر و سعه‌ی صدر است. ترس از نقد و نبود فضای گفتگو مانعی جدی برای رشد دانشگاه است. تا فضا برای نقد و منتقد نباشد افکار عقیم خواهند ماند و مسیر رشد و تکامل، اصلاح و بهینه نخواهد شد. تا جولان برای افراد با سلیق گوناگون نباشد انرژی و انگیزه‌های متعالی موجود در بدنه دانشگاه به هدر خواهد رفت.

مقام معظم رهبری، جامعه و مدیران را تشویق به حرکت‌های جهادی نموده‌اند. جهاد در تمام عرصه‌ها به معنای تلاشی مضاعف، عاشقانه و امیدوارانه مبتنی بر آگاهی و تدبیر است. در عرصه‌ی دانشگاه و تولید علم نیز نیازمند حرکتی جهادی هستیم تا بتوانیم استضعاف تاریخ معاصر جامعه ایرانی را پشت سر بگذاریم. قطعاً شاخصه‌های حرکت جهادی در دانشگاه باید توسط جامعه‌ی دانشگاهی مدون و ارائه گردد.

امروز دانشگاه شهید چمران اهواز نیازمند رشد و اصلاح در بخش‌های مختلف اعم از آموزش، پژوهش، فرهنگی و رفاهی است. برخی از این مشکلات سراسری و برخی داخلی است. ظرفیت‌های مغفول فراوانی برای رشد و اصلاح داریم. برخی از مشکلات با همین امکانات فعلی قابل رفع است و می‌توان جایگاه دانشگاه را ارتقاء داد. نیازمند همدلی و همراهی بیشتر در جامعه دانشگاهی شهید چمران هستیم.

در این اندک نوشته ترجیح می‌دهم به جای پرداختن به لیست مشکلات و ارائه نظرات به مقدمه‌ای و پیشنهادی مشخص بپردازم که می‌تواند رودخانه جامعه دانشگاهی را به حرکت اندازد و راه را برای اخذ تصمیمات اصلاحی سرنوشت‌ساز هموار گرداند.

باید گفتمانی را شکل بدهیم در جهت وفاقی دانشگاهی که هدفش ابتدا شناخت و درکی مشترک از آسیب‌های موجود در جامعه دانشگاهی شهید چمران اهواز است و سپس ارائه راهبردهایی برای ارتقاء و بهبود وضعیت فعلی است. آنچه در این حرکت مهم است برانگیختن جامعه دانشگاهی و استادان معزز است. گروه‌های آموزشی بهترین نقطه برای آغاز چنین اصلاحاتی است. در بخش‌های مختلف، گروه‌ها مکلف شوند که برای رفع مشکلات و ارتقاء جایگاه دانشگاه پیشنهادات خویش را ارائه نمایند. مدیریت هر بخش به جمع‌بندی و ارائه یک راهبرد میانی بپردازد. در نهایت مدیریت به کمک بدنه دانشگاهی اقدام به تصمیم‌گیری خواهد نمود و این روند حمایتی حداکثری و مقاومتی حداقلی را دربر خواهد داشت.

از همین رهگذر باید به ظرفیت‌های فرادانشگاهی خویش در امر تصمیم‌سازی و اصلاح نابسامانی‌های سراسری توجه کنیم. سهم دانشگاه شهید چمران اهواز در بیان آسیب‌ها و ارائه پیشنهادات باید تقویت شود. دانشگاه ما صرفاً مجری بخشنامه‌ها نباشد و نظرات کارشناسی استادان خویش را باید از طرق مختلف، رسمی و غیررسمی، در عرصه‌های مختلف ارائه نماید. استادان پیشکسوت در این روند نقش مهمی دارند و پختگی حرکت مرهون وجود ایشان است و استادان جوان‌تر شادابی و تحرک بیشتر را به مجموعه ارزانی خواهند داشت. ارتباط موثر و تعامل سازنده و درک متقابل استادان پیشکسوت و استادان جوان، فضای دانشگاه را مطبوع‌تر و شاداب‌تر خواهد نمود. برخی ملاحظات و آسیب‌ها، قشر استادان جوان دانشگاه را به انفعال برده که نیازمند توجهی ویژه است.

رشد یک حرکت مستمر و بالنده است و موفقیت و جایگاه دانشگاه یک امر تصادفی نیست. ما نیازمند اصلاحاتی جدی در دانشگاه شهید چمران اهواز برای رشد و ارتقاء کیفیت آموزش، کیفیت پژوهش، فعالیت‌های فرهنگی و ارتقاء سطح رفاهی دانشگاهیان هستیم و امیدواریم که با برنامه‌ریزی دقیق و پویا مسیر رشد را با سرعت و صلابت مقبولی پیموده و به جایگاهی درخور و در شان خوزستان عزیز و ایران سرافراز نائل شویم.

در پایان، ضمن تشکر از ستاد برگزاری سالگرد و آرزوی سلامتی و پیروزی برای ایشان که زحمت این مهم را برعهده دارند، صمیمانه شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را به تمام دانشگاهیان تبریک عرض می‌نمایم.

نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:
 دکتر حمید فرهادی‌راد
 عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
 «دانشگاه قرن بیست و یکم؛ شبکه ای هوشمند و منعطف»

دانشگاه یکی از قدیمی‌ترین سازمانهای کشور می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با سایر ابعاد جامعه از قبیل اقتصاد، تکنولوژی، سیاست و غیره دارد. تعامل دانشگاه با محیط بیرونی آن، حداقل از دو جهت قابل توجه و بررسی است. از طرفی انتظار می‌رود که دانشگاهها با ایجاد بسترهای لازم، به خلق دانایی و توزیع و انتشار آن، مبادرت نموده و راهگشای توسعه همه جانبه کشور باشند، دانایی بیافرینند و پیشرو باشند؛ به گونه‌ای که اندیشمندان آموزش عالی ادعا می‌کنند دانشگاه‌ها یکی از عوامل اصلی بازنگاری نظامهای اجتماعی هستند. از طرف دیگر خود سازمانها و مؤسسات آموزش عالی نیز با چالشها، تغییرات و پویایی‌های غیر قابل پیش‌بینی و بنیادی مواجه شده‌اند که نه تنها ممکن است نتوانند انتظارات را برآورده کنند، بلکه بقاء و ماندگاری خود را نیز در خطر می‌بینند. پیدایش رقبا جدید، تمایل به دانایی محوری در صنعت و اقتصاد، استفاده از فناوریهای ارتباطی نوین مانند اینترنت، دانشگاه‌های بین‌المللی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و ... تنها بخشی از نوپدایی‌های محیط بیرونی است که تأثیرات غیرقابل انکاری بر نظام آموزش عالی خواهند گذاشت. مسئله اساسی اینست که دانشگاه‌ها چگونه و با تکیه بر چه ویژگیهایی می‌توانند با محیط بیرونی تعامل برقرار کنند که ضمن حفظ بقا و ماندگاری خود بتوانند به رسالتهای بنیادین خود جامعه عمل ببوشانند؟

بدیهی است که با ابزارهای سنتی نمی‌توان در این بستر نوین به فعالیت پرداخت. در حقیقت دانشگاهها امروزه نمی‌توانند از طریق مجموعه تلاشهایی مستقلی مانند پیاده‌سازی دستورات، کنترل، پیش‌بینی شرایط و دستوردهی سلسله مراتبی، که صرفاً ابزارهای کمکی هستند، چالش‌های نوین آموزش عالی را مدیریت نمایند و با مدل‌های ذهنی که ساختارها و فرایندهای انطباقی برای تحول سازنده را نشان نمی‌دهند، آموزش عالی متحول سازند. تصمیم‌گیرندگان دانشگاهها باید قواعد و پارادایم‌های امروز را بشناسند و بر اساس اصول و قواعد آن فعالیت و برنامه‌ریزی کنند. دانشگاه‌های قرن بیست و یکم نیازمند ساختار، فرایندها و کارکنانی هستند که هوشمند، انطباق‌پذیر و منعطف بوده و در برابر تغییرات پویا، توان سازگاری داشته باشند. از آنجا که سیستم‌های زنده نوعاً دارای این ویژگیها هستند، رهبران کنونی دانشگاهها لازم است از مدل‌های نبوتی و غیرزنده دست برداشته و خود سازماندهی را به یکی از ویژگیهای اساسی دانشگاه تبدیل کنند.

بنابراین می‌توان گفت، سازمانهای آموزش عالی در هزاره سوم دارای ویژگیهای منحصر به فردی هستند و لازم است برای موفقیت، تغییراتی اساسی در آنها ایجاد شود. تایلشر (۲۰۰۷) معتقد است که مبانی قدرت در مدیریت و هدایت آموزش عالی تغییر کرده است؛ «واژه هدایت از راه دور، جامعه ذینفعان، دانشگاه مدیریتی، و یا دانشگاه کارآفرین، ظهور منطق نوینی از قدرت، تصمیم‌گیری و مدیریت روزآمد در آموزش عالی را نشان می‌دهند. هیرش و وبر (۱۹۹۹) معتقدند که فرایندهای تصمیم‌گیری در دانشگاه باید بازآفرینی شوند، بر اساس توان، به دانشگاهها استقلال

اعطا شود رهبرانی برای دانشگاه برگزیده شوند که آزادیهای آکادمیک، تصمیم‌گیریهای سیال و مشارکتی، رقابت و تجدید ساختار را تشویق کند. اسمیت (۲۰۰۷) معتقد است که رهبران دانشگاه باید توانایی‌های تحلیلی، خلاقیت، کارآفرینی، تفکر و عمل استراتژیک را در دانشگاه جاری سازند. بارتون و کلارک ۲۰۰۸-۱۹۹۸ در طراحی دانشگاه کارآفرین معتقد است وابستگی مالی دانشگاه به دولتها باید به حداقل برسد و کارآفرینی باید مأموریت اصلی دانشگاهها باشد. او معتقد است یکی از الزامات سازگاری با پیچیدگیها و پویایی‌های محیطی، رهبری قدرتمند دانشگاهها است. از نظر او افزایش توان رهبری، به معنی به کارگیری ابزارهای نوین مدیریت و رهبری دانشگاه که بتواند به طور اثربخش دانشگاه را اداره نماید و همچنین با هسته آکادمیک دانشگاه تطابق داشته باشد.

به طور خلاصه باید گفت دنیای قرن بیست و یکم دنیای حکمرانی تحولات و دگرگونیهاست. ساختارها، فرایندها، ابزارها و مهارتهای مدیریتی دنیای کلاسیک ابزارهای عمومی مدیران دانشگاهها در هزاره اخیر هستند لازم است دانشگاه با تکیه بر هسته آکادمیک خود و توانمندیهای بیشمار آنها تبدیل به شبکه‌ای هوشمند و منعطف شود که نه تنها بتواند تغییرات را مدیریت کند بلکه با خلق فرصتها راه را برای توسعه و توانمندسازی جامعه باز کند.

نقد نظر مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه
 آقای عزیز حزباوی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
 «دانشگاه شهید چمران اهواز و ۶۰ سال کارکردی در جهت توسعه استانی و ملی»

در این جستار، هدف نگاهی کوتاه به کارکردهای دانشگاه شهید چمران اهواز و ارتباط این کارکردها با توسعه است. لازم به توضیح است که در این مقال کوتاه هدف این نیست که با عدد و رقم و آمارهای مربوطه به این مقوله پرداخته شود هر چند که می‌توان از این منظر به موضوع پرداخت ولی در فرصت کوتاه نگارش این نوشته، مجال برای این کار فراهم نبود. از دیدگاه جامعه‌شناسی، دانشگاه یک نهاد اجتماعی از نوع نهاد اولیه به‌شمار می‌آید. در باب نهاد اجتماعی گفته شده که یکی از ویژگی‌های اصلی آن تأمین‌کننده نیاز یا نیازهای اساسی جامعه است. بدیهی است این ویژگی از طریق کارکردهای نهاد قابل دستیابی است. کارکرد هر نهاد، آثار و نتایج عینی آن نهاد است. به عبارتی عملکردی را که هر نهاد به جامعه ارائه می‌دهد؛ می‌توان کارکرد آن به‌شمار آورد. دانشگاه به عنوان نهادی اجتماعی کارکردهای متعددی می‌تواند داشته باشد.

هر نهاد اجتماعی دو گونه کارکرد دارد: کارکرد آشکار و کارکرد پنهان. کارکرد آشکار آن‌گونه کارکردی است که نهاد اجتماعی به منظور تأمین آن به‌وجود آمده است. یعنی از قبل برنامه‌ریزی شده و آگاهانه و به قصد تأمین نیاز مبادرت به تأمین نهادی شده است اما کارکرد پنهان آن دسته از کارکردهایی است که به‌طور ضمنی به‌وجود می‌آید و از قبل برنامه‌ریزی نشده است. مثالی در این زمینه می‌تواند روشنگر بحث فوق باشد. سرمایه‌داری را در نظر بگیریم که هدفش کسب سود از سرمایه خود است. این فرد، مبادرت به تأسیس کارخانه‌ای می‌کند. سود حاصل از این فعالیت، (کارکرد آشکار) این نهاد است ولی کاهش بیکاری از طریق به‌کارگیری نیروی انسانی آن منطقه و نیز تولید کالا و افزایش آن در بازار و احیاناً کاهش واردات آن کالا از خارج از کارکردهای پنهان این نوع فعالیت است که از قبل آن سرمایه‌گذار چنین هدفی نداشته است. حال به بحث قبلی برگردیم. مسلم است که دانشگاه شهید چمران اهواز از بعد کارکرد آشکار توانسته است در این دهه نیروی انسانی ماهر و متخصص در سطوح مختلف و در ده‌ها رشته علمی آموزش نماید. که در امور مختلف جامعه نظیر آموزشی، پژوهشی، اداری چه در بخش دولتی و یا خصوصی در سطح منطقه و کشور به فعالیت مشغول بوده و هستند غیر از تربیت نیروی انسانی از بعد پژوهشی این دانشگاه با داشتن چند قطب علمی و نیز مراکز پژوهشی متعدد و با اجرای صدها طرح و پروژه پژوهشی تخصصی و هم‌چنین ارائه خدمات مشاوره‌ای تخصصی در راستای مسایل و مشکلات مختلف جامعه و ارائه راه‌کارهای علمی، عملی و اجرایی تخصصی در جهت رفع آن‌ها باز هم در سطح منطقه‌ای و ملی نقش بسیار برجسته‌ای ایفا نموده است. اگر نگاهی به کارکردهای پنهان دانشگاه بیاندازیم، می‌توان خلاصه‌وار موارد ذیل را برشمرد. به عبارت دیگر می‌توان انتظار داشت که در بین فارغ‌التحصیلان و آموزش‌دیدگان دانشگاه موارد ذیل نمود پرننگی داشته باشند.

- ۱) کاهش هزینه‌های فردی و اجتماعی در نتیجه تسهیل دستیابی به منابع به منظور استفاده بارآورتر.
- ۲) کاهش جرایم، انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی در میان اقشار تحصیل‌کرده دانشگاهی.



- ۳) افزایش سطح استاندارد زندگی و امکانات بهزیستی افراد و بالطبع در مجموع انتقال آن به سطح جامعه.
 - ۴) افزایش سطح فرهنگ بهداشتی و لذا کاهش هزینه و مخارج بهداشت و درمان در بعد فردی و اجتماعی.
 - ۵) تربیت کادر سیاسی صاحب منصب و غیر صاحب منصب.
 - ۶) افزایش باورهای علمی به جای باورهای سنتی.
 - ۷) افزایش نخبگان جامعه.
 - ۸) افزایش پرورش ذهنی و نیز سازگاری‌های ذهنی با محیط پیرامون در ابعاد مختلف.
 - ۹) گسترش هرچه بیشتر افکار نوآور و خلاق.
 - ۱۰) افزایش پرورش شخصی و عادات جدید نظیر وقت‌شناسی، اعتنا به نظم و ترتیب.
- حال اگر به مفهوم توسعه نگاهی بیندازیم می‌توان گفت از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، توسعه را جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم، نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابر و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است. در توسعه حداقل سه ارزش اصلی زیر به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته می‌شود:
- ۱- افزایش تأمین نیازهای اساسی زندگی انسان‌ها.
 - ۲- افزایش اعتماد به نفس (احساس شخصیت کردن، عزت نفس داشتن و ابزار دست قرار نگرفتن توسط دیگران برای مقاصد شخصی‌شان)
 - ۳- افزایش دامنه انتخاب انسان‌ها (شامل رهایی از شرایط مادی از خود بیگانه زندگی و آزادی از قیود اجتماعی انسان نسبت به طبیعت، جهل، بدبختی و نیز انسان‌های دیگر، نهادها و باورهای جزمی)

با توجه به کارکردهای پیش‌گفته که در مورد دانشگاه شهید چمران اهوز هم صادق است و حتی قابلیت محاسبه به‌صورت مقداری و عددی است. این سوال را می‌توان طرح نمود که با توجه به مفهوم توسعه دانشگاه شهید چمران در تحقق این کارکردها در مقیاس منطقه، استان و کشور به چه میزان توانسته است سهمی در خور توسعه داشته باشد.

مسلم است با نگاهی به کارنامه دانشگاه در این شش دهه اگر این گونه برداشت شود که دانشگاه شهید چمران اهواز در تحقق کلیه این کارکردها نسبتاً موفق بوده است؛ سخنی عاری از حقیقت گفته نشده است. به‌ویژه این که بیش از نیمی از عمر ۶۰ ساله دانشگاه شهید چمران، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه علوم دریایی، دانشگاه رامین و دانشگاه بهبهان بخشی از این دانشگاه بوده‌اند.

بنابراین برای چنین دانشگاهی با این کارنامه درخشان در زمینه ارائه‌ی خدمات علمی پژوهشی، تربیت نیروی انسانی متخصص در ابعاد مختلف، نیز کارکردهایی در زمینه ارتقاء سطح استاندارد زندگی در بعد فردی و اجتماعی می‌خواهیم ۶۰ سالگی‌اش را به پاس این همه خدمات جشن بگیریم و خدماتش را پاس داریم. آیا این دانشگاه شایسته این پاس‌داشت نیست؟

نقد و نظر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:
 سیامک وحدتی‌نیا
 رئیس دبیرخانه متمرکز دانشگاه
 «نقش، اهمیت و جایگاه کارشناسان در سلسله مراتب مدیریتی سازمان»

در زمینه نقش، اهمیت و جایگاه رده کارشناسان در سلسله مراتب مدیریتی سازمانی چون دانشگاه سخن بسیار می‌توان گفت. کما اینکه تا کنون نیز در این باب به تفصیل مطالبی در قالب مقالات علمی و یا یادداشت‌های رسانه‌ای و یا سخنرانی‌های مدیران ارائه شده است. اما آنچه که از لابلای نقش‌ها و اهمیتی که در خصوص این بخش از رده سازمانی به‌صورت مهم و استراتژیک تجلی می‌نماید با اندکی اقتباس در زیر به آن اشاره می‌شود، امید که مورد توجه قرار گیرد.

از دیدگاه متخصصان علوم استراتژیک نیروی انسانی متخصص که از آن به کارشناس تعبیر می‌شود از تمام عوامل و منابع و ابزار دیگر، ارزشمندتر و جایگاه آن بالاتر بوده و مهم‌ترین اولویت و سرمایه سازمانی هستند. سازمان‌ها بدون وجود منابع انسانی مفهومی نداشته، و اداره آن‌ها نیز میسر نخواهد بود. حتی با وجود فن‌آورشدن سازمان‌ها، همچنان نقش انسان به عنوان عاملی راهبردی در بقای سازمان، کاملاً مشهود است. براین اساس منابع انسانی ارزشمندترین منبع سازمان‌های امروزی به شمار می‌آیند چرا که به تصمیمات سازمانی شکل داده، مسایل و مشکلات سازمان را حل نموده و هدف‌های سازمانی را نیز تأمین می‌نمایند؛ به همین دلیل روز به روز بر نقش و اهمیت آن در سازمان افزوده می‌شود.

نیروی انسانی به لحاظ برخورداری از قدرت اندیشه، خلاقیت و نوآوری بزرگ‌ترین دارایی هر سازمانی محسوب می‌شود، چرا که هرگونه بهبود و پیشرفت در ساختارهای فنی و سازمانی توسط نیروی انسانی صورت می‌گیرد. توان فکری و اندیشه‌های کارکنان در سازمان به عنوان دانش و سرمایه نهفته شناخته می‌شود و چنان‌چه هر سازمان و مدیریتی بتواند از این سرمایه‌ها بیشترین استفاده را ببرد؛ همان اندازه امکان رشد و توسعه میسر خواهد شد. نیروی انسانی خلاف دیگر منابع، با مصرف کردن کاهش و یا مستهلک نمی‌شود و هر چقدر از اندیشه و فکر بیشتر استفاده نماید به همان اندازه توانایی‌اش بهبود می‌یابد.

یکی از مکانیزم‌های مدیریتی، بهره‌گیری از تکنیک مدیریت مشارکتی در سازمان است. مشارکت راه‌کاری است که به کارکنان اجازه داده می‌شود به جای اینکه همیشه مدیریت و رهبری شوند از توانایی‌های خود بهره‌گیرند، فکر کنند و قوه خلاقیت خود را به کار اندازند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت و دخالت داشته باشند. به تعبیر دیگر، مشارکت فرآیندی است که طی آن کارکنان یک سازمان به طور داوطلبانه در امور و فعالیت‌های مربوط به خود دخالت کنند به‌شرطی که توان و انگیزه مناسب برای دخالت مؤثر را داشته باشند.

بزرگ‌ترین پشتوانه جهت اعمال مدیریت مشارکتی، تعهد، ایمان و اعتقاد مدیران سازمان‌ها است. تا زمانی که مدیریت سازمان اعتقاد به مشارکت کارکنان نداشته باشد، مدیریت مشارکتی تحقق پیدا نخواهد کرد. در حقیقت توفیق سازمان در دستیابی به اهداف تعیین شده تا حد زیادی تابع فضای اعتماد و تفاهم متقابل در محیط کار، افزایش میزان همکاری کارکنان با یکدیگر، افزایش میزان همکاری کارکنان با سرپرستان و مدیران و مهم‌تر از همه ایجاد هماهنگی در نحوه انجام

امور سازمان در واحدهای مختلف است. مدیریت و نیروی انسانی خارج از اینکه چه نقشی در سازمان ایفا می‌نمایند و اهمیت آن چقدر است بی‌شک مهم‌ترین عامل به حرکت درآوردن چرخ سازمان است و اثربخشی و کارایی هر تغییر و تحولی بسته به نوع عملکرد مدیریت و دیگر نیروی انسانی آن دارد. از این روی، مدیران ارشد سازمان‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بدون منابع انسانی موثر و کارآمد، امکان رسیدن به هدف‌های سازمانی مشکل است.

دانشگاه‌ها به لحاظ شرایط خاص و مأموریت ویژه‌ای که دارند از ساختار سازمانی متفاوت‌تر از سایر سازمان‌ها برخوردارند. وجود بخش‌های تخصصی هم‌چون آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و دانشجویی علاوه بر حوزه اداری، از دانشگاه سازمانی با اهمیت و مهم به لحاظ نقش و جایگاه در سطح جامعه ساخته است.

دانشگاه‌ها که خود تربیت نیروی متخصص جامعه را بر عهده دارد، به منظور تحقق اهداف و برنامه‌های نظام آموزشی، پژوهشی، فرهنگی نیازمند برخورداری از کارشناسان کارآزموده، توانمند، خلاق، متعهد، و متخصص در حوزه مختلف مورد اشاره می‌باشند تا بتوانند در رسیدن به این اهداف به توفیقات عظیمی نائل آیند. هر چند دستیابی به اهداف آموزشی و پژوهشی صرف، منوط به استفاده بهینه از منابع انسانی، مالی و تجهیزاتی است اما پویایی نظام دانشگاهی وابسته به عوامل مختلفی از جمله داشتن کارشناسانی برخوردار از تعهد حرفه‌ای بالا و دلبسته به کار خود است تا در محیطی پویا و سالم با به کار بستن تمام توان خویش برای کارایی بیشتر و بهتر این سازمان علمی - فرهنگی (دانشگاه) گام بردارند.

در این خصوص نیز دانشگاه شهید چمران اهواز که به‌نوعی یک سازمان و از نوع علمی - فرهنگی است، از این قاعده مستثنی نبوده و کارشناسان اداری، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و دانشجویی این دانشگاه همواره و در شرایط سخت و فراز و نشیب‌های آن یار و مدد مدیران دانشگاهی در ادوار مختلف بوده‌اند و نقشی بی‌بدیل و تأثیرگذار در نهادینه‌سازی و تحقق آرمان، رسالت و مأموریت و چشم‌انداز برنامه‌های دانشگاه و ارزش‌های دانشگاه اسلامی داشته‌اند و در دوره‌های زمانی مختلف توانایی و توانمندی خود را به مدیران، دانشگاه و نظام آموزش عالی ثابت نموده‌اند. اگر چه اولویت کاری کارشناسان، ارائه خدمات در حوزه‌های مختلف مورد اشاره می‌باشد؛ اما نباید از نقش‌آفرینی آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی غافل شد. خوش‌بختانه امروزه کارشناسان و کارکنان دانشگاه هم پای سایر نخبگان دانشگاهی از بلوغ فکری، فهم، قدرت تحلیل و درک سیاسی برخوردار می‌باشند و اوضاع سیاسی درون کشور و بیرون از مرزهای کشور را رصد می‌نمایند و در رویدادها، رخدادها و مناسبت‌های تاریخی انقلاب هم‌پای مدیران فهیم، ولایی و انقلابی حضوری فعال داشته و به این طریق وفاداری خود و عهدی که با آرمان‌های نظام بسته‌اند را اثبات نموده و می‌نمایند. بنابراین کارشناسان دانشگاه در بدنه مدیریتی دانشگاه کارکردی چندگانه داشته و این از ویژگی‌های منحصر به فرد این قشر از کارکنان است.

اکنون که در آستانه گرمی‌داشت شصت سال فعالیت آموزشی، پژوهشی، فرهنگی بزرگ‌ترین دانشگاه جنوب غرب قرار گرفته‌ایم، بی‌شک بیش از پیش از نقش و اهمیت و جایگاه کارشناسان دانشگاه آگاه خواهیم شد؛ فعالیت‌های شصت ساله دانشگاه قطعاً بدون همکاری فعالانه، مخلصانه و متعهدانه این قشر از بدنه تخصصی مدیریتی و اجرایی دانشگاه میسر نمی‌گشت. مطمئناً تداوم



فعالیت‌های دانشگاه در آینده و دستیابی به جایگاه ممتاز در عرصه تولید علم، فن‌آوری در سطح کشور و انعکاس و انتقال این جایگاه به خارج از مرزهای کشور و جهانی شدن اعتبار دانشگاه از طریق دیپلماسی علمی، صرفاً در سایه همدلی، هم‌زبانی میان این قشر و مدیران دانشگاهی و در سایه الطاف پروردگار محقق خواهد شد. ان شاءالله.

نقد نظر مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه:

محمد آیتی مهر

عضو هیئت علمی اقتصاد و علوم اجتماعی

«لزوم تغییر در فرآیندهای مدیریت در دانشگاه»

امروزه دانشگاه‌ها با مشکلات متعددی درگیر هستند. اهداف یا به خوبی تدوین نشده و یا راهبردهای حاکم، آنها را به مقصد نمی‌رسانند. لذا برای رسیدن به اهداف عالیه خود لزوم بازنگری، تغییر و تحول روزآمد، تجدیدنظر در برخی اهداف و برنامه‌های عملیاتی خویش را احساس نمودند. برای این کار باید از شناخت کامل و همه‌جانبه فرآیندهای مختلف دانشگاه شروع نمود تا وضعیت موجود بدست آید و سپس با استفاده از فنون مدیریتی از جمله فن مهندسی مجدد فرآیندها، که در دنیای کسب و کار قویاً مورد استفاده قرار گرفته است، دست به تغییر و بهبود فرآیندها زد. مهندسی مجدد با دگرگون‌سازی و طراحی جدید، تغییر ذهنیت، فرهنگ و نظام ارزشی در ساختار فرآیندها و روش استفاده از منابع و امکانات تحول‌بنیادی ایجاد می‌نماید. در مهندسی مجدد اعتقاد بر این است که مهندسی مجدد را نمی‌توان با گام‌های کوچک و محتاط به اجرا درآورد. این قضیه همان قضیه صفر یا یک است؛ به عبارت دیگر یا تغییری تحقق نیابد و یا در صورت تحقق از ریشه و بنیان تغییر حاصل گردد. مهندسی مجدد به این معنا نیست که آنچه را که از پیش وجود دارد ترمیم کنیم یا تغییرهایی اضافی بدهیم و ساختارهای اصلی را دست‌نخورده باقی بگذاریم؛ مهندسی مجدد یعنی از نقطه صفر شروع کردن، یعنی به کنار نهادن روش‌های قدیمی و افکندن نگاهی نو به کار. در سال‌های اخیر، دانشگاه‌ها به دلیل پیشرفت در فناوری، افزایش هزینه آموزش، رقابت جهانی و انتظار جامعه، با چالش‌ها و بحران‌های زیادی روبرو هستند، بسیاری از آنها برای فائق آمدن بر چالش‌ها و بحران‌های ناشی از آن، به اقدام‌های مهندسی مجدد و طراحی مجدد فرآیندهای اداری خود پرداخته‌اند.

در حال حاضر در عرصه آموزش عالی بسیاری از دانشگاه‌ها از برنامه‌های مهندسی مجدد و طراحی مجدد در فرآیندهای اداری خود بهره می‌گیرند.

دانشگاه‌ها در آینده با چالش‌های متعددی روبرو خواهند شد، تقریباً در تمامی کشورهای جهان دانشگاه‌ها تحت فشار ناشی از افزایش سریع تعداد دانشجویان، کاهش هزینه‌های واحدهای درسی، افزایش کنترل دولت و نشانه‌هایی دال بر افزایش ناخرسندی عمومی از روند فعلی نظام آموزش عالی، دچار نوعی بحران هویت شده‌اند.

در بسیاری از کشورهای جهان، دهه گذشته دوره رشد سریع تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و افزایش دسترسی به آموزش عالی بوده است و به نظر می‌رسد که این روند در آینده نیز ادامه یابد. افزایش تعداد دانشجویان و افزایش هزینه‌های واحدهای درسی موجب گردیده که دانشگاه‌ها برای حفظ هویت خود به مثابه یک نهاد مستقل، با کمبود منابع رو به رو شوند. حتی اگر منابع جدیدی هم در دسترس باشد، از آنها برای حل مشکل افزایش بیش از حد دانشجویان و کمبود تأسیسات زیربنایی استفاده خواهد شد و منابعی برای حمایت از نوآوری، دیدگاه‌های نو، و تحولات جدید علمی وجود ندارد.

از سویی دیگر مواردی از قبیل تحولات شگرف در فناوری اطلاعات، اینترنت که کلاس‌های مجازی را ممکن ساخته است، کتابخانه‌های دیجیتالی که منابع و مخازنی از دانش را ارائه می‌نمایند، وب‌ها که متون روزآمدی را جهت مباحث سمینارها و کلاس‌ها ارائه می‌دهند، شبیه‌سازی کامپیوتری که جایگزین آزمایشگاه شده است و ... تغییر در دانشگاه‌ها را غیر قابل اجتناب کرده است، و تجدید نظر برای تعریف دانشگاه‌ها با مفاهیم جدید را ضروری ساخته است. آموزش عالی بطور اعم و دانشگاه‌ها بطور اخص با تحولات و چالش‌های متعددی در تمامی عرصه‌های زندگی روبرو خواهند بود. به عبارت دیگر، فعالیت دانشگاه‌ها در آینده به سازماندهی پویایی تبدیل خواهد شد، که این خود از ضرورت‌های بقا در جهان پر از رقابت آموزش عالی در آینده است. بحران ناشی از چالش‌های ذکر شده غالباً در دو جنبه مالی و ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه از نگاه دیگران محمود یعقوبی نژاد

جناب آقای دکتر غلامحسین خواجه
ریاست محترم دانشگاه شهید چمران

با عرض سلام و آرزوی سلامتی و توفیق خدمات بیشتر برای جناب عالی و کلیه اساتید و کارکنان خدمت آن دانشگاه معتبر کشور، افتخار دارم به نیابت از سوی قریب ۶۰ نفر از دانش‌آموختگان سنوات اولیه تاسیس دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران (از سال ۱۳۳۴ تا کنون)، بابت برگزاری اجلاس باشکوه شصتمین سالگرد تاسیس آن دانشگاه و فراهم نمودن امکان شرکت این جمع مشتاق برای زیارت اساتید معزز و یاران دیرین خاطره‌انگیز از یک‌سو، و فرصت اطلاع از پیشرفت‌های قابل توجه آموزشی و علمی دانشگاه‌مان صمیمانه تشکر نمایم.

استدعا دارم مراتب سپاس این جمع را به حضور کلیه پرسنل دست اندرکار برگزاری این مراسم به ویژه جناب آقای دکتر دادخواه دبیر محترم برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد و جناب آقای دکتر غنیان معاونت محترم دانشگاه کشاورزی رامین که در هماهنگی و ایجاد تسهیلات لازم ما را یاری فرمودند ابلاغ فرمائید.

هماهنگ‌کننده و نماینده دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی اعزامی از نقاط مختلف کشور برای شرکت در اجلاس

با احترام- محمود یعقوبی نژاد

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه از نگاه دیگران محمود یعقوبی نژاد

در پی، نظرات سه تن از هم‌دانشکده‌ای‌های همسفرم که افتخار هماهنگی در آوردنشان به این سفر تاریخی و فراموش‌نشده‌ی را داشتم و کم و بیش نظرات من را نیز در بردارند را تقدیم حضورتان می‌کنم.

من برای انجام این سفر بدلیل درک اهمیت فوق‌العاده‌اش با تمام توان و عشق تلاشی لذت‌بخش را داشتم و خوشحالم که با یاری شما و جناب آقای دکتر غنیا و پشتیبانی بسیار ثمربخش دوست ارجمندم جناب آقای دکتر سیادت و همکاری دوست گرانقدر و همکار سابقمان جناب آقای دکتر نادری ریاست مرکز تحقیقات کشاورزی خوزستان (بدلیل تأمین اسکان مناسب و شایسته) توشه‌ای پربار و پرارزش از این سفر در خاطره تاریخی من و دیگر هم‌دانشکده‌ای‌هایم رقم خورد.

سلام، مراسم سالگرد شصتمین سال دانشگاه چمران (جندی شاپور) در محیطی بسیار دوستانه و گرم و پرانرژی و به‌دور از هر گونه ریا و تظاهر، پاک، صمیمی و پر از خاطرات زیبا، با کنار هم بودن دانشجویان قدیم و جدید برگزار شد و از همه مهم‌تر جو آزاداندیشی برپاکندگانشان آن شور و شوق بیشتری به محیط برگزاری داده بود، و مایه افتخار بیشتر من شد که فارغ‌التحصیل چهل و سه سال پیش آن دانشگاه بودم.

بزرگداشت شصتمین سالگرد دانشگاه چمران (جندی شاپور) از همه جهات برای من زیبا و خاطره‌انگیز بود. دیدن اساتید قدیم و جدید و نیز دیدن همکلاسی‌ها و آشنایی با دانشجویان جوان دانشگاه آن قدر به من انرژی داد که هنوز هم شارژ هستم، گویی که در دهه پنجاه بودم. خیلی هم آبرومندانانه برگزار گردید. من به سهم خود از همه کسانی که این امکان را برای ما فراهم کردند تا در این مراسم شرکت کنیم سپاسگزارم.

سلام. من هم مانند سایر دوستان از کلیه مراسم یادبود شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه جندی شاپور لذت بردم. در برنامه‌ریزی‌ها نظم و ترتیب رعایت شده بود و پذیرایی بسیار عالی هم در دانشگاه و هم در ملائانی که جای سپاس و تشکر دارد. دیدن اساتید عزیز قدیم و هم‌دوره‌ای‌ها و هم‌چنین دانشجویهای جدید و مصاحبت با آنها در من غرور خاصی ایجاد کرد. افتخار می‌کنم از چنین دانشگاهی فارغ‌التحصیل شده‌ام. برای من بسیار خاطره‌انگیز بود. از آقای یعقوبی نژاد و سایر عزیزانی که این سفر خاطره‌انگیز را تدارک دیدند تشکر می‌نمایم.

شصت نفر با متوسط سن ۶۵ سال با قطار، هواپیما، اتوبوس و ... آمدند و نزدیک یک هفته در شرایط غیرمتعارف زندگی کردند و جابجا شدند. اما حتی یک نفر دچار ناراحتی نشد (دریغ از یک سردرد ساده)، حتی بعضی‌ها داروهای دائمی خودشان را هم نمی‌خوردند. فقط بخاطر احساس جوانی بود و بس ... از جمله بهترین خاطرات من حضور در کلاس شماره ۲ در دانشگاه رامین بود. ما گذشته خودمان را دیدیم و دانشجویان حاضر در کلاس آینده‌شان را ...

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه از نگاه دیگران دکتر محمدحسین راضی جلالی

خوزستان عزیز در جنوب غربی فلات ایران با داشتن نیروی انسانی از اقوام متنوع، منابع سرشار خدادادی و پیشینه کهن تاریخی بر تارک ایران عزیز می‌درخشد. یکی از این کهن پیشینه‌ها، دانشگاه شهید چمران اهواز (جندی شاپور) می‌باشد که سرمنشا تحولات زیادی از جمله هدایت و راهبری رشادت‌های رزمندگان در دوران دفاع غرورآفرین مقدس، در این خطه می‌باشد. پس از آن دوران این دانشگاه هم‌چنان پیشتاز آرمان‌خواهی مردمان این سرزمین در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و از همه مهم‌تر علمی می‌باشد. با گذشت شصت سال از تاسیس این دانشگاه، زمان آن فرا رسیده بود که با بزرگداشت این واقعه خجسته، ضمن ارج نهادن به تلاش ستودنی پیشکسوتان اعم از اساتید، کارکنان و دانشجویان موجبات افزایش روحیه کار و کوشش جمعی در اساتید و کارکنان فراهم شود. مراسم بزرگداشت این مناسبت شور و شوق زایدالوصفی در بین همگان ایجاد نمود که این روحیه را باید پاس داشت و از آن جهت ارتقای کیفی دانشگاه بهره جست. مراسم جانبی نظیر چهلمین سال تاسیس دانشکده دامپزشکی، پیاده‌روی بزرگ دانشگاهیان، تجلیل از کارکنان بازنشسته و... که در کنار مراسم اصلی برگزار گردیدند نشان‌دهنده حجم وسیع و کیفیت ستودنی اقدامات انجام شده در این خصوص می‌باشد. در کنار مزایای فراوان این نکوداشت، بایستی کاستی‌ها را هم در نظر داشت و از آن‌ها مستندسازی صورت گیرد تا مراسم آینده با کمترین اشکال ممکن برگزار گردد. در این جا از همه دست اندرکاران این مراسم ارزشمند سپاسگزاری و قدردانی بعمل آورده و برای ایشان آرزوی طول عمر همراه با سلامتی از درگاه خداوند متعال دارم.

محمد حسین راضی جلالی

۲۳ اسفند ماه ۱۳۹۴

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه از نگاه دیگران دکتر نعیم عرفانی مجد

هر چند با توجه به وضعیت و شرایط نا به سامان دانشگاه ها در سال های اخیر در ابعاد مختلف علمی، مدیریتی، اجتماعی، فرهنگی و..... که موجب دلسردی، بی انگیزگی، بر بستن شادابی و پویای دانشگاهیان اعم از اعضای هیات علمی، دانشجویان و حتی کارکنان دانشگاه گردیده، امیدی به موفقیت و رضایت مندی قابل توجه ای در این گونه مراسمی متصور نبود. لیکن از آنجایی که در هر شرایطی، به تصویر کشیدن زیبا و با شکوه تاریخ یک مرکز علمی بزرگ در حد دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران) که آفریده تلاش ها و خدمات ارزنده و درخشان گذشتگان بوده، بسیار غرور آفرین و موجب نشانیدن اشک شوق و سرافرازی بر گونه های خشکیده و خسته گردید. ضمن تشکر و قدردانی از جناب آقای دکتر حسن دادخواه و کلیه عزیزان و همکاران محترم برگزار کننده این مراسم که در این شرایط نابه هنجار، حداقل برای مدت کوتاهی، روزه های امیدی را برای دانشگاهیان این دانشگاه گشودند، از درگاه خداوند منان آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون دارم. ضمناً پیشنهاد می گردد کلیه مستندات این رویداد بزرگ توسط دبیرخانه این بزرگداشت، ضبط و ثبت نموده و به صورت کتابچه ای نفیس به رشته تحریر و تدوین در آید. موید باشید.

اسفند ماه ۱۳۹۴

دکتر نعیم عرفانی مجد

استاد دانشکده دامپزشکی

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه از نگاه دیگران دکتر حسن فروغی - استاد دانشکده ادبیات، گروه زبان فرانسه

برگزاری با شکوه و موفق جشن‌های شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران و غیره امروز را به ریاست محترم دانشگاه، برگزارکنندگان گرامی و پر تلاش مراسم شصتمین سالگرد و همه همکاران و اقدار دانشگاهی صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدوارم سال ۱۳۹۵ سالی سرشار از موفقیت، بهروزی و شادکامی برای همه ملت بزرگ ایران و همچنین آغاز فصلی جدید از همدلی و همکاری برای پیشبرد بهتر اهداف علمی دانشگاه باشد.

از این فرصت می‌خواهم استفاده کنم و از مدیریت محترم دانشگاه، در دوران آقای دکتر رعایایی و آقای دکتر خواجه، تیم پر تلاش و موفق برگزار کننده مراسم با شکوه و وحدت آفرین شصتمین سالگرد و تأسیس دانشگاه، بویژه جناب آقای دکتر حسن دادخواه، دبیر محترم تیم اجرایی، و کلیه دست‌اندارکان این مراسم صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

این جشنهای شکوهمند، پیشاپیش جشنهای عید نوروز، این کهنسال‌ترین جشن بشر در همراهی با رستاخیز طبیعت و موسیقی زیبای شکفتن و زیستن، نسیم بهاری تازه‌ای در کالبد دانشگاه دمید و شور و شوق فوق‌العاده‌ای در دانشگاه ایجاد کرد. فعالیت‌های گسترده و ستایش برانگیز مجریان کاردان، حضور اکثریت قریب به اتفاق رؤسای محترم دانشگاه از آغاز تاکنون، از جمله جناب آقای دکتر دوابی، اولین رئیس محبوب دانشگاه پس از انقلاب، حضور بسیاری از همکاران عزیز و بازنشسته سالیان دور و نزدیک، اشاره به فعالیتها، رخدادهای مهم و خاطرات گذشته و حال در مجالس عمومی و خصوصی، زنده کردن یاد و خاطره همکارانی که از میان ما رخت بر بسته‌اند (روحشان شاد) و دیگرانی که متأسفانه به دلایل شخصی یا گاهی دعوت‌گزینشی در برخی دانشکده‌ها سعادت دیدارشان را پیدا نکردیم و بسیاری برنامه‌های سازنده دیگر، همه و همه دانشگاه و دانشگاهیان را در حال و هوای دیگر قرار داد و روحیه‌ای تازه از وحدت و همدلی در دانشگاه ایجاد کرد. امید که این امر زمینه‌ساز شکوفایی علمی هر چه بیشتر دانشگاه ما شود و نه تنها برخی خسرانهایی را که انقلاب و جنگ، عل-رغم همه ره‌آوردهای مثبت، بر جای گذاشت، جبران نماید، بلکه بتواند منزلت تاریخی این دانشگاه را که روزگاری در ۱۷۰۰ سال پیش یکی از بزرگترین مراکز علمی جهان، و در این ۶۰ سال اخیر، زمانی یکی از ۵ دانشگاه برتر کشور بوده، دوباره به آن بازگرداند.

در پایان، سپاس ویژه دارم از مدیریت محترم دانشگاه و برگزارکنندگان گرامی این مراسم به خاطر عنایتی که به اینجانب مبذول داشتند و در این جشن باشکوه، به پاس بیش از نیم قرن خدمات آموزشی و پژوهشی صادقانه و پایه ۴۷ استادی، بعنوان استاد پیشکسوت مورد تجلیل قرار گرفتم.

حسن فروغی، استاد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۲ فروردین ۱۳۹۵.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه از نگاه دیگران آقای بیژن برازنده

نقدی بر آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

هم عنوان زیباست، هم آیین بزرگداشت، شکوه و جلال برگزاری مراسم خاصی را به ذهن متبادر می‌کند، هم دانشگاه مکان مقدس و حائز اهمیتی است، هم یادآوری قدمت محل خدمت، غرور و عرق کاری را در انسان تزریق می‌کند، هم برگزاری آن مفرح و شادآفرین است و هم فرصتی به دست می‌دهد که به خود بیاییم یک دهه دیگر که به عمرمان افزوده گردید آیا کار مثمرتری برای دانشگاه انجام داده‌ایم یا خیر؟

و اما در کنار همه این خصایص نیکو از همه حساس‌تر که می‌تواند همه این زیبایی‌ها را نقش بر آب کند، اینکه افراد شاغل در این سازمان که خواهی نخواهی در این مسابقه، بازی داده می‌شوند، چگونه در این کورس علمی فرهنگی مورد قضاوت قرار می‌گیرند و خروجی این میدان کارزار چیست؟

در خصوص انتخاب کارکنان و سایر اعضای دانشگاه در تمامی مقاطع تحصیلی و کاری به عنوان فرد نمونه در اینگونه مراسم، چند نکته مهم به نظر این حقیر رسید که بنا بر احساس مسئولیت و تعهدی که نسبت به حسن انجام کار در دانشگاه دارم نتوانستم لاقید و بی‌تفاوت از کنار این موضوع مهم بگذرم، به همین جهت ذکر چند نکته اساسی، اگر هیچ‌گونه سودی نداشته باشد، ضرری هم برای کسی ندارد، باشد که انشا... در آینده فرجی شود.

در برگزاری اینگونه نکوداشت‌ها نکته مهمی که ذهن هر دلسوز و متعهدی را به خود مشغول می‌دارد این است که اصولاً چه ضوابطی (نمی‌گویم روابط) یا بهتر بگویم دیدگاه‌ها و سلایقی در جای جای ادارات، دانشکده‌ها، معاونت‌ها و سایر مراکز تصمیم‌گیری دانشگاه حکم‌فرماست که در هر مراسم و بزرگداشت و جشن و سرور و عزایی عده‌ای برگزیده و انتخاب و معرفی و صاحب امتیاز و جایزه بگیر و شهره عام و خاص می‌شوند که درصد زیادی از آن‌ها سزاوار این تقدیر و سپاس نیستند و بقیه هم که همیشه در بوته فراموشی و کارگاه‌های شبانه‌روزی خاک و خل می‌خورند و همانند اسب عساری سواری می‌دهند و زحمت می‌کشند و حتی اگر محصول دسترنج‌شان اختراع و اکتشاف و مقبولیت فراوان کاری و اخلاقی و رفتاری و اجتماعی و تکریم ارباب رجوع باشد به صرف نداشتن همان ضوابط (نمی‌گویم ارتباطات ویژه) همیشه گوشت نذری و قربانی جشن و سرور یا عزای دانشگاه می‌شوند و هیچ مسئولی تره هم برایشان خرد نمی‌کند؟ این انتخاب‌ها و تصمیمات توسط چه عزیزانی و با چه طرز برداشت‌ها و افکاری، بر اساس چه معیارهایی و در چه زمان‌هایی و چگونه صورت گرفته و اجرا می‌شود؟

صد البته از آن‌جا که درصد زیادی از کارکنان دانشگاه به ازای کار در این محیط برای خود و خانواده محترم نان‌آوری می‌کنند و آب باریکه ارتزاق‌شان همین است، لاجرم از ترس از دست دادن کار به دلیل هرگونه اعتراض به تصمیمات مجری در دانشگاه هم که باشد همیشه دم فرو می‌بندند، پس نه برای‌شان مهم است که خود نمونه نشوند (چون خود نیز می‌دانند بجز انجام کار محوله و بنوعی رفع تکلیف و گذراندن وقت اداری، هیچ ثمر دیگری برای دانشگاه ندارند)

و نه برایشان مهم است که حسن نمونه شود یا حسین! صغری جایزه بگیرد یا کبری! از آقای ایکس قدردانی گردد یا خانم ایگرگ! همه چیز برای این عزیزان دلبند علی السویه است و دل‌شان به این خوش است که همان آب باریکه را دارند، بنابراین همیشه زینت‌المجالس هستند، یعنی پرکننده هر محفلی برای رونق کار و شادی بالادستی‌ها از خالی نبودن صندلی‌ها، انتظارشان کم و به همان کیک و ساندیس مجالس پرشور قانعند و بعد هم مسرور از راضی کردن مسئولین خود، بخاطر حضورشان و احیانا پرکردن برگه‌های بازرسی حضور و غیاب از اسم و امضای‌شان، راهی خانه می‌گردند و فردا هم روز از نو و روزی از نو. پس نه این سروران با هیچ‌گونه مراسمی مشکل دارند و نه هیچ‌گونه مراسمی با این عزیزان، هر کسی خندید و دست زد اینان نیز می‌خندند و دست می‌زنند، هر کسی گریه کرد و سینه زد اینان نیز می‌گریند و سینه می‌زنند، خدای منان را نیز برای حفظ موقعیت کاری خویش شاکرند و بس، ما هم که بخیل نیستیم روزی صد هزار بار برای‌شان دعای موفقیت و خیر و برکت روزافزون داریم.

گروه دیگر کارکنان، آن‌هایی هستند که کار محوله اداری را به شکل وظیفه سازمانی، در حد توان و به زعم خود به بهترین نحو ممکن انجام داده و حسابشان با خدای خویش صاف است که نان حلال می‌خورند، اما هیچ کاری را خارج از وظایف محوله انجام نمی‌دهند، حتی اگر آن کار برداشتن یک برگ کاغذ اداری از روی زمین باشد، برای این عزیزان نیز هیچ فرقی نمی‌کند که شخص برگزیده یا نمونه دانشگاه چه کسی باشد، اگر بر حسب تصادف یا شانس فراوان و توفیق اجباری، همچون نظر کرده‌ها ناخواسته خود به عنوان نمونه معرفی گردند، در واقع این موهبت را قاپیده‌اند، و گرنه بجز ساعات کاری سرشان به زندگی و دو دو تا چهارتای زندگی خودشان گرم است، برای این عزیزان نیز روزی صد هزار بار دعای موفقیت و خیر و برکت روزافزون داریم.

طیف دیگر عزیزان دانشگاه را مسئولین و روسا و معاونین و اعضای محترم هیأت علمی با سابقه تشکیل می‌دهند که خیل این سروران نیز (نه همه آنان) به سبب داشتن مناصب مهم و امتیازات فراوان کاری، نمونه شدن یا نشدن در این مراسم به هیچ وجه برای‌شان مهم نیست چرا که خود، گردانندگان و همچنین تصمیم‌گیرندگان و انتخاب‌کنندگان و اعطاکندگان امتیازات و جوایزش هستند، که با تمثیل بهتر، می‌شود همان زیره به کرمان بردن، و آن‌قدر غرق در امتیازات ریز و درشت دیگر هستند که بذل و بخشش این نمونه شدن‌های نمایی به بقیه، بخاطر دید از بالادست به فرودست هیچ‌گونه اثر سوء روحی و روانی بر آنان ندارد.

گروه دیگر اساتید محترمی هستند که آنقدر مشغول تحقیق و پژوهش و تدریس و آموزش می‌باشند که وقتی برای‌شان باقی نمی‌ماند در مجمعی حضور فیزیکی داشته باشند و از طرف دیگر چون در طول سالیان برای ایشان نیز به دفعات مکرر کاملاً مشخص شده که خروجی این گونه مراسم در نهایت چه می‌تواند باشد در نتیجه اصولاً این گونه برگزاری‌ها برای ایشان اهمیت خاصی ندارد، در نتیجه کمتر وقت و رغبت می‌کنند خود را درگیر این قضایا کنند.

گروه بعد دانشجویان هستند که ۹۹٪ این عزیزان به تبع وضعیت خاص خود آنقدر درگیر گذراندن واحدهای درسی و فراگیری مسائل آموزشی و استرس‌های خاص این دوران و غم دوری از خانواده و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات ریز و درشت خود و روز را به شب و شب را به روز رساندن هستند که اصولاً اگر وقت هم داشته باشند، از این گونه مراسم به عنوان زنگ تفریح و عامل تنوع موقت در چرخه تکراری و سخت دوران دانشجویی استفاده کرده و انرژی مثبت

موقتی، هر چند گذرا و آنی از آن جنب و جوش میهمان نواز گونه کسب می کنند. باقی می ماند، گروه و افراد فرودستی چون حقیر سراپا تقصیر یا به تعبیری همه کاره و هیچ کاره، که در وادی زجر و زحمت و مرارت با اهدای قلب و مغز و اندیشه و روح و روان و استراحت و سلامتی و فکر و ذکر خود، به صورت شبانه روزی همانند یک پدر دلسوز برای فرزندش که دانشگاه باشد همه کاره اند و همه جان و روان و وجودشان را وقف کار و خود را فدا کرده اند و می کنند، و با انجام کارهای کشنده، در خفا، بدون حضور و یا اطلاع هیچگونه مسئول و معاون و ریسی و فقط با احساس حضور داور و ناظر اصلی و مطلق بی انتها، با عرق ریختن در پیچ و خم کارگاه های آلوده به مواد شیمیایی و فیزیکی و امواج و مواد سرطان زا و انواع بیماری ها و میکروب های مختلف و هم چنین دستگاه های صنعتی و برش کاری و تراش کاری و جوش کاری بسیار مهلک و خطرناک، با ناچیزترین امکانات امنیتی و رفاهی، به شکل دائم و شبانه روزی و حتی روزهای تعطیل رسمی تابستان و زمستان و عید و عزا برای اعتلا و صعود هر چه بیشتر ارج و قرب عزت و شان دانشگاه، با جان خود بازی می کنند و با وجود اختراعات و ابداعات جهانی فراوان در زمینه های مختلف پزشکی، فیزیک، مکانیک و الکترونیک و تحصیلات عالی دانشگاهی در گرایش های زیر مجموعه همین رشته ها به علاوه محیط زیست و طبیعت، و مدارک معتبر دیگر تحصیلی دلشان به این خوش است که سالی بگردد شنیدی به نوروز و مراسمی پیش بیاید و بدون آنکه خود بگویند مورد تقدیر ویژه قرار گیرند. اما زهی خیال باطل، چرا؟

چون به این نقطه که می رسند از همه کاره ی زجر و زحمت به هیچ کاره ی بی اثر و فراموش شده تبدیل می شوند! فرقی نمی کند آیین برزگداشت شصتمین سالگرد دانشگاه باشد یا معرفی پژوهش گر برتر در هفته پژوهش، در همه حال فراموش شده اند، چون آدرس اتاق مسئولین را بلد نیستند!

کجا دانند حال ما سبک بالان ساحل ها

من چگونه باید انتظار داشته باشم برخی از مسولین عزیزی که چشم شان فقط نورچشمی های دور و برشان را می بیند، مرا در پشت بیغوله های کارگاه های تنهایی و زحمت و مرارت، با آن وضعیت نابهنجار ببینند و اصلا به عنوان شخص زنده به حساب آورند؟ مگر نورچشمی ها اجازه می دهند؟ آنهایی که هر جا هر مسئول و معاون و ریسی حضور دارد، تحت هر شرایطی حتی زلزله و سونامی آنان نیز چه حضورشان ضروری باشد چه غیر ضروری، در همه حال حاضر و آماده دست به سینه هم حضور فیزیکی دارند و هم ارتباطات دور و نزدیک، و به هزار و یک بهانه واقعی و ساختگی یک لحظه پشت در اتاق معاونین و روسا و قدوم مبارک آنان را را رها نمی کنند!!!

آیا به راستی برای گرفتن انواع شیرینی و امتیازات شیرین باید از صبح تا شب پشت درب اتاق مسئولین کشیک داد و به دست بوسی و مجیزگویی رفت؟ حساب و کتاب آن زحمت کشان شرافتمندی که فقط نفس کشیدنشان بخشیدن حرمت به این دانشگاه قدرناشناس است چه می شود و با کیست؟ (به جز کرام الکاتبین و جایزه دهنده اصلی آسمان ها و زمین)

آیا افرادی همانند حقیر در این دوره و زمانه به واقع احمقانی خوش باور نیستیم که هنوز با صبر و شکیبایی مثال زدنی منتظریم دست مبارکی از آستین به در آید و تمامی این مناسبات عفونی غلط (نمی گویم پارتی بازی) را جراحی عمیق و گندزدایی کند؟

آیا سنگسازان بی‌سنگری چون حقیر که تمامی عمر و نفسشان را فروتنانه چه در عرصه جنگ ویران‌گر فیزیکی دفاع مقدس و چه در عرصه تولیدات علمی برای این آب و خاک در طبق اخلاص گذاشتند و افزون بر ۲۰۰ لوح تقدیر علمی از روسای جمهوری محترم وقت، معاونین وقت روسای مختلف جمهوری، روسای مختلف عالی‌ترین مراکز و سازمان‌های علمی، پژوهشی، تحقیقی کشور دارند و می‌توانستند در بهترین مراکز کاری یا دانشگاهی اروپا و آمریکا مرفه‌ترین زندگی را داشته باشند و فقط به انگیزه ایثار و خدمت به بچه‌های محروم و مظلوم خود در این آب و خاک محتاج کمک، ماندند و فرار نکردند، به واقع نیازمند و محتاج قدردانی این دانشگاه هستند؟

آیا حقیرانی چون بنده‌ی ناچیز با داشتن اختراعات علمی جهانی ثبت شده و در حال ثبت بواقع محتاج قدردانی این مرکز فرهنگی هستند، که همیشه حتی کوچک‌ترین تقدیری از آنان بعمل نمی‌آید و برای همین این‌گونه برآشفته و پریشان و متاسف و پشیمان از ماندن می‌گردند و یا علت واقعی این عصیان‌های عصبی، مشاهده همان تبعیض‌ها، همان مناسبت‌های ناصواب، همان تصمیم‌گیری‌های غلط، همان اجراهای پر از اشکال و همان خاک پاشیدن بر صورت صورتگران اصلی این نظام و انقلاب می‌باشد؟

و گرنه همانند این حقیر در جای جای این مملکت ره به خطا رفته کم نیستند که به حرمت قرآن چشم بر همه‌ی نامردی‌ها و نامردی‌ها بسته‌اند و دلشان به همان داشتن نشان‌های رشادت و شجاعت در عملیات جنگی دفاع مقدس و خاطرات دلچسب و بی‌ریای همان ایام طلایی خوش است، هر چند که رفاه و آرامش و آسایش تصمیم‌گیرندگان غلط و مرفه امروز را همان ایثارگران درست و محروم دیروز رقم زده باشند؟

چه زیبا انتخاب نموده است جناب آقای دکتر حسن دادخواه عزیز فقط عنوان مقاله‌اش را با عبارت «آسیب‌های آیین گرامیداشت شصت‌مین سالگرد تاسیس دانشگاه» که نشان می‌دهد، می‌داند در این دانشگاه هستند کسانی که از صبح تا شب در بیغوله‌هایش، کار مثمرتر انجام می‌دهند اما نه زبان دفاع دارند و نه روی خودنمایی، پس هیچ زمان، نه دیده می‌شوند و نه قدردانی، و حقیر در تایید برخی از فرمایشات آسیبی ایشان عرض می‌کنم، بدون شک برگزاری این مراسم بدون اعطای جوایز و یا تعیین فرد نمونه، بسیار بسیار بهتر و کم‌حاشیه‌تر و کم‌عارضه‌تر از انتخاب ناصحیح برخی افراد غیرمستحق و قدردانی از آنهاست. چون آن باغبان شریف و زحمت‌کش هم شاید در خیالات و تصورات خویش، خود را محق قدردانی بداند و بعد که ببیند این‌گونه نشد اگر تنها ذره‌ای عرق کاری و تعصب مسئولیتی و عواطف داشته باشد تا مدت‌های مدید نمی‌تواند از این باتلاق خوددرگیری عصبی بیرون بخزد، که چرا من نه؟

همان‌گونه که من بی‌سواد از این شوک‌های روحی روانی و مخل سلامتی به دلیل محق دانستن خود به هزار و یک دلیل برای انتخاب گزینه نمونه رها نخواهم گردید، همان‌طوری که که حتی همکاران با بهت و حیرت فراوان از این انتخابات، به حقیر تسلیت گفتند که چرا تو نه؟ و تو با این همه جان‌فشانی در کجای این دانشگاهی؟ و چقدر تأسف‌بار است به ما که در طبقات زیرزمین دانشگاه جان می‌کنیم و به ناگزیر راحت‌تر از نظرات بقیه‌ی زیرزمینی‌ها آگاه می‌شویم ثابت شود و بفهمیم نه تنها من نوعی که خیل کارکنان از کل این مراسم ناراضی بوده و هستند، همان‌هایی که در آینده نزدیک و دور نیز هیچ‌گونه نام و نشانی از این فراموش‌شدگان باقی نخواهد ماند، اما آیا صدای کسی از ترس نداشتن امنیت شغلی از حلقومش خارج می‌شود؟ و چقدر خطرناک و



بدیمن است این کینه‌های از ترس تلنبار شده که اگر روزی سر باز کند همه چیز را با خود خواهد سوزاند، اما چه باک از این همه تبعیض ناجوان‌مردانه چون در همه حال و همه جای این گرداب بی‌عدالتی سرافرازانه سر خود را در بلندای تاریخ افراشته نگه می‌داریم که تحت هیچ شرایطی چاپلوس هیچ درگاهی بجز قادر متعال نبوده و نخواهیم بود.

و من ا... التوفیق

بیژن برازنده

رییس موزه









فصل دهم

روزهای فراموش نشدنی



روزهای فراموش نشدنی دکتر حسن دادخواه

اعضای کمیته‌ی برگزاری آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه باهدف ترسیم خطوط کلی و برنامه‌های اصلی این آیین، در نخستین روزهای سال ۱۳۹۴ طی حکمی از سوی دکتر محمد رعایایی اردکانی سرپرست وقت دانشگاه منصوب شدند. این کمیته متشکل از دکتر مجتبی جعفرپور، خانم دکتر مهرابی‌زاده، دکتر سوداگر «رئیس دانشکده‌ی هنر شوشتر»، دکتر جوکار «مدیر امور فرهنگی دانشگاه»، دکتر مظهری «مشاور ریاست دانشگاه»، دکتر عباس امام و دکتر دادخواه و خانم شفیع «مدیر روابط عمومی دانشگاه» بود که زیر نظر سرپرست وقت دانشگاه جلسات خود را تشکیل می‌داد.

در یکی از نشست‌های این کمیته اهداف مراسم و برنامه‌ها به شرح زیر تدوین شد:

- ۱- بازشناسی و شناساندن بخش‌هایی از تاریخ شصت‌ساله‌ی دانشگاه.
- ۲- گردآوری و ثبت و ضبط اسناد و مدارک مربوط به پیشینه‌ی دانشگاه.
- ۳- آشنا کردن جامعه با کلیات فعالیت‌ها و عملکردهای سال‌های اخیر دانشگاه.
- ۴- بزرگداشت و پاسداشت خدمات علمی و اجرایی برگزیدگان و اعضای هیأت‌علمی و کارکنان شاغل، بازنشسته و متوفی.

۵- مستندسازی وضعیت فعلی و تاریخ جاری دانشگاه برای استفاده در آینده.

در دیگر جلسات این کمیته خطوط کلی برنامه‌ها، طراحی و این برنامه‌ها برای بررسی بیشتر به پنج کارگروه تخصصی با ترکیبی از اعضای کمیته برگزاری و مدیران دانشگاه و افراد حقیقی سپرده شد. این کارگروه‌ها شامل کارگروه فرهنگی، هنری و مهندسی، کارگروه ویژه‌ی برگزاری اجلاس، کارگروه تبلیغات و انتشارات و اطلاع‌رسانی، کارگروه امور مهمانان و تشریفات و کارگروه آمار، بازنشستگان، دانش‌آموختگان و برگزیدگان دانشگاه بود.

با تدوین برنامه و مشخص شدن اعضای کارگروه‌ها، فعالیت‌های اجرایی آغاز و برخی از این کارگروه‌ها به دلیل نوع فعالیت در زمانی کوتاه وظایف مربوطه را به سرانجام رسانده و برخی دیگر تا زمان برگزاری آیین اجلاس به فعالیت‌های خود ادامه دادند.

کارگروه برگزیدگان و آمار با حضور و مسئولیت خانم دکتر مهرابی‌زاده، دکتر راسخ، دکتر زادکرمی، دکتر قدردان، دکتر نوروزی، دکتر پارسا و آقای قبیعی از کانون بازنشستگان، کار نظارت بر فرآیند انتخاب برگزیدگان دانشگاه در بخش‌های مختلف مانند انتخاب کارمند نمونه، دانشجوی نمونه، عضو هیأت‌علمی برگزیده دانشگاه و کارکنان بازنشسته برگزیده را زیر نظر داشتند و در ۱۰ جلسه و به استناد اطلاعات و گزارش‌های اخذ شده و استعلام از معاونت‌ها، افراد برگزیده را بر اساس معیارها، انتخاب و معرفی کردند.

کارگروه امور مهمانان و تشریفات زیر نظر دکتر خالقی هم‌زمان با فعالیت سایر کارگروه‌ها، فعالیت خود را آغاز کرد و با حضور دکتر کاظمی‌نژاد، دکتر مرادزادگان، دکتر بامداد، دکتر بصیرزاده، دکتر خدایانه، دکتر محمدیان، آقای قبیعی و آقای علی نژاد و نماینده‌ای از اداره‌ی حراست، کارهای محوله را بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، پیگیری می‌کرد. این کارگروه

مسئولیت دعوت از مهمانان، استقبال، تغذیه، اسکان و امور خدماتی مربوط به مهمانان اجلاسیه را بر عهده داشت.

در زیر مجموعه این کارگروه، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان دانشکده‌ها کار تماس با مهمانان و استقبال و بدرقه و اداره چند مراسم در دانشکده‌ها را بر عهده داشت.

کارگروه تبلیغات، انتشارات و اطلاع‌رسانی برگزاری آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه با محوریت و مسئولیت مدیر روابط عمومی دانشگاه، کار اطلاع‌رسانی، چاپ پوستر، تهیه سرود دانشگاه، انتشار نشریه‌ی ویژه‌ی شصتمین سالگرد (یادگار)، چاپ کتاب‌هایی در معرفی دانشگاه و دانشکده‌ها، امور سمعی و بصری شامل تصویربرداری و تهیه گزارش‌های تصویری از ابتدای فعالیت‌های کمیته‌های شصتمین سالگرد تا پایان برنامه‌ها و تهیه‌ی تور مجازی از دانشگاه را بر عهده دارد. این کارگروه متشکل از دکتر جوکار، دکتر یاری، آقای ساکی، دکتر دادخواه، خانم شفیع‌ی مدیر روابط عمومی و مشاوران امور هنری و تبلیغاتی بود.

کارگروه ویژه اجلاسیه که برگزاری مراسم ۲۶ بهمن‌ماه در ورزشگاه بزرگ دانشکده‌ی تربیت‌بدنی وظیفه آن بود، زیر نظر دکتر جوکار و با شرکت آقایان دکتر خالقی، دکتر یاری، دکتر دادخواه، رضاییان، ساکی و خانم دکتر حیدری نژاد و خانم شفیع‌ی و نماینده دفتر طرح‌های عمرانی دانشگاه و نماینده‌ی ای از اداره حراست تشکیل می‌شد. این کارگروه کلیه امور مربوط به داخل ورزشگاه و تنظیم سین برنامه را بر عهده داشت.

کارگروه فرهنگی، هنری و مهندسی با حضور آقایان دکتر سوداگر، دکتر جوکار و دکتر مظهری کار طراحی نشان دانشگاه، طرح یادبود شصتمین سالگرد و پیگیری ساخت تندیس شهید دکتر مصطفی چمران را عهده دار بود.

روزهای فراموش نشدنی

از آذر ماه ۱۳۹۳ که من پست اجرایی و بالطبع اتاقی در سازمان مرکزی نداشتم تا آبان ماه ۱۳۹۴ که اتاقی به عنوان دبیرخانه آیین بزرگداشت شصتمین در سازمان مرکزی اختصاص داده شد، تقریباً در حدود یکسال، جا و مکان مشخص و ویژه ای برای انجام و پیگیری امور مربوط به مراسم یاد شده، در اختیار نداشتم.

از این رو، گاهی در اتاق انتظار دفتر ریاست دانشگاه و گاهی دیگر روی صندلی در کنار پرندگان سازمان مرکزی، کارها را دنبال می‌کردم.

در هوای گرم ماه های خرداد و تیر ۹۴، در روزهایی از هفته مهمان کارمندان دبیرخانه متمرکز بودم و زحمات و لطف و مهربانی آنان را فراموش نمی‌کنم.

در این مدت، پیش نویس نامه ها را در خانه فراهم می‌کردم و شب ها به هنگام پیاپی روی، آنها را به نگهبانی سازمان مرکزی می‌دادم و صبح آقای وحدتی نیا مسئول دبیرخانه، آن پیش نویس ها را دریافت می‌کرد و در دبیرخانه تایپ می‌شد.

پس از چندی، به مدت چند ماه بنا به صلاحدید آقای وحدتی نیا، من نامه ها را در خانه تایپ و به دبیرخانه ایمیل می‌کردم و کارمندان دبیرخانه آن متون را در فرمت نامه تنظیم می‌کردند و به امضای دکتر رعایایی سرپرست وقت دانشگاه می‌رساندند.

اینگونه بود که من، کمتر به دبیرخانه و سازمان مرکزی می‌رفتم و از خانه با مهمانان مراسم و دیگری که به نوعی قرار بود در این زمینه با ما همکاری کنند، تماس تلفنی برقرار می‌شد و امور پیگیری می‌گشت.

به یاد دارم در یکی از روزهای گرم تابستان طی تماس با آقای ساکی و خانم مزارعیان کارشناس دفتر آمار و نظارت و ارزیابی آموزش عالی استان خواستم تا با استفاده از تعطیلات، تحلیلی از وضعیت آموزش عالی استان که عمر آن شصت ساله شده بود، فراهم کنند. این گزارش بالاخره زیر نظر دکتر زادکرمی و کمک فکری دکتر پارسا فراهم و به دست چاپ سپرده شد و در مراسم اجلاس میان مهمانان توزیع شد. این کتابچه یکی از آثار انتشاراتی ارزشمند مراسم شصتمین سالگرد است که جای آن خالی و نیاز به آن آشکار بود.

در آبان ماه ۹۴، با شروع ترم تحصیلی و فرارسیدن مرحله اجرایی برنامه‌ها، با تعیین و اختصاص آقای فرنیاشتری لرکی به عنوان کارمند دبیرخانه آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد، او از طریق اتوماسیون اداری، کلیه امور ستادی از جمله امور اداری و مالی و دیگر وظایف محوله را به عهده گرفتند و با توان و دقت فراوان به انجام وظیفه مشغول شدند.



روزهای فراموش نشدنی

روز جمعه ۲۷ آذر ۹۴، ساعت ۹ صبح گروه پر تعدادی از اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در هوایی بسیار مطبوع از محل کوی استادان به سوی میدان نرسیده به سازمان مرکزی به حرکت درآمدند تا در قالب پیاده‌روی بزرگ خانوادگی، شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه و برنامه‌های آینده آن را در فضایی آکنده از دوستی و مهربانی ارج بگذارند و شروع خوبی داشته باشند.

فکر و ایده این برنامه پر نشاط و شادی بخش را آقای بیژن رضاییان مدیر تربیت بدنی معاونت دانشجویی به دبیرخانه شصتمین سالگرد پیشنهاد نمود و طی سه جلسه با حضور ایشان و سرکارخانم شفیعی و اینجانب، روز و ساعت و برنامه‌های جنبی و نوع و تعداد هدایا و تخمین بودجه مورد نیاز روی کاغذ نوشته شد.

پس از تصویب کلیات برنامه در کمیته اجرایی آیین بزرگداشت و با نزدیک شدن روز ۲۷ آذر، کمیته برگزاری این برنامه با اعضای جدیدی به بررسی مسائل و نیازمندی‌های آن پرداخت. این کمیته با حضور دکتر جوکار و دکتر خالقی و خانم دکتر حیدری نژاد و آقای عالم زاده از روابط عمومی و آقای لویمی از اداره حراست و آقای رضاییان و اینجانب و بعضا با شرکت دکتر علم طی چند جلسه به تقسیم کار و هماهنگی میان ادارات دانشگاه می پرداخت.

آقای رضاییان برای تعیین دقیق نوع جوایز به برندگان قرعه کشی در پایان پیاده‌روی و سفارش و پیگیری برای تهیه آن اقلام در بهترین کیفیت، حساسیت بسیاری نشان می‌دادند و چند بار به تهران سفر کردند.

آقای عالم زاده در انجام تبلیغات و چاپ فرم ثبت نام و ساخت سن و دیگر اقلام فرهنگی برای بهتر برگزار شدن پیاده‌روی زحمات و کوشش‌های تحسین برانگیزی را از خود نشان دادند. ایشان در برنامه‌های دیگر و به ویژه در برگزاری اجلاس و تصویربرداری از دانشگاه و ساخت فیلم و مانند آن در ماههای منتهی به پایان سال نیز کوشش‌های بسیاری نمودند.

گروهی از دانشجویان از طریق معاونت فرهنگی در کنترل جمعیت و نظم بخشیدن به برنامه در کنار نیروهای حراست فیزیکی کمک بسیاری به اجرای برنامه نمودند. در پایان پیاده‌روی، برنامه قرعه کشی با سازوکاری که آقای رضاییان طراحی کرده و در دو نوبت در سال‌های پیشتر در دانشگاه اجرا شده بود، انجام شد و جوایز در فضای شور و هیجان و خوشی به تعداد ۶۰ نفر از حاضران اهدا گردید.

مجرى برنامه آقای حسین خانی کارمند کنونی اداره آموزش دانشکده الهیات و معارف اسلامی بودند و نقش زیادی در شورآفرینی و ایجاد نشاط میان حاضران داشتند.

آقای دکتر حاجی دولو معاون پژوهش و فناوری دانشگاه نیز قبل از قرعه کشی سخنان ارزشمندی که گویای اهداف برگزاری مراسم شصتمین سالگرد بود ایراد نمودند.

روزهای فراموش نشدنی

طی اطلاع جناب آقای دکتر سوداگر، طراح و پیگیری کننده ساخت مدالیوم و طرح یادبود و جعبه مدالیوم، در سه نوبت اقام یاد شده از تهران و اصفهان به مقصد دانشگاه شهید چمران اهواز بارگیری شد. با هماهنگی میان دکتر خالقی و آقای روستا در دفتر مرکزی و راننده کامیون و آقای اشتری و آقای صدری پور، محموله ها در انبار مرکزی دانشگاه شمارش و تحویل گرفته می‌شد. از سوی دیگر، در کارگروه امور مهمانان و تشریفات، آقایان دکتر مرادزادگان و دکتر بامداد مسئولیت توزیع این اقلام میان دانشکده‌ها را طبق یک برنامه زمانبندی شده پذیرفته بودند. آقای وحدتی نیا هم زحمت نظارت و توزیع طرح یادبود شصتمین سالگرد را میان معاونت های دانشگاه پذیرفته بود. ناگفته روشن است که لازم است آمار دقیقی از کلیه مستخدمان دانشگاه ام از هیئت علمی شاغل و بازنشسته و کارکنان شاغل و بازنشسته به تفکیک واحد مربوطه در دست داشته باشیم. از این رو، لیستهای یاد شده از امور اداری گرفته شد.

از آنجا که نام هر یک از اعضای هیئت علمی شاغل و بازنشسته روی مدال ها حک شده بود و ۸۰۰ مدال نام دار به شکل مخلوط تحویل گرفته بودیم لازم بود که طبق لیست، بر اساس دانشکده‌ها، جدا سازی و در کیف جداگانه قرار می گرفت. البته باید دقت می‌شد که نام ها بدون غلط تایپ و حک شده باشد. آقای اشتری طی ده روز در وقت بعد از ظهر کار مطابقت و جداسازی و شمارش جعبه ها و قرار دادن در کیف های ویژه هر دانشکده را با حوصله انجام دادند و خوشبختانه به جز سه مورد خطا در تایپ و حک نام، باقی مدال ها درست بود.

از آنجا که هم‌زمان، می بایستی طرح یادبود ویژه به همه کارکنان با هر نوع استخدام، اهدا می‌شد، طرح یاد شده و لوح تقدیر ویژه دانشگاهیان برگزیده و کارمندان نمونه و دانشجویان نمونه نیز بر اساس زمان و مکان و مراسمی که باید به افراد اهدا می‌شد، تفکیک و جداسازی می‌گشت. این کار، فرصت و زمان زیادی از ما گرفت ولی با این وجود حدود دو هفته پیش از برگزاری هر مراسم، هدایا و بسته ها به برگزار کننده مراسم تحویل می‌شد و ایشان در این فاصله، آمار پرسنل واحدهای مربوطه را بررسی می‌کردند و چنانچه اشتباهی رخ داده بود، اصلاح می‌شد.

در مراسم تجلیل از اعضای هیئت علمی شاغل و بازنشسته و مراسم تقدیر از کارکنان و کارمندان نمونه که در دانشکده‌ها و معاونت های دانشگاه و برخی واحدها و ادارات دانشگاه برگزار گردید، مدال ها و طرح یادبود و لوح تقدیر به دانشگاهیان اهدا گردید.

مدالیون و طرح یادبود برای روسای محترم پیشین دانشگاه نیز در ساعت دو بعد از ظهر ۲۶ بهمن و پس از پایان اجلاس، طی مراسم و نشست صمیمانه و تاریخی در دفتر ریاست دانشگاه به ایشان تقدیم شد.

از آنجا که بعضی از مهمانان در مراسم تشریف نداشتند و به اهواز نیامده بودند، مقرر گشت تا هدایای آنان به راه‌های مقتضی از طریق دانشکده‌ها و معاونت‌ها به دست آنان برسد.

گزارش پایانی اهدای اقلام یاد شده با ذکر آمار طی نامه به ریاست محترم دانشگاه اعلام گردید و اقلام باقی مانده نیز طی صورتجلسه به مدیر محترم روابط عمومی دانشگاه تحویل شد.

روزهای فراموش نشدنی

در برنامه‌های گروهی و جمعی آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، سه دعوت به صرف ناهار برای دانشگاهیان پیش بینی شده بود. یکی در روز ۱۲ بهمن هم‌زمان با آغاز دهه فجر ویژه کارکنان شاغل و دیگری روز ۲۶ بهمن ویژه اعضای هیأت علمی شاغل و بازنشسته و دیگری در اوایل اسفند در قالب برنامه تجلیل از کارکنان بازنشسته دانشگاه.

از این رو، طی دو جلسه با آقای دکتر محمدیان مدیر امور دانشجویی و خانم صفاریان و معاون ایشان، سلف سرویس و نوع غذا در هر سه دعوت مشخص گردید و طی یک جلسه با دکتر نوروزی و مسئول اداره رفاه مراحل و نحوه اعلام دعوت و کارهای اداری آن طراحی و عملیاتی شد. از سوی دیگر با آقای محمدیان به عنوان مسئول تغذیه در کارگروه امور مهمانان و تشریفات برنامه غذایی کل مراسم و محل سرو و نوع غذا و پذیرایی‌ها هماهنگ گردید.

گرچه دعوت به صرف ناهار ویژه کارکنان در دانشگاه مسبوق به سابقه بود و مدیران دانشگاه در این زمینه تجربه کافی داشتند، ولی کوشش نمودم ضمن بهره‌گیری از تجربه آنان، پیشنهایی ارائه کنم تا دعوت به ناهار و پذیرایی‌ها به یک کار فرهنگی و در راستای ایجاد دوستی و همدلی میان اقشار دانشگاهی تلقی گردد و نه خدای ناکرده به کمک یک وعده غذایی به کارکنان تفسیر شود.

از این رو، از اعضای هیأت رئیسه دانشگاه و روسای دانشکده‌ها دعوت کردم تا با حضور در دعوت ناهار، با کارکنان همراه شوند تا به نوعی به ایشان احترام گذاشته باشند. از سوی دیگر نحوه توزیع و بسته‌بندی غذا و پذیرایی از کارکنان در محل سلف سرویس به گونه‌ای انجام گردید تا این دعوت به یک مراسم فرهنگی نزدیک‌تر شود.

در دعوت از اعضای هیأت علمی شاغل و بازنشسته به ناهار نیز که پس از پایان مراسم اجلاس به همراه با مهمانان شصتمین سالگرد صورت گرفت، تعدادی از همکاران عضو هیأت علمی به عنوان دست اندرکاران مراسم، کمک کردند تا با همکاری مسئولان اداره تغذیه دانشگاه، این دعوت با خاطرات به یادماندنی و تحکیم دوستی‌ها همراه گردد.

روزهای فراموش نشدنی

از آنجا که مراسم اجلاسیه آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، از اهمیت ویژه ای در میان دیگر برنامه‌ها برخوردار بود، برای تعیین زمان و مکان برگزاری آن بررسی‌های زیادی صورت گرفت.

پیرامون زمان و تاریخ برگزاری، عناصری چون خنکی و وضعیت هوا، حضور دانشجو در دانشگاه، ناهم‌زمانی با برگزاری دیگر سمینارهای علمی دانشگاه و ناهم‌زمانی با مناسبت‌های مذهبی و... مد نظر قرار گرفت و بالاخره در یکی از جلسات هیأت رئیسه دانشگاه روز ۲۶ بهمن ۹۴ برای برگزاری اجلاسیه تعیین و تصویب شد.

پیرامون مکان برگزاری، متأسفانه سالی با گنجایش جمعیت زیاد در دانشگاه وجود ندارد. بزرگترین سالن در دانشکده علوم با نزدیک به ۴۰۰ نفر گنجایش، نمی‌توانست پاسخگوی نیاز ما و برنامه اجلاسیه باشد از سوی دیگر، مراسم اجلاسیه را باید در داخل دانشگاه برگزار می‌کردیم و بیرون بردن آن، اصلاً نمی‌توانست بزرگی و زیبایی برگزاری آن در داخل دانشگاه را نشان دهد و تامین کند.

در مقطعی، اینجانب به جای یک اجلاسیه، برگزاری سه مراسم جداگانه ویژه دانشجویان و کارکنان و اعضای هیأت علمی را پیشنهاد دادم که موافقت لازم همکاران و سرپرست وقت دانشگاه را جلب نکرد. نظر من این بود که ورزشگاه بزرگ دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی به دلیل اینکه برای برگزاری برنامه فرهنگی ساخته نشده است، مناسب نیست و برای آماده کردن آن، کارهای زیادی باید انجام شود و اصولاً کنترل جمعیت زیاد و اداره آن و تامین نور و صدا و... مشکل خواهد بود.

(اکنون دریافته‌ام که اگر سه برنامه برگزار می‌شد هیچگاه نمی‌توانستیم برنامه‌ای به بزرگی و زیبایی اجلاسیه در دانشکده تربیت بدنی برگزار کنیم.)

در تیرماه ۹۴ اولین بازدید از ورزشگاه با حضور دکتر خالقی و دکتر جوکار و خانم دکتر حیدری نژاد و سرکارخانم شفیعی و آقای یاری و مدیر وقت دفتر عمرانی و اینجانب صورت گرفت و لیستی از کارهایی که باید برای آماده شدن آن انجام شود از جمله بازسازی سیستم برق و نوسازی فیوزهای برق که از اهمیت برخوردار بود، فراهم و به سرپرست دانشگاه ارسال گردید.

خوشبختانه تقریباً تمام کارهایی که برای آماده سازی ورزشگاه لازم بود انجام گیرد در راستای خواست مدیریت دانشکده و مورد نیاز ورزشگاه برای ارائه خدمات ورزشی قرار داشت.

در جلسات متعدد کارگروه ویژه اجلاسیه که وظیفه برگزاری اجلاسیه و فراهم کردن داخل ورزشگاه و چیدمان جمعیت را بر عهده داشت، اموری چون شکل چیدمان صندلی‌های وسط ورزشگاه، طرح دکور و اجرای آن و ساخت سن و اندازه و استحکام مورد نیاز و تعیین مجری برنامه و تهیه سین برنامه به نظرخواهی و تصویب گذاشته شد و کارها میان اعضای کارگروه تقسیم گردید.

هر یک از اعضای کارگروه، کارهای محوله را با جدیت و از خود گذشتگی و تا ساعت‌ها بعد از

وقت اداری و در مواردی تا پاسی از شب به بهترین وجه انجام می‌دادند. در این میان، مدیریت امور عمومی دانشگاه در ده روز مانده به ۲۶ بهمن، روز برگزاری اجلاسیه نقش بی‌مانندی در تامین نیازها و زیبا سازی فضای سبز و آماده سازی ورزشگاه برعهده داشت و در به ثمر رساندن زحمات دیگر دست اندرکاران از روابط عمومی دانشگاه و مسئولان تصویربرداری و صدابرداری و سازندگان سن و طراحان دکور، متعهدانه وظایف خود را انجام داد. کنترل و تنظیم رفت و آمد جمعیت به ورزشگاه و نظم داخلی آن به نیروهای حراست فیزیکی و تعدادی از دانشجویان سپرده شده بود که اجرای خوب وظایف از سوی آنان، کمک شایان توجهی به برگزاری زیبا و آبرومند اجلاسیه نمود.

در بعد از ظهر روز جمعه، یعنی دو روز مانده به برگزاری مراسم، نحوه کنترل و هدایت جمعیت به داخل ورزشگاه به تمرین گذاشته شد و نیروهای حراست فیزیکی با لباس فرم به محل آمدند و دانشجویان یاد شده نیز حضور داشتند و یادآوری های لازم از سوی دکتر جوکار و خانم شفیعی به ایشان گفته شد.

به هنگام ورود نیروهای حراست به سالن ورزشگاه یکی از آنان با صدای نسبتا بلند و با لهجه محلی گفت که این مراسم مانند جشن تولد فرزندمان مهم است و ما همه خوشحال هستیم. این زیباترین و احساس بخش‌ترین جمله و شاید تنها جمله انرژی بخشی بود که در سراسر ۱۵ ماه گذشته تا آن تاریخ و تاکنون شنیده‌ام.

روزهای فراموش نشدنی

منظور از روزهای فراموش نشدنی در تیتراژ این شماره از خاطرات، به معنای یک روز ۲۴ ساعته است و نه قسمتی از آن که آسمان روشن است زیرا کار دکورسازی بر روی سن در ورزشگاه دانشکده تربیت بدنی محل برگزاری اجلاس، از ساعت نه صبح شروع می‌شد و تا پاسی از نیمه شب یکسره ادامه می‌یافت. بنا به پیشنهاد و صلاحدید دکتر جوکار مدیر فرهنگی دانشگاه و مسئول کارگروه ویژه اجلاس، کار طراحی دکور و ساخت آن به تعدادی از دانشجویان دانشکده هنر شوشتر، که با معاونت فرهنگی در همین زمینه‌ها همکاری داشته و رتبه‌هایی را در سطح کشور و منطقه به دست آورده بودند، سپرده شد.

خانم حدیث بهزادی، سرگروه تیم دانشجویی با حضور در یکی از جلسات کارگروه، طرح پیشنهادی خود را آورد و پس از تشریح آن و دریافت پیشنهادهای و یادآوری‌های اعضای کارگروه، طرح به تصویب رسید و مقدمات کار برای ساخت آن بر روی سن آغاز شد. این طرح دربردارنده آرم و نشانه‌های زیر بود:

۱. استفاده از نخستین آرم دانشگاه (تصویر شاپور ساسانی مؤسس اولین دانشگاه جهان یا همان جندی شاپور)، به منظور نشان دادن قدمت خوزستان.
۲. نمایی از (سردر، کاشی‌کاری و آجرکاری و ستون‌های دانشکده ادبیات یا همان ساختمان سه گوش، که نماد و نشان‌دهنده شصت ساله بودن و قدمت دانشگاه شهید چمران اهواز است.
۳. کبوترها نمادی از شهدا و جنگ تحمیلی.
۴. در قسمت پایین سن نمایی از شهر اهواز (ساختمان سیلو، پل سفید، پل غدیر، بانک ملی مرکزی، مسجد جامع) به کار برده شد.
۵. به کار بردن آرم کنونی دانشگاه و عبارت «شصتمین سالگرد دانشگاه» روی تریبون. جنس به کار برده شده در دکور، ترکیبی از کناف‌های ساختمانی، پلکسی‌های رنگی و غیره بود که طی مدت ۲۰ روز و روزی پانزده ساعت کار مداوم به پایان رسید. در مدت این ۲۰ روز، مقامات و مدیران دانشگاه و مسئولان برگزاری مراسم از محل بازدید و دستورات لازم را برای پیشرفت کار و زیباسازی سالن ورزشگاه که هم‌زمان در حال انجام بود، صادر می‌کردند و البته دقت می‌شد که به کف سالن صدمه‌ای وارد نشود.

گروه دکور عبارت‌اند از: حدیث بهزادی (طراح و مسئول گروه دکور)، فریبا عباسی، ندا هیوری‌پور، نرگس عزیزاده (طرح و اجرا)، سیما زند (گرافیک)، سلمان عباسی (مسئول فنی)، آرش بی‌ریا و آیت خزایی (تدارکات و اجرایی) و فاطمه خوش‌رفتار (اجرایی).

سپردن کار به دست دانشجویان دانشگاه از چند لحاظ دارای اهمیت بود:

- ۱- اعتماد به دانشجویان و احترام به توان علمی و هنری ایشان.
 - ۲- تکیه به نیروهای داخل دانشگاه.
 - ۳- ارزان‌تر و کم‌هزینه‌تر شدن کار.
- در غروب یکی از روزها به همراه دکتر جوکار در ورزشگاه قدم می‌زدیم و از امور داخلی سالن



بازدید می کردیم. در همین حال، خانواده‌ای با دسته گل و کیک و شیرینی به سالن وارد شدند و به طرف دانشجویان دکورساز رفتند و کمی بعد فهمیدیم که امروز روز تولد یکی از دختران دانشجو است و خانواده، بدون اطلاع ایشان برای جشن تولد به دانشگاه آمده‌اند. لذا من و دکتر جوکار نیز از کیک تولد بی نصیب نماندیم.

پس از پایان کار ساخت دکور، همه دست اندرکاران و کسانی که گذرشان به آن جا می افتاد به روی سن می رفتند و عکس یادگاری می گرفتند. پس از پایان مراسم اجلاس نیز تعداد زیادی از حاضران عکس یادگاری در کنار دکور گرفتند.

روزهای فراموش نشدنی

پس از موافقت هیأت رئیسه وقت دانشگاه در نخستین ماه های سال ۹۳ با برگزاری آیین شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، من طی نشستی با هیأت رئیسه کانون بازنشستگان دانشگاه عملاً کار برنامه ریزی و نیازسنجی پیرامون آیین یاد شده را شروع کردم.

نشست در اتاق کوچک کانون در طبقه همکف سازمان مرکزی برقرار شد. اتاقی که گنجایش میز و صندلی و دیگر لوازم یک اتاق اداری و مراجعان را نداشت. اگر اشتباه نکنم بعضی از افراد حاضر در نشست، سرپا ایستاده بودند.

من در آن نشست کلیاتی از چشم انداز آیین را به ایشان گفتم و یادآور شدم که یکی از اهداف ما، بزرگداشت گذشته دانشگاه و از جمله استادان و کارکنان بازنشسته و پیشکسوت است و دوست داریم که از آنان در مرحله برنامه ریزی و برگزاری مراسم و ذکر گذشته و خاطرات و یادها و تهیه تصاویر تاریخی دانشگاه استفاده کنیم.

آنان نیز به بیان عملکرد کانون و خواسته ها و کمبودها و انتظارات خویش از دانشگاه پرداختند و بعداً همان مطالب را رسماً طی نامه ای به من بازتاب دادند.

من برخی از مشکلات آنان را مورد پیگیری قرار دادم و به اتفاق نماینده کانون جلساتی با ریاست و معاون اداری و مالی دانشگاه داشتم و کوشش کردم در برنامه های آیین هم از آنان استفاده کنم و به تجربه های ایشان ارج بگذارم. از این رو، از تعدادی از اعضای کانون در کارگروه ها و انجام کارهایی بهره جستم و مراسمی مستقلی برای بزرگداشت خدمات بازنشستگان پیش بینی گردید و قرار شد از ۲۱ نفر برگزیدگان بازنشسته تجلیل گردد.

افزون بر این، طرح یادبود شصتمین نیز به همه بازنشستگان نیز اهدا شود. خوشبختانه در ماه های بعد یک اتاق دیگر به کانون داده شد. مراسم تجلیل و دعوت بازنشستگان به صرف ناهار که چند سالی برگزار نشده بود، با حضور ریاست و معاونان و مدیران دانشگاه به خوبی برگزار شد.

در مراسم اجلاس، یک استاد و یک کارمند بازنشسته مورد تقدیر و تشویق قرار گرفتند و تعداد ۸۰۰ عدد طرح یادبود جهت اهدا به بازنشستگان به کانون تقدیم گردید.

از تعدادی مدیران و پیشکسوتان بازنشسته خواستم تا خاطراتی از دوران خدمت خویش را در دانشگاه بنویسند یا تصاویر شخصی خود از دانشگاه و مراسم سال های گذشته را در اختیار من قرار دهند. اکنون میراث ارزشمندی از یادها و تصاویر آنان در لینک شصتمین سالگرد در پورتال دانشگاه بارگذاری شده است.

من با تعداد زیادی از بازنشستگان ساکن در اهواز و شهرهای دیگر تلفنی گفت و گو کردم و پیش خبر برگزاری آیین را به آنان منتقل کرده و دست کمک به سوی آنان دراز کردم و آنان هم مطالبی را با پست و ایمیل برای من فرستادند.

در برنامه های گروهی مانند پیاده روی بزرگ دانشگاهیان و مراسم اجلاس در ورزشگاه دانشکده تربیت بدنی یز جهت شرکت از همه بازنشستگان دعوت بعمل آمد.



روزهای فراموش نشدنی

دانشگاه شهید چمران اهواز دارای در حدود ۱۷۰۰ نفر مستخدم غیر عضو هیأت علمی در انواع استخدام هاست. در شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، شایسته بود که این افراد احساس کنند که مدیران دانشگاه به نقش و خدمات ایشان توجه کافی دارند و به زبان دیگر، احساس کنند که وجود آنان، لحاظ و دیده می شود.

یکی از راه های به وجود آوردن این احساس مثبت، برگزیدن کارمند نمونه است. یعنی برگزیدن تعداد معدود از کارمندان متعهد به شغل خود به عنوان نمونه و نماینده ای از تعداد بسیاری از این دسته کارمندان که در دانشگاه حضور دارند.

به همین منظور چند نوبت به امور اداری مراجعه کردم و کوشش نمودم تا پیشینه و مدارکی در این باره را گرد آورم. متأسفانه دریافتم که حدود دوازده سال است که کارمند نمونه در دانشگاه برگزیده نشده است و فرم ارزیابی ویژه ای در این موضوع در قسمت کارگزینی دانشگاه موجود نیست.

همراه با خانم طالب زاده معاون کارگزینی در پایگاه های اطلاعاتی جستجو کردیم. خوشبختانه فرم های ویژه برگزیدن کارمند نمونه را در سایت برخی دانشگاه های کوچک و نا آشنا!! به دست آوردیم و از یکی از آنها برای دانشگاه بهره بردیم.

آن فرم از سوی کارگزینی به پیوست نامه ای به واحدهای دانشگاه، که متن آن را خودم فراهم کرده بودم، از طریق اتوماسیون فرستاده شد.

متقاضیان کارمند نمونه شدن بایستی فرم را تکمیل می کردند و مدیر واحد، امتیازات مورد نظر خود را در آیتم های مختلف باید ذکر می کرد و فرم های تکمیل شده را به کارگزینی بفرستد.

از سوی دیگر، از سوی دبیر خانه شصتمین سالگرد نیز با واحدهایی که فرم نفرستادند تماس تلفنی گرفته می شد تا نسبت به تکثیر فرم اقدام و آن را میان کارمندان خود توزیع کنند.

متأسفانه دسته هایی از کارمندان محترم با ناامیدی از نتایج این اقدامات و بی توجهی به جدی بودن آن، از پر و تکمیل کردن این فرم خودداری نمودند.

به هر حال، دبیرخانه شصتمین سالگرد، پس از تحویل گرفتن فرم های تکمیل شده از کارگزینی، نسبت به محاسبه امتیازات و بیرون آوردن نام دارندگان بیشترین امتیاز در دانشکده ها و واحدهای اداری اقدام نمود و از هر دانشکده یک نفر و از هر معاونت دو نفر و معاونت فرهنگی و اجتماعی یک نفر و از میان مجموع ادارات زیر نظر ریاست دانشگاه، پنج نفر را بیرون آورد. از آنجا که هر معاونت از چند اداره و واحد تشکیل شده است، برگزیدن کارمند نمونه را پس از محاسبه امتیازات پرسنل هر معاونت، به شخص معاون واگذار کردیم. به سخن دیگر، دبیرخانه شصتمین فقط عملیات شمارش امتیازات را بر عهده داشت و هیچ دخالتی در انتخاب کارمند های نمونه نداشته است.

اینگونه بود که از میان ۱۷۰۰ مستخدم دانشگاه و از میان آن دسته از کارمندانی که فرم ها را



تکمیل کرده بودند، ۳۰ نفر به عنوان کارمند نمونه برگزیده و نام ایشان از سوی دبیرخانه شصتمین سالگرد اعلام گردید.
از میان اعضای هیأت علمی و کارکنان بازنشسته نیز تعداد ۲۵ نفر از سوی هیأت مدیره کانون بازنشستگان، بر اساس آیتم هایی که کارگروه ویژه، معین کرده بود برگزیده شدند.
لازم به یادآوری است که فرآیند برگزیدن کارمندان و استادان نمونه شاغل و بازنشسته تماماً زیر نظر کارگروه ویژه و به استناد اطلاعات دریافت شده از بانک های اطلاعاتی دانشگاه صورت پذیرفت.

روزهای فراموش نشدنی

با توجه با چند نوبت تاکید جناب آقای دکتر خواجه ریاست محترم دانشگاه مینی بر لزوم رعایت احترام نسبت به مهمانان و جلوگیری از بی نظمی در مراسم استقبال و بدرقه از ایشان، صبح یک جمعه به د. کاظمی نژاد مسوول این قسمت از کار، زنگ زد و از ایشان خواستم هم اینک به دبیرخانه شصتمین برویم و برنامه تماس با مهمانان و امور آنان را شروع کنیم. با هم از کوی به سازمان مرکزی رفتیم و حدود یک ساعت در دبیرخانه گفت و گو کردیم. قرار شد که از روسای دانشکده‌ها بخواهیم یک نفر عضو هییت علمی را به عنوان رابط معرفی کنند و اولین نشست هماهنگی نمایندگان ۱۶ آذر در دانشکده علوم باشد. متن نامه را فراهم کردیم و قرار شد که ایشان فرمی را حاوی اطلاعات مورد نیاز از مهمانان تا روز دوشنبه ۱۶ آذر طراحی کند.

روز ۱۶ آذر در حالی که دانشکده علوم به جهت مراسم روز دانشجو بحرانی به نظر می رسید از قسمت پشت دانشکده علوم به اتاق جلسه آمدم و نمایندگان دانشکده‌ها و تصویربرداران روابط عمومی دانشگاه نیز به زحمت خویش را به اتاق دکتر کیاست رسانده بودند.

نشست که شروع شد من کلیاتی را پیرامون برنامه‌های آیین شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه گزارش دادم. از میان نمایندگان، من تنها سه نفر را از گذشته های دور می شناختم ولی بیشتر آنان را تا آن زمان ندیده بودم. وقتی حاضران نام های خویش را در برگه ای نوشتند متوجه شدم که حتی نام آنان را نشنیده ام.

دکتر کاظمی نژاد لیست اعضای هییت علمی بازنشسته هر دانشکده و فرم ویژه اطلاعات مورد نیاز را که خود وی طراحی کرده بود به آنان داد و متذکر شد که نمایندگان دقت کنند تا کسی از قلم نیفتاده باشد و حتما طی تماس با آنان، رسماً از ایشان برای حضور در مراسم دعوت کنند و قرار شد که این نمایندگان به کمک دیگر همکاران هییت علمی هر دانشکده، مسوول استقبال و بدرقه مهمانان همان دانشکده را بر عهده بگیرند.

جالب است به رغم آنکه من بیشتر نمایندگان را که عمدتاً از استادیاران جوان دانشکده‌ها بودند، نمی شناختم ولی خیالم راحت بود که می توانند این ماموریت را به خوبی انجام دهند.

در جلسات بعدی، مسئولیت اداره مراسم تقدیر از اعضای هییت علمی شاغل و بازنشسته و کارمندان شاغل در دانشکده‌ها نیز به همین نمایندگان سپرده شد و بعدها، مسئولیت تحویل و توزیع مدالیوم و طرح یادبود میان پرسنل دانشکده‌ها نیز به آنان واگذار گردید.

در ارزیابی کارها، دریافتم که هر سه کار مهم به خوبی انجام شده است و اعتماد من و دکتر کاظمی نژاد به آنان عملاً موانع زیادی را در ادامه کار از جلوی پای ما برداشت.

روزهای فراموش نشدنی

در یکی از نشست های کارگروه امور مهمانان و تشریفات اعلام کردم که هدایای مهمانان شامل روسای پیشین دانشگاه و استادان بازنشسته، را در محل استراحت و در شب اول به ایشان اهدا کنیم ولی آقای دکتر کاظمی نژاد یادآور شد که ممکن است در بعد از ظهر روز ۲۶ بهمن و پس از پایان اجلاس چه بسا دسته ای از مهمانان بخواهند اهواز را ترک کنند و به شهرهای خویش بازگردند از این رو بهتر است تا در ساعت ۱۴ همانروز و طی مراسمی در دانشکده‌ها هدایای استادان شاغل و بازنشسته به آنان اعطای شود و فرصت خوبی است تا همکاران قدیم و جدید با هم آشنا شوند و پیشکسوتان نیز دوستان خود را ببینند و طی مراسمی در ساعت ۱۵ نیز روسای پیشین دانشگاه در دفتر ریاست دانشگاه نشست داشته باشند و در پایان آن، هدایای خود را دریافت کنند.

این پیشنهاد مورد موافقت اعضای کارگروه قرار گرفت و مشروح آن، چند روز بعد طی نامه ای از سوی رییس دانشگاه به روسای دانشکده‌ها اعلام گردید. برای نحوه اداره و برگزاری مراسم دانشکده‌ها، هیچ دستورالعملی فراهم نگردید و کلاً به روسای دانشکده‌ها و نمایندگان دانشکده‌ها سپرده شد.

دانشکده‌های علوم و علوم زمین و علوم ریاضی بنا به تشخیص و ابتکار خود یک نشست مشترک در دانشکده علوم برگزار کردند. دانشکده‌های کشاورزی و علوم آب نیز یک مراسم مشترک در دانشکده کشاورزی برگزار نمودند. دیگر دانشکده‌ها هر کدام در همان ساعت و هم‌زمان نشست های مستقل و جداگانه برگزار نمودند.

در روزهای بعد، گزارش و تصاویر هر یک از مراسم را دریافت کردم. تصاویر گویای گرمی و صفای حاکم بر همه مراسم بود. خوشبختانه همه مراسم دانشکده‌ها با نوعی ابتکار و خلاقیت در برگزاری و پذیرایی و اجرای برنامه‌ها همراه بود و همکاری و همدلی میان پرسنل همان دانشکده در آن موج می زد. در بعضی از مراسم شاهد حضور سه نسل شاگرد و استاد بودیم و صحنه‌هایی از فوران خالص ترین عواطف و احساسات دیده شد.

تازه شدن دیدارها پس از سال‌ها دوری و احیانا بی خبری از یکدیگر و کنار هم نشستن نسل جوان و نسل پیشکسوت در دانشکده‌ها و تهیه تصاویر دسته جمعی و گروهی و ذکر خاطرات و تجارب از زیباترین و سودمند ترین و به یادماندنی ترین خاطرات این مراسم بود که در گرانقدری از برنامه اجلاس به برجسته تر به نظر آمد.

حضور برخی از همکاران هیأت علمی که از تندرستی و سلامت جسمی کامل برخوردار نبودند و به زحمت خود را به این مراسم رسانده بودند و در واقع بر برگزار کنندگان مراسم منت نهادند، از ارزش ویژه ای برخوردار بود.

در اینجا جا دارد از کلیه افرادی که در برگزاری مراسم بزرگداشت استادان و کارمندان دانشگاه متحمل زحمت شدند به ویژه از نمایندگان دانشکده‌ها قدردانی نمود.

*** این مجموعه خاطرات به قلم دکتر حسن دادخواه تهرانی تالیف شده است.***









فصل یازدهم

مستندسازی و مدیریت
دانش



مدیریت دانش، کوشش برای ضبط و ثبت گزارش کار و انتقال تجربه به مدیران بعدی
دکتر محمود کاشفی پور
معاون سابق آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه

جناب آقای دکتر دادخواه از من خواسته بودند در مورد تجارب خود در دوره دو ساله (۲۳/۱/۱۳۹۳ لغایت ۴/۳/۱۳۹۵) معاونت آموزشی گزارشی بنویسم. خوشحال هستم برای مستندسازی و ایجاد تجربه برای دیگران این مورد را درخواست نموده‌اند. مایل هستم قدری در مورد حجم کار معاونت آموزشی صحبت بکنم. می‌دانید یکی از مهم‌ترین معاونت‌ها معاونت آموزشی است. برخلاف نظر بعضی از همکاران، قطعاً آموزش پایه و اساس پژوهش است و بدون آموزش با کیفیت مناسب، پژوهش کامل و مترقی نخواهیم داشت.

پنج واحد از زیرمجموعه‌های مستقیم معاونت آموزشی می‌باشد: ۱- خدمات آموزشی دانشگاه (کلیه مسائل آموزشی مختلف در سطح کارشناسی و کاردانی و دکترای عمومی دامپزشکی) ۲- تحصیلات تکمیلی دانشگاه (کلیه امور آموزشی و پژوهشی کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی) ۳- دفتر نظارت و ارزیابی آموزشی (برنامه ریزی آموزشی، ترم‌بندی، سرفصل‌های دروس، آمارهای آموزشی، ارزیابی آموزشی و...) ۴- دفتر حفظ و هدایت استعدادهای درخشان دانشگاه (کلیه امور فوق برنامه استعدادهای درخشان، جذب دانشجویان بدون آزمون و...) ۵- دفتر آموزش‌های آزاد و مجازی (پی‌گیری امور مالی کلیه دانشجویان شهریه پرداز، برنامه‌ریزی و اجرای آزمون‌های سراسری و غیره و دوره‌های کوتاه مدت و...). البته علی‌رغم این‌که پردیس خودگردان دانشگاه از واحدهای زیر نظر ریاست محترم دانشگاه است با این حال کلیه امور آموزشی آن توسط واحد تحصیلات تکمیلی دانشگاه انجام می‌پذیرد. بخشی از شوراهای کمیته‌هایی که معاون آموزشی در آن با سمتی شرکت می‌کند، عبارت‌اند از: هیأت رئیسه (عضو)، شورای



آموزشی دانشگاه (رئیس)، شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه (رئیس)، شورای پژوهشی دانشگاه (عضو)، هیأت ممیزه دانشگاه (نایب رئیس و دبیر)، کمیسیون ماده ۱ (عضو)، هیأت اجرایی جذب (عضو)، کمیسیون موارد خاص دانشگاه (نایب رئیس)، کمیسیون موارد خاص استان (نایب رئیس)، شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه (نایب رئیس)، شورای نظارت و ارزیابی استان (نایب رئیس)، شورای فرهنگی دانشگاه (عضو)، شورای انفورماتیک دانشگاه (عضو)، ستاد شاهد دانشگاه (عضو)، دبیر منطقه ۹ آموزشی کشور (اخیرا منطقه ۱۰ شده است) و..

خلاصه‌ای از مجموع فعالیت‌های اینجانب به شرح زیر است. لازم به توضیح است هر واحد زیر مجموعه معاونت، امور اداری و آموزشی روزمره خود را داشته و موارد ذکر شده جدای از فعالیت‌های معمول این واحدها می‌باشد.

خدمات آموزشی دانشگاه

۱- خرید سرور جدید دانشگاه با ظرفیت بسیار بالا و موازی کردن آن با سرور قبلی: ظرفیت ثبت‌نام لحظه‌ای دانشجویی را چنان بالا برده که نه تنها نیازی به قطع سیستم برای سایر کاربران دانشگاه نیست بلکه چند برابر تعداد کل دانشجویان فعلی در یک روز می‌توانند ثبت نام نمایند.

۲- بالا بردن توان اتوماسیون با سیستم فعلی سما تا آن‌جا که تقریباً تمام گواهی‌های لازم از طریق سیستم صادر شده حتی تاییدیه تحصیلی و صدور دانش‌نامه، با این حال بزرگ‌ترین مشکل سما این است که بسیاری از بخش‌های آن تحت وب نیستند و توان محاسباتی و مدیریت تنظیم حق‌التدریس اساتید را ندارد و به همین دلیل چند ماهی است که موضوع برای تعویض نرم‌افزار مطرح شده و مجوزهای لازم اخذ شده است.

۳- اتوماسیون نمودن پرداخت پول برای دانشجویان شهریه پرداز از طریق درگاه (این بخش با همکاری واحد آموزش‌های آزاد و مجازی انجام گرفته). پرداخت‌ها از طریق فیش بانکی به طور کلی جمع‌آوری گردید. این امر علاوه بر کاهش حجم کاری برای دانشجویان و کارکنان آموزش تمامی دانشکده‌ها و دانشگاه، مسائل چانه‌زنی و دخالت‌های دستی را از بین برده و امنیت مالی بالاتری برای دانشگاه ایجاد کرده است. لازم به توضیح است تنها واحد دانشگاه که مجهز به درگاه ورود به بانک برای پرداخت مالی، این بخش از نرم‌افزار سما بوده که با همکاری امور مالی دانشگاه ایجاد شده است.

۴- طرح تک پرونده‌ای دانشجویانی که فارغ التحصیل شده‌اند (در ساختمان مرکزی) که در دوره معاونت قبلی شروع شده بود تکمیل گردید.

۵- بازسازی بیش از ۲۰۰۰۰ پرونده فارغ التحصیلان قدیمی که در حدود ۱۵۰ گونی نگهداری شده بود.

۶- بازسازی کامل بایگانی اداره فارغ التحصیلان و حذف تمام فایل‌های کشویی و دوار و اضافه کردن فایل‌های ریلی و افزایش ظرفیت آن، حداقل تا ۱۰ سال آینده نیازی به اضافه کردن فایل نیست (لازم به توضیح است این کار در معاونت قبلی شروع شده بود)، اگر چه باید سیستم به طرف اتوماسیون پرونده‌های دانشجویی برود.

۷- صدور بیش از ۲۱۰۰۰ دانش‌نامه تحصیلی شامل فارغ التحصیلان دو سال به اضافه مانده از سال‌های قبل. لازم به توضیح است این طرح به نحوی است که دانش‌نامه صادر و توسط معاون

و رئیس دانشگاه امضاء شده ولی تا هلوگرام و مهر آن زده نشود اعتباری ندارد. قطعاً دایره فارغ التحصیلان زمانی که مدارک فارغ التحصیل کامل باشد (تحصیل رایگان نیاز به چند سال کار و یا پرداخت هزینه‌ها دارد و فارغ التحصیل شبانه بلافاصله می‌تواند درخواست نماید و تحویل بگیرد) با الصاق هلوگرام می‌تواند آن را تحویل متقاضی دهد. اهمیت این روش این است در صورت عدم حضور رئیس و یا معاون دانشگاه، متقاضی دچار مشکل نشده و با تکمیل مدارک لازم می‌تواند دانش‌نامه خود را تحویل گیرد.

۸- اجرای برنامه تایید دانش‌نامه‌های صادر شده توسط جهاد دانشگاهی و موسسات غیرانتفاعی. دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان دانشگاه مادر مسئولیت تایید این مدارک را دارد. در مدت دو سال بیش از ۱۵۰۰۰ دانش‌نامه بررسی و در صورت صحت تایید شده‌اند.

۹- برگزاری جلسات متعدد با معاونین آموزشی سایر دانشگاه‌های استان برای بررسی و ارسال پیشنهادات در خصوص آیین‌نامه دانشجویان کارشناسی پیوسته و ناپیوسته و کاردانی ورودی‌های ۱۳۹۳ به بعد به وزارت‌خانه. لازم به توضیح است بسیاری از پیشنهادات این شورا در آیین‌نامه لحاظ گردید. جا دارد اختصاصاً از آقای مهندس پشم‌فروش تشکر ویژه در این رابطه داشته باشم که وقت زیادی روی آیین‌نامه گذاشتند.

تحصیلات تکمیلی دانشگاه

- ۱- تهیه شیوه‌نامه مربوط به آیین‌نامه‌های جدید کارشناسی ارشد و دکترا
- ۲- سازمان یافتن وضعیت مشاوره، راهنما و داور در پایان‌نامه‌های ارشد و رساله‌های دکترا
- ۳- انجام کلیه امور آموزشی پردیس دانشگاه
- ۴- برگزاری دو دوره مصاحبه دکترا (سال‌های ۹۳ و ۹۴)
- ۵- پی‌گیری قرارداد آموزشی فی‌مابین دانشگاه شهید چمران و دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

۶- تعدیل و تقسیم پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکترا در گروه‌های آموزشی (با در نظر گرفتن کلیه شرایط لازم عضو هیأت علمی) از طریق تعیین حد نصاب تعداد پایان‌نامه و رساله. هدف درگیر نمودن اعضای هیأت علمی جوان در تحصیلات تکمیلی برای کسب تجربه و پیشرفت آنان.

۷- برگزاری یک دوره آزمون تخصصی دکترا و مصاحبه آن (سال ۱۳۹۵). لازم به توضیح است امسال شیوه جدید پذیرش دانشجوی دکترا که تقریباً صد در صد در اختیار دانشگاه‌های کشور بوده اجرا گردید. برای اجرای آن جلسه‌هایی با مدیران گروه‌های آموزشی برگزار و پس از توضیحات لازم در خصوص شرایط حداقل نمره لازم برای ورود متقاضی به آزمون اختصاصی مدیران گروه‌های آموزشی خود نمره حداقل را انتخاب و براساس آن حدود ۴۰۰۰ نفر توسط سازمان سنجش معرفی شدند که بعضی از آن‌ها در چندین رشته مجاز شده بودند که پیچیدگی اجرای آزمون را خیلی زیاد کرد. واحد تحصیلات تکمیلی از دی ماه سال ۹۴ با رایزنی‌های فراوان با مسئولان نرم‌افزار سما در تهران شرایطی را به وجود آوردند که ثبت‌نام در آزمون تخصصی توسط متقاضی به صورت اتوماتیک و از طریق نرم‌افزار انجام شده و نه تنها هزینه آزمون از طریق درگاه توسط متقاضی پرداخت می‌شد، متقاضی می‌توانست گواهی لازم را صادر و پرینت کند.



کارت ورود به جلسه نیز می‌توانست داند و توسط متقاضی پرینت گردد. عملاً ۰ تا ۱۰۰ یک کنکور دکترا که سازمان سنجش معمولاً انجام می‌دهد توسط دانشگاه به صورت کاملاً اتوماسیون انجام گرفت. جا دارد از آقای دکتر راسخ و تیم ایشان و دکتر شریفی و تیم ایشان تشکر ویژه در این بخش داشته باشیم.

دفتر برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی دانشگاه

۱- تعدیل واحدهای آموزشی فردی و زمانی. با کنترل واحدهای ارائه شده توسط گروه‌های آموزشی تلاش بر این بود که تقسیم واحدهای درسی بین اساتید گروه به نسبت مناسبی انجام گردد تا از این طریق کیفیت ارائه دروس بالاتر رود، ضمن این‌که تقسیم دروس هر استاد در دو نیم‌سال نیز متعادل گردد. تا اندازه زیادی موفقیت به همراه داشت اما موفقیت کامل آن بستگی به مدیران محترم گروه‌های آموزشی دارد. توزیع زمانی دروس در طول هفته برای هر استاد نیز از جمله مواردی بوده که تلاش شده تا از مناسبت خوبی برخوردار باشند (متاسفانه در بعضی گروه‌های آموزشی تا ۳ درس برای یک استاد در یک روز برنامه‌ریزی می‌شد). هدف علاوه بر افزایش کیفیت، درگیر نمودن اعضا جوان گروه‌های آموزشی برای بالا بردن تجربه و کار گروهی بالاتر بوده است.

۲- متمرکز نمودن واحدهای آموزشی عمومی و تثبیت دروس اختصاصی گروه و سرویسی. تا اندازه‌ای در این امر موفقیت داشته‌ایم. به طور مثال کلیه واحدهای گروه معارف اسلامی، فارسی عمومی، زبان عمومی، ریاضیات، فیزیک و شیمی از جمله مواردی هستند که به صورت متمرکز در دانشگاه برگزار می‌گردند. این امر باعث شده تنوع اخذ واحد برای دانشجویان بیشتر شود و در سر جمع حق‌التدریس دانشگاه صرفه‌جویی زیادی گردد. نظر ابتدایی این بود که کلیه دروس تثبیت شوند و زمان ارائه آن‌ها معلوم و حتی تاریخ امتحانات آن‌ها مشخص شود (به صورت روز اول، روز دوم و...). و حتی نهایتاً برنامه ارائه دروس در سایت دانشگاه اعلام گردد مانند بسیاری از دانشگاه‌های متری دنیا. البته به نظرم هنوز ما به آن موقعیت نرسیده‌ایم و همت گروه‌های آموزشی و معاونین آموزشی این حرکت را سریع‌تر می‌کند.

۳- اخذ مجوز نهایی دو رشته دکترا (بیوشیمی، و بیوتکنولوژی میکروبی)، اخذ مجوز نهایی سه رشته ارشد (سیستماتیک گیاهی، حقوق عمومی و حقوق جزا و جرم‌شناسی)، اخذ مجوز از کمیسیون تخصصی وزارتخانه دو رشته دکترا (علوم قران و حدیث، سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی) و دو رشته ارشد (علوم شناختی و انرژی‌های تجدیدپذیر) و اخذ مجوز کارشناسی باستان‌شناسی. این آمار نشان می‌دهد به طور متوسط هر ۲/۴ ماه یک رشته مجوز گرفته شده است. رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی (دکترا)، مهندسی نفت- حفاری (ارشد)، فلسفه و حکمت اسلامی (ارشد)، و مهندسی مواد- خوردگی (ارشد) از شورای دانشگاه مجوز کسب نموده‌اند. رشته‌هایی که آماده شده و از هیأت رئیسه دانشگاه مجوز گرفته‌اند شامل بهداشت و بیماری‌آزبان (دکترا) و مهندسی ماشین‌های صنایع غذایی (کارشناسی). لازم به توضیح است در دوره وزارت جدید هدف به هیچ وجه توسعه کمی تحصیلات تکمیلی نیست و این مسئله بزرگ‌ترین مشکل در تصویب رشته‌ها می‌باشد.

۴- اجرای طرح ارزیابی اجباری دانشجویی از اعضاء هیأت علمی و صدور کارت ورود به جلسه امتحان. تا قبل از این طرح، دانشجو ارزیابی را انجام نداده و عضو هیأت علمی در ادامه کار خود برای ترفیع و ارتقا دچار مشکل می‌شد.

البته طرح‌های مشابه در سال‌های پیش اجرا می‌شد. در بعضی از نیم‌سال‌ها پرداخت بخشی از بدهی دانشجویان شهریه‌پرداز نیز از همین طریق انجام پذیرفت.

۵- برگزاری چندین دوره دانش و معرفت‌افزایی (با همکاری دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های استان).

۶- برگزاری سه دوره برنامه‌های هفته آموزش (سال‌های ۹۳-۹۴-۹۵)

۷- برگزاری یک دوره دانش و معرفت‌افزایی در مشهد مقدس (شهریور ۹۴) برای اولین بار در دانشگاه شهید چمران اهواز. اخذ مجوز از هیأت محترم رئیسه دانشگاه برای دوره دوم در مشهد (تابستان ۹۵) و برنامه‌ریزی‌های اولیه اجرای آن.

۸- معرفی استاد نمونه آموزشی هر دانشکده براساس شاخص‌هایی که به کمک گروه‌های آموزشی تهیه و در شورای آموزشی دانشگاه تصویب گردید (دو دوره ۹۴ و ۹۵). این امر علی‌رغم وجود آیین‌نامه‌های مربوطه و داشتن امتیاز برای اساتید نمونه آموزشی برای اولین بار در دانشگاه شهید چمران اجرا گردید.

۹- معرفی گروه‌های نمونه آموزشی بر اساس شاخص‌های پیشنهادی گروه‌های آموزشی و تصویب شورای آموزشی دانشگاه برای اولین بار در دانشگاه شهید چمران اهواز. جا دارد از جناب آقای دکتر پارسا و تیم کارشناسان مربوطه تشکر ویژه داشته باشیم.

دفتر آموزش‌های آزاد و مجازی دانشگاه

۱- پی‌گیری همراه با خدمات آموزشی و امور مالی دانشگاه برای ایجاد سیستم پرداخت از طریق درگاه برای کلیه دانشجویان شهریه‌پرداز.

۲- اتوماسیون نمودن فرآیند تسویه حساب دانشجویی و حذف سیستم فیش پرداختی.

۳- اجرای طرح پرداخت شهریه معوقه دانشجویان شبانه از سال‌های قبل. بدهی‌های معوقه با اجرای طرح‌های متفاوت از حدود ۳ میلیارد تومان به ۱/۴ میلیارد تومان کاهش یافت.

۴- اجرای طرح تعرفه خدمات دانشجویان شبانه (امور دانشجویی و فرهنگی).

۵- ایجاد فرآیند پرداخت شهریه برای سایر دانشجویان مانند تمدید سنوات، مهمان و ... از طریق درگاه و فیش بانکی در این بخش نیز حذف گردید.

۶- عقد قرارداد بیش از ۱/۷ میلیارد تومان آزمون شامل سراسری، ارشد، دکترا و... بالا بردن نرخ برگزاری آزمون‌های متفاوت (حتی سازمان سنجشی) به مقدار حدود دو برابر به نحوی که این بخش نیز به سوددهی برای دانشگاه تبدیل گردید.

۷- برگزاری ۴۲ آزمون سراسری، خصوصی، زبان و...

۸- بازسازی و افزایش امکانات ستاد آزمون.

۹- پی‌گیری قراردادهای ۱۱۰ دانشجوی دکترای بورسیه (وزارت، بنیاد، تبدیل به داخل، سایر سازمان‌ها) و دانشجویان خارجی.

۱۰- ایجاد سیستم پرداخت از طریق درگاه برای دانشجویان دکترای شهریه‌پرداز.



۱۱- جذب دانشجوی خارجی. تعداد دانشجویان خارجی در انتهای سال ۹۲ کمتر از ۱۰ نفر بودند حال با طرحی که به کمک دفتر روابط بین الملل انجام پذیرفت در شروع نیمسال آینده حدود ۵۰ نفر خواهند بود. (با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر لویمی).

جا دارد از جناب آقای مهندس قدوسی و جناب آقای دکتر شریفی و کارشناسان مربوطه تشکر گردد.

دفتر حذف و هدایت استعدادهای درخشان دانشگاه

۱- بازسازی کامل سایت کامپیوتری استعدادهای درخشان واقع در کتابخانه مرکزی. ارتقاء تمام کامپیوترها، افزودن پرینتر، آب سردکن، یخچال و ... برای دانشجویان و افتتاح مجدد آن با حضور ریاست و مدیران محترم دانشگاه.

۲- رایزنی با ادارات دولتی و غیردولتی استان برای اشتغال دانشجویان برتر (جلسه با معاونت توسعه نیشکر و کمک مالی این معاونت به دفتر، شرکت فولاد جهان آراء، شرکت مواد غذایی سولیکو و...). ارائه لیست دانشجویان رشته‌های مورد نیاز به این شرکت‌ها.

۳- رایزنی با مدیر محترم دفتر برنامه‌ریزی وزارت برای افزایش اعتبار دفتر و افزایش دو برابری آن برای سال ۹۵.

۴- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مهارتی برای دانشجویان عضو دفتر (اولین بار طرح و در سال ۹۴ اجرا گردید. ۲۴ کارگاه در زمینه‌های علمی، مهارتی، تقویت روحیه و...)

۵- برگزاری سه دوره آیین تجلیل از استعدادهای درخشان (۹۳-۹۴-۹۵)

۶- تدوین شیوه‌نامه‌های اجرایی پذیرش دانشجوی بدون آزمون برای دوره‌های ارشد و دکتری و اجرای آن.

۷- به روز کردن سایت دفتر

۸- ایجاد ارتباط با مرکز نخبگان استان و انتخاب ۱۲ نفر از دانشجویان ارشد و دکترا به عنوان دستیار پژوهشی و دستیار آموزشی با بودجه نخبگان کشور.

۹- برگزاری ۳ دوره آزمون المپیاد کشوری (۹۳-۹۴-۹۵)

جا دارد از جناب آقای دکتر سیاهپوش برای زحمات زیاد در موفقیت این دفتر تشکر ویژه گردد.

هیأت ممیزه دانشگاه

- ۱- تعداد جلسات : ۱۰۹ جلسه ۲/۵ ساعته
- ۲- تبدیل مربی به استادیاری: ۲۶ عضو هیأت علمی
- ۳- تبدیل استادیاری به دانشیاری: ۵۷ عضو هیأت علمی
- ۴- تبدیل دانشیاری به استادی: ۲۶ عضو هیأت علمی
- ۵- تبدیل وضعیت: ۱۱ مورد
- ۶- تعداد ۴ جلسه ۳ ساعته برای تهیه شیوه‌نامه برای آیین‌نامه جدید ارتقا هیأت اجرایی جذب دانشگاه
- ۱- موافقت با استخدام: ۸۰ نفر

۲- موافقت با طرح سربازی ۱۷ نفر

۳- تبدیل وضعیت: ۵۸ مورد

۴- جایابی: ۹ مورد

۵- تعداد جلسات: ۵۵ جلسه ۳ ساعته

امور مربوط به دفتر معاونت

۱- بازسازی کامل طبقه دوم واحد آموزشی دانشگاه

۲- قرارداد با دانشگاه خرمشهر: دانشگاه خرمشهر به دلیل قرار گرفتن در منطقه آزاد می‌توانست در آزمون ارشد از دوره‌های خاص با حمایت منطقه آزاد اروند برای ارتقاء علمی دبیران منطقه برخوردار شود. اما به دلیل نداشتن مجوز دوره‌های ارشد خاص با هماهنگی هم‌زمان دانشگاه خرمشهر، دانشگاه شهید چمران، معاونت آموزشی وزارت علوم و سازمان سنجش و با انجام مکاتباتی از طرف دانشگاه شهید چمران در ۸ رشته کارشناسی ارشد و به تعداد حدود ۷۰ دانشجوی پذیرفته شد. ۲۰٪ کل درآمد حاصل از این دانشجویان بدون هیچ هزینه‌ای برای دانشگاه شهید چمران پیش‌بینی گردید.

۳- آموزش مجازی: از ابتدای شروع کار خود با هماهنگی دکتر رعایابی برنامه‌ای برای توسعه آموزش مجازی طراحی شد و سه نفر از اعضاء هیأت علمی برای راه‌اندازی مرکز آموزش‌های مجازی انتخاب شدند. حتی از دکتر هاشمی رئیس مرکز آموزش‌های مجازی دانشگاه شیراز که یکی از پیشروان آموزش‌های مجازی در کشور است دعوت به عمل آمد و با برگزاری یک کارگاه آموزشی اطلاعات بسیار مفیدی در اختیار مدیران و کارشناسان دانشگاه قرار گرفت و حتی مسئولان راه‌اندازی بازدیدهایی از دانشگاه مشهد و شیراز داشتند. اما نکته بازدارنده در این بخش زیرساخت‌های لازم برای راه‌اندازی بوده با حداقل بودجه‌ای حدود ۳ میلیارد ریال. در ماه‌های اخیر با حمایت ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر خواجه بعضی از این زیرساخت‌ها آماده شده که انتظار می‌رود انشالله در ماه‌های آتی شاهد راه‌اندازی این واحد باشیم.

۴- راه‌اندازی دانشکده باستان‌شناسی در شوش با حداقل امکانات.

۵- به‌روز کردن سایت آموزشی دانشگاه.

در پایان و قبل از ارائه پیشنهادات برای ارتقا بخش آموزش و پژوهش دانشگاه لازم می‌دانم از کلیه مدیران، مسئولین، اعضاء هیأت علمی و کارشناسان و کارکنان عزیز و گرامی در ساختمان مرکزی و کلیه دانشکده‌ها تشکر نمایم. مایل هستم از دکتر رعایابی، دکتر خواجه، حاج آقا سید محسن شفیعی، دکتر فرازمنند، دکتر علم، دکتر حاجی دولو، دکتر هوشمند، دکتر مظهری و دکتر دادخواه در مدتی که در هیأت رئیسه بودیم، تشکر نمایم. از سرکار خانم شفیعی و کلیه کارکنان محترم روابط عمومی تشکر دارم. از حراست دانشگاه و بلاخص مهندس بابادی، مدیر محترم امور اداری دانشگاه دکتر نوروزی و مجموعه ایشان، مدیر امور مالی آقای اسدی و مجموعه ایشان و مدیر محترم دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه دکتر زادکرمی و مجموعه ایشان تشکر می‌کنم. از مدیران دلسوز مجموعه آموزشی مهندس پشم‌فروش، دکتر راسخ، دکتر پارسا، دکتر سیاهپوش، دکتر شریفی، دکتر خدایانه، مهندس قدوسی، دکتر مکتبی، دکتر هاشمی شیخ شبانی و دکتر قربان پور تشکر می‌کنم. اردتمند اعضاء هیأت ممیزه دانشگاه، روسای دانشکده‌ها، معاونین آموزشی و پژوهشی دانشکده‌ها، مدیران گروه‌های آموزشی، اعضا کمیسیون موارد خاص دانشگاه و استان،



اعضا هیأت اجرایی جذب و کمیسیون ماده ۱، اعضای شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه و استان و کلیه اعضا هیأت علمی دانشگاه هستیم.

پیشنهادات

بنده حقیق در سطحی که پیشنهاداتی را برای بهبود شرایط آموزش و پژوهش دانشگاه ارائه نمایم، نیستم. ولی با توجه به تجربیاتی که در دوران مدیریت خود کسب نموده‌ام مایل هستم چند مورد را مطرح نمایم.

۱- جایگزینی نرم‌افزار گلستان به جای نرم‌افزار سما و حتی نرم‌افزار پژوهشی. این نرم‌افزار در حال حاضر در ۸۰ دانشگاه برتر کشور از جمله دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت و... استفاده می‌شود. دارای قابلیت‌های بالایی است و قطعا در اتوماسیون سیستم آموزشی بسیار کارا تر از سیستم سما است. یکی از بخش‌های کارای آن تنظیم قرارداد حق التدریس اعضای هیأت علمی و محاسبات مالی آن می‌باشد. در حال حاضر کنترل حق التدریس و محاسبات آن وقت زیادی از کارشناسان آموزشی در دانشکده‌ها و ساختمان مرکزی می‌گیرد ضمن اینکه پروسه به صورت دستی و خسته کننده و با احتمال اشتباه زیاد صورت می‌گیرد. موضوع تعویض نرم‌افزار در هیأت محترم رئیسه دانشگاه مطرح و تلویحا مجوز تعویض آن نیز صادر شده است. در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۰ یک کارگاه آموزشی با حضور مهندس بهشتی مدیر برنامه گلستان برگزار گردید که رضایت کارشناسان و مدیران بخش آموزش و پژوهش دانشگاه را جلب کرده بود.

۲- طرح جمع‌آوری پرونده‌های فارغ التحصیلان از دانشکده‌ها اجرا گردد. این طرح باعث شده فضای زیادی از دانشکده‌ها آزاد شده و هزینه‌های خرید فایل و غیره کاهش یابد.

۳- طرح اتوماسیون پرونده‌های دانشجویی در ساختمان مرکزی اجرا گردد.

۴- ادغام بخش فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی و اداره فارغ التحصیلان فعلی.

۵- پی‌گیری تکمیل طرح تعدیل و تثبیت ارائه دروس در دانشکده‌ها.

۶- برای بهتر شدن رتبه دانشگاه برای بسیاری از رشته‌های دکترا، بجز بعضی رشته‌های علوم انسانی (باید کارشناسی شود)، دانشجوی دکترا برای فارغ التحصیل شدن باید حداقل یک مقاله ISI با ضریب تاثیر حداقلی پذیرش بگیرد و یا چاپ نماید. لازم به توضیح است در حال حاضر در بسیاری از دانشگاه‌هایی که رتبه‌ای ضعیف‌تر از دانشگاه شهید چمران دارند، مرسوم شده است. حتی دانشگاه‌های آزاد نیز این مورد را دنبال می‌کنند. قطعا اگر فکری نشود تا یکی دو سال آینده آن دانشگاه‌ها رتبه ما را می‌گیرند. در این رابطه دانشگاه می‌تواند جوایزی برای دانشجویانی که در مجلات Q1 و یا Q2 چاپ می‌نمایند، در نظر بگیرد.

۷- برای بالا بردن کیفیت دانشجویان ورودی ارشد و دکترا می‌توان زمان پذیرش، جوایزی را برای ترغیب متقاضیان رتبه‌های اول تا سوم کنکور در هر رشته برقرار نمود. بعضی دانشگاه‌های کشور در حال حاضر این طرح را انجام می‌دهند.

۸- برای بالا بردن رتبه دانشگاه برای مقالات چاپ شده در مجلات عالی (Q1 و یا Q2) ضرایب تشویقی در گرانت اعضا هیأت علمی پیش‌بینی شود.

۹- برای اعضای هیأت علمی که دارای Hindex بالا هستند ضرایب تشویقی در گرانت پیش‌بینی شود.

۱۰- برای این که اساتید جوان که مبلغ گرانت آن‌ها پایین است، تشویق شوند گرانت مربوط

به دانشجویان تحصیلات تکمیلی آنان جداگانه محاسبه و برای آنان در نظر گرفته شود (تجارب خوبی دانشگاه کشاورزی رامین در این زمینه دارد).

۱۱- میزان و نسبت ارجاعات به مقالات به عنوان یک شاخص در گرانت در نظر گرفته شود (نیاز به کارشناسی دارد).

۱۲- شرایطی فراهم شود (از نظر تبلیغات و مسائل رفاهی) که جذب دانشجویان خارجی که یک شاخص مهم در رتبه‌بندی دانشگاه است، بیشتر گردد. دانشگاه شهید چمران به دلیل نزدیک بودن به بعضی کشورهای منطقه پتانسل لازم را دارد.

با آرزوی قبولی طاعات و عبادات در این ایام ماه مبارک رمضان
۱۳۹۵/۴/۱۴



در راستای تحقق مدیریت دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز «گزارش عملکرد مدیریت دانشکده مهندسی» دکتر حمیدرضا غفوری

عید سعید فطر را به عموم همکاران و دانشجویان عزیز در دانشکده مهندسی تبریک و تهنیت عرض نموده و قبولی طاعات و عبادات خالصانه همه عزیزان را در ماه مبارک رمضان از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم. هم‌چنین انتصاب شایسته دوست و همکار دانشمند جناب آقای دکتر حیدری شیرازی را به سمت ریاست دانشکده مهندسی به ایشان و عموم خانواده دانشکده مهندسی تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. آرزو می‌کنم که با توجه به شایستگی‌های ایشان، دانشکده مهندسی آینده درخشان‌تر و موفقیت‌های چشم‌گیرتری را شاهد باشد. آمین. با اتمام مسئولیت اینجانب در دانشکده مهندسی و انتصاب ریاست جدید دانشکده، فعالیت این وبلاگ تربیون آزاد دانشکده مهندسی با مدیریت اینجانب نیز به پایان می‌رسد. راه‌اندازی این وبلاگ در عید غدیر سال ۱۳۹۱ صورت گرفت و جالب آن‌که اتمام فعالیت آن نیز مقارن با عید فطر سال ۱۳۹۵ گردیده است. این تقارن‌های مبارک را به فال نیک گرفته و امیدوارم که فعالیت این وبلاگ توانسته باشد در راه تعامل مستقیم با همه اقشار دانشکده و طرح بی‌واسطه نظریات، انتقادات و پیشنهادات سازنده، به‌خوبی عمل کرده و در جلب نظر مخاطبین موفق بوده باشد. علی‌رغم همه زمان زیادی که به روزرسانی و پاسخ‌گویی به مطالب رسیده در این وبلاگ مصروف خود می‌ساخت اما قطعاً برای اینجانب این درگاه یکی از مفیدترین راه‌های ارتباطی با همه اقشار دانشکده بود و نظریات مطرح شده در این‌جا توانست کمک شایان توجهی به رفع معضلات و روان‌تر سازی امور اجرایی دانشکده بنماید. پیشنهاد من به ریاست جدید دانشکده آن خواهد بود که این تربیون را برای بیان نظریات دوستان هم‌چنان مفتوح نگه دارند و در بسط و گسترش آن تلاش نمایند، باشد که ضمن مشکل‌گشایی از برخی معضلات دانشکده، از این‌ره‌گذر، برای طرح انتقادات سازنده از سوی مخاطبین و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی از سوی مسئولین تمرین کرده باشیم و آستانه تحمل خود را در شنیدن نظرات مخالف افزایش دهیم، موضوعی که فضای اجتماعی و سیاسی کشور در این روزها سخت به آن محتاج است. به‌عنوان مسئول قبلی دانشکده و خدمت‌گزار آن وظیفه خود می‌دانم که گزارشی از برخی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در طول دوره تصدی مسئولیت به خانواده دانشکده مهندسی ارائه نمایم. برخی از این اقدامات به شرح ذیل‌اند:

فعالیت‌های نرم‌افزاری

- تدوین اولین برنامه پنج‌ساله دانشکده مهندسی: دانشکده مهندسی در حال حاضر تنها دانشکده‌ای است که دارای چنین برنامه‌ای می‌باشد و فعالیت‌های خود را در طول سه سال گذشته بر اساس آن به پیش برده است.

- افزایش تعداد اعضای هیأت علمی دانشکده از ۶۳ نفر به ۹۱ نفر با جذب اساتید جوان به منظور اصلاح نسبت استاد به دانشجو. این درحالی است که طی همین مدت تعداد ۵ نفر از همکاران هیأت علمی بازنشسته شده و به همین تعداد نیز به‌دلایل مختلف از دانشکده جدا شده‌اند.

- برگزاری جلسات متعدد کارگروه‌های علمی جذب، کمیته‌های منتخب و کمیسیون‌های تخصصی هیأت ممیزه به منظور جذب اعضای جدید، تبدیل وضعیت استخدامی و یا ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی. بر این اساس در طول ۴ سال گذشته:

- تعداد ۱۰۵ نفر در کارگروه‌های بررسی صلاحیت علمی مورد مصاحبه قرار گرفتند و حدود ۴۰ نفر جذب شدند.

- ۵ نفر به مرتبه استادی و ۷ نفر به مرتبه دانشیاری ارتقاء مرتبه پیدا کردند. پرونده ۵ نفر دیگر از اعضای هیأت علمی در مراحل مختلف رسیدگی قرار دارد.

- ۶ نفر از اعضای هیأت علمی از پیمانی به رسمی آزمایشی و یا از رسمی آزمایشی به رسمی قطعی تبدیل وضعیت شدند. در حال حاضر پرونده ۴ نفر دیگر به همین منظور در دست رسیدگی است.

- اخذ مجوز برای رشته مهندسی مواد در مقطع دکتری و مهندسی مکاترونیک، مهندسی سیستم‌های انرژی، مهندسی برق گرایش کنترل در مقطع کارشناسی ارشد.

- پی‌گیری برای اخذ مجوز مهندسی مواد گرایش خوردگی، مهندسی نفت گرایش حفاری، مهندسی معماری گرایش بازسازی پس از سانحه در مقطع کارشناسی ارشد و مهندسی شیمی و مهندسی صنایع در مقطع کارشناسی

- فراهم آوردن مقدمات لازم برای تفکیک دانشکده مهندسی به سه دانشکده مجزا و ایجاد پردیس مهندسی

- برگزاری همایش‌های علمی با عناوین همایش مهندسی مکانیک، همایش تخصصی جوش، سمینار کاهش اثرات مخرب ریزگردها بر روی تجهیزات شبکه برق و صنایع، به همراه تعداد زیادی کارگاه آموزشی و سمینارهای کوتاه دیگر.

- پیشنهاد و اجرای طرح تجمیع گرنت پژوهشی مازاد اعضای هیأت علمی که از ره‌گذر آن در دو مرحله قریب به ۲۰۰ میلیون تومان برای تامین نیازهای تجهیزاتی گروه‌های دانشکده جذب شد.

- انتشار ۲ عنوان نشریات علمی گروه‌های عمران و مکانیک و انجام پی‌گیری‌های لازم جهت راه‌اندازی دو عنوان دیگر

- برگزاری سه دوره نشست صمیمی سالیانه با حضور اعضای هیأت علمی دانشکده به صورت ضیافت عصرانه تحت عنوان «عصر مهندسی».

- برگزاری سه دوره نشست صمیمی سالیانه با حضور کارکنان دانشکده به صورت ضیافت عیدانه تحت عنوان «محفل انس».

- راه‌اندازی وبلاگ «تریبون آزاد» و کانال تلگرامی «تابلو اعلانات مجازی دانشکده» برای اطلاع‌رسانی شفاف و سریع به مخاطبین.

- برگزاری نشست‌های کاری سالیانه با هر یک از گروه‌های آموزشی به طور جداگانه حداقل یک‌بار در هر سال.

- تشکیل کارگروه ایمنی (HSE) و پی‌گیری مسائل مربوط به ارتقاء سطح ایمنی کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها



- کسب عناوین متعدد آموزشی، پژوهشی، فناوری، ورزشی و فرهنگی توسط اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارکنان دانشکده.

فعالیت‌های سخت‌افزاری

- تکمیل عملیات بازسازی کتابخانه قدیم دانشکده مهندسی و تغییر کاربری آن برای راه اندازی گروه معماری و بخش‌های دیگری از دانشکده.

- احداث دانشکده شماره ۲ مهندسی (موسوم به دانشکده عمران و معماری) که در حال حاضر قریب به ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و با تخصیص اعتبار برای تکمیل آن که اخیراً صورت گرفته، در آینده نزدیک به بهره‌برداری خواهد رسید.

- تجهیز آزمایشگاه‌های دانشکده به تجهیزات مورد نیاز با کمک‌های شرکت ملی صنایع فولاد ایران به مبلغ تقریبی یک میلیارد تومان، بودجه ۶۵۰ هزاردلاری وزارت متبوع، به همراه سایر بودجه‌های تخصیصی سالیانه که به‌طور متوسط سالیانه رقمی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان را شامل شده است.

- تجهیز و راه‌اندازی مرکز پردازش‌های سریع دانشگاه

- به‌سازی اساسی و مکانیزه کردن اداره آموزش دانشکده مهندسی

- بازسازی اساسی و ارتقاء زیرساخت شبکه اینترنت دانشکده با نصب ۶ کیلومتر فیبرنوری، سوئیچ‌های مدیریت‌پذیر، پیچ پنل‌ها و سایر تجهیزات مربوطه

- احداث مرکز تحقیقات فولاد

- راه‌اندازی و تجهیز تعدادی از آزمایشگاه‌های جدید نظیر آزمایشگاه مواد نوین، آزمایشگاه انرژی‌های تجدیدپذیر، آزمایشگاه نانوفناوری، آزمایشگاه میکرونیکی و ...

- نصب و راه‌اندازی آسانسور

- گازسوز کردن کوره سوله گروه مواد

- آغاز عملیات احداث مجموعه آزمایشگاه‌های مهندسی شیمی و نفت به مساحت ۲۰۰۰ متر

مربع

- تجهیز تمام قسمت‌های ساختمان اصلی دانشکده به سامانه دوربین حفاظتی

- بازسازی بخشی از سالن سوله گروه مکانیک به منظور ایجاد آزمایشگاه آزمایشات غیرمخرب (NDT) و سایر آزمایشگاه‌هایی که راه‌اندازی آن‌ها نیازمند فضای تمیز می‌باشد.

- تامین و نصب خودپرداز در سرسرای ورودی دانشکده

- طراحی و نصب تابلوهای راهنمای دو زبانه در کلیه نقاط دانشکده

- تعویض قاب‌های روشنایی در بخش اعظم راهروهای دانشکده به منظور بهبود کیفیت بصری

ظاهر دانشکده

- بازیابی و احیای مسیر متروکه دفع آب‌های سطحی دانشکده که به‌طور اساسی مشکل آب‌گرفتگی معابر دانشکده را برای همیشه حل نمود.

- تخصیص و تجهیز اتاق اساتید مدعو

- تجهیز اغلب راهروهای دانشکده به سی‌ستم‌های خنک‌کننده

- ایجاد دو سالن مطالعه مجزا برای خواهران و برادران
 - تعمیر و راهاندازی مجدد تعداد زیادی از تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی که مدت‌ها خراب و بلااستفاده بودند.

- تعمیر و تعویض قریب به ۱۸۰۰ صندلی کلاس‌های درسی
 - انجام تعمیرات تابستانی همه ساله در بخش‌های مختلف دانشکده
 در خاتمه از خداوند متعال مسئلت دارم که به جود و کرم خویش برخطاها و لغزش‌های ما در طول دوره مسئولیت قلم عفو و بخشش بکشد. هم‌چنین لازم می‌دانم که از تلاش‌ها و زحمات کلیه عزیزانی که به طرق مختلف این حقیر را در انجام وظایف سازمانی در چند سال گذشته یاری نموده‌اند صمیمانه و خاضعانه تشکر و قدردانی نمایم. از همه عزیزان عاجزانه می‌خواهم که چنان‌چه سهوا از ناحیه اینجانب خطایی در رابطه با آنان سرزده بر من ببخشند که هم در دنیا و هم در عقبی سخت به بخشایش آنان محتاجم.

به امید روزهایی بهتر و درخشان‌تر برای دانشکده مهندسی.

ارادتمند
 حمیدرضا غفوری
 ۹۵/۴/۱۹



«راهی دیگر برای تحقق مدیریت دانش در دانشگاه» تحلیلی مختصر بر سامان‌دهی منابع علمی و پژوهشی تولید دانشگاه محمدحسن عظیمی

یکی از مسایلی که در فرآیند مدیریت منابع پژوهشی لازم است مورد توجه قرار گیرد و مدیریت شود طرح‌های پژوهشی، اعم از طرح‌های درون سازمانی و یا طرح‌های برون سازمانی (طرح‌های ارتباط با صنعت و قرارداد با سازمان‌ها) می‌باشد. از آن‌جا که این قبیل طرح‌ها عموماً با هدف اصلاح ساختار، رفتار، بهبود فرآیند، افزایش بهره‌وری و یا هر رویکرد دیگر که باشد عموماً بر اثربخشی محسوس و ملموس و یا به عبارتی کاربردی تاکید دارند پس نتایج آن می‌تواند از جهات ویژه‌ای مورد توجه قرار بگیرد. روال موجود این قبیل طرح‌ها (برون سازمانی) بعد از طی مراحل اداری و سازمانی و عقد قرارداد و انجام کار، در نهایت منجر به ارائه گزارشی یک یا چند جلدی خواهد بود که بر اساس قرار داد به کارفرما تحویل خواهد شد و یا در طرح‌های درون سازمانی نیز بعد از اتمام طرح و ارائه گزارش پایانی و طی مراحل سازمانی اعم از داوری و ... به ظاهر کار به اتمام می‌رسد.

نکته‌ای که در این زمینه لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که سرنوشت این قبیل گزارشات در فرآیند پژوهش‌های بعدی نامعلوم است و قابلیت دسترس پذیری ندارند. به این معنا که بعد از مدتی محقق دیگری در آن حوزه اگر اقدام به ارائه طرح پیشنهادی بدهد امکان این که در فرآیند بررسی طرح، سازمان متوجه تکراری بودن طرح شود خیلی ضعیف است مگر بر اساس قدرت حافظه افرادی که در روند اجرایی این امر درگیر هستند و سابقه دارند. در غیر این صورت امکان اجرای یک طرح تکراری موجود است. نکته دیگر اینکه طرح‌های مصوب داخلی (در حد اطلاع بنده در حوزه کاری خودم) بعد از اتمام طرح به هیچ عنوان برای اجرا و یا بهره برداری به مرجع ذی ارتباط ارسال و ابلاغ نمی‌شود. هم‌چنین نتایج پایانی این گونه طرح‌ها نیز برای نگهداری علمی و باز استفاده و قرارگرفتن در مسیر پژوهشی به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه نیز ارسال نمی‌گردد (در سال ۱۳۸۸ به پیشنهاد این حقیر در شورای پژوهشی دانشگاه این امر مصوب شد ولی ظاهراً هیچ وقت عملی نشد). هم‌چنین کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد به عنوان یک عامل مهم در طول فرآیند اجرایی و انجام مطالعات و پژوهش و یا نگهداری و سازمان‌دهی نتایج طرح به منظور دسترس پذیر کردن دست‌آوردهای پژوهشی طرح نقش مشخص و معینی در فرآیند پژوهش ندارد و جای‌نمایی نشده است.

از این رو تبعات و خساراتی به سازمان وارد خواهد شد که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- عقیم ماندن نتایج پژوهشی طرح در چرخه پژوهشی و تولید علم و دانش در دانشگاه
- بی‌تاثیر بودن در فرآیند ارتقاء رتبه و رنکینگ دانشگاه بر اساس میزان اسناد و بهره‌برداری استنادی پژوهش (به دلیل دسترس پذیر نبودن نتایج طرح برای محققان و پژوهش‌گران داخلی سازمان و یا خارج از سازمان در مطالعات و پژوهش‌های آتی مرتبط با موضوع و به همین دلیل هیچ استنادی به آن تعلق نخواهد گرفت)
- بی‌تاثیر بودن در فرآیندهای اجرایی و سازمانی به منظور عدم تحقق و عملی نمودن اهداف پژوهش. (بر اساس اطلاعات بنده و در حوزه کاری خودم مطمئن هستم ولی دیگر حوزه‌ها

تعمیم داده شده است.)

- صرف هزینه‌های متعدد پژوهشی از بدنه سازمان بدون بهره‌برداری مطلوب. و البته خیلی موارد دیگر که در حوصله این نوشته نمی‌باشد در حوزه طرح‌های برون سازمانی نیز کلیه تبعات و آثار منفی آمده در بالا متصور است و می‌تواند تعمیم پذیرد.

البته نکته مهم و مشابه دیگر که در این راستا جای بحث دارد مسئله آثار و تالیفات اعضای هیات علمی دانشگاه در قالب مقالات، کتب و دیگر آثار پژوهشی است که در سامانه پژوهشی دانشگاه ثبت می‌شود. ذیلاً نیز مختصری در این زمینه توضیح داده خواهد شد.

از آن‌جا که هر گونه فعالیت پژوهشی اساتید دانشگاه در کلیه قالب‌های آن (مقالات مجلات، همایش‌های داخلی و خارجی، کتاب، نقد و... برای مستندسازی سوابق پژوهشی اساتید به منظور لحاظ کردن در فرآیند ارتقاء و پرداخت‌های پژوهشی (حق الزحمه و گرانت و...) در سامانه‌ای به نام سامانه پژوهشی ثبت اجباری می‌شود و در این زمینه کلیه آیتم‌های کتاب‌شناختی و اطلاعاتی آن نیز وارد می‌شود و ضمن اینکه نسخه‌ای از اصل اثر لازم است که در قالب‌های مورد نظر الحاق شود. تا مورد تایید سامانه قرار گیرد و تعهدات دانشگاه نسبت به آن عملی شود. تا این بخش کار یک امر کاملاً سازمانی و مورد نیاز و الزام‌آور است و فعلاً قصد نیست در فرآیند مورد نظر نقد و یا بحث فنی وارد کرد (در زمان و موقعیت مناسب به آن پرداخته خواهد شد). نکته‌ای مهم‌تر و اساسی‌تر از این فرآیند سازمانی مد نظر است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

با فرض انجام کامل و دقیق و بی نقص مراحل مد نظر برای ثبت سوابق پژوهشی آثاری که می‌تواند بر آن مترتب شود برشمرده می‌شود:

- ثبت سوابق پژوهشی فرد، گروه، دانشکده و دانشگاه به لحاظ کمی و ایجاد بانک اطلاعات اولیه
- تسهیل در فرآیند پرداخت مالی پژوهش‌های مورد نظر اعم از محاسبه و...
- تسهیل در فرآیندهای اداری و سازمانی اعم از ارتقاء عمودی و افقی به مدد این سامانه و تهیه فهرست‌های مورد نظر برای کمک به فرد و سازمان در انجام مراحل اداری سازمانی و یکسان‌سازی فرآیند و کاهش برخی مراحل این فرآیند
- زمینه‌سازی تهیه گزارش‌های آماری کمی برای شناخت میزان رشد و حرکت فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه از منظر فردی، گروه، دانشکده و حوزه‌های علوم انسانی، علوم پایه و علوم مهندسی و...
- یکسان‌سازی مراحل اداری ارتقاء و ...
- ایجاد اطمینان و سرعت در فرآیندهای مورد نظر

اما تا این‌جا بر اساس یک نیاز سازمانی و ضرورت‌های اجرایی تشخیص (صرف‌نظر از قضاوت در صحت و درستی تصمیم) و نسبت به رفع این نیاز سامانه‌ای طراحی و مورد استفاده قرار گرفته با تمام چالش‌هایی که در پی داشته است. نکته مهمی که تا کنون مورد غفلت مدیران و مسئولین امر قرار گرفته و به آن توجه نشده است و از این بابت خسارات مهم و جبران‌ناپذیر ولی نامحسوس و مستتر به پیکره دانشگاه وارد شده است که در مقیاس مادی شاید قابل محاسبه نباشد و می‌توان



یکی از عمده دلایل در نزول رتبه دانشگاه در رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور می‌باشد و اگر به دقت و منطقی به این بعد توجه لازم بشود می‌توان شاهد تاثیر مثبت و محسوس آن در نتایج ارزیابی‌های آتی دانشگاه و تغییر در رتبه دانشگاه بود.

از آن‌جا که حجم قابل توجهی از آثار پژوهشی دانشگاه در این سامانه گردآوری شده است هر چند این آثار علاوه بر این که در این سامانه به صورت متمرکز نگهداری می‌شود در سامانه‌های متعدد و مختلف دیگر پژوهشی در داخل کشور و یا خارج از کشور سامان‌دهی و دسترس‌پذیر شده است بدون توجه به نوع آن سامان‌دهی و میزان دسترس‌پذیری که می‌تواند در جای خود مورد توجه قرار گیرد. حال اگر متولیان امر بر اساس این حجم از اطلاعات که کامل و جامع نیز نگهداری می‌شود و سالانه هزینه‌های گزافی صرف نگهداری و سامان‌دهی آن‌ها می‌شود، زمینه‌های دسترس‌پذیری آن را بر اساس شاخص‌ها و ویژگی‌های علمی و سازمانی به نحوی فراهم آورد که محققان و پژوهش‌گران در جستجوی منابع پژوهشی خود در محیط وب به این منابع نیز دسترسی پیدا کرده و از آن‌ها در قالب رفرنس و مرجع پژوهشی خود در تالیفات جاری و آتی استفاده نمایند تبعات فوق‌العاده مثبت و مهمی برای دانشگاه در پی خواهد داشت. ذیلاً به برخی از این مزیت‌های بالقوه موجود اشاره می‌شود:

- میزان بازدید سایت دانشگاه به نحو چشم‌گیری افزایش پیدا می‌کند در نتیجه آمار مراجعات به سایت دانشگاه افزایش یافته و میزان آشنایی مراجعان به سایت با دانشگاه افزایش خواهد یافت
- با تحلیل رفتار این قبیل مراجعات در سایت به راحتی می‌توان برنامه‌های جذب و ماندگاری مراجعان در سایت و نهایتاً معرفی بیش‌تر دانشگاه و توان‌مندی‌های آن و نهایتاً ایجاد میل و رغبت به ارتباط با دانشگاه را برنامه‌ریزی نمود.
- این روش می‌تواند زمینه‌های فعالیت‌های بین‌المللی و ارتباط بین‌دانشگاهی را توسعه دهد.
- میزان و سرعت و کیفیت دسترسی به منابع پژوهشی تالیفی اساتید دانشگاه افزایش یافته و باعث افزایش اعتبار افراد سازمانی دانشگاه و در نهایت خود دانشگاه در تالیفات در حوزه‌های متعدد خواهد شد و در نتیجه در ارزیابی‌های رتبه‌بندی شاهد ارتقاء رتبه دانشگاه خواهیم بود. معرفی توان‌مندی‌های فردی اعضای هیأت علمی دانشگاه در حوزه‌های مختلف و کسب اعتبار دانشگاه بر این اساس خواهیم بود.
- ایجاد سامانه یکپارچه وب برای معرفی قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های علمی و پژوهشی افراد و گروه‌ها و دانشکده‌ها بر اساس اطلاعات موجود
- کاهش چشم‌گیر هزینه‌های جاری به‌روز نگهداری سایت ناکارآمد موجود دانشگاه
- افزایش چشم‌گیر حضور مجازی اساتید در محیط وب بدون تحمیل هزینه‌های اضافی و با بهره‌برداری موثر و درست از هزینه‌های انجام شده.







فصل دوازدهم

پیوست های فرهنگی و چشم اندازه های
نو در آیین بزرگداشت



آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد دانشگاه «زیبایی‌ها و برتری‌های مراسم اجلاسیه» دکتر حسن دادخواه

مراسم اجلاسیه به عنوان بزرگترین مراسم گروهی و جمعی آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه دارای زیبایی‌ها و برتری‌هایی در سنجش با دیگر مراسم مانند خود در دانشگاه شهید چمران اهواز بود که می‌توان آنها را در جنبه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

۱- حضور جمعیتی در حدود ۴۵۰۰ نفر از اقشار دانشگاهی در این مراسم، تاکنون در هیچ یک از برنامه‌های دانشگاه سابقه نداشته است.

۲- این حضور به ویژه در بخش دانشجویی، حضوری هدفمند بود، به این معنا که حاضران از آغاز برنامه تا پایان آن، بدون هیچ حرکت ایدایی و نامتناسب با فضای حاکم بر مراسم، در محل‌های خویش نشسته و برنامه‌ها را پی می‌گرفتند.

۳- حضور یازده نفر از روسای پیشین دانشگاه در مراسم، که در دولت‌های مختلف متصدی اداره دانشگاه بودند؛ ضمن نشان دادن جلوه‌هایی از بزرگ منشی ایشان و همبستگی برای ساختن ایران، بر وزن و اعتبار مراسم افزوده بود. ناگفته نماند که در بعد از ظهر همان روز، همه آنان با حضور در دفتر رییس دانشگاه به بحث و گفت و گوی دوستانه پیرامون مسایل کشوری و دانشگاهی پرداختند.

۴- حضور تعداد قابل توجهی از اعضای هیأت علمی شاغل و بازنشسته و پیشکسوت دانشگاه در مراسم و نشستن ایشان در کنار استادان جوان از دیگر زیبایی‌های این مراسم بود. ناگفته نماند که در بعدازظهر همان روز در دانشکده‌ها نیز مراسم با صفایی با شرکت استادان شاغل و بازنشسته و پیشکسوت برگزار گردید که آن‌هم از زیبایی‌های فراموش نشدنی برخوردار است.

۵- برنامه‌ها و سخنرانی‌های پیش‌بینی شده در مراسم ضمن آن که کاملاً فرهنگی و علمی بود، از هر گونه تکلف و تظاهر و تعارف‌های بی‌جا، به دور بود. از سوی دیگر، ترکیب و تلفیق و تنوع برنامه‌ها شامل نمایش فیلم‌های کوتاه، دیدن تصاویر، اهدای هدایا و تجلیل از برگزیدگان، پخش کلیپ‌های شوخی‌آمیز و سرود تازه دانشگاه از خستگی حاضران در طول سه ساعت برنامه جلوگیری کرد.

۶- وجود نظم در زمان ورود و خروج حاضران از سالن و مشخص بودن محل‌های استقرار مهمانان به شکل کلی مراسم ترتیب زیبایی بخشیده بود.

۷- برگزاری مراسم فرهنگی در یک سالن ورزشی البته مشکلات خود را دارد. کوشش شد تا این مشکلات به حداقل برسد و در عین حال، مکان زیبا و درخور توجه برای سه ساعت اجرای برنامه فراهم گردد.

۸- طراحی و ساخت دکور از سوی دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه با همه سادگی، چنان بود که تعداد زیادی از حاضران و بینندگان، روی سن رفته و تصویربرداری و عکس‌یادگاری گرفتند.

۹- پذیرایی از ۴۵۰۰ نفر، بدون این که وقت خاصی از مراسم را به خود اختصاص دهد یا موجب

توقف برنامه‌ها شود و در همان حال محترمانه و مناسب با جایگاه اقشار دانشگاهی و مهمانان باشد، از امتیازات مراسم بود.

۱۰- چیدمان مبیل و صندلی و گل‌میز در میان سالن، هم‌بر ظرفیت سالن برای گنجایش شمار زیادی از مهمانان افزود و هم‌با فرش کردن کف سالن ورزشی ضمن زیبا شدن سالن از صدمه خوردن به کف سالن جلوگیری می‌کرد.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد دانشگاه «در ترازوی مقایسه»

برای ارزیابی درست و تعیین جایگاه واقعی هر پدیده در میان هم نوعان آن، از جمله ارزیابی یک فعالیت فرهنگی و شناساندن برجستگی‌ها و کاستی‌ها، پس از بررسی داخلی آن، بهتر است تا ویژگی‌های آن را در مقایسه با دیگر فعالیت‌های فرهنگی مانند آن مورد مقایسه و سنجش قرار داد تا ابعاد بزرگی و خردی آن بهتر آشکار و هویدا گردد.

بر این پایه، در این یادداشت می‌خواهیم تا مجموعه مراسم و فعالیت‌های ویژه آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه را با فعالیت‌های فرهنگی که در سه دهه گذشته در دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است، مورد مقایسه و سنجش قرار دهیم تا از این رهگذر برجستگی‌های آن روشن تر شود.

۱- بخش فراوانی از فعالیت‌های فرهنگی تشکل‌ها و نهادهای دانشگاه معطوف به موضوعات و مسایل بیرون از وظایف و ماموریت‌های اصلی دانشگاه بوده و هست و به کلیت و مسایل داخلی دانشگاه ارتباط اندکی داشته است و دارد. در حالی که چهارچوب فعالیت‌های وابسته به شصتمین سالگرد، کاملاً در رابطه با مسایل و ضروریات داخل دانشگاه بود و سود و فایده آن مستقیماً به دانشگاه و دانشگاهیان بازمی‌گردد. در همین راستا می‌توان به تجلیل از اقشار دانشگاهی و مستند سازی و کمک به امر مدیریت دانش اشاره نمود که در آیین شصتمین سالگرد در حد مقدور به آن پرداخته شد.

۲- دسته فراوانی از فعالیت‌های فرهنگی محدود به اعضا و افراد وابسته به تشکل‌ها و نهاد هاست و اقشار داخل دانشگاه و تنوع چهره‌ها در آن دیده نمی‌شود. این در حالی است که در مراسم و فعالیت‌های آیین شصتمین سالگرد همه اقشار دانشگاه، هم به عنوان مخاطب و هم برگزار کننده، حضوری پررنگ داشتند.

۳- به رغم نکته‌ای که در بند یک نوشته شد، آیین شصتمین سالگرد به بسیاری از موضوعات مربوط به دیگر فعالیت‌های فرهنگی، به شکل نیکو و رضایت بخشی پرداخته است. برای نمونه در مراسم اجلاس آیین شصتمین، به موضوع شهید و شهادت بهتر و بیشتر از اجلاس کنگره بزرگداشت شهدای دانشجوی پرداخته شد. موضوع سخنرانی آقایان مهندس چمران و دکتر دوایی کاملاً پیرامون شهادت و شهدا و پیشینه دانشگاه شهید چمران اهواز در دفاع مقدس بود.

۴- بخش زیادی از فعالیت‌های آیین شصتمین سالگرد، کمک به شناساندن دانشگاه به دستگاه‌های دیگر بود. چاپ کتاب‌هایی در معرفی دانشکده‌ها می‌تواند در ایجاد ارتباط میان دانشگاه و صنعت و دستگاه‌های اجرایی کمک زیادی کند. این در حالی است که مراسم متعارف هفته پژوهش که همه ساله در دانشگاه برگزار می‌گردد، تنها بخش ناچیزی از این ماموریت را انجام می‌دهد و اقدامات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه در این مناسبت، شامل تمام ابعاد فعالیت آیین شصتمین سالگرد نمی‌شود.

۵- بخش قابل توجهی از فعالیت‌های شصتمین سالگرد، منجر به بازسازی و نوسازی برخی واحدهای دانشگاهی و زیباسازی محیط عمومی دانشگاه گردید و از این رو، هزینه‌های آن به شکل سرمایه در دانشگاه می‌ماند و همه از آن بهره می‌گیرند. این در حالی است که در انجام دیگر

فعالیت‌های فرهنگی که تاکنون شاهد آن بودیم به این مهم کمتر پرداخته شده است. ۶- جایگاه علمی و محبوبیت چهره‌های دعوت شده به مراسم اجلاس‌یه آیین شصتمین سالگرد به دور از گرایش سیاسی و اجتماعی آنان و حتی مشاغل اجرایی که اکنون متصدی آن هستند، از دیگر نکاتی است که موجب تمایز و ارجحیت آیین شصتمین سالگرد با دیگر فعالیت‌های فرهنگی گردیده است. حضور شصت دانش‌آموخته که هر یک از اشخاص تاثیرگذار در رشته خویش هستند و حضور استادان بازنشسته که از چهره‌های علمی کشور در دهه‌های اخیر بوده‌اند و هستند، شاهد بر این مدعاست.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «اثبات داشته‌هاست نه تکرار نداشته‌ها!!»

نظام غیر علمی و معیوب بودجه ریزی و برنامه نویسی در کشور و وابسته بودن دانشگاه‌ها به بودجه‌های دولتی از سویی و تمرکزگرایی شدید در تصمیم‌گیری‌ها در بخش آموزش عالی از سوی دیگر، مدیران دانشگاه‌های سراسر کشور و به ویژه دانشگاه‌های استان‌ها را واداشته است تا با چنگ زدن به ابزار چانه زنی و شرح و بسط نیازمندی‌های خود، شاید بتوانند بودجه و امکانات مورد نیاز دانشگاه‌ها را از مرکز تامین کنند. بر این پایه، گفتمان مدیران دانشگاه‌ها در رابطه با وزارتخانه متبوع به «گفتمان نیازمندی» تبدیل شده است و دیدارهای ایشان با مقامات ارشد و مسوولان اقتصادی کشور، به مثابه دیدار یک انسان فقیر و نیازمند با یک انسان متمکن و توانمند تبدیل شده است که فرد فقیر کوشش می‌کند تا با ترسیم نداری و ناتوانی خود، شاید بتواند کمک ناچیزی دریافت کند.

افزون بر این، کمبود شدید اعتبارات دولتی در دانشگاه‌ها، مدیران مراکز آموزش عالی را واداشته است تا با فراموش کردن جایگاه والای خویش، هر روز دست نیازمندی به سوی مسوولان شهر و استان‌ها دراز کنند شاید بتوانند برای اداره متعارف دانشگاه‌ها و برآوردن نیازمندی‌های اولیه خود، امکاناتی را جلب و جذب کنند.

این نیازمندی، در حالی است که از دانشگاهیان انتظار می‌رود تا بتوانند به عنوان یک گروه مرجع، هدایتگر و روشنگر دسته‌هایی از مردم در تصمیم‌سازی‌های کلان باشند و در توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور، نقش اول را بر عهده داشته گیرند. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که بیان نداشته‌ها و تکرار آن در دیدار با مسوولان، از نظر روانی هم تصور نادرستی را از دانشگاه مورد نظر در ذهن ایشان به وجود می‌آورد و هم اعتماد به نفس و بلکه عزت نفس را از دانشگاهیان دور می‌کند.

مدیران دانشگاه شهید چمران اهواز حتی پس از گذشت دو دهه از پایان جنگ تحمیلی هنوز در دیدار با مقامات وزارتی از تاثیرات منفی جنگ در عقب ماندگی دانشگاه شکایت می‌کنند و دایم از کهنه و فرسوده شدن امور زیر بنایی دانشگاه و ناکافی بودن بودجه سالانه دانشگاه در مقایسه با دانشگاه‌های همعرض خود، ناله می‌کنند. این شکواییه‌ها متأسفانه چنان تکراری شده است که به یک گفتمان برای مدیران دانشگاه تبدیل شده است، به حدی که نام دانشگاه شهید چمران اهواز تصویری از یک دانشگاه فرسوده و عقب مانده و ویران را تداعی می‌کند.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز با اطلاع کافی مسوولان برنامه ریز آن، به عقب ماندگی‌های دانشگاه، با این هدف برگزار گردید تا «داشته‌های» این دانشگاه را بازگو کند و به اثبات و باوراندن آن «داشته‌ها» در ذهن و ضمیر مقامات استانی و کشوری و وزارتی کمک و پافشاری کند و به ایشان بقبولاند که این دانشگاه مایه افتخار کشور و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست و کوشش برای بر طرف کردن کاستی‌های آن در راس وظایف سازمانی آنان است و نیازی به دراز کردن دست نیازمندی نیست. مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی که در چهارچوب این آیین برگزار گردید و یا در آینده به ظهور می‌رسد در راستای اثبات :

- ۱- وجود عشق و همبستگی و کوشندگی در وجود دانشگاهیان این دانشگاه به عنوان یک سرمایه اجتماعی است.
 - ۲- وجود امید به آینده بهتر برای دانشگاه در چشم و دل قشر جوان عضو هیئت علمی و کارکنان این دانشگاه موج می‌زند.
 - ۳- ثروت بی پایان بهره‌گیری از پیشکسوتان دانشگاه که فروتنانه خویش را وقف این دانشگاه کرده‌اند؛ ذخیره پایان نیافتنی است.
 - ۴- تعصب و پایبندی به استان خوزستان و دانشگاهی که خشت خشت آن یادآور رنج‌های گذشتگان ما بوده است، موتور محرکی است که تا سالیان دراز می‌تواند انگیزه نسل‌های آینده را پرقوت نگه دارد.
- با وجود این داشته‌های ارزشمند، انتظار می‌رود تا مدیران دانشگاه بتوانند از این سرمایه‌های کهن، به بهترین شکل بهره‌برداری کنند و آن را برای پیشبرد دانشگاه به خدمت گیرند و با اعتماد به نفس و عزت نفس بالا، با مقامات وزارتی به گفت و گو بنشینند.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «همه روسای دانشگاه»

از سوی رییس دانشگاه شهید چمران اهواز، از همه روسای پیشین دانشگاه شهید چمران اهواز در پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دعوت شده بود تا در مراسم اجلاسیه آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شرکت نمایند. از این رو آقایان دکتر منوچهر دوایی، دکتر خسرو نادران، دکتر نصرت الله ضرغام، دکتر علی عنایت، دکتر منصور سیاری، دکتر مهدی بخشنده، دکتر مسعود صفایی مقدم، دکتر محمد حسین نوری، دکتر مرتضی زرگر، دکتر حسن مروتی و دکتر محمد رعایایی اردکانی دعوت ایشان را پذیرفتند و در مراسم حضور یافتند. فقط دکتر عبدالرسول کاظم پور تشریف نیاوردند و دکتر نجفی نیز چند سال پیش مرحوم شدند و در مراسم یاد و خاطره وی گرامی داشته شد.

اجلاسیه، با سخنرانی دکتر دوایی به عنوان نخستین رییس دانشگاه پس از انقلاب شروع گردید و در ادامه برنامه از روسای پیشین دانشگاه دعوت شد تا برای اهدای جوایز به برگزیدگان دانشگاه و گرفتن عکس جمعی به روی صحنه تشریف بیاورند.

در بعد از ظهر همان روز، روسای پیشین دانشگاه در دفتر ریاست دانشگاه حضور یافتند و پیرامون پاره ای از مسایل دانشگاهی به گفت و گو پرداختند و در پایان این دیدار، نشان دانشگاه و لوح ویژه شصتمین سالگرد به آنان اعطا گردید.

دعوت از همه روسای دانشگاه که در دولت‌های پیشین متصدی اداره دانشگاه بوده اند و گردآمدن آنان در دفتر رییس کنونی دانشگاه گویای نکات و درس‌های زیبا و ظرفیتی است که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد و می‌تواند به عنوان یک الگوی رفتاری و سازمانی مورد بهره‌برداری قرار گیرد:

فعالیت و اقدامات کارگزاران و مدیران دستگاه‌ها باید در طول هم قرار گیرد تا بتواند دستگاه مربوطه از جمله دانشگاه را به جلو ببرد. طبعاً خنثی کردن اقدامات مدیران پیشین از سوی مدیر جدید، دستگاه مربوطه را به کندی و رکود سوق می‌دهد.

۲- برای به ثمر نشاندن اقدامات و عملکرد سلسله مدیران یک دستگاه، تنها راه عملی حرکت در چهارچوب برنامه و پیگیری اقدامات مدیران پیشین از سوی مدیر جدید است. چنانچه مدیران فاقد برنامه و نقشه راه برای دانشگاه باشند، اقدامات ایشان ابر و بی‌دنباله و ناکام می‌ماند و بودجه‌های هزینه شده به نتیجه نمی‌رسد.

۳- مدیران دستگاه‌ها از جمله روسای دانشگاه با هر گرایش سیاسی و فرهنگی و مذهبی، به دور از در نظر داشتن منافع کوتاه مدت شخصی و سیاسی خویش باید منافع ملی و سازمانی را در نظر داشته باشند و منافع بلند مدت سازمان را فدای منافع مقطعی نکنند.

۴- در کنار هم نشستن و یافتن راه حل برای چاره‌جویی و برون رفت از مشکلات دانشگاهی، با بهره‌گیری از خرد جمعی و به دور از گرایش سیاسی، از هدر رفتن تجربه‌های مدیران جلو گیری می‌کند و میزان اشتباه مدیر جدید را پایین می‌آورد.

۵- گرد آمدن روسای پیشین دانشگاه در واقع احترام به گذشته و پیشینه و سوابق بلند دانشگاه شهید چمران اهواز است و می‌تواند به اعتبار آن بیفزاید و مانعی برای دخالت‌های عوامل

بیرون از دانشگاه در امور داخلی دانشگاه شود.

۶- احترام به روسای پیشین دانشگاه، موجب دلگرمی مدیران کنونی دانشگاه و به ویژه رییس کنونی دانشگاه می‌گردد زیرا آنان مطمئن می‌شوند که در آینده و زمانی که فاقد این پست هستند، به ایشان احترام گذاشته می‌شود.

۷- گردهمایی روسای پیشین دانشگاه این پیام را نیز در خود داشت که در اداره دانشگاه‌ها باید به دور از تنگ‌نظری‌های سیاسی و سلیقه‌ای، تنها به کارآمدی و شایستگی علمی و اجرایی افراد توجه شود و مدیران کوشش کنند تا از همه دلسوزان و افراد دارای شرایط یاد شده، بهره‌گیری کنند.

آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «ارتباط با دانش آموختگان»

در سال‌های اخیر و با رشد آموزش عالی و عمومی شدن تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی از سویی و مشکل شدن کاربایی، ضرورت کارآفرینی و پیوند میان دانش با مشتری و کاربردی کردن علوم و به خدمت گرفتن آن در رشد و توسعه فناوری، مورد توجه برنامه ریزان در بخش آموزش عالی قرار گرفته است.

تعمیق و اجرایی کردن این مفاهیم و جلب نظر همگان به رویکردهای نو در نظام برنامه ریزی کشور، نیازمند ارایه شدن تعاریف مورد قبول، باور داشتن به مسایل پایه ای آن و کنار گذاشتن روش های کهنه و حرکت به سوی تغییر در فرایندهای آموزشی است.

افزون بر این، دگرگونی در ساختار سازمانی و شیوه اداره مراکز آموزش عالی، از دیگر پیشنیازهای پیوند میان دانشگاه ها با دستگاه‌های اجرایی و مشاغل است. در این میان، نقش دانش آموختگان شاغل در دستگاه‌های اجرایی و صنایع و کارآفرین در نزدیک کردن دانشگاه ها با صنعت به معنای عام و خاص آن، حایز اهمیت است. دانش آموختگان کارآفرین، که عملاً آموخته های خویش را با نیازها و قوانین و توانایی های کسب و کار در جامعه پیوند داده اند، بهتر از هر کس می‌توانند فاصله میان دانشگاه با صنعت را کم کنند. ایشان با آشنایی کامل با نیازهای علمی دستگاه‌ها از سویی و آشنایی با داشته ها و توانایی های علمی دانشگاه از سویی دیگر، می‌توانند مقدمات ارتباط دو سوی را فراهم آورند.

یکی از برنامه‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، فراهم آوردن زمینه های تشکیل انجمن دانش آموختگان دانشگاه برابر آیین نامه وزارت علوم است.

در این راستا، نام ها و شماره تماس دانش آموختگان این دانشگاه در دستگاه‌های اجرایی استان خوزستان گردآوری شده است و سیستم ثبت مشخصات دانش آموختگان در سایت دانشگاه بارگذاری شده است و مقدمات تماس و ارتباط میان دانشگاه با دانش آموختگان و راه اندازی شدن انجمن دانش آموختگان فراهم شده است. ناگفته نماند که دسته هایی از دانش آموختگان این دانشگاه از سال های گذشته تا کنون در قالب تشکل های خودجوش با یکدیگر ارتباط دارند. از رهگذر این تشکل، دانشگاه می‌تواند در ایجاد ارتباط با بیرون از خود، از دانش آموختگان استفاده کنند و نیازها و مشکلات خود را با کمک ایشان بر طرف کنند. افزون بر این، دانشگاه می‌تواند با تشکیل کارگاه ها، زمینه های انتقال تجربیات دانش آموختگان در زمینه کارآفرینی را به دانشجویان فراهم کند. از رهگذر ارتباط دانش آموختگان با یکدیگر، ایشان می‌توانند از تجربه های همدیگر، بهره گیرند. حضور گرم و صمیمی حدود شصت نفر از دانش آموختگان سال های نخستین تاسیس دانشگاه در مراسم اجلاس آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد و شرکت ایشان در گردهمایی های دانشکده کشاورزی و دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین با توجه به جایگاه امروزی آنان در صحنه علمی و اجرایی کشور می‌تواند بخشی از فواید و سود راه اندازی رسمی کانون دانش آموختگان دانشگاه را برای فرداها به تصویر بکشاند.

آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «اقتصاد مقاومتی»

در فرهنگ سنتی و فرهنگ دینی، مردم به صرفه‌جویی و خودداری از ریخت و پاش و بهره‌گیری بهینه از داشته‌های مادی سفارش گردیده‌اند. در قرآن مجید مسلمانان از تبذیر که همان هدر دادن سرمایه و دارایی هاست، سخت برهذر شده‌اند. با این وجود، آمار رسمی جهانی نشان می‌دهد که به هدر دادن سرمایه و دارایی در کشورهای اسلامی و در حال توسعه از جمله ایران بسیار بسیار فراتر از دیگر کشورهاست و در برابر، میزان بهره‌وری و صرفه‌جویی و دقت در هزینه‌ها و انجام حسابرسی‌های سخت، در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.

واکاوی در این موضوع، روشن‌گر این واقعیت است که جلوگیری از هدر دادن سرمایه و بهره‌گیری از داشته‌های مادی و بهینه استفاده کردن از ثروت شخصی و ملی، نیازمند فراهم آوردن زیرساخت‌های فرهنگی و تربیتی و وضع قوانین و عمل به آن و رعایت مصالح ملی از سوی همه افراد در سطوح گوناگون است.

بر این پایه روشن است که رعایت انضباط مالی و دقت در هزینه‌ها و به خدمت در آوردن اقتصاد در راستای بالا بردن رفاه همگانی، تنها با نوشتن شعارهایی روی کاغذ و انجام گفت و گوهایی روزنامه‌ای و سخنرانی‌های خسته‌کننده راه به جایی نمی‌برد.

به باور نگارنده پروراندن سرشت و اخلاق و صفات نیکویی در تک‌تک مردم عادی و مسوولان کشوری چون میهن‌دوستی، مردم‌داری، ترجیح منافع گروهی و ملی بر منافع فردی و صنفی، امید به فردای بهتر، احساس پشتیبانی از سوی قانون و بالاخره بالا بردن اعتماد ملی می‌تواند بستر و زمینه‌های تربیتی و اجتماعی لازم را برای گسترش اخلاق حرفه‌ای از جمله بهره‌گیری از داشته‌ها فراهم آورد.

یکی از اصول و پایه‌های برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، که پیشتر نیز رسماً اعلام شده بود، سوق دادن هزینه‌های این آیین، به سوی کارهای ماندگار و سرمایه‌ای در دانشگاه و پرهیز از انجام امور کم‌بازده است.

براین پایه بود که کوشش گردید در کلیه کارها این اصل رعایت شود. از این رو:
۱- به جای انجام تبلیغات گسترده و گران، تبلیغات الکترونیکی و کم‌حجم در دستور کار قرار گرفت.

۲- از بکارگیری نیروی انسانی اضافه و هدر دادن وقت و زمان کاری مدیران پرهیز گردید.
۳- از شرکت‌های تبلیغاتی رسمی و با کیفیت بالا و بر اساس نرخنامه مصوب برای ساخت اقلام فرهنگی و هنری ماندگار و ضروری که بتواند دانشگاه را در انجام مأموریت‌های علمی یاری کند، استفاده گردید.

۴- مرمت و بازسازی و نوسازی برخی اماکن دانشگاه که بعدها نیز بتواند در خدمت دانشگاهیان درآید، مد نظر قرار گرفت.

۵- از امکانات داخلی دانشگاه برای فراهم کردن و پخت و پز غذا، طراحی آثار هنری، خوابگاه، ترابری و تشریفات استفاده شد و غذاها در سالم‌ترین و ارزانترین شکل تهیه گردید.

۶- کلیه آثار چاپی و انتشاراتی و هنری در راستای مستندسازی از وضع کنونی دانشگاه و

شناساندن توان علمی دانشگاه به دستگاه‌های اجرایی تولید گردید.

۷- میزان هدایا برای کارکنان و دانشجویان نمونه و اعضای هیئت علمی شاغل و بازنشسته و برگزیده در حد و اندازه ای معقول و در راستای قدردانی حداقلی از زحمات ایشان و در حین حال ماندگار و خاطره برانگیز است و موجبات دلگرمی و نشاط و همگرایی را فراهم می آورد.

۸- کلیه کارها و برنامه ها بر پایه اهداف مدون انجام گرفت و آن اهداف نیز با پیوست های علمی و فرهنگی همراه بود. به سخن دیگر، کلیه اقدامات، هدفدار و در راستای برطرف کردن آسیب ها و جبران کاستی های دانشگاه قرار داشت.

آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «تاریخ بستری برای فرهنگ»

بهره‌گیری از تجربه‌های پیشینیان، به ماندگاری و انباشت تجربه (نزد ملت‌ها، افراد و سازمان‌ها) می‌انجامد و به‌طور طبیعی، بی‌بهرگی از تجربه گذشتگان و نفی و رد آن، موجب گسیختگی و انقطاع آن می‌گردد و در گذر زمان نابودی و محو تجربه‌ها را فراهم می‌آورد. از انباشت و بهره‌گیری از تجربه گذشتگان، تاریخ (ملت‌ها و افراد و سازمان‌ها) شکل می‌گیرد و زاده می‌شود. به دیگر سخن، تاریخ حاصل و برآمده از پاسداشت تجربه‌های گذشتگان و پیشینیان است. بر این پایه، می‌توان گفت که ملت و افراد و سازمان‌هایی که به گذشته و انباشت تجربه‌های خود اهتمام نورزند، بی‌تاریخ هستند. از سوی دیگر، فرهنگ (ملت‌ها، افراد و سازمان‌ها)، در بستر تاریخ آن‌ها شکل می‌گیرد و در تعاملات گذشته با حال، فرهنگ زاده و بالنده می‌شود. از این‌رو، ناگفته روشن است که ملت و افراد و سازمان‌هایی که به گذشته و انباشت تجربه‌های خود توجه نکنند، بی‌فرهنگ و سست بنیان خواهند بود. این واقعیت آنقدر هویدا و پر اهمیت است که ملت‌هایی که از تاریخ و پیشینه بلندی برخوردار نیستند ولی از تجربه‌های گذشته کوتاه خود به نیکی بهره برده‌اند، توانسته‌اند فرهنگ توانمندی برای خود دست و پا کنند و پایه‌های رشد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود را بر همان فرهنگ قرار دهند و وضعیت قابل قبول امروز خود را به رخ کشورهای کهن ولی بی‌بهره از تجربه‌های گذشتگان، بکشند. بر پایه این اصل علمی، آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه با رویکرد پاسداشت گذشته شکل گرفت تا نسل تازه و جوان و مدیران کنونی دانشگاه به تجربه‌های پیشینیان توجه کنند و از این رهگذر تاریخ شفاهی دانشگاه تدوین گردد و فرهنگ دانشگاهی در دامن همین تاریخ بتواند بالنده شود. اقدامات و برنامه‌هایی مانند دعوت از دانش‌آموختگان قدیمی دانشگاه و دعوت از استادان و کارکنان بازنشسته و پیشکسوت دانشگاه و انتشار کتابی در وصف ابنیه و ساختمان‌های تاریخی دانشگاه و ساخت فیلم کوتاهی از گذشته دانشگاه همه و همه در راستای گذشته‌گرایی و با هدف بهره‌جویی از تاریخ دانشگاه برای ساختن فرهنگ دانشگاهی بوده است. دعوت از روسای پیشین دانشگاه در پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تجلیل از ایشان و نشست دوستانه و مشورتی میان آنان خود می‌تواند نشان از احترام به انباشت تجربه و بهره‌جویی از آن و تاریخ‌سازی و فرهنگ‌پروری در این دانشگاه کهن باشد.

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «واپسین سخن»

آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز به ادعای نگارنده که در کلیه فعالیت‌ها و مناسبت‌های فرهنگی این دانشگاه در پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سطوح مختلف حضور داشته و ناظر بوده است، رویدادی منحصر به فرد و پیامد و تکمیل‌کننده همه برنامه‌های فرهنگی پیش از خود بود.

این ادعا البته به معنای نفی و رد اقدامات فرهنگی گذشتگان نیست بلکه همانطور که گفته شد، آیین شصتمین سالگرد با بهره‌جویی از تجربه‌ها و شناخت کاستی‌ها به انجام رسید و در طول زحمات دوستان و همراهان سال‌های گذشته قرار دارد و به همین منظور دارای پشتوانه فرهنگی است.

این ادعا مستند و پشتگرم به دلایل و استدلال‌های زیر است:

۱- این آیین کار خود را با فراخوان نظرخواهی از دانشگاهیان بلکه مدیران استانی شروع نمود و با انتشار متنی با هدف نظرخواهی پیرامون برنامه‌های انجام شده، به کار خود پایان داد.

۲- این آیین پایه برنامه‌های خود را بر اهداف مدون قرار داد. اهداف یاد شده به اطلاع عموم دانشگاهیان نیز رسیده است.

۳- هر یک از اهداف تدوین شده، مستند به پیوست فرهنگی و علمی است. پیوست‌هایی که به نگارش درآمده و منتشر گردیده است.

۴- این آیین، در حین انجام، از سوی مسوول برگزاری آن، همزمان مورد آسیب‌شناسی و شرح برجستگی‌های آن قرار گرفت و متن ارزیابی و آسیب‌شناسی‌ها منتشر گردید.

۵- این آیین دارای میراث گرانبگر و برنامه‌های ماندگاری است که باید از سوی متولیان و مدیران دانشگاه مورد رسیدگی و پیگیری و بهره‌برداری قرار گیرد. به دیگر سخن، دسته‌ای از برنامه‌ها و دستاوردهای این آیین از این به بعد و با گذشت زمان به بازدهی می‌رسد و برای دانشگاه می‌ماند.

۶- این آیین، فضایی را به وجود آورد تا همه اقشار دانشگاهی بتوانند چه در مرحله برنامه‌ریزی و چه برگزاری مراسم و چه پیگیری امور دیگر، مشارکت فعال و دلخواه داشته باشند و به نقد و نظر علمی و کارشناسانه پیرامون مسایل دانشگاهی بپردازند.

۷- کانون و نقطه تمرکز برنامه‌های این آیین بر محور تدوین پیشینه دانشگاه و مستندسازی و تکریم و پاسداشت کوشش‌های دانشگاهیان و پیوند دادن نسل جدید با پیشکسوتان دانشگاه قرار داشت و از این رو، در بازسازی و ارتقای اعتبار دانشگاه نقش پراهمیتی را ایفا نمود.

۸- این آیین از نظر تعداد حاضران در اجلاس و حضور شخصیت‌های علمی و چهره‌های خدم و نامدار و سطح برنامه‌ها و نظم در اجرای آن و انضباط مالی و میزان بازدهی مادی و معنوی اقدامات، در سنجش با دیگر مناسبت‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، کم‌مانند بلکه بی‌مانند است.

در پایان این واپسین سخن همه خوانندگان و دانشگاهیان را به مراجعه به لینک شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه در پورتال دانشگاه شهید چمران دعوت می‌کنم. این لینک در بردارنده میراثی ارزنده از آثار قلمی تعدادی از دانشگاهیان است که به مناسبت شصت سالگی دانشگاه فراهم شده است و می‌تواند یکی از میراث ماندگار آیین گرامیداشت به شمار آید.







فصل سیزدهم

آسیب شناسی آیین برزگداشت





آسیب‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «انتخاب اعضای نمونه» دکتر حسن دادخواه

در این سلسله یادداشت‌ها، بناست به آسیب‌ها و کاستی‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد دانشگاه شهید چمران اهواز اشاره شود. منظور از کاستی‌ها، آن دسته از اموری است که فراموش شد و کاش در این آیین مورد اشاره و نیکوداشت واقع می‌شد و مقصود از آسیب‌ها، اشاره به پاره‌ای تلخی‌ها و نقاط ضعف و سستی‌های دیده شده در اشخاص و تیپ‌ها و تشکیلات سازمانی دانشگاه و به نوعی خلق و خوی عمومی ماست.

چه بسا در نگاه اول، برخی از دوستان بگویند که هم‌زمان با برگزاری این آیین و شادی و نشاط موجود در دانشگاه، بسی بی‌سلیقگی است که کام دانشگاهیان و دست اندرکاران این آیین، با بیان این سستی‌ها و کاستی‌ها تلخ گردد ولی اهمیت موضوع از این‌روست که هدف از بیان سستی‌ها و کاستی‌ها و نقد خلق و خوی عموم ما، بهبود یافتن آن و کوشش گروهی و جمعی برای رفع این معضل و کلاف درهم تنیده است. شاید از رهگذر بیان این تلخی‌ها، راه رسیدن به شیرینی‌ها هموار گردد و بتوانیم در مدت کوتاهی به وضع مطلوب دست یابیم. نکته دیگر آن‌که نادیده گرفتن سستی‌ها و کاستی‌ها، موجب ریشه‌دار شدن و فربه گردیدن آن‌ها می‌شود و اصلاح آن را دشوارتر می‌کند.

۱- آسیب اول: آسیب اول مربوط به برگزیدن تعدادی از دانشگاهیان به عنوان دانشگاهی برگزیده و نمونه از میان جمعیت فراوان و تعداد زیاد دانشگاهی است. در این باره این پرسش‌ها مطرح است: چه معیارهایی را تعیین کنیم؟ چه کسانی این معیارها را تعیین کنند؟ چه کسانی مصداق‌ها را تعیین کنند؟ چند نفر باید گزینش شوند؟ مثلاً از میان نزدیک به ۱۷۰۰ کارمند و ۵۵۰ عضو هیئت علمی و دوازده هزار دانشجو، چند نفر باید گزینش شوند؟ چکار کنیم که آن دسته که گزینش نمی‌شود؛ گمان نکنند که عضو دانشگاهی نامطلوب و کم‌کار هستند؟ اصولاً آیا بهتر نیست که این کار را تعطیل کنیم و عضو دانشگاهی نمونه و برگزیده نداشته باشیم؟ گزینش عضو دانشگاهی نمونه چه سود و فایده‌ای در بالاتر بردن بهره‌وری دارد؟ به برگزیدگان چه هدایای مادی و معنوی متناسب با جایگاه و منزلت آنان تقدیم کنیم؟ آیا نارضایتی برخاسته از این کار، بیشتر از فواید آن نیست؟ و ...

از فردای روزی که نام‌های برگزیدگان در بخش دانشجویی، کارکنان و اعضای هیأت علمی اعلام شد، اینجانب با تلفن‌ها و گفت‌وگوهای حضوری زیادی روبرو شدم. پرسش‌های دانشگاهیان، در یک جمله کوتاه خلاصه می‌شد: چرا من برگزیده نشدم و حقم خورده شد؟ ولی پاسخ به آن، حدود نیم ساعت طول می‌کشید و عاقبت، پرسش‌کننده هم‌چنان ناراضی به راه خود ادامه می‌داد!!! این در حالی است که کار گزینش دانشگاهیان نمونه براساس استنادها و مدارک ثبت شده در دانشگاه و زیر نظر تعدادی از مدیران و دانشگاهیان حقیقی و حقوقی و بدون اعمال سلیقه انجام شده است. البته نباید فراموش کرد که هیچ کاری بدون نقص نیست.

نکته دیگر، زمان و مکان بزرگداشت دانشگاهیان برگزیده است. طبعاً در برنامه اجلاس

نمی‌توان از صد نفر تجلیل به عمل آورد. باید تعداد را از میان برگزیدگان، انتخاب نمود تا در مراسم اجلاسیه تجلیل شوند و دیگران در مراسمی که پس از آن در دانشکده‌ها برگزار خواهد شد، تجلیل شوند. همین موضوع، موجب ناراحتی و پرسش تعدادی از برگزیدگان قرار گرفته است.

در اینجا لازم است به چند موضوع در همین زمینه اشاره کرد:

۱- هدایایی که به برگزیدگان تقدیم می‌شود، از نظر ارزش مادی، تفاوت چندانی با هدایایی که به عموم دانشگاهیان تقدیم می‌گردد، ندارد.

۲- هدایای برگزیدگانی که در اجلاسیه تجلیل می‌شوند با دیگر برگزیدگان تفاوتی ندارد.

۳- در متنی که طی آن، نام‌های برگزیدگان اعلام گردید، تصریح شد که تعداد دانشگاهیان نمونه دانشگاه الحمدلله فراوان است و این برگزیدگان، نماینده و نمونه همه دانشگاهیان هستند.

۴- نمی‌دانم کدام‌یک از همکاران دانشگاهی، اعم از کارمند و عضو هیأت علمی، به همکاران برگزیده و نمونه، شادباش و تبریک گفتند. امیدوارم این اتفاق افتاده باشد.

۵- معمولاً در هفته پژوهش و آموزش از میان اعضای محترم هیأت علمی، افرادی نام آشنا و تقریباً ثابت، سال‌هاست که مورد تجلیل قرار می‌گیرند و تعدادی که پیشینه و سابقه خدمتی بیشتری دارند، در مراسم گوناگون مورد تجلیل می‌شوند. در آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد، نیم‌نگاهی به آن دسته از همکارانی شد که کمتر در نشست‌های عمومی و رسمی مورد تجلیل واقع شده‌اند و در عین حال یک دانشگاهی وظیفه‌شناس و نمونه هستند.

۶- هدف پایه‌ای از انتخاب کارمند نمونه، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، این است که این قشر بدانند که مورد توجه مدیران هستند و به کوشش‌های ایشان در حد مقدمات ارج گذاشته می‌شود.

۷- هدف از برگزیدن استادیاران نمونه، میدان دادن به اعضای هیأت علمی جوان است که فردای دانشگاه را در دست دارند و امروز نیازمند توجه پیشکسوتان هستند. بسی شایسته است که نام و فعالیت این همکاران به چشم آید.

۸- اینکه همه خودشان را نمونه و کوشا و در خدمت سازمان و دستگاه بدانند، اخلاق و سرشت پسندیده‌ای است و نشان می‌دهد که همه همکاران در رقابتی سالم در حال انجام وظیفه هستند.

۹- کاش در سراسر سال، مناسبت‌ها و بهانه‌هایی پیش می‌آمد تا مستخدمان دولت از جمله دانشگاهیان مورد حمایت و پشتیبانی و تجلیل قرار می‌گرفتند و به جایگاه انسانی ایشان و به کوشش‌های صادقانه و نیازمندی‌های زندگانی ایشان توجه بیشتری می‌شد و یکی از دغدغه‌های مقامات کشوری بهبودی وضع معیشتی شهروندان بود. اگر این اتفاق بیفتد، همه خود را در پناه قانون و برخوردار از یک زندگی در خور شأن خویش می‌دانند و با جدیت بیشتری در خدمت میهن قرار می‌گرفتند.

در هر حال هدف اصلی در برگزیدن دانشگاهیان نمونه رساندن این پیام است که دانشگاه متعلق به همه خدمت‌گزاران خود است.

آسیب‌های آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «مسئولیت پذیری»

یکی از ویژگی‌های مطلوب مدیران و کارکنان هر سازمان، بالا بودن حس مسئولیت‌پذیری در آنان است. این ویژگی موجب می‌گردد تا کارکنان و مدیران ارشد و میانی در انجام وظایف سازمانی، تمام ظرفیت و توان و اختیار خویش را بکار ببرند و بی‌گمان از این رهگذر میزان رضایت‌مندی ارباب رجوع از آن سازمان بالا می‌رود و از سوی دیگر، چرخه کار و فرآیندهای مدیریتی روان‌تر می‌شود و میزان رضایت‌مندی افراد سازمان نیز از مدیران افزایش می‌یابد.

برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، که فعالیتی درون سازمانی و افزون بر وظایف سازمانی کارکنان و مدیران، به شمار می‌رود؛ آزمونی نیز برای سنجش میزان پایبندی افراد سازمانی به اصول ارتقا بخش در سازمان و میزان مسئولیت‌پذیری آنان در انجام ماموریت‌ها و وظایف محوله به آنان در اجرای هر چه بهتر این آیین بود.

مقصود از آزمون بودن این مراسم، به این معناست که کلیه امور مربوط به این آیین از جمله اطلاع‌رسانی، ارائه پیشنهاد، کوشش برای بهبودی آن و ... با درجات متفاوتی از سوی مدیران و کارکنان دانشگاه مورد استقبال قرار گرفت و از این‌رو، این موضوع می‌تواند معیاری برای سنجش میزان وابستگی هر یک از اقشار دانشگاهی به منافع و مصالح دانشگاه باشد.

دسته‌ای از دانشگاهیان، این آیین را به مثابه جشن تولد فرزندان خود، بزرگ داشتند و به آن اهمیت دادند و اخبار آن را پیگیری می‌کنند.

دسته‌ای دیگر، داوطلبانه و با علاقه‌مندی و به دور از اجبار سازمانی در حد توان خود به دست اندرکاران برگزاری این آیین یاری رساندند.

دسته‌ای از پیشکسوتان اسناد و مدارک تاریخی و ارزشمند خود را فروتنانه در اختیار دبیرخانه برگزاری آیین قرار دادند و از نوشتن یاد و خاطرات گران‌قدر خویش دریغ نکردند.

دسته‌ای از کارمندان و استادیاران جوان، با رغبت و دلگرمی تمام، کلیدی‌ترین بخش از برنامه‌ها را به خوبی انجام دادند.

در کنار این استقبال گرم، متأسفانه برخی از مدیران و روسای دانشکده‌ها، امور محوله را با کندی و دلسردی و بی‌مبالاتی انجام می‌دهند.

البته هدف از بیان این آسیب، متهم کردن افراد سازمان و یا جستجو و یافتن کم‌کاران و معرفی کردن آنان به دانشگاهیان نیست که این خود، با روح همدلی و گرامیداشت کوشش دانشگاهیان در شصت سالگی دانشگاه در تضاد کامل است، بلکه هدف ما، شناخت آسیب‌ها و کوشش برای علت و ریشه‌یابی آن و تلاش برای بهبود امور است.



آسیب‌های آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «کاستی‌های ساختاری و درون سازمانی»

در روند مراحل برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، با کاستی‌هایی چند روبه‌رو شدیم که رسیدگی و جبران هر یک از آن، نیازمند برنامه‌ریزی و پیگیری‌های ویژه از سوی مدیران دانشگاه است. جالب آن‌که بسیاری از رشته‌ها و واحدهای درسی موجود در دانشگاه به نحوی به این موضوع پیوسته است و طبعاً نایبستی در آن زمینه، در دانشگاه کاستی و کمبود احساس شود. در این‌جا به‌طور کلی و خام به پاره‌ای از کاستی‌های یاد شده اشاره می‌رود:

- ۱- نبودن آمارهای هماهنگ و یک‌دست و نداشتن تحلیل آماری از امور داخلی دانشگاه.
- ۲- نبودن نظام مدیریتی علمی و لوازم آن در سطوح گوناگون مدیریتی آموزشی، مالی و پژوهشی و نیروی انسانی در دانشگاه.
- ۳- نبودن نظام جامع ثبت و ضبط اسناد و مدارک در دانشگاه.
- ۴- نداشتن و نبودن فضاهای کالبدی و خدماتی مورد نیاز برای یک مرکز علمی مانند سالن با گنجایش بالا و مانند آن.
- ۵- نداشتن و کمبود نیروی انسانی و خدماتی ماهر و آموزش‌دیده در بخش‌های مختلف مانند نگه‌داری فضای سبز و تشریفات و مهمان‌داری مانند آن.
- ۶- نداشتن زیرساخت‌های لازم برای بهره‌گیری از سیستم‌های پیشرفته ارتباطی.
- ۷- محدودیت‌های مالی و اعتباری.
- ۸- محدودیت شدید در ارائه خدمات و امکانات رفاهی به کارکنان.
- ۹- وجود پاره‌ای محدودیت‌های محلی و استانی در حوزه‌های مسائل فرهنگی و هنری.
- ۱۰- وجود دخالت‌ها و تأثیرات عوامل برون سازمانی در تصمیم‌سازی‌های درون سازمانی.

گرچه نیک روشن است که رسیدگی به هر یک از کاستی‌ها و نواقص یاد شده در گرو پیگیری‌ها و تدابیر ویژه و زمان‌بر است ولی امید می‌رود که حرکت به سوی دست‌یابی به شرایط و وضعیت بهتر در دستور کار مقامات قرار گیرد.

آسیب‌های آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «دانشگاه خودپسنده»

گستره فعالیت‌ها، در برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه از سویی و کوشش و اهتمام برای انجام با کیفیت کارها از سوی دیگر، مسئولان اجرایی آیین یاد شده را در مواردی نیازمند یاری‌گیری از تخصص‌های گوناگون هنری و فرهنگی موجود در بیرون از دانشگاه نمود. این در حالی است که بهره‌گیری از توان داخل دانشگاه و کمک‌خواهی از نیروهای هنری و فرهنگی داخل دانشگاه، از سیاست‌های اجرایی این آیین بوده است. امتیاز و برتری بهره‌گیری از نیروهای داخلی در کلیه مراحل و سطوح کار، این است که نیروهای داخلی به حساسیت‌ها و روحیات دانشگاهیان و اولویت‌ها و مسائل داخلی دانشگاه آگاهی کامل دارند و در اجرای برنامه‌ها این حساسیت‌ها را لحاظ می‌کنند و این خود، از بروز حاشیه و نارضایتی و ناخرسندی جلوگیری می‌کند.

از موانع موجود در بهره‌گیری از نیروهای داخلی دانشگاه، به رغم تنوع و سطوح مختلف آمادگی ایشان در کمک‌دهی به دانشگاه، فقدان روزآمدی تکنیکی و چیره نبودن بر مدل‌های تازه هنری و فرهنگی و تامین نیازهای دانشگاه است. چنانچه نیروهای کارمند و اعضای هیأت علمی به ویژه افراد بازنشسته دانشگاهی، بتوانند به عنوان بخش خصوصی خدماتی را با کیفیت به دانشگاه عرضه کنند؛ طبعاً دانشگاه بایستی از این توان بهره بگیرد و آنان را در اولویت قرار دهد. نیروهای دانشگاهی عملاً نشان داده‌اند که به جهت دل‌بستگی به دانشگاه، در ارائه خدمات به دانشگاه، انصاف را رعایت کرده‌اند و نهایت کوشش خویش را برای ارائه‌ی هر چه بهتر کار مبذول داشته‌اند و از این رو قابل اعتمادند.

با توجه به ضرورت و فواید بهره‌گیری از توان دانشگاهیان، بر کلیه نیروهای دانشگاهی است تا آمادگی لازم را در کلیه زمینه‌های مورد نیاز دانشگاه فراهم کنند و بر مدیران دانشگاه است تا با شناسایی نیروهای توانمند فرهنگی و هنری و خدماتی دانشگاهی، استفاده از ایشان را به صورت پیمانکاری در اولویت قرار دهد.



آسیب‌شناسی آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «آیا دانش، لزوماً دانایی می‌آورد؟»

از گذشته‌های دور در میان اندیشمندان این پرسش مطرح بوده است که آیا دانش و سواد علمی افراد، لزوماً به توسعه فرهنگی و اخلاقی در آنان می‌انجامد؟ آیا هر اندازه دانش یا مدرک تحصیلی افراد، بالاتر و بیشتر شود، رشد اخلاقی و فرهنگی نیز در شخصیت و منش آنان چشم‌گیر و برجسته می‌گردد؟

واقعیت این است که دانش افراد حتی دانش در علوم تجربی، می‌تواند زمینه‌های رشد فرهنگی و اخلاقی را در افراد تقویت نکند و بالاتر ببرد، زیرا افرادی که با قلم و کتاب و دفتر سروکار دارند و سواد علمی ایشان و دانش آنان در همه علوم نسبت به دیگران بالاتر است، بی‌گمان فرصت و امکان بیشتری را در سنجش با دیگران در اختیار دارند تا بتوانند سرشت نیکو و وارستگی‌های اخلاقی و بزرگ‌منش‌های فرهنگی را در خود بپرورند. بر این پایه است که همه افراد جامعه، به آموزگاران و استادان دانشگاه و اصحاب رسانه و مانند آن به چشم دیگری می‌نگرند و آنان را الگوی رفتاری خویش قرار می‌دهند و در بزنگاه‌ها و کارزارها، به آنان رجوع می‌کنند.

از سویی دیگر، ناگفته نماند که در میان دسته‌هایی از افراد، که به لحاظ دانش و سواد علمی و مدرک تحصیلی در درجه پایینی قرار دارند؛ معمولاً انسان‌هایی نمونه و الگوهای اخلاقی کم‌مانند، دیده می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که میان دانش و سواد علمی در افراد با دانایی و منش نیکو و فرهنگی توسعه یافته در ایشان لزوماً نسبت مستقیمی وجود ندارد.

دانشگاه‌ها، یکی از مراکزی است که به لحاظ جمعیتی و نیروی سازمانی، از هر دو دسته افراد، در آن دیده می‌شود. از سویی اعضای هیأت علمی آن‌هم با مرتبه استادی و با داشتن آخرین پایه اداری و از سوی دیگر، مستخدمانی با داشتن پایین‌ترین مدرک تحصیلی و رده سازمانی در کنار یک‌دیگر به انجام وظیفه مشغول هستند.

برگزاری آیین شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، به عنوان یک جشن و آیینی که به همه آحاد دانشگاهیان مربوط می‌شود، این فرصت را فراهم آورد تا همه دانشگاهیان به دور از مدرک تحصیلی و رده سازمانی و اندازه دانش و رتبه علمی در کنار یک‌دیگر بنشینند و میزان وابستگی عاطفی و علاقه‌مندی به محیط شغلی را از خود به نمایش بگذارند.

در مراحل مختلف آمادگی برای برگزاری این آیین، زیباترین و نشاط‌آورترین جمله‌های خوشحال‌کننده و بهترین سطح همکاری از افرادی در دو دسته یاد شده دیده شد و جالب‌تر آن که در میان پاره‌ای رفتارهای ایذایی و سخنان دلگیرکننده، هیچ آزار روحی و رفتار خودبینانه از آنانی که در پایین‌ترین سطح تحصیلی و رده شغلی قرار داشتند مشاهده نگردید.

آسیب‌شناسی آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه «دو دیدگاه متفاوت»

از نخستین روزهای تصویب کلیات برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه تا آغاز مرحله هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی، در میان سطوح مختلف دانشگاهیان و از جمله مدیران دانشگاه، شاهد دو دیدگاه و رویکرد کاملاً متفاوت نسبت به این آیین بودیم. دسته‌ای، آن را یک مناسبت مانند دیگر مناسبت‌های ثبت شده در تقویم می‌دانستند و در همراهی با آن، منتظر فرارسیدن ۲۶ بهمن بودند تا ساعاتی از وقت خویش را صرف آن کنند. بر این پایه، به‌طور شایسته به اهداف و دستاوردهای عمیق احتمالی این آیین برای دانشگاه توجه نکردند و بعضاً برگزاری ده سال یک‌بار مراسم گرامیداشت سالگرد تاسیس دانشگاه را غیرضرور و دست‌وپاگیر دانستند. بر پایه این رویکرد، رسیدگی به مسایل و نیازهای آیین، از جمله بازتاب اخبار آن، نزد این دسته از مدیران در اولویت قرار نگرفت و انجام پرپیمانه امور جاری و روزمره را بر وقت‌گذاری برای این آیین ترجیح دادند. از این‌رو بود که اینجانب به عنوان رییس کمیته اجرایی، در دوره سرپرست پیشین دانشگاه و ریاست کنونی آن، سه نامه گلابه‌آمیز نوشته و از کم‌کاری و بی‌توجهی برخی مدیران نسبت به انجام امور مربوط به برنامه‌های این آیین انتقاد کرده و خواستار توجه بیشتر به این موضوع شدم.

در نگاه دوم، برگزاری آیین گرامیداشت سالگرد تاسیس دانشگاه، با توجه به برنامه‌های متنوع آن در امر تجلیل از پیشکسوتان، مستندسازی‌ها، جبران کاستی‌های دانشگاه و گردآوری و تدوین تاریخ شفاهی آن، به مثابه یک ضرورت و امر مهم تلقی می‌شد که می‌تواند به بازسازی و ارتقای سطح اعتبار زخم‌خورده دانشگاه در این استان و تقویت هم‌گرایی میان دانشگاهیان منجر گردد. برپایه دیدگاه دوم بود که کوشش شبانه‌روزی در بیست ماه گذشته و تلاش برای فهم بهتر از این آیین، منجر به برگزاری مطلوب و دور از انتظار مراسم اجلاسیه گردید که با استقبال و حضور پرشور تعداد قابل توجهی از نخستین دانش‌آموختگان و استادان پیشکسوت و مدیران استانی و دانشجویان و همکاری استادیاران جوان همراه بود.

افزون بر مراسم جمعی و گروهی، ساخت تور مجازی و فیلمی بلند از دانشگاه و انتشار تدریجی کتاب‌هایی در شناساندن دانشگاه و راه‌اندازی کانون دانش‌آموختگان در سال آینده، حاصل نگاه دوم به این آیین است که اثرات مثبت آن به تدریج آشکار می‌شود.



آسیب شناسی آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه اختیارات و مسئولیت‌ها

در مباحث مربوط به مدیریت سازمانی، یکی از موضوعات مهم و جالب توجه، وجود توازن میان مسئولیت‌ها و اختیارات یک مدیر سازمان است. به سخن ساده، یک مدیر به همان اندازه که مسئول عملکرد خود است؛ باید از اختیارات متناسب با آن مسئولیت برخوردار باشد و ابزارهای کافی برای بکارگیری آن اختیارات را نیز در دست داشته باشد.

ناگفته نماند که بیرون از توازن میان مسئولیت و اختیارات، ظرفیت و توان ذاتی مدیر و شخصیت حقیقی و میزان مقبولیت او در سازمان نیز می‌تواند در انجام نیکوی مسئولیت‌ها، یاری‌اش کند.

بر این پایه، نگاهی به فرآیند سپرده شدن مسئولیت برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه می‌اندازیم و با هدف شناخت آسیب‌ها و ثبت تجربه‌های برآمده از آن و بهره‌گیری از این تجربه‌ها، به واکاوی یک مقوله مهم مدیریتی یعنی تناسب اختیارات و مسئولیت‌ها، در این آیین می‌پردازیم.

در ماه‌های نخستین سال ۱۳۹۳ که کلیات موضوع برگزاری این آیین، در هیأت رئیسه وقت دانشگاه به تصویب رسید؛ اینجانب هم‌زمان دو پست مدیر روابط عمومی دانشگاه و مدیریت حوزه ریاست دانشگاه را بر عهده داشتم و پس از تصویب برگزاری مراسم یاد شده، عملاً مقدمات بعضی از کارها را، از جمله صدور فراخوان و اعلان برگزار شدن چنین مراسمی، شروع کردم. در آذرماه همان سال، بنا به دلایلی از هر دو پست کناره‌گیری کردم ولی سرپرست وقت دانشگاه، در مراسم تودیع، به‌طور شفاهی مرا مسئول پیگیری برگزاری آیین بزرگداشت معرفی نمودند و اینجانب بدون اینکه رسماً سمت اجرایی داشته باشم و کارمند و دفتر و امکاناتی در اختیارم باشد؛ به پیگیری امور ادامه دادم.

در اوائل سال ۱۳۹۴ احکام اعضای کمیته اجرایی برگزاری آیین و حکم من به عنوان عضو و رییس این کمیته صادر و مرحله برنامه‌ریزی شروع شد. اینجانب بدون داشتن پست اجرایی در دانشگاه و با علم به ضرورت داشتن اختیارات کافی برای انجام این مسئولیت، مصوبات لازم در این باره را از هیأت رئیسه وقت دانشگاه دریافت کردم، مصوباتی که البته هیچ وقت اجرا نشد. در این شرایط، به انجام وظایف و اجرای مصوبات کمیته اجرایی مشغول شدم، در حالی که از نظر مالی و اداری و به خدمت درآوردن مدیران و امکانات دانشگاه، شخصاً اختیار و قدرت اجرایی نداشتم. به رغم نداشتن اهرم‌های لازم برای پیشبرد کارها، به لطف خدا و مهر همراهان و همکاران و تعهد و دلسوزی بعضی از مدیران دانشگاه، که از یادها نخواهد رفت، در برگزاری شایسته این آیین و انجام مسئولیت و دین به دانشگاه، نه تنها هیچ خللی وارد نگردید بلکه بر جدیت‌ها افزود و منجر به برگزاری غیرقابل انتظار آیین گرامیداشت و برنامه‌های جانبی شد.







فصل چهاردهم

گزارش های اجرایی - علمی





بخش اول: گزارش‌ها و جلسات مربوط به کمیته اجرایی شصتمین سالگرد

جلسه هماهنگی شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه با حضور دکتر رعایایی تشکیل شد

کمیته برگزاری شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران با حضور سرپرست دانشگاه و دیگر اعضا تشکیل جلسه داد. این نشست روز شنبه ۲۲ فروردین ماه با حضور اعضای کمیته که پیش از این از سوی دکتر محمد رعایایی سرپرست دانشگاه منصوب شده‌اند، برگزار شد. در این نشست هماهنگی، حاضران در خصوص پیش برنامه‌های شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه، زمان و مکان برگزاری مراسم به بحث و تبادل نظر پرداختند. همچنین نحوه برگزاری و مشخص کردن کمیته‌های اجرایی از موضوع‌های این جلسه بود. گفتنی است، دانشگاه شهید چمران اهواز در نیمه دوم امسال شصتمین سالگرد تاسیس خود را جشن می‌گیرد.

فراخوان اسناد شصت ساله دانشگاه قابل توجه اعضای هیئت علمی و کارکنان پیشکسوت و بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز

با توجه به اهمیت حفظ و نگهداری مدارک و تصاویر مربوط به پیشینه‌ی شصت ساله دانشگاه شهید چمران اهواز، از کلیه دانشگاهیان محترم که تصاویری از شخصیت‌های علمی و ساختمان‌ها و محیط عمومی دانشگاه را در اختیار دارند، تقاضا می‌کنیم تا نسخه‌ای از این اسناد تاریخی را به دبیرخانه برگزاری جشن شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه مستقر در اداره روابط عمومی دانشگاه تحویل نمایند.

این نسخه‌های ارزشمند، پس از استفاده و بهره‌برداری در سال ۱۳۹۴، برای ضبط و ثبت به مرکز اسناد دانشگاه تحویل خواهد شد.

همچنین به منظور گردآوری تاریخ شفاهی دانشگاه و تدوین آن، از کلیه مدیران و معاونان و مسئولان سابق دانشگاه که اطلاعات مستندی از فرآیند پیشرفت امور عمرانی و سازندگی و اتخاذ تصمیمات مهم در دوران‌های گذشته در حافظه دارند، تقاضا داریم تا با نوشتن و تبدیل آن اطلاعات ارزشمند، ما را در گردآوری و نشر تاریخ دانشگاه یاری رسانند. پیشاپیش از همکاری همه علاقه‌مندان به ضبط تاریخ افتخارآمیز این دانشگاه، قدردانی می‌نماییم.



نشست کارگروه اجرایی شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه برگزار شد

نشست کارگروه اجرایی برگزاری شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز با حضور نمایندگان دانشکده‌های این دانشگاه برگزار شد. به گزارش روابط عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز، در این نشست که امروز دوشنبه ۱۶ آذر در دانشکده علوم برگزار شد، برنامه‌های کارگروه‌های مختلف و شیوه تجلیل از اعضای هیأت‌علمی و کارکنان شاغل و بازنشسته در مراسم شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه مطرح و بررسی شد. گفتنی است در این نشست مسئولان کارگروه‌های مختلف برگزاری این مراسم به ارائه نظرات خود در خصوص برگزاری هرچه بهتر مراسم شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه پرداختند.

حکم انتصاب دکتر حسن دادخواه تهرانی به عنوان دبیر کمیته اجرایی شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب آقای دکتر حسن دادخواه عضو محترم هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی موضوع: انتصاب دکتر دادخواه به عنوان عضو و رئیس کمیته اجرایی و رئیس کمیته اجرایی آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه

با سلام و آرزوی موفقیت احتراماً، با توجه به اهمیت برگزاری آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه و ضرورت برنامه‌ریزی و اقدام برای انجام طرح‌های مصوب، بدین وسیله جناب‌عالی به عنوان عضو و رئیس کمیته اجرایی این مناسب فرخنده منصوب می‌شوید. امید است با اهتمام کلیه معاونان محترم، رؤسای محترم دانشکده‌ها و مدیران دانشگاه و کوشش اعضای کمیته اجرایی، شاهد بزرگداشت و نکوداشت شایسته شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه در سراسر سال جاری باشیم.

و من ... التوفیق
محمد رعایایی اردکانی
سرپرست دانشگاه



حکم انتصاب آقای سید مصطفی عالم زاده به مسئول ساب پرتال شصتمین سالگرد دانشگاه

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب آقای سید مصطفی عالم زاده

احتراماً، با توجه به اهمیت اطلاع‌رسانی الکترونیکی و بازتاب دادن مدارک و اسناد مربوط به شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، به عنوان مسئول ساب پرتال ویژه مراسم منصوب می‌شوید. مقتضی کلیه مطالب تا پایان سال جاری، پس از تأیید اینجانب و اطلاع مدیر محترم روابط عمومی دانشگاه در ساب پرتال درج گردد.

و من... التوفیق

حسن دادخواه

رئیس کمیته اجرایی شصتمین سالگرد

تأسیس دانشگاه

نامه رییس کمیته اجرایی بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه به سرپرست دانشگاه

برادر ارجمند جناب آقای دکتر محمد رعایایی اردکانی

سرپرست محترم دانشگاه

موضوع: راه‌اندازی دبیرخانه دائمی گردآوری، حفظ و بزرگداشت پیشینه دانشگاه

با سلام و آرزوی موفقیت

احتراماً، همان‌گونه که مستحضر هستید یکی از اهداف برگزاری آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، کوشش و اقدام برای ثبت و ضبط پیشینه شفاهی و نوشتاری دانشگاه است. از این رو، اینجانب با تنی چند از پیشکسوتان دانشگاه چه در اهواز و چه در تهران تماس حاصل کردم. خوشبختانه میراث گران‌قدری از پیشینه دانشگاه به صورت‌های تصاویر، خاطره، مشاهده و کتاب در اختیار این بزرگواران قرار دارد. شور و خوشحالی آنان از ارتباط این حقیر با ایشان و علاقه‌مندی در کمک به ثبت تاریخ دانشگاه، چنان دیده شد که در توصیف این قلم نمی‌گنجد. بر این پایه، لزوم راه‌اندازی «دبیرخانه دائمی گردآوری، حفظ و بزرگداشت پیشینه دانشگاه»، ضروری به نظر می‌رسد. خواهشمند است موافقت نمایید تا اتاق دبیرخانه کنونی آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه از هم اکنون به دبیرخانه یاد شده اختصاص یابد، زیرا تحقق این ایده بلند و باارزش نیازمند امکانات و سازوکار مستقلی است و رسیدن به آن به زمان و کوشش فراوان نیازمند است.

با تشکر

حسن دادخواه

رییس کمیته اجرایی آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه

نظرخواهی از دانشگاهیان پیرامون برنامه‌های آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد

مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی که در چهارچوب برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه انجام گردید (شامل مراسم گروهی، اجلاس، مراسم دانشکده‌ها، انتشارات و ...) بر اساس هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از خرد جمعی و مشارکت دادن همه اقشار دانشگاهی در اجرای آن، همراه بوده است. با این وجود، دیدگاه و نظرات و انتقادات آحاد دانشگاهیان پیرامون هر یک از برنامه‌ها، می‌تواند به عنوان تجربه‌ای ماندگار، مورد استفاده قرار گیرد. از این رو خواهشمند است با ابلاغ این نامه به کلیه کارکنان و اعضای محترم هیأت علمی آن واحد از آنان بخواهید نظرات، انتقادات و تاییدات خویش را به آدرس 60th@scu.ac.ir منعکس نمایند. پیشاپیش از وقت و فرصتی که به این درخواست اختصاص می‌دهید سپاسگزار می‌نمایم.

نامه سرپرست دانشگاه به روسای سازمان‌ها، مراکز صنعتی و دستگاه‌های اجرایی استان خوزستان

بسمه تعالی

مدیران و رؤسای محترم سازمان‌ها / مراکز صنعتی و دستگاه‌های اجرایی استان خوزستان
با سلام و آرزوی موفقیت

احتراماً، همانگونه که مستحضر هستید سال ۱۳۹۴ برابر با شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز و در واقع شصت سالگی آموزش عالی در استان خوزستان و منطقه جنوب غربی کشور است. از این رو، قرار است در نیمه دوم سال جاری مراسم، جشن و طرح‌های عمرانی کوچک در دانشگاه به مرحله اجرا درآید و از اعضای هیأت علمی، کارکنان، دانشجویان نمونه و سازمان‌های یاری دهنده به دانشگاه تجلیل و تقدیر بعمل آید. از آنجا که دانشگاه یک مرکز ملی و عام‌المنفعه و متعلق به همه اقشار جامعه است و از دستاوردهای آن همه دستگاه‌های دولتی و خصوصی بهره‌مند می‌گردند؛ برای مشارکت همگانی و استفاده از کمک و خدمات دستگاه‌های اجرایی در برگزاری این مناسبت فرخنده، چنانچه آن دستگاه بتواند متناسب با امکانات خود، با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری نماید، موجب امتنان خواهد بود و نام و نشان آن دستگاه در پوستر ویژه مراسم به عنوان حمایت‌کننده درج خواهد شد.

و من ... التوفیق
محمد رعایایی اردکانی
سرپرست دانشگاه

نامه دکتر محمد رعایایی اردکانی به رؤسای محترم دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان خوزستان

ارایه پیشنهادهای هشت گانه برای بزرگداشت شصت سالگی آموزش عالی در خوزستان
با سلام و آرزوی موفقیت

احتراماً، از آنجا که سال ۱۳۹۴ برابر با شصت سالگی آموزش عالی در استان خوزستان و منطقه جنوب غربی است و با توجه به علاقه‌مندی و اعلام آمادگی برخی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای بزرگداشت این مناسبت، بدین وسیله برخی راه‌ها و موارد زیر را جهت این بزرگداشت پیشنهاد می‌نماید. امید آن‌که با اهتمام آن جناب و همکاران دانشگاهی و اجرای برنامه‌های مناسب، بتوانیم از زحمات خانواده بزرگ آموزش عالی در استان قدردانی نماییم.

- ۱- صدور پیامی از سوی آن جناب به همین مناسبت و بازتاب دادن آن در رسانه‌های محلی و ملی
- ۲- تهیه و تدوین تاریخچه تأسیس آن دانشگاه
- ۳- گردآوری و انتشار اسناد و مدارک تاریخی آن دانشگاه در قالب کتاب و
- ۴- تجلیل و بزرگداشت پیشکسوتان آن دانشگاه اعم از هئیت علمی و کارکنان شاغل و بازنشسته.
- ۵- گردآوری و تدوین و انتشار تاریخ شفاهی دانشگاه در قالب خاطرات و توصیفات.
- ۶- مستندسازی وضعیت کنونی دانشگاه با تهیه عکس و فیلم از محیط‌های عمومی و اعضای هیأت علمی.
- ۷- تهیه و انتشار گزارش عملکرد
- ۸- شناسایی و گردهمایی دانش‌آموختگان و ایجاد ارتباط با آنان در قالب تشکیل کانون دانش‌آموختگان و شناسایی و معرفی دانش‌آموختگان کارآفرین.

و من ... التوفیق
محمد رعایایی اردکانی
سرپرست دانشگاه



پیام سرپرست دانشگاه شهید چمران اهواز به مدرسان، فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه خوزستان به مناسبت شصت سالگی آموزش عالی در استان خوزستان

سلام علیکم

سال ۱۳۹۴ برابر با شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز و در واقع شصت سالگی آموزش عالی در استان خوزستان و منطقه جنوب غربی کشور به محوریت این دانشگاه است. از سوی دیگر، وجود مشاهیر و استوانه‌های علوم دینی و فقهی در شهرستان‌های استان خوزستان، حاکی از پیشینه بلند وجود حوزه‌های علمیه دینیه در این خطه از میهن و سرزمین‌های هم‌جوار آن است. این دو مرکز علمی، آموزشی و پژوهشی در سراسر سالیان و دهه‌های گذشته چه به لحاظ تربیت عموم مردم و چه پرورش نیروهای آموزش دیده و کارشناس، توانسته‌اند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه به انسان‌های روشن‌گر و پیش‌برنده باشند و در بالندگی دینی، فرهنگی و اجتماعی کشور نقش بی‌بدیلی را ایفا کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی و طرح همکاری و همیاری حوزه و دانشگاه از سوی امام راحل(ره)، فصل نوینی از بهره‌گیری هر یک از این دو مرکز علمی از هم‌دیگر، آغاز گردید و این همکاری دو سویه، سرچشمه تولید گفتمان و نظریه‌ها و درس‌نامه‌های تازه‌ای در حوزه‌های علوم اجتماعی، انسانی و بلکه علوم تجربی گردید. افزون بر این، پدیده پربرتکت آسیب‌شناسی از رفتارهای فردی و اجتماعی مردم و مسئولان و بررسی عملکردهای فرهنگی و اخلاقی در گردهمایی‌های علمی از جانب فرهیختگان حوزه و دانشگاه، موجب جلوگیری از رخوت و ایستایی در جامعه علمی و مراکز آموزشی شده و تحقیق و تولید علم را به خدمت مردم در آورده است. اینک در شصت سالگی عمر دانشگاه و آموزش عالی به شیوه جدید در استان خوزستان که روحیه پرسش‌گری و نکته‌سنجی علمی با گرایش‌های سیاسی و فرهنگی تازه درآمیخته است؛ می‌بینیم که اداره مراکز آموزشی و تعلیمی بیش از گذشته دشوار و چند لایه شده است. از این‌روست که همکاری و همفکری میان متولیان حوزه و دانشگاه و درک درست و واقعی از یکدیگر و شناخت ساز و کارهای اداره هر یک از این دو مرکز، ضروری به نظر می‌آید و می‌تواند روند و فرآیند تربیت نیروی انسانی متخصص و متخلق را آسان‌تر نماید.

اینجانب در آستانه شروع سال تحصیلی جدید، به نمایندگی از خانواده بزرگ دانشگاه شهید چمران اهواز آمادگی این دانشگاه را برای همکاری بیشتر در مسائل دوجانبه اعلام داشته و موفقیت و تندرستی همه همکاران حوزوی و دانشگاهی را از خداوند بزرگ آرزو می‌کنم.

پیام سرپرست دانشگاه شهید چمران اهواز به مناسبت ثبت نام دانشجویان نو ورود و آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۴

در شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، آغاز ثبت نام دانشجویان نو ورود و پیوستن آنان را به خانواده بزرگ این دانشگاه شادباش می‌گوییم. شما دختران و پسران دانشجوییم، به دانشگاهی آمده‌اید که حاصل و نتیجهٔ شش دهه کوشش و زحمات استادان و کارکنان پیشکسوت، شاغل و بازنشسته است. کوشش و فداکاری‌هایی که بخشی از آن، در کالبد ساختمان‌ها، محیط پیرامونی و فعالیت‌های روزانه آموزشی و تولید علم و فناوری آشکار است و بخش بزرگ‌تر آن، در زمینه‌ی پرورش و تربیت هزاران دانش‌آموخته‌ی میهن دوست و نیروی کارشناس و مدیران دستگاه‌های اجرایی دولتی و خصوصی متبلور گردیده است.

بی‌گمان این فداکاری و خدمت‌گزاری‌ها باید پاس داشته شود و میراث گران‌قدری که از آن نسل به دستمان رسیده است، حفظ شود.

از این‌رو، در نیمه دوم سال و هم‌زمان با ورود شما به دانشگاه و همراه با ورزش بادهای خنک پاییزی، جنب و جوش فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی و شور و نشاط آموزش و پژوهش، مراسمی با هدف یادآوری از خودگذشتگی‌های شهیدان انقلاب اسلامی و بزرگداشت خدمت‌گزاران عرصه‌های علمی را به مناسبت شصت سالگی این دانشگاه شاهد خواهیم بود.

مجموعه‌ی این فعالیت‌ها و انجام وظیفه‌ها، از سویی نشان از هم‌دلی و هم‌زبانی میان اقشار دانشگاهی دارد و از سوی دیگر، گویای علاقه‌مندی همه‌ی دانشگاهیان و از جمله مدیران آن، به رشد علمی کشور و تقویت دین‌داری و اخلاق‌مداری و فرهنگ دوستی در خویش و خدمت‌رسانی هر چه بهتر به هم‌میهنان است.

اینجانب با عرض شادباش به خانواده‌های محترمی که فرزندان عزیزشان به دانشگاه شهید چمران اهواز راه یافته‌اند، از کوشش‌های دانشگاهیان گرامی که خدمت به فرزندان ملت ایران را مانند خدمت به فرزندان خویش، مهم و ارزشمند می‌دانند، سپاسگزاری می‌نمایم و تندرستی و بهروزی شما همکاران سخت‌کوش را از خداوند مهربان خواستارم.

نامه دکتر محمد رعایایی اردکانی به کارکنان دانشگاه شهید چمران اهواز

بسمه تعالی

خانم‌ها و آقایان کارکنان محترم و بزرگوار دانشگاه شهید چمران اهواز
باسلام و احترام

سال جاری برابر با شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز است. بی‌گمان، نقش کارکنان دانشگاه و کوشش‌های آنان در سراسر این شش دهه، تأثیر مثبت و بی‌مانندی در پیشبرد امور آموزشی و پژوهشی و اداری دانشگاه داشته و موفقیت‌های افتخارآمیز دانشگاه، دستاورد این زحمات بوده است.

شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، فرصتی را فراهم آورده است تا این کوشش‌ها، ارج‌گذاری شود. «برگزیدن کارمندان نمونه» به رغم نمونه بودن همه شما، راه و بهانه‌ای سمبلیک برای این ارج‌گذاری است. از این رو، از کلیه کارکنان عزیز به ویژه آندسته که خویش را حائز شرایط مندرج در فرم ارسالی به واحدها می‌دانند؛ می‌خواهم تا با پیوستن به این امر، که متأسفانه در سال‌های گذشته و دور انجام نشده است، مدیران دانشگاه را در برگزیدن کارمندان نمونه بر پایه معیارهای تدوین شده، یاری نمایید.

و من ... التوفیق
محمد رعایایی اردکانی
سرپرست دانشگاه



نامه دکتر محمد رعایایی اردکانی به اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

بسمه تعالی

همکاران محترم هیئت علمی دانشگاه
باسلام و آرزوی قبول طاعات و عبادات

احتراماً، همانگونه که مستحضر هستید سال ۱۳۹۴ برابر با شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهیدچمران اهواز و شصت سالگی آموزش عالی در استان خوزستان و منطقه جنوب غربی کشور است. بی‌گمان دانشگاه در شش دهه گذشته در چرخه‌ای تأثیرگذار و تأثیرپذیر از مجموعه رخدادهای تلخ و شیرین بسر برده است. فراز و نشیب‌های این دوران پرحادثه یا آرام، از سویی همراه با نگرانی‌ها و از سویی دیگر شاهد شادکامی و امیدواری‌های فراوان بوده است. آنچه مسلم است همان کوشش‌ها، ایثارها و زحمات بی‌دریغ است که مانند آبی پاک و روان در پای این نهال جوان ریخته شد و در گذر زمان موجبات پر برگ و باری و سرسبزی و تبدیل آن به درختی استوار را فراهم نموده است.

از این رو، از همکاران محترم هیئت علمی می‌خواهم تا در شصت سالگی این مراکز آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، ایده‌ها و چشم اندازهای خویش را در قالب نوشتن یک پیام جمع‌بندی نموده و به آدرس 60th@scu.ac.ir ارسال فرمایند.

این نوشته‌ها به عنوان سند و حاصل تجربه فرهیختگان دانشگاهی می‌تواند پس از انتشار مورد استفاده همگانی و به ویژه نسل آینده هیئت علمی و مدیران دانشگاه قرار گیرد.

و من ... التوفیق
محمدرعایایی اردکانی
سرپرست دانشگاه



پیام دکتر محمد رعایایی اردکانی به مناسبت برگزاری مراسم نکوداشت و بزرگداشت دکتر صالح حسینی

جای بسی خوشبختی است که در شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، شاهد برگزاری مراسم بزرگداشت زحمات و کوشش‌های علمی یکی از افتخارآفرینان علمی و ادبی این دانشگاه هستیم.

آری، دکتر صالح حسینی، مترجم و منتقد ادبی نامدار، افزون بر آموزش و تربیت شمار فراوانی از دانشجویان رشته زبان انگلیسی، توانسته است با استادی و مهارت هرچه تمام‌تر، آثار ادبی گران‌سنگی را به زبان شیرین فارسی ترجمه و تالیف نماید و از این رهگذر، موجبات آگاهی ادب‌دوستان با داستان‌های سترگ جهان را فراهم آورد و این‌گونه قوت علمی این دانشگاه و توان بالای واژه‌شناسی و معدل‌یابی و انتقادگری ادبی خود را تا بیرون از مرزهای ایران به نمایش بگذارد.

مهم‌تر از کوشش علمی و آموزشی، نرم‌خویی و مهربانی و وقار آموزگاری این استاد و نویسنده بزرگ زبانزد دانشجویان و همکاران دانشگاهی است.

اینجانب از سوی جامعه علمی و کارکنان این دانشگاه ضمن قدرشناسی از زحمات مداوم دکتر صالح حسینی، تندرستی و آسایش وی و خانواده محترم‌شان را از درگاه خداوند یکتا خواهانم. پاس‌داشت و نکوداشت از خدمات علمی و اجرایی هر یک از اعضای خانواده بزرگ دانشگاه شهید چمران یکی از وظایف سازمانی و اخلاقی مدیران است که امیدواریم در شصت سالگی تاسیس دانشگاه بتوانیم تا حد توان از عهده آن برآییم.

و من الله توفیق

محمد رعایایی اردکانی

سرپرست دانشگاه



از مدالیون و لوح یادبود دانشگاه شهید چمران اهواز رونمایی شد

به گزارش روابط عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز، همزمان با برگزاری آئین تقدیر از سرپرست پیشین و معرفی رئیس جدید دانشگاه شهید چمران اهواز که روز گذشته با حضور دکتر روشن معاون حقوقی و امور مجلس وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد، از مدالیون و لوح یادبود این دانشگاه به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه رونمایی شد. این مدالیون و لوح یادبود توسط دکتر محمدرضا سوداگر، رئیس دانشکده هنر شوشتر دانشگاه شهید چمران اهواز طراحی شده است. گفتنی است در این آیین از دکتر محمد رعایایی اردکانی سرپرست پیشین دانشگاه تقدیر و دکتر غلامحسین خواجه به‌عنوان رئیس جدید دانشگاه معرفی شد.

اولین نشست اجتماعی دانش‌آموختگان ورودی دهه پنجاه دانشگاه

باسمه تعالی
دانش‌آموختگان ورودی دهه‌ی پنجاه دانشگاه شهید چمران اهواز
با سلام

اولین نشست اجتماعی دانش‌آموختگان ورودی دهه پنجاه دانشگاه، به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌گردد.

تاریخ: ۱۶/۰۹/۱۳۹۴

مکان: تهران، بلوار مرزداران، نرسیده به اتوبان اشرفی اصفهانی، خیابان ابوالفضل، خیابان بوستان ۷ غربی، مجتمع پاسارگاد، واحد ۲۱، دفتر موسسه فرهنگی، ورزشی و خدماتی خوزستانی‌های مقیم استان تهران

ساعت: ۱۷ لغایت ۲۱

دعوت کننده: دکتر نجفعلی رضائی با همکاری مدیر عامل خوزستان کلوب (دکتر صدریان) خواهشمند است حضور خود را در محفل صمیمانه ما اطلاع دهید.

با تشکر فراوان

گزارش مربوط به گردهمایی مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۷، بازنشستگان دانشگاه شهید چمران اهواز

این گردهمایی به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه با توجه به این که بازنشستگان نمادی از قدمت و تاریخ دانشگاه را تشکیل می‌دهند، در حضور جناب آقای دکتر خواجه، ریاست محترم دانشگاه، جناب آقای دکتر فرازمنند معاون اداری و مالی دانشگاه و تنی چند از مدیران محترم اجرایی دانشگاه و جناب آقای دکتر پاک سرشت، استاد و رییس محترم سابق دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی با محوریت اجرایی روابط عمومی و کانون بازنشستگان دانشگاه در تالار اجتماعات دانشکده مهندسی برگزار گردید. در این گردهمایی، ریاست محترم دانشگاه، ضمن گرامیداشت رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های شهدا و یاد گذشتگان دانشگاهیان، طی سخنان مبسوطی از نقش سازنده و مؤثر بازنشستگان در دوران اشتغال خود در توسعه همه جانبه دانشگاه به ویژه در شرایط سخت و دشوار ۸ سال دفاع مقدس، تجلیل و تکریم نمود و خاطر نشان ساخت که بازنشستگان جزئی لاینفک از تاریخ گویای دانشگاه در این دوره ۶۰ ساله سابقه دانشگاه می‌باشند که بهترین دوران عمر خود را صرف خدمات صادقانه به دانشجویان و دانشگاه نمودند و به این جهت دانشگاه را جزئی از وجود خود دانسته و آن را با تمام وجود دوست می‌دارند و در پایان اظهار داشت، از این که در جمع صمیمانه و خودمانی همکاران دیروز خود قرار گرفته‌ام، احساس سرور و شادمانی زایدالوصفی می‌نمایم. سپس آقای علیرضا قبیته، عضو هیأت مدیره کانون ضمن عرض خوش آمد گویی به حضار، گزارش کوتاهی از فعالیت‌ها و سفرهای زیارتی و سیاحتی و دیگر برنامه‌های کانون را به استحضار حاضرین رساند و از مساعدت و کمک‌های صمیمانه ریاست محترم و نیز معاون محترم اداری و مالی دانشگاه به کانون بازنشستگان دانشگاه تشکر و قدردانی نمود. سپس جناب آقای دکتر پاک سرشت، به عنوان یکی از اعضای هیأت مؤسس کانون، طی بیانات کوتاهی، از دشواری‌های معیشتی دوران بازنشستگی بازنشستگان و لزوم توجه بیشتر مراجع ذیربط به قشر آسیب‌پذیر این دسته از جامعه مطالبی ایراد فرمودند. سپس قطعه شعری زیبا در احوال دوران بازنشستگی که توسط یکی از بازنشستگان سروده شده بود، توسط خود ایشان با بیانی دلنشین خوانده شد، آن‌گاه آقای حمید قبله شناس نایب رییس کانون، ضمن ابراز تشکر و سپاس از ریاست محترم دانشگاه، معاون محترم اداری و مالی دانشگاه، مدیران محترم امور اداری و امور عمومی دانشگاه و جناب آقای دکتر پاک سرشت، استاد و رییس پیشین دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی به خاطر حضور در جمع بازنشستگان و ابراز تشکر و قدردانی از جناب آقای دکتر رعایایی، رییس محترم سابق دانشگاه به خاطر کمک‌های بی‌دریغشان به کانون و جناب آقای دکتر دادخواه به واسطه دعوت از کانون جهت شرکت در یکی از کمیته‌های وابسته به ستاد اجرایی شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه به بیان خاطره‌ای تاریخی از دوران اشتغال خود که مناسب با قدمت دانشگاه بود، پرداخت. در پایان از ۲۱ نفر از بازنشستگان برگزیده دانشگاه با اهدای لوح تقدیر و مدالیون مزین به آرم زیبای ویژه شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه و یک عدد کارت هدیه بانکی تجلیل به عمل آمد. این گردهمایی، مقارن با اذان ظهر به پایان رسید.

هیأت مدیره کانون بازنشستگان
دانشگاه شهید چمران اهواز

کلیات گزارش کار دبیرخانه آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه

اولین فراخوان مربوط به آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه در تاریخ ۹۳/۳/۱۸ منتشر گردید و طی آن از دانشگاهیان خواسته شد تا پیشنهادهای خویش را در این بارها به روابط عمومی دانشگاه ارسال نمایند. تا پیش از گشایش دبیرخانه مستقل برای شروع امور اجرایی، از تاریخ ۹۴/۱/۲۴ رییس کمیته اجرایی با حضور در دبیرخانه متمرکز، کارنامه‌نگاری را شروع نمود. دبیرخانه ویژه آیین رسماً از شهریورماه ۱۳۹۴ با آمدن یک کارمند کار خود را شروع نمود. کلیات گزارش کار دبیرخانه به شرح زیر است:

- ۱- تهیه پیش‌نویس کلیه پیام‌ها و نامه‌های ریاست محترم دانشگاه با موضوعیت شصتمین سالگرد.
- ۲- تنظیم تقویم کلیه برنامه‌هایی که قرار بود در قالب آیین شصتمین سالگرد اجرا شود.
- ۳- تشکیل جلسات و تنظیم صورتجلسات «کمیته اجرایی» و استخراج مصوبات و استفاده از آن برای «طراحی برنامه‌های» عمومی، انتشاراتی، ورزشی و فرهنگی آیین شصتمین.
- ۴- راه اندازی کارگروه‌ها و صدور احکام برای اعضای آن و ایجاد هماهنگی اولیه برای شروع کارگروه‌ها و تنظیم صورتجلسات و ابلاغ مصوبات آن به کلیه اعضا.
- ۵- دریافت نظرات، پیشنهادات اعضای هیأت رئیسه و شورای دانشگاه و عموم دانشگاهیان درباره برنامه‌های آیین شصتمین سالگرد.
- ۶- پیگیری مصوبات کارگروه‌ها و تنظیم و هماهنگی اقدامات بر پایه طرح کلی برنامه‌ها.
- ۷- کوشش برای تامین بودجه لازم و انجام کلیه مکاتبات و پیگیری امور مربوطه تا مرحله پایانی آن.
- ۸- انجام کلیه امور اجرایی و عملیاتی مربوط به انتخاب کارمندان نمونه.
- ۹- شمارش، جداسازی و توزیع مدالیون، طرح یادبود و پاکت کاغذی میان کلیه واحدهای اداری و آموزشی بر اساس تقویم برنامه‌ها.
- ۱۰- ابلاغ برنامه‌های جمعی به کلیه واحدهای دانشگاه.
- ۱۱- برقراری تماس با دانشگاه‌های استان، پیشکسوتان، کارکنان، اعضای هیأت علمی، کارشناسان.
- ۱۲- گردآوری تصاویر تاریخی دانشگاه، امانت گرفتن تصاویر متعلق به افراد، دریافت یادها و خاطره‌ها، زندگی‌نامه‌ها و مانند آن و تنظیم و ویرایش آن برای درج در لینک ویژه شصتمین سالگرد در پورتال دانشگاه.
- ۱۳- حضور رئیس کمیته اجرایی در کلیه جلسات کارگروه‌ها حسب دعوت مسئول کارگروه.
- ۱۴- جذب افراد حقیقی و حقوقی از میان دانشگاهیان برای همکاری در اجرای برنامه‌های آیین شصتمین سالگرد.
- ۱۵- نوشتن تحلیل‌ها، یادداشت‌ها با موضوعیت اهمیت شصتمین سالگرد دانشگاه و تبیین اهداف آن توسط رئیس کمیته اجرایی و انتشار آن در سایت‌های استان/کشوری و لینک ویژه در پورتال دانشگاه.
- ۱۶- کوشش برای دریافت پیام از سوی استادان دانشگاه، مدیران استان، مقامات کشوری و

- بلندپایگان نظام به مناسبت آیین شصتمین سالگرد.
- ۱۷- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی انجمن دانش‌آموختگان دانشگاه.
- ۱۸- نظارت بر حسن انجام کلیه مراسم مربوط به آیین شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه.
- ۱۹- تقسیم وظایف و سپردن اجرای مراسم به ادارات و معاونت‌های دانشگاه.
- ۲۰- نظارت و پشتیبانی از لینک ویژه شصتمین سالگرد. (کار بارگذاری مطالب توسط آقای عالم‌زاده از کارکنان روابط عمومی دانشگاه صورت می‌گیرد)

بخش دوم: گزارش‌های علمی

به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز
جشنواره هنرهای تجسمی برگزار می‌شود.

جشنواره آثار هنرهای تجسمی اساتید، فارغ التحصیلان و دانشجویان دانشکده هنر شوشتر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌شود. دکتر محمدرضا سوداگر، رئیس دانشکده هنر شوشتر در گفت و گو با روابط عمومی دانشگاه در این باره اظهار کرد: دانشکده هنر با همکاری موزه هنرهای معاصر اهواز منتخبی از آثار اساتید، دانشجویان و فارغ التحصیلان این دانشکده را در اردیبهشت ماه ۹۴ به نمایش می‌گذارد. وی اهداف این جشنواره را شناسایی هنرجویان و هنرمندان مستعد، پرورش و حمایت از آنان عنوان کرد و گفت: این جشنواره با مشارکت بخش خصوصی نگارخانه محمدخواه و نگارخانه اهواز برگزار می‌شود.

سوداگر ادامه داد: جشنواره هنرهای تجسمی مختص اساتید، مدرسان، فارغ التحصیلان و دانشجویان دانشکده هنر شوشتر و سایر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز است که در دو بخش آزاد و موضوعی (بخش ویژه) برپا می‌شود. آثار در بخش‌های نقاشی، عکاسی، حجم و آثار گرافیکی (انیمیشن، پوستر، چاپ دستی و ...) دریافت می‌شود.

رئیس دانشکده هنر شوشتر درباره نحوه دریافت آثار گفت: آثار هنری شرکت کنندگان در جشنواره ابتدا به صورت سی دی و سپس اصل اثر، پذیرش و دریافت می‌شود. حجم فایل ارسالی حداقل ۲ و حداکثر ۴ مگابایت با پسوند JPG و مود RGB، تصویر آثار با کیفیت ۳۰۰ Dpi و توضیحات در مورد اثر باشد. هم‌چنین اندازه اثر و مبلغ پیشنهادی ارسال گردد. حداقل اندازه اثر در یک ضلع ۵۰ سانتیمتر (در صورتی که اثر کوچکتر از این اندازه باشد ارائه اثر در زمینه ۵۰ سانتیمتری قرار گیرد) و حداکثر اندازه با ارتفاع ۲۵۰ سانتیمتر باشد. آثار عکاسی و گرافیکی دیجیتال نیز باید پرینت و بر روی شاسی نصب شوند و نقاشی‌ها نیز در قاب مناسب قرار گیرند. به گفته وی، هر شرکت کننده پس از تایید دبیرخانه می‌تواند حداکثر سه اثر ارسال کند؛ البته تعداد آثاری که به صورت مجموعه ارائه می‌شود با نظر دبیران و داوران قابل افزایش است.

وی مهلت ارسال آثار به صورت لوح فشرده (سی دی) را تا ۱۶ اسفند اعلام کرد و گفت: داوری اولیه ۱۹ اسفند، اعلام نتایج برگزیدگان ۲۳ اسفند، مهلت ارسال اصل اثر یکم اردیبهشت و زمان نمایشگاه هفته دوم تا پایان اردیبهشت ماه ۹۴ است.

سوداگر گفت: این جشنواره در دو بخش آزاد و ویژه (نگاهی به ارزش‌های بومی و طبیعت خوزستان، خوزستان و جلوه‌های دفاع مقدس) برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشجویان و اساتید علاقه‌مند به شرکت در



این جشنواره می‌تواند آثار خود را با توجه به شرایط فراخوان به دبیرخانه جشنواره واقع در موزه هنرهای معاصر اهواز ارسال نمایند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۰۶۱۳۲۲۳۳۳۳۴ - ۰۶۱۳۲۲۳۳۳۳۴ تماس بگیرند.

گزارشی از تخریب و بازسازی دیوار کوی استادان دانشگاه «داستان تخریب و بازسازی یک دیوار شصت ساله!!!»

امروز با حکم قوه قضائیه و حضور نماینده دادستان، عملیات بازسازی دیوار تخریب‌شده دانشگاه شهیدچمران اهواز آغاز شد.

به گزارش خبرنگار دانشگاهی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خوزستان، با صدور حکم قضایی بازسازی و ترمیم بخشی از دیوار کوی اساتید دانشگاه شهیدچمران اهواز که توسط معارضین تخریب شده بود، امروز (۱۴ مردادماه) با حضور نماینده دادستان، سرپرست و جمعی از اعضای هیأت علمی این دانشگاه از سر گرفته شد.

در حاشیه این مراسم دکتر محمد رعایایی‌اردکانی سرپرست دانشگاه شهیدچمران اهواز، با اشاره به اختلاف میان دانشگاه و برخی معارضین در مالکیت بخشی از اراضی این دانشگاه، به خبرنگار ایسنا گفت: این اختلاف به سالهای قبل از انقلاب برمیگردد که پس از طرح شکایت در اداره ثبت وقت رأی به سود دانشگاه صادر شد و معارضین از مطالبه خود کوتاه آمدند اما این مشکل به‌صورت ریشه‌ای برطرف نشد و بعد از گذشت سال‌ها معارضین مجدداً ادعای مالکیت خود را مطرح کردند.

وی افزود: برای رفع کامل این مشکل لازم بود در آن زمان سندهای معارضین باطل شود اما به دلیل آن که کسی گمان نمی‌کرد که بعدها این مشکل دوباره بروز کند و به دانشگاه تعرض شود ابطال اسناد معارضین رها شد.

سرپرست دانشگاه شهید چمران اهواز با بیان این که با افزایش قیمت زمین برخی افراد سودجو اقدام به تصرف قسمت‌هایی از اراضی دانشگاه کردند، یادآور شد: از سال ۷۰ تعرض به دانشگاه شروع شد و تاکنون ادامه دارد و در این مدت حدود ۷۰۰۰ متر از اراضی دانشگاه تصرف و از پردیس آن جدا شده‌است.

رعایایی با اشاره به لزوم اقدام ریشه‌ای برای حفاظت از اراضی دانشگاه شهیدچمران اهواز گفت: با تخریب دیوار دانشگاه به دلیل عدم وجود امنیت در کوی استادان و حفاظت از منازل اساتید، پیگیری‌های قضایی لازم انجام گرفت و موفق به اخذ مجوز ماده ۹ و بازسازی این بخش از دیوار دانشگاه شدیم تا پس از آن اختلاف میان دانشگاه و معارضین به‌صورت توافقی برطرف شود.

وی با بیان این که اسناد معارضین هنوز باطل نشده‌است، تصریح کرد: برای باطل کردن این اسناد ۹ دادخواست به مقامات قضایی ارائه شده‌است. اخذ مجوز بازسازی دیوار تخریب شده سریع‌ترین

اقدام برای پیشگیری از ناامنی در کوی استادان است. سرپرست دانشگاه شهیدچمران اهواز اظهار کرد: تخریب دیوار کوی استادان دانشگاه موجب ناامنی و نارضایتی شدید اساتید شده بود و این احتمال وجود داشت که تبعات سیاسی و اجتماعی نیز به همراه داشته باشد.

رعایایی خاطرنشان کرد: به‌طور جدی در حال پیگیری قضایی موضوع تعرض به اراضی دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی‌شاپور هستیم تا بتوان این مشکل را به‌صورت ریشه‌ای حل کرد؛ امروز در حال اجرای حکم بازسازی دیوار تخریب‌شده هستیم تا شاهد حفاظت از حریم دانشگاه‌ها و مراکز عام‌المنفعه‌ای باشیم که همانند مسجد مقدس هستند.

وی با بیان این‌که تخریب دیوار دانشگاه وجهه نامناسبی در استان ایجاد کرده است، گفت: برای مسئولان و سازمانها جای گلایه و شکایت بسیار است که دیوار یک دانشگاه با قدمت ۶۰ ساله تخریب شود و کسی به این مسئله واکنش نشان ندهد و تنها خود دانشگاه پیگیری کند.

سرپرست دانشگاه شهید چمران اهواز ضمن ابراز نارضایتی از عدم همراهی دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول در این رابطه، ادامه داد: نهادهایی مانند شهرداری و فرمانداری اهواز کمکهای بسیاری انجام داده‌اند اما انتظار ما از سایر دستگاهها و مسئولان همراهی بیشتر بوده است. اگر حساسیتهای لازم و پیگیریهای جدی از سوی مسئولان انجام نشود ممکن است این مشکل ریشه‌ای و سریال تعرض به دانشگاهها همچنان ادامه یابد. وی تأکید کرد: برای مردم استان و اهواز زبیده نیست به دانشگاهی با چنین قدمت و پیشینه‌ای تعرض شود.

به گزارش خبرنگار ایسنا، بخشی از دیوار دانشگاه شهیدچمران اهواز اسفندماه سال گذشته توسط معارضینی که ادعای مالکیت اراضی دانشگاه را داشتند، تخریب شده بود که امروز با صدور حکم قضایی عملیات احداث مجدد آن از سر گرفته شد.



به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز «مرمت دانشکده ادبیات با اعتبار ۱۰ میلیارد ریال آغاز شد.»

در آستانه شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران مرمت دانشکده ادبیات اهواز با اعتبار ۱۰ میلیارد ریال آغاز شد. این اعتبار که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان برای نوسازی و مرمت ساختمان دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق (سه گوش) اختصاص یافته قرار است با هماهنگی دانشگاه شهید چمران و اداره میراث فرهنگی استان خوزستان به‌زودی آغاز شود. مرمت دانشکده ادبیات اهواز با اختصاص ۱۰ میلیارد ریال در روزهای آینده انجام می‌شود. در حال حاضر این اعتبار در اختیار اداره میراث فرهنگی خوزستان به عنوان مجری طرح قرار گرفته تا نسبت به مرمت و نوسازی این بنای تاریخی اقدام کند.

«افشین حیدری» مدیر اداره کل میراث فرهنگی استان خوزستان با بیان این مطلب به خبرگزاری CHN گفت: طی تفاهم‌نامه همکاری عمرانی و فرهنگی با موضوع «مرمت و بهره‌برداری از ساختمان سه گوش دانشگاه شهید چمران اهواز» میان دانشگاه اهواز، اداره میراث فرهنگی و استانداری خوزستان، قرار است این بنا مرمت و بازسازی شود. با این‌که دانشگاه چمران اعلام کرده است که این بنا پس از مرمت به عنوان بانک اطلاعاتی فرهنگی و پژوهشی استان، موزه علم و فناوری و خوزستان‌شناسی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. اما حیدری می‌گوید که کاربری این بنا بعد از گذارندن مراحل مرمت توسط اداره میراث فرهنگی و دانشگاه شهید چمران مشخص می‌شود.

این درحالی است که از جمله تعهدات سازمان میراث فرهنگی در این تفاهم‌نامه، طراحی و تجهیز و در اختیار قرار دادن اسناد و اشیاء برای راه‌اندازی موزه علم و فناوری استان، تهیه و گزارش پیشرفت کار و ارائه به دانشگاه و معاونت برنامه‌ریزی استانداری، تهیه طرح مرمت و بازسازی ساختمان با هماهنگی دانشگاه است.

به گزارش CHN، از آنجایی که شهر اهواز فاقد موزه است از سال‌ها قبل قرار بود که دانشکده ادبیات اهواز تبدیل به موزه شود. چراکه این بنای تاریخی متعلق به دوران پهلوی است، که مساحت زیادی دارد و در بهترین نقطه شهر واقع شده است. همچنین دارای سالن‌ها و اتاق‌های متعددی است که برای نگهداری آثار باستانی و مجسمه‌ها و اشیای بزرگ فضای بسیار مناسبی دارد.

جهاد دانشگاهی خوزستان، نهالی که از دامن دانشگاه اوج گرفت به بهانه شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

«جهاد دانشگاهی می‌تواند دستگاهی باشد که با فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی، قشر جوان و دانشجو، کشور را در داخل دانشگاه‌ها هدایت کند و آنان را به پختگی و کمال لازم برساند.»
مقام معظم رهبری

در اسفند ۱۳۵۸، در جلسات شوراهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با الهام از رهنمودهای امام خمینی (ره)، جرقه‌های فکری انقلاب اسلامی فرهنگی زده شد و پس از بررسی‌های لازم در اردیبهشت ۱۳۵۹، طی برنامه‌ریزی مشخص و با کسب اجازه از امام (ره)، ضمن تهیه کارت شناسایی برای تعدادی از دانشجویان مسلمان و متعهد، کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را تعطیل کردند. این کار با مقاومت گروهک‌های معاند و دشمنان انقلاب اسلامی در خارج رو به رو شد که همگی فریاد «نبود آزادی» و بسته شدن درب‌های علم و پیشرفت را سر داده بودند؛ لکن عنایت خداوند بار دیگر جامعه انقلابی را مورد رحمت خویش قرار داد و امام (ره) به این خواسته و اقدام بر حق دانشجویان عنایت خاص نشان دادند و در ۱۳۹۵/۳/۲۳، فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر و اعضای آن را تعیین و منصوب نمودند.

بر اساس تعریف شورای انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی نهادی است عمومی و غیردولتی، زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دارای شخصیت مستقل و از لحاظ اداری، استخدامی و مالی تابع مقرراتی است که در چارچوب اختیارات قانونی به تصویب هیأت امنای جهاد دانشگاهی می‌رسد.

همچنین موادی مانند گسترش تحقیقات و شکوفایی روحیه تتبع و استعدادها در سطح جامعه برای نیل به خوداتکایی، توسعه امور فرهنگی در سطح جامعه از طریق همکاری با حوزه، دانشگاه و سایر مراجع و نهادهای فرهنگی به خصوص برای نسل جوان و گسترش طرح‌های کاربردی و نیمه صنعتی از طریق پیوند با مراکز علمی و تحقیقاتی به منظور به کارگیری نتایج پژوهش به عنوان وظایف این نهاد انقلاب تعریف شده است.

در حال حاضر هیأت امنای جهاد دانشگاهی، عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری در این مجموعه است. مجموعه جهاد دانشگاهی دارای ۴۳ واحد در استان‌های مختلف کشور است که ۱۳ واحد آن در شهر تهران و ۳۰ واحد در مراکز استان‌ها استقرار دارند. همچنین تعداد ۳ پژوهشگاه و ۲۴ پژوهشکده، ۲۷ سازمان، مرکز، مؤسسه و شرکت به ثبت رسیده، یک مجتمع تحقیقاتی و دو پارک علم و فناوری نیز تحت پوشش این نهاد فعالیت دارند.

آشنایی گذرا با ساختار و عملکرد سازمان جهاد دانشگاهی استان خوزستان
مجموعه جهاد دانشگاهی در استان خوزستان در همان سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با تشکیل این نهاد انقلابی در کشور، فعالیت خود را در استان واقع در ساختمان سه گوش دانشکده ادبیات دانشگاه و با بهره‌گیری از نیروهای مؤمن و متعهد دانشگاهی حول محورهای فرهنگی و آموزشی با عنوان جهاد دانشگاهی استان‌های خوزستان و لرستان تأسیس شد.



با؛ از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، یعنی یک ماه پس از تشکیل جهاد دانشگاهی اهمیت و ضرورت وجود این نهاد انقلابی برجسته‌تر شد. در زمانی که دشمنان نظام و انقلاب در پی تفرقه افکنی بوده و تمام تلاش خود را برای درتقابل نهادن حامیان انقلاب با دانشگاهیان و متخصصان می‌نمودند، جهاد دانشگاهی با تفکر خدمت همه جانبه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان و متخصصان به انقلاب اسلامی ایران فعالیت می‌نمود. جهاد دانشگاهی خوزستان نیز به پایگاهی عظیم برای اعزام نیرو به جبهه‌ها و مقاومت در مقابل بعثیانی که تا بیست کیلومتری اهواز پیش آمده بودند بدل شد. به دنبال تثبیت موقعیت نیروهای انقلابی در درون دانشگاه‌ها و آغاز فتوحات رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ، جهاد دانشگاهی خوزستان وارد مرحله سازماندهی تشکیلات درونی خود و شکل‌گیری بخش‌های مختلف از جمله بخش طرح و تحقیقات و بخش فرهنگی شد.

جهاد دانشگاهی در استان خوزستان دارای معاونت‌های فرهنگی، آموزشی، پشتیبانی و پژوهشی است و در ذیل این معاونت‌ها، مجموعه‌های فعال و جوانی در حال فعالیت هستند.

با توجه به اینکه مجموعه جهاد دانشگاهی از ابتدا با هدف انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها ایجاد شد، معانت فرهنگی این مجموعه هنوز هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و واحدهای تحت نظارت این معاونت از نیروهای جوان و فعال تشکیل شده است. خیرگزاری بین‌المللی قرآنی ایران (ایکنا)، خیرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا)، سازمان فعالیت‌های قرآنی و سازمان فرهنگی دانشجویی امام (ره) و انقلاب اسلامی، مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران، اداره فعالیت‌های اجرایی و سازمان دانشجویان ایران (شعبه خوزستان) از جمله واحدهایی هستند که در طول سال‌های اخیر در ذیل معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی خوزستان فعالیت داشته‌اند.

معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی خوزستان نیز در سال‌های اخیر از مجموعه‌های فعال این نهاد بوده است؛ مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان و دانشگاه علمی و کاربردی با دارا بودن تعداد زیادی دانشجو در رشته‌ها و مقاطع مختلف از مهمترین فعالیت‌های جهاد در حوزه آموزش عالی است. مرکز آموزش‌های تخصصی کوتاه مدت جهاد دانشگاهی خوزستان نیز با برگزاری کلاس‌های آموزشی مختلف و ارائه گواهی معتبر، توانسته در سال‌های گذشته نقش مهمی در ارتقاء سطح علمی کارکنان سازمان‌ها و ادارات دولتی استان خوزستان ایفا کند.

معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی خوزستان نیز فعالیت‌های پژوهشی گسترده‌ای را به انجام رسانده و با دارا بودن گروه‌های تحقیقاتی از جمله گروه پژوهشی اصلاح خاک و توسعه پایدار، گروه پژوهشی روانشناسی، گروه پژوهشی آموزش سلامت، مرکز خدمات تخصصی پزشکی، شعبه اشتغال و کارآفرینی و مرکز خدمات تخصصی و پژوهشی ژنوماتیک، خدمات پژوهشی ارزشمندی را ارائه کرده است. مرکز درمان ناباروری جهاد دانشگاهی خوزستان نیز از جمله مراکزی است که در سال‌های اخیر رشد کرده و با خدماتی که ارائه می‌دهد، می‌تواند موجب توسعه توریسم درمانی در منطقه جنوب غرب کشور شود.

پژوهشکده تکنولوژی تولید جهاد دانشگاهی شامل گروه پژوهشی مهندسی شیمی، گروه پژوهشی مهندسی برق، گروه پژوهشی مهندسی مکانیک، مرکز خدمات تخصصی برق و کامپیوتر، مرکز خدمات مهندسی و بازرسی و مرکز خدمات تخصصی شیمی است. شرکت مهندسی بهنیان جنوب



نیز از شرکت‌های فعال تحت مدیریت جهاد دانشگاهی خوزستان است. با قدردانی از سه دهه کوشش‌های پرسنل محترم جهاد دانشگاهی خوزستان از آغاز تأسیس تاکنون

گزارشی ادبی - عرفانی از اردوی دانش‌افزایی مشهد، در شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه

کامران رضایی جعفری، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

سه سالی می‌شد که به پیشگاه امام رضا (ع) نیامده بودم. از این رو در خود انگیزشی شیرین حس می‌کردم. در راه، درودنامه‌ی ویژه‌ی آن امام را همراه با خانواده‌ام خواندیم. پس از رسیدن به مشهد سینتال^۱ خواسته‌های خود را در ذهنم با امام بازگو کردم. نوردی^۲ دراز با قطار اتوبوسی، توان دیدار بارگاه سپنتای ایشان را در شبی که رسیدیم از من ربود. گردایه‌ی^۳ دانش‌افزایی دینی از شنبه ۷ شهریور در هتل زیبا و فراخی آور جم در چهار روز برگزار شد و من آموزگاه^۴ اندیشه سیاسی اسلامی را برگزیده بودم. در این آموزگاه پایه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی در سنجش با اندیشه‌های سیاسی باختری‌ها به میان کشیده شد. گفتارهای آموزشی، چالش‌های فراوانی را در میان استادان برانگیخت و آموزگاهی بسیار شیرین و گیرا پدید آورد. این‌ها نشانه‌ی در پیش گرفته شدن سوگیری نوین و زیبا است. من هم به اندازه‌ی خود در گفت و شنودها و هم‌سنجی‌ها هنباز شدم^۵. پذیرایی‌ها همراه با بازدیدها و گردش‌ها به باز آفرینی‌ام یاری رساندند. از آرامگاه فردوسی بزرگ در توس دیداری داشته و در آن‌جا پیمان خود را با استاد سخن پارسی در گوالش و شکوفایی زبان فارسی در نگاشته‌هایم بار دیگر زنده کردم.

در پسا نیم‌روز دوم فیلمی را از بخش نخست زندگانی فراگهر محمد (ص) که پرورده‌ی مجیدی بود دیدیم. این فیلم سرشار از دم به دم‌های چکامگی^۶ و نمادگراییانه است و از بود کسی می‌آگاهاند که نهاد مهربان و کردارهای مردم‌دوستانه و خوبی خواهانه‌اش، نشانی از منش پیامبرانه دارد و مژده‌های فره‌مندان مسیحی و یهود و هنبازی چمانه‌ای^۷ کیش‌ها، آمدن رستگاری دهنده را می‌گواهند. از این‌رو بر این باور شتاب بیشتری می‌دهد تا مردم گرفتار در بدبختی‌ها، پلشتی‌ها، دزدی‌ها و بدی‌های گوناگون به آمدن رهاننده از خاندان پاکان چشم داشته باشند. فیلم از ناروا شدن مسلمانان می‌آغازد و روزگار سخت «شعب ابی طالب»، فرود سوره‌ی فیل را که مژده‌ایی است از یاری پروردگار و پذیرش سختی‌ها و واگذاری کارها به خداوند، به نمایش می‌گذارد. فیلم با به کارگیری شگرد سینمایی بازگشت به گذشته (گذشته‌گردی) تازش ابرهه را نمایانده است. زایش فرخنده‌ی پیامبر، سرگذشت حلیمه و پاره‌ای دیگر از رویدادها از روزگار کودکی تا نوجوانی محمد (ص)، زنده به گور کردن نوزادان دختر، مهان‌گری و باژگونه‌ی آن ناداری و تنگ دستی و نیز برده داری، خشک سالی، کینه توزی بنی‌امیه، پیشگویی‌های بحیرا و دیدار با او و نورد بی‌سرانجام شام و ... از فرازهای تاریخی این بخش از فیلم «محمد رسول ...» است. هیاهویی که برخی از رسانه‌های نیرانی و نهادهای آیینی در نمایش چهره‌ی پیامبر به راه انداخته‌اند را درست نیافتیم. بهره‌گیری از فیلم‌بردار، آهنگ‌ساز و کارشناسان نمودهای ویژه و دکور در ترازهای بالای فرامرزی ارزش هنری این فیلم را بالاتر برده است. درون مایه‌ی این فیلم گفت و شنودها و آغالش^۸ اندیشه‌ها را میان برخی از استادان پدید آورد. اندیشیدم تاریخ‌سازی هنری به جای تاریخ نگاری هنری در این روزگار، انگشت پلمه^۹ را به سوی شیعیان درازتر می‌کند. هر آینه شاید مجیدی، این هنرمند بزرگ، از سرچشمه‌هایی نوشیده است که من از آن آگاهی ندارم. شاید هم

در نمایش‌های هنری جای دگرش‌ها یا برداشت‌ها از رخداد‌های تاریخی باز است؛ اگر به گوهر و بُن رخداد آسیب نرساند.

به سوی سپهر مینوی امام:

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند / موج‌های پریشان تو را می‌شناسند

پرسش تشنگی را تو آبی جوابی / ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند

نام تو رخصت رویش است و طراوت / زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند

هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی / هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند

اینک ای خوب فصل غریبی سر آمد / چون تمام غریبان تو را می‌شناسند^{۱۰}

در همان شب به سپهر مینوی فراگهر رضا (ع) پای گذاشتم، حال و هوایی دیگر پیدا کردم. با رسیدن به پیشگاه ایشان سرشک از دیدگانم برون ریخت. راز و نیازی کردم و دل را از تیرگی‌ها، اندوه و افسردگی‌ها پاک نمودم. پس از آن روشنی سرخوشانه‌ای در من پدید آمد. چه کنم من یک رضایی‌ام. دل بستگی و باور به امام از نیاکانم در من نهادینه شده است و از کودکی به ایشان مهر ورزیده‌ام. زیبایی درون تنها با هنر، ادب، علم، شادی و پرستش پدید نمی‌آید؛ گریه‌ها هم در جای خود زیبایی‌اند. من با این باور پرورش یافته‌ام که امام پاک، میانه‌دار یزدان مهربان و بندگانند و نیازها را می‌توان به ایشان گفت. گو این که باید نخست کوشید سپس از خدا یا جانشین او پیروزی در دستیابی را خواست. با این همه اگر کوشیدی و خدا یا میانه‌دارش را به یاری خواستی، اما به خواسته‌ات نرسیدی باید راضی به رضای خدا بود (=رضایی شدن)

در نزدیکی آستانه‌ی امام در نیایش‌هایم سربلندی این و آن جهانی همه‌ی مردم جهان را خواستار شدم. به ویژه برای پیشرفت و فرارفت همه‌ی ایرانیان، خوزستانی‌ها، همکاران گرامی‌ام، دانشجویانم، خویشان، دوستان و خانواده‌ام دعا کردم و از خدا خواستم درستی تن، روان، خوی و منش و کردار را به همگی بدهند و مرا در این میان فراموش نکنند.

رفت در آستان تو تفسیر می‌شود / دل با خیال حسن تو تسخیر می‌شود

حتی سکوت در حرم تو عبادت است / این‌جا نفس به یاد تو تکبیر می‌شود^{۱۱}

در ارزش‌یابی این هنگامه‌ی^{۱۲} دانش‌افزایی و ویژگی‌های نیکویی را می‌توان برشمرد: آزادی برخورد اندیشه‌ها و برهم‌کنشی، بهره‌گیری از استادان آگاه به اندیشه‌های نوین، پذیرایی شاهانه در جایگاهی شایسته، آشنایی با همکاران و خانواده‌هایشان در گروه‌های دیگر، همراه بودن با خانواده و در کل کارگردانی و کارگزاری خوب نهادهای برگزارکننده؛ همگی نشانگر این‌اند که این رویداد باید خود را بگستراند و همه‌ی همکاران را به زودی در برگیرد. هم‌چنین چون این کار یادبودی^{۱۳} برای همکاران و خانواده‌هایشان است؛ چه نیکوست سراسر رایگان شود تا شیرینی این نورد دل انگیز آموزشی دو چندان گردد. افزایش روزهای آموزگاه و دادن نبشته‌ی اندیشه‌ی سیاسی اسلام پیش از آغاز هنگامه‌ی دانش‌افزایی برای آمادگی همه‌ی استادان در گفت و شنودها پیش نهادهای دیگریست که بدان باید اندیشید.

بگو گرم و مکن هنگامه را سرد^{۱۴}

اشارت کردم خسرو کای جوانمرد



- ۱- مقدس
- ۲- سفر
- ۳- دوره، تجمع
- ۴- کلاس
- ۵- شرکت کردم
- ۶- لحظه‌های شاعرانگی
- ۷- معنایی
- ۸- برخورد و ستیز
- ۹- اتهام و بدنامی
- ۱۰- بخش‌هایی از سروده‌ی قیصر امین‌پور
- ۱۱- بخشی از سروده‌ی حسان
- ۱۲- زمانه، شور و غوغا، مجمع
- ۱۳- خاطره
- ۱۴- نظامی

گزارش برگزاری کارگاه دانش‌افزایی دینی ویژه اعضای هیأت علمی به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه دکتر عبدالله پارسا

طرح دانش‌افزایی دینی زیر نظر نهاد محترم نمایندگی مقام معظم رهبری استان خوزستان از تاریخ ۹۴/۶/۷ لغایت ۹۴/۶/۱۰ با حمایت معاونت محترم آموزشی دانشگاه و اجرای دفتر برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی در قالب دو کارگاه

۱. تاریخ و تمدن اسلامی ۲. اندیشه سیاسی و مبانی انقلاب اسلامی سطح ۱ در شهرستان مقدس مشهد برگزار گردید. در همین رابطه کلیه مراحل از آغاز طرح تا پایان آن به شرح زیر ارائه می‌گردد.

در مرحله نخست با ارسال فراخوان به کلیه دانشکده‌ها و اعلام در اولویت بودن اعضای هیأت علمی با سابقه ۳ تا ۵ سال و بر اساس ضوابط و مقررات مربوط به زمان اخذ پایه همکاران از متقاضیان خواسته شد جهت ثبت نام حضوری به دفتر برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی مراجعه نمایند. در مرحله دوم، بروشور مربوط به قوانین ثبت نام و همچنین فرم مخصوص درخواست و تعهدنامه مربوطه و انصراف به موقع به متقاضیان ارائه شد. در مرحله سوم و پس از نهایی شدن تعداد نفرات بر اساس ظرفیت اعلام شده، ضمن ارسال پیامک از طریق روابط عمومی دانشگاه و یادآوری نام کارگاه آموزشی مربوطه با تک‌تک متقاضیان تماس تلفنی برقرار گردید و مشخصات محل اقامت در مشهد مقدس را که از بیش تعیین شده بود به ثبت نام شدگان اعلام گردید. تعداد شرکت‌کنندگان نهایی در کارگاه اندیشه سیاسی و مبانی انقلاب اسلامی سطح (۱) ۲۹ نفر و در کارگاه تاریخ و تمدن اسلامی سطح (۱) ۳۲ نفر بوده است. همچنین مراحل ثبت سیستمی اسامی شرکت‌کنندگان نیز از طریق دفتر نهاد رهبری در دانشگاه قبل از عزیمت به مشهد مقدس انجام گرفت.

برای طرح مذکور با دو عضو محترم هیأت علمی مجرب دانشگاه مشهد آقای دکتر محمد باغستانی و دانشگاه تهران آقای دکتر نورالله قیصری هماهنگ گردید که خوشبختانه با حضور ایشان کارگاه‌ها به صورت بسیار مفید و ارزشمند برگزار گردید. همچنین منابع مالی این کارگاه با پشتیبانی هیأت رئیسه دانشگاه، معاون محترم اداری - مالی دانشگاه و حمایت معاون محترم آموزشی دانشگاه تأمین شد.

همچنین پس از تماس‌های مکرر با مدیریت هتل جم مشهد برای انجام مراحل زرو اتاق، اینجانب طی سفری یک روزه و مراجعه به آن، هتل پیگیر کلیه امور شدم که خوشبختانه به نحو احسن هماهنگی‌های لازم به عمل آمد. از ظهر روز جمع تاریخ ۹۴/۴/۶ آن هتل پذیرای اعضای محترم هیأت علمی بودند. شایان توجه است این هماهنگی به این لحاظ به عمل آمد که اعضا فرصت حضور الزامی خود در کارگاه‌ها را که از روز شنبه تاریخ ۹۴/۶/۷ آغاز می‌شد، داشته باشند.

در طرح دانش‌افزایی دینی جمعا ۶۱ نفر شرکت نمودند که به تفکیک ۳۲ نفر در کارگاه تاریخ و تمدن اسلامی سطح ۱ و ۲۹ نفر در کارگاه اندیشه سیاسی و مبانی انقلاب اسلامی سطح ۱ در محل‌های تعیین شده با کیفیت بسیار عالی حضور داشتند. این دوره‌ها از ساعت ۸ صبح تا ۳:۱۲

ظهر هر روز ادامه داشت و نوبت عصر را اعضای محترم هیأت علمی می‌توانستند به امور شخصی و زیارت حرم مطهر امام رضا (ع) مشرف شوند. همچنین با هماهنگی‌های لازم، دو نوبت سیاحتی و تفریحی برای کلیه عزیزان با خانواده‌هایشان در نظر گرفته شد:

۱. تماشای فیلم سینمایی ارزشمند محمد رسول الله (ص) ۲. دیدار از شهر تاریخی طوس و موزه آن بود. شایان توجه است فرصتی نیز به استفاده از امکانات استخر سرپوشیده موج برای اعضا فراهم گردید که استثنائاً هزینه آن به صورت شخصی و برعهده شرکت کنندگان بود.

همچنین در این سفر علاوه بر تعداد اعضای هیأت علمی، ۱ نفر از کارکنان دفتر برنامه‌ریزی و ۱ نفر از کارکنان دفتر نمایندگی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه حضور داشتند. در ادامه، مراحل برگزاری کارگاه پس از اتمام دوره و برای شرکت کنندگان گواهینامه شرکت در هر کارگاه به میزان ۱۶ ساعت صادر گردید.

شایان توجه است از دوکارگاه ذکر شده فیلم و عکس تهیه گردید که عکس‌های مربوطه همزمان با تشکیل کلاس‌ها و با هماهنگی دفتر هم‌اندیشی تهران به روی سایت مربوطه ارسال گردید و هم اکنون نیز قابل مشاهده است.

خوشبختانه کیفیت برگزاری کلاس‌ها بسیار عالی و رضایت‌بخش بود. توانمندی مدرسین، سطح بالای آگاهی شرکت کنندگان و علاقه آنها به شرکت فعالانه در مباحث کلاسی و چالش انگیز بودن موضوعات باعث شد رضایت خاطر خوبی از کیفیت آموزشی دوره حاصل شود و بازخوردهای دریافت شده از مجموعه همکاران بیانگر این رضایت خاطر بود.

در شصت سالگی آموزش عالی در خوزستان، جندی شاپور دزفول برای انجام نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی آماده است

جندی شاپور دزفول، برای انجام نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی آماده است. دزفول - ایرنا - سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دزفول از آمادگی محوطه باستانی جندی شاپور (جندی شاپور) برای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی خبر داد و گفت: نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی در جندی شاپور با حضور باستان‌شناسان ایرانی و خارجی انجام می‌شود.

یعقوب زلفی روز چهارشنبه در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا با بیان این‌که کاوش‌های باستان‌شناسی در مهرماه امسال و پیش از برگزاری کنگره بین‌المللی جندی شاپور انجام می‌شود افزود: در نشست کمیته میراث فرهنگی جندی شاپور که شامگاه سه‌شنبه با حضور معاون میراث فرهنگی، رییس موزه ملی ایران و رییس پژوهشکده باستان‌شناسی با موضوع کنگره جندی شاپور در محل موزه ملی ایران برگزار شد بررسی و کاوش از محوطه جندی شاپور در دستور کار قرار گرفت. وی با اشاره به این‌که تاکنون کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه باستانی صورت نگرفته است و تنها در سال ۱۹۶۲ میلادی دو باستان‌شناس آمریکایی گمانه‌زنی‌هایی در این منطقه داشته و اهمیت این محوطه باستانی را بیان کرده‌اند افزود: مقرر شد تیمی متشکل از کارشناسان داخلی و خارجی به کاوش در محوطه باستانی جندی شاپور بپردازند.

زلفی افزود: در بازدید مسوولان بلندپایه سازمان میراث فرهنگی کشور از محوطه باستانی جندی شاپور دزفول که به‌زودی انجام می‌شود راه‌کار لازم برای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی و رفع مشکلات سایت باستانی ارایه می‌شود.

سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دزفول اظهار کرد: بازنگری در تعیین عرصه حریم جندی شاپور دزفول نیز در برنامه‌های بعدی می‌باشد تا با تعیین عرصه حریم محوطه مشکلی در این خصوص با کشاورزان پیش نیاید.

وی نخستین اصل ایجاد پایگاه جندی شاپور را تعیین پلان مدیریت آن دانست و گفت: با مشخص شدن این مهم چارچوب کار (نقشه راه) مشخص و عملیاتی خواهد شد.

زلفی افزود: در این نشست هم‌چنین بر لزوم راه‌اندازی موزه در شهرستان دزفول تاکید شده ضمن این‌که چندین صاحب‌نظر خارجی آگاه از میراث فرهنگی ایران در همایش جندی شاپور حضور و سخنرانی خواهند کرد.

دانشگاه جندی شاپور واقع در محوطه باستانی شهر جندی شاپور دزفول که اکنون تنها بقایایی از آن برج مانده در عصر ساسانیان، نخستین مرکز علمی جهان بود که رشته‌های پزشکی، فلسفه و نجوم در آن تدریس می‌شد. شهر باستانی جندی شاپور با ۸۰۰ هکتار وسعت در ۱۲ کیلومتری شهر دزفول در مجاورت روستای اسلام‌آباد واقع است.

نخستین دانشگاه جهان به دستور شاپور اول ساسانی حدود ۱۸۰۰ سال پیش در این شهر تاسیس شد.

دانشگاه جندی شاپور (گندی شاپور) در عصر خود معتبرترین مرکز علمی جهان بود که رشته‌هایی چون پزشکی و نجوم در آن تدریس می‌شد.
آثار برجای مانده این شهر در ۲۴ شهریور سال ۱۳۱۰ به شماره ۴۶ در ردیف آثار ملی به ثبت رسید

نشست هیأت مدیره انجمن زیست شناسی ایران با اعضای هیأت علمی بخش زیست شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
گزارشی از دکتر احمدعلی معاضدی، عضو هیأت علمی گروه زیست‌شناسی

پنج‌شنبه سوم دی‌ماه سال جاری از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۰:۳۰ جلسه اعضای هیأت مدیره انجمن زیست شناسی با اعضای هیأت علمی گروه زیست شناسی در تالار بینش دانشکده علوم تشکیل گردید و پیرامون مسائل و مشکلات حوزه‌های آموزشی و پژوهشی در یک محیط صمیمی بحث و تبادل نظر گردید و در خصوص معرفی رشته زیست شناسی در لایه‌های جامعه و لزوم تاسیس خانه زیست شناسی در اهواز و انسجام و ارتباط بیشتر بین اعضای پیوسته با انجمن زیست شناسی و حضور فعال اعضای انجمن در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های وزارت علوم و هم‌چنین مسائل کلان آموزش عالی و... تبادل نظر گردید.

سپس از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۲ نشست انجمن زیست شناسی با دانشجویان رشته زیست شناسی برگزار گردید و دانشجویان نظرات و دیدگاه‌های خود را در خصوص ارتقای رشته زیست شناسی و مشکلات آموزشی و پژوهشی مطرح کردند و با حوزه فعالیت‌های انجمن زیست شناسی از منظر و نگاه ریاست و اعضای هیأت مدیره آشنا شدند و در خاتمه عکس دسته جمعی گرفته شد. ان شالله این گونه برنامه‌ها تداوم داشته باشد تا جایگاه و نقش رشته‌های علوم پایه در سطح کشور بیشتر شناخته شود.

ضمناً در این جلسه معاونت پژوهشی دانشگاه حضور یافتند و ضمن بیانات مبسوطی در مورد کیفیت پژوهش اعلام فرمودند که در هفته پژوهش امسال بخش زیست شناسی در سطح دانشگاه مقام اول را از نظر چاپ مقالات علمی و پژوهشی کسب کرده‌اند و در حاشیه نشست ایشان و مدیر کل پژوهشی وزارت علوم قول مساعد دادند که به نحو مقتضی بخش زیست شناسی را مورد حمایت‌های همه جانبه قرار دهند.



چمرانی گونه جدیدی از پروانه‌ها دکتر مهدی اسفندیاری، استادیار دانشکده کشاورزی

طریق عشق ز پروانه می‌توان آموخت که سوخت جان عزیز و خموش رفت و گذشت در طول سفری تحقیقاتی به منظور جمع‌آوری پروانه‌های شب فعال در ارتفاعات بالاتر از ۲۵۰۰ متری در شمال شرقی ایران، در یک شب سرد اواخر تابستان ۲۰۱۲، یک گونه ناشناخته پروانه از جنس آنانگوریسما توسط محمد مهدی ربیعه دانشجوی دکتری رشته حشره‌شناسی جمع‌آوری شد. این گونه بر روی کوه بینالود در نزدیکی شهر مشهد و بوسیله تله نوری شکار شد. طول بال‌های این گونه حدود ۳۵ میلی‌متر است. توصیف و نامگذاری این گونه جدید با همکاری محققان موزه تاریخ طبیعی بوداپست مجارستان انجام گرفت و نتایج آن در یکی از نشریات معتبر جانورشناسی به چاپ رسید. این گونه به افتخار شهید دکتر چمران به نام «آنانگوریسما چمرانی» نامگذاری گردید.

در خصوص وجه تسمیه این گونه در مقاله منتشره آمده است که شهید دکتر مصطفی چمران یکی از مبارزان برجسته جنگ ۸ ساله ایران و عراق بوده است که پس از شهادت وی دانشگاه جندی‌شاپور به افتخار او به دانشگاه شهید چمران اهواز تغییر نام داده است. این دانشگاه در دوره جنگ به دلیل شرایط جنگی در منطقه نیمه تعطیل بوده است.

آتش آن نیست که بر شعله‌ی او خندد شمع
آتش آنست که در خرمن پروانه
زدند

لازم به ذکر است که راهنمایی این پایان نامه به رعهده آقای دکتر سراج و با مشاورت دکتر مهدی اسفندیاری انجام گرفته است.

منابع:

<http://www.sciencedaily.com/releases/2013/07/130717114500.htm>

<http://zookeys.pensoft.net/articles.php?id=3366>

در آستانه شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه کتاب «مبارزات بی شکست» به قلم دکتر علم منتشر شد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز، این کتاب در ۲۲۰ صفحه توسط انتشارات راه معاصر در یک هزار نسخه منتشر و در کتابفروشی‌ها عرضه شده است. نویسنده کتاب در دو فصل به مقدمات شکل‌گیری و سامان‌یابی جنبش دانشجویی ایران و جنبش دانشجویی در سال‌های سرنوشت‌ساز ۴۲ تا ۵۷، به تفصیل به طرح موضوع‌هایی نظیر شکل‌گیری مبارزات دانشجویی در ایران، ویژگی‌های یک دهه مبارزه، چالش در جامعه، مبارزه در دانشگاه بین سال‌های ۴۲ تا ۵۷، مبارزات دانشجویی دانشگاه جندی شاپور و نقش سیاسی استادان و... پرداخته است.

در مقدمه این کتاب آمده است: جنبش دانشجویی یکی از مهم‌ترین ارکان پیدایش و قوام انقلاب اسلامی بوده است. دانشجویان به عنوان آگاه‌ترین قشر اجتماعی و سیاسی جامعه با تحلیل ماهیت رژیم و رویکردهای تخریبی آن مبارزات پرجمی را سازمان دادند که تصور هیچ‌گونه شکستی در آن‌ها راه نداشت چرا که اگر این مبارزات که با هر بهانه صنفی و سیاسی می‌توانست صورت بگیرد به هدف می‌رسید، گامی در جهت فروپاشی رژیم پهلوی بود و اگر سرکوب می‌شد نیز موجب محکومیت و تخطئه رژیم را فراهم می‌آورد. این تحقیق بر این مدعا اصرار دارد که آن‌چه که دانشجویان در جنبش دانشجویی ایران و بر علیه رژیم پهلوی به انجام رساندند همانا «مبارزات بی شکست» نام دارد.



تجلیل از دکتر صالح حسینی، مترجم و منتقد برجسته معاصر ایران هم‌زمان با برگزاری «نخستین جایزه‌ی ادبی دانشجویی اهواز» در دانشگاه شهید چمران

این جایزه به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز در روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه جاری برگزار می‌شود.

در این جایزه که با هدف شناسایی، تشویق و تقویت استعداد‌های ادبی دانشجویان دانشگاه‌های کشور، برگزار می‌شود، از دکتر صالح حسینی، استاد بازنشسته گروه زبان و ادبیات انگلیسی تجلیل می‌شود. هم‌چنین در این مراسم نکوداشت از کتاب «نیلوفر بیدار» ویژه‌ی نکوداشت این مترجم آثار ادبی، رونمایی می‌شود.

صالح حسینی (زاده‌ی ۱۳۲۵، سنقر در استان کرمانشاه) مترجم و منتقد ایرانی است. وی دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا است و در دانشگاه شهید چمران اهواز تدریس می‌کرد. وی تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش گذراند و سپس برای کسب مدرک کارشناسی وارد دانشگاه شیراز شد. وی در سال ۱۳۷۶ به عنوان منتقد و مترجم نمونه‌ی کشور از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

از جمله کارهای مشهور او می‌توان به ترجمه‌ی کتاب ۱۹۸۴ اثر جرج اورول و مقدمه‌ی دنیای قشنگ نو ترجمه‌ی سعید حمیدیان اشاره کرد. ترجمه رمان دل تاریکی اثر جوزف کنراد یکی دیگر از ترجمه‌های معروف او در حوزه‌ی ادبیات است. صالح حسینی هم‌چنین کتابی نوشته است با نام «نظری به ترجمه» که درباره فنون و هنر ترجمه است

گزارشی در حمایت از حافظان همیشه هشیار میراث فرهنگی خوزستان

دکتر عباس امام در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه خوزستان اظهار داشت: طبیعی است این اقدام مایه خوشحالی هر خوزستانی و افتخار هر ایرانی است به ویژه آن که اکنون خوزستان تنها استانی است در این کشور که تاکنون سه اثر آن به درجه عالی «ثبت جهانی» رسیده‌اند، بعد از چغازنبیل شوش و سازه‌های آبی-تاریخی شوشتر.

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز تاکید کرد: واقعیت این است که اگر عمیق‌تر به قضیه نگاه کنیم در عین خوش‌بینی نسبی به سرانجام این ابتکار جهانی به لحاظ آینده شهر باستانی شوش آن‌گاه خواهیم دید که همین نکته باید هشدار برای همه ما خوزستانی‌ها و دوست‌داران میراث فرهنگی-تمدنی این استان باشد. چرا؟ علت آن است که از نظر مقررات اساس‌نامه‌ای و آیین‌نامه‌های یونسکو زمانی این عنوان به مکانی اختصاص داده می‌شود که آن «مکان منحصر بفرد» به هر دلیلی نیازمند توانمندسازی به یاری و همکاری جهانیان می‌شود تا برای پیش‌گیری از ویرانی آن برنامه‌ریزی سامان‌مند کرده و برای احیا و رونق بخشیدن به وضعیت آن سازه طرح‌های نوینی به اجرا درآید.

امام افزود: اتفاقاً در این راستا بازخوانی خاطرات و مصاحبه‌های روان‌شاد پروفسور شه‌ریار عدل در سال‌های پس از انقلاب و جنگ تحمیلی و انگیزه‌های وی در تلاش برای پیگیری ثبت جهانی پرونده‌های تخت جمشید و شوش از این دیدگاه شایسته یادآوری است. طبیعی است از این جهت باید از این اقدام یونسکو و سازمان میراث فرهنگی کشور بی‌نهایت قدردانی کرد و به روان آن باستان‌شناس وطن‌پرست درود فرستاد.

مترجم کتاب «سفرنامه پژوهشی سرهنگ ویلیام کنت لافتوس نخستین کاوشگر شوش» تصریح کرد: بیایید منصفانه ببینیم ما خود چه بلایی به سر میراث فرهنگی خود آورده و می‌آوریم و در عوض نهادهای بین‌المللی ذریبط چه مسوولانه و دلسوزانه با این امور برخورد می‌کنند و از همگان در سطح جهان می‌خواهند تا دست یاری به سوی کشور ما دراز کنند و از بروز وضعیت ناپسند و زیان‌بار احتمالی جلوگیری کنند! شاید این گفته مرا بدبینی و منفی‌بافی تلقی کنید اما باور بفرمایید چنین نیست. باید اعتراف کنیم «روند» بی‌توجهی تاسف‌آور ما به «نگاهداشت شایسته» میراث نیاکان خود ما این شرایط را برای ما رقم زده است.

پژوهش‌گر میراث فرهنگی خوزستان ادامه داد: برای این که قدری با مشکلات استان خوزستان به عنوان یکی از غنی‌ترین خاستگاه‌های تمدن بشری آشنا شوید لازم نیست حتماً شما را به سال‌ها و دهه‌های دور ببریم تا ببینید ما خوزستانی‌ها و غیرخوزستانی‌های ایرانی چه بلایی بر سر میراث فرهنگی آبا و اجدادی خود آورده و می‌آوریم. روز ۲۴ تیر ۱۳۹۴ وقتی به سایت خبرگزاری ایسنا خوزستان نگاه می‌کردم آه از نهادم برآمد؛ ۲ خبر دردآور از این گونه بی‌توجهی‌های شایسته سرزنش‌ما. خبر اول با عنوان «شوش جهانی شد، اما دریغ از...» که در آن یکی از اعضای انجمن دوستداران میراث فرهنگی شوش دردمندانه گلایه می‌کند از نبود کوچک‌ترین نگاه دلسوزانه از سوی مسوولان شهرستان شوش. مسوولانی که حتی حاضر نشدند در مراسمی که برای ثبت جهانی شوش برگزار شده بود شرکت کنند. رییس میراث فرهنگی، فرماندار شهر و اعضای شورای



شهر و دیگر مسوولان محترم شهر شوش کجای ماجرا بودند؟ و خبر دوم به نقل از دکتر محمد ابراهیم مظهری، مشاور عمرانی دانشگاه شهید چمران اهواز، که دردمندانه می‌گوید: «موریانه‌ها ساختمان تاریخی سه‌گوش اهواز را جویدند» و جالب است بدانیم ساختمان تاریخی «سه‌گوش» نه در بیابان‌های دوردست و سخت‌گذر خوزستان بلکه دقیقا در مرکز شهر اهواز و تقریبا در فاصله ۵۰۰ متری ستاد استانداری خوزستان قرار دارد!

نویسنده کتاب تحقیقی «اندیمشک و اندیمشکی‌ها» در ادامه یادآوری کرد: همین یکی دو ماه پیش بود که در منطقه چغامیش دزفول (به عنوان یکی از کهن‌ترین مناطق پیدایش تمدن بشری) بولدورزهایی به جان این محوطه بسیار ارزشمند باستانی افتادند و با رسانه‌ای شدن ماجرا ابتدا مسوولان خونسرد میراث فرهنگی دزفول منکر قضیه شدند و صدا و سیمای خوزستان نیز با پخش یک سوبه اظهارات آنان متاسفانه به یاری آن‌ها شتافت اما خوشبختانه با پی‌گیری تنی چند از فعالان انجمن‌های مردم‌نهاد استانی اصل ماجرا رو شد و باعث برکناری ربیس اداره میراث فرهنگی دزفول گردید.

امام گفت: اجازه دهید باز هم از همین ماه جاری به نقل از یکی دیگر از دوستداران میراث فرهنگی خوزستان به نام رسول عوده‌زاده اشاره کنم که باز در همین ماه در تاریخ ۹۴/۴/۱ طی مقاله و گزارشی گسترده در سایت «بروال» از «تخریب دنباله‌دار میراث فرهنگی استان خوزستان» مثال‌های فراوانی ذکر کرده است. از جمله تخریب تپه‌های اقماری با چراغ سبز اداره میراث فرهنگی خوزستان، مجوز شهرداری اهواز برای تخریب سرای عجم و برخی دیگر از سازه‌های تاریخی در بافت قدیمی اهواز، بی‌توجهی به گورستان تاریخی لهستانی‌ها در میدان تره‌بار سابق اهواز، سرقت آهن‌آلات پل تاریخی کوت سید صالح در حوالی کوت عبدالله اهواز، بریدن شبانه سروهای کاخ قاجاری حمیدیه و نظایر آن‌ها. عزیزان دیگری از دوستداران میراث فرهنگی استان نیز از «تعرض و حفاری غیرمجاز» در معبد «بردنشانده» مسجدسلیمان در اندیکا، تعرض به پل باستان «عسکر مکرم» در شوشتر، تعرض غیرمسوولانه به «تل برمی» در رامهرمز و نظایر آن‌ها گزارش‌هایی تهیه و منتشر می‌کنند.

این استاد دانشگاه که تاکنون سمینارهای علمی متعددی با موضوع حفظ و صیانت از میراث فرهنگی خوزستان برگزار کرده با اشاره به این که دوستداران میراث فرهنگی استان خوزستان روزی نیست که از چنین نمونه‌های دردآوری در گوشه گوشه این استان سخن نگویند و گزارش‌هایی منتشر نکنند بیان کرد: برخی دیگر از این نمونه‌ها به این قرار است: تخریب فزآینده بافت‌های فرسوده شهری شهرهای دزفول، شوشتر و بهبهان، ویران‌سازی منازل سازمانی چشم‌نواز، خوش‌ساخت و گردشگرپسند شرکت نفت در شهرهای مسجدسلیمان، آبادان و ماهشهر، تخریب سازه‌های دوره‌های اسلامی در چندین منطقه ایذه، رامهرمز و اندیمشک و سرقت میراث فرهنگی به دست دزدان حرفه‌ای در این زمینه و حتی اخیرا تجاوز و تخریب دیوار دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از سوی زمین‌خواران پلید به بهانه‌های واهی آن هم در شرایطی که آقای فرهاد افشارنیا، ربیس کل دادگستری استان خوزستان، در تاریخ سوم تیر ماه جاری در جریان برپایی «همایش تجلیل از قضات و کارکنان نمونه دادگستری استان» از دستگیری ۴۰ نفر کار چاق‌کن مرتبط با قوه قضاییه استان خبر می‌دهد و بعید نیست تنی چند از همین کار چاق‌کن‌ها با این گونه پرونده‌های میراث فرهنگی استان مرتبط باشند.

وی خاطرنشان کرد: در چنین شرایطی است که بررسی کارنامه تحسین برانگیز، نویدبخش و افتخارآفرین دلسوزان حوزه میراث فرهنگی استان که عمدتاً به صورت داوطلبانه و در قالب تشکل‌های غیردولتی مانند «انجمن دوستداران میراث فرهنگی» (در شهرهای مختلف خوزستان)، «انجمن تارینا» و نظایر آنان فعالیت می‌کنند از اهمیت ویژه و دو چندان بر خوردار می‌شود. در واقع، همین افراد و نهادها هستند که چونان «حافظان همیشه هشیار میراث فرهنگی خوزستان» شب و روز نمی‌شناسند و تحرکات ضدفرهنگی غارتگران میراث فرهنگی خوزستان را رصد کرده و افشا می‌کنند آن هم در گمنامی، مواجهه با تهدیدات عوامل قاچاقچی اقلام میراثی، عدم برخورداری از پشتیبانی‌های حقوقی، قضایی و گاه حتی مزاحمت‌های سازمان‌های عریض و طویل دولتی و خصوصی و نیز در پاره‌ای موارد عوامل ناپاک در سیستم قضایی استان.

این دوستدار میراث فرهنگی همچنین گفت: بدیهی است هدف این فعالان دفاع از حفظ و حراست از هویت ایرانی - اسلامی این مرز و بوم است آن هم در شرایطی که نهادهای رسمی ذریط در این امر یا از «توان مالی» و یا از «توانایی اجرایی» ضروری برای دگرگون‌سازی این شرایط برخوردار نیستند.

امام اظهار کرد: اینجانب به عنوان یکی از علاقه‌مندان «نگاه‌داشت» و نیز «پاس‌داشت» میراث فرهنگی استان خوزستان وظیفه خود می‌دانم نام چند تن از این عزیزان دلسوز و دوستدار میراث فرهنگی استان خوزستان را برای ثبت در تاریخ میراث فرهنگی این استان دیرپا و دیرزی در این جا ذکر کنم هر چند به هیچ وجه ادعای کامل بودن این فهرست را ندارم. باشد که روزبه‌روز بر شمار این گونه انسان‌های استان ما افزوده شود و از این پس ما از سویی شاهد کاهش این بلایای غیرطبیعی و انسان ساخته و از سوی دیگر رونق گردشگری در این استان باشیم. چنین باد:

مجتبی گهستونی (پیش‌گام پرتلاش حوزه میراث فرهنگی سرتاسر استان خوزستان)

ایوب سلطانی (از اندیکا)

هوشنگ عارفیان (از اندیمشک)

علی جهانبخش و کوروش هاشمی (هر دو از لالی)

دولتی مختاران (از بهبهان)

منصور معتمدی (از رامهرمز)

امین نوری (از آبادان و خرمشهر)

محمد آذرکیش و ابوطالب شهی‌زاده (هر دو از دزفول)

علی‌بویری، علی حیدری و علی درویشی (هر سه از شوش)

عالیه چنگیزی (در زمینه دفاع از میراث طبیعی کل استان)

منصوره رضوی (در زمینه دفاع از میراث معنوی کل استان)

سعید محمدپور (از اهواز)

قاسم عبیات (دوستدار میراث فرهنگی)

یونس شفیعی (از باغملک)

غانم سواری (از حمیدیه)

جلیل جعفری (دبیر سرویس فرهنگی و هنری ایسنای خوزستان)

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در پایان گفت: یک توضیح پایانی و آن این

که «نگاه‌داشت» سازه‌های میراث فرهنگی فراوان و گسترده استان خوزستان نیازمند تخصیص بودجه‌های چندین میلیاردی است. بی‌تعارف بگوییم با بودجه‌های میلیونی، قطره‌چکانی و دیر هنگام از هیچ فرد و نهادی کاری ساخته نیست. وقت آن رسیده (اگر نگوییم بسیار هم دیر شده) تا نهادهای حاکمیتی مانند مجلس شورای اسلامی، دولت جمهوری اسلامی و قوه قضاییه با واقع‌بینی و به صورت هماهنگ چاره‌ای برای این ویرانی‌های گسترده و روزافزون میراث فرهنگی کشور و از جمله خوزستان بکنند.

امام همچنین ابراز امیدواری کرد: برنامه‌ای تدوین شود تا از صرف هزینه‌های هنگفت غیرضروری در سطح کشور و خارج کشور کاسته شود و در عوض به پشتیبانی از «نگاه‌داشت» و «پاس‌داشت» سازه‌های ایرانی-اسلامی این سرزمین همت گمارند.

به گزارش ایسنای خوزستان دکتر سید عباس امام در سال ۱۳۳۸ در اندیمشک متولد شد. وی تحصیلات متوسطه را سال ۱۳۵۶ در همین شهر به پایان رساند و در سال ۱۳۶۴ موفق به اخذ مدرک کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه شهید چمران اهواز گردید و در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه شیراز در رشته آموزش زبان انگلیسی به اخذ مدرک کارشناسی ارشد نایل شد. وی دکترای خود را در همین رشته از دانشگاه علامه طباطبایی تهران اخذ کرد.

امام هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز است و در کنار تدریس، تحقیق، تالیف و ترجمه در رشته تخصصی خود فعالیت‌ها و پژوهش‌های دامنه‌داری در حوزه خوزستان‌شناسی و تاریخ و میراث چند هزار ساله خوزستان انجام داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به برپایی سمینارهای متعدد، نگارش و انتشار مقاله و تالیف و ترجمه کتاب اشاره کرد.

متن گفت و گوی دکتر عباس امام پیرامون تخریب دیوار دانشگاه « اموال عام المنفعه » برای « افراد خاص المنفعه »

عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدچمران اهواز با انتقاد شدید از تعرض به حریم این دانشگاه، گفت: قرار گرفتن دانشگاه در معرض فشار عده‌ای زمین‌خوار ظلمی آشکار به ساحت دانشگاه، جامعه علمی استان و کشور و مردم خوزستان است.

دکتر عباس امام در گفت‌وگو با خبرنگار علمی و آموزشی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خوزستان، در آغاز با تقدیر از تلاش‌های پیگیرانه سرپرست دانشگاه شهید چمران اهواز (دکتر محمد رعایا نی) و نیز تیم حقوقی دانشگاه، و همچنین با سپاس از صدور حکم هر چند دیر هنگام ۹۴/۵/۱۴ دادگستری استان در تایید احراز مالکیت دانشگاه شهید چمران بر اراضی کوی استادان و آغاز بازسازی دیوار دانشگاه این اقدامات را مثبت ولی ناکافی ارزیابی کرد، و با اشاره به ادعای برخی افراد مبنی بر مالکیت قسمتی از زمین‌های دانشگاه شهیدچمران و تخریب دیوار آن، اظهار کرد: به‌عنوان عضو هیئت علمی نظام آموزش عالی کشور، موظف هستیم که از کیان دانشگاه شهیدچمران و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز حفاظت، و در برابر زمین‌خواران و برخی عوامل ناپاک در قوه قضاییه، از هویت دانشگاه دفاع کنیم، بویژه که امسال شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز از سویی، و بزرگداشت بین‌المللی دانشگاه باستانی جندی شاپور از سوی دیگر در جریان است.

وی با بیان این‌که در کوی استادان دانشگاه شهیدچمران و علوم پزشکی اهواز بیش از ۳۰۰ خانوار از اعضای هیات علمی ساکن هستند، افزود: ساکنان کوی استادان در اعتراض به تخریب دیوار و تعرض به دانشگاه هیچ سود شخصی ندارند بلکه این اعتراض یک واکنش اجتماعی است و ما به‌عنوان مدرس دانشگاه به آن اعتراض داریم و این در حالی است که کلیه افراد حقیقی که معارض و مدعی دانشگاه هستند در معرض شبهه سودجویی‌های کلان میلیونی و میلیاردری هستند: از جوانکی گستاخ که به عنوان نماینده بنگاهداری محل؟! برای نیروی انتظامی در اجرای حکم در محل خط و نشان می‌گشود!! تا عوامل نا سالم دیگری که در رده‌های گوناگون قوه قضاییه با این‌گونه اشخاص همدست و همدستانند.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدچمران اهواز گفت: اخیراً در «همایش تجلیل از قضات و کارکنان دادگستری خوزستان» رییس کل محترم دادگستری استان خوزستان (جناب آقای فرهاد افشار نیا) از دستگیری ۴۰ نفر کارچاق‌کن خبر دادند، و رییس حفاظت اطلاعات دادگستری (جناب آقای علی غیاثوند) نیز در تاریخ ۹۳/۱۱/۹ از دستگیری ۱۳ تن کارچاق‌کن دیگر و شناسایی ۲۰ نفر دیگر خبر دادند، و بعید نیست این‌گونه افراد در موضوع تصرف اراضی دانشگاه نیز دخیل باشند. طبیعی است این کارچاق‌کن‌ها با افراد دون پایه دادگستری تعامل ندارند بلکه بعضاً با کسانی ارتباط دارند که «انشای رای» می‌کنند. البته امیدوارم این را یک گمانه زنی فردی



بی دلیل و مدرک تلقی نفرمائید چرا که عرض بنده مستند به هشدار شخص ریاست محترم قوه قضاییه استان است که در همان مصاحبه به «قضات» هشدار می دهند: « ضروری است تا قضات و کارکنان دستگاه قضا در روابط خود با دیگران دقت نظر بیشتری داشته باشند». به این ترتیب، بدیهی است در قضیه ای به فضاحت تخریب متوالی دیوار دانشگاه، هم کارآمدی و هم سلامت دستگاه قضای استان در مظان تردید است، و اتفاقاً وجود نهادهایی مانند «دیوان عدالت اداری» و نیز «محکمه انتظامی قضات» برای رسیدگی به این گونه شبهات طراحی شده است. البته این به هیچ وجه به معنای زیر سوال بردن عملکرد قضات و دیگر کارکنان شریف استان و کشور نیست. از سوی دیگر، یاد آور می شود که مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۹۳/۱۲/۱۷ در دیدار مسئولان و دست اندر کاران منابع طبیعی و حفظ محیط زیست کشور اعلام کردند « زمین خواری جرم است و زمین خواران بی اغماض تعقیب قضایی شوند». رهبری حتی تا آنجا پیش رفتند که فرمودند اجازه داده نشود تا حتی با مستمسک های شبه شرعی مانند ساختن حوزه علمیه در زمین های دولتی به «حق الناس» تجاوز شود.

دکتر امام که صاحب تالیفات بسیاری در زمینه خوزستان شناسی است، با اشاره به سریال تعرض به دانشگاه شهیدچمران اهواز بیان کرد: نه پیش از انقلاب اسلامی، نه در شرایط بی نظمی های پس از انقلاب و حتی دوران جنگ این چنین به دانشگاه تعرض نشده است که دیوار آن در چند نقطه با بولدوزر به بدترین شکل تخریب شود.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: تخریب دیوار و تعرض به حریم دانشگاه آرامش را از خانواده های اساتید ساکن کوی استادان سلب کرده است و این امر می تواند با توجه به عوامل زیست محیطی نامطلوب مانند گرمای شدید و ریزگردها به فراری دادن نیروهای متخصص از استان منجر شود و خدای ناکرده امنیت فرهنگی-ملی ما را در معرض آسیب قرار دهد. از سوی دیگر، دانشگاه شهیدچمران یک زیرمجموعه دولتی است و می دانیم دولت در سال جاری با کسری بودجه ۵۰ (طبق مصاحبه دکتر محمد باقر نوبخت سخنگوی دولت در تاریخ ۹۴/۴/۱۵) مواجه است، و طبیعی است دانشگاه های ما نیز از این وضع متأثر می شود. بنابراین، باید از تحمیل احکام قضایی که هزینه های اضافی بر دانشگاه تحمیل می کند جلوگیری شود. متأسفانه، در این شرایط شنیده شده دانشگاه مجبور شده تا املاک تاریخی و خوابگاه های دانشجویی خود در بهترین نقاط شهر را بفروشد تا به کام زمین خواران برود. این ظلم آشکار به مردم خوزستان و نظام آموزش عالی جنوب غربی کشور است، استانی که به گفته امام خمینی در آغاز جنگ تحمیلی، «دینش را به اسلام ادا کرد». مجدداً یاد آور شوم این فرموده امام نه در پایان جنگ تحمیلی، بلکه در سالهای آغازین جنگ تجاوزکارانه صدام است که چرخ توسعه استان را اگر نگوئیم قرن‌ها ولی قطعاً دهه ها به تاخیر انداخت. بگذارید یاد آور شوم که در همین سال گذشته و جاری به عنوان مثال برای بازسازی فاضلاب و سیستم گاز کشی منازل اساتید، تامین روشنایی محوطه دانشگاه، تجهیز آزمایشگاه های گوناگون علمی و مهندسی، پرداخت اضافه کار اساتدان و کارکنان،

پرداخت حق و حقوق پیمانکاران دانشگاه ما شدیداً در عسر و حرج بسر می برد. همچنین است وضعیت دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور که ناچار است برای پرداخت های میلیاردی ظالمانه این چنینی از امکانات درمانی و بهداشتی مردم خوزستان بزند تا خدای ناکرده استقلال رای قاضی زیر سوال نرود، و الا سنگ روی سنگ بند نخواهد آمد؟؟!

این نویسنده و مترجم خوزستانی با اشاره به این که رهبری انقلاب بر «برخورد حاکمیتی» با تعرض به زمین های دولتی تأکید کرده اند، تصریح کرد: اگر فرضاً معارضان حقی دارند و قوه قضائیه حکمی صادر کرده است باید این حکم متوجه قوه مجریه و دولت جمهوری اسلامی گردد و مابه ازای آن از بیت المال پرداخت شود؛ نه آن که دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور در معرض فشار قرار گیرند تا «اموال عام المنفعه» خود را حراج کرده و در اختیار «افراد خاص المنفعه» قرار دهند.

وی با بیان این که خوشبختانه امروز «روز خبرنگار» است و در این راستا قوه قضائیه باید پاسخگوی افکار عمومی باشد، گفت: بعد از حمله به دیوار دانشگاه در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰ در حدود ۱۵۰ تن از اساتید دو دانشگاه شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور به عنوان اعتراض همان شب به استانداری رفتیم و مراتب اعتراض خود به این حکم و این گونه برخورد را به مسئولین استان از جمله فرماندار محترم اهواز (جناب آقای ارزانی)، معاون سیاسی امنیتی استانداری (جناب آقای دهقان)، و جانشین محترم فرماندهی نیروی انتظامی استان (جناب سرهنگ سپهوند) منتقل کردیم که این عزیزان نیز ضمن همدلی و همدردی با ما و ابراز تأسف از وقایع پیش آمده، علناً اعلام کردند که دلیل استقلال رای قضات هیچ مقامی متأسفانه حق مداخله در احکام قضایی را ندارد و استانداری فقط می تواند به عنوان رابط، قضیه را در شورای تامین استان مطرح کند. سپس، در تاریخ ۹۳/۱۲/۲ اساتید شاخص دانشگاه مانند پروفیسور کرمزاده، پروفیسور ناهید پور رضا، پروفیسور جعفر پور و برخی اعضای هیئت علمی دانشگاه مانند آقای دکتر صنیعی و دکتر کاظمی نژاد و سایرین در تجمع در مسجد امام خمینی دانشگاه از طریق مصاحبه با رسانه ها، جلسات و حتی با صدور بیانیه خواستار رسیدگی به مشکل تعرض به دانشگاه شدند اما قوه قضائیه استان به این مطالبات هیچ گونه پاسخی نداده در حالی که قانوناً و اخلاقاً موظف است پاسخگوی افکار عمومی باشد. آیا برآستی این مطالبه، یک مطالبه بیهوده، شخصی و زیاده خواهانه است؟؟ من تقاضا دارم مسئولین محترم و دلسوز قوه قضائیه استان لا اقل مصاحبه های این چهره های علمی افتخار آفرین استان و کشور در تاریخ ۹۴/۱۲/۲ را که در آرشیو خبرگزاری ایسنا ی خوزستان (وبه نقل از آن در ده ها سایت ذکر شده) را مورد مطالعه قرار دهند.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز خاطر نشان کرد: این در شرایطی است که قوه قضائیه کشور از طریق نشست های خبری هفتگی و ماهیانه سخنگوی قوه (حجت الاسلام اژه ای) و وزیر دادگستری (حجت الاسلام آقای پور محمدی) همواره پاسخگوی رسانه های



مستقل هستند، به همین جهت انتظار می‌رود که مسئولان دادگستری استان نیز پاسخگو باشند. اگر مسئولان محترم قضایی استان حاضر نیستند پاسخگوی اساتید دانشگاه‌ها باشند، پس می‌خواهند توجیهات حقوقی خود را به چه کسی منتقل کنند؟؟ بدیهی است پاسخ‌های یک سویه و کلیشه‌ای رادیو-تلویزیونی یا پشت تریبونی یک طرفه نیز راهگشا نیست.

دکتر امام که سالهاست مدرس درس‌های «ترجمه متون اسلامی» و «نیز» «ترجمه متون حقوقی» در استان بوده و در عین حال ترجمه‌های فراوانی در نشریات فرهنگی، اسلامی و حوزوی کشور دارند در پایان برای حل این معضل پیشنهاد کردند تا با توجه به عرایض فوق‌الذکر شورای حکمیتی سه‌جانبه و حاکمیتی (و یا در واقع نایب حاکمیتی) تشکیل گردد. پیشنهاد می‌شود این شورا در سازوکاری شبیه شوراهای حل اختلاف شامل ریاست محترم دادگستری کل استان خوزستان (به عنوان بالاترین شخص در ارگان قضائی استان)، حضرت آیت‌الله موسوی جزایری (به عنوان نماینده حاکمیت سیاسی کشور در استان خوزستان) و یک قاضی خوشنام و پاکدست مانند حضرت آیت‌الله شفیعی (که سابقه سالها ریاست قوه قضائیه استان را نیز در کارنامه دارند) به این مساله که حقیقتاً بازتاب‌های ملی و بین‌المللی آن می‌رود تا شائبه «وهن نظام قضائی» ما را پررنگ کند رسیدگی و اعلام رای کنند. من اگرچه پیشگو نیستم ولی پیش‌بینی می‌کنم رای چنین شورای محترم و متینی باعث رضایت همگان خواهد شد. در غیر این صورت، متاسفانه با مستمسک «استقلال قاضی» و عذر «خلا قانون» این مساله همچنان همچون استخوان لای زخم همگان باقی خواهد ماند. چنین مباد. انشاالله.

گزارشی از مراسم نکوداشت دکتر عبدالرزاق حیاتی استاد بازنشسته و پیشکسوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی

با حضور اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، از خدمات آموزشی، علمی و اجرایی دکتر عبدالرزاق حیاتی استاد پیشکسوت و بازنشسته گروه زبان و ادبیات انگلیسی قدردانی شد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز، در مراسم نکوداشت این استاد فرهیخته که ۱۷ آذرماه در سالن قیصر امین پور دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار شد، دکتر محمد رضا علم معاون دانشجویی دانشگاه متن پیام دکتر رعایایی اردکانی سرپرست دانشگاه را قرائت کرد. وی اظهار داشت: بر خود می‌بالم که حامل پیام قدردانی سرپرست دانشگاه از استاد حیاتی هستیم. افتخار شاگردی ایشان را داشته و در دانشکده با ایشان همکار بوده‌ام و از این جهت موجب مباهات من است.

سپس دکتر نصرالله امامی، استاد زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اظهار داشت: برای استاد دانشگاه، مفهوم بازنشستگی چندان قابل قبول نیست و مصداقی پذیرفتنی محسوب نمی‌شود. استاد دانشگاه بازنشستگی ندارد و همیشه ارتباط علمی و معنوی‌اش با دانشجو و دانشگاه برقرار است.

وی با بیان این‌که سابقه آشنایی‌اش با استاد حیاتی به حدود ۴۰ سال پیش بازمی‌گردد، از ایشان به عنوان انسانی با هویت معلمی و بسیار مشفق و مهربان یاد و تصریح کرد: پیوند میان جایگاه معلمی ایشان و شخصیت پدری او چنان با هم آمیخته بود که به جرئت می‌گویم دانشجویان در وجود ایشان سیمای پدر خود را احساس می‌کردند.

دکتر امامی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی و کاری استاد حیاتی گفت: ایشان انسانی با صفای باطنی، قابل ستایش و عاطفی و گریزان از حرف و دارای خصلت مدیریت آموزشی و منظم در کار تدریس و معلمی است. استاد حیاتی قدرت و توان بسیاری در عبور از بحران‌ها داشت؛ بحران‌هایی که در برهه‌ها و دوره‌های خاصی بر فضای دانشگاه حاکم بود.

این استاد دانشگاه با اشاره به سختی‌ها و مصائب دوران دفاع مقدس گفت: پیکره زخمی دانشکده پیشین ادبیات با دیوارهایی که آثار ترکش در آن وجود دارد گواه این است که در آن دوران با همه هراس و اضطرابی که بر دانشکده ادبیات حاکم بود کلاس‌های درس تعطیل نمی‌شد و دقیقاً در آن زمان چهره آرام و متین استادان ارزنده‌ای همچون استاد حیاتی به همکاران و دانشجویان روحیه می‌داد.

دکتر امامی با بیان این‌که استاد حیاتی با موفقیت از بحران‌ها عبور کرد گفت: روابط انسانی همیشه توأم با بحران است. استاد حیاتی وقتی به بحران‌های تعامل بین مدیران آموزشی و استادان، تعامل بین هیأت علمی، تعامل بین دانشجو و استاد رسیدند با قدرت مدیریتی در لحظه‌های بسیار سخت این بحران‌ها را پشت سر گذاشتند.

عضو هیات علمی دانشگاه چمران هم‌چنین به استادان جوان توصیه کرد قدر پیشکسوتان و کسانی که دست آن‌ها را گرفته‌اند و به این جایگاه رساندند را بدانند و از زمره کسانی نباشند که



دیر آمده‌اند و زود می‌خواهند بروند و فکر نکنند که حضور این پیشکسوتان جای آن‌ها را تنگ کرده است.

وی ادامه داد: من استدعا دارم که جایگاه و وجاهت علمی همکاران قدیمی را پاس بدارید تا شاهد بی‌اخلاقی که موجب آزرده خاطر شدن استادان قدیمی می‌شود نباشیم.

هم‌چنین دکتر عباس امام، عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید چمران اهواز با اشاره به خدمات اجتماعی، فرهنگی، هنری استاد عبدالرزاق حیاتی توضیح داد: معرفی استاد حیاتی هم در این چارچوب قابل تفسیر است و مساله صرفاً رابطه شخصی نیست. حضور ما پاس داشت نزدیک به ۵۰ سال خدمات آموزشی ایشان در شهر، در این استان و کلا در این کشور است.

دکتر امام با بیان این که دکتر حیاتی معلمی خودساخته است اظهار داشت: دکتر حیاتی برخاسته از یک خانواده متوسط و در محیطی روستایی رشد یافته است. شاید ریشه تواضع، فروتنی و عدم فخرفروشی ایشان ریشه در همین پایگاه اجتماعی طبقاتی دارد. این خودساختگی هم برای ما و هم به ویژه برای دانشجویان درس‌آموز است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: برای این دانشکده و گروه زبان انگلیسی با حدود ۵۰ سال سابقه آموزشی افتخاری است که جناب استاد حیاتی جز اولین یا دومین گروه از پذیرفته‌شدگان این رشته در این گروه بوده‌اند. هم‌چنین ایشان پرسابقه‌ترین مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی بوده‌اند.

دکتر امام با اشاره به شیوه کلاس‌داری، نظم و ترتیب، دقت نظر و تعهد کاری کم‌نظیر استاد حیاتی خاطرنشان کرد: استاد حیاتی در مدیریت گروه دارای حوصله، دلسوزی، حسن خلق و مردم‌داری مثال‌زدنی بود و پس از انقلاب تطبیق واحدهای دانشجویان را به درستی انجام داد. وی اضافه کرد: راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی با زحمات استاد حیاتی میسر شد. هم‌چنین پیشگامی در تهیه و تدوین مطالب درسی متناسب مختصات فرهنگی جامعه از دیگر دست‌آوردهای ایشان بود.

در ادامه این نشست استاد عبدالرزاق حیاتی هم گفت: سال ۴۷ که من به دانشگاه آمدم گروهی شامل دکتر بیگدلی و ملکی و... فعالیت می‌کردند. در آن زمان مخالفت‌ها و گرفتاری‌ها زیاد بود اما با این همه اوصاف توانستیم کاری را انجام دهیم که هنوز هم آثار آن مشخص است و این بسیار خوشحال کننده است.

وی بیان کرد: یادمان باشد اگر شما این جا هستید به خاطر کار کسانی است که در گذشته انجام دادند و حواس‌مان باشد وقتی کسی رفت فراموشش نکنیم.

دکتر با تبریک روز دانشجو به همه اساتید و دانشجویان، از آنان خواست به همدیگر احترام گذاشته و کار هم را ارج نهند.

در پایان این مراسم استاد عبدالرزاق حیاتی با اهدای لوح سپاس تجلیل و تقدیر شد.





ویژه‌نامه حاضر، که در بردارنده مجموعه نوشته‌های دانشگاهیان به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز است؛ از سویی نخستین ویژه‌نامه‌ای است که از سوی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه منتشر می‌شود و از سوی دیگر، نخستین ویژه‌نامه در حوزه تاریخ شفاهی دانشگاه شهید چمران اهواز به شمار می‌رود. از این رو، نباید انتظار داشت که این گام نخست، بی‌نقص و کاستی باشد. تدوین و انتشار آن نوشته‌ها، در واقع دریچه‌ای است که چشم‌انداز آن، می‌تواند مشتاقان را به برداشتن گام‌های دیگر و بر پایه اصول و پایه‌های علمی تاریخ شفاهی، امیدوار کند.